



درآئند بررسی اعتبارنامه غلامرضا حاج‌گودین در آغاز مجلس یازدهم

گروهی در آغوش واحد تاراج شاهین معاصر مؤسسه فرهنگی هنری مشنگ و ملای

سال گذشته کسی که بادوستان امنیتی در ارتباط بود، چند جلسه با من داشت و می گفت که نمی توانم این حرف را به تو بقبولانم و تو نمی خواهی قبول کنی. گفتم چیه؟ گفت کسانی که در یک سطح قرار می گیرند یکی باید تیک آنها را بزند، تیک تو را کی می زند؟ اصلاح طلبان می زنند یا اصولگراها؟ سپاه، بسیج، روحانی، خاتمی؟ چون ما هر چه بررسی می کنیم متوجه نمی شویم.

وزارت اطلاعات، حفاظت، شورای نگهبان، روحانی و... همه قبولت دارند ولی این تیک مال کیه؟
گفتم تیک من مال جمهوری اسلامی است.



فهرست

| | |
|-----|---|
| ۴ | پیشگفتار |
| ۱۲ | مقدمه |
| ۱۷ | خانواده و سوابق خانوادگی |
| ۲۵ | حضور در جریان‌های سیاسی، انقلاب و جنگ |
| ۲۹ | رانت تحصیل و شغل |
| ۳۵ | حضور در استان فارس |
| ۳۹ | ماجرای افشانی - قالیباف |
| ۴۱ | فعالیت اقتصادی شخصی |
| ۴۵ | ماجرای برجام و زاکانی |
| ۶۱ | اعمال نفوذ در بودجه برای حوزه انتخابیه (نوار جلسه احمد توکلی) |
| ۶۹ | اعمال نفوذ در بودجه به نفع نهادهای خاص و رشوه به شورای نگهبان |
| ۷۳ | بودجه سپاه و شورای نگهبان (نوار جلسه احمد توکلی) |
| ۷۵ | تاج‌گردون - اسرائیل - داعش - قاسم سلیمانی |
| ۸۱ | زاکانی - نظر وزارت اطلاعات - موضوعات سیاسی |
| ۸۵ | مدرک تحصیلی دکتری |
| ۹۷ | اموال شخصی و حضور در شبکه‌های بنگاهی و اقتصادی |
| ۱۱۱ | شراکت تاج‌گردون و کدخدایی |
| ۱۱۳ | لیست شبکه فامیلی تاج‌گردون |
| ۱۲۳ | املاک پدری |
| ۱۲۷ | سینمای گچساران |
| ۱۳۱ | موضوع حیدرآبادی و دلاویز |
| ۱۳۵ | اعمال نفوذ در قوه قضائیه |
| ۱۳۷ | دیگر ارتباطات فامیلی |
| ۱۴۳ | نقش ربیعی، ترکان و آشنا |
| ۱۴۷ | اموال توکلی و معامله اموال |
| ۱۴۹ | موضوع تأیید صلاحیت دوره یازدهم |
| ۱۵۱ | ارتباط با شبکه ضدانقلاب - پزشک گچسارانی |
| ۱۵۳ | ذی‌نفعان ردصلاحیت |
| ۱۵۹ | تبلیغات انتخابات |
| ۱۶۳ | فراکسیون زاگرس‌نشینان، قالیباف و جریان‌های سیاسی |

| | |
|-----|---|
| ۱۶۹ | تاج‌گردون، اصلاح‌طلبان و دولت |
| ۱۷۵ | حاکمیت اکثریت بر حق اقلیت |
| ۱۷۷ | داستان «تیک» |
| ۱۷۹ | لابی در مجلس |
| ۱۸۱ | شکل‌گیری مجلس و اعتراض به اعتبارنامه نمایندگان |
| ۱۸۷ | نظر شورای نگهبان |
| ۱۸۹ | جلسات شعبه مجلس |
| ۱۹۳ | نظر معاونت قوانین مجلس و اقدام قالیباف در صحن علنی |
| ۱۹۵ | تخلفات شش‌گانه رئیس مجلس در بررسی اعتبارنامه |
| ۲۰۵ | تشکیل کمیته تحقیق و مذاکره با شورای نگهبان و نهادهای نظارتی |
| ۲۰۷ | مجادله رسانه‌ای |
| ۲۱۱ | اظهارات شورای نگهبان |
| ۲۱۵ | گزارش سه صفحه‌ای رئیس کمیته تحقیق |
| ۲۱۷ | رای کمیسیون تحقیق |
| ۲۱۹ | دستمال کثیف |
| ۲۲۱ | نامه به قالیباف و اعلام عدم شرکت در جلسه صحن علنی |
| ۲۲۳ | دخالت و اراده سیاسی قالیباف |
| ۲۲۹ | آخرین تخلف قالیباف رئیس مجلس |
| ۲۳۱ | نظر قالیباف در مورد تاج‌گردون و اصرار بر اجرای نظرش |
| ۲۳۹ | مذاکرات تاج‌گردون - قالیباف |
| ۲۴۹ | حرف‌های آخر |
| ۲۵۳ | گاه‌شمار ۴۳ روز حضور در مجلس یازدهم |
| ۲۵۷ | اسناد پیوست |

پیشگفتار

مجلس شورای اسلامی رکنِ رگین نهاد قانونگذاری در ایران است که به‌طور مستقیم از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود. در فرمان مشروطیت از مجلس ایران هم به عنوان مجلس مقدس، شورای ملی و هم مجلس شورای اسلامی نام برده شده است. در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش از بازنگری نام این نهاد مجلس شورای ملی بوده، هرچند که در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ نمایندگان مجلس این نهاد را «مجلس شورای اسلامی» نامگذاری کردند. نخستین دوره نهاد قانونگذاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۷ خردادماه سال ۵۹ آغاز شد. مجلسی متشکل از تمام طیف‌های سیاسی حاضر در انقلاب با تنوعی مثال‌زدنی از چپ سیاسی و اقتصادی تا راست‌ها و رادیکال‌ها.

در ایران برخلاف دیگر کشورها، احزاب وجود و ماهیت خارجی ندارند و به جای آن عمدتاً طیف‌ها و گروه‌های سیاسی ایفای نقش می‌کنند. اوایل فقط «چپ» و «راست» در سپهر سیاسی کشور تأثیرگذار بودند و بعدها به موازات دیگر تحولات سیاسی در ادوار مختلف به «اصلاح‌طلب» و «اصولگرا» تغییر نام دادند. هرچند که در شهرستان‌های کوچک و با جمعیت کمتر، بیش از آنکه انتخابات تحت تأثیر جناح‌بندی‌های مرسوم در سیاست باشد به عواملی همچون مناسبات قومی-قبیله‌ای بستگی دارد. تاکنون یازده دوره انتخابات مجلس در ایران برگزار شده است. در این میان، همبای سایر استان‌ها، اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کهگیلویه و بویراحمد در هفتم خردادماه ۱۳۵۹ و با مشارکت ۴۳/۹۳ درصد واجدان شرایط شرکت در انتخابات برگزار شد که در این کارزار «قائمی» از حوزه بویراحمد و «بهرام تاج‌گردون» هم به عنوان نماینده مردم شهرستان‌های کهگیلویه و گچساران به مجلس راه یافتند. گچساران به مرکزیت شهر دوگنبدان از شهرهای نفتخیز کشور و مناطق گرمسیری استان کهگیلویه و بویراحمد است که به واسطه منابع سرشارش به «بام نفتی ایران» شهرت یافته و ترکیب غالب جمعیتی آن از اقوام لر و ترک قشقایی تشکیل شده است. حوزه گچساران تاکنون یازده دوره انتخابات مجلس را به خود دیده که البته دوره‌های ششم (به دلیل ابطال انتخابات) و هفتم (به علت فوت نماینده وقت) هم دو تجربه انتخابات میان‌دوره‌ای داشته است. این خطه از ایران اسلامی از دوره اول تا دوره پنجم با شهرستان کهگیلویه (حوزه انتخابیه کهگیلویه و گچساران) مشترک بود که در دوره ششم از کهگیلویه جدا شد و تحت عنوان «حوزه انتخابیه گچساران و باشت» استقلال یافت. به گواه تاریخ و اسناد موجود، دوره نهم مجلس شورای اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ گچساران و باشت قلمداد کرد. دوره‌ای که با کار و تلاش، گچساران و باشت توانست نقش خود را در استان بیشتر نشان داده و منتخب مردم هم نقش ملی بسزایی ایفا کرد. با ورود تاج‌گردون به مجلس، تحولات بزرگ یکی پس از

دیگری در منطقه رخ نمودند و آبادی و آبادانی به آن منطقه برگشت. در آن سوی ماجرا اما همین اقبال و استقبال روزافزون از او، آتش کینه مخالفانش را برافروخت تا در نبردی نابرابر به مقابله پرداخته و مقدمات حذفش را فراهم آورند. منتخب مردم یعنی غلامرضا تاج‌گردون توانست با دستیابی به جایگاه‌های مهم در عرصه قانونگذاری، نوع نگاه مردم و سیاسیون به انتخابات و تعیین وکیل را تغییر دهد.

جدول انتخابات‌های مجلس در شهرستان گچساران بعد از انقلاب

| اسامی مجالس | تاریخ | نام منتخب | مرحله انتخاب | حوزه انتخابیه | آرای شهرستان | | |
|--|--------------------|---------------------------|--------------|-----------------------|----------------|------------|-----------------|
| | | | | | کل آرای مأخوذه | آرای منتخب | درصد آرای منتخب |
| مجلس اول | ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ | تاج‌گردون بهرام | اول | کهنگیویه و گچساران | ۳۹/۱۳۳ | ۲۰/۶۵۰ | ۵۲/۵ |
| مجلس دوم | ۲۷ فروردین ۱۳۶۳ | حسینی نصیفی رهبنایی | دوم | کهنگیویه و گچساران | ۷۱/۱۶۰ | ۳۶/۶۳۱ | ۵۱/۵ |
| مجلس سوم | ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ | تاج‌گردون بهرام | اول | کهنگیویه و گچساران | ۱۱۳,۰۱۸ | ۴۲/۵۹۴ | ۳۷/۷ |
| مجلس چهارم | ۲۱ فروردین ۱۳۷۱ | سیدمحمد موحّد | اول | کهنگیویه و گچساران | ۸۱/۴۹۶ | ۷۵/۸۴۲ | ۴۲/۶ |
| مجلس پنجم | ۱۸ اسفند ۱۳۷۴ | سیدمحمد موحّد | اول | کهنگیویه و گچساران | ۱۶۷/۰۰۶ | ۸۵/۸۷۳ | ۵۱/۴ |
| مجلس ششم (ابطال انتخابات و آرای بهرام تاج‌گردون) | ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ | محمدعلی نوری‌زاده | میان‌دوره‌ای | گچساران و باشت | ۶۷/۲۰۴ | ۲۱/۹۸۷ | ۳۲/۷ |
| مجلس هفتم (فوت نماینده) | ۱ اسفند ۱۳۸۲ | محمدعلی نوری‌زاده | اول | گچساران و باشت | ۶۵/۸۹۱ | ۲۰/۹۶۲ | ۳۱/۸۱ |
| | ۲۷ خرداد ۸۴ | علی‌میراد جعفری | میان‌دوره‌ای | گچساران و باشت | ۷۲/۸۴۷ | ۲۱/۷۱۸ | ۲۹/۸۱ |

| آرای شهرستان | | | حوزه انتخابیه | مرحله انتخاب | نام منتخب | تاریخ | اسامی مجالس |
|--------------------|---------------|-------------------|--------------------|--------------|---------------------------|---------------------|-------------|
| درصد آرای منتخب | آرای منتخب | کل آرای مأخوذه | | | | | |
| ۲۸/۱۲ | ۲۳/۰۶۴ | ۸۲/۰۱۸ | گچساران و بایست | اول | سید قدرت‌الله حسینی | ۴ اسفند ۱۳۵۸ | مجلس هشتم |
| ۳۸/۲۳ | ۳۴/۹۷۴ | ۹۱/۶۳۴ | گچساران و بایست | اول | تاج‌گردون غلامرضا | ۱۲ اسفند ۱۳۹۰ | مجلس نهم |
| ۷۴ | ۶۶/۳۵۰ | ۹۰/۷۵۸ | گچساران و بایست | اول | غلامرضا تاج‌گردون | ۷ اسفند ۱۳۹۴ | مجلس دهم |
| ۵۰/۲ | ۳۸/۴۲۲ | ۷۷/۸۴۱ | گچساران و بایست | اول | غلامرضا تاج‌گردون | ۲ اسفند ۱۳۹۸ | مجلس یازدهم |

اعتبارنامه به مجموعه مدارکی گفته می‌شود که نشان‌دهنده سوابق کاری، درسی و دانشگاهی، نحوه انتخاب و اطلاعاتی درباره نماینده است. هر منتخب با این اعتبارنامه وارد مجلس می‌شود اما بررسی آن از سوی دیگر نمایندگان می‌تواند به این ورود پایان دهد. براساس قوانین موجود به ویژه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز آیین‌نامه داخلی مجلس، پس از اینکه شورای نگهبان صحت انتخابات را در حوزه‌ای تأیید کند؛ وزارت کشور بلافاصله موظف است دستور صدور اعتبارنامه را بدهد (ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی). اعتبارنامه در واقع گذرنامه منتخبان برای ورود به مجلس است. مواد ۲۷ تا ۳۹ آیین‌نامه داخلی مجلس جزئیات رسیدگی به این اعتبارنامه‌ها را تعریف کرده است و بر همین اساس؛ منتخبان مجلس پس از برگزاری مراسم تحلیف و ادای سوگند، در ۱۵ شعبه به طور مساوی و براساس قرعه‌کشی تقسیم می‌شوند. مسئولیت اصلی هر یک از این شعبه‌ها؛ تعیین اعضای کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه‌ها، تعیین اعضای کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس و بررسی صلاحیت سایر نمایندگان برای عضویت در کمیسیون‌های تخصصی مجلس است. اعتبارنامه نمایندگان براساس جدول حوزه‌های انتخابیه به ترتیب حروف الفبا بین شعبه‌های اول تا پانزدهم تقسیم می‌شود (ماده ۶۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی). براساس ماده ۳۰ آیین‌نامه داخلی، شعب رسیدگی به اعتبارنامه‌ها را شروع و نسبت به مدارکی که در شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار نگرفته یا پس از رسیدگی شورای نگهبان به دست

آمده است اتخاذ تصمیم می‌کند. در صورت رد اعتبارنامه، در حوزه انتخابیه نماینده رداعتبارشده باید انتخابات مجدد برگزار شود.

علاوه بر رسیدگی خود شعبه، هر یک از نمایندگان که به اعتبارنامه نماینده دیگری معترض باشد، باید ظرف مدت سه روز اعتراض خود را به صورت کتبی به شعبه مربوطه که در حال رسیدگی به اعتبارنامه مورد اعتراض است، تقدیم کند. شعبه هم حداقل ۲۴ ساعت قبل از رسیدگی به اعتبارنامه مذکور باید از معترض یا معترضان جهت توضیح پیرامون اعتراض خود دعوت کند. شعب حداکثر ظرف مدت ۱۲ روز از زمان دریافت پرونده و مقررات رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان باید بررسی خود را به پایان رسانده و گزارشی مبنی بر تصویب یا رد اعتبارنامه را از طریق هیئت رئیسه به مجلس ارائه کند.

بر اساس ماده ۶۸ آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی «گزارش هر یک از شعب درباره تأیید یا رد اعتبارنامه‌ها بدون ذکر دلیل در مجلس قرائت می‌شود. در صورتی که گزارش شعبه مبنی بر رد اعتبارنامه باشد و یا اینکه معترضین بر اعتراض خود باقی باشند، اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق ارجاع خواهد شد. در غیر این صورت اعتبارنامه مصوب تلقی گردیده و رئیس مجلس تصویب آن را اعلام می‌نماید.»

کمیسیون تحقیق ظرف مدت ۱۵ روز باید به موضوع رسیدگی کند. کمیسیون از معترضان برای توضیح شفاهی دعوت کرده و از نماینده مورد اعتراض هم می‌خواهد تا حضوری یا کتبی دفاعیاتش را به کمیسیون ارائه دهد. اگر نماینده مورد اعتراض، در جلسه حاضر نشود یا دفاعیه‌ای هم ارسال نکند، در این صورت کمیسیون بدون توجه به این موضوع، گزارش نهایی را تنظیم می‌کند. پس از بررسی کمیسیون تحقیق، نظر این کمیسیون، در مجلس قرائت می‌شود. اگر نظر کمیسیون تحقیق بر تصویب اعتبارنامه باشد، در این صورت سخنگوی شعبه‌ای که در مرحله اول اعتبارنامه را رد کرده بود، به توضیح اعتراض خود می‌پردازد، نماینده معترض هم حداکثر نیم‌ساعت در رد اعتبارنامه صحبت می‌کند. اگر معترضان متعدد باشند، سه نفر از معترضان به قید قرعه مجموعاً حداکثر به مدت نیم‌ساعت در رد اعتبارنامه صحبت می‌کنند. اگر نظر کمیسیون تحقیق بر رد اعتبارنامه نماینده باشد، در این صورت سخنگوی کمیسیون تحقیق به بیان ادله رد اعتبارنامه می‌پردازد. پس از بیان این گزارش‌ها، نماینده‌ای که به اعتبارنامه‌اش اعتراض شده، حداکثر به مدت دو برابر وقت مخالفان به دفاع از خود می‌پردازد. البته نماینده مذکور می‌تواند بخشی از وقت خود را به دو نفر از نمایندگان دیگر واگذار کند تا آنها از وی دفاع کنند (ماده ۷۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی).

پس از بیان نظرات معترضان و دفاع نماینده مورد اعتراض، مجلس وارد رأی‌گیری در خصوص اعتبارنامه مذکور می‌شود. در صورتی که نماینده مورد اعتراض، در جلسه حاضر نباشد، هیئت رئیسه ۱۰ روز به وی فرصت می‌دهد تا آماده دفاع از خود شود؛ اگر ظرف این مدت برای دفاع از خود حاضر نشود، در این صورت مجلس بدون توجه به دفاعیات وی وارد رأی‌گیری خواهد شد. رأی‌گیری در خصوص اعتبارنامه نماینده‌ای که مورد اعتراض واقع شده است، به صورت مخفی و با ورقه مخصوص صورت می‌گیرد. تا زمانی که اعتبارنامه نماینده‌ای تصویب نشده باشد، وی حق دادن رأی در خصوص مصوبات مجلس به جز در مورد اعتبارنامه سایر نمایندگان را نخواهد داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل مجالس مختلف، اعتبارنامه برخی از نمایندگان مورد اعتراض گرفت. در بررسی اعتبارنامه منتخبان مجلس اول، به یک روایت ۹ و براساس روایت دیگری ۱۲ نفر از نمایندگان نتوانستند اعتبار حضور خود در مجلس را به دیگر نمایندگان ثابت کنند. «حسن آیت» اما نماینده خوش‌اقبال مجلس اول بود که با وجود اعتراض‌های صورت گرفته به اعتبارنامه وی، سرانجام رأی موافق همکارانش را برای ماندن در مجلس جلب کرد. تعداد رد اعتباری‌ها در مجلس دوم شورای اسلامی به دلیل سامان یافتن شرایط کشور و قوانین وضع شده و اقدامات نظارتی کمتر شد. با وجود اعتراض‌ها و اختلاف‌نظرها درباره اعتبارنامه افرادی مانند صادق خلخالی، احمد آذری قمی، هادی غفاری، علی‌اکبر حمیدزاده و سیدمهدی طباطبایی، این افراد تأیید اعتبار شدند و از مجلس دوم تنها اعتبارنامه «بیوک آقاشریف» و «جاوید رمضان‌پور» رد شد.

در آغاز به کار سومین دوره مجلس شورای اسلامی، اعتراضات به اعتبارنامه شخصیت‌هایی چون حجت‌الاسلام «علی‌اکبر ناطق‌نوری»، «فخرالدین حجازی»، «محمدرضا باهنر»، «حسن سبحانی‌نیا»، «علی کامیار» و «علی عبدالعلی‌زاده» حاشیه‌ساز بود اما سرانجام حضور آنان در مجلس مورد تأیید قرار گرفت. «محمدتقی صابری‌انصاری» نماینده بروجرد رد اعتبار شد و جایگزین وی در انتخابات دور دوم یعنی هادی خاتمی هم دوباره در ایستگاه تأیید اعتبارنامه ایستاد و نتوانست به جمع نمایندگان راه یابد.

«سیدحبیب هاشمی» نماینده فسا در مجلس چهارم تنها منتخب رد اعتبار شده مجلس چهارم بود. اعتراض‌ها به اعتبارنامه «قاسم شعله‌سعدی» هم سرانجام به نتیجه نرسید و او در مجلس باقی ماند.

در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، «حمید بهرامی‌احمدی»، از ادامه نمایندگی مردم رفسنجان باز ماند و اعتبارنامه نمایندگی وی مورد تأیید دیگر

منتخبان قرار نگرفت.

در مجلس ششم اما بررسی اعتبارنامه «غلامعلی حدادعادل» بیش از پنج ماه طول کشید و اعتبارنامه «علی اکبر محتشمی پور» هم مورد سؤال قرار گرفت. این دو نفر از سد بررسی اعتبارنامه‌ها عبور کردند ولی «سیدمطهر کاظمی»، «براتعلی محمدی فر» و «حسن مرادی» منتخبان خلخال، سنقر و اراک از ادامه همراهی با مسیر مجلس ششم بازماندند.

دوره‌های هفتم تا دهم مجلس شورای اسلامی با وجود اعتراض‌های بی‌سابقه منتخبان به اعتبارنامه‌های یکدیگر، رد اعتبارنامه‌ای نداشت اما در پارلمان هفتم «رضا عبداللهی» نماینده ماهنشان زنجان، اعتبارنامه بیست نماینده مجلس را مورد سؤال و اعتراض قرار داد. اعتبارنامه «سلمان خدادادی» نماینده ملکان آذربایجان شرقی هم با جنجال‌هایی در مجلس هشتم همراه بود و تا پای رد هم پیش رفت. ابطال آرای «مینو خالقی» منتخب مردم اصفهان از سوی شورای نگهبان به دلیل انتشار برخی تصاویر شخصی وی در فضای مجازی مورد اعتراض نمایندگان قرار گرفت. اعتبارنامه «نادر قاضی پور» و «حسن کامران» مورد سؤال و اعتراض قرار گرفت اما سرانجام در کمیسیون‌های مربوطه تأیید شد و آنها توانستند کار خود را در مجلس ادامه دهند.

جدول رد اعتبارنامه‌های مجالس اول تا دهم

| اسامی مجالس | نمایندگان رد اعتبار شده | |
|-------------|---|---------------|
| | اسامی نمایندگان | حوزه انتخابیه |
| مجلس اول | ابوالقاسم حسین جانی | بندرانزلی |
| | صدر نبوی | کاشمر |
| | اسدالله جوانمردی | میانه |
| | خسرو ریگی | خاش |
| | خسرو قشقایی | اقلید |
| | احمد مدنی | بندرعباس |
| | علی مهیمی | کهنوج |
| | اسحاق فرهمندپور | کلیمیان |
| | جعفر توکلی | گلپایگان |
| | | آرا |
| | ۷۴ رای موافق، ۷۸ رای مخالف و ۴۶ رای ممتنع | |
| | ۲۹ رای موافق، ۱۲۹ رای مخالف و ۴۵ رای ممتنع | |
| | ۷ رای موافق، ۱۴۷ رای مخالف و ۴۱ رای ممتنع | |
| | ۳۷ رای موافق، ۹۸ رای مخالف و ۶۰ رای ممتنع | |
| | ۳ رای موافق، ۱۸۹ رای مخالف و ۱۴ رای ممتنع | |
| | یک رای، موافق، ۱۷۵ رای مخالف و ۷ رای ممتنع | |
| | اعتبارنامه وی به دلیل عدم امضای هیات اجرایی و هیات نظارت، به وزارت کشور بازگردانده شد | |
| | ۳۶ رای موافق، ۷۰ رای مخالف و ۸۹ رای ممتنع | |
| | ۵۹ رای موافق، ۸۹ رای مخالف و ۳۰ رای ممتنع | |

| نمایندگان رد اعتبار شده | | | اسامی مجالس |
|--|----------------------|----------------------|-------------|
| آرا | حوزه انتخابیه | اسامی نمایندگان | |
| ۳۴ رای موافق، ۱۰۰ رای مخالف و ۶۵ رای ممتنع | مرند | بیوک آقاشریف | مجلس دوم |
| ۵۴ رای موافق، ۶۸ رای مخالف و ۵۱ رای ممتنع | بندرلنگه | جاوید رمضان پور | |
| ۶۹ رأی موافق، ۹۲ رای مخالف و ۵۷ رأی ممتنع | بروجرد | محمدتقی صابری انصاری | مجلس سوم |
| ۵۵ رای موافق، ۱۲۵ رای موافق و ۲۸ رای ممتنع | فسا | حبیب هاشمی | مجلس چهارم |
| ۴ رای موافق، ۱۹۴ رأی مخالف و ۱۳ رای ممتنع | پله سوار و پارس آباد | حبیب برومند | |
| ۴۹ رای موافق، ۱۴۹ رأی مخالف و ۱۵ رای ممتنع | رفسنجان | حمید بهرامی احمدی | مجلس پنجم |
| ۱۰۵ رای موافق، ۸۱ رای مخالف و ۵۲ رای ممتنع | سنقر و کلیایی | براعتلی محمدی فر | مجلس ششم |
| ۷۵ رای موافق، ۱۳۸ رای مخالف و ۲۲ رای ممتنع | خلخال | سیدمطهر کاظمی | |
| ۸۷ رای موافق، ۱۰۸ رای مخالف و ۳۵ رای ممتنع | اراک | حسن مرادی | |
| --- | --- | --- | مجلس هفتم |
| --- | --- | --- | مجلس هشتم |
| --- | --- | --- | مجلس نهم |
| --- | --- | --- | مجلس دهم |

کتاب «تیک» با موضوع فرایند بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاج‌گردون در آغاز مجلس یازدهم در قالب مصاحبه (پرسش و پاسخ) تدوین شده است. این کتاب کلیت اعتراض به اعتبارنامه تاج‌گردون در مجلس یازدهم شورای اسلامی را در بر می‌گیرد. نماینده‌ای که با آرای قابل توجهی از مردم حوزه‌های انتخابیه گچساران و باشت به مجلس راه یافت. یک سال قبل از انتخابات مجلس یازدهم، مخالفان تاج‌گردون از هر فرصتی برای تخریب شخصیت و وجهه سیاسی وی استفاده کرده و در نهایت در مجلس یازدهم نقشه خود مبنی بر

رد اعتبارنامه‌اش را عملی می‌کنند. عملی که برخلاف قانون و آیین‌نامه‌های حقوقی در قالب اتهامات واهی شکل گرفته و با سردمداری مغرضانه برخی از متنفذان سیاسی ملی و همراهی مخالفان منطقه‌ای به کشمکش ۴۳ روزه در مجلس و رسانه‌ها تبدیل می‌شود. سرانجام پس از اعتراضات متعدد و تأیید در شعبه و همچنین کمیسیون تحقیق (با اکثریت قاطع آرای نمایندگان)، اعتبارنامه مجدداً (باز هم برخلاف قوانین حقوقی) به صحن ارجاع و اعتبارنامه تاج‌گردون با هماهنگی رئیس مجلس و طیف مخالفان (در یک نقشه از پیش طراحی شده) رد می‌شود. شمه‌ای از نامه‌نگاری معترضان و دفاعیات افشاگران تاج‌گردون پیوست این کتاب است که ماهیت این لجاجت سیاسی را فارغ از هر نگاه و قضاوت مغرضانه‌ای برای مخاطب آگاه و هوشمند فاش می‌کند.

مقدمه

نیمه‌شب سوم اسفندماه، صدای شادی مردم در کوچه و خیابان شهر و روستا به گوش می‌رسد. انگار کن آزادی خرمشهر! شادی بیش از نیمی از مردم گچساران و باشت که کاندیدای منتخب‌شان برای سومین بار و با قاطعیت اکثریت آراء را کسب کرده است. شادی مردمی که با همهٔ کمبودها و محرومیت‌ها هنوز به آیندهٔ شهرشان امیدوارند و بر این اعتقادند مسیری را که هشت سال طی کرده‌اند مسیر درستی است و باید ادامه یابد. آنان اعتقاد دارند که سال‌های سال طول می‌کشد که زمان و مکان و موقعیت ویژه‌ای پیش بیاید که بتوان اعتمادی سه باره به وکیلی کرد که قادر باشد حقوق تاریخی آنان را باز ستاند. این‌ها مردمی‌اند که در هر خانواده‌شان عکس یک قهرمان شهید بر دیوار خانه‌شان دارند و پسر با دست‌های کوچک توانسته پرچم بزرگ پدر را برافراشته نگاه دارد. این‌ها مردمی‌اند که به جای زره فولادی بر تن و به جای بوکۀ فشنگ‌های یادگاری از جنگ بر طاقچهٔ دیوار، گلوله در گوشت و استخوان خود به یادگار دارند. برای این مردم چه شادی‌ای بالاتر از این که تمام گلوله‌های مانده از دوران گذشته را تیر هوایی شادی کنند برای بدرقهٔ انتخاب خودشان! و این‌گونه شد که تاج‌گردون با بدرقهٔ چشم‌های امیدوار مردم گچساران و باشت، با ترکیبی از صدای کِل و صلوات و آواز تفنگ برای سومین بار وارد مجلس شد و این یعنی «میزان رأی ملت است».

مجلس یازدهم با ترکیبی تقریباً یکدست آغاز شد؛ از آن جهت که همه اصولگرا بودند و تنها تاج‌گردون و چند منتخب دیگر اصلاح‌طلب یا شاید مستقل، توانسته بودند با رد هزار مانع سیاسی و غیرسیاسی به خانهٔ ملت راه یابند. باز سپاس پروردگار که چند نفر با افکار متفاوت سیاسی وجود دارد که اگر اشتباهی باشد، فارغ از هم‌نگی و معذوریت سیاسی فریاد بزنند.

مجلس یازدهم مطابق قانون در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۹ آغاز به کار کرد؛ آغازی که چشم ملت ایران و شاید دنیا به آن دوخته شده بود.

مطابق روال، پروندهٔ اعتبارنامهٔ نمایندگان به شعب مربوطه ارجاع شد و پروندهٔ تاج‌گردون درحالی‌که خود توانسته بود بر کرسی ریاست شعبهٔ ۱۰ بنشیند برای بررسی اعتبارنامه به شعبه ۱۲ ارجاع شد و شاید اولین اشتباهش این بود که با نشستن بر کرسی ریاست شعبه، روح مخالفانش را آزرده مگر می‌شود در این مجلس باز تاج‌گردون بر کرسی ریاست شعبه‌ای بنشیند! خبر رسید که چند نفر از نمایندگان، علیه اعتبارنامه‌اش اعتراض کرده‌اند و این تا حدودی طبیعی بود که همیشه در آغاز به کار هر مجلسی این‌گونه اتفاقات صورت می‌گرفت. مغایر قانون و روال دوره‌های مختلف مجلس و علی‌رغم نامهٔ رسمی شورای نگهبان بر رد ادعای معترضین، پس از بحث و مجادلهٔ مفصل اعتبارنامهٔ تاج‌گردون به رأی شعبه گذاشته شد ولی برخلاف انتظار معترضین و فضای رسانه‌ای خودساخته شعبه رأی بر تأیید

اعتبارنامه داد و سکوتی غیرقابل باور بر فضا حاکم شد. در صحن علنی و باز هم برخلاف آیین‌نامه‌های مجلس، اعتبارنامه مورد اعتراض را با تشخیص غلط رئیس مجلس به کمیسیون تحقیق فرستادند. نماینده مردم در مجلس حق دارد برای تضييع حق الناس يا هر اعتراف ديگري اعتراض كند، اما آن همه هجمه و دشمنی و تخلف صريح از قانون در جهت تخريب وسيع تاج‌گردون برای افكار عمومي قابل پذيرش نبود. با همکاری ویژه هیئت رئیسه و بخصوص رئیس مجلس، پازل‌های سناریوی حذف وی از مجلس - که جرعه آن از مدت‌ها قبل زده شده بود و کینه و نیت آن از مجلس نهم و شاید دوران برجام شکل گرفته بود - تکمیل می‌شد. پرونده با مستندات تنظیم شده توسط معترضین در کمیسیون تحقیق طرح شد و معترضین فضای داخل و بیرون مجلس را در دست گرفتند تا بتوانند اعتبارنامه را در کمیسیون رد کنند.

از پدربزرگش شروع کردند یعنی حدود ۱۱۰ سال پیش. پدر و مادر، برادران و خواهران، عمو و عموزاده، دایی و دایی‌زاده، عمه و عمه‌زاده و در یک کلام دودمانش روی میز کمیسیون تحقیق به بحث گذاشته شد. از یک‌سو ناراحت و از سوی دیگر متعجب از اینکه چه شده که درباره اعضای خانواده‌اش در پارلمان ایران بحث می‌شود.

دیگر نهادهای حکومتی و امنیتی و شورای نگهبان را به کمک خواستند تا شاید آنان مدرک، ادله یا موضوعی داشته و ارائه دهند به این بهانه که ردش کنند، ولی همگان آمدند و نظر به پاکي او و رد ادعاهای واهی معترضین دادند.

اعضای کمیسیون تحقیق بعد از ۱۵ روز تحقیق باز هم برخلاف انتظار معترضین، رأی قاطع به تأیید اعتبارنامه دادند. معترضین داد برآوردند و نهادهای امنیتی را رفوزه خواندند و اعضای کمیسیون تحقیق و شعبه را هم ...

چون کمیسیون تحقیق رأی به تأیید اعتبارنامه داده بود و تاج‌گردون از همه اتهامات مبرا شده بود - بسان سیاوش که برای اثبات حقانیت خود از آتش به سلامتی گذشت - می‌بایست آن‌گونه که پیش‌بینی می‌شد مطابق قانون و روال همیشگی مجالس مختلف، کار خود را در مجلس جدید آغاز می‌کرد. اما برای این مجلس، انگار هزینه حذف تاج‌گردون هر چه می‌بود، بر بوندنش می‌ارزید؛ برچسبی که برای همیشه بر تارک مجلس یازدهم زده خواهد شد و هزینه‌اش فراتر از انتظار.

اینگونه شد که با چراغ سبز رئیس مجلس و مغایر تمامی قوانین و مقررات و ادله حقوقی تصمیم گرفتند اعتبارنامه وی در صحن علنی به رأی گذاشته شود تا آخرین حربه حذف به کار گرفته شود.

تاج‌گردونی که طی هشت‌سال حضور در مجلس، جز در مواقع ضروری و ارائه گزارش اقتصادی به مردم، هیچ‌گاه در رسانه‌ها حضور نیافت، در یک هجمه ناجوانمردانه از طرف رسانه‌های داخلی و خارجی شده بود تیتراژ اول اخبار!

هر آنچه در شعبه و کمیسیون و حتی رسانه‌ها مطرح کرده بودند را پاسخ داد و

همه محاکم رأی به حقانیتش دادند. آنچه گفته بودند را مرور و شفاف برای مردم بازگو کرد. رقبای شکست خورده‌اش در انتخابات مجلس هم هیزم‌آور آتش کین مخالفان به‌ظاهر انقلابی در مجلس شده بودند.

هر سؤال را که به درستی پاسخ می‌گفت به پرسشی دیگر می‌رسیدند؛ گویی به نمایندگی از ایل و تبارش، برای پاسخگویی در آنجا حضور یافته بود. از پدربزرگی که فقط نامی از او می‌دانست، از پدرش که معتمد مردم بود، از مادرش که مادر شهید بود و به او تهمت وابستگی به گروهک منافقان زدند و بدتر اینکه غلامرضا و شهید احمدرضا را برادر ناتنی خواندند و گفتند مادر این دو جداست. تاج‌گردون فریاد مظلومیت سرداد که «وامصیبتا! مادر شهید را هم برای کسب منافع شوم خود و دشمنی با من به خیانت متهم می‌کنید. مادری که ده سال پیش فوت شده است!» همه چیز روشن و واضح بود و آنان هم درصدد کتمان حقیقت.

«زمین گشت روشن‌تر از آسمان
جهانی خروشان و آتش دمان»

از یک‌سو مدارک و مستندات نادرست و مغرضانه از رقبای شکست خورده‌اش در شهرستان و استان به دست مخالفان کنونی‌اش در پایتخت می‌رسید و از سوی دیگر هم حمله رسانه‌ای ناجوانمردانه‌ای علیه او ادامه داشت.

اما غلامرضای برگشته از جنگ با پیکر برادری بر دوش و رفقای کودکی شهیدش که دیگر هیچ کدام‌شان نبودند، همراه با کوله‌باری از تجربه و سختی دوران دیده، اعتقاد داشت نتیجه هر چه باشد خیر است. چرا خطابه کوتاه تاج‌گردون در صحن مجلس پس از ارجاع غیرقانونی پرونده‌اش به کمیسیون تحقیق را دقت نکردند که او داعیه‌ای برای ماندن در بین آن‌ها را ندارد: «من داعیه بر ماندن و اصراری بر آن ندارم. کیفم را برمی‌دارم و از این مجلس می‌روم. اما شما هستید که روز قیامت در درگاه خداوند پاسخگو خواهید بود.»

کیفی که اسرار نظام بود و شاید پر بود از پرونده یکایک آنان و بیم داشتند یا اینکه برخی دشمنان به ظاهر دوست تمایل داشتند گوشه‌ای از این کیف باز شود. و این‌گونه بود که کمیسیون تحقیق، رأی به تأیید اعتبارنامه داد؛ رأیی که قاعدتاً می‌بایست حسن‌ختمی می‌بود بر آن همه تهمت و افترا.

ولی این پایان داستان نبود. گزارش پاکدستی و سلامت که از فیلتر شورای نگهبان، شعبه و کمیسیون تحقیق گذشته بود، بر نگاه مخالفان کینه به دل بسته مجلس تأثیری نگذاشت و پس از به رأی گذاشتن اعتبارنامه، با ۱۰۲ رأی موافق، ۱۲۸ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع، تاج‌گردون از خانه ملت خداحافظی کرد، هرچند که حق را نمی‌بایست به رأی گذاشت چراکه رأی اصلی را مردم داده بودند. به‌رحال نماینده‌ای که در سه دوره متوالی با بیشترین میزان مشارکت و رأی اکثریت توانسته بود و کیل مردم شود، با رأی بخشی از مجلسی که کمترین محبوبیت را در تمام طول انقلاب

داشته‌اند از وکالت مردم کنار گذاشته شود. کسانی که ۵ درصد رأی واجدین شرایط حوزه انتخابیه خود را داشتند رأی بر رد نماینده‌ای دادند که بیش از ۵۰ درصد رأی مردم را داشت.

حکایت مخالفانش با او این گونه بود: از وردکی پرسیدند که امیرالمؤمنین شناسی؟ گفت شناسم. گفتند چندم خلیفه بود؟ گفت من خلیفه ندانم، آن است که حسین او را در دشت کربلا شهید کرده است (عبید زاکانی).

این کتاب مستندی است شفاف و بی‌پروا نسبت به آنچه گفته شد و آنچه که نهان ماند. مستندی که در حاشیه تاریخ قانونگذاری ایران می‌ماند و یقین داریم آیندگان که تاریخ قانونگذاری ایران را تورق می‌کنند این اتفاقات را که برای تاج‌گردون چیزی جز خیر نداشت لکن سیاهی بر تارک مجلس یازدهم می‌دانند. اگرچه بنا به دلایلی پاسخگویی تاج‌گردون به برخی از سؤالات به صورت شفاف میسر نبود، ولی در حد توان پاسخ داد و با رعایت موضوع آنچه که لازم بود را بیان کرد. پشت‌پرده‌ها را در لابه‌لای حرف‌ها و مدارک می‌بینید. فرصت‌طلبان و کینه‌توزان را می‌بینید. مستندات و آنچه لازم است بدانید را می‌بینید و از همه مهم‌تر تفاوت نیت و عملکرد متفاوت برخی از نمایندگان را. به نطق آخر مخالفان و صحبت‌های منتخب گجساران و باشت در مجلس یازدهم توجه کنید. همه حرف‌ها خلاصه شد در آنجا. هرچند محکمه الهی هست و همگان روزی در آن وارد خواهند شد؛ یقین داریم علاوه بر محکمه عدل الهی، محکمه دنیوی همه چیز دیگر را نشان خواهد داد چراکه آن گونه که تاج‌گردون در صحن علنی مجلس گفت: «دنیا گوشه کوچکی از قیامت است». صدای او و مظلومیت دیارش در تاریخ قانونگذاری و امور جاریه مردم را طفلان و زنان مظلوم و معصوم فریاد خواهند زد.

نه چندان که دود دل طفل و زن
بسی دیده باشی که شهری بسوخت
همان به که نامت به نیکی برند.

«خرابی کند مرد شمشیرزن
چراغی که بیوه زنی برفروخت
بد و نیک مردم چو می‌بگذرند

آرزوی روزی را داشته باشیم که نام‌مان به نیکی رود.

مؤسسه فرهنگی و هنری مشک‌وملار
واحد تاریخ شفاهی معاصر
تهران-آذر ۱۳۹۹

از «ظفر تاج‌گردون» پدرتان شروع کنیم؟ از گذشته بگویید و اینکه خانواده تاج‌گردون در گجساران چه گذشته و پیشینه‌ای دارند و چرا فامیلی شما تاج‌گردون است؟

پدرم طبق شناسنامه متولد ۱۲۷۹ است، البته شاید با یکی دو سال اختلاف ۱۲۸۰ یا ۱۲۸۲ یعنی بیش از یکصد سال پیش. پدرم در مکتب‌خانه درس خوانده و باسواد شد. چون اهل سواد کم بود و پدر هم آدم باهوش و با سواد و اهل مطالعه بود، در سیستم و سلسله‌مراتب ایل و عشایری رشد می‌کند. آدم باهوشی بود و خط خوبی هم داشت. در سیستم ایلی و عشایری زندگی می‌کرد یعنی خانی بوده و حاکمی. او به خان نزدیک می‌شود و مورد اعتماد خان و مجموعه قرار می‌گیرد، اما خانواده ما خان نیست. او دو همسر داشت که مادر من همسر دوم اوست. از همسر بزرگش دو برادر داشتیم که یکی فوت کرده و دیگری زنده است. مادر من از یک طایفه بزرگ دیگر از ایل باوی بود. پدرم سیستم منحصربه‌فردی در اداره خانواده داشته و فکر می‌کنم در ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳ با مادر من ازدواج می‌کند.

از چه ایلی هستید؟

ما لرزبان و از ایل باوی هستیم. البته اصالتاً پدر بزرگم از منطقه بویراحمد به منطقه باشت و باوی می‌آیند.

طایفه گوهرگان در باوی، طایفه پدرم است و از نظر مادری به طایفه دولیاری یا دولتیاری وابسته هستیم. اسناد پدرم را که فوت‌شان سال ۱۳۶۰ بود تا پنج سال پیش باز نکرده بودیم. برخی از این اسناد به لحاظ استنادی مهم‌اند و جزء تاریخ آن منطقه محسوب می‌شود. وقتی به این اسناد نگاه کنیم، تاریخ و سابقه آن منطقه، سلسله‌مراتب، مالکیت‌ها، مدارج حکومتی و برخی موضوعات مهم آن دوره را به خوبی نشان می‌دهد. پدرم قبل از صدور شناسنامه در سال ۱۳۱۵ یا ۱۳۲۰ به «امینی» شهرت داشتند و بعد از آن به «تاج‌گردون» معروف شدند و ما تنها خانواده تاج‌گردون در منطقه هستیم.

آیا علت خاصی برای انتخاب این اسم وجود دارد؟

خیر. تاج‌گردون به معنی خورشید است و پدرم از معنی آن خوشش می‌آمد. البته در برخی مناطق کشور افرادی هستند که فامیل‌شان تاج‌گردون است. در بین عرب‌هایی که از عراق به ایران آمده‌اند هم این اسم وجود دارد. پدرم یک برادر داشت. این دو برادر و یک خواهر یعنی سه‌تایی یک خانواده گسترده‌ای را در این منطقه شکل می‌دهند.

یعنی عمه و عموی تان یک خانواده بزرگ تشکیل می‌دهند؟

پدر و عموی من هر کدام ۱۲-۱۰ فرزند دارند و عمه من و فرزندان و خانواده ایشان؛ نوه و نتیجه‌هایش ۵۰۰-۶۰۰ نفر می‌شوند و خانواده گسترده‌ای در منطقه شدند و وصلت‌هایی سنگین هم داشتند.

پدرتان شغل مباشری داشتند؟

مباشری که شغل نبود. یک نفر بود که بالأخره به سیستم نزدیک بود و مالک می‌شود و در سال ۱۳۳۶ در گچساران اولین زمین‌ها را از خان می‌خرد و آن‌ها را گسترش می‌دهد.

در واقع پدر هست که رشد می‌کند یا پدر بزرگ تان؟

پدر هست که رشد می‌کند. پدر بزرگ مال و اموالی به آن شکل گسترده نداشت، البته در منطقه باشت ملک کشاورزی داشتند. پدرم از ۱۳۳۶ مالکیتش به خاطر کار و تلاش خودش شروع می‌شود. بعد از انقلاب هم که بخشی از اموالش را مصادره می‌کنند، البته ما هیچ مدعی شخصی نداشتیم که بگوید تاج‌گردون یا پدرش این زمین را به زور از ما گرفته‌اند. کم‌کم زمین‌ها را خریده و بعضی‌ها را هم قبل از اصلاحات ارضی احیا کرده و سندهایش را از ۱۳۳۶ داشته است.

بازداشتش به چه دلیل بود و اصولاً رابطه خانوادگی شما با مردم روستاها و فامیل‌ها چگونه بود؟

چون مالک بود، مالکان را اول انقلاب دستگیر می‌کردند و زمین‌هایشان را از آن‌ها می‌گرفتند. در زمین‌های ما یک روستای ترک‌زبان بود، ما لرزانییم و زمین‌های ما را به آن ترک‌نشین‌ها داده‌اند. این‌ها چه قبل و چه بعد از انقلاب یکی از وفادارترین طوایف نسبت به ما هستند که زندگی خوبی داشته و داریم و خواهیم داشت. یعنی اگر من رقیب ترک قشقایی هم داشته باشم، آن روستا ۸۰ درصد به من رأی می‌دهند. رابطه ما با کسانی که در زمین‌هایمان کار می‌کنند، رابطه‌ای صمیمی است و زندگی مشترکی با هم داریم. اگر به آن روستا بروید مشاهده می‌کنید زمین‌های مربوط به املاک عمومی همه را خانواده تاج‌گردون داده است؛ مدرسه، مسجد، بیمارستان، زمین چمن، آتش‌نشانی، خانه‌های مستمندان و... فارغ از همه چیز، طایفه ما یک درآمیختگی با مردم این منطقه داشته است. اقوام همسر دیگر پدرم هم روی من تعصب زیادی دارند و مرا به عنوان خواهرزاده خودشان می‌شناسند و ۹۰ درصد در روستای آنان یعنی سرآب‌ننیز به من رأی می‌دهند. ما به مادرمان «حاج کبری» و به

همسر دیگر پدرم «دی» می‌گفتیم. برادرهای زاده شده از مادرم را با اسم صدا می‌زنیم و فرزندان آن همسر را «کاکا» ابرادار می‌گوییم. الان در آن روستا می‌گویند ما به خواهرزاده‌مان رأی می‌دهیم. آن‌ها مثل دایی‌های واقعی من هستند. ناب‌ترین رأی من از آن روستاست، ۹۰ درصد. زیر ۹۰ هم نمی‌آورم. می‌خواهم بگویم مدیریت خاص آن زمان است که این اتفاق می‌افتد. این خانواده به دلیل همین اتفاقات عشیره‌ای از ۱۱۰-۱۰۰ سال پیش تاکنون مخالف و دشمن زیاد داشته و در بحث اعتبارنامه من دقت کنید از ۱۱۰ سال پیش بررسی را انجام می‌دهند. یعنی مخالفان پدربزرگم و پدرم و من را جمع می‌کنند و اعتبار مرا ارزیابی می‌کنند و من با یک مجموعه مخالفان ۱۱۰ ساله روبه‌رو هستم. یعنی از ۱۱۰ سال پیش می‌گویند مشکل پدربزرگ من با کی چی بوده تا دورهٔ اکنون. حالا ببینید چه هنری داشته‌اند که همهٔ این‌ها را جمع می‌کنند، یعنی از صد سال پیش. بعضی مخالفان خانوادگی است، برخی سیاسی است و... این‌ها نشان می‌دهد که با مجموعه‌ای این‌چنینی روبه‌رو بوده‌ام. آتش تهیهٔ این مبارزه و جدال صدساله است که من باید مقابله کنم.

قسمتی از گزارش معترضین به اعتبارنامه

نکته مهم: در مورد پدربزرگ غلامرضا تاج‌گردون فرزند رشید، به دلیل ظلم به سادات منطقه (سادات امام زاده سید محمد (ع) روستای سرآب بیز باشت)، توسط فردی به نام باباجان مظفری از طایفه میسانی باشت، که به سادات علاقمند بود، کشته شد. بعداً فخر تاج‌گردون فردی به نام جمشید صالحی را تحریک نمود تا باباجان را کشت (باباجان پدر خانم جمشید بود) و جمشید صالحی اوایل انقلاب به طرز مشکوکی شبانه کشته می‌شود.

ا در بررسی اعتبارنامهٔ شما نامی از پدربزرگ تان می‌آید و اینکه کشته شده است، چرا؟ نمی‌دانم. این‌ها را برخی نوشته‌اند. ما واقعاً نمی‌دانستیم داستان چیست؟ پدربزرگ من را یک نفر می‌کشد و فردی که پدربزرگ مرا می‌کشد، به دست داماد خودش کشته می‌شود. می‌گویند به تحریک پدرش، دامادش را می‌کشد. بچه‌های قاتل پدربزرگم در این دوران مسئولیت گرفته‌اند و بعد می‌گویند پسر کسی که قاتل پدربزرگ مرا کشته، هم مسئولیت گرفته و حالا همهٔ این‌ها نیروهای وفادار من شده‌اند. در گزارشی که نمایندگان امضا کرده‌اند قاتل در قاتل را مطرح کرده‌اند. شما مرا ارزیابی کنید نه این چیزها را. چند نمایندهٔ تهران امضا کرده‌اند. شما اصل و نسب خودتان چیست که اصل و نسب مرا می‌دانید. در این مکاتبات آمده که مادر من طاغوتی است، فامیل‌های طاغوتی‌اش به خارج رفته‌اند و با منافقین در تماس است. دایی‌های من سه تا بودند که فوت کرده‌اند، آن‌هایی هم که زنده‌اند فرزندان‌شان کلاً کشاورزند و شغل ساده‌ای دارند یا دامدار هستند و طاغوتی و منافق و فراری نیستند. بهشان گفتم شما وقیحانه نوشتید مادر من از خانوادهٔ طاغوتی و با منافقین خارج از کشور رابطه دارد. گفتم مادر من مادر شهید است، حامی رزمندگان و ترویج قرآن‌خوانی؛ حسینیه ساخته و دارالقرآن به اسم او است. مرا در نوجوانی تا پای اتوبوس برای اعزام به جبهه بدرقه کرده است. بعد به او

می‌گویند با منافقین در ارتباط است و بدتر از همه اینکه نمی‌دانند او ۱۰ سال پیش فوت شده است.

متن اعتراض به اعتبارنامه امضاشده توسط معترضین

مادرش کبری گرمی از خانواده‌ای وابسته به حکومت طاغوت بود که بعد از انقلاب اغلب به منافقین پیوستند و چند نفر از آن‌ها به خارج فرار کردند که هم اکنون در خارج از کشور با آن‌ها در تماس می‌باشند از جمله پرویز شرافتی و موسی شرافتی فرزندان عزیزخان و پسران منصورباشتی.

قسمتی از سخنرانی زاکانی در محن علنی که گفت ما چنین حرفی نزدیم.

ایشان دروغ می‌گویند ما کی گفتیم مادر ایشان با منافقین در ارتباط است. مادر ایشان مادر شهید است و برای ما عزیز است. برادر ایشان شهید هستند و عزیز ما هستند. مهم تر از همه اینکه ایشان همه ما را متهم کرده است به دستمال کثیف در انتها خدا را شاهد می‌گیرم همیشه به ایشان علاقه مند بوده و خصومت شخصی با ایشان ندارم.

نکته: مشاهده می‌شود ابتدا رسمی و کتباً می‌نویسند و بعد می‌گویند ما چنین حرفی نزدیم.

! به هر حال این نسبت‌هایی که به شما داده‌اند باید برای آن‌ها کدی وجود داشته باشد نوشته‌اند از خانواده‌ی اهل طاغوت است که بعدها به منافقین پیوسته.

بله، دو تا اسم آورده‌اند پرویز شرافتی و موسی شرافتی. موسی شرافتی مهندس است و در شیراز زندگی می‌کند و پرویز شرافتی فرار نکرده و اول انقلاب اعدام شده است. مادر بزرگ پرویز شرافتی خاله‌ی مادر من است. آیا این نسبت به من نزدیک است. موسی شرافتی یک روز هم زندان نرفته و آدم بسیار محترمی است. در اول انقلاب که پنج شش هزار نفر را اعدام کردند، پرویز هم اعدام شد. اگر شما توانستید یک نفر از خانواده‌ی پدری و مادری من پیدا کنید که به وادی ضدانقلاب ربط داشته باشد.

! این دو فرد که نسبت خانوادگی دوری با شما دارند، یکی‌شان اعدام می‌شود و آن دیگری را هم نوشته‌اند که از زندان فرار کرده و به خارج از کشور رفته است.

اصلاً زندانی نشده که بخواهد فرار کند. الان در شیراز زندگی می‌کند و آدم آرامی است و زندگی خودش را دارد. می‌گویند که کل خانواده‌ی مادری من طاغوتی و منافق‌اند. در کل آن‌ها همین است که گفتم و هر کدام که نگاه می‌کنم دامدارند و کشاورز. کل خانواده‌ی مادری من کشاورزی می‌کنند و شرایط و وضع مالی خوبی ندارند که به فکر فرار به خارج از کشور باشند. اگر وضع خوبی داشتند که آدم دلش نمی‌سوخت. دو تا از دایی‌های من چوپانی و دامداری می‌کنند. اگر دایی من بشنود که به او می‌گویند طاغوتی و منافق تعجب می‌کند.

حتماً مردم روستایی که دایی‌های من در آنجا زندگی می‌کنند این حرف را بشنوند خنده‌شان

می‌گیرد. آخر آن‌ها حزب‌اللهی و مذهبی‌های روستا هستند. من یک لیست کامل از خاندانم به شورای نگهبان و شعبه و کمیسیون دادم تا ببینند کی هستند و کجا زندگی می‌کنند. یکی از حقوقدانان شورای نگهبان گفت چه حوصله‌ای داشتی این همه لیست نوشتی. گفتم چه کار کنم، فکر می‌کنید دروغ نوشتیم! خواستم یک لیست کامل بدهم که دیگر دنبال کسی نگردید.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

پسر دایی غلامرضا تاج‌گردون که از زندان شیراز فرار کرد و به کانادا رفته است.

پدر شما با منصورخان باشتی کار می‌کرده که خان منطقه بوده و اعدام می‌شود، درست است؟
بله، او اعدام شده است.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

ملک منصورخان باشتی فرزند اسداله خان حدود ۳۰ نفر مباشر و تفنگچی قداره بند داشت که از این ۳۰ نفر نزدیکترین آن‌ها به خان، ظفر تاج‌گردون بود. بعد از پیروزی انقلاب تعدادی از خوانین و هم‌دستان رژیم پهلوی در استان کهگیلویه و بویراحمد دستگیر و در اهواز زندانی شدند. از جمله ملک منصورخان باشتی، ظفر تاج‌گردون (پدر غلامرضا)، محمد خان آروی، هادی خان ضرغام پور، نصیرخان هادی پور، جان محمدخان چرامی و محمدعلی خان خلیلی بهمینی. در بین این جمع، ۲ نفرشان از منطقه باشت و گچساران بودند که ملک منصورخان با حکم آیت‌اله جنتی در سال ۱۳۵۸ اعدام شد و ظفر بعد از مدتی با لابی‌گری بهرام تاج‌گردون (برادرزاده اش) و نماینده دوره‌های اول و سوم گچساران و باشت آزاد گردید، اما حکم مصدوره زمینهایش در گچساران صادر ولی عملی نشد.

در بررسی اعتبارنامه و طی موضوعات محلی به موردی برمی‌خوریم با عنوان قتل فرزندان علی‌سینا. از این موضوع بگویید.
اختلافی بین خان و آن طایفه بوده است که ریشه‌اش را من نمی‌دانم. این‌ها طایفه‌ی مادری من و از طرفداران پروپاقرص من هستند که خیلی روی من متعصب هستند. این حرف‌هایی که زده شده و نوشته شده بیشتر به دلیل اختلاف انداختن محلی بین طوایفی است که در آنجا زندگی می‌کنند و ما می‌دانیم چه کسی این حرف‌ها را گفته و نوشته است و خودشان هم می‌دانند که این حرف‌ها درست نیست. اما هدف‌شان این است که بین طوایف و خانواده‌ها اختلاف بیندازند که البته جواب نداده است. مردم این نوع رفتارها و فتنه‌گری‌ها را خیلی خوب می‌شناسند.

یعنی همه این قتل‌عام‌ها داستان‌سرای است؟

قتلی صورت گرفته است ولی این ارتباطها واقعاً داستانسرایبی است. داستانسرایبی غم‌انگیزی که واقعیت ندارد. خانواده‌های این افراد زنده‌اند و می‌توانند توضیح دهند. آقای نیک‌بین، از نمایندگان معترض در مجلس رفتند گجساران و گفتند در مورد تاج‌گردون و خانواده‌اش حرف نزنید. این‌ها به خوشنامی در آن منطقه معروف‌اند و به دکتری و مهندسی آن‌ها کار ندارند و صدایش می‌زنند «حاج غلام». در متن خودش هم این را نوشته که شاید ما از نظر سیاسی با او مشکل داشته باشیم ولی این‌ها در منطقه به خوشنامی معروف‌اند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

ظفر علاوه بر این در جرم‌های منصورخان باشتی از جمله قتل‌عام فرزندان کاعلی سینا و گرفتن منازل از کشاورزان و کشتن سرایدار منزل خان و پسرش چند روز قبل از انقلاب دست داشت.

ا به واسطهٔ فعالیت و خدمت در چندساله اخیر و اینکه نماینده‌ای بوده‌اید که بسیار به شهرتان رسیدگی کرده‌اید و منابع زیادی به منطقهٔ خودتان در ده سال یا بیشتر تزریق کرده‌اید، آیا این محدودیت در گذشته هم به همین شیوه بوده است. یعنی این‌ها از یک جایی درآمده است و این خدمات چندین ساله‌تان باعث خوشنامی خانوادهٔ شما در یک نسل نشده و چهرهٔ خانواده‌تان را تغییر نداده‌اید؟ ساختار خانوادهٔ ما از نظر اقتصادی که معلوم و مشخص است.

ا در افکار عمومی مردم؟

اینکه بگویند خانوادهٔ تاج‌گردون برده و خورده است در گجساران کسی چنین چیزی نمی‌گوید. از نظر اقتصادی، چنین چیزی وجود ندارد. در اول انقلاب پسرعموی من می‌خواهد نمایندهٔ مجلس شود که رقبای زیادی از جمله در میان روحانیون دارد. پسرعموی من چند دوره انتخاب می‌شود و چند دوره نه، یعنی این خانواده خودبه‌خود یک کف مقبولیت در این منطقه دارد. رشد رأی‌های من هم ناشی از فعالیت‌م در این منطقه است. حالا کسی که خدمات بیشتری کند، رأی بیشتری هم خواهد آورد. مردم کاری به ترک و عرب و عجم و اصلاح‌طلب و اصولگرا ندارند، فردی که برای‌شان کار کند به او رأی می‌دهند. رشد رأی من به دلیل گسترش فعالیت‌هایم بوده نه چیز دیگری. در حال حاضر اموال و دارایی‌های ما مقابله و بعد از نمایندگی من فرق کرده‌اند و کم شده‌اند. نه اینکه فقیر شده‌ایم، نه! کم شده‌اند. مثلاً می‌گویند تاج‌گردون در دورهٔ نمایندگی اعمال نفوذ کرده که سینمای دوگنبدان را به دست بیاورد و بعد بدهد به دوستش آقای کمالی. من دست آقای کمالی یا هر سرمایه‌گذار دیگری را می‌بوسم که بیاید در شهر ما سینما بسازد. خانهٔ پدری‌ام در باشت ۱۵۰۰ متر است که در سال‌های ۹۲ و ۹۳ کلینیکی در آن ساختیم و به دانشگاه علوم پزشکی هدیه دادیم. خانهٔ دیگر پدری‌ام را حسینیه کردیم برای مردم محروم گجساران. در منطقه‌ای دیگر یک دارالقرآن ساختمیم به نام مادرم و به آموزش

و پرورش اهدا کردیم. چند فرهنگسرا هم ساختیم. این خانواده من است و بعید می‌دانم کسی در این مورد حرفی بزند. کشور ما دچار یک تعارض و دوگانگی شده است. چند روز قبل از انتخابات، خبرنگار خانه ملت از من سؤال کرد که شما موافق شفافیت هستید؟ گفتم بله موافقم. گفت شما در مورد اموال تان حاضرید شفاف بگویید؟ گفتم بله من حاضرم بگویم و شما فیلم بگیرید و برایش اموال پدرم و... را توضیح دادم. گفت ماشین تان چیست؟ گفتم لکسوس است ولی رعایت می‌کنم، گفتم یک نماینده لکسوس داشت اما با ال نود خانمش رفت و آمد می‌کرد. این یک تعارض است. از کسی بترسید که اموالش را پنهان می‌کند و در مورد آن دروغ می‌گوید. شخصی یا مسئولی به دروغ می‌نویسد که موجودی حساب من و خانم دومیلیون یا سه میلیون تومان است، معلوم است که دروغ می‌گوید. چرا دروغ می‌نویسی، وقتی قیمت عینک ۵۰ میلیون است یا ساعت مچی ات ۶۰ میلیون تومان است؟ چرا دروغ می‌گویی که برای مردم قابل باور نیست. اگر تاج‌گردون در تهران لکسوس سوار شود ممکن است فردی بگوید دزدی کرده است، اما در گچساران با توجه به سابقه خانوادگی‌ام کسی چنین چیزی نمی‌گوید.

ا در بررسی اعتبارنامه داستان قهوه‌خانه‌ای داریم موسوم به پیک ظفری که می‌گویند پدر شما در زمین‌هایش قهوه‌خانه‌ای داشت و کارهای خلاف در آن انجام می‌شد.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

ظفر در تلخاب‌شیرین قهوه‌خانه‌ای داشت که برای انحراف مردم شرابخواری را در این منطقه رونق داد و قهوه‌خانه او به پیک ظفری مشهور بود.

در زمین‌های پدری در دههٔ چهل یا پنجاه قهوه‌خانه‌ای داریم کنار باغ که چند نفر آن را اداره می‌کردند. این قهوه‌خانه قدیمی سال‌ها آنجا بود. این اظهارات زشت و موهون اولین بار است که توسط این آقایان مطرح می‌شود و نمی‌دانم آقای زاکانی و دیگر معترضان این چیزها را از کجا آورده‌اند.

ا از خانواده پدری تان هم بگویید؟

ما ۱۲ نفر برادر و خواهر هستیم. دو برادرم از آن یکی مادرم [دی] هستند.

ا نسبت بهرام تاج‌گردون با شما چیست؟ برادر شماست؟ برادران شما چه کار می‌کنند؟ بهرام پسرعمویم است. ناصر و نادر برادرم هستند. ناصر متولد ۱۳۲۵ یعنی ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود و چند سال پیش فوت کرده، قبل از انقلاب کار آزاد داشت. زندگی خوبی داشت و من در زندگی او اعمال نفوذی نداشتم. بعد از فوت پدرم، او مرا بزرگ کرد و به جایی رساند. برادر دیگرم سال ۷۶ تا ۷۷ فرماندار بود و ۱۵ سال است بازنشسته شده، برادری از مادر خودم که متولد ۱۳۳۵ است. این‌ها

نیزی به من نداشته و ندارند و کار آزاد می‌کردند. برادر دیگرم فرهنگی بازنشسته است. این‌ها رشد خودشان را داشته‌اند و در این فازها نیستند. دو برادر دیگرم یکی به نام احمدرضا شهید شده است که سه سال از من بزرگ‌تر بود و ساسان هم دو سال از من بزرگ‌تر است.

شما آخرین پسر هستید؟

من از هفت تا پسر کوچک‌ترین هستم.

یعنی حول و حوش ۱۰ سال پیش از انقلاب تولد شما بوده.

من متولد ۱۳۴۵ هستم یعنی ۱۲ سال قبل از انقلاب.

۱۲ سال پیش از انقلاب به دنیا آمدید و در خانواده‌ای متمول زندگی می‌کردید که فرزند آخر هستید، خانواده‌ای مذهبی هستید.

خانواده‌ای معمولی، سنتی، پدرسالارانه و مرتبط با شبکه‌های اجتماعی وسیع و خاص آن دوران قبل از انقلاب.

هر دو همسر پدرتان یک‌جا زندگی می‌کردند؟

بله. خانواده‌ای خیلی خاص. آن مادر ما را بزرگ کرده است. تا کسی در خانواده‌ای این شکلی نباشد آن را درک نمی‌کند، یعنی کسی تشخیص نمی‌دهد که ما برادران از دو مادر هستیم. این برادر زیر نظر آن برادر بوده است. با برادرم ناصر که ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود رابطه‌ای بسیار دوستانه و صمیمانه داشتم. هیچ‌کس بین ما و برادرهایم فرقی نمی‌گذاشت. بعد از انقلاب هم خانواده ما حضور اجتماعی و سیاسی داشتند در منطقه و پسرعموی من نماینده می‌شود و برادرهایم هر کدام جایگاه اجتماعی خودشان را دارند. جالب است در اینجا نکته‌ای را عرض کنم. معترضان به اعتبارنامه من در متنی توهین به مادرم کرده بودند؛ رئیس کمیسیون تحقیق ملاحظه کرد و مستقیم از من سؤال نکرد. ولی از برادرم پرسید که آیا احمدرضا که شهید شده است برادر تنی غلامرضا است و آیا مادر غلامرضا مادر احمدرضا هم هست؟ چون گفته بودند مادر غلامرضا و احمدرضا یکی نیست و این‌ها ناتنی هستند. چقدر این‌ها بی‌شرم و بی‌حیا هستند که حتی در این وانفسا دروغ به این بزرگی را منتقل کرده بودند.

در آن دوره بعد از پدرتان، مهم‌ترین شخصیت فامیل شما چه کسی است؟

پسرعموی من برجسته می‌شود.

قبل از انقلاب؟

فقط پدر.

بعد از انقلاب؟

پسرعمویم بهرام است، بهرام تاج‌گردون. پسرعمویم قبل از انقلاب مبارز، مؤمن، مسلمان و انقلابی تند و تیز بود که مردم بعد از انقلاب به او رأی دادند و شد اولین نماینده مردم کهگیلویه و گچساران در مجلس شورای اسلامی.

احیاناً با خانواده که تقابل نداشتند؟

نه.

حمایت می‌کردند؟

بله، مشخص است. پسرعمویم در اول انقلاب مدیرکل آموزش و پرورش استان شد. نمی‌شود این خانواده را در این منطقه انکار کرد، قبل از انقلاب بودند و بعد از انقلاب هم این شدند. پسرعمویم از جانبازان فاجعه هفت تیر است که او را با برانکاراد به مجلس می‌آوردند و تا دوره ششم در صحنه انتخابات حضور دارد، ولی بعد به این دلیل که آدم خاصی است ردصالحیت می‌شود و کنارش می‌گذارند و بعدش من مطرح شدم.

عملاً و در واقع شما پا روی بدنه رأی بهرام تاج‌گردون می‌گذارید و ادامه می‌دهید.

بله. حتماً بدنه رأی بهرام تاج‌گردون بوده، چون بهرام چهره‌ای سیاسی است و مردم او را قبول دارند.

بدنه سیاسی‌شان چه بود؟

بدنه سیاسی‌اش چپ بوده و بعد اصلاح‌طلب. البته اصلاح‌طلبان سمپاتی که برای او داشتند برای من نداشتند. چون او آدمی تند و سیاسی بود، من مثل او تند سیاسی نیستم. اصلاح‌طلبان برای من تابلو بالا نبردند، همراهم هستند، ضد نیستند، گروهی هم محکم با من هستند، اما عمده بدنه رأی همان است که اول انقلاب شکل گرفته بود.

بخشی قومی و قبیله‌ای است.

بخشی هم سیاسی است. رشدم تدریجی بود یعنی آسانسوری نبود. انقلاب می‌شود و می‌روم انجمن اسلامی مدرسه و دبیرستان و بعد در دانشگاه عضو شورای انجمن اسلامی می‌شوم... همزمان با جنگ هم جبهه می‌روم و با طیف رزمندگان جبهه و جنگ آشنا می‌شوم، مجروح و جانباز می‌شوم. در عملیات‌های مختلف شرکت می‌کنم و شخصیت سیاسی و مذهبی‌ام شکل می‌گیرد.

و از بهرام تاج‌گردون جایی اسمی نمی‌شنویم.

اتفاقاً در این جلسه شعبه که تشکیل می‌شود مفصل در مورد بهرام تاج‌گردون صحبت می‌کنند. بهرام دوره‌های اول و سوم رأی می‌آورد، دور دوم و چهارم رأی نمی‌آورد. در دوره پنجم ردصالحیت می‌شود. دوره ششم تأیید صلاحیت می‌شود و رأی خوبی هم می‌آورد که بعد انتخابات را باطل می‌کنند.

ابطال انتخابات باعث می‌شود که مردم عصبانی شوند و به خیابان‌ها بریزند و همه جا را آتش بزنند. انتخابات به میان‌دوره‌ای می‌رسد. در آن موقع رئیس سازمان برنامه و بودجه فارس بودم. من هم در کنار بهرام کاندیدا می‌شوم، هردوی ما ردصلاحیت شدیم و از خانواده تاج‌گردون کسی نبود. بعد از آن ردصلاحیت، بهرام دیگر کاندیدا نشد و عملاً خود را بازنشسته سیاسی کرد.

در دور ششم دلیل ابطال رأی چه بود؟

هیچ چیز. اعلام کردند اعمال نفوذ شده یا رأی خریداری شده. چیز خاصی گفته نشد. برای همین مردم عصبانی شدند.

کسی که بعد از ردصلاحیت آمد از چه طیفی بود؟

اصولگرایان. در واقع رقیبش در دوره ششم آقای نبی‌زاده بود که دوره هفتم هم رأی آورد اما بیماری سرطان گرفتند و متأسفانه فوت کردند.

در مجلس ششم از تاج‌گردون‌ها نماینده نداشتیم. گچساران از نظر انتخابات منطقه خاصی است. دوره اول روی اعتبارنامه بهرام تاج‌گردون اعتراض گذاشتند. دوره دوم روحانی شیخ از اصفهان آمد و نماینده شد و روی اعتبارنامه او هم اعتراض گذاشتند. در مجلس ششم انتخابات باطل شد و روی اعتبارنامه مرحوم نبی‌زاده اعتراض گذاشتند و حالا هم من. من در این دوره کنترل کردم که در شهرم اتفاقی نیفتد. وقتی مرحوم نبی‌زاده انتخاب شد، دوستان آقای تاج‌گردون روی اعتبارنامه ایشان اعتراض می‌کنند. حالا تفاوت نوع نگاه را می‌خواهم بگویم، مجلس ششم همه از دوستان تاج‌گردون و اصلاح‌طلب بودند ولی به رد اعتبارنامه مرحوم نبی‌زاده رأی نمی‌دهند، اما این مجلس من را برنمی‌تابد و به من رأی اعتماد نمی‌دهد. خلاصه اینکه گچساران همیشه آستان حوادث انتخابات بوده است.

یعنی عملاً مشابهتی بین دوره یازدهم و ششم وجود دارد؟

در مجلس ششم اصلاح‌طلبان اعتبارنامه مرحوم نبی‌زاده را رد نمی‌کنند ولی اعتبارنامه من در مجلس اصولگرا رد می‌شود. بهزاد نبوی و رضا خاتمی می‌گفتند که ما ۲۴۰-۲۵۰ نفر هستیم حالا یک نفر هم نباید، این نگاه الان نیست که ما الان ۲۶۰-۲۷۰ نفر هستیم حالا یک تاج‌گردون هم باشد. نوع نگاه سیاسی در آن زمان با نوع نگاه سیاسی حالا متفاوت است. متأسفانه بعد از گذشت بیش از چهل سال، به نام انقلابی بودن تندترین رفتار سیاسی انجام می‌شود.

در سن دوازده سالگی بودید که انقلاب شد. نظر تان در مورد انقلاب چه بود؟

به معترضان گفتم بر چه اساسی این حرف‌ها را در مورد من می‌زنید که من انقلابی نیستم. انقلابی یعنی چی؟ من زمان انقلاب بچه بودم. بعد جنگ می‌شود و به جبهه می‌روم. بالأخره با فرمان رهبر انقلاب به جبهه می‌روم. مادرم برای رفتن به جبهه بدرقه‌ام می‌کند، جنگ می‌شود و مسائل مبتلابه جنگ پیش می‌آید و در دانشگاه هم جزء دانشجویان خط امام بودم یعنی همان زمان هم که چپ و راست بود، ما

پیرو خط امام بودیم. در وصیت‌نامه من هم هست که زیر تابوت مرا کسی بگیرد که پیرو ولایت فقیه باشد. همیشه من در این مسیر بودم، چرا می‌گویید من اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم؟ این حرف خیلی ثقیل است، به رسمیت شناختن اسرائیل یا داعش حرف ساده‌ای نیست که این‌ها در مورد من می‌زنند. در زمانی که از طرف مجلس جهت شرکت در اجلاس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در آمریکا بودم و سپاه تحریم شد، همکاران من در مجلس لباس سپاه پوشیدند و من رفتم جلوی کاخ سفید و یک کلیپ پُر کردم که این کاخ سفید است و این ترامپ و این‌ها سپاه را تحریم کرده‌اند. به خاطر این کلیپ در شعبه و کمیسیون بازخواست شدم؛ به اصل موضوع توجه نمی‌کردند و می‌گفتند شما آمریکا چه کار می‌کنید؟ چرا وقتی دیگران از طیف خودتان رفتند ایراد نداشت، من که رفتم ایراد داشت. من به عنوان نماینده مجلس به بانک جهانی رفته بودم. من گفتم کدام یک از شماها جرئت دارید جلوی کاخ سفید این حرف‌ها را بزنید. این کلیپ را در سایت صدای آمریکا گذاشته بودند که ببینید این فرد یعنی تاج‌گردون سپاهی چه حرف‌هایی می‌زند.

تاج‌گردون جلوی کاخ سفید



قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

تاج‌گردون در همه امور دخالت می‌کند. تاکنون نامی از حزب‌الله لبنان و فلسطین بر زبان نیاورده است. او اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و تاکنون نامی از صهیونیست‌ها نیاورده. معتقد است که دفاع ایران از فلسطین غیرقانونی است و ایشان تاکنون در راهپیمایی روز قدس شرکت نکرده است.

اولین حضورم در جبهه اردیبهشت سال ۱۳۶۱ بود که به آزادسازی خرمشهر منجر شد. پانزده سال و نیم سن داشتم که به جبهه می‌روم.

آیا تحت تأثیر کسی به جبهه رفتید؟

جزء بچه‌مسلمان‌های شهر و عضو انجمن اسلامی بودم. اتفاقاً برادرم خدابیمرز ناصر جزء اولین کسانی بود که به جبهه رفت. دیگر برادرم بهادر در عملیات حصر آبادان شرکت می‌کند، من سال ۶۱ به جبهه می‌روم در ۱۵ سالگی و احمد هم همین‌طور و برادرم حمید هم در جبهه حضور داشتند.

یعنی بعد از آن دو برادرتان.

بله حضور من در جبهه مستمر می‌شود. جزء بسیجیان جبهه می‌شوم. برادرم احمد پاسدار بود که قبل از

من در عملیات فتح‌المبین شرکت داشت. احمد سه سال از من بزرگ‌تر بود. من پسر کوچک خانواده بودم که در ۱۶-۱۵ سالگی به جبهه می‌روم. می‌خواهم بگویم نمی‌توان گفت این خانواده ضدانقلاب‌اند، خانواده‌ای که از ابتدای انقلاب و جنگ در همه عرصه‌ها حضور فعالی داشتند. خانواده‌ای که چهار نفر از آن‌ها در جبهه حضور داشته‌اند و یکی هم شهید و یکی جانباز شده است. نمی‌توان گفت این خانواده همراه انقلاب و نظام نیستند. یعنی چه چیزی باید داشته باشی که بگویی در نظام هستی یا نیستی.

این خانواده که پسرهایش جبهه می‌روند، می‌شوند ضدانقلاب، چه ضدانقلابی که پدرش هم مباشر بوده؟

از این خانواده‌ای که شما می‌گویید پدر مباشر، از وجود این خانواده این‌ها آمده‌اند بیرون. پس این چه خانواده‌ای بوده که مردم انقلابی به آن‌ها اعتماد کرده‌اند. سؤال جدی در ذهن من شکل گرفته که چگونه ما باید خودمان را به انقلاب و ولایت و رهبری ثابت کنیم. حاج بهرام قبل از انقلاب زندان رفته و شکنجه دیده و بعد از انقلاب هم دو بار نماینده مجلس بوده، جانباز هفتم تیر است، دیگر باید چه کار کنیم؟ در کهگیلویه و بویراحمد چه خانواده‌ای مثل ما در تراز انقلاب و جمهوری اسلامی بوده‌اند که می‌توانید اعلام کنید؟ من سراغ ندارم. یعنی در جریان سیاسی بودند، در جریان مذهبی بودند، مبارز بودند، جنگ هم بودند، اگر توانستند پیدا کنند و نام ببرند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

پدرش ظفر تاج‌گردون، مباشر و مشاور ملک‌منصور باشتی معدوم. بر اساس نامه‌های پیوست نامبرده با نام مستعار منصوری عضو ساواک متحله بوده و اخبار و اطلاعات لازم را مطابق شماره ۲۰۷۹۵ مورخ ۵۷/۱۰/۰۹ به مقامات فوق گزارش می‌نموده است. از طرفی نامبرده طبق لیست اسامی کانون‌های حزب رستاخیز ساواک، رئیس حزب رستاخیز گچساران بوده است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد به کمپ انگلیسی‌ها رفت و مدت ۴ سال با خانواده در آنجا زندگی می‌کرد و بعد با سفارش انگلیس و ساواک به گچساران آمد.

چند نکته مهم از سردارها از جمله سردار فضلی و فضای جنگ بگویید.

سردار فضلی اول انقلاب گچساران بودند، جزء اولین نیروهایی بودند که سپاه گچساران را تشکیل دادند. من هم در جبهه در مقطعی در تیپ سیدالشهداء در عملیات والفجر مقدماتی به‌عنوان بسیجی در خدمت‌شان بودم. در زمان انتخابات سردارهای جبهه و جنگ حدود ۲۰۰۰-۳۰۰ نفر دور من می‌آیند و هر کدام گوشه‌ای از کارها را بر عهده می‌گیرند که این‌ها بچه‌های ستاد اینارگران جبهه و جنگ من در انتخابات هستند. بین بچه‌های جنگ با بعضی‌ها که امروز اسم ارزشی روی خودشان گذاشته‌اند، نتوانستیم این لینک را درست بین آن‌ها برقرار کنیم. با آن‌ها تفاوت خیلی جدی داریم. من به یکی از این نماینده‌های جدید گفتم اگر شما تازه حزب‌اللهی هستید، من سی ساله که حزب‌اللهی‌ام، یک کم کوتاه بیایید و پیاده شوید با هم برویم. گفتم شما در یک فضای حداکثری چماقداری می‌کنید و ما در

یک فضای حداقلی. می‌زدندمان. خیابان می‌آمدیم ما را می‌زدند، اذیت‌مان می‌کردند، در دانشگاه ما را می‌زدند. الان حاکمیت با شماسست و پشت شماسست ادعای حزب‌اللهی بودن دارید، ما که هیچ منابعی نداشتیم، ما در مقطعی بودیم که این اختیارات را نداشتیم. در مقطع جبهه و جنگ هم ما با این بچه‌ها بزرگ شدیم. دوستان خوب و نزدیکی داریم که شهید شدند. من عکسی دارم که شش نفریم و پنج نفرشان شهید شدند. عکس داریم چهار نفریم و سه‌تای‌شان شهید شدند. خوب آدم که نمی‌تواند این‌ها را فراموش کند، مگر می‌شود؟ من نمی‌دانم چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند ما آدم‌های بی‌توجهی هستیم. برای بعضی تازه به دوران رسیده‌ها این خاطرات سنگین است.

برادران که شهید شد شما کجا بودید؟

من با برادرم احمد همزمان در جبهه بودیم؛ البته او در یک منطقه بود و من هم در منطقه دیگری بودم. فروردین ۶۳ با هم قرار داشتیم بیاییم اهواز و از آنجا برگردیم گچساران که او نیامد. به من گفت که برو من چند روز دیگر می‌آیم و من آمدم گچساران. سه چهار روز بعد خبر می‌رسد که احمد در منطقه جفیر خوزستان شهید شده است.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

در بحث برادر شهیدش احمدرضا تاج‌گردون، ایشان کلاً خانه پدری را ترک کرده بود و به سپاه پیوست و ارتباطی با خانواده اش نداشت. اما از اسم ایشان نهایت سوء استفاده را می‌نماید.

یعنی شما را راهی می‌کند و خودشان می‌مانند و شهید می‌شوند.

بله خودش می‌ماند و شهید می‌شود. وقتی به من گفت می‌آیم، در واقع جنازه‌اش به خانه آمد. رفتم بسیج بیرسم که آیا شایعه است، بچه‌های سپاه گفتند که واقعیت دارد. او تازه عقد کرده بود، ازدواج نکرده بود. برایم خیلی سنگین بود، چون پدرم سال ۶۰ فوت کرده بود و احمد هم فروردین ۶۳ و برای مادرم جبهه رفتن من سخت شد. البته همان سال من کنکور قبول شدم در رشته اقتصاد دانشگاه بابلسر.

رتبه ۲۰۰ بودید؟

بله رتبه حدود ۲۰۰. بعد رفتم دانشگاه و ترم اول را در بابلسر خواندم و با فردی که می‌خواست در شهر خودش درس بخواند جابه‌جا شدیم. آن موقع دانشجویان تهرانی حاضر بودند هزینه پرداخت کنند و جابه‌جا شوند، ولی کسی می‌توانست جابه‌جا شود که رتبه شهید بهشتی را آورده باشد و تنها کسی که این رتبه را داشت من بودم. یکی دو ماهی با من صحبت کرد تا حاضر شدم جابه‌جا شوم.

پس ربطی به پسرعمو و این‌ها نداشت. در مدارک معترضان هست که این انتقال با رانت پسرعموی تان درست شده.

نه، اتفاقاً من به برادرم زنگ زدم که می‌خواهم به دانشگاه شهید بهشتی در تهران منتقل شوم، گفت بابلسر بهتر است. کسی که می‌خواست جابه‌جا شود دانشجویی بود اهل گنبد و ترکمن؛ اسمش جوهر بود و فامیلش کمی. آن موقع دانشجویان تهرانی حاضر بودند تا یک میلیون تومان پول بدهند ولی کلاً خانواده‌ام راضی نبودند به تهران منتقل شوم. ضمن اینکه دقت شود وقتی من به دانشگاه می‌روم بهرام نماینده نبود. من ورودی مهرماه سال ۶۳ هستم و این موقع دوره دوم مجلس شروع شده است و بهرام بایکوت می‌شود. نه تنها بهرام بلکه کل خانواده ما. مخالفان من فقط بلد بودند دروغ بگویند حتی به خودشان زحمت نمی‌دادند این سال‌ها را با هم تطبیق دهند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

وضعیت : غلامرضا تاج‌گردون

غلامرضا تاج‌گردون متولد ۱۳۴۵ گچساران است. که بعد از اخذ دیپلم وارد دانشگاه سبزوار گردید. بواسطه رانت پسرعمویش بهرام تاج‌گردون بعد از یک ترم به دانشگاه شهید بهشتی تهران منتقل گردید. بعد از اخذ کارشناسی ارشد با همان رانت و بدون تجربه، مدیرکل برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد شد.

شما به واسطه رزومه کاری تان به وزارت اقتصاد معرفی می‌شوید.

در مقطع فوق‌لیسانس، تقریباً آخر فوق‌لیسانسم. سال ۶۹ مرحوم دکتر نوربخش و دکتر پرویز داوودی استادان من بودند که یکی وزیر اقتصاد شد و دیگری معاون. چند تا دانشجوی بودیم که رفتیم آنجا کار کردیم و من هم یکی از آن‌ها بودم. بعد از چهار پنج ماه من جذب سیستم شدم، اول به عنوان معاون دفتر تحقیقات مالی وزارت اقتصاد و بعد هم شدم مدیرکل دفتر تحقیقات مالی وزارت اقتصاد. در آن زمان جوانی ۲۴-۲۵ ساله بودم.

یعنی با رانت و سفارش پسرعموی تان نمی‌روید وزارت اقتصاد؟

فضای آن موقع فضای این حرف‌ها نبود. اصلاً کسی نمی‌دانست من کی‌ام، پسرعموی من کیست، مجلس چیست. آن‌ها آدم‌های علمی بودند و من دانشجوی خوبی بودم. نمی‌گویم تاپ بودم اما دانشجوی خوبی بودم و اگر شاگرد اول نبودم، لااقل دوم و سوم بودم. بعد هم کار می‌کردم و انگیزه داشتم که از من خوش‌شان آمده بود.

فوق‌لیسانس بورسیه شده بودید؟

آن موقع برای دوره ارشد باید جداگانه در هر دانشگاه امتحان می‌دادیم. مثلاً من دانشگاه علامه طباطبایی امتحان دادم. تهران و تربیت مدرس و شهید بهشتی هم امتحان دادم. هر کدام را جداگانه امتحان می‌دادیم. دانشگاه تهران یادم نیست، اما علامه و تربیت مدرس و شهید بهشتی هم اقتصاد و هم برنامه‌ریزی و سیستم‌ها قبول شدم. بعد رفتم سیستم‌های اقتصادی که سازمان

برنامه بورسیه می‌کرد که رشته جدید و خوبی بود اما با سختی‌های خودش.

چهار سال لیسانس در انجمن اسلامی بودید؟

بله، همیشه بودم حتی در دوران فوق‌لیسانس.

در آن موقع کار تشکیلاتی سیاسی هم انجام می‌دادید؟

در آن زمان سیاسیون به دو جناح تقسیم می‌شدند؛ جناح چپ و جناح راست. من جزء جناح چپ بودم که بعدها شد اصلاح‌طلبان. گرایش من در دوره دانشجویی خط امام بود و خیلی مقید به فرمان امام بودیم. الان ما گنج شده‌ایم و همه چیز را قاطی کرده‌اند.

از گعده‌ها و افراد سیاسی آن زمان که با آن‌ها بوده‌اید هم بگویید.

آن موقع زیاد سیاسی نبودیم، اما دانشجویهای مقطع ما خودشان یک‌پا آدم‌های سیاسی بودند. در مقطع فوق‌لیسانس، آقای دژپسند وزیر فعلی اقتصاد از ۶۳ با ما جزء انجمن اسلامی بودند یا آقای شیرکوند که الان معاون جهانگیری است و قبلاً معاون میراث بود هم از بچه‌های مقطع فوق‌لیسانس ما بودند. همه‌شان در عرصه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی کشور دارای جایگاه شدند. از بچه‌های هم‌دوره‌ای ما آقای عسگری که رئیس سازمان مالیاتی کشور بود و الان معاون وزیر اقتصاد است، مرحوم پاشایی‌فام که مدیرعامل بانک سپه و بانک مرکزی بوده، آقای وکیلی مدیرعامل بانک توسعه صادرات بود، آقای خداحمی که الان مدیرعامل بانک کشاورزی کشور است، آقای حسینی که سال‌ها معاون سازمان برنامه و بودجه کشور بودند، آقای بنیانیان که سال‌ها معاون سازمان برنامه کشور بودند، آقای فرشباف که سال‌ها معاون سازمان برنامه و معاون چند وزارتخانه مختلف بودند. البته اسامی خیلی زیادتر از این‌هاست و فقط به تعدادی اشاره می‌کنم. خودمان در حقیقت یک کلونی هستیم، یک کلونی با تم اقتصادی سیاسی نه تم سیاسی. وجهه‌ام در کل فقط سیاسی نبود، یک تم کارشناسی مدیریتی با نگاه سیاسی بودم و آدم خیلی سیاسی نبودم.

در انجمن اسلامی که بودید؟

بله. وجه علمی کارشناسی من به وجه سیاسی‌ام می‌چربید. در مقاطع مختلف و به خاطر پیوستگی در مسیر کاری‌ام از لحاظ تخصصی بیشتر کارشناسی مدیریتی بوده است.

ولی آن وجه سیاسی و بدنه سیاسی‌تان شاید بخشی تأثیر گرفته از پسرعمو یا ارتباطی بوده که در دوره دانشگاه و انجمن اسلامی داشتید. شاید الان نقش و اهمیتی که جوهر کمی، آن دانشجوی ترکمن، در زندگی شما داشته کلیدی باشد و اگر از بابلسر جابه‌جا نمی‌شدید شاید خیلی از این اتفاقات نمی‌افتاد؟

قطعاً در تهران بودن ارتباطات را گسترش می‌دهد. اساتید ما اساتید برتری بودند. یکی از اساتید ما دکتر

عرب مازاد بود، اقتصاد کلان را با پرویز داوودی، اقتصاد کشاورزی را با نوری نائینی خواندم، با دکتر صدر اقتصاد منابع خواندم، دکتر پژویان اقتصاد بخش عمومی و... این‌ها هر کدام تاپ‌های اقتصاد بودند.

ارودتان به وزارت اقتصاد از پستی که می‌گیرید همزمان می‌شود با اینکه درس شما تمام شده و به یاسوج می‌روید.
بله. چون بورسیه سازمان برنامه بودم، باید برمی‌گشتم به سازمان برنامه.

ا باید برمی‌گشتید؟

البته، توافق کرده بودند که بمانم. آقای زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه بود و گفت باید برگردید.

ا آنجا معاون بودید. به جز معاونت، مسئولیت‌های دیگری هم داشتید؟

اول سمت معاونت دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی را داشتم و بعد از چند ماه شدم مدیرکل. البته ناگزیر شدم به سازمان برگردم و بروم یاسوج به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد.

ا این همه ارتباطات و فعل و انفعالات شما عطف خورده به پسرعموی تان؟

نه، واقعاً این‌طور نبود. من بورسیه سازمان برنامه و بودجه بودم، در تهران مدیرکل بودم و بعد به یاسوج رفتم. اتفاقاً موقعی که من رفتم آنجا، مقطعی بود که بهرام رأی نیاورد. یعنی انتخابات دوره چهارم برگزار شد و بهرام رأی نیاورد. اما من فردایش در آنجا معارفه شدم و کار را شروع کردم. مسیر من مسیری فنی بود، آقای زنجانی و در کل برنامه و بودجه آدم سیاسی قبول نمی‌کردند. یعنی اگر مسئولان سیاسی کسی را می‌خواستند در پستی مشغول کنند و پیشنهاد می‌دادند، برعکس عمل می‌کرد. مثلاً اگر استاندار فردی را می‌خواست، برعکسش عمل می‌کرد. من سال ۷۳ رفتم فارس و شدم رئیس برنامه و بودجه فارس. ۲۸ سالم بود، آقای جهرمی استاندار بود و به همراه ۱۵ نماینده نوشتند که این فرد نباید بیاید سازمان برنامه استان فارس! اگر آقای زنجانی به حرف نماینده گوش می‌داد نباید می‌رفتم فارس، ولی من یک دوره هفت هشت ساله در فارس خدمت کردم. برنامه و بودجه کاری به این حرف‌ها نداشت. در استان همه علیه من بودند، در یاسوج جناح راست حاکم شده بود و دو نماینده از جناح راست بودند. استاندار هم که از جناح راست بود. تعداد انگشت‌شماری با بهرام و من بودند. ولی بهرام نماینده نبود. من در آنجا با اقتدار کار می‌کردم، در شیراز هم همان‌طور. پس وقتی از یاسوج به شیراز رفتم کی مرا حمایت کرد، سازمانم حمایت کرد. به دلیل مدیریت خودم مرا به یک استان بزرگ‌تر بردند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

غلامرضا تاج‌گردون با رانت بهرام به سمت مدیرکل برنامه و بودجه فارس انتخاب شد و آغاز کار او لابیگری و اخذ رشوه‌های کلان و... در فارس بود که منجر به میلیاردر شدن او گردید.

این‌ها همه در دوره ریاست آقای زنجانی در برنامه و بودجه بود؟

بله. در دوران ریاست آقای زنجانی که اول در یاسوج بودم و بعد به شیراز رفتم. در شیراز بودم که آقای زنجانی از سازمان برنامه و بودجه رفت. آقای میرزاده آمد، میرزاده رفت و آقای عارف آمد، عارف رفت و آقای نجفی آمد و... من همچنان در فارس خدمت می‌کردم. استانداران همزمان با دوره خدمتم جهرمی، صحرائیان، انصاری‌لاری بودند. جهرمی جناح راست، صحرائیان چپ، انصاری‌لاری فردی فرهنگی بودند که نگاه خاص خودش را داشتند اما من با این‌ها کار کردم. از جهرمی راست‌تر که نداشتیم، من در ۱۰ سال خدمتم، ۹ سال مدیر نمونه بودم و یک سال کارمند نمونه کشور شدم و نشان خدمت کارمند نمونه کشور گرفتم.

خارج از شخصیت سیاسی، همین ثباتی که در این سیستم وجود دارد، جالب است که به افراد سیاسی نگاه نمی‌کنند.

بله، به افراد سیاسی نگاه نمی‌کنند. در دوره احمدی‌نژاد، این سازمان یک کم سیاسی شد و گرنه اصلاً سیاسی نبود. هیچ‌وقت نبود، یعنی اگر بازی سیاسی می‌کردیم با ما برخورد می‌شد. در آن مقطع این‌طور بود و من به این خاطر ۳۰ سال در این مسیر بودم و علاقه نداشتم که این‌ور و آن‌ور بروم و دوست داشتم در این مسیر بمانم.

در این دوره شما فعالیت اقتصادی دارید.

شخصی.

شخصی!

من در هیچ مقطعی، در هیچ زمانی یک اپسیلون فعالیت اقتصادی نداشتم.

یعنی اصلاً؟

هیچی نداشتم. برای همین است که تاکنون نتوانسته‌اند هیچ نکته اقتصادی از من درآورند یعنی بگویند این‌جا فعالیت اقتصادی داشته است. هیچی نداشتم.

خانه پدری تان الان همان خانه‌ای است که کلینیک شده است.

در باشت ملک پدری را کلینیک پزشکی کردیم و در گچساران هم مادرم یک خانه پدری را حسینی‌ه کرد. خانه‌ای که مادرم در آن زندگی می‌کرد، الان یک طبقه آن دفترم است، همان‌جا هستیم، خانه‌ای ساده. ساختمانی دوطبقه در متراژ ۱۶۰-۱۵۰ متر.

چه شد که در خانواده بیشتر روی شما تمرکز شد و علاقه به شما هم بیشتر شد؟

ویژگی خاصی نیست. در مسیر کار و زندگی و فشارهایی که من متحمل شده‌ام، توجه

بیشتری به من پیدا کرده‌اند.

مسیر اجتماعی خانواده را که ادامه داده‌اید موجب توجه شده یا ویژگی خاصی سبب این موضوع شده است؟

همه دوست دارند که ایل و طوایف‌شان حفظ شود. مادرم دو روز قبل از نمایندگی من فوت شدند. من دوست نداشتم در مسیری باشم که آزار و اذیت شوم، اما مادرم می‌گفت که ایستادگی کن. یکی از دلایل اصلی من در پایداری برای این کار مادرم بوده است.

و مادر تان نمایندگی شما را اصلاً نمی‌بینند.

در زمان انتخابات سال ۹۰ ایشان مریض بودند. در چهارشنبه‌ای که آخرین سخنرانی من بود در شیراز فوت شدند و بعد از سخنرانی به من گفتند. فوت‌شان خیلی تأثیر داشت در من. تا لحظه آخر برای من تأثیرگذار بود حتی روی رأی من. درست است که رأی من خیلی بالا بود، ولی نفس مادرم کمک کرد.

در دوره فوق‌لیسانس در تهران ازدواج می‌کنید، در این مورد توضیح دهید.

من با دخترعمویم که دبیر در شهرستان بودند ازدواج کردم و بعد به تهران آمدم. ایشان هم دانشجو بودند و هم درس می‌دادند. بچه‌دار شدیم و تقریباً دو سال آخری که در تهران بودم زندگی متأهلی بود و چون فامیل بودیم زندگی سختی نداشتم.

در آن زمان شرایط تحصیل در مقطع دکتری برای تان فراهم نبود یا اینکه مشغله کاری تان زیاد بود؟

نه، آن موقع بیشتر دنبال اعزام به خارج بودم. وقتی داشتم می‌رفتم یاسوج، امتحان اعزام به خارج هم دادم. اول گفتند ۴۰ نفر می‌خواهند که اسم من در لیست آن ۴۰ نفر بود، بعد اعلام شد بیست تا می‌خواهند و بعد هم رسید به ۵ نفر که اسم من جزء آن‌ها بود و در نهایت گفتند دو نفر می‌خواهند. اتفاقاً هر دو نفری که انتخاب شدند را می‌شناختم. من جزء پنج نفر بودم ولی جزء دو نفر نبودم. یکی از آن‌ها از اقلیت‌های دینی بود. گفتند نمره علمی آن‌ها بالاتر بوده است. آن دو نفر رفتند و فکر می‌کنم دیگر برنگشتند. چون آن موقع دکتری در ایران خیلی کم بود، بیشتر اعزام به خارج می‌رفتند. خیلی‌ها رفتند و برگشتند، اما این دو نفر برنگشتند. یکی از آن‌ها درسش خیلی خوب بود و اصلاً با من قابل مقایسه نبود، آدم زرنگ و تاپی بود. اما برای من نشد دیگر.

در مورد جانبازی تان بگویید؟

در عملیات آزادسازی خرمشهر بودم که زخمی شدم.

کجا؟

درست یک روز قبل از آزادی خرمشهر، روز دوم خرداد، در جایی که به آن می‌گفتند دهکده عراض. رودخانه‌ای در آن نزدیکی بود. پیشروی زیادی کرده بودیم و اسیر هم زیاد گرفته بودیم. در فاصله ۲۰-۱۰ متری با عراقی‌ها بودیم. پشت خاکریز کوچکی داشتیم همدیگر را می‌زدیم. با دو سه تا از بچه‌ها نزدیک هم بودیم که خمپاره‌ای خورد وسط ما و من زخمی شدم.

شما در این چند سالی که در استان فارس هستید، فارس یک پله‌گاهی است به هر

حال برای استان کهگیلویه و آن مسیر حرکتی‌تان در زمینه حرفه‌ای و کاری.

استان فارس با استان کوچک بسیار فرق می‌کند، حتی با استان‌های بزرگ. استان فارس ویژگی‌های خاص و مراودات خاص خودش را داشت، حوزه کاری گسترده‌ای بود و کارشناسانش کارکشته و باسواد بودند. در آنجا مهم این بود که بتوانی مدیریت کنی، ارنج کنی و همه را کنار هم نگه داری. به نظر خودم در آنجا موفق بودم و چون موفق بودم وارد یک مرحله بالاتر شدم. آن موقع استان فارس ۱۶-۱۵ تا شهرستان داشت و به ازای هر شهرستان هم یک نماینده مجلس. خلاصه ترازش فرق می‌کرد. من سعی کردم در حد تراز فارس کار کنم. از حق نگذریم مدیران استان فارس افراد جالفاخته و باتجربه‌ای بودند. در بدو ورودم به استان فارس مدیر جوانی بودم که با مخالفان زیادی روبه‌رو شدم. به‌رغم نیروهای سیاسی متعددی هم که وجود داشت، ما کار می‌کردیم. در استان فارس فارغ از شرایط اقتصادی، نگاه فرهنگی من خیلی تغییر کرد و عرصه‌های جدیدی در زمینه فرهنگ و هنر به وجود آمد که خوب توانستم بهره ببرم. مثلاً آیت‌الله حائری شیرازی که در استان فارس نمایندگی ولی فقیه را بر عهده داشتند، دیدگاه خاصی در زمینه‌های فرهنگی داشتند و خود به خود وارد سیکل و مقیاس بزرگ‌تری شدم. مردم استان فارس مردم بسیار خوبی بودند، فارس از جاهایی است که می‌توان از مردم به خوبی بهره برد. یعنی باید درک و فهم سیاسی اجتماعی کارکردن با مردم را داشته باشی که بتوانی از وجودشان بهره ببری. با آنکه در آن زمان نگاه سیاسی من فرق می‌کرد، ولی به راحتی پذیرش داشتم و کار می‌کردم. آن موقع خیلی خوب بود اما الان نمی‌دانم چطور است. معترضان مرتب تکرار بر اعمال نفوذ من در فارس کردند حتی آقای زاکانی در نطق آخر به این موضوع اشاره داشت:

قسمتی از نطق زاکانی در جلسه غیرعلنی

با استفاده از موقعیت خود به طور گسترده در انتصابات، اشتغال، مرتب‌بین خود را بر ادارات کل استان مسلط کرده و برای نهادهای مربوطه مشکل ایجاد کرده است.
مرتب‌بین آقای تاج گردون با حمایت از ایشان اقدام به سوء استفاده از موقعیت نماینده کرده اند البته این مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد نیست. در فارس، بوشهر، لرستان و جاهای مختلف این کار را کرده است.

نکته: دیگر معترضان هم این موضوع اعمال نفوذ در فارس را علیه من تکرار می‌کردند.

چه اتفاقی افتاد که شما سال ۱۳۸۰ از فارس می‌روید؟

دولت دوم آقای خاتمی که شروع شد، تغییرات مدیریتی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هم انجام شد. مدیریت جدید سازمان یعنی آقای دکتر ستاری‌فر به دنبال تعیین معاون جدید امور مجلس و استان‌ها بود و در مرکز تحقیق کرده بود و همه من را به ایشان معرفی کرده بودند، در نتیجه از من خواست که به تهران بروم. منتقدان من می‌گویند این هم یک رانت فامیلی بود.

الآن ۱۹ سال است که از حضور شما در فارس گذشته، ولی همچنان آقای تاج‌گردون را

به عنوان چهرهٔ بانفوذ در استان فارس می‌شناسند و می‌گویند که استاندار تعیین می‌کند. استاندار تعیین می‌کند که حرف درستی نیست. اینکه فارسی‌ها من را از خودشان می‌دانند و من هم خودم را فارسی می‌دانم شکی نیست و مایهٔ افتخار است.

بالآخره بحث آقای افشانی که می‌گویند شما در تعیین و استاندار شدن ایشان نقش

داشتید. در این باره توضیح دهید و اینکه چرا ارتباط شما با فارس قطع نشد؟

یکی از موضوعات مهم معترضان به اعتبارنامه‌ام این بود که من دخالت زیادی در فارس داشته دارم و این را علنی هم می‌گفتند. من هیچ‌وقت فارس را ترک نکردم، در موضع معاونت سازمان برنامه و بودجه همیشه حواسم به فارس بود، در موضع کمیسیون برنامه و بودجه هم همین‌طور. می‌توانید از نماینده‌های‌شان که همکار من بودند بپرسید. مثلاً موقعی که معاون سازمان مدیریت بودم، طرح‌های آنجا را پیگیری می‌کردم. معاون سازمان برنامه بودم و نقش داشتم، نمی‌شد که دنبال نکنم. استاندارش با من در ارتباط بود، نه فقط در سطح شیراز بلکه در دورترین نقاط فارس در طرح‌ها اثرگذار بودم. در لار و گراش و لامرد کمک می‌کردم یا حتی راه‌آهن و آزادراه شیراز.

وقتی آمدم مجلس در کمیسیون بودجه بودم و حداقل به اندازهٔ نمایندگان فارس طرح‌های آن منطقه را پیگیری می‌کردم. می‌توانم خیلی از طرح‌ها را مثال بزنم که به همراه نمایندگان و مسئولان استان آن را پیگیری کردم؛ به عنوان مثال طرح راه‌آهن شیراز به بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی یا دانشگاه‌هایی که در شهرستان‌ها دارای ردیف شدند مثل مجتمع آموزشی مروذشت، مجتمع آموزشی ممسنی، مجتمع دانشگاهی لار، مجتمع دانشگاهی گراش و... این‌ها طرح‌هایی بود که واقعاً برایم اهمیت داشتند و خوب پیش رفتند. اتصال آزادراه شیراز به سپیدان، اتصال به غرب مروذشت، اتصال راه‌آهن لار به بندرعباس و... ردیف‌هایی مثل بیمارستان بزرگ نمازی جدید و ورزشگاه شیراز طرح‌هایی بود که در دوران من به آن‌ها توجه کردیم. من رابطه‌ام را با فارس قطع نکردم. در بحث استانداری آقای افشانی که الان مطرح شد یک جبهه در فارس مخالف من شدند، هنوز هم مخالف من هستند و کارشکنی‌های‌شان از همان دوران و ناشی از بحث استانداری افشانی بود. من در مطرح کردن افشانی نقشی نداشتم و آقای موسوی‌لاری و دوستان‌شان او را مطرح کردند. تعدادی از نماینده‌های آن دوره که با دولت همخوان نبودند گفتند چرا باید یک لری بیاید استاندار فارس شود. این یک مقدار برای

من سخت بود، مگر لر بودن چه اشکالی دارد که نباید استاندار فارس شود؟ گفتم شما همه چیزتان و سمبلتان همین کریمخان زند است که یک لر است، همچنین آقای ملکحسینی به عنوان یک نابغه مرکز پیوند که همه می‌شناسندش. حالا لری این خوب است و لری افشانی خوب نیست. چطور می‌گویید ما بهترین مرکز پیوند را داریم، چطور مرکز صدرا و مرکز پیوند را افتخارتان می‌دانید و آن را قبول دارید، اما استاندارش را قبول ندارید. حقیقتاً من در آنجا موضع گرفتم و به آن‌ها گفتم این جمله شما بد است که گفتید چرا یک لر بیاید. مثلاً آقای صمد رجاء آمد استاندار کهگیلویه و بویراحمد شد، بد بود؟ آقای شورانگیز از شیراز استاندار کهگیلویه و بویراحمد شد چه بدی داشت. همین آقای پاکفطرت، نماینده فعلی شیراز، اولین مسئولیتش در زندگی مدیرکل دفتر فنی کهگیلویه و بویراحمد بود و اتفاقاً زمانی بود که من آنجا رئیس برنامه و بودجه بودم. این بد است. کجای این بد است، آقای افشانی چه ایرادی دارد. وقتی در فارس چنین نگاهی است، بعد انتظار دارید در کهگیلویه و بویراحمد چه نگاهی باشد. به همین خاطر می‌گویند تاج‌گردون در همه این‌ها دست دارد و به این موضوع یک مقدار زیاد پرداخته شد. به نظر من بعضی‌ها ضعف اجرایی، ضعف مدیریت و ضعف سیاست خودشان را در تخریب نقطه قوت دیگران می‌دانند و سعی می‌کنند ضعف خود را این‌طور بپوشانند. خوب تو برو تلاش کن، کار کن، زحمت بکش، ایده بده. چطور تاج‌گردون وقتی به شما کمک می‌کند خوب است، اما در غیر این صورت بد است. خیلی از مسئولان دیگر استان فارسی که در جاهایی سمت گرفتند را من کمک کردم، خوب این بد است یا خوب است؟ از یک فارسی حمایت کردند که حشش ضایع نشود بد است. این نوع حرف‌ها، حرف‌های خیلی خوبی نیست. من در جلسات بررسی اعتبارنامه‌ها خجالت کشیدم که مثلاً آقای نجابت نماینده شیراز مستقیم یا غیرمستقیم توسط دیگر معترضان می‌گفتند فارس در اختیار تاج‌گردون است. دیگران چه گلی به سر فارس و شیراز زده‌اند که من نژدم، پس اگر این حرف‌ها را می‌زنند بدانند تاج‌گردون بیشتر از نجابت‌ها برای فارس کار کرد. سه تا نجابت نماینده شیراز بودند، برای فارس چه کار کردند. من بهتان قول می‌دهم که بعد از این نیز صمیمانه‌تر برای فارس کار کنم. من حاضر قول بدهم حداقل بیش از دو نماینده فعلی شیراز، بیشتر و بهتر از آنان در مورد فارس صحبت کنم و ایده بدهم. من بیشتر از آنان می‌توانم در مورد شهر خودشان صحبت کنم. نمی‌تواند به اندازه من در مورد سوابق و پروژه‌های مهم شیراز بگویند.

چقدر در انتصاب ساسان تاج‌گردون در شیراز نقش داشته‌اید؟

ساسان سال ۷۴ آمده آنجا سازمان برنامه با من همکاری شد و تا زمانی که من آنجا بودم، کارشناس بود.

شما در ورودش نقش داشتید.

بله. من در سال ۷۴ آنجا رئیس سازمان برنامه بودم. ساسان نمی‌خواست تهران کار کند، به او گفتم باید شیراز پیش خودم کار کند. او تا دولت آقای احمدی‌نژاد کارشناس بود. من در آن زمان هیچ‌کاره بودم. من از منتقدان صریح دولت احمدی‌نژادم. استاندار وقت ساسان را می‌گذارم مدیرکل بودجه و بعد معاون بودجه می‌شود و هر استانداری در دولت احمدی‌نژاد می‌آید و می‌رود ساسان را حفظ می‌کند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

اعمال نفوذ ایشان در انتخابات در وزارتخانه ها، سازمان ها، شرکت ها، صندوق ها، بیمه ها، و جاهای مختلف و حتی در مواردی قبضه کردن کامل شرکت ها مانند شرکت بهره برداری نفت گاز گچساران. موارد مستند بعنوان نمونه انتصاب: ۱- محسن تاجگردون (برادرزاده نماینده) عضو هیئت مدیره پتروشیمی گچساران ۲- ساسان تاجگردون (برادر نماینده) معاون وزیر میراث فرهنگی و گردشگری ۳- محمدنبی محمدی (داماد نماینده) مدیر کل امور مجلس سازمان بهزیستی کشور ۴- لیلا تاجگردون (خواهر نماینده) معاون مدیر کل محیط زیست استان فارس ۵- میلاد تاجگردون کارمند آزمایشگاه محیط زیست استان فارس ۶- عادل امینی (داماد تاجگردون) دبیر کار گروه اشتغال گچساران ۷- محمدقائم تاجگردون مدیرکل فناوری سازمان بندر و دریانوردی ۸- مهدی تاجگردون (برادرزاده نماینده) مدیر نماینده بیمه گران ایران و بیمه کننده پتروشیمی.

همان فرایندی که برای شما اتفاق افتاد.

بله. او آدم کارشناسی است و کارش را خوب بلد است. همه از او راضی بودند. استانداران دولت احمدی نژاد به او پست دادند و هشت سال نگهش داشتند در زمانی که من دیگر کارهای نبودم. در عین حال که منتقد دولت هم بودم، سر پستش بود تا پارسال، یعنی ۱۵-۱۴ سال مدیرکل و رئیس سازمان بود. در دو سال گذشته خیلی دنبالش بودند که تهران بیاید، من هم راضی نبودم که تهران بیاید. خودش هم راضی نبود. اول آقای جهانگیری حکم معاونت برایش زد که خودش رد کرد. بعد یکی دو تا از وزرای دیگر، آخرش به گردشگری آمد و در معرفی اش برای این منصب، من اصلاً نقشی نداشتم. حقیقتش موافق هم نبودم. به نظر من این آدم شایسته و خوبی است و کارش را هم خوب بلد است، مسلط، مورد اعتماد و سالم. این روزها از این آدم‌ها کم پیدا می‌شود.

اگر من منتقد شما باشم و بخواهم به داستان جور دیگری نگاه کنم، آیا کار شما در فارس و حمایت از ساسان و حتی طرح های عمرانی در فارس به این دلیل نبوده است که این پایگاه و جایگاه به نوعی حفظ شود. همه نکته‌هایی که گفتید به خاطر حفظ این جایگاه نبوده است؟

می‌شود این حرف را در مورد خوزستان هم زد. من در کل علاقم به این منطقه زیاد است. بوشهر هم همین‌طور است. به خوزستان بیشتر از فارس علاقه دارم. فارس علاقه شخصی خودم هست، دهها پروژه از آن منطقه در ذهن من است، علاقه و شناخت من نسبت به واقعیت‌های این منطقه موجب شد تا بیشتر به آن توجه کنم. حالا نماینده‌های فارس می‌خواهند برای من چه کار کنند. با هم خوب بودیم و با هم خوب کار می‌کردیم. فارس مهد تمدن ایران زمین است و بعضی وقت‌ها که این حرف‌ها را انسان‌های شاخص فارس می‌زنند متعجب می‌شوم. اگر یک آدم ساده این حرف را بزند ایرادی ندارد، اما یک فارسی شاخص نباید این حرف‌ها

را بزند. فارس باید مملکت را اداره بکند، نه اینکه بگوید چرا باید یک کهگیلویه و بویراحمدی فارس را اداره بکند. حالا شما بگردید و در مورد ۴۰ سال گذشته، حداقل سازمان برنامه استان فارس حرف بزنید، از کارشناسان تحقیق کنید؛ حتماً در میان نیروهای شاخص و تأثیرگذار استانی و این سازمان ما را معرفی می‌کنند. حتماً اثرگذار بوده‌ایم و منفی نبوده‌ایم.

شما در رشد آقای افشانی که به وزارت کشور رفت، نقش داشتید.

نه، اصلاً این‌طور نیست. بالأخره این‌هایی که دوست دارند حرف بزنند، حرف می‌زنند. آقای افشانی آدم شایسته‌ای بود و این مسیر را درست طی کرد. به نظرم آن‌هایی که این حرف را می‌زنند خودشان هم می‌دانند که من هیچ نقشی نداشته‌ام. در کل لرها تعدادشان خیلی کم است، اما صدای‌شان خیلی زیاد است. ما چند لر در مملکت مسئول داریم؟ نداریم. من دیروز رفتم پیش یک مسئول؛ خودش مدیر بود، دامادش معاونش بود، خواهرزاده‌اش معاون دیگرش بود، همه‌شان یک خانواده بودند و کسی نمی‌داند آن‌ها کی‌اند. ولی روی من حساس‌اند، می‌گفتند خواهر من معاون مدیر کل یک اداره معمولی در استان فارس است. به یکی از معترضان گفتم چرا زن تو رئیس دانشگاه است چیزی نمی‌گویی، اما جرم است خواهر من معاون یک اداره است؟ آقای افشانی خودش آمد، خودش رفت، رأی شورای شهر را آورد و در تهران منصب پیدا کرد و بعد هم مجلس یک قانون تصویب کردند فقط به خاطر افشانی و او هم کنار گذاشته شد.

توثیق آذربیک



یکی از موضوعاتی که در زمان

بررسی اعتبارنامه شما بحث شد، این بود که آقای افشانی اسنادی در اختیار شما گذاشته است، این موضوع صحت دارد؟

قانونگذار همه چیزش مشخص است، ضعف و عیب و فساد و غیرفسادش روشن است. اتفاقاً کسانی که در مجلس و منتقد من هستند و به اعتبارنامه من رأی ندادند، رسماً با من مذاکره کردند که شما بیایید اسناد افشانی در مورد قالیباف را رو کنید، من گفتم که افشانی چنین سندی به من نداده است. شما اگر امروز در اینترنت سرچ کنید می‌توانید ۱۰ تا موضوع آقای قالیباف را بیرون بیاورید. کارمند ساده‌ای خلاف نکرده؛ معاون اصلی و فرد نزدیک به آقای قالیباف تخلف کرده است، کسی حتی از او سؤال هم نمی‌کند یعنی

کسی جرئت ندارد سؤال کند. آقای شریفی، معاون قالیباف هزار تا مفسده کرده به قالیباف نسبتش می‌دهند؟ خیرا یک روزی آقای ذوالنور نماینده مردم قم به من گفت صحت دارد که آقای افشانی به شما مطالب داده‌اند که در مورد آقای قالیباف مطرح شود، من گفتم نه. بعد رفتیم پیش آقای تقوی نماینده تهران و ایشان هم همین خواست را از من داشت، گفتم نه نیازی هست و نه چیزی هست در مورد قالیباف. گفتند نه گفته‌اند که افشانی خیلی سند به تو داده است یعنی آقای میرسلیم و آقای تقوی خیلی دوست داشتند که من علیه قالیباف صحبت کنم. من دیدم چیزی اضافه نمی‌کند به شخصیت و وجهت من و چیزی هم از قالیباف کم نمی‌کند. آقای میرسلیم می‌گوید که آقای قالیباف ۶۵ میلیارد تومان به رئیس یک کمیسیون مجلس داده تا تحقیق و تفحص در مجلس رأی نیاورد. این خیلی حرف سنگینی است، چرا کسی پیگیری نمی‌کند، اگر من گفته بودم مرا رها می‌کردند؟ چون میرسلیم گفته کسی کاری به او ندارد. رفتیم پیش میرسلیم گفتم چون من در آن کمیسیون بودم، منظور تان این است که به من داده، گفت نه تو نیستی، منظورم کمیسیون عمران است. حتی این حرف را خیلی راحت می‌زند، ۶۵ میلیارد تومان آقای قالیباف به کمیسیون عمران داده تا طرح تحقیق و تفحص در مجلس مطرح نشود. این‌ها را آقای میرسلیم به خودم گفت، البته همه جا گفته، اسم را هم به خودم گفته است. بعد میرسلیم به من گفت تو از مجلس برو بیرون و برای نظام هزینه درست نکن. گفتم تو داری برای نظام هزینه درست می‌کنی، تو می‌گویی قالیباف دزد است، تو می‌گویی رئیس کمیسیون عمران دزد است، این اتهام باید ثابت شود، چرا کسی چیزی نمی‌گوید. تاج‌گردون به راحتی باید هزینه بدهد و برود اما میرسلیم نه، میرسلیم حرفش را می‌گوید و می‌رود و بعد هم هیچ‌کس اعتراضی نمی‌کند، نه قالیباف چیزی می‌گوید و نه میرسلیم حرفش را پس می‌گیرد. اگر من این حرف را می‌زدم قالیباف پدر مرا درمی‌آورد یا یک نماینده دیگر شهرستانی اگر این حرف‌ها را بزنند، به راحتی پدرشان را درمی‌آورند. این‌ها چیزهایی است که می‌گویند؛ نه افشانی به من سندی داده است، تازه از وقتی افشانی از شهرداری رفته کنار من نه تماس تلفنی با او داشته‌ام و نه دیدمش. در این مدت اعتبار نامه‌ام یک بار هم تماس نداشته‌ایم و اصلاً ندیدمش و حتی پیغامی هم با هم نداشته‌ایم. از ۹۷ تماسی نداشته‌ایم. در انتخابات دوره قبل مگر همین آقای قالیباف و رئیس و روحانی به هم این همه حرف نزدند، کک‌شان هم نگزدید، یکی شد رئیس قوه قضاییه، یکی شد رئیس قوه مجریه و یکی هم رئیس قوه مقننه. پس این چیزها، زیاد ملاک و معیار نیست؛ مهم این است که بخواهند کی را بزنند و حذف کنند.

ابرگردیم به آن دوره تاریخی، شما از فارس به تهران می‌آید و تهران هستیید تا اینکه دولت عوض می‌شود، درباره فعالیت‌های بعدی تان صحبت می‌کنید؟ من از فارس که می‌آیم معاونت امور مجلس و استان‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را به عهده می‌گیرم و بعد از چند سال می‌شوم معاون امور اقتصادی سازمان مدیریت. دولت دکتر احمدی‌نژاد که می‌آید آقای دکتر طیب‌نیا و دکتر دژسند معاون سازمان مدیریت

می‌شوند و جای ما می‌نشینند. عیب امثال من این است که حلقه نداریم، گعده نداریم، پشت نداریم، خودمان به خودمان وصلیم. بعضی آقایان در این دولت معاون و در دولت بعدی رئیس و وزیر می‌شوند، چطور این اتفاق می‌افتد و حرفی زده نمی‌شود؟ چون در جایی به هم وصل‌اند، دوستند و سیم‌شان به هم وصل می‌شود و می‌آیند و می‌ایستند. یک نفر آدم ساده از کهگیلویه و بویراحمد به فارس می‌آید، از فارس به تهران می‌آید و معاون می‌شود و کنار می‌رود، بعد هم نماینده و رئیس کمیسیون می‌شود و این‌ها می‌شود رانت چون تحت فرمان آقایان نیستیم. اما خودشان هر جوری می‌خواهند تقسیم می‌کنند ولی خبری از رانت و تقسیم رانت نیست. بعد از سازمان برنامه هم عضو هیئت علمی شدم و در چند مرجع حکومتی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت کردم.

اسم می‌آورد؟

بله، در اتاق تعاون، اتاق بازرگانی، مؤسسه مطالعاتی بانکداری اسلامی، سندیکای بیمه‌گران ایران که همگی بار حکومتی غیردولتی داشتند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

آقای تاج گردون در موسسه کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی به شماره ۵۱۳ و شناسه ملی ۰۱۰۱۰۰۰۷۰۸۷۸ با آقای ولی اله سیف و چند نفر دیگر از اخلاف گران اقتصادی شریک هستند.

آقای تاج گردون در شرکت پتروامیدآسیا با علیرضا حیدرآبادی پور رئیس بانک سرمایه فراری به اسپانیا و ... شریک هستند.

آقای تاج گردون در شرکت پتروامیدآسیا با آقای پرویزبان مدیرعامل بانک پاسارگاد شریک هستند.

شرکت‌ها و موسساتی که غلامرضا تاج گردون عضو هیات مدیره بود (۹ شرکت)

- ۱- موسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی (موسسه تحقیقاتی است و فعالیتی ندارد) ردیف ۳ مربوط به قبل از نمایندگی
- ۲- کمیته ایران اتاق بازرگانی (ردیف ۴) مربوط به اتاق بازرگانی است سال‌های ۸۶-۸۸
- ۳- موسسه غیرتجاری فرهنگی مشک و ملار (غیرتجاری و فرهنگی و حتی حساب بانکی هم ندارد. ردیف ۵)
- ۴- شرکت پتروامیدآسیا (قبل از مجلس یک سال عضو غیر موظف هیات مدیره بودم) نماینده دولت سال ۹۰ ردیف‌های ۷ و ۸
- ۵- اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران عضو هیات مدیره سال ۸ ردیف ۱۰
- ۶- شرکت پتروشیمی گچساران سال ۸۶ (سهام دولت) ردیف ۱
- ۷- شرکت ملی بهره‌برداری ایران (معاون سازمان برنامه و بودجه و رئیس هیات مدیره است. دولتی) سال ۸۲ ردیف ۱۸
- ۸- شرکت سیمان هرمزگان ردیف ۹ یک دروغ

اتفاقاً معترضان به این دوره خیلی بیشتر توجه می‌کنند و موضوع برجسته‌ای در اعتراضات است.

بین سال‌های ۸۴ تا ۹۰ که من نه نماینده هستم و نه در سازمان مدیریت این موضوع برجسته می‌شود. شما نگاه کنید تمام فعالیت‌های حاشیه‌ای من که معترضان به آن اشاره کرده‌اند مربوط به همین دوره است. حتی کوچک‌ترین فعالیت را نمی‌توانید در دوره نمایندگی من پیدا کنید، درحالی‌که همین معترضان در دوره نمایندگی‌شان هم فعالیت اقتصادی داشته و دارند حالا به اسم خیریه و این نوع مسائلی که عموماً پوششی است. لیست فعالیت‌های من را داده‌اند که به نظرم بد نیست همین جا در همین بحث قید شود. آقایان حتی توجه نداشته‌اند و ندارند که من هیئت علمی بودم و طبق قانون در آن دوره می‌توانستم فعالیت‌ها را انجام بدهم. مشابه من اگر دور و بر خودشان را نگاه کنند ده‌ها نفر هستند. این فعالیت من ادامه داشت تا سال ۸۶ که در انتخابات مجلس شرکت کردم و در دوره هشتم که موفق نشدم به مجلس بروم. جالب است که در تمام این گزارش‌ها نوشته شده که من در دوره هفتم شرکت کرده‌ام و ردصلاحیت شده‌ام که توضیح دادم من در دور هفتم اصلاً شرکت نکرده‌ام. تا روز آخر در صحن علنی این حرف را می‌گفتند و من جواب می‌دادم. می‌گفتند ما مستند داریم که شما در این دوره ردصلاحیت شده‌اید. بالآخره اگر قرار است کسی چیزی را نفهمد نمی‌شود به زور به او فهماند. دوره هشتم هم من در انتخابات شرکت کردم که ابتدا رد و بعد تأیید شدم که کمی وقفه افتاد. بگذریم که در آن دوره به هر دلیلی که برای مردم مشخص است آقای دیگری انتخاب شد و من سکوت کردم و هوادارانم را آرام کردم که شلوغی پیش نیاید. من بیشتر از ۲۲ هزار رأی آوردم، سکوت کردم تا کارهایم را ادامه بدهم.

سال ۷۸ که آقای بهرام تاج‌گردون در انتخابات شرکت کردند و رأی آوردند، رأی‌شان چقدر بود؟

حدود ۲۶ هزار رأی آورده بودند و نفر دوم هم حدود ۱۰ هزار تا آورده بودند و بقیه هم ۸-۷ هزار تا.

۲۶ هزار تا. یعنی یک کف رأی وجود داشته.

بله. من هم ۲۲ تا آوردم. آنجا رأی سیاسی و قومی قاطبی می‌شود. در آن دوره من رأی سیاسی را آوردم ولی رأی قومی را نه. خیلی از فامیل‌های خودم به رقیبم رأی داده بودند، زودتر رفته بودند و قسم‌شان داده بودند و من هم قسم‌شان دادم که از رأی خودشان برنگردند. دور نهم بیش از ۳۴ هزار رأی آوردم و نفر بعد من هم ۱۹ یا ۲۰ هزار رأی آورد. رأی من قابل توجه بود و چون در آن منطقه تاکنون کسی آن رأی را نیاورده بود، من شدم نماینده مطرح. در دور بعدی یعنی دور دهم مجدد شرکت کردم و رأی من به ۶۶ هزار تا رسید. دور قبل ۴۴ درصد و در این دور ۷۴ درصد رأی گرفتم و وارد مجلس شدم.

ا بگذارید کمی عقب برگردم. چه شد که به مجلس ورود کردید. انگیزه بار اول تان برای شرکت در مجلس چه بود؟

بالآخره من یک نگاه سیاسی و در عین حال نگاه منطقه‌ای دارم، بعد هم فکر می‌کردم در این عرصه موفق می‌شوم که موفق هم شدم. خودم فکر می‌کردم که می‌توانم کار کنم و یک پایگاه اجتماعی را که نمی‌شود از دست داد. در حقیقت عافیت‌طلب نبودم که بروم یک گوشه‌ای. اگر مدیر یک بنگاه اقتصادی می‌شدم، الان تریلیاردر بودم. اگر فعالیت اقتصادی می‌کردم از خیلی‌ها بالاتر بودم، اما انگیزه سیاسی - منطقه‌ای من غالب بود.

ا خانواده راضی بودند؟

سخت‌شان بود، زیاد راضی نبودند.

ا منظورم کل خانواده است.

همسر و بچه‌هایم راضی نبودند. نه اینکه ناراضی باشند، اما می‌گفتند که اذیت می‌شوی. ما خانواده‌ای هستیم که به این چیزها عادت کرده‌ایم. مباحث حاشیه‌ای کار برای ما تقریباً عادی شده است و همه این چیزها را درک کردیم. من تنها نماینده‌ای هستم که کلکسیون همه چیز را دارم و خانواده من هم به این چیزها عادت کرده‌اند؛ یک دوره ردصلاحیت شده‌ام، یک دوره تضییع حق شد در اعلام رأی واقعی‌ام، یک دوره بالاترین درصد رأی کشور را کسب کردم و یک دوره هم که اعتبارنامه‌ام در مجلس رد شد.

ا شما در این دوره وقفه، یعنی سال‌های ۸۴ تا ۹۰ هیچ فعالیت اقتصادی یا شرکتی ندارید؟ چون آنچه در بحث فعالیت اقتصادی در اعتراض به اعتبارنامه شما وجود دارد، مربوط به این دوره است؟

خیر. در دوران ۳۰ سال خدمتم، هیچ فعالیت اقتصادی نداشتم. مگر اینکه مشاوره جایی می‌رفتم. اما فعالیت بنگاهی نداشتم که سرمایه‌گذاری، ساخت، خرید یا تجارت کرده باشم. شاید در این دوران شده بود که با دوستان‌مان شرکتی راه بیندازیم مثل مؤسسه تحقیقاتی شهید صدر که چند تن از علما هم مؤسسه تحقیقاتی و مطالعاتی راه انداخته بودند، نه اقتصادی. هیچ‌وقت فعالیت اقتصادی نداشتم. در مجلس هم گفتم، ولی همه را می‌گویند قابل پذیرش نیست. می‌گویند ثابت کن، می‌گویند مگر می‌شود فعالیت نداشته باشی. شما بیایید خلافتش را ثابت کنید که نتوانستند ثابت کنند، این قدر هم من زیر ذره بین بودم و زندگی مرا شخم زده‌اند که نگو.

ا در اسناد معترضان یک سری مجموعه اقتصادی هست؛ مثلاً مؤسسه تحقیقاتی مطالعاتی بانکداری اسلامی که مربوط به سال ۸۹ می‌شود؛ کمیته ایرانی اتاق بازرگانی در سال ۸۶ ... در کل همه این‌ها مربوط به آن دوره است. همه مربوط به ۸۴ تا ۹۰ است و هیچ‌کدام هم اقتصادی و بنگاهی نیستند. یک وقت هست که شما نماینده دولت در یک بنگاه هستید و

یک زمان به عنوان فردی مستقیم ورود می کنید.

ا چه اتفاقی در آن دوران می افتد؟ شما هم مخالف دولت و هم از مجموعه بیرون هستید. در آن سال چطور می شود که نماینده می شوید یا در برخی بنگاه‌ها که تقریباً متعلق به دولت است فعالیت می کنید؟
مثل کجا؟

ا مثلاً در همان شرکت پتروشیمی گچساران.

در بحث شرکت پتروشیمی گچساران، آقای مهندس نجابت مدیرعامل شرکت ملی پتروشیمی ایران بود. اصلاً ایده‌ احداث خط اتیلن غرب ایده‌ای بود که در زمانی که معاون سازمان برنامه بودم شکل گرفت. آقای زنگنه وزیر نفت بود و آقای نعمت‌زاده معاون ایشان که در جلسه‌ای ایده مطرح شد و کار را شروع کردیم. با آن ایده قرار شد پتروشیمی گچساران، دهدشت، ممسنی، کازرون، اندیمشک، خرم‌آباد، کرمانشاه، سنندج، میاندوآب و مهاباد ساخته شود. خوراک مازاد در عسلویه را به منطقه غرب کشور منتقل کردیم. آقای نجابت به من گفت این ایده خوب است و بیا باید اینجا را سازماندهی کنید. نه اینکه کارمندان باشم، من آنجا یک کارهایی کردم و بعدش هم رفتم. خیلی از این پروژه‌ها الان تمام شده است و کسی نمی گوید که چطور این پروژه‌ها راه افتاده است. درست است که خیلی‌ها بعداً زحمتش را کشیدند، اما در به ثمر رسیدن ایده و تأمین مالی آن نقش داشتم. در آن زمان، کل این طرح‌ها متعلق به دولت بود و من هم در بحث تأمین مالی کمک می کردم.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

آقای غلامرضا تاج گردون در ۱۱ شرکت عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل هستند که این شرکت ها همگی دارای تخلفات مختلفی هستند. از جمله شرکت پتروشیمی گچساران که خودش عضو هیأت مدیره و برادرزاده اش مخسن تاج گردون رئیس این پتروشیمی بوده است. تجهیزاتی را که در سال ۱۳۹۸ با ارز ۱۲۰۰ تومن خریداری شده بود. را بعد از اینکه ایشان نماینده شد. همان تجهیزات را با ارز ۱۲۰۰۰ تومن مجدداً سندسازی کرده و حدود ۲ هزار میلیارد تومان سود بردند. بعد پتروشیمی را با ترفندهایی بدهکار هلدینگ خلیج فارس کردند و کل سهام آنرا واگذار نمودند. در دولت احمدی نژاد با نامه شخص رئیس جمهور و توافق وزارت نفت ۲۰ درصد سهام این شرکت را به مردم گچساران واگذار کردند. که آن ۲۰ درصد را هم فروختند. (شرح آن در بخش پتروشیمی ها آمده است.)

ا آنجا دریافتی داشتید؟

نه، حق جلسه‌ای بود و حقوق نمی گرفتیم. فکر کنم ماهی ۲۰۰ هزار تومان حق جلسه دریافت می کردم. البته این نوع طرح‌ها حقوقش مهم نبود، برای یک نفر مثل من مهم این بود که

طرح‌ها راه بیفتند. البته اگر من در آن مقطع ده میلیون حقوق می‌گرفتم هم خلاف قانون نبود.

بحث بر سر این است که می‌گویید من در این دوران کار اقتصادی نکردم.

شخصی نبوده است و متعلق به دولت بود. شاید به فلان شرکت خصوصی مشاوره مالی می‌دادم و حق‌الزحمه دریافت می‌کردم. آزاد هم بودم و نه تنها خلاف قانون نبود که به نظرم لازم هم بود. پتروشیمی گچساران متعلق به دولت بود، پترو امید آسیا سهامدارش دولت بود، به من چه ربطی دارد؛ من حق‌الجلسه‌ام را می‌گرفتم و ایده می‌دادم. بعد هم که وارد مجلس شدم حتی این کار که ادامه‌اش خلاف قانون و در شأن نمایندگی نبود را کنار گذاشتم. سال ۹۱ وارد مجلس شدم و رفتم کمیسیون بودجه، مجلس اصولگرا و بنده اصلاح‌طلب. آدم‌های مطرحی در کمیسیون بودند؛ آقای عبداللهی که خودش شش هفت دور نماینده بود و آقایان مصباحی‌مقدم، توکلی، نادران، قوامی، احمدی، جلیلی، قادری، جعفرزاده، یوسفیان‌ملا، ثروتی، امامی، تابش، سقایی و دیگر دوستان بزرگوار که هر کدام‌شان از وجهه و سابقه بالایی برخوردار و عضو کمیسیون بودند. سال‌های اول و دوم نمایندگی شدم نایب رئیس کمیسیون و رئیس هم مصباحی‌مقدم شد. من را در کمیسیون بودجه به عنوان یک آدم متخصص قبول داشتند. درست است که اقلیت سیاسی بودم اما در مجلس در مسائل بودجه تأثیرگذار بودم. دولت احمدی‌نژاد حاکم بود ولی طرح‌هایم را مطرح می‌کردم و در طرح‌های منطقی‌های هم تا جایی که می‌توانستم به مردم ادای دین می‌کردم. در آن زمان یک فراکسیون اصلی بود به نام فراکسیون رهروان ولایت که پایه‌اش اصولگرا بود و یک گروه اقلیت سیاسی جناح راست پایداری هم وجود داشت که حدود ۷۰-۶۰ نفر بودند. ما فراکسیون نداشتیم. سال دوم بود که فراکسیون رهروان ولایت شب قبل از انتخابات هیئت رئیسه جلسه برگزار کردند که چه کسی کاندیدای هیئت رئیسه باشد و من هم شرکت کردم. گفتند کی رئیس باشد، اجماع نظرات بر آقای لاریجانی بود. برای نواب رئیس که آقای ابوترابی و آقای باهنر کاندیدا شدند، من هم دستم را بردم بالا و اعلام کاندیداتوری کردم. وقتی دیدند من کاندیدا شدم، آقای دستغیب هم کاندیدا شد. رأی‌ها را که شمردند رأی من و آقای باهنر مساوی شد، آن هم در فراکسیون اصلی مجلس اصولگرایان. با اعلام این رأی، شوک سنگینی در مجلس ایجاد شد که تاج‌گردون با باهنر رأیش یکی شد. اگر در صحن می‌رفتیم رأی من بیشتر می‌شد چون در آنجا اصلاح‌طلبان و مستقلین هم بودند و چالش سنگین‌تر می‌شد. مانده بودند چه کار کنند. خلاصه یکی دو ساعتی که گذشت گفتم من انصراف می‌دهم، اگر بخواهم آن‌ها را شکست دهم، داستان‌ها خواهد داشت. اگر می‌ماندم؛ شاید نایب رئیس مجلس می‌شدم یا حداقل اینکه مهندس باهنر نایب رئیس نمی‌شد ولی به احترام ایشان که به نظرم انسان شایسته و توانمندی بود کنار رفتم.

آیا نتیجه انصراف تان به نفع آقای باهنر این نبود که سال بعد رئیس کمیسیون بودجه

شدید؟

هیچ ربطی نداشت. اگر من هم رقیب آقای مصباحی‌مقدم نمی‌شدم آقای نادران رقیبش می‌شد

و از طیف خودش شکستش می‌داد و طبیعتاً این اتفاق می‌افتاد. البته از نظر فنی و کارشناسی جا افتاده بود که من کارشناس بودجه‌ای بودم و سعی می‌کردم نقشم را درست ایفا کنم. همزمان عضو کمیسیون ویژه اصل ۴۴ و حمایت از تولید بودم. در آن مجلس اتفاق دیگری که شکل گرفت و خیلی مهم بود کمیسیون ویژه برجام بود و با توجه به حساسیت موضوع باید بر سر چگونگی انتخاب آن صحبت می‌شد. گفتند از همه سلايق سياسي انتخاب كنيد. در آن تركيب ۱۵ نفره، من و آقای دکتر پزشكیان نماینده تبریز و آقای منصور آرائی نماینده كاشان به عنوان اعضای اصلاح طلب حضور داشتیم. البته پزشكیان را هر دو گروه قبول داشتند. آقای حقیقت‌پور از اردبیل هم بودند به علاوه آقای ابوترابی. تعداد ده نفر هم مشخصاً از مخالفان برجام بودند. ما پنج نفر نگاه دیگری به برجام داشتیم. يد مطلق در اختيار آن طرفی‌ها بود. آقای زاکانی را به عنوان رئیس کمیسیون برجام انتخاب کردند. بحث‌ها بسیار مفصل بود و جلسات خیلی طولانی و پُرچالش بودند. آقای زاکانی یک گروه تشکیل داده بود که همین حالا هم دوروبرش هستند و اصطلاحاً «وردستش» بودند و الان هم «پادو» یا «وردست‌شان» هستند. همین آقای مالک شریعتی از کارشناسان و وردست‌هایش بودند و واقعاً قامت نمایندگی مردم را ندارند، آن هم مردم تهران. اما وردستان زاکانی و همیشه همراهش بودند و در لیست مجلس هم آمدند. مجلس ما واقعاً این‌طور است، گاه طرف چهار وردست دارد و گاهی هم با پنج وابسته‌اش کار می‌کند و به این ترتیب لیست تهران بسته شد. در آن زمان هم این‌ها در کمیسیون برجام وردستش بودند، کمیسیون را بردند و برجام را رد کردند و به کل برجام نظر رد دادند. من می‌دانستم حضرت آقا ابراداتی دارند و حتماً ابراداتش را مطرح می‌کردند نه اینکه کاملاً رد شود. من یکی دو سال پیش کتابی نوشتم به نام «ماجرای برجام» که در این کتاب مفصل در این خصوص صحبت کردم و توصیه می‌کنم بخوانید بخصوص داستان کمیسیون و نامه‌ای که ردوبدل شده با زاکانی.

آنجا تقابل شدیدی بین من و زاکانی اتفاق افتاد و در این کتاب آمده که الفاظ تندی بین من و زاکانی ردوبدل شده. ما پنج نفر یک بیانیه می‌دهیم و آن بیانیه مصوبه را لایحه می‌کنند و این بخصوص رئیس کمیسیون را عصبانی‌تر می‌کند. ایشان مصاحبه می‌کنند که این برخورد غیراخلاقی بود، یعنی ایشان و آقای توکلی که به شدت مخالف من هستند، همان کسانی هستند که در آن موقع گفتند بیانیه شما غیراخلاقی است. چون بیانیه مشخصی با دستخط خود من هم تنظیم و منتشر شد که بعد از کشمکش‌های بسیار در مجلس منجر به تأیید برجام در مجلس شد، برجامی که فرایندی ملی و بین‌المللی بود. اگرچه آقای زاکانی می‌گویند من با تاج‌گردون موضوع خاصی ندارم ولی از آن موقع کینه این موضوع را به دل گرفتم و مرتب تکرار می‌کردم. مجلس دهم که تشکیل شد و ایشان رأی نیاورد، روز اول بعد از انتخابات از من پرسید مگر تو رأی آوردی، گفتم بله رأی آوردم. گفت مگر تأیید شده بودی؟ گفتم بله! گفت قرار نبود که تأیید شوی! گفتم عجب! مگر شما تعیین می‌کنید که چه کسی تأیید شود و کی تأیید نشود؟

علاوه بر موضوع برجام، در جلسهٔ کمیسیون تلفیق در خصوص فضای مجازی هم درگیری شدیدی داشتیم. من توصیه می‌کنم کتابی که دربارهٔ برجام نوشته‌ام را مطالعه کنید؛ آنجا نوشتم و اشاره کردم که قبل از این جریان‌ها به من می‌گویند تو دیگر رنگ مجلس را نمی‌بینی. **به هر حال موضوع آقای زاکانی و یک مجموعهٔ صدسالهٔ خانوادگی، سیاسی و... پیوند خوردند و منجر به اعتراض به من شدند.** آقای زاکانی هم در تمام صحبت‌هایش می‌گفت که برخورد ما با آقای تاج‌گردون برخورد سیاسی نیست و دوست داشت من این سابقه را بگویم. به من نمی‌گفتند تلاش داشتند موضوع اعتبارنامه را سیاسی جلوه دهم. حالا که همه به برجام فحش می‌دهند، آن موقع همه طرفدار برجام بودند و برایش کل می‌زدند و می‌رفتند جشن می‌گرفتند. در این کتاب همه موارد موجود است. ایشان یکی از کینه‌های خیلی جدی که نسبت به بنده داشته و دارد همین اتفاق است. به نظر من، ما در آن موقع کار خوبی کردیم. در دنیا همه دنبال برجام بودند و اگر ما در آن موقع برجام را رد می‌کردیم چه اتفاقی می‌افتاد؟ البته نه تدبیر ما بلکه تدبیر کل نظام در پذیرش برجام با درج تذکرات رهبری بود. در همان کتاب که دو سال پیش منتشر شده از قول یکی از دوستانش به من می‌گوید: «**تاج‌گردون بای‌بای!**» **تو دیگر چشمت مجلس را نمی‌بیند.** تا به امروز به دنبال یک هدف بود که به نتیجه برسد. این «بای‌بای» را من همان موقع در کتاب «ماجرای برجام» نوشتم که نگویند امروز برای رد اعتبارنامه نوشته‌ام؛ این فرایند از همان زمان بوده است و زاکانی لیدری می‌کرد که تاج‌گردون را از مجلس بیرون بیندازد.

تصویر جلد کتاب ماجرای برجام (چاپ ۱۳۹۸)





مصاحبه زاکانی علیه بیانیه پنج نماینده مجلس (سال ۱۳۹۴)



فروری که ما می‌خواستیم برای بازید از فردو برویم، من متی آئین‌نامه را نوشتم و بین اعضا تقسیم کردم و گفتند بخواهد و اگر افرادی داشت مطرح کنند و این آئین‌نامه از روز چهارشنبه تا شنبه در اختیار اعضا بود تا در مورد آن اظهار نظر کنند که نهایتاً مد نظر قرار گرفت.

وی با بیان این که برخی دوستان به دلیل این که معمولاً کارهای غیرسیاسی کردند، کار سیاسی را بر نمی‌تابند، افزود: ظن مشکل از خود آنها نیست و برای هر یک از مولودی که برخی اعضا مانند آقای یزدانکوبان اشکال می‌گرفتند، به صورت مستند از آیین‌نامه‌ی پیش کار، پاسخ داده می‌شد.

زاکانی با اشاره به موضوع «کمیته‌مخبر» بودن گزارش نهایی کمیسیون ویژه برجام گفت: «لا کمیته حقوقی، سیاسی اجتماعی، فنی هستنای، امنیتی تقاضی و اقتصادی» برای بررسی برجام ذیل کمیسیون تشکیل شد.

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام نامه داد: «برای تنظیم گزارش نهایی در کمیسیون چند پیشنهاد مطرح شد. اول این که هر آنچه در کمیسیون گذشته است را بدون قضاوت بی‌امساری کنیم و به مجلس ارائه کنیم که این پیشنهاد رأی نیاورد و اساساً مدنی داشتند که کمیسیون فقط اسما صوت باشد و دوری نکند البته برخی از دوستان متراضی هم نظرشان همین بود.»

وی افزود: «پیشنهاد دوم این بود که کمیته‌ها موضوع خود را بررسی کنند و به سخن بیاورند و البته هر نماینده عضو کمیسیون نیز حق اظهار نظر داشته باشد؛ مثلاً در گزارش کمیته‌ی دفاعی امنیتی که بنده عضو آن کمیته نبودم حق اظهار نظر و ارائه پیشنهاد داشته باشم.»

زاکانی اظهار داشت: «پیشنهاد سوم این بود که ما ۶۵ سؤال خود را ... که از دولت و کارشناسان مختلف پرسیدیم - محور قرار دهیم و پاسخ آنها را جمع‌بندی و گزارش کنیم (۲۰ سؤال فنی و ۶۵ سؤال غیرفنی شامل ۵ سؤال سیاسی کلان و ۴۰ سؤال هم راجع به تحریمها و حقوقی و ...» برای استخراج سؤالات هم جلسات متعددی برگزار شد و از نظرات بسیاری از متخصصان از جمله کارشناسان مرکز پژوهش‌ها استفاده شد.»

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام با اشاره به پیشنهاد یکی از اعضای کمیسیون مبنی بر کمیته‌ی مخبر بودن گزارش نهایی، افزود: «آقای بزرگانی یک پیشنهادی مطرح کرد که رأی آورد و نهایتاً قرار شد گزارش نهایی کمیسیون هم با اولویت «کمیته‌مخبر» بودن باشد و بعد هم از طرفیت «سؤالات و پاسخ‌ها» توسط اعضای کمیسیون نیز استفاده شود که این پیشنهاد تصویب شد.»

زاکانی در ادامه تصریح کرد: «این است که قرار بوده هر آنچه کمیته‌ها می‌آورد، عملاً بدون کمیوکاست در گزارش نهایی منعکس شود. کلاً تأیید است، چرا که هم پاسخ سؤالات و هم نظرات و پیشنهادات سایر اعضای کمیسیون هم باید در نظر گرفته می‌شد.»

وی اشاره به اعتراض برخی اعضای کمیسیون مبنی بر این که باید نظرات کمیته‌ها را بدون تغییر در کلام هم پیش گرفته و به عنوان گزارش ارائه داد، اظهار داشت: «این دوستان دقت نمی‌کردند که هر یک از گزارش‌ها با یک ادبیات متفاوتی نوشته شده است و حتی باید کار یکپارچه‌سازی انجام می‌شد؛ جالب این که برخی از این افراد به‌طور کلی از برجام دفاع می‌کردند و ورود تخصصی به کمیته‌ها نداشتند و مباحث را فنی بحث نمی‌کردند بلکه سیاسی بحث می‌کردند.» رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام تصریح کرد: «هرش از این افراد می‌گفتند اگر بخواهد گزارش هم تهیه شود ۴ تا ۶ ماه زمان می‌برد و

سجری برجام

حی برش انصاف من گفتند اصلاً گزارش دهید و فقط چند توصیه به سخن ارائه کنید»

زاکانی افزود: «از این ۵ کمیته برای ۶ کمیته مسئول انتخاب شد. این کمیته‌ی اقتصادی تا روز آخر مسئول داشت. چون قرار گذاشته بودیم بنده به همراه آقایان نجابت و بلروانی در هیئت رییس حضور بگیریم و آقایان ناچکونون و پرتکیان هم بیایند تا رئیس کمیته‌ی اقتصادی را انتخاب کنیم. ما حاضر شدیم اما آنها در آن مواقع به دفتر آقای ابوترابی‌فرود در هیئت رییس مجلسی رفته و جلسه گذاشته بودند.

وقتی جلسه داشت هر جلسه‌ی کمیسیون برای هیئت گذاشتیم ابتدا آقای ناچکونون سخن خود را خواند و بعد بنده از آقای ناچکونون موافقت با غیر گزارش خود را ارائه کرد و بعد خواهش کردم - چون با او تفاوت داشتیم - پای تابلو بروید و نظرات

دوستان را بویستد تا بعد همه ببینند و جمع‌بندی کنیم»

رئیس کمیسیون برجام بررسی برجام شروع کرد: «آقای ناچکونون جلسه را چنین این که چیزی بگوید ترک کرد و بعداً

دوستان گفتند چیزی نبوده که چرا تو را پای تابلو نفرستادیم؟ بنده دوستان کمیسیون گفتیم چون اولاً با برجامی نظری

نداشتیم و من‌الاسف اشتباهت من نبود و ثانیاً اگر می‌خواست کمیته باشد کمیته‌ی اقتصادی رئیس داشت و بخشی این بود

که ما سر قرار همین مسئول کمیته نماندیم و رفته بودید دفتر آقای ابوترابی تا برخلاف کار مجلس از ابتدا بنده کمیسیون

کار باقی و گروهی کنید»

زاکانی افزود: «هر همان جلسه آقای ابوترابی‌فرود گفت که من مهاجرت نکردم و خود دوستان آمدند و خواستند بنشینیم تا برای جلوگیری دفاع از دولت در سخن کمیسیون تقسیم کار کنیم و من هم قبول کردم و البته ایشان با اعتراض شدید گفت توطئه‌ی در کار نبوده است و از بنده خواست شد که من نیز به آقای ابوترابی‌فرود گفته که از نظر من این کار شما نادرست بوده است. هر چیزی دارید نباید داخل کمیسیون بریند»

وی در ادامه اظهار داشت: «همان‌طور که گفتیم در مسیر بررسی برجام، تعداد ۶۵ سؤال از منابع مختلف همچون دولت اسنادی دانشگاه و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها استخراج شد که اساساً قرار نبود در اختیار کمیته‌ها قرار بگیرد و یک سری بود که بنا بود برای اعتبارشان در دولت و کار تخصصی مکتول کار کمیته‌ها باشد. در ادامه ما سؤالات تنظیمی را به سازمان انرژی اتمس و وزارت امور خارجه ارائه کردیم که سازمان پاسخ داد. اما حتی یک پاسخ سؤال یا سند هم وزارت امور خارجه در اختیار ما قرار نداد»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با اشاره به عدم همراهی وزارت امور خارجه در اعلام نظر درباره سؤالات گفت: «آقای قنصلی یک بار تماس گرفتند و به توشی گفتند که تو خیلی موضوع را جدی گرفتاری و مسئله‌ی برجام حل شده است. ولی من پاسخ دادم نه این‌گونه نیست و کار بسیار جدی است»

زاکانی با اشاره به فعالیت‌های «پرحاشمی کمیسیون اظهار داشت: «چیزی از فعال کردن تیرخانه شروع به تعیین کردیم و پایه و بنیان را مهرداد کرمانجی شده و بررسی شده قرار دادیم و در مورد آن به بحث و بررسی پرداختیم و هیچ چیزی هم بدون نظر بنده مستند و تدوین نشد»

وی با بیان این که آقای لاریجانی اسرار داشتند که گزارش سرپرست تهیه شود و چندبار تلفنی و جلساتی اعلام کردند که سرپرست کار را تحویل دهید. افزود: «بنده چند شب تا صبح کار کردم و همگی مطالب را از گزارش کمیته‌ها، نظرات مهمانان کمیسیون، پاسخ سؤالات و گزارش پژوهشگاهها و دانشگاهها و نقشه نظرات صاحب‌نظران خواهم دستبندی کردم و

مصاحبه زاکانی علیه بیانیه پنج نماینده مجلس (سال ۱۳۹۴)

ماجرای بزرگ

کار کردم تا پیش‌نویس گزارش به شکل اصولی و تنظیم شده با توجه به موارد منسوب شده فر روش کار تهیه و به سخن‌گویی برای تصویب نهایی ارائه شود و اگر اعتراضی هر هست به کم‌کاری و فقدان مسئولیت برخی دوستان استند البته متنی نیست، اما بنده چند برابر برخی دوستان کمیسیون وقت گفتگو و منقلب نمودم و نوشتم و با استاذان و اگرشما بیان تماس گرفتیم»

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی پرونده با تأکید بر این که کلماتی هیچ‌یک از این افراد معتزلی، پابندی، منتهقی نداشت گفت: «ما چهارشنبه‌ی گذشته (پنجشنبه) میرزا من پونه‌ی پیش‌نویس گزارش را خواندم که تا قبل از آن این دوستان تصور نمی‌کردند در خارج از جلسات رسمی کمیسیون چه زحمتی بر دوش این دیرینه است که تا آنکه در حال کار کردن و پاره‌سازی موارد متروک شده در جلسات کمیسیون هستند»

وی افزود: «تلویح چهارشنبه هم پیش‌نویس اولیه‌ی گزارش در اختیار ۹ نفر از اعضای حاضر در کمیسیون قرار گرفت؛ یعنی اعضا طی فرم اعلام قبلی به جلسه نرفته بودند، ولی آن را داریم بپوشانیم تا به همه پخش کند که به دست اکثرشان رسد و در دو روز باقی مانده تا روز شنبه از من با فراد بسیاری از جمله استاذان دانشگاه ساعتها وقت گذاشتند تا این پیش‌نویس گزارش قیام بیشتری پیدا کرد»

زاکانی ادامه داد: «هر صبح روز سه‌شنبه باره‌ی مهر همه آمده بودند جز آقایان کوهناری و تقوی‌حسینی که به‌علت حضور در مراسم استقبال از شهیدی ما با تأخیر آمدند؛ در همین جلسه متن جدید را دوباره ارائه کردیم و پس از ارائه‌ی گزارش در کمیسیون اعتراضی ملاحظاتی این سه چهار نفر به پیش‌نویس گزارش آغاز شد که این گزارش‌ها برای کمیته‌ی ما نیست و چنین و چنان است»

وی افزود: «این اعتراضات در حالی بود که در گزارش ما موارد اعلامی کمیته‌ها را ... در قالب متن‌ها و میرد به مورد با اسامی یکسان شده ... آورده بودیم (گزارشات ۳ و ۵ صفحاتی به یک‌دیگر یاد و صفحه‌ی تبدیل شده بود؛ ولی برخی از این دوستان حتی یک‌بار آن را نگاه نداشتند و هر کس هر نقشی کرد به آن پاسخ مستقل از روش کار دادم که آقایان یوشکیان گفت هر چه می‌گویند جواب می‌دهی و من عرض کردم من جواب نمی‌دهم؛ این‌ها می‌منسوب خودتان پاسخ می‌دهد که ایشان ناراحت شد و جلسه را ترک کرد»

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی پرونده ادامه داد: «در پاسخ به اعتراض آقایان لاج‌کره‌ون و اتهام این که شما متن آقای جلیلی

را برای تصویب آورده‌اید، گفتیم دیگر شما نگفتید چه‌بدر این بحث گفتاری و تحریریه مسئولیت استند؟ که وی تأیید کرد و این

ادامه بر سریده توضیح آقای جلیلی در این بخش بود: «باید چیزی نگفتیم گفتیم گزارش آقای جلیلی این بود که تحریریه مسئولیت

۳ سال دیگر برداشته می‌شود، اما بنده در پیش‌نویس گزارش آورده‌ام مسئولیت روز اجزای پرونده از شبکه مرکزی بر داشته

می‌شود پس شما می‌خواستی بعد از سوال رولدا ارائه کنید پاسخ می‌داد و جلسه را ترک کرد»

زاکانی با بیان این که پیش‌نویس گزارش کاملاً بر اساس آنچه کمیته‌ها داده بودند و نیز آنچه از جلسات کمیسیون استخراج و پاره‌سازی شده بود تنظیم شده بود، گفت: «تمام موارد طبق زمان بندی و در ۳ کلمه آماده‌سازی شده بود و طبق روش کاری که خود اعضای کمیسیون منسوب کرده بودند تنظیم شده بود جنس بعضی از مطالب هم مثل نقلات کمیته‌ی امنیتی نظامی از جنس پیشنهاد بود که گفتو در آخر گزارش من آورید و آقایان بروجرودی و حقیقت‌پور نهایتاً خواهند داد که برخی پیشنهادات آخر گزارش مربوط به کمیته‌ی ایمنان بود»

مناظره

وی ادامه داد: همه آقایان مسووری آقای هم که اعتراض کرد که برخی از مطالب پیش‌نویس را ایشان [پس من، زاکانی] ننشاند است و دیگران نوشتند، گفتیم لولا قرآن نبود گزارش فقط کمی‌مستحور باشد بلکه سؤال محور هم بود و پاسخ سؤالات (از جمله پاسخ سازمان انرژی اتمی) نیز بر پیش‌نویس آورده شده است؛ تا آنجا هر چه فکر می‌کنید اضافه است، به‌عنوان پیشنهاد سایر اعضای کمیسیون نگاه کنید که طبق روش کار هیچ لیرادی ندارد و تالاً این تنها یک پیش‌نویس است و هر چه می‌خواهید با استدلال منصف اضافه یا اصلاح کنید»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با اشاره به اختلاف پیش آمده در تنظیم گزارش نهایی، افزود: «حتی رأی‌گیری کردیم که روی این متن جلو برویم یا نه که رأی آورد مینا حسین باشد. منسطفه آقای مسووری هم جویس داشتند و جلسه را ترک کردند»

زاکانی با بیان این که من نمی‌دانم اعتراض آقای برخی افراد به روند تصویب گزارش در کمیسیون چیست؟ گفتند «آیا این دوستان به دستور قاعیل‌هایی که خودشان در کمیسیون تصویب کردند اعتراض دارند؟» سعی حرف‌های این افراد جواب دارد و نشان می‌دهد این‌ها می‌خواهند در این مسأله دیکتاتوری را به‌یمنانند؛ من گفتم اگر شما بخواهید این کار را بکنید من به‌عنوان مردم مظلوم گفت شما چه می‌خواهید بکنید و نخواهم گذاشت حق شهدا و حضرت آقا ضایع شود»

وی با تأکید بر این که به دوستان گفتم اگر حرفی دارید مستقل و منطقی ارائه کنید و هیچ تصمیم بگیرند افزود: «من منطاب به این دوستان گفتم که مشکل شما این است که در استدلال، منطق و حرف کم آورده‌اید و می‌خواهید کمیسیون را به هم بریزید که به عطف شما ما اجازه چنین کاری را نخواهیم داد»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام اظهار داشت: «آقای کوتری سؤال جالبی از این دوستان پرسید که اگر یکی از خود شما الان رئیس کمیسیون شده بود، این گونه برخورد می‌کردید و به آقای بروهردی گفت این همه سال شما رئیس کمیسیون امنیت هستید و ما در بسیاری موارد نظر منطوق با شما منطوبه آیا این گونه برخورد کردید که شما چنین می‌کنید؟ یا آقای پاریش به آقای لودرایی گفته بود مگر نه این است که متن پیش‌نویس طرح تقوی‌پور را آقایان لاریجانی نوشته و همین ما ۳ نفر از دو فراکسیون یا پیرفرهیم با اشکالات متعدد آن روی پیش‌نویس نظر داریم و اصلاح کنیم»

زاکانی تبریز، روند تصویب گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام نیز گفت: «همینا برای کل مقدمه رأی‌گیری کردیم و اصلاحات مدنظر دوستان اعمال شما بعد هر بند را نگذنگ می‌خوانم و اگر پیشنهادی بود مطرح و یک مخالف و یک موافق صحبت می‌کرد و سپس رأی‌گیری می‌شد و تر آخر هر بخش (متملاً حلقوی) هم برای کل بندهای آن بخش دوباره رأی‌گیری می‌کردیم»

وی ادامه داد: «هر برخی موارد تصویب با اجماع بود و برخی موارد نیز فقط یک یا دو مخالف داشتند ضمن این که تا الآن مرتب حاضرین جلسه ۱۲ نفر بودند که ابتدا آقای زاهدی ساعت شش و نیم به‌صفت طبعی هیئت شما و سپس آقای لودرایی ساعت ۸ شب، به دلیل مشکلی که پیش آمد رفتند که اتفاقاً هر دو با ما هم نظر بودند و گفتند به دیگر اعضا و کلمات می‌دهند که بنده قبول نکردم و رأی و کتبی را نپذیرفتم»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام افزود: «هر برخی از بندها نظرات دوستان مستمری چون آقایان لودرایی، بروهردی و حقیقت‌پور که مشارکت فعال هم داشتند، تصویب شد که یکی دو بار کل یک بند را عطف کردند حتی به پیشنهاد آقای حقیقت‌پور کل بخش «بروهردی» گزارش حذف شد و مواردی از آن به بخش سیاسی گزارش منتقل شد»

مصاحبه زاکانی علیه بیانیه پنج نماینده مجلس (سال ۱۳۹۴)

بخش پنجم

زاکانی اظهار داشت: تصمیمی این مراحل رأی‌گیری به دولت تا قبل از بخش آخر یعنی پیشنهادات ادامه یافت و پس از آن دوباره برای محکم‌کاری یک دور برای همین موارد قبلی رأی‌گیری صورت گرفت که تصویب شد و لفظاً در این مرحله‌ی آخر بود که رأی‌ها ۶ به ۴ بود همین‌جا هم بود که احسا به هیئت رئیسه‌ی کمیسیون برای یکبار چنان‌که می‌توان گفت، گزارش و تنظیم بخش پیشنهادات سیاسی (چون بخش پیشنهادات فرهنگی با انجمن آلبان حقیقت‌پور و پرویزدی کلا خلاف شده بود) اختیار داشتند.

وی ادامه داد: «جواب است که شاید نظرات آقای منصوری‌رانی هم پس از اصلاح انبیاات غیررسمی‌اش که سبب مزاج در هیئت رئیسه شد، با تنظیم مجدد در قالب جویند بخش سیاسی به تصویب هیئت رئیسه رسید و اضافه شد و من از ایشان خواهری می‌گویم حتی گزارش پیشنهادی‌شان به کمیسیون را... که اسرار می‌گردد حتماً در گزارش نهایی آورده شود... منتظر کند یا به ما اجازه دهند منتظر کنیم تا مردم بخوانند و قضاوت کنند».

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام ادامه داد: «کار هیئت رئیسه‌ی کمیسیون تا ساعت یازده شد به تازگی گفتند و در این میان کار مجلس که انجام شد این بود که یکی از اعضای دیرنقامت هم‌زمان با جلسه‌ی تغییرات تصویب شده را همان‌جا در فایل گزارش در رایانه اصلاح می‌کرد و تغییرات مفصل چاپه خوانده و تأیید می‌شد تا زمان از دست نرود و بتوانیم گزارش را به صحن علنی روز یکشنبه برسانیم».

زاکانی با بیان این که وقتی گزارش به صحن علنی آمد هیچ بازخورد منفی در صحن نداشت گفت: «هر کس آن را می‌خواند به قیام آن نمایان طشت و حرف ما این بود که در گزارش ما ابتدا با متن اسناد برجام و قطعنامه کار داریم بعد از متن با حلقه‌ی جمعی و استیفا و رأی و سپس هم کجا ابهام داشتیم بین آمریکا با ما و دولت و اطلاع داریم و حتماً باید به گفته‌ی دوستی‌ها نگاه کنیم و ببینیم اما برخی دوستان کمیسیون می‌گفتند فقط با گفته‌ی دولت‌ها قضاوت کنید و به متن برجام کاری نداشتند بماند که در این صورت باید برسد اصلاح‌چرا کمیسیون تشکیل شد».

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام با اشاره به دعوت از دیگر کل ارتش بین‌المللی انرژی اتمی برای حضور در کمیسیون اظهار داشت: «هر قضیه‌ی دعوت از آقای آملو به ما گفتند شما می‌خواهید از آمانو سند مجرمانه بگیرید که من گفتم اسناد آملو را قبول ندارم و به تیب خودمان اعتماد داریم؛ بلکه می‌خواهیم از آملو حساب بکنیم و احدها آن جلسه هم ما این آبروی همه‌ی مجلس شد و عزیزان وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی بعد از جلسه از کمیسیون تشکر کردند».

وی با تأکید بر این که کمیسیون برای تکلیف موارد مانند اقتصاد یا حقوق با اسناد مشورت کرده تا مشکل فنی نماندت باقی‌مانده تصحیح کرد: «ما برای بند بند آن عقل جمعی و نظر داشتند همین را به کار گرفته‌ایم و این کاری که باید خود نیز مذاکره کننده انجام می‌داد و بسیاری از حقوق‌دانان - که دولتشان گرفته بودند - می‌گفتند چرا تیب مذاکره‌کننده ما به حال ما را دعوت نکردند و تیرازه این موارد ما ما مشورت نکردند».

رئیس کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام با تأکید بر ابزار خوشحالی اسناد دانشگاهی دعوت شده به کمیسیون ویژه از این اقدام صحیح اظهار داشت: «۲۰۰ نفر هستند انجمن که مهم‌ترین دانشگاه صنعتی کشور می‌باشد و در آن به این اشاره کردند که این بخش گزارده دوگانه‌ی برجام چه ایرانی بر سمت و با پروژه بخش فنی کشور خواهند گذاشت که تیب‌ها نزد کمیسیون موجود است و مگر ما می‌توانیم نظر این افراد را نادیده بگیریم».

زاکانی ادامه داد: «هر دو جلسه‌ی اولی که دوستان دولت چندتایی کمیسیون روی برداری اسلامی جناس است آمدند و گفتند



این کار [برجام] یونانی اسلامی را در منطقه نفوذ می‌کند. بعد سردار وحیدی به نمایندگی از ستاد کل نیروهای مسلح آمد و در جلساتی که لایحه مصوبه‌های مهمی ارائه کرد، به‌طور منطقی و استدلالی آن را رد کرد و گفت این افراد ما را اساسی است و اگر محدودیت‌های استخباراتی را دولت اجرا کند موقعیت ما در منطقه لطمه می‌بخشد.

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام تقویت تخصص آقای شمعانی در جلسه ما گفت برجام نه فتح مفتوح است نه جام زهر! آیا می‌توان این حرف‌ها را در گزارش تأیید نهاد؟ یا در مورد موشک‌های بالستیک آقای لاریجانی فرود می‌کنند که همین که ما بگوییم موشک‌های ما برای حمله‌های مبرا می‌شود کافی است ولی حوصله دیگر سرافه شده کردند که برخی موشک‌های ما مانند شهاب و سجیل از نظر سازمان ملل جزو این موارد قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: علاوه بر این، تو روز بعد از توافق برجام، نماینده‌های آمریکا در سازمان ملل سند MTCR را اینت کرده که بین ۳۴ کشور در حوزه موشکی بوده است و در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ به آن ارجاع دادند و موشک‌های ما پر ۲-۳ کیلومتر ما را شامل می‌شود، ولی جزئیات در کمیسیون دقت نمی‌کنند و بر کلی گویی خود و خوش‌بینی اسرار داشتند و حالا همین دوستان رفقا، بیایه داده و ۱۶۵ مورد مستأجره - بدون ذکر حتی یک ایراد به برجام - ارائه کرده‌اند.

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با بیان این که ما تمام مسائل پیش آمده سعی کردیم سندی کارشناسی، علمی، مستندانه و قبی ارائه کنیم تقویت «حق تقصیرات» یا دیگران و کارشناسان است ولی ما سعی کردیم کاری با دقت بالا و کمترین خطا داشته باشیم.

وی با اشاره به طرح دو فوریتی «لایحه متممیه» و انتقال دولت در ایران برجام، از سوی برخی نمایندگان گفت: همین به آقای لاریجانی و آقای لاریجانی گفتیم این طرح اشکال دارد و یک غلط تحقیق و توسعه داشتند. راجع به تحریم و حذف اشکالات خودمان هم اشکال داشت و آن را مطرح کردم و گفتم که شما باید تقصیرات کمیسیون برجام را هم در نظر داشته باشید.

زاکانی ادامه داد: این‌ها می‌خواستند چهارشنبه این طرح را به صحن بیاورند، قرار شد من با آقای زارعی صحبت کنم. آقای زارعی گفتند ما خودمان طرح داریم و در نهایت صبح ساعت ۸:۲۰ با آقای لاریجانی جلسه گذاشتیم و ۸ تا ۷ ظهر رفیق با ایشان صحبت کردیم. آقایان تقوی، حسینی، حداد‌نادر، زارعی، دهقان، بزرگ‌پاش، بنده و تهرانی و جلالی و لاریجانی در این جلسه بودند که قرار شد ۳ نفر انتخاب شوند و این چند طرح را با هم یکی کنند.

وی افزود: آقای حداد [به من] گفتند شما متولی این سمت هستید، آقای جلالی هم که متولی آن سمت است و کار را به جمع‌بندی برسانید. فردای آن روز از روز پنجشنبه ما قرار گذاشتیم و روی کلیت بحث کردیم که اصولاً در نوشتن طرح چه باشد، در این جلسه آقایان پروچریدی، جلالی و حقیقت‌پور از رهبران بودند و آقایان زارعی، بزرگ‌پاش و بنده هم از اصول‌گرایان، البته آقای توکلی نیز حاضر بودند. بعد در بندهای اول بودیم که بنده به‌علت مسافرت تفریحی‌اش کردم و رفیق و قرار صبح را می‌زد به‌علت کار کردن روی گزارش برجام به جلسه دوستان نرسید، لذا جلسه هم نرفت.

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام ادامه داد: امروز شنبه ساعت ۶:۳۰ صبح دفتر آقای لاریجانی دعوت تدریس که بعد از ساعت ۲ بعدازظهر با آقای لاریجانی جلسه است. در ۳-۴ بند بحث شد اختلافی وجود داشت و ساعت سه‌وپنجم ما شد من و آقای پروچریدی به جلسه‌ی کمیسیون برویم تا کار گزارش پیش برود و آقای بزرگ‌پاش و حقیقت‌پور با آقای لاریجانی و زارعی و توکلی و جلالی می‌مانند و به نتیجه برسند.

مصاحبه زاکانی علیه بیانیه پنج نماینده مجلس (سال ۱۳۹۴)

ماجرای برجام

وی ادامه داد: «ما نیز البته یک سری پیشنهاداتی داشتیم که بعداً متوجه تمام آقای لاریجانی آنها را نپذیرفتند و نتوانستند بعد که آقایان از جلسه با آقای لاریجانی بیرون آمدند طرح را که دیدیم گفتیم این بیشتر شبیه برجام و شمار است و ما آن طرح را امضا نکردیم که بعداً آقای جلالی گفتند زیر توافق زده‌ایم و ما فقط به رسم احترام خلاف کار دوستان موضوع نگرانی‌ها تا در جزئیات موارد را اصلاح کنیم تا دوستگی در مجلس نشود»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با اشاره به مطرح شدن این طرح توقوریستی در سخن مجلس گفت: «آقای لاریجانی به عنوان آخرین موافق در مورد آن صحبت کردند ولی طرح توقوریستی آقای نیلورد (۵ رأی کم آورد) و معلوم شد ۱۶ نفر رأی نداشتند که ۸ نفر از فراکسیون رهبران هستند (آقای جهلگویی، نیلوردی و دستگیر) و منتهی هم رأی ندادند بودند؛ بعد آنها اعتراض کردند که ما رأی ندادیم و دستگاه خراب بود؛ ولی مقررات اجازه رأی‌گیری دوباره نمی‌داد»

زاکانی افزود: «دوباره یک توقوریستی را مطرح کردند و آن طرح رأی آورد، بعد از این رأی‌آوری یک فوریت طرح هم حق و هم عرف و هم بررسی تخصصی مجلس حکم می‌کرد که آن را به کمیسیون تخصصی آن که برجام است ارائه کنند، اما طرح به کمیسیون است ارجاع شد»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با بیان این‌که به نظر می‌رسد این کار با دقت مدنظر رهبری که گفته بودند کار برای تصویب یا عدم تصویب در جریان قانونی آن با دقت بررسی شود منبذ دارد، گفت: «آیا دقت نظر در کمیسیون امنیت و مقررات می‌خورد که تنها ۶ نفرشان عضو کمیسیون برجام بودند و ۶۸ ساعت بیشتر وقت نگذاشتند یا در کمیسیون برجام که بیش از ۴۰ روز تمام وقت بوی بندند و کلمه‌گفتمی استاد کار کرده بودند و ۱۷۰ ساعت جلسه و بازدید داشتند؟ آقای لاریجانی - که در مجلس از خواستهای دفتر رهبری سخن گفت و برای طرح توقوریستی مدنظرش مایه گذاشت - باید پاسخ دهد که ارجاع طرح به کدام کمیسیون آن مدنظر مورد مطالعه رهبری را اولین می‌کرد»

وی با تأکید بر این‌که برجام یک سند است که مجلس می‌تواند چندین کار را درباره آن انجام دهد؛ افزود: «برجام یک سندی است که یا باید رد کنیم یا تأیید کنیم؛ نکته‌ی بعدی این‌که برای آن بیانیه تفسیری بخواهیم یعنی بگویم که برجام این را می‌پوشاند؛ کار بعدی این‌که آن را مشروط کنیم یعنی بگویم اجازه می‌دهیم با شرایطی دولت حق دارد آن را اجرا کند و اقدام بعدی این‌که اگر اشکال آن قابل اصلاح باشد ما در مجلس کلیات آن را تصویب کنیم، اما مبتنی بر ماده ۱۷۷ این نامه به اشکالات آن رأی ندهیم و برای اصلاح به دولت برویم و برگردیم که نیازمند مذاکره‌ی مجدد خواهد بود و مثل آخر هم سکوت است که چون کشور در قبال آن تعهد دارد سکوت پذیرفتی نیست»

زاکانی در ادامه اظهار داشت: «آنگونه بخشی مهم از کار کمیسیون ویژه یعنی همین گزارش انجام شده است ولی کار کمیسیون پایان یافته است چرا که باید گزارش لغیبتی همراه با مستندات آن را هم تنظیم کنیم که بالغ بر صصفا صفحه سند و گزارش خواهد بود»

وی تصریح کرد: «آنگونه بعد از آن گزارش اولیه‌ی کمیسیون منتشر شده و دست‌مخالی‌ی تصمیم مجلس قرار گرفته است ما به نمایندگان گزارش داده‌ایم تا با توجه به این گزارش ما تصمیم بگیرند در پیشنهاد آن نیز آورده‌ایم که برجام برای تصمیم‌گیری نیازمند لایحه و طرح است که متغیر است تا هفته‌ی بعد بررسی‌یم چه می‌شود»

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام با تأکید بر این‌که نکته‌ی مسلم این است که بنگ نظرات فاسد بین مجلس ایران و کنفرانس آمریکا در این باره وجود دارد خاطرنشان کرد: «کنفرانس آمریکا اثر نمی‌نویست نظری خلاف برجام ندارد، اجرایی

نامه به علیرضا زاگانی در پاسخ به موشع‌گیری وی علیه بیانی‌دی ۵ نماینده‌ی مجلس

به نام خدا

برادر گرامی جناب دکتر زاگانی

با سلام و احترام

شوروی دیدم با توجه به مصاحبه‌ی اینترنتی که به نظر من همراه با شمسفر همکار لایزال در مجلس بود. نکاتی به استحضار رسانده و با اجازه رونوشتی از این نامه را به دیگر عزیزانی که در این ایام مصاحبه داشتند، عرضه سروران ترجمه‌م آفتاب خداوند کثرتی، دستان و نظری‌حسینی تقدیم نمایم. امیدوارم این یادداشت ختم کلام باشد.

۱. حضور تعالی و دوستان عزیز بیانی‌دی ۵ نماینده را اولین‌بار، توهین‌آمیز به ساختار کلر در مجلس، بیگانه‌توری و خارج از عرف دموکراسی و از این قبیل عقاوین دانستند. شوروی دانستند به استحضار برسالم این کار اولین بار نبوده و مکرر اتفاق افتاده و حتی در این مورده مجلس هم بارها صورت پذیرفته است. نمونه‌ی بارز آن بیانی‌ها‌های مکرر دوستان اقتصادی ما بالاخص برادر شمسوز و ارزشی ما جناب دکتر توکل می‌باشد که بعد از هر گزارش تلفیق و با طرح مهم که خودشان مطرح بودند، مطلقاً و با جملی گزارشی به استحضار دیگران رسانده و مدافعتی خود را مطرح می‌کردند.

این بار هم حقیر به همراه جمعی دیگر -حسب تکلیفی که احساس کردیم- گزارشی تنظیم کرده و تقدیم ملت عزیز ایران نمودیم. بیانی است به‌دلیل اهمیت موضوع و حساسیتی که مردم شریف به این موضوع داشتند تا حدودی تأثیرگذار بوده و حساسیت جنابعالی و دوستان عزیز را برانگیخت. لذا از این منظر این اقدام امری طبیعی و عرف مجلس می‌باشد. چنان‌اگر در طول جلسات اجازه داشتیم مصاحبه و اظهار نظر کنیم، شاید در انتها نیاز به طرح این گزارش نبود. قطعاً تصدیق می‌فرمایید مردم شریف می‌بایستی از وجود آراء و نظرات مختلف مطلع باشند که این فرست در گزارش نهایی برای ما حاصل شد.

۲. در مصاحبه‌ی جنابعالی و دیگر دوستان نکات مختلفی از قبیل تفاوتی برجام توسط علیر و دیگران عدم انحرافات به کار سیستمی، نوطه از بیرون، فتنای جدید و... مطرح فرمودید. به عرض می‌رساند:

- قطعاً تصدیق می‌فرمایید انتقال حقیر بیش از جنابعالی و برخی دوستان کار اجرایی، علمی، مطابقتی و سیاست‌گذاری کرده و آماده اولین پرسش‌ها برای جنابعالی فراهم شده تا یک کار این‌چنینی به انجام رسانده و چه بسا کارهای بسیار مستکن‌تر از این توسط اشغال حقیر و دیگر بزرگان کمیسیون انجام شده و نیازمند این‌همه سرورند. نبود لذا این‌که چنین تصویری فرموده‌اید که مطلوب‌ترین فرد، این موضوع جنابعالی می‌باشید و می‌توانید در همه‌ی امور اظهار نظر بفرمایید، اقتضای کرده و توسعه می‌کنم به خود اجازه نمی‌دهم در همه‌ی امور صاحب‌نظر باشید و یقین بدانید اگر

نامه تاج گردون به زاگانی (سال ۱۳۹۴)

مخارج برجام

لحائس می‌گردد فضا یکطرفه نیست- به خود اجازه نمی‌دهم در این امر این‌گونه ورود نمایم.

- توطئه و فتنه در کار نیست. در برابر تلافیه جدید سوگند یاد می‌کنم در طول جلسات برجام بنحیض آنچه که در جلسه توسط دشمنین که همگی توسط جابه‌جایی دعوت و گفته شد، بر خلاف جابه‌جایی که به اعتراف خود آنها می‌باشد بیرونی تعریف کرده بودیم، با هیچ‌کس خارج از حلقه‌های داخلی و افلاک دنیای ما و حتی بعد از گزارش به خود اجازه ندهم با یک مسئول وزارت خارجه صحبت و یا از او نظری اخذ کنم و این در شرایطی است که این موضوع مکرر توسط دولت چانه‌بالی صورت گرفته و در جلسات نیز طرح می‌گردد. جمع ایضا گفتگای بی‌پایه و ارزش و موافق خود را بسیار والاتر از این می‌دانم که خود را امثال دیگران بدانید و تجربه‌ی گذشته این این اجازه را به من می‌دهد که به چانه‌بالی و بیگانه‌ی عرض تمام جمع حاضر در کمیسیون و به‌خصوص ایضا گفتگای بی‌پایه شمشیرجالی سستل و داریان شوره‌ای همدست که در این گفتار قرار نمی‌گیرند.

۴ در طول جلسات و ملاقات در محاصره‌های اخیر تلاش نمودیم مخالفین رجحان را متعقدین به خط رهبری و میزانشان طوری مشاهده کردیم و موافقین را مخالف این ارزشها

- چهره‌ی این توهم از آنجا شروع شد که حضور اساسی تکلیف کردم در مذاکره توهین چانه‌بالی و دوستانشان به جناب آقای ایرانی. مکتوبات کرده و تکرار هم شایع داشتیم این حرف را بزیم ولی به محض رسیدن من و یکی از دوستان در کمیسیون نسبت به رفتار من که به شرح زیر آورده‌ام توجه کنید تا ببینید آیا من حق داشتم صرفاً به‌همان‌گونه که این اختلافنامه پیدا نگردد نیم روز خامه را ترک کنم؟

۱- آقای تاج‌گردون با وجود اینکه جلسه مجلس را نرسیدند

۲- چرا؟ نگاه به‌عقل کرده‌ام!

- من دارم بیک فرصت پیدا کنی برای مجلس، و من می‌دانم در این روزها هیچ‌کس نمی‌تواند که سواد بیشتر از این باشد

می‌شود به چیزی اضافه تر شرح گذاشت. این ما با هم امثال چانه‌بالیان به حسن خوب بازماند که تو از هم جاری

- منی داشتم که من آغاز می‌کنم

- اصلاح‌طلبان ضد آخوند که از آن حسن روزگاری

- اولاً اصلاح‌طلبان ضد روحانی نیستند، دوم این‌که من اختلاف ذهنی و انسانی و طبقه با هم از این سیدم دفاع کنم حضور ایشان در این کمیسیون برای ریاست نیست حضورشان برای این است که اگر من و امثال شما اختلاف افکار، چگونه اختلاف را حل کند اگر طرف دعوا آقای ایرانی شود یعنی این تقصیر جمع نیست!

جناب زکاتیا فتنه از خادیه و حتی این گفتار آغاز شد و شما هم آغاز کردید و فکر می‌کنید این یک رفتار به قول خودتان سبب است. در صورتی که توجه فرمایید ریاست کمیسیون، ریاست بر افکار نیست. اداره‌ی کمیسیون است و پس!

- خلاصه، اختلاف امثال من با شما و دوستانتان در چند جمله خلاصه می‌شود و درخواست داشتیم حق فرمایان مقام رهبری مشایخ بلند سطحی‌های شما حاکم بود و پذیرفتید ما هم اساسی کردیم باید این گفتار را زنده نگه‌داریم.

رهبری فرمودند مذاکره یک دوه بی‌نتان است و ما می‌توانیم مردم باید در گزارش برجام بدانند اگر چیزی را از دست می‌دهند، به‌واسطه‌ی چه بوده و چه چیزی گسب می‌کنند که شما به این امر خلیل نبوده‌اید که مردم بدانند چه بر آنان گذشت و حال چه گسب می‌کنند.

رهبری فرمودند ما باید به حرفهای آمریکایی‌ها پایبند دهیم و جوانی حرفهای آنان را بپذیریم و ما می‌توانیم اگر بخواهیم در گزارشمان صحنه بر حرف آنان بگذاریم. ما این سند رسمی به آنان است که بعد نمی‌توانیم از آن عبور کنیم گفتن یک مثال شاید لازم باشد.

ما مغرور می‌گوییم که به قول گزارشتان، اجازه‌ی بازرسی از ادانک نظامی، در برجام، ممکن شده باشد و

نامه تاج گردون به زاگانی (سال ۱۳۹۴)



آمریکایی‌ها هم همین حرف را بزندند این امر هم حسب فرمایش رهبری و انقلاب همه اعضا جزء خطوط قرمز است. برای رفع این مشکل دو گفتار وجود دارد. یکی گفتاری که در قلب برخی دولت‌ها متکلف به مسالمت از این خواست آمریکایی‌ها کند و دیگری حرف شما که حرف آمریکایی‌ها را تولید کند. بهت بگویند منابع از این شوید، تصور کنید ۸ سال دیگر این دولت و این مجلس نباشد و دولتی بگوید برداشت آمریکایی‌ها غلط است. شما با دادن این گزارش مهم‌ترین سند را به دست آمریکایی‌ها دادید که حرف شما درست است! شما در خط رهبری هستید یا گفتار ما!

غلامرضا تاجگردون

مجلس نهم را با همه این فرازونشیبها طی کردم و من در مجلسی اصولگرا توانستم نقش خودم را داشته باشم و رئیس کمیسیون شوم که جایگاه خاص خودش را داشت. انتخابات برگزار شد و آقای روحانی رئیس جمهور شد، بالأخره فضای کشور هم عوض شد و ما وارد مجلس دهم شدیم. البته من در کارکرد منطقه‌ای هم سعی می‌کردم با ایده‌ای خوب تلاش کنم که توسعه‌نیافتگی منطقه‌ام کمتر شود. استان من و شهر من از حق و حقوقش بی‌بهره بود. شهر من که حداقل روزی ۶۰۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کرد، از حداقل امکانات بهره‌ای نداشت. حالا می‌گویند تاج‌گردون این کار را کرد، باز هم از حداقلش بی‌بهره بود. اگر بخواهید از شیراز به اهواز بروید، الان نسبتاً راحت می‌روید. فاصله اهواز تا شیراز ۵۴۰ کیلومتر است. در آن موقع سه طرح در پیوست قانون بودجه بود؛ شیراز، دشت ارژن، چنار شاه‌یجان (قائمیه) تا بامامیدان. یک طرح از بامامیدان، گچساران به بهبهان و یک طرح هم از بهبهان بود تا اهواز. این سه تا طرح پیوست قانونی داشتند.

من نماینده شدم. این سه طرح در کل اعتبارش پنج یا شش میلیارد تومان بود. شما فکر کنید می‌خواهید از شیراز به اهواز بروید که فقط کمتر از ۱۰ درصد آن چهارباند بود. حالا اگر من تلاش کنم فاصله شیراز تا اهواز استاندارد شود و وسط این دو نقطه هم گچساران است آیا این ظلم و سوءاستفاده از موقعیت بودجه است؟ آقایانی که این حرف‌ها را می‌زنند نهایت مسیری که با ماشین طی می‌کنند فاصله تهران تا کرج یا دماوند برای تفریح و استراحت آخر هفته است، ولی فکر نمی‌کنند سال‌ها چند صد نفر فقط در آن فاصله محدود کشته می‌شوند.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه (برگرفته از مستندات دیده بان شفافیت)

در قانون بودجه سال ۱۳۹۷: در همان قسمت دوم طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای پیوست شماره یک قانون بودجه ۹۷، (صفحه ۲۸۴) باز تاج‌گردون که نه، بلکه دست‌غیب، برای طرح امام زاده جعفر با اعوان و انصارش، شاهکار و رکورد بی‌نظیری ثبت می‌کند و آن اینکه اعتبار مصوب این طرح ۵۱ میلیارد تومان و در اقدامی بی‌نظیر، مبلغ تخصیص ۶۰ میلیارد تومان (یعنی حدود ۱۱۷ درصد) بوده ولی اعتبار مصوب این طرح ۵۱ میلیارد تومان و در اقدامی بی‌نظیر، مبلغ تخصیص آن ۴۲ (یعنی ۷۵ درصد) بود. یعنی یک طرح غیرقانونی، ۱۸ میلیارد تومان بیشتر از مجموع تخصیص سه طرح قانونی داشته است و این توزیع و تخصیص اعتبار، به عنوان نمونه کوچکی از سمدها موردقابل اثبات، هیچ ربطی به تاج‌گردون ندارد!!! و به صورت تصادفی، این اعداد و ارقام شکل گرفتند!!! اگر غیر از این بود، دیوان محاسبات زیر نظر تاج‌گردون، حتماً ورود پیدا می‌کرد و نیازی به اجازه تاج‌گردون نداشت!!!

اصلاً شاید اشتباه کرده و دچار توهم شدم، واقعا تامين اعتبار و دستکاری اعتبارات در مجلس به این سبک، چه ربطی به تاج‌گردون (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه) دارد!!! و تخصیص اعتبار با این شیوه در سازمان مدیریت کشور، که تاج‌گردون، سال‌ها معاون آن بود و رئیس آن در این ۷ سال، در استان ما (آقای نوروزی طرفدار و همشهری تاج‌گردون) و ساسان تاج‌گردون (برادر ایشان)، رئیس برنامه و بودجه استان فارس بود و اخیراً، نوروزی رئیس برنامه و بودجه استان فارس و ساسان، معاون وزیر گردشگری شد، چه ارتباطی با نفوذ تاج‌گردون داشته و دارد!!! به نظر، همه این تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها و پارتی‌بازی‌ها، تصادفی بوده!!!

در قانون بودجه سال ۱۳۹۸؛ مبلغ اعتبار مصوب امام زاده جعفر ۶۲ میلیارد تومان بوده که هنوز گزارشی از جذب و تخصیص اعتبار آن در اختیار نمی باشد ولی باز تعدادی پروژه غیر قانونی (برخلاف ماده ۲۳ قانون الحاق (۲) ، به طرح اصلی غیر قانونی، در قانون بودجه سال ۹۸ اضافه شد، از جمله تأمین آب اراضی نامکان ها و پشه کان، و در آینده نزدیک نیز تأمین آب اراضی شرق گچساران از سد چشمیر اضافه خواهد شد، و اگر جلوی این همه تغلفات و یکه تازی های ایشان در قانون بودجه کشور گرفته نشود، این همه معامله ی صورت گرفته بر سر بیت المال، چنان ریشه در نظام اجرایی کشور دوانیده که اگر قرار باشد روزی با ایشان برخورد قضایی صورت گیرد، با تکیه بر سوء استفاده از بیت المال، از چنان قدرتی برخوردار خواهد بود که هزینه ی برخورد با ایشان، برای نظام، روز به روز، بیشتر خواهد شد.

طرح احداث سد مخزنی تنگ سرخ، که به دلیل تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی مرکز استان و بخشی از آب شرب شیراز، از اولویت بیشتری نسبت به طرح امام زاده جعفر برخوردار بوده و از سال ۱۳۹۱ وارد پیوست شماره یک قانون بودجه شد و علی الحساب بدانید که به دلیل توزیع بی حساب و کتاب و غیر قانونی اعتبارات ملی توسط آقای تاج گردون و امثال ایشان در کشور، هم اکنون بعد از ۸ سال، کم تر از ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد که بایستی ظرف دو سال احداث می شد!!!

آبرسانی به شهر دو گنبدان از سد کوثر در شهرستان گچساران که از سال ۱۳۸۳ شروع و در سال ۱۳۹۳ هم افتتاح و به بهره برداری رسید، ولی متأسفانه از مسیر قانون غیر قانونی و بدون طی فرآیند اخذ مجوز ماده ۲۱۵ و ماده ۲۳ قانون الحاق(۲) ، جهت تکمیل بخش ناچیزی از شبکه ی توزیع، بدون طی فرایند قانونی (مجوز ماده ۲۱۵ و ۲۳ الحاق)، مجدداً توسط آقای تاج گردون از سال ۱۳۹۴ و با کارفرمایی آب و فاضلاب شهری استان، وارد پیوست قانون بودجه شد و همچنان با اعتبار و تخصیص بیشتر از طرح های اولویت دار فوق الذکر، در قانون بودجه کشور جا خشک کرده است و کسی نمی پرسد" طرحی که به بهره برداری رسیده است تا کی باید از این اعتبارات بی حساب و کتاب استفاده نماید؟!!!!"

احداث شبکه آبیاری دشت لیستر و خیرآباد از سد کوثر در شهرستان گچساران که بایستی بیش از ۷۰۰۰ هکتار از اراضی دیم را به کشت آبی تبدیل می نمود و از سال ۸۳ شروع، ولی به دلیل محدودیت منابع عمومی دولت، عدم حمایت تاج گردون و شروع غیر قانونی طرح های جدید، بعد از ۱۵ سال، هنوز نیمه تمام مانده است و در قانون بودجه سال ۹۶، بدون رعایت فرایند قانونی، به عنوان یک پروژه و با یک <واو> تاج گردون ، به طرح امام زاده جعفر ملحق شد!!!

حال به طرح مورد حمایت تاج گردون (طرح تأمین آب کشاورزی امام زاده جعفر) می پردازیم و پس از معرفی این طرح و بیان تاریخچه و اهداف و چگونگی ورود آن به قانون بودجه، آنرا با ۳ طرح اول صفحه قبل که در سه شهرستان دیگر استان و از سال ها قبل در قانون بودجه بوده و اولویت بیشتری نیز داشتند، مقایسه خواهیم کرد تا به بخشی از فاجعه ، پی ببریم!! معرفی طرح تأمین آب اراضی کشاورزی دشت های ماهور باشت و امام زاده جعفر (مورد حمایت تاج گردون) ؛ این طرح از سال ۱۳۷۶ با هدف تأمین آب کشاورزی حدود ۳ هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی منطقه از طریق رودخانه زهره و با احداث ایستگاه پمپاژ با ارتفاع بیش از ۲۵۰ متر توسط جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد مورد مطالعه قرار گرفت و از سال ۱۳۸۰ عملیات اجرایی آن باز محل اعتبارات استانی شروع و تا سال ۱۳۸۶ کم تر از ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و از سال ۱۳۸۷ با ملاحظید مسئولین استانی و به دلایل متعدد، تکمیل عملیات اجرایی از جهاد کشاورزی به شرکت آب منطقه ای استان واگذار گردید.

از آنجایی که اعتبارات مورد نیاز طرح، بیش از ۹۰ میلیارد تومان بود و این مبلغ، در آن زمان، از محل اعتبارات محدود استانی، قابل تأمین نبود، ناچاراً باید از مسیر قانون، جهت اخذ کد اجرایی و استفاده از اعتبارات ملی پیوست قانون بودجه، تلاش می کردیم.

از طرفی شرط قانونی اخذ ردیف اجرایی جهت ورود به قانون بودجه، کسب مجوز ماده ۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه از سازمان مدیریت بود که به دلیل گذشت بیش از ۱۰ سال از زمان مطالعات اولیه طرح، گزارشات توجیهی و فنی، بایستی بازنگری می شد، لذا از سال ۸۷، با انتخاب مشاور فنی دارای صلاحیت (شرکت زایندهآب اصفهان)، مطالعات بازنگری طرح شروع و پس از انجام مطالعات و بررسی های فنی و اقتصادی، پیگیری ها و مکاتبات لازم از پایین به بالا (از شرکت آب منطقه ای به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع ایران و از آن جان به وزارت نیرو و از وزارت به معاونت برنامه ریزی رئیس جمهور) جهت اخذ مجوز ماده ۳۲ و ماده ۲۱۵ به منظور اخذ کد اجرایی و ورود به پیوست قانون بودجه، انجام، و تا سال ۱۳۹۱ (یعنی زمان حضور آقای تاج گردون در مجلس) ، به دلایل متعدد از جمله: محدودیت اعتبارات و منابع عمومی دولت، افزایش طرح های نیمه تمام در کل کشور، وجود حداقل پنج طرح نیمه تمام آبی در این استان از سنوات قبل در پیوست بودجه که دو تا از آن ها مربوط به شهرستان گچساران بودند (قید شده در صفحه قبل) و همچنین به دلیل نداشتن توجیه اقتصادی و اولویت نسبت به طرح های موجود، مجوز ماده ۳۲ و ماده ۲۱۵ طرح مذکور صادر نگردیده و بایستی هم مطالعات جامع تر می شد و هم منتظر تکمیل تعدادی از طرح های نیمه تمام استان می ماندیم که از پیوست بودجه خارج می شدند تا توجیهات فنی و منطقی و قانونی بهتری برای جایگزینی طرح جدید در پیوست بودجه پیدا می کردیم، لذا مجوز ماده ۳۲ و ۲۱۵ طرح مذکور صادر نگردید که به حق هم بود.

قسمتی از نوار جلسه توکلی در خصوص جاده'

..... ، جاده را آورده تا ببینان که وقتی پایان حوزه استحقاقی اش میشه و اتوبانه و بعد ی دفعه میشه جاره یکطرفه و در واقع خاکیه، اگر جاده لازمه دقیقاً تا پایان حوزه استحقاقی برای چی! برای اینکه نگن نماینده ببینان هم خوب کار میکنه. تا آخر گچساران اتوبان و خوبه و ی دفعه میشه یه جاده یک لاینه ی بد و تصادف خیز که تمام تصادفات داخل اون مسیر هست.....

..... در قرارگاه خاتم الانبیا بنده اونجا مسئول قسمتیش بودم— جالبه نقشه را تغییر دادند بخاطر یک روستای ۱۰۰۰ نفری ، چقدر با رمالی اضافه کردند؟ ۷۰ میلیارد تومان. ۷۰ میلیارد تومان اضافه کردند بخاطر اینکه از یک روستا بگذرد مریحاً این آقای تاج گردون در جلسات میگفت توی روستا جلسه گذاشت و منم بودم و توی همون جلسه هم گفت (سوال : با مجوز انجام داده ؟) بالاخره ایشون ز رنگه و نمیداد بدون مجوز کار بکنه و قطعاً می رفت و فشار میاورد به وزارت راه و مجوزات را می گرفت . اصلاً شما شک نکنید ایشون کار خلاف قانون انجام نمیده، شک نکنید. حالا این یه بحث هست و بحث دوم اینه که نقشه را تغییر دادند و ۷۰ میلیارد تومان یعنی ۲۵۰۰ متر باید حفاری میشد که ۱۲۵۰ مترش حفاری شد که خورد به گاز و چه اتفاقی افتاد؟. مشخص شد که بدون ، یک پروژه دیگه هست بنام انتقال آب باشه.

۱ جلسه ای در دفتر آقای توکلی در زمان بررسی صلاحیت برگزار می شود. این مطالب از نوار صوتی آن جلسه پیاده سازی شده است.

قسمتی از نوار جلسه توکلی در خصوص تاج گردون

آقای : عزیزان، آنچه من در جلسه عرض کردم هم راجع به آقای و هم راجع به آقای تاج گردون برای این بود که اگر قرار است اقدامی شود، من اول به مقدار موضع این طرفی بگیرم که درست و حسابی نوشته بشه، اطلاعاتی که دارم به بخشی را خدمتتون تقدیم می‌کنم و به بخشی را اجازه بدید بماند. شورای نگهبان انگیزه‌اش برای رد صلاحیت نمایندگان بسیار بالاست. اما مستنداتی که برای شورای نگهبان میاد ملاک است. خب اگر قرار باشد جناب آقای مطلبی را بگن و اون مطلب مستند به چیزی باشد بررسی میشه، در غیر اینصورت مراجع چهارگانه هستند که حرف اول را می‌زنند. به مقدار به این توجه کنید. می‌خوام بگم حتی راجع به آقای تاج گردون هم و آقای هم انگیزه برای شورای نگهبان برای رد این آقایون وجود داره، حالا من به نکته‌ای را بعداً در خفا به آقای دکتر عرض می‌کنم که بر اساس اون باید تصمیم گرفته بشه که چگونه با عناصری که در کاشت این ضایع‌ها و پرورش این ضایعات تلاش می‌کنند باید اونجا مورد خطاب قرار بگیره و پیگیری قرار بگیره انشاءالله.

آقای : همه مستحضرید که ناکارآمدترین مجلس این مجلس است، فاسدترین مجلس این مجلس بود و من یک پیشنهاد دارم اگر صلاح می‌دونید واقعاً عدالت مشخص شه. آقای دکتر توکلی اقتضا میکنه که سطح جلسه خیلی بالاتر از این باشه.

...

این دوتا نکته هستند و موضوع این هست که ما یکسری گزارشات محرمانه ... داریم که ببخشید من رو خیلی صادقانه تهدید هم کردند و گفتند اگر بخواد بره بالا پیش آقای ... و اینطور ادامه بده و با اینکه من قولی دادم که سند محرمانه نزنم ولی احتمالاً مجبورم قولم را بشکونم چون گزارش رسمی سازمان ... است و من مطمئنم آقای باید داشته باشند یا آقای ... دارد وقتی بهش توجیه نمیکنن پس باید گویا منتشر شود. نکته بعدی این هست که یک کار خیلی زانبری بود که من یکسال روش کار کردم و ۳ ماه پیش اون را دادم به آقای پورمختار و فرضم این بود که آقای پورمختار آدم منصفی است و ...

...

الان یک نفر از دل شورای نگهبان به من یک اسم داده یک آقای بنام آقای ... حالا من خصوصی خدمتتون میگم این آقا توی شورا خیلی میره و میاد و با آقای ... مسئول دفتر ... هم روابط داره و این آقای داره پول میاره خرج میکنه. این ادعاست و منم نمی‌تونم ثابتش کنم. بهش میگم از این آقای ... عکس بنداز میگه که نمی‌تونم، رفتم و گشتم این آقایه را پیدا کردم و عکس را براش فرستادم و گفتم این همینه!؟

...

پروژه گرفتن این شرکتها خیلی مهمه، بخش اعظمی از این پروژه‌ها زمان آقای ربیعی می‌رفتند از شستا پروژه می‌گرفتند و آقای ربیعی تند تند امضا می‌کردند و مجموعه آقای تاج گردون پیمانکارهایی که معرفی می‌کرده پروژه می‌داده تو شستا برای کار. اینها را من مستندات ندارم.

...

شورای نگهبان منطقه و استان یک جوری تحمن کردند و گفتند ما اصلاً انتخابات را برگزار نمی‌کنیم و خود شورای نگهبان بیاد برگزار کنه من کاری به اون ندارم. یا آقای تاج گردون یک خط می‌نویسه که مخاطبین عزیز من نگران نباشید و من حالا دارم رایزنی می‌کنم.

...

بعضی مسائل هم هست که واقعاً همیشه گفت، بعضی از مسائل را واقعاً همیشه گفت. اطلاع دارم، یقین دارم منتها همیشه گفت و همیشه اثبات کرد و شما حساب کنید در حوزه ایشون میاد مثلاً ۲ میلیارد و نیم برای مجتمع طلاب استان هزینه میکنه که واقعاً حالا واقعاً خریدن شاید خوب نباشه شما در حوزه آیت‌الله ربانی یه طوری از آقای تاج‌گردون تعریف داد که ما گفتیم خدایا این از کجا داره این حرفها رو می‌زنه و ما که این رو می‌شناسیم و از بچی می‌شناسیم و اطرافیانش را می‌شناسیم...

...

و مجلس بر اساس اون عمل میکنه لذا من تقاضا می‌کنم اگر دوستان راجع به آقای تاج‌گردون میخوان صحبت کنند دقت کنند. بله خودش در ظاهر می‌گه من بودجه را درست می‌کنم و من چنین می‌کنم و چنان می‌کنم ولی این قانون است و ایشون دارن به قانون عمل می‌کنن و تو حوزه قدرت خودش میاره بدون تردید. ولی بر اساس قانون هم داره میکنه. اون که دوستان گفتند مثلاً تا ... من ببخشید اول دفاع کنم ازش چون نیست دفاع کنم بعد حرفهای اصلیم را بزنم. در مورد اینکه مثلاً بزرگراه را آورده، بله استان کبگیلویه و بویراحمد بودجه مشخص داره و همه استانها همینجورن و تا سر مرز استانی‌شان فعالیت انجام میدن و بعد از اون همینطوری که پلیس راه هم تا لب استان خودش میره و ادامهاش رو استان دیگه باید بره و این طبیعی است و آقای تاج‌گردون خیلی زرنگ‌تر از این حرفاست که بخواد ما ایراد غیرقانونی ازش بگیریم.

راه دیگری هم ندارید.

من بارها کارشناسان برنامه و بودجه و وزارت راه را برده‌ام و از شیراز شروع کردیم و از اهواز زدیم بیرون. این جاده در عهد پُرتراфик‌ترین جاده بعد از شمال و در صدر اخبار است. پُركشته‌ترین جاده همین جاده است که همیشه پُرفت و آمد است. آیا این حق مردم جنوب است که مثلاً در تنگ ابوالحیات و نفس‌کش این گردنه که ۳۰ کیلومتر است در یک تراфик سنگین چند ساعته باشند؟ یکی از اتهاماتی که خطاب به من در جلسات مطرح می‌کردند و آقای احمد توکلی هم مدام مطرح می‌کند همین طرح است. منطقه من تأمین‌کننده بخش عظیمی از نفت و گاز کشور است، آیا حق‌شان این است فقط ۳۰ درصد روستاهای منطقه گاز داشته باشند؟ بعد بیایند بگویند امکان گازرسانی نیست. از گچساران به شمال کشور گاز می‌دهند ولی شهر خودم گاز نداشته باشد؟ روستای سردسیرم در بویراحمد یا گچساران گاز ندارد، چرا باید این‌طور باشد. چرا مناسبات نفت باید این‌طور باشد که عده‌ای دیگر در آن سرمایه‌گذاری کنند که این مناطق نتوانند از نفت بهره ببرند، آن وقت در شهر من که شهری صد هزار نفری است بی‌بهره باشند. اگر شهر را نصف کنیم؛ چند سال از انقلاب گذشته بود که نصف شهر ما حتی یک متر فضای فرهنگی و تفریحی نداشت. سینما نداریم، بافت فرسوده روستاها بی‌بهره از همه امکانات، بیمارستان قدیمی و فرسوده و حتی نبود یک دستگاه سی‌تی‌اسکن، آی‌سی‌یو برای کودکان نداشتیم و بزرگسالان هم تعطیل بود. یک نوزاد اگر مشکل داشت یا باید می‌مرد یا باید به شیراز منتقل می‌شد. فرودگاه ما که سال ۳۸ ساخته شده بود، فاقد پرواز بود. قبل از انقلاب سه تا سینما در شهر داشتیم، الان یکی هم نداریم. مردم ما فقیر، معنادار شده و واقعاً وضع بدی در شهر حاکم بود. یک خیابان درست و حسابی نداشتیم،

کارخانه نداشتیم. ایده نداشتیم، حالا من آمدم از ظرفیت و ایده‌ام بهره بردم. ایده داشتن مهم است، من ایده داشتیم و می‌خواستیم شهرم را نجات بدهم. ایده دادم و بافت فرسوده شهرمان را به همت دولت احیا کردیم. ایده دادم، طراحی کردیم، ساخت جاده‌ها را توجیه کردیم، جاده شمالی - جنوبی را طراحی کردیم، نفت را مجبور کردیم در این شهر سرمایه‌گذاری کند. اولین شهرستانی بودیم که از نظر گازرسانی «شهرستان سبز» شد. این‌ها یک دهم حق آن مردم است و هر کس بگوید این چیزها حق مردم نبود، ناحقی کرده است. آیا این می‌شود سوءاستفاده از جایگاه کمیسیون برای منطقه؟ سوءاستفاده آن بود که اموال دولت را بالا کشیدند و سکوت کردید؛ نه اینکه حق مردم آن هم مردم فقیر و مستضعف در بودجه داده شود.

ابزار در اختیار داشتید، یعنی رئیس کمیسیون بودید و برای مردم کار می‌کردید.

بلد بودن خیلی مهم است تا ابزار در اختیار داشته باشی، چون نمی‌تواند دورت بزند. به عنوان مثال سهم مناطق نفتخیز در آلاینده‌گی تولید نفت. یک قانون داریم به نام آلاینده‌گی که می‌گوید یک درصد از تولیدات نفت هر منطقه را باید به عنوان هزینه آلاینده‌گی به آن منطقه بدهند. من حساب می‌کردم که ۶۴۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کردیم که ۴۰۰ هزار تای آن مربوط به گچساران می‌شد. حساب کتاب می‌کردم پولی که باید به این بهانه و قانون به منطقه من بدهند خیلی می‌شود، چیزی در حدود ۲۰ میلیارد. می‌دیدم ۳۰۰-۲۰۰ میلیون پول مردم را می‌دهند. بررسی کردم بینم داستان چیست؟ یک تا دو سال طول کشید تا من به این نقطه رسیدم. دیدم شرکت نفت برای اینکه آلاینده‌گی را ندهد، آمده بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت گچساران یک قرارداد بسته و مثلاً شرکت نفت گچساران را کارگزار خودش کرده و به او گفته هر بشکه نفتی که تولید کنی دو دلار به تو می‌دهم. یعنی نفت صد دلار است ولی برای آلاینده‌گی ۲ دلار محاسبه می‌شود. در محاسبه آلاینده‌گی اینکه یک درصد را در ۱۰۰ دلار ضرب کنی در ۲ دلار ضرب می‌کردند یعنی یک پنجاهم. این را کی می‌تواند بفهمد، من می‌توانم بفهمم. فقط به ابزار نیست. من می‌فهمم می‌روم و مطرح می‌کنم و آلاینده‌گی را از ۲۰۰ میلیون به حق خودش می‌رانم. یا مثلاً یک سوم از ۳ درصد نفت مربوط به مناطق نفتخیز را طوری می‌نویسند که چیزی گیر ما نمی‌آید. آقایان نمی‌فهمند و فکر می‌کنند اعمال نفوذ است، درحالی‌که این‌طور نیست و فهم و درک مسائل است و خیلی حرف‌ها می‌زنند که موجب تعجب است. من می‌گویم چرا چند سال در مجلس بوده‌ای متوجه این مسائل نشده‌ای. تو آمدی مجلس چه کار؟ آمدی در کمیسیون ملی چه کار، فقط به عنوان سیاهی‌لشکر آمده‌ای. واقعاً فهم ندارند، فهم بودجه‌ای و فهم اقتصادی ندارند، اصلاح این امور در مقام قانونگذار کار ساده‌ای نیست و در مجلس باید کار کرد. این کارها از چشم نمایندگان راحت‌طلب تهران شد آسیب من، این شد بالای من که آقا این اعمال نفوذ می‌کند در بودجه برای منطقه‌اش. این می‌شود اعمال نفوذ؛ این حق ماست. این حق است که این فرمول که درست شد خوزستان و فارس هم منافعش را بردند. درست است حالا چون تاج‌گردون این کار را کرده است، بقیه هم بردید و خوردید، حالا که می‌خواهد حق مردم را بگیرد می‌شود اعمال نفوذ. شهرداری گچساران یا

دوگنبدان کل اعتبارات عمرانی‌شان یک میلیارد تومان بود، با این پول نمی‌توانند حتی زباله‌شان را جمع کنند. اصلاً یاد ندارم در سال‌های اول نمایندگی حتی یک متر آسفالت در شهر من انجام شده باشد. ما وظیفه داریم نگاه مردم را نسبت به زندگی‌شان عوض کنیم. اصلاً تاج‌گردون اعدام شود، هر بلایی سر تاج‌گردون بیاید هر چه باشد، باید ایده و نگاه مردم در این منطقه تغییر داده شود و نوع نگاه مردم عوض شود.

نامه توکلی در خصوص امام زاده جعفر (در اعتراض به اعتبارنامه تاج‌گردون)

برای نمونه آقای تاج‌گردون طرح آب‌رسانی امام زاده جعفر را از سال ۱۳۹۲ به پیوست بودجه اضافه می‌کند. این طرح در هیئت دولت مصوب نشده بود و توسط وی به بودجه اضافه شده بود. اعتبارات آن هم با کاهش اعتبارات سه طرح آب‌رسانی دیگر از شهرهای محروم‌تر استان (تنگ سرخ یاسوج، دهدشت غربی، لیلک بهمئی) که اولویت قانونی داشتند، انجام می‌شد و آقای تاج‌گردون کاش تنها به هم‌استانی مستضعف‌تر خویش ظلم و جور روا داشته بود، مسئله تنها این نبود؛ بلکه هدف اصلی وی کاملاً شخصی و برای آبرسانی به ۴۰۰ هکتار زمین‌های کشاورزی خود و خانواده اش بود.

وی در این مسیر، مواد ۳۲۵، برنامه چهارم و ۲۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه زیرپا گذاشت تا متقابله طرح امام زاده جعفر را بدون تصویب هیئت وزیران، در پیوست بودجه بگنجانند. بعد نوبت گنجاندن دو طرح آب‌رسانی خان احمد و دشت مور که دو طرح مجزا هستند و ارتباطی با امام زاده جعفر و تغییر اسامی ردیف‌های سند بودجه مجوزهای قانونی بود. افزایش غیرقانونی و در نتیجه بی‌حساب و کتاب تعداد و مبلغ طرح‌ها، میلیارها تومان زبان در پی دارد که به دلالت ذیل ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی، ارتکاب آن برای آقای تاج‌گردون جرم و وی شخصاً ضامن آن است. ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، دست بردن در اسناد و اوراق رسمی و الحاق کلمه‌ای بدان‌ها یا تغییر اسامی موجود در آن‌ها را جرم شناخته است که مرتکب، به مجازات‌های اداری، جبران خسارت، حبس و جزای نقدی محکوم می‌گردد. این جرائم را نیز آقای تاج‌گردون بارها مرتکب شده است.

ما روستاهایی در منطقه داریم که در ۴۰ سالی که از انقلاب می‌گذرد جاده نداشتند. نه اینکه جاده‌های خاکی داشته باشند، کلاً جاده نداشتند و مردم پیاده در کوه‌کمر تردد می‌کردند. کسی برای‌شان جاده نکشیده بود، چرا؟ چون دود نفتش را می‌خوردند، اما منفعتش نصیب آن‌ها نمی‌شد. برای بافت فرسوده گچساران یک طرح دادیم که وقتی آقای لاریجانی آمد، گفت این ایده را در قم، خاش و زاهدان پیاده کنیم. آقای تابش رئیس بنیاد مسکن گفت آقای تاج‌گردون تو زورت می‌رسد این ایده را کار کنی، اگر توانستی خوب کار کنی کل کشور همین می‌شود. گفتم باشد، برای این ایده دو سال کار کردم. الان در هر جلسه‌ای که بروید می‌گویند دوگنبدان آن موقع سه هزار خانه بود، اما الان صد هزار خانه در سطح کشور این ایده انجام گرفته است. یا طرح‌های آب و کشاورزی؛ با آبی که بی‌مصرف به خلیج فارس می‌ریزد زمین‌های خشک مردم آبرسانی می‌شود. بعد آقای توکلی عرضه‌ای به دادستان

می‌نویسد که تاج‌گردون اعمال نفوذ کرده و آن طرح را اجرا کرد. کسی نیست بگویید اگر شما یک ذره وجدان ملی داشتی، یک ذره تعهد ملی داشتی، اجازه می‌دادی آب شیرین کشورت به دریا برود، شور بشود برود به زمین. قطره قطره این آب‌ها باید روی زمین‌های ما می‌رفت. بعد دروغ بزرگ‌تری می‌گویند که اجرای این طرح برای زمین‌های خودش بود. خدمت‌شان عرض کردم که این همه احساس تعهد می‌کنید و دو سال است دارید فرافکنی می‌کنید چرا زحمت نمی‌کشید به آن منطقه سر بزنید تا دعای خیر مردم آن منطقه برای نظام را ببینید و این قدر به نام شفافیت و عدالت خیانت به مملکت و مردم نکنید.

این طرح کدام طرح بود؟

طرح امامزاده جعفر. طرح امامزاده جعفر که در این گزارش‌ها هم هست، بعد می‌گویند تاج‌گردون خودش در این منطقه زمین دارد. با این طرح ۲۰ هزار هکتار آبرسانی می‌شود حالا فرض کنید تاج‌گردون هم بیست هکتار زمین‌هایش را آب می‌دهد. مردم در آنجا زمین‌هایشان را هکتاری چهار پنج میلیون می‌فروختند که کسی از آن‌ها زمین نمی‌خرید، الان در همانجا شما نمی‌توانید زیر ۴۰۰ میلیون تومان زمین پیدا کنید. مردم فقیر را دارای ثروت کردی، دیگر دست‌شان به دهان‌شان می‌رسد، بعد می‌گویند تاج‌گردون اعمال نفوذ می‌کند برای منطقه. نه، مردم اینجا به من تاج‌گردون رأی می‌دهند چون به دردشان می‌خورد. شما فکر می‌کنید بیشتر و بهتر از مردم آن منطقه می‌فهمید. آیا اگر مردم احساس می‌کردند تاج‌گردون برای خودش این طرح‌ها را اجرا می‌کند به او رأی می‌دادند.

حالا شما واقعاً آنجا زمین هم دارید؟

زمین داریم اما ربطی به آب ندارد. زمین‌های ما چاه آب دارد که چاهش در این اسناد هست و مربوط به قبل از انقلاب است. اصلاً زمین‌های ما آبی است. فرض کنید این دشت هفت هزار هکتار است، بعد من از فاصله ۴۰-۳۰ کیلومتری آب را بردم آنجا. انتهای این دشت و در منتهی‌الیه این دشت، زمین ما قرار دارد. این همه زمین آب گرفته‌اند چیزی نیست و فقط زمین ما مسئله است، آن هم زمینی که برای خودش آب دارد. بعد آقای توکلی چه وقیحانه، زشت و بی‌اخلاق نوشته‌اند این طرح صرفاً برای این بوده که به این زمین‌ها آب برسد. آخر برادر عزیز اگر یک ذره دین داری، اخلاق دینی را رعایت کن و این حرف‌ها را نزن. چقدر انسان‌های مستضعف از این آب بهره‌مند شده‌اند. زمین‌های ما قبل از انقلاب آبی بوده و هنوز هم هست، باغش هم آبی است. بعد این آب کجا می‌رفت؛ این آب ۱۰ کیلومتر بعد از گچساران شور می‌شود و به دریا می‌رود. اینجا باید به من مدال و نشان بدهند نه اینکه مرا رداصلحیت کنند به خاطر اینکه این طرح را برای ثروتمندتر کردن مردم یک گوشه کشور خلق کردم.

ا من حالا به عنوان یک ناظر فکر می‌کنم در بحث آن فرمول، اتفاقات دیگری هم می‌افتد و شما به عنوان وزنی که در کمیسیون برنامه و بودجه دارید، سازمان‌ها و ارگان‌ها وابسته شوند به اینکه مزدشان را دارند از مجموعه شما می‌گیرند و شما یک نقش بالاسری در این قضیه دارید و این نقش را دارید که فشار مثبت به مجموعه خدمات‌ده می‌آورید که این خدمات را به منطقه شما بیاورند.

نمی‌توانم منکر این موضوع بشوم، اگر بگویم نه حرف درستی نزده‌ام. معلوم است که با من کار دارند و دوست هم دارند که کاری برای من انجام دهند. بله این حرف قابل رد کردن نیست، ولی این اعمال نفوذ نیست؛ یعنی بگویم اگر شما این کار را کردید، من هم این کار را می‌کنم. در شأن من نیست که این را بگویم، نه به این معنی است که او به من لطف دارد یا دارد به منطقه من توجه می‌کند، این طبیعی است و من نمی‌خواهم منکرش شوم و ممکن است برای هر کسی اتفاق بیفتد. بله توجه داشتند، ولی خداوکیلی ظالمانه نبوده است که به جایی ظلم کرده باشم و این اتفاق افتاده باشد. این کار نه اخلاقی است و نه حرفه‌ای. یعنی شما فرض کنید که من از وزیر نفت پول گرفته‌ام بابت این فرمول، باید ایده‌اش را داشت که می‌خواهی چه کار کنی. یادم می‌آید که ۱۴ میلیارد اعتبار برای شهرستان گرفتم، گفتم که این ۱۴ میلیارد را می‌توان چه کار کرد؛ بریزم در جاده یا در روستاها و محلات چمن مصنوعی بسازیم. با یک تیر، ۱۰ نشان زدم، درست با این اعتبار ۶۰ چمن مصنوعی در روستاها و مناطق فقیر شهر ساختیم. یعنی در هر شب تابستان ۵۰-۴۰ جوان در یکی از این زمین‌ها بازی می‌کنند، طراوت در آنجا می‌سازیم، بچه‌ها را فوتبالیست تربیت می‌کنیم، زمین می‌سازیم، انسان تربیت می‌کنیم. حالا در یاسوج هم بوده، در دهدشت هم این کار بوده، بوشهر و شیراز هم بوده. پس ایده، ایده خوبی است. یا مثلاً در روستایی بزرگ ورزشگاه بانوان ساختیم که در اخبار گفتند اولین ورزشگاه روستایی بانوان در گچساران ساخته شد. فرداش در مجلس گفتند این طرح چه بود، گفتم در این روستای بزرگ دختران مردم جایی برای فعالیت داشته باشند. گفتند عجب خیلی عالی است و شروع کردیم در مورد ورزش بانوان کار کردن. همان پول هزینه می‌شود ولی با یک ایده برتر. اگر کاری شده با یک ایده برتر بوده که توانسته است نقش و جلوه بیشتری داشته باشد.

ا در روستاهای دیگر ایران نداشتیم.

این یک ایده بود که خوب عمل کرد. در این مورد وزیر ورزش از من تشکر کرد. این جنس کارها مربوط به وزارت نفت بود و وزیر ورزش فقط آمد پروژه‌ها را افتتاح کرد و گفت در این طرح تو مزاحم من نشدی. با همان اعتبار آلاینده‌گی این کارها انجام شد و این «حق قانونی مردم» بود. درک و دریافت حقوق اجتماعی مردم بود. اما اینکه بگویند اعمال نفوذ و این حرف‌ها نبود که اگر این را بدهید آن را می‌گیرید، نه هیچ‌وقت نبود. اصلاً شأن رئیس کمیسیون بودجه این نیست، یک نفر دیگر بخواهد این کار را بکند همان سال اول زمین می‌خورد، به من احترام می‌گذاشتند و توجه می‌کردند.

بحث این است که در این واسطه و بین این مجموعه‌ها و واسطه‌ها، ارتباط شما با نهادهای انقلابی و بعد ارتباطتان با این مجموعه‌ها مطرح می‌شود و در درصد بودجه، به این مسئله بیشتر می‌پردازید. چون به هر حال شما بخشی از بودجه را باید به نهادهای مختلف بدهید که خواهی نخواهی این ارتباط برقرار شود.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

او فن نفوذ را بخوبی اجرا می‌کند. در کمیسیون برنامه بودجه اعتبارات را به نفع جاهایی که می‌خواهد نفوذ کند تغییر می‌دهد. او عمداً جلو تخصیص اعتبارات را به نهادهای انقلابی و حوزه‌ها می‌گیرد. تا آن‌ها دست به دامن تاج‌گردون شوند و بعد با گرفتن امتیاز و نفوذ در آن نهاد یا فرد به آن‌ها تخصیص اعتبارات لازم را می‌دهد. از همین شیوه یعنی قبض و بسط اعتبارات هدفدار در سپاه و حوزه‌های علمیه نفوذ کرد و خود را فردی خوشنام جلوه داد.

پاسخ تاج‌گردون در شعبه مجلس

در اعلام به اعتراض اینجانب بیان شده است در این مقطع جلوی تخصیص اعتبارات به نهادهای انقلابی و حوزه‌ها و نیروهای مسلح، شورای نگهبان و مراکز دینی و حوزه‌ها را گرفته‌ام و یا اینکه با ضبط و بسط اعتبارات، این مراکز را در اختیار خود قرار گرفته‌ام. ضمن اینکه این اظهار نظر را توهین به این نوع نهاد های مهم ملی می‌دانم و امیدوارم خود در جهت دفاع از حیثیت خودشان ورود کنند. ای کاش اجازه داشتیم اطلاعات محرمانه و نحوه تنظیم بودجه نیروهای مسلح و مراکز دینی را بیان می‌کردم تا پاسخ این عزیزان را داده باشم. هر حرفی خلاف این ادعای اینجانب توسط مدیریت محترم حوزه علمیه قم، مرکزخدمات حوزه علمیه قم، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ارکان مختلف نیروهای مسلح (سپاه، بسیج، اطلاعات سپاه، نیروی انتظامی، ارتش) اعلام شود می‌پذیرم.

باز هم در این گزارش‌ها خیلی به این موضوع پرداخته شده است که به نظر من ناجوانمردانه بود. البته این بحث را هم بیرونی‌ها می‌گفتند و هم داخلی‌ها. حالا بیرونی‌ها بگویند ایرادی ندارد، نه داخلی‌ها که ادعای انقلابی و حزب‌اللهی بودن می‌کنند. خیلی سخت است شنیدن این حرف. درصد بودجه نسبتاً شفاف است و یک جاهایی ارکان حکومت است، دولت مجری قانون است، دولت در حقیقت اعمال قانون می‌کند و حاکم نیست. فرق جمهوری اسلامی با بقیه دولت‌ها این است که دولت حاکم نیست. درست است بر اساس قانون اساسی بودجه را تعیین می‌کند، اما از آن خودش نیست و فقط بر آن نظارت دارد. چون ما سه قوه مستقل داریم، این سه قوه مستقل وجودشان از یک کتاب می‌آید که کتاب بودجه است و لایحه‌شان را باید دولت بدهد به مجلس. حالا در این لایحه نیروهای مسلح هست، نهادهای دینی و صداوسیما هم هست. معمولاً در ادوار گذشته که نگاه کنید بین دولت و این نهادها اختلاف بوده است. حتی دکتر احمدی‌نژاد در یکی دو سال اول با آن‌ها خوب بود، ولی باز به تیپ و تاپ هم می‌زدند. نیروهای مسلح موضوعی جداست، نهادهای دینی و فرهنگی و

حوزه هم جای خودش را داشت و قوه قضاییه و صداوسیما همین‌طور. دولت‌ها همیشه در بودجه با این‌ها درگیری دارند. این موضوع از نظر عدد و رقم یک محرمیت دارد، محرمیت نظام که خیلی نمی‌شود بازش کرد. یعنی یک نفر باید بفهمد که موضوع چیست و علاوه بر فهمش، توانایی هضم این همه اطلاعات و اسرار حکومت را هم داشته باشد. در صحن علنی در مجلس و دولت هم این مسئله وجود دارد. در حوزه طلاب دولت پذیرفته که طلاب بیمه شوند و حوزه چیزی دانشگاهی نیست ولی اساتیدی می‌نشینند کتاب تهیه می‌کنند، پژوهش می‌کنند، کار تحقیقاتی می‌کنند، عده‌ای هم طلبه هستند. به عنوان مثال شما که اینجا کار می‌کنید، بیمه هستید و بخشی از آن را خودتان می‌دهید و بخشی دیگر را سیستمی که در آن کار می‌کنید. مثلاً بعد می‌آییم و می‌گوییم که قالی بافا هم بیمه هستند، رانندگان تاکسی هم بیمه هستند، معناد متجاهر هم بیمه است، حُب طلبه هم بیمه است. حالا یک طلبه بیمه باشد و پولش را حوزه بدهد می‌شود مفت‌خوری. نه. می‌گویند دانشگاه جامعه المصطفی‌العالمیه، حالا چرا نمی‌گویند دانشگاه شریف، چرا نمی‌گویند دانشگاه فرهنگیان. دانشگاه جامعه المصطفی‌العالمیه یک مأموریت دارد، می‌روند در کشورهای مختلف دنیا و امور دینی و اسلامی را در آنجا گسترش می‌دهند. حوزه علمیه قم عده‌ای را آموزش می‌دهد و به تمام دنیا می‌فرستد. این یک مأموریت است، این یک دانشگاه رسمی است. در مورد دانشگاه‌های دیگر حرف نمی‌زنیم و فقط در مورد این دانشگاه حرف می‌زنیم. مردم این حرف‌ها را نقد می‌کنند و این وسط یکی باید این‌ها را جمع کند. یا نیروهای مسلح که آقا این‌ها دارند می‌خورند و می‌گویند که همه پول‌ها را دارند به نیروهای مسلح می‌دهند، نماینده حرف می‌زند و منتقدان هم خوش‌شان می‌آید و مردم هم حرف می‌زنند. یک نفر باید این وسط همه این‌ها را جمع کند. قوه قضاییه با دولت بد می‌شود، آیا ما حق داریم بودجه قوه قضاییه را کم کنیم. پول به آن ندهیم که آن‌ها با هم بحث‌شان شده، آیا دولت چنین حقی دارد؟ یکی بیايد برود این وسط و این موضوعات را جمع کند. صداوسیما هم که به دولت فحش می‌دهد، آیا دولت می‌تواند بودجه صداوسیما را بزند یا بگوید بودجه‌اش را نمی‌دهم، حُب صداوسیماست دیگر. این واقعیت حکومت اسلامی است، می‌تواند دیگر حکومت اسلامی نباشد، اما نمی‌تواند بودجه‌شان را ندهد. مأموریت ما این است که در سوریه و لبنان و فلان جا مقاومت کنیم، هسته استراتژی کشور این است که ما در آنجا مقاومت کنیم تا مملکت ایمن شود. ما باید این‌قدر در مسائل پدافندی و موشکی خودمان را تقویت کنیم که عین‌الاسد را بزنیم. باید روی موشک سرمایه‌گذاری شود تا بیايد انجام شود. ما داعش را می‌زنیم، حالا دولت می‌گوید این را نمی‌خواهم و به آن پول نمی‌دهم یا کم می‌دهم یا علما با من مخالفاند و من بیمه طلاب را نمی‌دهم. دودرصد از روحانیون شاید پولدار باشند، بقیه طلاب فقیرند. قاطبه طلاب منطقه من، مخالف من هستند، آیا می‌توانیم بگوییم چون طلاب منطقه من مخالفاند، من هم اعتبارات حوزه دینی را نمی‌دهم! آقایان این‌قدر بی‌تقوا

و بی‌دین هستند که به راحتی می‌نویسند آقای تاج‌گردون با بسط و قبض این‌ها، این‌ها را خریده است. تا جایی جلو می‌روند که می‌گویند شورای نگهبان را هم خریده. قانون می‌گوید شورای نگهبان هر بودجه‌ای را گفت باید عین عددش را بگذاری در بودجه، هر بودجه‌ای را درخواست کرد. چرا قانونگذار این حرف را می‌زند، برای اینکه شورای نگهبان را نشود خرید.

نشود خریدش؟

موضوع خیلی روشن است. شورای نگهبان وظیفهٔ خطیری دارد. اگر مجلس یا دولت بخواهد شورای نگهبان را قبض و بسط دهد ایراد دارد. ما باید فهم عمومی این موضوع را داشته باشیم. تفاوت من با امثال آقای دکتر توکلی، که حرف‌های غیرفنی و غیرمنطقی می‌زنند، این است که این مفاهیم را متوجه می‌شوم. مثلاً انتخابات برگزار می‌شود و باید اعتبار برای نظارت در اختیار شورای نگهبان قرار گیرد و گرنه دولت‌ها اعمال نفوذ می‌کنند یا حتی مجلسی‌ها. بعد آقای توکلی به راحتی در اتاقش جلسه می‌گذارد و می‌گوید تاج‌گردون آیت‌الله جنتی را خرید. مستند این ادعا وجود دارد. کسی که این حرف را می‌زند حتماً ضدنظام است نه من. یا در مورد نیروهای مسلح، سیاست‌های کلی نظام این است که پنج درصد از بودجهٔ عمومی را دولت باید به نیروهای نظامی بدهد، دولت پول ندارد و می‌گوید من فقط حقوق نیروهای مسلح را می‌دهم. قانون می‌گوید پنج درصد به او بده تا تقویت نیروهای مسلح بالا برود. پنج هزار میلیارد تومان کم می‌شود، باید به هر طریقی پنج هزار میلیارد تومان را جور کرد و به آن‌ها بدهیم و گرنه مقاومت و استقامت و تقویت بنیهٔ دفاعی متوقف می‌شود. این‌ها نقطه قوت من است یا نقطه ضعف؟ از دید خودم و حکومت و قانون انجام وظیفه نقطه قوت من است، از طرفی کسی که می‌خواهد مرا بزند می‌گوید که تاج‌گردون نیروهای مسلح را می‌خرد، تاج‌گردون دارد بسیج را می‌خرد. شاید بسیج شهرم با من بد باشد اما من باید به بسیج پول بدهم، امام‌جماعت شهر شاید با من بد است اما من باید به امر به معروف و نهی از منکر بر اساس قانونی که به من حکم می‌کند پول بدهم. شما باید به ستاد امر به معروف و نهی از منکر اعتبار بدهید، این قانون است. می‌گویند تاج‌گردون به جنتی و شورای نگهبان «حال می‌دهد»، اگر من به آیت‌الله جنتی گفتم به امام‌جمعه بگو علیه من صحبت نکنند، بعد می‌شود قبض و بسط بودجه. قوه قضاییه هم همین‌طور. قانون می‌گوید دووهفت‌دهم درصد بودجه را باید بدهی به قوه قضاییه؛ دووهفت‌دهم درصد برای چه می‌گویند برای اینکه تو هی نخواهی زیر آن بزی و قوه قضاییه را اصطلاحاً بچلانی. حالا من اعمال قانون می‌کنم و دووهفت‌دهم درصد را می‌دهم. هفت‌دهم بودجه را باید به صداوسیما بدهی، خب حالا تاج‌گردون می‌آید و می‌دهد. حالا اعمال نفوذ می‌کند، زورش می‌رسد یا به قول آقای توکلی خودش در قانون دست می‌برد. نمی‌فهمند چه می‌گویند، به خدا نمی‌فهمند.

حرف توکلی در مورد بودجه علوی یا اموی

متأسفانه، برای هیچ کدام از جدول‌ها در قانون بودجه رأی‌گیری نمی‌شود، بلکه تنها در کمیسیون تلفیق روی ارقام بزرگ بحث و رأی گرفته می‌شود. در شب‌های آخر بررسی بودجه که نمایندگان سرشان به تبصره‌ها و تغییر عبارات آن‌ها گرم بوده، همه ارقام جدول‌ها با نظر شخص آقای تاج‌گردون، پس از تغییرات دلخواه، تأیید می‌شد و پای تک تک جدول‌ها را امضا می‌کرد. اگر فرد دیگری، نه سلمان و ابوذر، بلکه حتی یک انسان وطن‌دوست قانون‌گرا، مسئول این کار بود آیا به این روش اموی دست می‌زد؟

قسمتی از نامه توکلی به نمایندگان در خصوص اعتبارنامه

آقای تاج‌گردون به عنوان کارمند عالی رتبه سازمان برنامه و بعد نماینده و رئیس کمیسیون بودجه و رئیس کمیسیون تلفیق بودجه و رئیس کمیسیون تلفیق برنامه از قدرت زیادی در تأمین نظرات متقاضیان اعتبارات برخوردار بود. متأسفانه وی از این قدرت برای تأمین منافع شخصی خویش بهره می‌برد و آقای تاج‌گردون از یک سو، برای جلب پشتیبانی مراکز قدرت، همه ترفندهای بودجه‌ریزی، تصویب، تخصیص و پرداخت را به کار می‌گرفت و از سوی دیگر با کاهش اعتبارات طرح‌هایی که قانوناً اولویت داشتند، اعتبارات مدنظر خورش را افزایش می‌داد.

من نمی‌دانم آقای دکتر توکلی که چند دوره در مجلس و اتفاقاً در کمیسیون بودجه بودند از بودجه چه فهمیده‌اند و این ادعای غیرمنطقی، غیرعقلایی، غیراخلاقی و فسادآمیز را دارند. یک دوره من با ایشان همکار بودم که می‌گویند این نوع بودجه‌ریزی رفتار اموی است نه علوی. یعنی قبل از من بودجه علوی بود یا این دور که من نیستم بودجه اموی می‌شود؟ کسی که همه زندگی و شخصیت خودش به این نظام برمی‌گردد باید کمی منصفانه‌تر نگاه کند.

قسمتی از نوار جلسه توکلی در خصوص بودجه

..... تاج‌گردون که تو مجلس بودن به نماینده مردم میگفت که برید بگید شرایط کشور نظامی نیست و جنگ نیست و بودجه سپاه را می‌خواهیم بیاریم پایین بعد نماینده میگفت که موح کاهش بودجه سپاه را راه می‌انداختیم میگفتم که کی اینو می‌خواد میگفت خود تاج‌گردون داره می‌گه و که اینجوریه بعد دقیقاً روزی که می‌خواد بررسی بودجه سپاه توی در واقع کمیسیون‌ها بشه اولین نفری که میاد و یکدفعه دفاع می‌کرده که آقا سپاه باید بودجه بگیره تاج‌گردونه و یه دفعه میشد سوگلی عزیز جعفری. چرا چونکه مثلاً یه دفعه نگاه می‌کرد و می‌دیدند همه نمانیده‌ها مخالف افزایش بودجه سپاه هستند و یه دفعه تاج‌گردون می‌گه که نه بودجه سپاه افزایش پیدا کنه. همین صحبتی که شما می‌کنید درباره آقای کدخدایی هم همینطوره یعنی از ابزارهاش فشار می‌زاره به افراد مختلف میان می‌گن که بودجه شورای نگهبان حالا که انتخاباتی نیست و سالهای عادی است و فلان و کم باشد و بعد تاج‌گردون با دوتا در واقع زبون ریختن عدد‌ها را حداقل فیکس نگه میداره و این از این. موضوعی که خود تاج‌گردون خودش سند مالی داره که بگه آقای تاج‌گردون اینقدر خورده است اصلاً اصلاً نه من حداقل این یک فولدره که تماشا هم پر از سنده ولی توی هیچ کدام از این‌ها من تاج‌گردون خورده است ندارم

به نظرم در این چالش هر دو طرف یعنی دولتی‌ها و مخالفان دولت با شما برخورد کردند. هر دو طرف می‌زنند. این طرف می‌زنند می‌گویند خیلی طرفدار دولتی، آن طرف می‌زنند می‌گویند از دولت حمایت نمی‌کنی. من یک نوار دارم از حلقه‌های منتقد برای رخصت‌حیتم که دوست دارم به آن پرداخته شود. دکتر توکلی می‌آید در اتاقش و عده‌ای از مخالفان من را جمع می‌کنند و می‌گویند چه دارید از تاج‌گردون. اولین کسی که در مورد من خیلی خبرها را جمع می‌کند و در رسانه‌ها می‌گذارد این فرد است که می‌گوید تاج‌گردون کدخدایی را خرید، این طور سپاه را خرید و الی آخر. بعد می‌گوید اینکه خودش مسئله مالی دارد و خورده و برده است؛ اصلاً و ابداً ندارد. دیگری می‌گوید شما اگر فکر می‌کنید که تاج‌گردون خلاف قانون کار می‌کند، اصلاً این طور نیست و او خلاف قانون کار نمی‌کند. فقط بلد است از قانون چگونه استفاده کند، این عیب است. مثلاً در مجلس می‌گوید تاج‌گردون شورای نگهبان را خریده است. یا شما برنامه لایو آقای امیرآبادی نماینده قم و عضو هیئت رئیسه مجلس با آقای رائفی‌پور را ببینید که چطور راحت به همه توهین می‌کنند. به نوعی می‌گویند من همه را خریده‌ام حتی حاج‌قاسم سلیمانی و بسیج را... به قاسم سلیمانی حال می‌داد، به بسیج حال می‌داد، جامعه این طوری نیست، یعنی به خاطر اینکه از تمام ابزارهای شان استفاده کنند، این کار را می‌کنند.

قسمتی از لایو امیرآبادی عضو هیئت رئیسه مجلس و آقای رائفی‌پور در خصوص آقای تاج‌گردون

رائفی‌پور: یک نکته به عنوان نکته پایانی اگر دوست داشتید صحبت بکنید به عنوان یک گفتگو دوستانه این که شما سال‌ها خاطرم هست که مجلس قبلی کمیسیون برنامه و بودجه بودین. آقای تاج‌گردون مجلس نهم کمیسیون برنامه و بودجه بودند؟؟ رئیس بودن؟؟

امیرآبادی: بله یکی دو سال از مجلس نهم بودند.

رائفی‌پور: این بحث‌ها که الان مطرح هست، اگر تمایل دارین راجبشون صحبت کنید.

امیرآبادی: میدونید که من و آقای تاج‌گردون شاید تنها نماینده‌هایی بودیم که هشت سال عضو کمیسیون تلفیق هم بودیم، یعنی همه عوض شدن ما دو نفر رأی می‌آوردیم چهار سال از کمیسیون شوراها رفته تلفیق از کمیسیون برنامه و بودجه هم چهار سال رفته تلفیق

رائفی‌پور: برای بینندگان یک توضیح میدین که کمیسیون تلفیق کارش چیه؟

امیرآبادی: کمیسیون تلفیق هر سال آذرماه برگزار تشکیل میشه و از هر کمیسیون ۳ نفر با رأی گیر عضو میشن و از کمیسیون برنامه و بودجه ۹ نفر می‌آیند اینا میشن کمیسیون تلفیق، بودجه ای که هر سال دولت لایحه میفرستن مجلس این کمیسیون رسیدگی می‌کند، گزارش تهیه می‌کند و می‌دهد به محن علنی این کار کمیسیون تلفیق سالی یک ماه است. کلاً کارش رسیدگی به بودجه سالانه است. هشت سال من کمیسیون تلفیق بودم ایشان هم بودند

رائفی‌پور: کمیسیون تلفیق جذاب هست دیگر؟

امیرآبادی: کمیسیون تلفیق، برای رفتن دعوا میشه، برای رفتن به اونجا رقابت‌ها شدید!!! همه چیز اونجاست

آقای تاج‌گردون داخل کمیسیون تلفیق معمولاً به همه حال میداد و تو این شکی نیست، به همه حال میداد، همه یعنی به همه دستگاه‌های اجرایی و غیر اجرایی حال میداد و کمکشون می‌کرد

رانفی پور: از منتهی الیه چپ تا راست
امیرآبادی: همه، همه رو ببشون کمک می کرد
 مثلاً خدا رحمت کنه مرحوم حاج قاسم سلیمانی (رضوان الله تعالی علیه) ازش راضی بودن تا دولت (باخنده) به همه بودجه میداد.
 یه بارم یادم هست آقای نقدی بهم زنگ زد و زمانی که فرمانده بسیج بود گفت که ما ۸۰۰ میلیارد تومن خیلی برامون کمه مشکل داریم ما سال آینده این برنامه ها را برای بسیج سازندگی و فرهنگی داریم بودجه کم داریم محرومیت زدایی داریم و این کمک رو میخوایم از شما ما به آقای تاج گردون گفتیم بسیج همچین چیزی درخواست داره کمک میخوان، گفت چقدر میخوان گفتیم سیصد میلیارد تومن، گفت باشد من اضافه میکنم و هشتصد میلیارد تومن را کرد هزار و صد میلیارد تومن ببین کمک به همه میکرد ایشون بخاطر همینکه همه هوشو دارن
رانفی پور: در علنی همه ساکت هستن وقتی رأی گیری میشه میبینی عجب!!! ایشون رأی آوردن
امیرآبادی: حالا رأی دوباره مخفی است ما در دستور چهارشنبه گذاشتیم، روز چهارشنبه اعتبارنامه در دستور کار مجلس هست و به صورت مخفی رأی گیری میشود و شفاف نیست.
رانفی پور: یک سؤال، این عرف مجلس اینطوری هست که اگر با شما تماس گرفتن باید راه بباین (باتوجه به گفته شما که به همه حال میداده) یا نه
امیرآبادی: نه مثلاً یک سال آقای نادران رئیس کمیسیون تلفیق ۹۵ بود خیلی حال نمی داد بخاطر همین سال بعد نداشتن رئیس بشه و با چهار رأی افتاد حال ندی اینطوریه!!!
رانفی پور: خب این حال دادنه که از جیب خود طرف نیست از جیب بیت المال است
امیرآبادی: خب از بیت المال به بیت المال میده.

یکی نیست بگوید آقای توکلی تو که این نشست را برگزار می کنی چطور می شود دو روز بعد صدایش در رادیو صدای آمریکا پخش می شود که عملاً می گویند تاج گردون به آقای جنتی رشوه داد. این صدا از کجا بلند شده است؛ از اینجا بلند شده است، از افرادی که کنار هم نشسته اند.

متن پخش شده از برنامه «صفحه آخر» بخش فارسی صدای آمریکا

حالا منابع موثق در ایران هم اسم و رسم یک رشوه گیرنده کلان در شورای نگهبان و یکی از رشوه دهندگان کلان را به ما اطلاع داده اند.
 آقای رضا بیگناه رئیس دفتر احمد جنتی دبیر شورای نگهبان که بیست ساله با جنتی داره کار می کنه. رضا بیگناه کسی است که در شورای نگهبان رشوه می گیره برای تأیید صلاحیت ها. یکی از کسانی که رضا بیگناه رشوه کلان ازشون گرفته آقای غلامرضا تاج گردون است که کلی گزارش از فساد مالی اش منتشر شده و دو دوره پشت سرهم نماینده مجلس شون بوده و حالا شورای نگهبان هم برای این دوره صلاحیتش را تأیید کرده است.

دلیلی ندارد که به هر روشی که قطعاً کارشناسی و فنی بوده است در مجلس نهم

شدم رئیس کمیسیون بودجه (که فکر می کردید حق خودتان یا کس دیگری است) همه چیز را به خاطر ضربه زدن به من به آتش بکشید. ایشان که اوج بداخلاقی را در لایو مربوط به صحبت آقای امیرآبادی و رائفی پور می بینید برای ضربه زدن به من شهید قاسم سلیمانی را تمسخر می کند. خیلی راحت حرف می زنند. مگر قاسم سلیمانی با سنگ می توانست اسرائیل را بزند، داعش را بزند، باید تقویت می شد دیگر. این همه آدم که می روند می جنگند باید پشتیبان داشته باشند. من قاسم سلیمانی را دو سه بار در سال می دیدم. بله خیالش راحت بود که پشتش را در مجلس خالی نمی کنیم. حالا این جرم من شده. می گویند بسط و قبض بودجه نیروهای مسلح. می خواستم چه کار کنم، می خواستم خودم بخورم. چگونه می توانم در قالب یک اعتراض به اعتبارنامه، یک زنجیره حرف (یعنی از پدر بزرگم شروع کنم و نکته های بعدی) را بگویم تا بیایم برجام را حل کنم. آقای زاکانی را حل کنم، توکلی را حل کنم، حوزه های دینی را حل کنم. به شرکتها هم می رسم، چقدر من می توانم به این مسائل پوچ بپردازم و بعد هیچ چیز را هم نتوانند ثابت کنند چون یک ذره آلودگی مالی که به من بچسبند را تاکنون نتوانسته اند اثبات کنند. بعد وقتی نمایندگان گفتند ما رفتیم با بسیج و سپاه صحبت کردیم گفتند هر تصمیم که خودتان خواستید بگیرید. این قدر فشار سیاسی و بی اخلاقی می کنند که مجبور می شوند در های وهوی مملکت این تصمیمات را بگیرند. مگر قرار بود بسیج و سپاه بیایند در صحن از من دفاع کنند؟ یعنی خودشان این قدر حرف بی ربط در این باره سر هم کردند که مجبور شدند آخر سر این حرف را بزنند.

سخنان زاکانی در محن که خدمت نیروهای مسلح رسید

اینکه می گویند نیروهای مسلح و سپاه و بسیج پشت سر تاج گردون هستند حرف دروغی است.
آقای سرلشگر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اینجا آمدند و گفتند اینکه همکار ما پیامک داده در حمایت از تاج گردون اشتباه بوده و به شدت با او برخورد کردیم.
آقای صالح معاون ایشان زنگ زدند و گفتند سرلشگر باقری گفتند ما تمکین به رأی مجلس می کنیم و کار آن شخص غلط بوده که آن پیامک را زد. پریروز جمعی از دوستان با سردار نقدی در سپاه جلسه داشتند و ایشان صریحا اعلام کردند سپاه هیچ جانبداری از ایشان ندارد.
جمعی از دوستان با مسئولان بسیج جلسه داشتند و ایشان هم تاکید بر همین موضوع داشت لذا شائبه اینکه کسی از ایشان حمایت کند غلط است. بله شهید سلیمانی به مراتب در زمان حیاتش مظلومیت داشت و در زمان شهادتش مظلومیت داشت و الان هم از ایشان سوء استفاده می کنند.

توثیق مالک شریعتی

**این قضیه تفنگ شکاری که چند عکس با آن دارید و شکار.**

من اصلاً اهل شکار نیستم و به هیچ جاننداری جز دوران جنگ تیر نزدم. البته این عکس با تفنگ و جریان مربوط به تفنگ هدیه دو موضوع جداست. این موضوع مربوط به سال ۹۷ است که یک تفنگ به من هدیه دادند و من از این موضوع نه در انتخابات و نه هیچ جای دیگری استفاده نکردم و هیچ‌جا به آن نپرداختم.



در ضمن اعتراض به اعتبارنامه مطلبی گفته شد که ناگزیر شدم این نامه را بیرون بدهم. در این متن که به صراحت آمده بود نوشته‌اند که تاج‌گردون اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد. در دنیا سمبل مبارزه با داعش و اسرائیل کی بوده؟ مگر غیر از شهید سلیمانی بود.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

در جریان حمله داعش به سوریه تاکنون نامی از داعش برزبان نیاورده است. و حتی در جریان حمله داعش به عراق، اسمی از عراق و داعش نیاورد. او معتقد است که داعش مل شما گروه تندرو مسلمان است و از اسلام غیر از این انتظاری نیست.

من هرگز بهره‌برداری سیاسی از ایشان نداشتم، من او را دوست داشتم و امید دارم او هم مرا دوست می‌داشت. اولویت یک در بودجه برای من همین بود که پشتش خالی نشود. شهید بزرگوار هدایای دیگری به من داده و حتی به پسرانم هم انگشتری یادگاری داده است. در جلسه‌ای گفتم کدام‌یک از شماها این را دارید، می‌گویند از قاسم سوءاستفاده کرده چرا در انتخابات از آن سوءاستفاده نکردم؟ قاعداً باید در شهرم و زمان انتخابات از آن استفاده می‌کردم. شهید قاسم را دوست داشتم و این تفنگ را به خانام با یک لوح فرستاده، چه سوءاستفاده‌ای از شهید شد؟ فقط می‌خواهم بگویم که این آدم می‌فهمید که کی علیه اسرائیل است. با این حجم فشار سیاسی روی من و این همه تخریب، من یک ذره محرمیت اطلاعاتی‌ام را کنار نگذاشته‌ام. الان شما سه ساعت است با من گفت‌وگو می‌کنید، یک چیزی که شما فکر کنید و در این زمینه قبلاً نمی‌دانستید من به شما نگفتم. می‌توانم حرفی بزنم که خوش‌تان بیاید، اما نمی‌گویم و آن محرمیت نظام را فاش نمی‌کنم. وقتی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه از من دفاع می‌کند، شورای نگهبان از من دفاع می‌کند، بعد آقای زاکانی می‌گوید این‌ها رفوزه و تجدید شدند. آقای زاکانی تو بهتر می‌دانی یا این همه نهادهای امنیتی مملکت. شورای نگهبان در ۲۰ سال همه زندگی مرا بررسی می‌کند، زندگی مرا شخم می‌زند، بعد شما می‌گویید تازه چیزی پیدا کرده‌ایم.

کلیپ زاکانی در خصوص رفوزه شدن نیروهای امنیتی

اعتبارنامه و رأی اعتبارنامه به خاطر این است که هر کسی به طریقی از مسیر های قانونی اومد و عبور کرد و نهایتاً به منزل مجلس رسید، در منزل مجلس یکبار دیگر بررسی بشه ببینن که این راه درست طی شد یا اعمال نظر صورت گرفته به اعتقاد ما در مسیر طی شده آقای تاج‌گردون اعمال نظر صورت گرفته و این را باید دستگاه های نظارتی پاسخگو باشند. شاید برخورد با فساد ظاهرش خیلی ساده باشد. اما وقتی شما فرمایش رهبر عزیزتر از جانمان را می‌شنوید که می‌فرمایند با فساد برخورد بشه (در سال هشتاد فرمودند) زمزمه‌ها، فریادها و نعره‌ها به هوا برخواهد خواست.

شما طی این ۱۹ سال نه زمزمه‌ای شنیدید نه نعره‌ای به گوش ما خورد یعنی با فساد برخورد درستی نشد و یکی از عوامل عدم برخورد درست با فساد دستگاه های امنیتی کشور یکیشون

رفوزه شد یکیشون تجدید شد.

اونی که رفوزه شد علت این بود که مسیر درست ارائه گزارش را طی نکرد و گزارش درست نداد، دیگری که تجدید شد علتش این بود که ابتدا گزارش درست داد و وقتی این گزارش به دست ما رسید و ما براساس او بررسی کردیم بعدا اومد در کمیسیون تحقیق به صورت کلی برخورد کرد و فرافکنی کرد اگر میرسید به چیزی که گزارش میدید چرا جواب ندارید از گزارش خودتون دفاع کنید.

خودتان هم می‌دانید اگر چیزی داشتید سراغ پدر و پدربزرگ و مادر و فامیل پدری و مادری من نمی‌رفتید. این‌ها شخم زدند و دیدند که من نخوردم، ندیدیم، سوءاستفاده نکردم، شفاف زندگی کرده‌ام، قایمکی کاری نکردم. زندگی من همین است. البته هر انسانی وضعی دارد، بعد تو بگویی آقای تاج‌گردون هیچ اتهامی را نمی‌پذیرد. چیزی باید باشد که بپذیرم. می‌گوید این ضعفش است، حُب بگویم این شرکت‌ها مال خودم است یا بگویم با قاسم سلیمانی کاری کردم یا بگویم پدربزرگم کسی را کشته یا بگویم مادرم منافق است، بگویم زمین‌خواری کردم یا بگویم چه کار کردم، کدام‌شان را بپذیرم؟ نهایت هدیه دریافتی من یک تفنگ از سردار سلیمانی است. طرف می‌آید معامله می‌کند، هدیه یک برج می‌گیرد، هدیه ویلا در شمال می‌گیرد، هدیه یک آپارتمان فلان جا می‌گیرد، هدیه هزار سکه طلا می‌گیرد؛ هدیه من یک تفنگ است که بیشتر بار معنوی دارد. اگر می‌توانستید پیدا کنید که تاج‌گردون از یک مفسد اقتصادی یک هدیه گرفته و خورده آن وقت می‌توانی بقیه اتهامات را مطرح کنی.

الان هم خیلی باب است، خیلی شخصیت‌ها هستند که هدیه می‌دهند و هدیه می‌گیرند. من از خیلی از شخصیت‌ها هدیه دارم. معنویت هدیه مهم است نه مادیتش. شما فکر کنید تفنگ در زندگی من چه نقشی می‌تواند داشته باشد، هیچی. من تا عمر دارم به بچه‌ام می‌گویم که من از یک سردار عزیز مملکت یک هدیه گرفتم که در طاقچه خانه‌ام از آن نگهداری می‌کنم، یا این انگشتر را قاسم به من داده است، یا این تسبیح را فلانی و این چفیه را بهمانی به من داده است که اینجا گذاشتمش. این‌ها بار معنوی‌اش زیاد است. بار مادی که ندارد، همه این‌ها را جمع کنی چند میلیون تومان می‌شود؟ نهایت صد میلیون تومان می‌شود که الان قیمت یک پراید است. حالا تاج‌گردون می‌خواست مفسده داشته باشد با یک واردکننده خودرو وارد گفت‌وگو می‌شد یا وامی برای یکی جور می‌کرد یا فلان‌جا فلان پنت‌هاوس را می‌گرفت. مگر این‌هایی که این روزها محاکمه می‌کنند از دوستان ما بودند؟ از آنان که همه دوستان گرمابه‌وگلستان آقایان هم‌طیف‌شان بودند. جالب اینجاست که در فضای مجازی تلاش دارند ایشان را به ما بچسبانند! آن روزهایی که این‌ها برای شما نوکری می‌کردند فکر این روزها را هم باید می‌کردید. چه آنانی که شب‌ها تلویزیون نشان‌شان می‌دهد و چه آن کسانی که دادگاه داشته‌اند ولی هنوز نشانش نداده‌اید.

مصحبت های زاکانی در محن در خصوص اعتراض به اعتبارنامه

- در تاریخ ۹۷/۰۱/۲۹ رهبری عزیز به همکاران وزارت اطلاعات فرمودند: فردی که در جمهوری اسلامی می خواهد امانت دار مردم باشد باید صلاحیت داشته باشد لذا کوچکترین تردید مورد صلاحیت افراد باید منعکس شود و دستگاه ها نیز مکلف به رعایت موضوع بر اساس نظر وزارت اطلاعات می باشند؛
- ما دو سند رسمی از وزارت باطلاعات یکی در سال ۸۶ و دیگری ۹۸/۰۹/۲۴ داریم که در مورد ایشان (تاج گردون) نظر داده است.
- ۱. سال ۱۳۸۶ وزارت اطلاعات رسماً نوشته است: « در اعتراض به اقدامات شورای نگهبان از مسئولیت خود استعفا نموده است.»
- آقای تاج گردون یک عیبی که دارد هیچ چیز را قبول ندارد و همه را رد می کند و می گوید حتی اگر یک کلمه را قبول کنم شما به استناد همان یک حرف من را رد می کنید.
- ۲. سند دوم در تاریخ ۹۸/۰۲/۲۴ از وزارت اطلاعات
- استعفا از پست معاونت سازمان برنامه و بودجه در جریان مجلس ششم و شرکت در تحمّن
- حمایت از جریان سران فتنه و خانواده آنان و عضو کمیته رفع حصر
- تذکر کتبی به رئیس جمهور در مورد اعمال محدودیت های جدید برای خاتمی
- با استفاده از موقعیت خود به طور گسترده در انتصابات، اشتغال، مرتبین خود را بر ادارات کل استان مسلط کرده و برای نهاد های مربوطه مشکل ایجاد کرده است.
- مرتبین آقای تاج گردون با حمایت از ایشان اقدام به سوء استفاده از موقعیت نماینده کرده اند البته این مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد نیست. در فارس، بوشهر، لرستان و جاهای مختلف این کار را کرده است.
- ارتباط آقای تاج گردون و منصوبین با خانواده های ضد انقلاب و معدومین و منافقین بخصوص در زمان انتخابات قابل توجه است.



۱ سال ۸۲ و تحصن و عکسی که شما دارید، در بحث مجلس جا ماند. این‌ها چیست؟

من باید بپذیرم که اصلاح‌طلب هستم و البته عضو هیچ حزبی هم نیستم. هیچ حزبی هم ندارم، حالا ضعفم است یا قوتم، نمی‌دانم اما فعلاً نشان می‌دهد ضعف من است. سال ۸۲ من معاون امور مجلس سازمان برنامه بودم، مجلس ششم و با آن حجم ردصلاحیت‌های گسترده. اکثر اصلاح‌طلب‌ها ردصلاحیت شدند و تحصن کردند، تحصن آن‌ها به خاطر آن موضوع نبود. به خاطر چیز دیگری تحصن کردند، بعدش ردصلاحیت شدند. هر روز بعد از ظهر در کف مجلس می‌نشستند و سخنرانی داشتند. هم‌زمان ما هم کمیسیون تلفیق داشتیم و بودجه را بررسی می‌کردیم. هر روز می‌نشستیم آنجا و عکسی گرفته‌اند که من هم هستم. سال ۸۶ که می‌خواستم بیایم مجلس، همین بحث مطرح شد و اینکه آن زمان من هم استعفا دادم. گفتم آقا اگر یک برگه آوردید که استعفا داده‌ام، حرفی ندارم و می‌پذیرم. آقای ستاری‌فر رئیس سازمان برنامه گفت این کار را نکنید، موضوعیت ندارد. شنیدم خود آقای خاتمی هم گفتند که استعفای دسته‌جمعی درست نیست. فرض کنید استعفا و عکس هم درست باشد، من ۱۵-۱۰ سال در این سیستم کار کردم و خودم را نشان داده‌ام یعنی چه که این حرف را می‌زنید. از فساد و مفسده شروع کردید تا رسیدید به این استعفا. تحصن و عکس. این تحصن هیچ ربطی به من نداشت. اصلاح‌طلب هستم اما استعفا نادم. اگر شما یک برگه آوردید. یقین دارم اگر تمام نهادهای امنیتی و دولتی سر هم بچرخند، اگر برگه‌ای مبنی بر استعفای من بود گردنم را بزنند. می‌گویند وزارت اطلاعات نوشته، مگر اطلاعات هر حرفی زد درست نوشته. اگر این‌طور است حرف‌هایی که در مورد آقای زاکانی هم نوشته درست است.

گفتم دلیل دارم که اطلاعات مدرک ندارد. چند نفر از معاونان سازمان برنامه و بودجه یک متن را امضا کردند استعفا دادند و آقای ستاری‌فر گفتند این کار درست نیست و سازمان نباید در کار سیاسی دخالت کند. برگه را به من دادند و خودم برگه را پاره کردم و انداختم دور. یعنی مطمئن هستم، شورای نگهبان از همان دور هشتم که این صحبت من را شنید و خلافش را ندید حرفم را پذیرفت. هر سال گزارش را می‌دهند به شورای نگهبان و شورای نگهبان آن را رد می‌کند. حالا آقای زاکانی چه کاره است در این مملکت، آقای نجابت چه کاره است در این مملکت. قدرت مافوق قانون اساسی در این مملکت هستند؟

آیا هر کس به خاطر اینکه امروز رأی اکثریت مجلس را دارد به هر دلیل - که دلیل اصلی‌اش عدم شرکت مردم در انتخابات است - حق دارد که رأی اکثریت مردم را نادیده بگیرد؟ آیا یک نماینده‌ای با رأی ۵-۴ درصدی مردم تهران حق دارد سرنوشت یک نماینده که با رأی بالای ۵۰ درصد در مجلس حضور دارد را تغییر دهد؟

در مجموعه‌هایی که شما مسئولیت بودجه داشتید، آیا با توجه به پیشینه اصلاح‌طلبی در تأمین مالی اصلاح‌طلبان برای فرایندهای مختلف نقش داشتید؟ اصلاح‌طلبان کجا هستند که بخواهیم تأمین مالی‌شان کنیم.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

در این دو دوره بالابگیری و نفوذ در افراد و سازمان ها، نهادهای علاوه بر کسب سرمایه ای ناشمردنی و حذف نیروهای انقلابی توانست با سوء استفاده از ریاست کمیسیون برنامه و بودجه به اهداف اصلاح طلبان و غرب برسد. او اصلاح طلب است و بیشتر لیبرال منش. در تمام اغتشاشات شهرستانی از جمله اغتشاش گچساران و یاسوج شرکت داشت و هدایت اغتشاش گران را در گچساران برعهده داشت.

بحث الان نیست. در دوره‌های مختلف؟

نه. در دوره‌هایی که من در مجلس هستم، اصلاح‌طلبان که محلی از اعراب ندارند. الان هم جایی نیستند که تأمین مالی شوند، قبل که دولت احمدی‌نژاد بود و حالا هم دولت روحانی. بی‌د می‌دانم چنین چیزی در مورد من زده باشند که بخواهم من اصلاح‌طلبان را تأمین مالی کنم.

حالا تأمین مالی را من این‌طور برآورد کردم که اینجا می‌گویند خودش اصلاح‌طلب است و حتماً آن‌ها را تأمین مالی می‌کند در بحث حوزه‌های سیاسی.

در ردصلاحیت من شما یک اصلاح‌طلب را دیدید که به نفع من موضع بگیرد؟

نه؛ البته آقای پزشکیان که مورد وثوق دو جناح است.

یعنی حتی اصلاح‌طلب‌ها هم فکر می‌کردند که نکند مسئله‌ای دارد که دارند در موردش می‌گویند. گفتم از من دفاع نکنید، من مسئله پاکدستی‌ام را خودم اثبات می‌کنم. اگر من اصلاح‌طلبان را تأمین مالی کرده بودم پدر مرا درآورده بودند. بله من در بودجه حواسم هست. ردیف‌های فرهنگی بود در قالب جدول ۱۷ که از زمان احمدی‌نژاد شروع کردند به این و آن می‌دادند. ۸۰-۹۰ تا ردیف بود که همه را حذف کردیم، در آن هم اصلاح‌طلب بود و هم اصولگرا. در آن آقای هادی خامنه‌ای بود، همین‌طور محمد خامنه‌ای، آیت‌الله جوادی، مؤسسه دارآباد، پژوهشکده فلانی و مکتب‌الاسلام بهمانی و الی آخر. تمام این‌ها بودند و سهم می‌گرفتند. من همه را پاک کردم و الان در بودجه از این‌ها خبری نیست. مثلاً آقای زاکانی در سال ۸۴ و در زمان احمدی‌نژاد مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای مجله پنجره پول گرفت و برد و خورد. در همان زمان شاید یک اصلاح‌طلب هم گرفته باشد. اگر تاج‌گردون خودش گرفته بگوید. زمان من یواش‌یواش این‌ها را حذف کردم. آیا کار ساده‌ای است حذف این‌ها از بودجه؟ این همه علما و فضلا... هر کدام این‌ها یک ردیف داشتند و باید همه را حذف می‌کردم. یادم هست یک روز حضرت آیت‌الله جنتی به من گفت آقای تاج‌گردون فلانی ردیف دارد؟ گفتم بله ردیف دارد. باز پرسید فلانی هم ردیف دارد، گفتم بله او هم ردیف دارد. گفتم بله حاج آقا همه دارند غیر از خودت! گفت این‌ها را پاک کن. من هم همه را به مرور پاک کردم که انجامش کار ساده‌ای نبود. شاید هم عملکردشان برای مملکت خوب

بود، اما از بودجه صرف می‌شد. ۹۰-۸۰ نفر و پژوهشکده بودند که کم‌کم حذف‌شان کردیم که همه‌جور جنس در آن پیدا می‌شد: اصلاح‌طلب و اصولگرا، آخوند و غیر آخوند، پاسدار و غیر پاسدار و... تمام ارقام این‌ها را جمع کنیم، ۱۰ برابر بودجه کل استان کهگیلویه و بویراحمد است. آقایانی که اعتراض می‌کنید گجساران اضافه پول گرفت این‌ها حق مردم مظلومی بود که در استان سیستان و بلوچستان کار می‌کنند، حالا یادتان رفته که می‌خوردید. نشستید دولتی با هم خوردید در مؤسسه تان و کسی چیزی نگفت. کتابخانه‌ای که در آن نشسته‌اید از همین پول‌هاست، دفتر آقای فلانی از همین پول‌هاست. تاج‌گردون از این مؤسسات دارد؟ یک روز دکتر توکلی می‌خواست بعد از یک برنامه تلویزیونی مرا تا خانه برساند. گفتم خانه من جردن است، گفت جردن می‌نشینی؟ گفتم من وقتی بیست سالم بود قطعه زمینی را فروختم و یک آپارتمان در تهران خریدم. گفتم حواست باشد بعد نگوئی از کجا خریده‌ای و از کجا آورده‌ای. حالا سؤال من این است که تو از کجا آوردی؟ آن مدرسه، آن ویلا و... یک روز در جلسه‌ای به او گفتم آقای توکلی شما به من می‌گویید رانت‌خوارم؛ ارث پدرم رانت‌خواری بود، خودم هم ۳۰ سال است رانت‌خواری می‌کنم. گفتم کل اموال من و بچه‌هایم مال تو، نصف مال را بده به من. گفتم تو وزیر بودی که با موتور گازی به وزار تخانه می‌آمدی و من عشق می‌کردم که تو انقلابی بودی و با موتور گازی می‌آمدی، الان من رانت‌خوار، تو موتورگازی سوار، نصف مال تو مال من. مال من کلاً مال تو. گفتم تو از کجا آوردی؟ کجا و به وسیله چه رانتی درس خواندی؟ من هم در همان دانشگاه بودم با این تفاوت که تو با رانت در دانشگاه شهید بهشتی لیسانس گرفتی و من با کنکور و بدون سهمیه در همان دانشگاه لیسانس و فوق لیسانس گرفتم. و از همان دانشگاه بدون فوق لیسانس رفتی انگلستان درس خواندی و هفت فرزندت را هم به آنجا بردی. من از دانشگاه شهید بهشتی رفتم یاسوج خدمت کردم. رفتن من از تهران به یاسوج می‌شود رانت و رفتن شما از تهران به لندن با کل اهل و عیالت می‌شود خدمت به نظام! من از جبهه و جنگ می‌آیم دانشگاه، اما شما از کجا آمدی دانشگاه؟

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

ایشان مدعیست که از موسسه گلوبال بیزینس بلژیک دارای مدرک دکترا است ولی وقتی خرداد امسال (سال ۹۸) نمی‌تواند وزیر علوم را قانع کند تا در مورد استعلام مدرک او سکوت کند، دست به دامن نیاوندیان می‌شود و از او می‌خواهد طی نامه‌ای او را بعنوان دانشجوی دکترای پژوهش محور موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی که یک موسسه پژوهشی است و نه دانشگاه، بپذیرد.

- دوباره غلامی، وزیر علوم جلوی این خواسته ایستاده و تاکید می‌کند طبق بخشنامه رسمی وزارت علوم، این موسسه اقتصادی زیر نظر نیاوندیان اصلاً حق پذیرفتن دانشجو را ندارد و لذا دانشجوی دکترا شدن تاج‌گردون منتفی است.

سابقه فریبکاری تاج‌گردون در ده سال گذشته؛ تاج‌گردون مدعی شده دارای مدرک علوم اقتصادی

از دانشگاه شهیدبهبشتی ۱۳۶۳، فوق لیسانس برنامه ریزی سیستم های اقتصادی از دانشگاه شهیدبهبشتی ۱۳۷۰ و دکترای مدیریت اقتصادی از موسسه گلوبال بیزنس بلژیک. در تصاویر می توانید ادعاهای تاج گردون و مانورش روی دکترای داشتن از بلژیک آن هم با رساله ای به دو زبان انگلیسی و فارسی را ببینید! در گفتگو با مطبوعات می گوید:

برای تکمیل تحصیلاتم در مقطع دکترای در رشته مدیریت اقتصادی در دانشگاه گلوبال بیزنس آکادمی بلژیک و به صورت تدریجی ادامه تحصیل داده و با ارائه رساله دکتری تحت عنوان " بودجه ریزی غیر متمرکز در کشورهای غیر فدرال - الگوی ایرانی" در سال ۲۰۰۸ موفق به اخذ مدرک دکترای شدم و رساله خود را به دو شکل فارسی و انگلیسی به چاپ رساندم.

- وقتی داستان جعلی بودن مدرک دکترایش در داخل مجلس عیان می شود برای رزومه کاری در سایت مرکز پژوهش های مجلس، سایت مجلس و سایت موسسه نیاوران هر بار یک ادعایی مطرح می کند!

یکی از بحث‌هایی که در موضوع اعتراض به اعتبارنامه مطرح شد موضوع مدرک تحصیلی دکتری شما بود. می‌شود به این موضوع بپردازید و توضیح کاملی بدهید؟

بله. بعد از اینکه مسئولیتی در سازمان برنامه نداشتیم و البته پرنجب‌وجوش و فعال بودم، تمایل داشتم دوره تحصیلات تکمیلی را بگذرانم و البته در آن مقطع زمانی هم خیلی به فکر تحصیل در برخی از دانشگاه‌های داخلی نبودم. چند تن از دوستان بودند که گفتند از طریق مؤسساتی در خارج از کشور به شکل Resaearch بحث دکتری را می‌شود انجام داد و مؤسساتی را در بلژیک به من معرفی کردند. فکر می‌کنم در سال ۲۰۰۶ بود که شروع کردم. باید موضوع تحقیقی ارائه می‌کردیم تا بر اساس موضوع ما را پذیرش کنند. موضوعی که من انتخاب کردم موضوع جذابی بود. در واقع در عمده مراکز علمی اروپا مقطع دکتری بر پایه تحقیق بود و خوب موضوع من هم جذاب بود.

موضوع چه بود؟

«بودجه‌ریزی غیرمتمرکز در کشورهای غیرفدرال؛ الگوی ایران».

و بعد چه شد؟

خب، من این موضوع را دادم و مورد پذیرش واقع شد. بقیه مراحل هم طی شد. در واقع استاد واسطه‌ای در ایران بود و با استاد راهنمایی که داشتم مرحله به مرحله کار را انجام می‌دادم و ارائه می‌کردم. موضوع رفت و برگشت و اصلاحات انجام می‌شد. چند باری هم خودم رفت و آمد داشتم و در نهایت به جلسه دفاع رسید و بار آخر شش هفته روز آنجا بودیم و جلسه دفاع برگزار شد. همان روز اعلام کردند که استادان پذیرفته‌اند و تأییدیه را اعلام کردند و بعد از مدتی هم

مدرک دکتری را برایم فرستادند. در همان اواخر بود که وزارت علوم این مرکز و مؤسسه را به عنوان لیست مورد تأیید قبول نکرد. البته خیلی از دانشگاه‌های خارج از کشور هستند که وزارت علوم کشورمان آن‌ها را قبول دارد؛ مثلاً دکتری دانشگاه آزاد گجساران را قبول دارد ولی دکتری دانشگاه بلژیک که من خواندم را قبول ندارد. ایران نپذیرفت و من هم حرفی نداشتم که مثلاً بگویم بپذیرد یا نپذیرد. من کارم را انجام می‌دادم و نیازی به این مدرک نداشتم. پایان‌نامه‌م هم به انگلیسی و هم به فارسی به صورت کتاب چاپ شد. تاریخ پایان‌نامه دکترایم سال ۲۰۰۸ بود. خودم رعایت می‌کردم و هر جا که لازم بود می‌نوشتیم مدرک: فوق‌لیسانس. یعنی دوست نداشتم بنویسم دکتر. مثلاً در پوستره‌هایم اصلاً مدرک نمی‌زدند و فقط می‌نوشتند: غلامرضا تاج‌گردون. بعد از این هم از مدرکم نه در دانشگاه و نه در جای دیگر استفاده نکردم و نه با مدرک دکتری کاری انجام دادم. فقط می‌گفتند چرا به تو می‌گویند آقای دکتر! باید بگویم من دکتر هستم اما دکتری من مورد تأیید وزارت نیست. خوب این یک حرفی بود که کمی طرح آن مسخره بود. بعد گفتند اصلاً این مؤسسه وجود ندارد. بعد از مدتی گفتند که تاج‌گردون اصلاً نرفته به بلژیک. من مجبور شدم روز آخر بررسی اعتبارنامه، فیلم جلسه دفاعم را نشان بدهم و بگویم این فیلم دفاع من هست که دارم به زبان انگلیسی صحبت می‌کنم، این‌ها هم اساتیدم هستند و این عکس و مدرکش، پذیرشم و نامه سفارت بلژیک، این هم ورودیم هست و این هم ریز پرداختی من. خیلی جالب است دیده‌بان شفافیت نامه نوشتند به دادگاه که وقتی به ایشان در تلویزیون گفتند دکتر، تاج‌گردون تکذیب نکرد!

نامه توکلی به دادگاه در خصوص مدرک تحصیلی

استفاده غیرمجاز از عنوان علمی «دکتر» در تبلیغات عمومی

بر اساس قانون «مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» مصوب ۱۶/۱۲/۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی، استفاده از عناوین علمی نظیر دکتر، منوط به داشتن مدرک معترف از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی یا خارجی است. این مراکز باید به تأیید وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده باشد. بنابراین اگر کسی ادعا کند که دارای مدرکی تحت عناوین فوق هست، اما دانشگاه یا مؤسسه ای که مدرک وی را صادر کرده است مورد تأیید وزارتخانه های فوق الذکر نباشد، مشمول عنوان «استفاده غیرمجاز از عنوان علمی» شده است. مرتکب به مجازات مقرر در ماده (۵۵۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی محکوم میشود. مجازات مقرر در ماده فوق عبارت است از: «حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال»

همچنین در تبصره قانون استفاده غیرمجاز از عناوین علمی، استفاده را نیز تعریف کرده است. بر اساس این تبصره، «استفاده در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند راديو، تلویزیون، روزنامه، مجله، تارنما (سایت) یا نقل در مجامع و یا انتشار اوراق چاپی یا خطی» مشمول عنوان استفاده غیرمجاز خواهد بود.

آقای غلامرضا تاجگردون در موارد مختلفی که اقدام به معرفی خود کرده است، از جمله در تبلیغات انتخاباتی، از عنوان دکتر استفاده کرده و عنوان کرده است که دکتری خود را از «دانشگاه گلریاب بیزینس بلژیک» دریافت کرده است. بر اساس اعلامیه سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورخ ۷/۱۲/۱۳۹۷ قابل مشاهده در آدرس <http://gradsa.org.ir>، کلیه مدارک صادره از دانشگاه Global Business Academy غیرقابل بررسی و ارزشیابی است.

اهم مواردی که آقای تاجگردون از عنوان غیرمجاز «دکتر» برای خود استفاده کرده است به شرح زیر است.

صفحه اختصاصی معرفی نماینده در سایت مجلس شورای اسلامی مربوط به دوره نهم به آدرس:

<https://www.parliran.ir/majles/fa/Content/representatives/۶۴۲۷/DA/BA/۷D/۸۴/DA/AY/۷D/۹۸/DA/۷B/۷D/DA/B7/DA/AY/>

نامه توکلی به دادگاه در خصوص مدرک تحصیلی

6/10/2020

جهان نيوز - اعلام جرم خود بران شایسته علیه تاجگردون - نسخه قابل چاپ

<http://www.jahannews.com/news/730071/print/>

در این صفحه، تحصیلات آقای تاجگردون، «دکترای تخصصی» عنوان شده است.

صفحه معرفی اعضای هیأت امنای پژوهشکده «محیط زیست و توسعه پایدار» به آدرس:

<http://rcesd.ac.ir/fa/page/1/1/DA/AY/DB/AC/DA/AY/DA/AA-/DA/AY/DA/AA/DA/AY/DA/AY>

در این صفحه نیز، از عنوان «دکتر» برای معرفی آقای تاجگردون استفاده شده است.

صفحه معرفی اعضای هیأت امنای «دانشگاه یاسوج» به آدرس:

<http://yu.ac.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=4121>

در این صفحه نیز، از عنوان «دکتر» برای معرفی آقای تاجگردون استفاده شده است.

برنامه «گفت و گوی ویژه خبری» بخش خبری ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه، که به صورت زنده در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ شبکه دو سیما پخش شده است و در این برنامه از عنوان «دکتر» برای معرفی آقای تاجگردون توسط مجری استفاده میشود و آقای تاجگردون هیچ واکنش انکاری نسبت به این موضوع ندارد. فیلم این گفت و گو در آدرس <https://www.telewebion.com/episode/189966> قابل مشاهده است.

همچنین در بنرها، پوسترها و تراکتها و سایتهای تبلیغاتی که در زمان تبلیغات انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، تبلیغ آقای تاجگردون با استفاده از عنوان «دکتر» صورت گرفته است.

بنابراین با توجه به مستندات فوق، آقای غلامرضا تاجگردون، به اتهام «استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» به استناد قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی قابل تعقیب و مجازات میباشد.

در خصوص دانشگاه گلپایگان بیزنس (Global Business Academy) این نکته قابل تأمل است که صرفاً موسسه‌ای است که دوره های کوتاه مدت برای آسیا (بیشتر هند) و برای دانش آموزان به خصوص دوره اول متوسطه و نونهالان برگزار می‌کند.

۱۱. ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبضی و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار یا اجرت یا بی‌اجرت، به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور، مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء، نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱۲. نامه اما علی (ع) به مالک اشتر

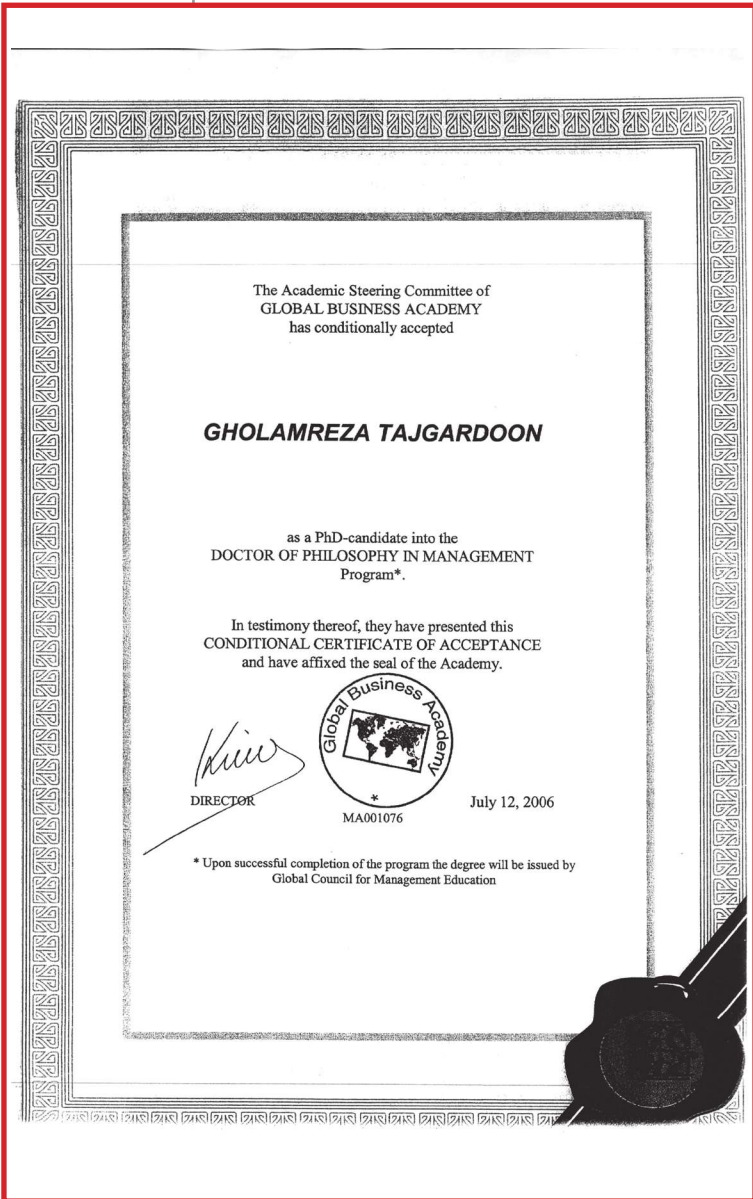
۱۳. مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۵۱ مجلس شورای ملی

۱۴. مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و ۸/۱۲/۱۳۸۰ شورای نگهبان

کد مطلب: ۷۲۰۰۷۱

آدرس مطلب: <http://www.jahannews.com/news/730071/> - اعلام جرم خود بران شایسته علیه تاجگردون

جهان نيوز <http://www.jahannews.com>





Global Business Academy

*

PhD Research Project: PROVIDING A SUITABLE PATTERN FOR
DECENTRALIZED BUDGETING IN NON-FEDERALIZED
COUNTRIES "IRAN'S PATTERN"

- * PhD Student: CHIDLAMRIZA TAJGARDOON
 Student ID: MA005078
 Supervisor: PROFESSOR DR. MOHAMMED AHANCHI
 Start Program: July 12, 2006
 End Program*: July 11, 2008
 Tuition Fee: US Dollars 4000 payable as follows:
 US Dollars 1000 by receiving acceptance letter
 US Dollars 1500 by finishing 3 chapters
 US Dollars 1500 before defending

Via:
GLOBAL BUSINESS ACADEMY /
GLOBAL COUNCIL FOR MANAGEMENT EDUCATION

Debit Lloyd Bank: Account number: 646 5070001 62
 IBAN: DE64 6465 0750 0102
 BIC: BMA33333

* In case the doctoral student cannot successfully complete the doctoral program within 24 months from the date of conditional acceptance (July 12, 2006), in order to complete the doctoral degree program, the student is required to re-enroll at half the tuition fee (U.S. Dollars 2000).

IN ORDER TO COMPLETE YOUR FILE WE LOOK FORWARD TO RECEIVING THE FOLLOWING DOCUMENTS WITHOUT DELAY:

1. CERTIFIED PHOTOCOPY OF YOUR PASSPORT AND/OR IDENTITY CARD
2. CERTIFIED PHOTOCOPIES OF YOUR DIPLOMAS EARNED TO DATE
3. YOUR CV
4. TWO LETTERS OF RECOMMENDATION





Global Business Academy

December 15, 2007

**Stage 2: ACCEPTANCE OF LITERATURE REVIEW
AND ADMITTANCE TO DO FIELD RESEARCH**

PhD Research Project: A DESIRABLE MODEL FOR NON-CENTRALIZED
BUDGETING IN NON-FEDERAL COUNTRIES - THE CASE
OF IRAN.

PhD Student: GHOLAMREZA TAJGARDIJOON


Supervision: PROFESSOR DR. MOHAMMED ABLANCHII

Tuition Fee Stage 2: US Dollars 1500/00, payable via bank transfer to:

GLOBAL COUNCIL FOR MANAGEMENT EDUCATION
Delta Lloyd Bank 646 5075951 52
IBAN: BE64 6465 0759 5152
BIC: BNAGBEBB



10 JUN 2008 16:18 KNC BELGIUM BVBR 3214545053 # 5


Global Business Academy

Lunkdal, June 18, 2008

To the Belgian Embassy in Tehran, Iran

To Whom It May Concern:


Dear Sir, Madam,


By this letter, Global Business Academy confirms that we have invited Mr. Ghofran Reza TAJGARDOON, nationality Iranian, born on September 13, 1966 in Gachsaran to present his doctoral dissertation to our faculty members and to address our graduate students. The meetings are scheduled to take place between July 14 and July 23.


PERSONAL DATA
 NAME: Ghofran Reza
 SURNAME: Tajgaroon
 PASSPORT N°: L03999
 PASSPORT VALIDITY EXPIRES: 04/03/2009
 DATE OF BIRTH: 13/09/1966
 PLACE OF BIRTH: Gachsaran
 NATIONALITY: Iranian

We hope you can consider our invitation favourably. In case you need additional information, please do not hesitate to contact us.

Yours sincerely,


 Freddy Kintchelis
 Director



www.ubs.org  www.gba-edu.com



استاد مرتبط با مدرک تحصیلی



GLOBAL BUSINESS ACADEMY
PHD RESEARCH PROJECT

A DESIRABLE MODEL FOR NON-CENTRALIZED
BUDGETING IN NON-FEDERAL COUNTRIES

THE CASE OF IRAN

BY , GHOLAMREZA TAJGARDŌŌN

ADVISOR , PROF. MOHAMMAD AHANCI

**GLOBAL BUSINESS ACADEMY
PHD RESEARCH PROJECT**

**A Desirable Model for Non-centralized
Budgeting in Non-federal Countries-**

The Case of Iran

By :gholamreza tajgardoon

Advisor:prof.mohammad ahanchi

گفتند شما باید می گفتید که من دکتر نیستم یعنی دکتر هستم ولی دکتر مورد تأیید اینجا نیستم. چه ربطی دارد که بگویم یا نه. اگر من از این مدرک استفاده کردم یا سوءاستفاده کردم یا استفاده مالی کردم می توانید از این مدرک ایراد بگیرید. خلاصه کل موضوع مدرک دکترای ما این بود که مرحله به مرحله توضیح دادم. نهایتش این بود که در برنامه تلویزیونی به من گفتند آقای دکتر که من چیزی نگفتم. آقایان معترض به شورای نگهبان مراجعه کرده بودند و بهشان گفته اند موضوع مهم چه دارید در مورد آقای تاج گردون؟ گفتند در خصوص مدرک تحصیلی ایشان است که آن ها می گویند تاج گردون با مدرک لیسانس هم می تواند نماینده شود و ایشان هم هیچ گاه از ما چنین درخواستی نداشته است. مثل اینکه به حجت الاسلام فلانی بگویم حضرت آیت الله و تو باید بگویی من آیت الله نیستم. بعد اعتراض کنیم که تو چرا نگفتی من آیت الله نیستم! بعد از چند وقت یکی از این منتقدان که رفته بود شهرستان ما، در جلسه به معترضان می گوید گچساران که می روید کسی در مورد تاج گردون نمی گوید مدرکش چی هست؟ همین که می گویند آقای تاج گردون می گویند حاج غلامرضا. مردم کاری ندارند که من دیپلم باشم یا دکتر داشته باشم یا فوق لیسانس. فقط به من می گویند حاج غلام که دیگر بیشتر از این چیزی ندارم. خلاصه داستان مدرک ما این بود. دوستان معترض فکر نمی کردند که من این مراحل را طی کرده باشم و مجبور شدند که کل مدارک از مرحله پذیرش، پرداخت و تز، کتاب و همه این ها را بررسی کنند.

ا بحثی کردید که به نظر من جالب است که در موردش صحبت کنیم و آن هم داستانی که گفتید من خانه جردن را در ۲۰ سالگی خریدم. واقعاً شما در ۲۰ سالگی در تهران خانه خریدید؟

جردن نه. زمان دانشگاه و حدود سال های ۶۸-۶۷ یک آپارتمان در خیابان وزرا کنار پارک ساعی خریدم که همزمان بود با ازدواجم. بعد سال ۷۸ یا ۷۹ قبل از اینکه از فارس به تهران منتقل شوم و معاون سازمان برنامه باشم یک آپارتمان در جردن خریدم. یعنی در زمان دانشجویی من در تهران آپارتمان داشتم. یک هکتار زمین فروختم و در خیابان وزرا که در آن زمان یکی از بهترین مکان ها بود یک آپارتمان نقلی خریدم.

ا بحث شما این بود که اموال من از ارث پدری بود و در زمان نمایندگی مجلس خودتان مال اندوزی خاصی نداشتید. درباره ثروت خودتان صحبت کنید.

من کلاً آدم متمولی نیستم که برخی می گویند. حسن یا عیب موضوع این بود که من اموال و دارایی هایم را رسماً توضیح دادم. در مورد منزل هم گفتم که قبلاً یک بار با آقای توکلی در یک برنامه تلویزیونی بودیم و ایشان بعد از برنامه من را رساند. ایشان یک آدم بدبین و مشکوک بودند و به همه چیز شک می کردند. بهشان گفتم آقای توکلی خانه من اینجاست و من چون می دانم الان در ذهن شما چه می گذرد داستان خانه خریدن را برایش تعریف کردم. اتفاقاً پارسال که بحث صلاحیت بود همین را یادآوری کردم و گفتم یادت هست که من را یک روز رساندی و من می دانستم که یک روز این سؤال

را می‌پرسی، به این خاطر دارم خدمت‌تان عرض می‌کنم. چون اگر آن روز توضیح نمی‌دادم ایشان چیز دیگری می‌گفت. این زمین‌های پدری ما داستانش این طوری هست که در گفت‌وگوی خانه ملت ضبط کردند و شرح دادم. پدرم مالک بود که سند زمین‌هایش را من در کمیسیون نشان دادم. ایشان زمین‌هایی را سال ۱۳۳۶ از خان یا مالک وقت خریده و بعد اضافه و احیا کرده است. سال ۱۳۴۷ دو دانگ از زمین‌هایش را به بچه‌هایش واگذار می‌کند، یعنی وقتی که من دو ساله بودم صاحب زمین بودم. بعد از انقلاب به دلیل اینکه پدرمان مالک بود حدود ۳۵۰ هکتار از این زمین‌ها را مصادره می‌کنند و به کشاورزان می‌دهند و ۵۰ هکتار را برای خودش نگه می‌دارند. حدود ۲۱۰ هکتار زمین دست ما می‌ماند.

کل زمین‌ها چقدر بود؟

همه زمین‌ها حدود ۷۰۰-۶۰۰ هکتار بود که حدود ۳۵۰ هکتار از این زمین‌ها می‌رود. دو دانگش هم متعلق به بچه‌ها بود. ۵۰ هکتار از ۴۰۰ هکتار سهم زمین پدرم را می‌دهند و ۳۵۰ هکتارش را برمی‌دارند که این می‌ماند دست خانواده. این زمین‌ها توسط خانواده یا زارعین کشت می‌شوند. خودم باغی چهار و نیم هکتاری از این زمین‌ها دارم و با برادران هم باغی دیگر داریم. علاوه بر این، از ارث پدری منزلی در گچساران و زمین‌های دیگر در اختیارمان قرار گرفته و این‌ها برای ما هم درآمدی داشتند. همین الان درآمد باغ بیشتر از حقوق هیئت علمی‌ام یا حقوق مجلس هست و با آن زندگی می‌کنم. در این سال‌ها اگر کم و کسری در زندگی‌ام بود و چیزی می‌خواستم با فروش قطعه‌ای زمین توانستم بخرم. خلاصه شیوه زندگی من این بوده، خیلی متمول نیستم ولی بلد نیستم دروغ بگویم وضع مالی من خراب است. همین را که دارم شکر خداوند متعال را می‌گویم.

شما کارمند سازمان برنامه هستید؟

از سال ۸۳ عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه هستیم. مؤسسه وابسته به سازمان برنامه بود که الان یکی دو سال هست رفته زیر نظر ریاست جمهوری.

چند سال سابقه خدمت دارید؟

با امسال می‌شود ۳۱ سال.

در ذهنم بود که شما به سن بازنشستگی رسیده‌اید یا خیر؟

نه هنوز، چون عضو هیئت علمی هستیم تا ۶۵ سالگی می‌توانم خدمت کنم، یعنی تا ۱۱ سال دیگر می‌توانم کار کنم.

یکی از بحث‌هایی که معترضان اشاره می‌کردند عضویت شما در برخی شرکت‌ها است و در واقع داشتن مافیایی از شرکت‌ها. البته خب قبلاً توضیح دادید و به نظر می‌رسد روزهای آخر دیگر کمتر در این مورد صحبت می‌شد. ولی دوست دارم اینجا تا حدودی درباره این

شرکت‌ها صحبت کنیم. اولین سؤالی که دربارهٔ این مؤسسات با شرکت‌ها دارم بحث مؤسسه تحقیقات مطالعات بانکداری اسلامی شهید صدر بود. این چه مؤسسه‌ای است؟ مؤسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی شهید صدر اصلاً شخصی نیست و متعلق به یک بانک هست. یکی از بانک‌های کشور احساس کرد باید یک سری مطالعه در مورد بانکداری اسلامی انجام دهد که تیمی را جمع کرد دور هم تا مؤسسه را راه بیندازد. اصولاً موضوع شخصی نیست. انسان‌های بزرگی این مؤسسه را راه‌اندازی کردند. اهداف خوبی هم داشت. اگر اشتباه نکنم هیئت امنای مؤسسه آیت‌الله تسخیری، آیت‌الله موسوی، دکتر پورمحمدی و دکتر کاظم صدر هستند. این‌ها من را انتخاب کردند مؤسسه را مدیریت کنم که وقتی وارد مجلس شدم کار را نیمه تعطیل رها کردیم. شاید اگر من آزاد بشوم و وقت داشته باشم دوباره به همان کار قبلی برگردم که شخصی نیست، حقوق هم نمی‌گرفتم چون هیئت علمی بودم و حقوقم را جای دیگری می‌گرفتم. هر چند می‌توانستم از این مؤسسه هم حقوق بگیرم.

مؤسسه مطالعاتی بود؟

بله، کار را هم خوب جلو بردیم، یک سری نشست‌ها و یکی دو تا کتاب و مقاله هم داشتیم ولی متوقف شد فعلاً.

این ایده شما بود یا داشتند کار می‌کردند و بعد به شما پیشنهاد دادند؟

این ایده من و یکی از دوستان بود.

یعنی خود شما پیگیری کردید و پیشنهاد دادید؟

بله ما ایده و پیشنهاد دادیم و خیلی از آقایان از این ایده و پیشنهاد خوش‌شان آمد و موافقت کردند. هنوز هم می‌گویند این ایده خوبی برای بانکداری اسلامی است. هنوز هم در این زمینه ضعف داریم. باید این ایده را در کشور راه بیندازیم و بانک‌ها باید در این مسیر راه بیفتند. ایده خیلی خوبی بود. درست است که ایده ما بود ولی توانایی مالی این را نداشتیم در نتیجه یکی باید حمایت کند، همایش‌های بین‌المللی بگذارد و علمای جهان اسلام را پای کار بیاورد. کار من نیست، کار خیلی‌های دیگر هم هست. بالأخره مؤسسه خوبی هست و باید تقویت شود.

می‌خواهم به این برسم که آن روزها و در دوره فراغت که مسئولیت دولتی و مجلسی نداشتید پیشنهادهایی ارائه می‌کنید و کارهایی انجام می‌دهید که الان مصیبتی برای تان می‌شود.

تقریباً همین‌طور است که می‌گویید. به نظر من این کار خوبی بود و ای کاش هر کسی در هر دوره‌ای بتواند از این ایده‌ها ارائه دهد و خودش هم دنبال کند و توسعه بدهد و کار انجام دهد. مثلاً یکی دیگر از این طرح‌ها تقویت سندیکای بیمه‌گران ایران است. در همین دوره من می‌شوم

دبیرکل این سندیکایی که ده سال است مجوز گرفته. روزی یکی از این مدیران بیمه گفت شما که آزاد هستید می‌توانید سندیکای بیمه‌گران ایران را تقویت کنید و دبیرکلش باشید؟ گفتم بله بیکارم و فکر می‌کنم دو دوره دو ساله دبیرش بودم و این سندیکا یک وضع خوبی برای خودش پیدا کرد.

شرکت های مرتبط با غلامرضا تاج گردون (لیلاک)

شرکت سندیکای بیمه گران ایران (موسسه) شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۰۳۷۸۲ (فعال) (لیلاک)
افراد مرتبط در شرکت: غلامرضا تاج گردون (از ۱۳۸۹/۱۰/۱۴) محمد رضایی (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۹) سید محمد کریمی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۹) علی جباری مرکید، نائب رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۹) سید محمدعلی پوریزدی (از ۱۳۹۵/۱۲/۱۶) علی اکبر اولیا (از ۱۳۹۳/۱۰/۲۲) عبدالمحمود ضرابی، نائب رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۸۹/۱۰/۱۴) فریدون مفرخانلو، خزانه دار (از ۱۳۸۹/۱۰/۱۴) جواد سهامیان مقدم (از ۱۳۸۹/۱۰/۱۴) محمود امرالهی (از ۱۳۹۲/۱۱/۱۴)

شرکت کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی (موسسه) شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۷۰۸۷۸ (فعال) (لیلاک)
افراد مرتبط در شرکت: غلامرضا تاج گردون (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) محمد خزاعی ترشیزی (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۱) غلامحسین شافعی (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۱) مسعود خوانساری، نائب رئیس (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۱) سید حسین سلیمی، خزانه دار (از ۱۳۹۸/۰۷/۲۱) محمد مهدی بهکیش، نائب رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۹۶/۰۴/۲۷) علی اشرف افخمی (از ۱۳۹۶/۰۴/۲۷) محمود امرالهی (از ۱۳۹۶/۰۴/۲۷) وحامد سلطانی نژاد (از ۱۳۹۶/۰۴/۲۷) محمد لاهوتی (از ۱۳۹۶/۰۴/۲۷) آقای محسن جلال پور (از ۱۳۹۴/۰۵/۲۷) یحیی آل اسحاق (از ۱۳۹۴/۰۵/۲۷) محمدآقا نهاوندیان (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) ولی اله سیف، نائب رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) محمد مهدی راسخ (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) اسداله عسگر اولادی (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) مسعود دانشمند (از ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) سید رسول تاجدار (از ۱۳۹۲/۱۰/۰۴) مبرداد خواجه نوری (از ۱۳۹۲/۱۰/۰۴)

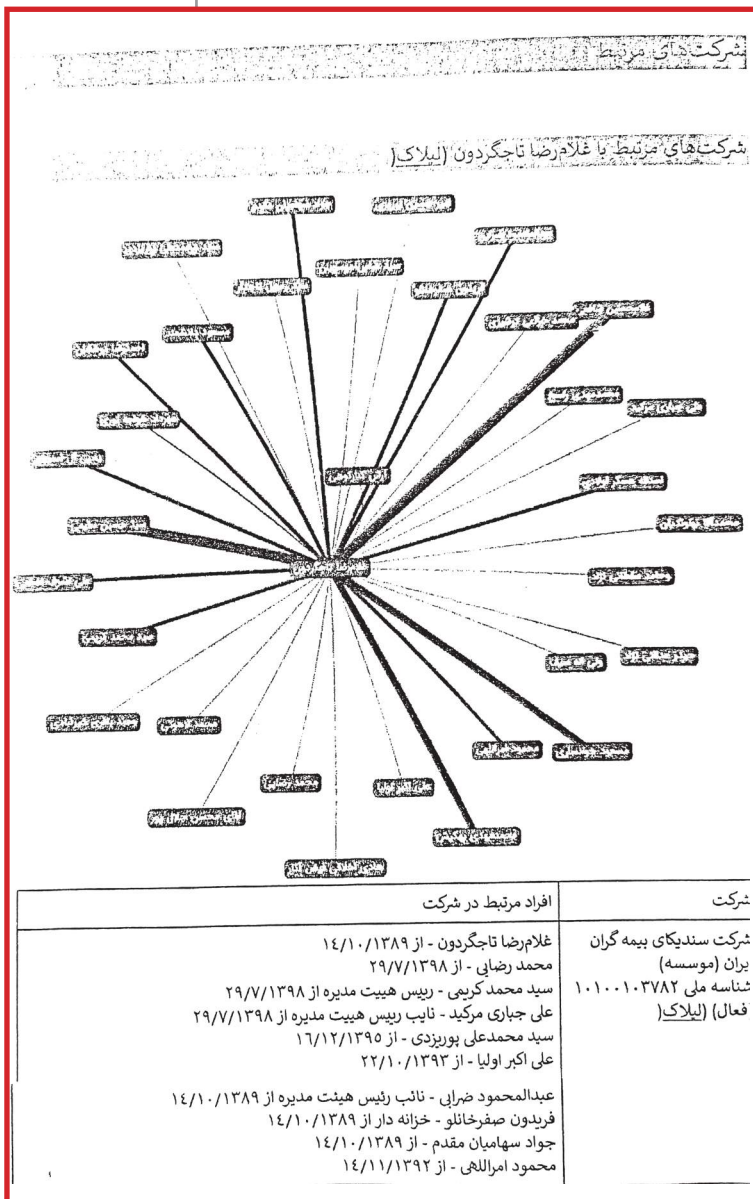
شرکت بین المللی تحقیقات و مطالعات بانکداری اسلامی مدر (موسسه) شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۴۹۸۲۸ (فعال) (لیلاک)

افراد مرتبط در شرکت: غلامرضا تاج گردون، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۹۰/۰۲/۳۱) سیدعباس موسویان، نائب رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۹۰/۰۲/۳۱) هادی اخلاقی فیض آثار، عضو هیأت مدیره (از ۱۳۹۰/۰۲/۳۱) وحید باقری خیرآبادی، عضو هیأت مدیره (از ۱۳۹۰/۰۲/۳۱)

شرکت مشک و ملار (موسسه) شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۶۵۹۳۳ (فعال) (لیلاک)

افراد مرتبط در شرکت: غلامرضا تاج گردون (از ۱۳۹۸/۰۴/۲۳) امیرحسین نوروزی (از ۱۳۹۸/۰۴/۲۳) حیدرعدالتی نژاد (از ۱۳۹۸/۰۴/۲۳) آرش کنارکوهی (از ۱۳۹۸/۰۴/۲۳) احمدرضا درخشان، عضو هیأت مدیره (از ۱۳۹۸/۰۴/۲۳)

شبکه سندیکا



آقایان معترض آمدند و گفتند این شخصی است و آقای تاج‌گردون از این طریق یک شبکه فساد مالی در بیمه‌ها راه انداخت. سندیکا متعلق به بیمه‌های دولتی و غیردولتی بود و ۵۰ درصدش متعلق به دولت هست. یا مثلاً اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران که سال ۸۴ من و جمعی می‌رویم آنجا. ما قبلاً هم اتاق تعاون داشتیم. وقتی که رفتیم آنجا یک‌سری کارهایی کردیم و اتاق فعال شد. یادم هست انسان باتجربه‌ای بود به نام آقای دکتر غنیمی‌فرد رئیس خانه صنعت ایران و عضو هیئت رئیسه آنجا که می‌گفت این کار را نکنیم، اینجا را بزرگش نکنیم و نشانش ندهیم! گفتم برای چه؟ گفت می‌آیند و از شما می‌گیرندش. بالأخره حرفش هم درست از آب درآمد و آنجا بزرگ شد و از ما گرفتند.

شبکه اتاق تعاون

شماره روزنامه: ۱۷۶۱۸ تهران

شماره صفحه روزنامه:

تاریخ روزنامه: ۱۳۸۴/۵/۳۱

شماره نامه اداره ثبت: ۲۲۵۷۸/۵

تاریخ نامه اداره ثبت:

شماره پیگیری روزنامه رسمی: ۶۱۴۰

آگهی تغییرات دراتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران
بر اساس صورتجلسه مورخ ۱/۵/۸۴ نمایندگان و صورتجلسه مورخ ۱۱/۵/۸۴ هیأت مدیره تغییراتی به شرح ذیل در اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران بعمل آمده است.

الف. مجمع نمایندگان مورخ ۱/۵/۸۴:

۱. آقایان ابوالقاسم سرحدی‌زاده، علی صوفی، سیدمصطفی سیدهاشمی، غلامرضا تاج‌گردون، محمدرضا امیرحسنخانی، محمد اسلامی‌نسب و هادی غنیمی‌فرد بسمت اعضای اصلی هیأت مدیره و آقایان محمد براهویی و محمدحسین عظیمی‌زاده بسمت اعضای علی‌البدل هیأت مدیره و آقایان حسین مدرسی‌فر و منوچهر بهمن بسمت اعضای اصلی هیأت بازرسی برای مدت سه سال و آقای الیاس اروانه بسمت بازرسی علی‌البدل انتخاب شدند. و آقای علی باقی به استناد مفاد ماده ۶۲ قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بعنوان بازرسی اتاق از طرف وزارت تعاون منصوب گردید.

ب. صورتجلسه مورخ ۱۱/۵/۸۴ هیأت مدیره:

۱. آقای ابوالقاسم سرحدی‌زاده بسمت رئیس هیأت مدیره، آقای محمد اسلامی‌نسب بسمت نایب رئیس و آقای هادی غنیمی‌فرد بسمت منشی هیأت مدیره انتخاب شدند.

۲. آقای محمدرضا ملازمضانی بسمت دبیر کل اتاق تعاون مرکزی مجدداً منصوب گردید.

وزیر تعاون دولت آقای احمدی‌نژاد هجوم آورد و آنجا را از ما گرفتند. حالا جالب است که جرم من می‌شود کار در اتاق تعاون و می‌گویند شبکه تاج‌گردون است. موضوع بعد وقتی که در سندیکای بیمه‌گران ایران دبیرکل بودم از آن طریق رفتم اتاق بازرگانی جمهوری

اسلامی ایران و کاندیدا شدم برای ICC ایرانیان به عنوان عضو مجمع و هیئت مدیره. چون به عنوان دبیرکل رفته بودم آنجا و مرا می‌شناختند، همچنین معاون سازمان برنامه و چهره سیاسی بودم به من رأی دادند و در کنار آقایان عسگراولادی، سیف و نهبان و... شدم عضو هیئت رئیسه. در اینجا هیچ کدام فعالیت شخصی نداشتیم و حقوق نمی‌گرفتیم. هر یکی دو هفته یک جلسه برگزار می‌کردیم. این جور نیست که هر کی هر جا می‌رود فکر می‌کنند حقوق دارد. ما آدم‌های سیاسی و حکومتی هستیم. جایگاه خیلی مهم است که دانش‌تان را پیاده کنید، اطلاعات بگیری و حضور داشته باشید. می‌توانی همه وقت را بگذاری و بروی یک بنگاه اقتصادی و برای خودت کار کنی و کسی هم اصلاً از تو سؤال نمی‌کند. دارید فکر می‌کنید که همین الان تاج‌گردون مگر علقش را از دست داده بود که همه وقتش را گذاشته روی این چیزها و در این هفت سال می‌رفت کار اقتصادی می‌کرد حداقل اگر فحش می‌خورد دوربال گیرش می‌آمد. تمام این چیزهایی که در مورد من می‌گویند هم این‌ها هستند. بعد یک شبکه خطرناک را رسم می‌کنند و همه مدیران اتاق بازرگانی کشور در سال‌های اخیر را قلمداد می‌کنند به عنوان شبکه مالی من.

ا جریان مؤسسه مشک و ملار چیست؟

یک مؤسسه فرهنگی که پارسال راه انداختیم و می‌خواهیم کار فرهنگی انجام بدهیم.

ا مشخصاً چه کاری می‌کنید؟

ببینید من در شهرم کار فرهنگی خیلی زیاد انجام دادم یعنی کلاً موضوع حرکتی‌ام کار فرهنگی است.

ا مثل چی؟

مثلاً در مرکز شهر ما یک بازار قدیمی هست که تبدیل کردیم به بازار قدیمی شیک سنتی اسلامی و همین‌طور که این بازار محل کسب‌وکار است ترتیبی دادیم که به یک مرکز فرهنگی هنری تبدیل شود. به عنوان مثال پنجشنبه آخر هفته تمام نقاشان شهر جمع می‌شوند و زیر سقف بازار نقاشی می‌کشند. مردم هم به مغازه‌ها می‌روند و هم لذت می‌برند از تماشای هنر نقاشی و چه بسا آثاری هم از هنرمندان خریداری شود. هفته بعد هنر خطاطان، مجسمه‌سازان، موسیقی، تئاتر به معرض نمایش شهروندان گذاشته می‌شود. حتی صبح جمعه هم هیئت‌های مذهبی دعای ندبه برگزار می‌کنند در آن محیط فرهنگی. من خودم دو تا فرهنگسرا دارم. در فقیرترین محله یک فرهنگسرا ساختم که آنجا حداقل ۱۰۰۰ کودک و نوجوان عضو مؤسسه من هستند.

ا یعنی خیریه خودتان؟

بله، خودم یک فرهنگسرا ساختم. در این فرهنگسرا یک تیم ورزشی داریم، کتابخانه، گروه موسیقی، برنامه‌های قرآنی و اخلاقی هست. هر هفته سه شب برای بچه‌های کوچک محله فیلم پخش می‌کردیم. به این کار فرهنگی علاقه دارم و هم‌تراز بقیه کارهایم فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی است.

داستان مشک و ملار هم از اینجا شروع شد که ما در ایام عید یک مراسم می‌گذاریم و همه جمع می‌شوند. در شهر ما مردم صنایع دستی‌شان را می‌آورند، ورزش هست، اسب‌سواری هست، موسیقی و... اسم این برنامه را گذاشتیم مشک و ملار. مشک و ملار می‌دانید یعنی چه؟

نه.

مشک ظرفی چرمی است که در آن دوغ درست می‌کنند و ملار هم سه‌پایه‌ای است که مشک را روی آن می‌گذارند که می‌شود مشک و ملار. این موضوع شد یک رویداد فرهنگی و نماد یک فرهنگ. بعضی از آقایان مخالفند. مثلاً امام جمعه به عنوان مخالف مشک و ملار مرکز فساد است. این مشک و ملار جا افتاد؛ سال اول دو هزار نفر آمدند و سال بعد سه هزار نفر یا حالا ۱۰ هزار نفر در مراسم مشک و ملار شرکت می‌کنند. یک فرهنگ شده، همه مردم عید منتظرند این مراسم برگزار شود و از تمام نقاط کشور هم می‌آیند. من دیدم این ظرفیت را دارم و آدم‌های هنرمند زیادی اطرافم هستند اهل تئاتر و موسیقی و... هیچ‌کس هم دنبال منافع نیست، پس خوب است موضوع مشک و ملار را تبدیل کنیم به یک مؤسسه فرهنگی و کارهای فرهنگی انجام دهیم. مثل خیلی‌ها که مؤسسه خیریه دارند. همین آقایان که اعتراض دارند به پرونده من، همه‌شان سه چهار مؤسسه خیریه دارند و پول جابه‌جا می‌کنند. ما حتی شماره حساب هم نداریم و هیچ حسابی، حتی یک ریال گردش مالی در مؤسسه نداریم. شما ببینید در این مؤسسه کار فرهنگی می‌کنیم و در این یکی دو سالی که کار کردیم یک ریال در حسابی وارد نشد.

هیئت مدیره‌اش چه کسانی هستند؟

همین هنرمندان دور و بر خودم هستند و مؤسس‌اش هم خودم هستم.

از بستگان هم کسی هست؟

از خانواده نه، مؤسس‌اش خودم هستم و اعضایش همه هنرمند‌های دور و برم هستند.

در هیئت مدیره مؤسسه رئیس فرهنگ و ارشاد اسلامی گچساران هم هست؟!

بله و مشکلی هم ندارد. یک مؤسسه فرهنگی است. آقای زاکانی و زهره الهیان و مالک شریعتی به همراه محمد دهقان یک مؤسسه دارند، الان باید باید بگویم چرا دارند؟ خوب دارند و کار خیریه انجام می‌دهند، پول می‌گیرند و پول می‌دهند که بحث مثبت هم دارد. بنده با رئیس ارشاد و جناب‌عالی و یکی دیگر کار فرهنگی انجام می‌دهیم اشکالش کجاست؟ منفعت مالی دارد؟ پولی ردوبدل شده است؟ کار فرهنگی دارد انجام می‌شود و باید دست ما را ببوسند.

نه، بحث اینجاست که یک شبهه مطرح می‌شود. این شائبه پیش می‌آید که

این سوژه‌ای است که شما پروژه تعریف می‌کنید و منافع مالی هست.

شبکه مشک و ملار

شماره روزنامه: ۲۱۶۵۵ تهران

شماره صفحه روزنامه: ۱۰

تاریخ روزنامه: ۱۳۹۸/۴/۳۰

شماره نامه اداره ثبت: ۱۳۹۸۱۳۰۴۰۰۹۱۰۳۹۲۷۹

تاریخ نامه اداره ثبت: ۱۳۹۸/۴/۲۳

آگهی تاسیس

تاسیس موسسه غیر تجاری مشک و ملار در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۹۸ به شماره ثبت ۴۷۶۸۶ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۶۹۳۳ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع موسسه: موضوع: برگزاری نشست های فرهنگی، ادبی، شعر و شاعران، معرفی، بررسی و نقد کتاب و نشریه و نیز انتخاب و اهدای جوایز به برگزیدگان آثار فرهنگی و هنری. مشارکت در برگزاری همایش، گردهمایی و سمینار و همکاری در برپایی مسابقات و نمایشگاه و جشنواره های فرهنگی و هنری. تهیه و عرضه و مبادله محصولات فرهنگی و هنری دارای مجوز از قیبل: کتاب، مطبوعات، نوارهای صوتی و تصویری، سی دی، فیلم های ویدئویی و اقلام رایانه ای مجاز به ویژه در زمینه های معارف اسلامی و علوم قرآنی و زبان و ادبیات فارسی و نیز فیلم های مستند و سینمایی (دارای مجوز)، انجام فعالیت هایی برای گسترش امر کتاب مطالعه و کتابخوانی، آموزش شیوه های تند خوانی، تهیه فیلم های تلویزیونی، ویدئویی، انیمیشن و رایانه ای بلند و کوتاه اعم از داستانی، مستند، آموزشی، صنعتی و تاریخی متناسب با اهداف موسسه و مطابق با ضوابط مربوطه. برگزاری جشنواره های هنری، اعزام گروه های هنری و یا دعوت از آنان برای اجرای مراسم. تاسیس نگارخانه (کالری) و یا برگزاری نمایشگاه های هنری برای نمایش آثار هنری نقاشی، گرافیک، عکاسی، خوشنویسی، نگارگری، مجسمه، مینیاتوز (بموجب مجوز شماره ۹۸۱۴۲۹۲ مورخ ۲۲/۴/۱۳۹۸ مرجع صادرکننده: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) مدت موسسه: نامحدود مرکز اصلی موسسه: استان تهران - شهرستان تهران - بخش مرکزی - شهر تهران - گاندی - خیابان آلود خیابان سی و هفتم پلاک ۲ طبقه پنجم واحد شرقی کد پستی: ۱۵۱۶۹۱۲۹۲۲ شعبه موسسه: استان کتگیلویه و بویراحمد شهرستان کجساران میدان امام خمینی (ره) خیابان

مثل همین جشنواره

این جشنواره مال خود من است. خودم مراسم برگزار کردم. من قبل از مؤسسه مشک و ملار، خانه هنرمندان را راه انداختم. رئیس خانه هنرمندان شهر خودم هستم. همین مراسم مشک و ملار ربطی به ارشاد ندارد و خانه هنرمندان دارد برگزار می کند. در خانه هنرمندان مگر ما پول گرفتیم؟

خب بحث همین است که بودجه از کجا بوده؟ اصل موضوع مشکلی ندارد. فقط بحث این است که بودجه از کجا آمده است؟

پولی از ارشاد گرفته نشده، اگر بود می نوشتند. هیچی نیست؛ نه قراردادی و نه معامله ای. آقای زاکانی می آید ۵۰۰ میلیون می گیرد و به اسم مجله، فلان کار را راه می اندازد. خودش ناظر و خودش پول می گیرد و پول خرج می کند و مؤسسه هم به اسم خودش است. ما که

پولی نگرفته بودیم؛ اگر گرفته بودیم تا الان حکم اعدام ما را می گرفتند! البته ارشاد هم پول آنچنانی ندارد که بخواید به شهرستان‌ها بدهد. یک روز آمدند و گفتند که شما از ارشاد پول گرفتید؟ گفتم بله سی میلیون تومان گرفتم. گفتند به کی دادید؟ گفتم نوشتید خب به اسم آقای عبودی. گفتند ایشان کیست؟ گفتم امام‌جمعه‌ باشت است که خانه نداشتند و من ۳۰ میلیون بهشان دادم؛ خانه خریده و در آن نشسته است. اسمش را از لیست پاک کردند چون امام‌جمعه بود. یعنی تاج‌گردون به امام‌جمعه سی میلیون داده است فکر کردند عبودی هم یکی از این شریک‌های من است. گفتم این هم سند خانه‌ای که ایشان نشسته و همه پولی که من از ارشاد گرفتم همین بود. اگر یک ریال این وسط جابه‌جا شده گردن من است.

داستان شرکت پترو امید آسیا چیست و نقش آقای پرویزیان و ارتباط ایشان با آنجا چیست؟

اسم پرویزیان را که اشتباه نوشته‌اند. ببینید پترو امید آسیا شرکتی متعلق به بانک سپه و ۱۰۰ درصد دولتی است. یکی از برنامه‌های وزارت نفت این است که یک‌سری مخازن استراتژیک نفت در کشور بسازد. مثلاً شما الان می‌گویید به دلیل پرشدن مخازن استراتژیک آمریکا قیمت نفت آمد پایین یا رفت بالا. این حرف را شما زیاد شنیدید. یا به عنوان مثال چین الان تمام مخازنش پر است و قیمت آمده پایین. فرض کنید ما در روز ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنیم، بعد می‌بینیم مخازن کشورها پر است و قیمت‌ها می‌افتد. حالا ما این نفت را باید چه کار کنیم؟ باید یک‌سری مخازن استراتژیک نفت در کشور داشته باشیم تا تولید متوقف نشود. البته این موضوع به من هیچ‌گونه ربطی ندارد، بانک سپه یک شرکت راه انداخت و با وزارت نفت قرارداد بست تا یک‌سری مخازن استراتژیک بسازد.

بله و موضوع استراتژیکی است.

بعد نفت جنوب به جای اینکه به خارک برود با خط لوله هزار کیلومتر می‌رود و تنگه هرمز را دور می‌زند تا برسد به جاسک و بعد از آن صادر شود. این شرکت سرمایه‌گذاری بانک سپه سال ۸۹ تشکیل می‌شود و سال ۹۰ من به عنوان نماینده یکی از شرکتهای بانک سپه غیرموظف می‌روم در این شرکت. عضو هیئت مدیره می‌شوم تا در کنار چند مدیر ارشد کشور این طرح مهم را اجرا کنیم.

در دولت آقای احمدی‌نژاد؟

هر دولتی باشد. آقای احمدی‌نژاد هم خوشش می‌آید امثال من برای این نوع کارها کمک کنیم. دولت احمدی‌نژاد از خدا می‌خواست که طرف تجربه‌اش را بگذارد در این کار. خلاصه شرکت را راه انداختند. من هم سال ۹۰ عضو غیرموظف شرکت شدم و بعد آدم مجلس و استعفا دادم و داستان تمام شد. حالا این شرکت دارد نفت صادر می‌کند. بعد آمدند شروع کردند از دوسال قبل که آقای تاج‌گردون یک‌سری مخازن نفت در جنوب دارد و نفت صادر

تخلف کرد برخورد کنند، به ما چه ربطی دارد؟ من این وسط چه کاره‌ام؟ حالا ببینید گروهی نشستند این چیزها را به هم پیوند می‌دهند و داستان می‌نویسند، واقعاً دارند داستان تنظیم می‌کنند. بعضی‌ها هم اوایل باور کردند، اما اواخر همه فهمیدند که به کاهدان زده‌اند و این موضوع اصلاً به ما ربطی نداشت.

به نظر شما ما نباید یک پیوندی برقرار کنیم بین این حرف‌ها و آنچه دیده‌بان شفافیت مطرح کرده یا می‌کند، گزارشاتی که حتی به شورای نگهبان داده است و این حرف‌هایی که معترضان می‌زنند. من شک ندارم به دلایل مختلف یا دیده‌بان شفافیت وابسته مستقیم است یا عوامل نفوذی بین این‌ها است. وقتی بحث بررسی صلاحیت من در شورای نگهبان بود، حقوقدانان هیئت نظارت در جلسه‌ای این موضوع را از من سؤال کردند و گزارش دیده‌بان شفافیت را خواندند. من گفتم این شرکت مربوط به بانک سپه است که اول باور نکردند و وقتی گفتم در اینترنت سرچ کنید تعجب کردند. این‌ها رفتارشان نه تنها ماکیاولیستی است بلکه عین بی‌دینی و بی‌اخلاقی است. حتی دیوان محاسبات هم رسماً نوشت این شرکت متعلق به کیست و در تخلفات شرکت هم اسمی از تاج‌گردون نیست، یعنی دوره من نبود.

داستان پتروشیمی گچساران و نقش شما و نقش هیئت مدیره‌ای محسن تاج‌گردون چیست؟

محسن تاج‌گردون از سال ۸۴ که کلنگ پتروشیمی زده شده، دارد آنجا کار می‌کند. من سال ۹۱ آمدم مجلس. ایشان مهندس است و روز اول هم بوده، از موقعی که آنجا خاک بوده کار می‌کرده تا الان که ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. عضو هیئت مدیره نیست، ولی فرض کنید عضو هیئت مدیره پتروشیمی هم بوده چه اشکالی دارد که فردی با ۱۵ سال سابقه کار آنجا بشود عضو هیئت مدیره؟

خوب شما عضو هیئت مدیره بودید و محسن تاج‌گردون کارمند می‌شود؟

نه. قبل از این بوده. سال ۸۴ کارمند بوده و من سال ۸۶ به مدت یک سال رفتم آنجا عضو غیرموظف هیئت مدیره شدم. این پروژه دارد کار می‌کند و هنوز به بهره‌برداری نرسیده و ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. همه فکر می‌کنند پتروشیمی دارد معامله و تجارت می‌کند. این پروژه ۸۰۰ نفر نیرو دارد و همین الان ۸۰۰ نفر آنجا کار می‌کنند. در کل خاندان ما یک نفر در این پتروشیمی کار می‌کند. خانواده داریم که پنج نفرشان آنجا کار می‌کنند، چرا کسی سراغ آن‌ها نمی‌رود؟ تازه به نمایندگی من هم ربطی ندارد. اصلاً فرض می‌کنیم من مدیرعامل پتروشیمی بودم و محسن تاج‌گردون هم آمده و دارد کار می‌کند. یک مهندس تحصیلکرده دنبال کار می‌گردد که مثل هشتصد نفر دیگر آمده سر کار. اگر این جور است از کل خاندان تاج‌گردون‌ها در تمام ادارات و سازمان‌ها کسانی که کار می‌کنند همین‌هایی هستند که در این لیست نوشته شده. این‌ها باید چه کار می‌کردند. تازه به من ربطی ندارد. محسن هم یکی از این افراد است.

در بررسی اعتراض‌ها به شما و شرکت‌های اقماری که حضور شما در آن محل ایراد دانسته شده می‌خوریم به سازمان ملی بهره‌وری. آنجا چه فعالیتی داشتید؟

سازمان ملی بهره‌وری ایران یکی از سازمان‌های دولتی بوده که الان منحل شده است. سازمان ملی بهره‌وری ایران یکی از سازمان‌های وابسته به سازمان برنامه بود که رئیس هیئت مدیره‌اش بر اساس اساسنامه، معاون سازمان برنامه هست. سال ۸۳ و ۸۴ که من معاون سازمان برنامه هستم همزمان هم عضو هیئت مدیره آن سازمان هستم. مثلاً فرض کنیم رئیس‌جمهور همزمان رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک هست یا وزیر همزمان عضو هیئت امنای ارزی هم هست.

و سیمان هرمزگان چه؟

سیمان هرمزگان هم صددرصد دولتی است. من در سال ۸۹ به عنوان سهام سیمان هرمزگان در پترو امید آسیا عضو غیرموظف هیئت مدیره شدم و اصلاً سیمان هرمزگان نبودم.

معارضان لیستی ارائه می‌دهند که شرکت‌های وابسته به شما در آن هست و

می‌گویند شبکه شما است.

کل موضوع که به من ربط داشت چندتایی بود که سؤال کردید و بقیه دیگر چیزی نیست. جدولی در آوردم که اسم من را در ۷۲ شرکت آورده‌اند به عنوان شبکه مرتبط با تاج‌گردون.

شرکت‌ها و موسساتی که غلامرضا تاج‌گردون عضو هیات مدیره بود (۹ شرکت)

- ۱- موسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی (موسسه تحقیقاتی است و فعالیتی ندارد) ردیف ۳ مربوط به قبل از نمایندگی
- ۲- کمیته ایران اتاق بازرگانی (ردیف ۴) مربوط به اتاق بازرگانی است سال‌های ۸۶-۸۸
- ۳- موسسه غیرتجاری فرهنگی مشک و ملار (غیرتجاری و فرهنگی و حتی حساب بانکی هم ندارم. ردیف ۵)
- ۴- شرکت پتروامیدآسیا (قبل از مجلس یک سال عضو غیر موظف هیات مدیره بودم) نماینده دولت سال ۹۰) ردیف‌های ۷ و ۸
- ۵- اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران عضو هیات مدیره سال ۸ ردیف ۱۰
- ۶- شرکت پتروشیمی گچساران سال ۸۶ (سهم دولت) ردیف ۱
- ۷- شرکت ملی بهره‌برداری ایران (معاون سازمان برنامه و بودجه و رئیس هیات مدیره است. دولتی) سال ۸۲ ردیف ۱۸
- ۸- شرکت سیمان هرمزگان ردیف ۹ یک دروغ

در ۲۰ شرکت فقط اسم تاج‌گردون هست که ربطی به خاندان من و حتی به شهر ما ندارد. مثلاً در یک شرکت محمدمهدی تاج‌گردون عضو هیئت مدیره است، در اصفهان. این آقای تاج‌گردون در شرکتی که نمی‌دانیم متعلق به کیست حضور دارد و خانمی هم به اسم فاطمه کدخدایی عضو هیئت مدیره است. حالا می‌گویند پسر آقای تاج‌گردون با دختر آقای کدخدایی عضو شورای نگهبان شریک هستند. نه من آن تاج‌گردون را می‌شناسم و نه آقای کدخدایی آن خانم را. آدم باید مریض باشد که این اراجیف را می‌گوید. بابا خجالت بکشید! این چه حرفی است که می‌زنید؟

قسمتی از مصاحبه با کدخدایی عضو و سخنگوی شورای نگهبان

شایعاتی در مورد دختر شما مطرح شده که با پسر آقای تاج‌گردون شرکت مشترک دارند. شبکه خبری «سی ان ان» مدتی بود که گزارشی از شخصیت‌های نظام می‌داد و ما را هم عضو کرده بود و مبالغه را در حساب‌های سوییچ برای من اعلام می‌کرد و هر وقت هم که می‌گفتیم این‌ها را به ما بدهید یا اجازه بدهید کسی بیاید این مبالغه را بگیرد نمی‌شود! بنابراین شکایتی کردیم که دادگاه «سی ان ان» را محکوم کرد! البته این رای چند سال طول کشید چرا که برای بررسی قضایی کار سختی بود اما چند ماه قبل این رای صادر شد. از این دست شایعات زیاد است، اما نمی‌دانم چرا این یکی منتشر شد. پیامک بعضی از این شایعات برای من هم می‌آید. پیامک این قضیه هم ۳ هفته قبل از اینکه منتشر شود آمد که چنین خبری هست که گفتیم مبارک است!

مثلاً در لیست این ۲۰ شرکت مسعود یا رامین تاج‌گردون آمده که ما اصلاً در خاندان‌مان همچین اسمی نداریم. بیست شرکت هم آقای دلاویز عضو بوده در ۳۰ سال خدمتش که در این شرکت‌ها فعالیت داشته است و فقط جرم ایشان با من همشهری بودن است. این شرکت‌ها را نگاه کنید، من این‌ها را کامل توضیح دادم. در این لیست‌ها ببینید مثلاً شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت متعلق به کیست؟ یک شرکت کاملاً دولتی. آقای دلاویز در شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت که کاملاً دولتی است مدتی مدیرعامل بود.

شرکت نفت خزر چیست؟

مثل شرکت نفت آغاچاری، شرکت نفت زاگرس، ایشان در شرکت نفت خزر هم مدیرعامل بودند. شرکت نفت پاسارگاد هم بوده که مال دولت هست. ایشان در این ۲۳ سال گذشته هر کاری که کرده نوشتند به پای من. چرا؟ چون یک روزی یه نفر گاف داده گفته این آقای دلاویز خواهرزاده آقای تاج‌گردون هست که پارسال فهمیدند خواهرزاده من نیست. بعد گفتند پسردایی‌اش هست که چند ماه بعدش فهمیدند که این نسبت هم درست نیست. این گزارشات آمد بیرون. چون ایشان همشهری من است حالا با من دوست بوده و سلام علیک داشتیم و مثل همه ارتباط داشتیم. تعداد ۲۰ تا از این شرکت‌ها هر چه هست آقای دلاویز آنجا فعالیت داشته و کار می‌کرده و نمی‌دانم به من چه ربطی دارد؟ کل موضوعی که به من ربط دارد این ۸ موردی است که گفتم. این بار گفتند در این شرکت‌ها شبکه گسترده اقتصادی رانت‌خواری راه انداخته‌اند. در همین شرکت‌هایی که گشته‌اند و اسم آورده‌اند هم به ماهیت فعالیت دقت نشده، با وجود اینکه به من و خاندانم هم ربطی ندارد تا چه برسد به شبکه فساد؛ مثلاً این شرکت کارش تعمیر فن‌کوئل هست، این شرکت کارش تعمیر دوربین‌های مداربسته است.

معلوم است که شرکت‌های خیلی کوچکی هستند.

همه شرکت‌ها همین‌جوری هستند و اصلاً به ما هم ربطی ندارند و من نمی‌دانم کی هستند؟ کجایی هستند؟ یکی دوتا از آن‌ها نامه نوشتند که آقا چرا اسم ما را آوردید. رامین تاج‌گردون بیانیه داد. مثلاً نام دختر من فاطمه است اما آن شرکت متعلق به یک فاطمه دیگر هست. پسر من محمدرضا تاج‌گردون نام دارد ولی شخص هم‌نام دیگری است که شرکت دارد. در این مدت خوب بررسی کردیم و دیدیم سه غلام‌رضا تاج‌گردون هست که متولد ۱۳۴۵ و همسن من هستند. اسم خاصی است دیگر. اتفاقاً اسم دختر یکی هم فاطمه هست. خیلی جالبه نه؟ فاطمه تاج‌گردون دختر غلام‌رضا تاج‌گردون و تا زمانی که کدملی را بررسی نکنید متوجه نمی‌شوید. جالب است که فاطمه تاج‌گردون با حمیدرضا تاج‌گردون در شرکتی شریک‌اند. من هم برادری دارم به اسم حمیدرضا تاج‌گردون ولی این دوتا اهل جهرم هستند و در کیش شرکت دارند. آقایان با سرچ در اینترنت هر چه تاج‌گردون بوده را لیست کردند و جالب‌تر اینکه جلوتر رفتند و بین این اسامی کسانی که لر بودند را گفتند با تاج‌گردون رابطه دارد. کل موضوع همین است و به معترضان هم گفتم اگر یکی از این ارتباطات را ثابت کردید من سایر

اتهامات را می‌پذیرم. اصلاً در بیاورید که در این ۳۰ سال من یک سهم یا فعالیت اقتصادی داشتم. خبرنگاری از من پرسید این ۳۰ سال هیچ فعالیت اقتصادی نداشتم، گفتم نه! گفت قابل پذیرش نیست، گفتم برای چه؟ گفت شما آدم عاقل و باهوشی هستی بطور ۳۰ سال هیچ فعالیتی نکردید؟ گفتم: چه کار کنم؟ خبرنگار خیلی جدی گفت غیر قابل پذیرش است که شما هیچ فعالیت اقتصادی نداشته باشید. گفتم ببخشید، اشتباه کردم!!! این داستان شرکت هاست. البته این‌ها روزهای آخر فهمیدند که این حنا اصلاً رنگی ندارد و این‌ها را از قبل از انتخابات تماماً شورای نگهبان، وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه بررسی کرده و به جمع‌بندی رسیده بودند که این حرف‌ها کذب است. یک نمونه که خیلی روی آن مانور دادند پترو امید آسیا بود. یکی مثل آقای توکلی که چهل سال در این مملکت هست و هنوز می‌گوید حتماً شما این‌جا چیزی دارید، گفتم کاش که داشتم، الان که ندارم چه فایده. چند روز پیش هم رفته بودم پترو امید آسیا یک عکس هم گرفتم گذاشتم اینستاگرام و نوشتم من بعد از ۸ سال آمدم پترو امید آسیا و این هم تابلویش هست و یک وکالت‌نامه گذاشتم نزد مدیرعاملش گفتم هر که ثابت کرد من اینجا سهم دارم سهم من برای خودش و دیده‌بان شفافیت بیاید سهم من را برای خودش بردارد، با این وکالت‌نامه سهم من را به نام خودتان بزنید.

یک لیست منتشر شده از شبکه فامیلی شما که در سیستم‌های مختلف در حال فعالیت هستند. اگر اشکالی ندارد من یکی یکی سؤال می‌کنم و شما پاسخ دهید.
در خدمتم.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه (رانت‌های مستقیم غلامرضا تاج‌گردون به اعضای خانواده اش)

سازان تاج‌گردون < برادر < معاون وزیر میراث فرهنگی و گردشگری

محسن تاج‌گردون < برادرزاده < عضو هیأت مدیره پتروشیمی گچساران

یاسر فرزین < پسر دختر دابی < مدیر فروش شرکت نفت پاسارگاد و نماینده شرکت هرمز پاسارگاد

مهدی باشتی < باجناق < نماینده شرکت سیمان هرمزگان؛ عضو هیأت مدیره شرکت پترو امید (مخازن نفت)

لیلا تاج‌گردون < خواهر < معاون مدیر کل محیط زیست استان فارس

محمد نبی محمدی < داماد < مدیر کل امور مجلس سازمان بهزیستی کشور

عادل امینی < داماد < دبیر کارگروه اشتغال گچساران

محمد قائم تاج‌گردون < پسر پسرعمو (پسر بهرام تاج‌گردون) < مدیرکل فناوری سازمان بندارو دریانوردی

مهدی تاج‌گردون < برادرزاده > مدیرنماینده بیمه گران ایران و بیمه‌کننده پتروشیمی

محمدرضا جعفری < پسرعمه > مدیرکل دفتر هماهنگی امور استانهای گمرک

آرش حبیبی < پسرخاله > عضو هیأت مدیره شرکت سنگ آهن گهر زمین

ساسان حبیبی نژاد < برادرخانم ساسان تاج‌گردون > رئیس دفترمدیرعامل و دبیر هیأت مدیره شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

رهام عباسی < داماد ملک پور > رئیس ترابری شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

حمید راستی پور < دایی زاده > رئیس اداره آموزش شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

حمیدرضا گوهرگانی < داماد نادر تاج‌گردون > سرپرست اداره دامپزشکی سروستان

فاضل امینی < برادر داماد > مدیر باشگاه فرهنگیان

فاخر امینی < برادر داماد > پیمانکار مهم پروژه های وزارت راه و شهرسازی

احسان امینی < خواهرزاده > پیمانکار مهم پروژه کلان وزارت راه و شهرسازی

محمدرضا کیهان < داماد > مدیر بیمه های اموال بیمه تجارت

میلاد کرمی < دایی زاده > پرسنل پتروشیمی گچساران در دفتر تهران

روح الله ملک پور < برادر خانم حمید تاج‌گردون > معاون اداره کل صنعت استان فارس

محسن تاج‌گردون را قبلاً صحبت کردیم که همچنان در پتروشیمی گچساران کار می‌کند؟
فرض می‌کنیم در پتروشیمی نیست و جای دیگری شاغل است، باز سؤال می‌کنند چرا آنجا کار می‌کند؟ چون کل خاندان من تا هفت پشت مورد سؤال است! محسن تاج‌گردون نزدیک به ۲۰ سال است که آنجا شاغل است، حالا چون پسر برادر من است حق زندگی کردن ندارد؟ به آقای زاکانی گفتم که زن شما رئیس دانشگاه هست و فامیل من کارمند یک جایی، مال تو اعمال نفوذ نشده اما فامیل من که کارمند ساده‌ای است اعمال نفوذ شده. بله محسن تاج‌گردون یک مهندس ساده است که دارد کار می‌کند.

متأسفانه موضوع اینجاست که جامعه پذیرش این نوع حرف‌ها را دارد و یک‌سری مسائل هست که افکار عمومی خیلی آمادگی پذیرشش را دارد. بله.

یادتان هست ۳ سال پیش در کیش این جمله مطرح شد که کیش واگذار شد به چینی‌ها. این‌قدر افکار عمومی پذیرشش را داشت که اصلاً نشد این را جمع کرد. همچنان سه سال هست که همین‌طوری ادامه پیدا می‌کند. افکار عمومی روی یک‌سری از این مسئله‌ها حساسیت و آمادگی پذیرش دارد. بله، کاملاً هنرمندانه این موضوعات مطرح می‌شوند که افکار عمومی و مردم خوش‌شان بیاید و بپذیرند.

برگردیم به اصل موضوع و سؤال دربارهٔ افراد. ساسان تاج‌گردون برادر شما در دوره‌ای که شما در فارس هستید وارد سازمان برنامه می‌شود. بله. در همان دوره وارد سازمان می‌شود، سال ۱۳۷۴ یعنی حدود ۲۵ سال پیش.

گفتید با تشویق شما وارد سازمان می‌شود. رشتهٔ تحصیلی ایشان چیست؟ اقتصاد؟ در دانشگاه شهید بهشتی مدیریت خوانده است.

بعد جذب سازمان برنامه شده؟

بله. ولی آن موقع که جذب مثل الان نبوده که سخت باشد و کار نباشد. سال ۷۴ یک آدم تحصیلکرده خیلی راحت می‌توانست سر کار برود و شغل هم زیاد بود. جالب است که معترضان در جلسه گفتند شما آن موقع ایشان را آوردید سازمان که بعد مسئولیت بگیرد در میراث فرهنگی! گفتم خودم آن موقع رئیس سازمان بودم و اگر این‌قدر برنامه‌ریزی من دقیق بوده خوب نشان می‌دهد کار من خیلی درست بود که برای ۲۵ سال بعد نقشه کشیدم.

پس شما فقط نقش تان تشویق کردن بوده در این مورد؟

بله. به عنوان یک کارشناس ساده آمد و تا ۷ سال که من آنجا بودم فقط کارشناس بود.

محمدنبی محمدی کیست؟ شما نفوذی در انتصاب وی در بهزیستی داشته‌اید؟

داماد و شوهر خواهر من هستند. ایشان پزشک است و سال‌ها در فارس کار می‌کرد. نوشته‌اند معاون بهزیستی شده که درست نیست. اینجا که آمده پستش از جای قبلی کمتر است، مثلاً آنجا معاون دانشگاه و رئیس شبکه بهداشت بوده ولی اینجا در حقیقت رابط بهزیستی شده و حتی مدیرکل هم نیست. واقعیتش این است که ایشان به واسطهٔ شخص دیگری معرفی می‌شوند به رئیس سازمان بهزیستی و

انتخابش می‌کنند به عنوان رئیس بهزیستی استان فارس. ایشان کلاً در استان فارس بوده و همانجا در دانشگاه علوم پزشکی شیراز درس خوانده و کار کرده، به عنوان مدیرکل بهزیستی معرفی می‌شود به استاندار فارس که مخالفت می‌کند. من اگر می‌خواستم اعمال نفوذ کنم که باید به استاندار فارس می‌گفتم تا بپذیرد. دلیل مخالفتش هم این است که ایشان لر است. رئیس سازمان بهزیستی کشور ناراحت می‌شود که چرا این موضوع را مطرح کرده و نپذیرفتند و بهش پیشنهاد می‌دهند که بیا اینجا و با خود من کار کن. از لحاظ شرایط زندگی هم خیلی ضرر کرده چون در فارس خیلی راحت تر بود. حالا شده رابط بهزیستی.

ایشان پزشک بودند. چه ارتباطی با بهزیستی داشتند؟

رئیس جدید بهزیستی کلاً در تمام کشور مدیران کل سازمان را پزشک گذاشته است. در کهگیلویه و بویراحمد هم همین‌طور است که پزشک انتخاب کرده‌اند.

عرضم این است که رئیس بهزیستی نمی‌خواسته خودش به خاطر ارتقای این

پست ارتباط نزدیک‌تر با شما برقرار کند؟

رئیس بهزیستی کشور وضعیتش خیلی خوب است. آقای قبادی‌دانا مدیر محترم، بسیار علمی و درست حسابی است و این حرف توهین به ایشان و من است.

آیا واقعاً صلاحیت دامادتان تا این حد بوده است؟

صلاحیتش را مدیرانش باید تشخیص بدهند نه من. آقای قبادی‌دانا قبل از اینکه رئیس بشود دوست من بود. آدم محترم و علمی و با شخصیت که ارتباطش با من خیلی خوب بود. هر کسی در مورد ایشان می‌تواند نظر بدهد. من نظر خودم را می‌گویم و به عقیده من کسی نمی‌تواند غیر از این نظری داشته باشد.

یعنی رشد داماد شما ربطی به این دوستی نداشت؟

رشد نکرده، تنزل کرده.

همان دوره‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی بوده چه؟

ایشان خودش با دکتر ایمانیه (رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی شیراز) و دکتر ملک‌حسینی رابطه خیلی خوبی داشت و ربطی به من هم ندارد.

خواهر شما لیلا تاج‌گردون در شیراز معاون سازمان محیط‌زیست است. ایشان

چطور رشد کرده است؟

فکر می‌کنم لیلا ۲۳ سال سابقه دارد. ایشان معاون محیط‌زیست بود و گفت از محیط‌زیست

خسته شدم و می‌خواهم بروم آموزش و پرورش. تنها کمک من به لیلا تاج‌گردون این بود که توصیه کردم ایشان از محیط‌زیست رفت آموزش و پرورش. یک سال آنجا ماند، بعد پشیمان شد و برگشت محیط‌زیست. در دوره کاری معاون بوده، کارشناس ارشد بوده آن هم قبل از نمایندگی من. در دوره نمایندگی من تنها توانستم کمک کنم برود آموزش و پرورش. کارش هم در یک مدرسه بود نه اینکه مسئولیتی در آموزش و پرورش بگیرد.

یعنی از معاونت محیط‌زیست رفت مدرسه آموزش و پرورش؟

گفت برای زندگی‌ام راحت‌ترم. بعد پشیمان شد و برگشت، گفت آن جو کاری را دوست ندارم.

معاونت ایشان قبل از دوره نمایندگی شما بود؟

اگر اشتباه نکنم قبل از اینکه برود آموزش و پرورش، مسئولیت داشت و وقتی هم که برگشت مدتی جایگاه معاونت پر بود و بعد دوباره معاون شد.

چه سالی ایشان استخدام می‌شوند در محیط‌زیست؟ دوره‌ای که شما مدیر

سازمان برنامه هستید؟

نمی‌دانم. حتماً انتخاب آن سازمان به توصیه دوستان و آشنایان بوده. ولی واقعاً نمی‌دانم ورودش به محیط‌زیست چطور بوده است. آزمون بوده؟ آشنایی بوده؟ به من هم ربطی ندارد چون موضوع تناسبی ندارد با من. حالا این هم که بد نیست بروند ارزیابی کنند اگر به درد نمی‌خورد و صلاحیتش را نداشته با او برخورد کنند. فقط می‌دانم سرکار خانم ابتکار که رئیس محیط‌زیست شدند و من هم نماینده بودم به من گفت که این خیلی خانم خوبی هست و بگذاریمش مدیرکل محیط‌زیست. گفتم درست نیست خواهر من در شیراز بشود مدیرکل محیط‌زیست، در ضمن خودشان هم دوست ندارند اینجوری بشود. تنها چیزی که از این موضوع یادم هست همین بوده، تا الانم کسی بهش نپرداخته که این خواهرش بوده و در بحث اعتبارنامه رفتند تمام ایران را گشتند تا ببینند خاندان من چه کاره هستند!

عادل امینی داماد دیگر شماست؟

بله، همان که گفتم کارخانه داشته، چه نوشتند؟

نوشتند عادل امینی داماد آقای تاج‌گردون؛ عضو کارگروه اشتغال گچساران

زمانی که من دانشجو بودم ایشان کارخانه تولید ماکارونی احداث می‌کند و در زمان نمایندگی من هم ورشکست می‌شود و الان هم رستورانی در یک باغ دارند و کار می‌کنند. حالا داستان کارگروه؛ شرکت‌های تولیدی یک کارگروه دارند که دولتی نیست. کارخانه‌ها دارند با هم کار می‌کنند. موضوع کاملاً نادرستی است، ما کارگروه اشتغال هم نداریم. اگر هم داشته باشیم، کارگروه اشتغال برای این است که شرکت‌ها دور هم جمع شوند و به موضوع اشتغال کمک کنند. حالا اگر داماد

ما هم عضوش باشد باید دستش را ببوسم که دارد برای اشتغال کار می‌کند.

یعنی دولتی نیست؟

نه دولتی، نه سازمانی.

معترضان نوشته‌اند محمدقائم تاج‌گردون مدیر فناوری سازمان بنادر شده

است. ایشان کیست؟

محمدقائم تاج‌گردون دکترا از دانشگاه صنعتی شریف دارد و عضو هیئت علمی هست که در وزارت علوم مشغول بودند. جوان نخبه‌ای هست و هیچ ارتباطی هم با من ندارد. سازمان بنادر از وزارت علوم استعلام می‌کند که ما با این مشخصات آدم‌های تحصیلکرده‌ای. تی از این دانشگاه‌ها نیاز داریم اگر کسی هست معرفی کنید. یک لیست بهشان می‌دهند که یکی از ایشان محمدقائم تاج‌گردون است. اصلاً با من رابطه‌ای ندارد و اگر کوچک‌ترین ارتباطی در به‌کارگیری ایشان پیدا کردند من همه حرف‌ها را می‌پذیرم.

نسبتش با شما چیست؟

پسرِ پسرعمویم هستند. تهران بوده و وضعیتش هم خوب است و در حوزه علمی رشد کرده. کسی که مثلاً فوق‌لیسانس در تهران می‌گیرد؛ دکترایش را دانشگاه صنعتی شریف می‌گیرد و بعد عضو هیئت علمی می‌شود و خودش این مدارج را طی می‌کند نیاز به من دارد؟ می‌شود مدیر فناوری. بعید می‌دانم تا قبل از این مرحله کسی می‌دانست نسبتی با من دارد، حتی مسئولان سازمان بنادر مطمئن نمی‌دانستند فامیل من هست.

هیچ‌وقت پیش نیامده که شما از ابزاری که در اختیار دارید که مهم‌ترینش

این است که شما می‌توانید راحت اختصاص بودجه بدهید و بعد از این ابزارتان برای انتصاب فامیلی یا غیرفامیلی در استان‌تان استفاده کنید؟

اینکه بگویم مورد توجه مسئولان دولتی نبودم حرف درستی نیست، ولی اینکه بخواهم از این ابزار در انتصاب‌های فامیلی استفاده کنم حتماً چنین چیزی نبوده. شما حتی یک فامیل نزدیک من را نمی‌بینید که در استان ما منصوب شده و مسئولیت داشته باشد، ولی البته بستگان معترضان محترم در مرکز کشور و استان‌های مختلف مسئولیت گرفته‌اند.

بقیه مسئولیت‌های لیست کوچک است. مهدی تاج‌گردون کیست؟

مهدی تاج‌گردون را ببخود نوشته‌اند چون اصلاً بیکار است. همسرش نمایندگی بیمه دارد و با ایشان کار می‌کند. ۱۰۰ نمایندگی بیمه در گچساران است و همه می‌توانند نمایندگی داشته باشند. همسر ایشان هم دارد.

نوشته‌اند مدیر نمایندگی بیمه‌گران ایران؟

این هم از آن حرف‌های دروغ است.

یاسر فرزین چه نسبتی با شما دارد؟

مادر یاسر فرزین دختردایی من است، یعنی پسر دختردایی من می‌شود. من گفتم درباره‌ی کل خاندانم باید جواب بدهم! یک لیستی به شورای نگهبان و شعبه دادم. تمام برادرها و خواهرها، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها، عموزاده‌ها، دایی‌زاده‌ها، خاله‌زاده‌ها، پسرعموها، پسرعمه‌ها و پسر پسرعمه‌ها و دختر دخترعمه‌ها و همه لیست را دادم به آن‌ها و گفتم این لیست کل فامیل و خاندان من هستند. گفتند چرا این قدر نوشتید؟ گفتم که دنبال کسی نگردید. شاید بشوند ۴۰۰ نفر. گفتم شما رفتید کل فامیل‌های من را گشتید و پنج نفر پیدا کردید، تصمیم گرفتم خودم لیست بدهم که شما خسته نشوید!

نوشته‌اند فاضل امینی برادر داماد و مدیر باشگاه فرهنگیان، ایشان کیست؟

بازنشستگان گچساران یک رستوران و باشگاه دارند. کانون بازنشسته‌ها ایشان را گذاشتند مسئول این رستوران یا باشگاه. ایشان خودش بازنشسته است و ۷۰-۶۰ سال سن دارد. اینکه آنجا گذاشته‌اند به من چه ربطی دارد؟ مسئول یک رستوران یا باشگاه در کانون خودشان مسئولیت مهمی است؟

این شاید جالب‌تر باشد برادر داماد نماینده مدیر پروژه آبرسانی به دشت

امامزاده جعفر و خان احمد.

یک آدم فنی آنجا دارد کار می‌کند به عنوان مدیر یک پروژه. این می‌شود رانت‌خواری و شبکه؟

نوشته‌اند داماد شما مدیر بیمه‌های تجارت است. فکر می‌کنم بیمه تجارت

منطقه گچساران باید باشد.

دختر برادر من در تهران ازدواج کرده با یک نفر که خودش در بیمه تجارت کار می‌کند و اهل قم هست. نمی‌دانم که چطور رفتند این را پیدا کردند. ایشان قبل از اینکه با دختر برادر من ازدواج کند در بیمه ملت کار می‌کرد. این‌ها گشته‌اند و هر کس هر گوشه کار می‌کرده اسمش را آورده‌اند. بعید می‌دانم مسئولان آن بیمه بدانند ایشان با من نسبتی دارد.

پس یعنی ورود خانوادگی هم داشتند؛ یعنی جاسوس خانوادگی هم دارند!

اصلاً این بنده خدا کارشناس است و ۲۰ سال دارد در بیمه‌های کشور کار می‌کند. ایشان مشغول به کار بود که با خانواده ما آشنا شد و ازدواج کردند. به خاطر من نرفته سر کار. این یک شرکت خصوصی است به نام بیمه تجارت.

اخب اینجا گفتید که پتروشیمی گچساران فقط یک نفر کار می‌کند و آن هم محسن از خانواده ما بله.

ااین میلاد کرمی کبه و داستانش؟
جزء آن ۸۰۰ نفر کارمند گچساران است. میلاد کرمی را چه زده‌اند؟

ادایی زاده نماینده.
مادر بزرگ میلاد کرمی، پدرش دختردایی پدر من می‌شود. اگر توانستی این رابطه را در فامیل خودت پیدا کنی!

ابله. من فکر می‌کنم حکایت جذابی باشد. می‌گویند ایشان در کارتل رسانه‌ای شما است؟
کارتل رسانه‌ای چیست؟

اکارتل را من می‌گویم. اینجا از این جهت که یک مجموعه است و رسانه‌ای در واقع شما دارید به عنوان حمایت از خودتان.
این بد است یا خوب؟ به هر حال ارتباط با اصحاب رسانه خوب است یا بد؟ اگر رابطه نداشته باشیم می‌گویند ضد رسانه است. اگر داشته باشیم می‌شود کارتل رسانه‌ای. نمی‌دانم به چه ساز آقایان باید برقصیم.

ااین داستان نشست رسانه‌ای که در وزارت ورزش داشتید چیست؟ گفتند یک نشست بوده و رسانه‌ها را یک مسئولی جمع کرده بود تا از شما دفاع کنند.
چطور؟

ابحث بود یک نشست رسانه‌ای در وزارت ورزش بوده است و بعد وسط داستان شما رفته‌اید در جلسه.
همان که رویداد ۲۴ نوشته بود؟

ابله.
بینید یک گروهی از شبکه‌های خبری مجازی و پایگاه‌های خبری که ۸-۷ تایی بودند و با هم گعده داشتند، به من زنگ زدند و گفتند تشریف بیاورید و این موضوع را بگویید. من رفتم آنجا و موضوع را کامل برای‌شان توضیح دادم. آخرش گفتند ما چه کاری می‌توانیم بکنیم. تشکر کردم و گفتم شما هیچ کاری نکنید تا من از خودم دفاع کنم، بعد از اینکه این مسائل تمام شد در خدمت‌تان هستم. شما دقت کنید ببینید تا زمانی که کمیسیون

تحقیق به من رأی نداد هیچ‌جا مصاحبه نکردم. همه تمایل داشتند ولی من بعد از رأی صحبت کردم که ربطی هم به وزارت ورزش نداشت.

یعنی شما هیچ ساماندهی رسانه‌ای انجام نداده بودید؟

رسانه من اینستاگرام بود. اگر شما دقت کنید مصاحبه‌هایی که من انجام دادم پخشش از اینستاگرام خودم بوده، ولی آقایان و تیم‌شان رفتند خبرگزاری مهر که بودجه می‌گیرد و لایو گذاشتند در جهت تخریب من.

بگذارید این بحث را تمام کنم می‌گویند حمیدرضا گوهرگانی داماد نادر تاج‌گردون، با رانت شما سرپرست اداره دامپزشکی سروستان شده است. ماجرا چیست؟

ایشان فکر کنم تا الان سی سال سابقه خدمت دارد و از این سی سال تنها ۲۸ سالش مدیر بوده است. من هم نمی‌دانم که سروستان بوده. ایشان الان پنج شش سالی هست که آمده شیراز. یک پیام برای من فرستاد. اگر پیامش را برای شما بخوانم جالب است. وقتی که این گزارش را دیده بود برای من این پیام را فرستاد: «سلام، دکتر فتحی (رئیس اداره دامپزشکی سروستان) می‌خواست در انتخابات حوزه سروستان شرکت کند که من چهار ماه رفتم به جای ایشان و برگشتم جهت اطلاع.» اصلاً من هم نمی‌دانستم.

پس یک دوره کوتاه چهار ماهه ایشان سرپرست بودند؟

بله! آقای فتحی می‌خواست در انتخابات سروستان شرکت کند و ایشان به مدت چهار ماه به جای فتحی حکم می‌گیرد و الان در شیراز مدیر است. بنده خدا الان حدود ۵ سال است که از گچساران رفته. شانزده سال رئیس دامپزشکی گچساران بوده، از دوره نماینده‌های قبلی تا زمانی که من نماینده شدم از گچساران رفت.

مسئولیتش در گچساران که بیشتر و مهم‌تر بوده.

واقعاً ببینید این طنز ماجرا هست و تلخ است. مثلاً می‌گویند آرش حبیبی پسرخاله من است. ببینید آرش حبیبی پسرخاله من نیست و پدرش پسر دخترعمه من هست یعنی نوه دخترعمه من.

ببینید این آدم ۲۶ الی ۲۷ سال سابقه دارد و کارهای مختلفی کرده، همشهری من است و فامیل دور من! بله دوستم دارند و دوست‌شان دارم و بالأخره هوای آن‌ها را دارم. اینکه بگویم زندگی‌اش به من ربط دارد همچین چیزی نیست ولی مسئله این است که همه زندگی ایشان را به من ربط می‌دهند. من نمی‌دانم آقای زاکانی اصلاً خاله دارد، فامیل دارد، اصلاً داشته باشد به من چه ربطی دارد؟ دنیای سیاست امروز دنیای کثیف و بی‌اخلاقی

شده است. بعضی وقت‌ها تجسس می‌کنند در زندگی مردم. واقعاً می‌گویم مصداق عینی دستمال کثیف همین افراد هستند. مگر دستمال کثیف یعنی چه؟

معارضان اسم فرهاد جعفری را می‌آورند که عموزاده شماس است و مسئولیتی در شرکت نفت دارد.

عموی فرهاد جعفری می‌شود شوهر دختر عمه من. لطفاً اسمش را کامل بنویسید: فرهاد جعفری. اسم پدرش محمد حسین هست. محمد حسین جعفری برادر حاج حسین جعفری هست. حالا حاج حسین جعفری که صدسالش بود و هفته پیش فوت کرد شوهر دختر عمه من است. دختر عمه من هم حدود ۲۰-۱۵ سال پیش فوت کرده است. اگر این نسبت می‌شود پسرعمو؛ بله ایشان پسر عموی من هستند!

مدیر منابع انسانی و مدیرعامل باشگاه ورزشی شرکت بهره‌وری نفت و گاز گچساران بوده که به دلیل تخلف فعلاً عزل شده است.

اصلاً اعدامش کنند، به من چه ربطی دارد! ایشان کارمند شرکت نفت هستند و می‌دانید که سیستم طبقه‌بندی شرکت نفت خاص است و کسی نمی‌تواند در آن دخالت کند. ایشان ۳۰ سال است که مدیر ارشد شرکت نفت هست.

این آخرین مورد است؛ ساسان حبیبی نژاد برادرخانم ساسان تاج‌گردون.

بینید سیستم شرکت نفت کلاً به ما ارتباطی ندارد که چه جوری رشد می‌کند، چون باید رده‌های سیستمی را طی بکند. فکر کنم قبل از اینکه ساسان برادر من با خواهر ساسان حبیبی نژاد ازدواج کند او از مدیرهای نفت بود. بعد ایشان الان چه کاره است؟ رئیس دفتر مدیرعامل. جوری می‌گویند مثل اینکه مدیر یک تراست نفتی است.

رئیس دفتر و دبیر هیئت مدیره شرکت بهره‌وری نفت و گاز گچساران.

رئیس دفتر پست خیلی مهمی است؟

مدعی هستند شرکت نفت و گاز تاج‌گردون‌های زیادی دارد. بعد می‌رسیم به رهام عباسی باجناق حمید تاج‌گردون.

حتی یک تاج‌گردون از گذشته تا حال در شرکت نفت نداریم. در صورتی که کل خانواده‌های گچساران حداقل یک نفر در شرکت نفت و گاز گچساران دارند.

با واسطه دارید؛ رهام عباسی باجناق حمید تاج‌گردون.

همین رهام عباسی که جزو مدیران نفت بوده نسبت فامیلی‌اش با من این‌طور است:

شوهر دخترعموی زن داداش من. مثلاً زن داداش شما کیست؟ دخترعمویش کیست؟ حالا همسر یک نفر دیگر هست. متوجه هستید چه می‌گویم؟ مثلاً من برادری دارم و او یک زنی دارد و آن زن دخترعمویی دارد که آن دخترعمو زن یک نفر دیگر است؛ حالا آن نفر را می‌گویند فامیل نزدیک من!

آن فامیل جاسوس تان گویا خیلی خانواده را نمی‌شناسد!

نه! می‌دانم اینجا مثلاً می‌نویسند باجناق. طرف مثلاً زنش مشهودی است و می‌گوید ما با هم باجناق هستیم و نسبت هم این است که داریم.

یک نفر به اسم راستی پور در گزارش‌ها آمده در شرکت نفت و گاز که نوشته شده دایه‌زاده نماینده!

ایشان حتماً با سه پشت و چهار پشت یعنی از این‌هایی که گفتم ببر آن‌ورتر و از لحاظ طایفه‌ای به مادر من می‌خورند.

این که دیگر خیلی خنده‌دار است. نوشته‌اند احسان امینی خواهرزاده نماینده

است و رانتش این است که مشاور طرح خیابان شهید بلادیان گچساران شده! احسان امینی دکترای برنامه‌ریزی شهری دارد و کارمند پیام نور فارس هست و با شرکت‌های مشاوره هم کار می‌کند. ایده خیابان بلادیان گچساران را این آقا به من داد. اجرای این طرح افتخار گچساران است. بهترین طرح شهری من است؛ بدون یک ریال چه رسمی و چه غیررسمی. این ایده را داد. حتی یک جا بیان شد قرارداد پیمانکاری بستیم. یک دروغ بزرگ. من از این پسر تقدیر کردم که این ایده را به من داد نه کاری در گچساران می‌کند و نه مشاور در گچساران است. ایده‌اش را به من داد. من در مراسمی از این شخص تشکر کردم.

اجازه بدهید ورود کنیم به بحث باغ‌ها و زمین‌ها. می‌گویند بخشی از اموال خاندان شما باید واگذار می‌شده و واگذار نشده بوده که اسم می‌آورند به عنوان زمین‌های غصبی که در مستندات هم آمده است.

گزارش دادند غصبی بوده، اگر غصبی بوده که باید می‌گرفتند. در دوره ما زمین‌های مان کمتر شده که بیشتر نشده است و می‌توانیم ثابت کنیم. زمین‌های ما هم از سال ۳۶ در تصرف ماست می‌گویند این زمین‌ها باید داده شود. ۳۵۰ هکتار که دادند و کشاورزان دارند روی‌شان کار می‌کنند. سال ۸۹ مادرم شکایتی کرد که این زمین ۵۰ هکتاری مال ماست، این پرونده را ما تشکیل دادیم و ما شاکعی هستیم که اگر زمین مال دولت است خوب نباید بگیرد. دعوا ندارد که. بروند حکم بگیرند. زور ما از وزیر کشور یا آملی‌لایجانی بیشتر است؟ هم مردم و هم دولت می‌دانند جایی که ۶۰ سال است دارند رویش کار می‌کنند از سال ۳۶ تا ۹۹.

ا در حوزه فرهنگی بحث سینما را همین جا مطرح کنیم. شما گفتید این سال‌های آخر دغدغه فرهنگی داشتید و بحث فرهنگسرا هم این اواخر مطرح شد. چه شد که رفتید سراغ سینما و آن پیشنهادی که به سازنده دادید با چه پیشینه‌ای از ایشان بوده است؟

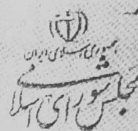
اتفاقاً بحث خوبی هست و از موضوعاتی که بهش پرداخته شد همین موضوع است. من بزرگ‌شده آن شهرم و تاریخ آن شهر را دارم. قبل از انقلاب شهر ما سه تا سینما داشت، بعد از انقلاب سینما نداریم. در مرکز قدیمی شهر سینمایی بود که بچه‌های آن شهر - نسل‌های قبل و بعد از من - با آن رابطه داشتند که این سینما سال‌ها همین‌جوری مانده بود. نظر این بود که سینمای خوبی برای شهر بسازیم و روی موضوع کار کردیم که این سینما ساخته بشود. اول سینما را بررسی کردم و رفتم سازمان تبلیغات. رئیس سازمان تبلیغات وقت آقای خاموشی بودند. ایشان گفتند «سینماساز، سینمانگهدار»ی را بیاورید که به او بفروشیم. نفر قبلی بدهی به بانک داشت و روز به روز هم افزایش پیدا کرده و سازمان تبلیغات هم بدهکار بانک شده بود. چون نفر قبلی وام گرفته بود روی سینما و قسط‌هایش را پرداخت نکرده بود.

من و چند نفر دیگر پیگیر احیای سینما شدیم. در تهران با آقای محترمی که بچه شهرستان بود و در موضوعات سینما کار می‌کرد صحبت کردم و ایشان را فرستادم جلو. همه مراحل را انجام داد تا لحظه آخر که گفت نمی‌دانستم که این ملک صادره‌ای هست و نمی‌توانم در ملک صادره سرمایه‌گذاری کنم. گفت هر کس هرچقدر بخواهد از جیب خودم می‌دهم که آن را بسازد. پول می‌دهم ولی این را بپذیرید که من نیایم. واقعاً هم نیامد. اتفاقاً داستان جالب شد. یکی از کسانی که خیلی از این پرونده‌سازی‌ها کار ایشان است، یک روز پیشم آمد و گفت سینما را برای من جور کن. خلاصه کلید کرد که ما این سینما را برایش بخریم. من هم معرفی‌اش کردم به سازمان تبلیغات. آقای خاموشی به من زنگ زد و گفت آقای تاج‌گردون این آقا که معرفی کردید ما حرفی نداریم، آخوند سینما نمی‌سازد و می‌خواهد یک زمین بگیرد و بخورد ولی ما زمین را می‌خواهیم بدهیم سینما. آن زمان سینما دوتکه بود؛ سینمای تابستانه و سینمای زمستانه. در ذهن من این بود که این سینمای دوتکه با هم هست. این مرد رفت و از قیمت مترژ پرسید. آقای خاموشی به من گفت ایشان در مورد موضوع سینما هیچ چیزی نمی‌داند و ما قبول نمی‌کنیم، بهتر است شما هم پیگیر موضوع نباشید. خاموشی تأکید کرد من آخوندم و می‌گویم آخوند سینماساز نیست. آقای کمالی سروستانی را از زمان سازمان برنامه فارس می‌شناختم و در جریان بودم که پردیس فرهنگی سینما در شیراز و تهران راه انداخته، بنابراین خواهش کردم که در شهر ما سینما

بسازد. ایشان گفت که در گچساران سینما توجیه اقتصادی ندارد. خواهش کردم و اصرار که کمک می‌کنیم از طریق شهرداری و شورای شهر. رفتند و سینمای آنجا را دیدند. خلاصه انگیزه ایجاد شد و می‌آمدند گچساران اما برخورد خوبی با ایشان نمی‌شد. الان در شیراز کسی که می‌خواهد سینما بسازد تمام مجوزهای تجاری را مجانی بهش می‌دهند اما گچساران این جوری نیست. ما هم گفتیم مثل شیراز یا مثل تهران عمل کنید و خلاصه شهرداری کمک کرد. البته بعدها وسط‌های پروژه شهرداری به ایشان گیر داد و مقداری هم اذیت کردند. بعد آن آخوند شروع کرد به داستان درست کردن. ما اینجا آقای کمالی را معرفی کردیم به سازمان تبلیغات، اهداف و اهلیت‌ش را تأیید کردند که می‌تواند این کار را انجام بدهد. چون یکی از موضوعات ما اهلیت بود. آمدند کارشناسی کردند و دو بار رفت کارشناسی. کارشناس رسمی آمد و بدهی بانک را داد و طبق ضوابط زمین را خرید و کار را شروع کرد.

خلاصه شروع کرد به ساختن اما دیدیم در این گزارشات نماینده سابق که رقیب من در این انتخابات بود در مصاحبه گفته تاج‌گردون سینما را داده به آقای کمالی سروستانی که خواهرزاده‌اش احسان امینی داماد آقای کمالی است، در صورتی که می‌داند همسر خواهرزاده من چه کسی است. چقدر افراد بی‌تقوا و بی‌دین هستند. به آقای نجابت که جزء معترضان بود گفتم تو که بچه شیرازی چرا، تو که کمالی سروستانی را می‌شناسی و می‌توانستی سؤال کنی که خواهرزاده من داماد کمالی هست یا نیست؟ بعد گفتند که آقای تاج‌گردون خودش زمین را خریده است. گفتم ما این همه زمین به فقرا دادیم، بهترین خانه پدری را کلینیک کردیم و اهدا کردیم به دولت، از بهترین خانه‌های پدری در گچساران را کردیم حسینیه، یک دارالقرآن ساختیم و به اسم مادرم به آموزش و پرورش اهدا کردیم، دو تا مجتمع فرهنگی با پول خودم ساختم برای جوانان و حالا چشم طمع به ۶۰۰ متر زمین دوختم؟ حالا یکی از موضوعات مهم این بود که آقای تاج‌گردون خواهرزاده‌اش داماد این هست یا نه. بعد در جلسه گفتم دست آقای کمالی را بوسیدم و می‌بوسم که شهر ما این سینما داشته باشد. معترضان گفتند تو گفتی که عوارض نباید بگیرد، گفتم هنوز هم معتقدم نباید بگیرند و این قانون هست. حالا تنگ نظری شهرداری یا شورا هم نمی‌گذارد کار مردم حل شود، پرونده تشکیل می‌دهند و این آقایان مسئله‌دار هم بزرگش می‌کنند. داستان سینمای شهر ما این است و ریشه‌اش یک آخوند کم‌تقوا است که با دروغ‌گویی می‌خواست سینما را «هاپولی» کند اما گیرش نیامد. نه تنها سینما بلکه موضوعات دیگری که بعدها شروع شد از اینجا استارت خورد.

حکم مربوط به سینما


 مجلس شورای اسلامی ایران

تسبیح بر نامه، بودجه و محاسبات
 برادر گرامی جناب آقای مهدیس فیلی
 معاون محترم تمامی استانداری استان کویلوپه و بویر احمد

برادر گرامی جناب آقای دکتر ظفری
 شهردار محترم دوکندان
 با سلام و احترام

ضمن ارسال نامه جناب آقای کوروش کمالی سروسنالی سرمایه گذار سینما پارس گیساران در رابطه با
 تعدید پروانه مجتمع در حال ساخت بدون از دریافت هر گونه وجهی جهت رفع مشکل و موافقت با درخواست
 ایشان به حضورتان ایفاد میگردند.

همانگونه که مستحضرد سینما پارس گیساران از جمله سینماهای قدیمی کشور بوده و سالیان طولانی به
 دلیل نگهداری به شکل غیرکاربردی و همچنین عدم توجه اقداماتی تعطیل گردیده که با تلاشهای صورت
 گرفته و جذب سرمایه گذار، آن هم در شرایط کسوف موجب شروع به ساخت محلی پر خورشان مردم شریف و
 جوانان عزیز شهرم گردید.

این در صورتی است که این مهم می بایست با ایجاد ساز و کار مناسب و اتخاذ تصمیم صحیح در جهت رشد و
 توسعه فضای فرهنگی و حمایت از سرمایه گذار برای به نتیجه رسیدن طرح در کترین زمان و صرف کمترین
 هزینه انجام میگرفت ولی متأسفانه صدور دستورات اشتباه موجب خلل در انجام امورات جهت بهره برداری طرح
 مذکور گردیده است.

خواهشمند است با توجه به اهمیت موضوع با قید آن نهایت همکاری را در زمینه رفع مشکل میسرول و انتحابی
 را از نتیجه آخرین اقدامات مطلع نمایید.

فیلا از عنایت شما به موضوع و اعلام نتیجه سیاستگذاری می نمایم.

ارادتمند
 غلامرضا تاج کرکون
 نماینده مردم شریف گیساران و بافت و
 رئیس تسبیح بر نامه و بودجه و محاسبات
 مجلس شورای اسلامی

شماره: ۱۱۷۷۸
 تاریخ: ۱۱/۱۷/۹۷
 بیت

آقای نگین تاجی همکار شما در سازمان برنامه در یاسوج است. به هر حال اسنادی هست که لازم است توضیح دهید.

بحث مربوط به سال ۷۲ است. آقای نگین تاجی همکار من بود که آوردمش سازمان. یک پسر مسلمان و معتقد و مؤمن و درست حسابی بود. مهندس خوبی بود و خوب درس خوانده بود. من هم در آن دوره نیروهای زیادی را جذب کردم که یکی از آنها نگین تاجی بود. در ادامه راه اما اغفال شد و بعضی از پیمانکارها به او رشوه دادند و چیزهایی هم گرفته بود که من هم تا مدت‌ها باور نمی‌کردم که چنین کاری کرده باشد. بعضی‌ها می‌خواستند یک جوری این قضیه را به من بچسبانند و او را تحت فشار بگذارند که این رشوه را گرفتم و دادم به تاج‌گردون. کی این اتفاق افتاد سال ۷۲ و آن سال من هیچ‌کس را نداشتم و واقعاً تنها بودم. استاندار و نماینده ولی فقیه در استان همه با من بد بودند. آقای نگین تاجی هم تحت فشار بود.

یعنی از همان دوره می‌خواستند این فشار را به شما بیاورند؟

بله، از همان موقع است که این متن‌ها را نوشتند. اتفاقاً یک روز که شیراز بودم به من گفتند از یاسوج دعوت کردند دادگاه. من هم رفتم دادگاه یاسوج. قاضی و دادستان حضور داشتند. آقای نگین تاجی را آوردند و گفتند شما این حرف را زدید که رشوه گرفتید و دادید به آقای تاج‌گردون. برای اولین بار بود که این بحث را مطرح کردند. آقای نگین تاجی هم گفت این دروغ است، آقای تاج‌گردون اگر می‌فهمید که من چیزی گرفتم خودش پدر مرا درمی‌آورد. قاضی هم باهش کمی تند حرف زد. ولی گفت اگر اعدام بکنید می‌گویم این قضیه منتفی است. خلاصه قاضی دید چیزی نیست و حکمی هم داد علیه آقای نگین تاجی. مال من نوشته اصلاً موضوعیت ندارد. بعد هم گفتند آقای نگین تاجی فوت کرد یا نکرد نمی‌دانم، به هر حال ابهامی در موضوع بود.

حالا یکی از بحث‌ها این هست که در این فرایند سر به نیست شد.

این‌ها که این حرف‌ها را می‌زنند بخصوص نماینده‌های دوره قبل که ادعا کردند رفتارشناسی محلی را می‌دانند و متوجه بودند که این موضوع منتفی است و ربطی به من ندارد، با این روش دنبال فتنه‌ای در طوایف هستند. برادرش نامه‌ای نوشته که در اسناد هست. برادر بزرگ‌تر آن شخص که سال‌ها قبل هم این را نوشته، گفته بود دنبال فتنه نباشید. اصلاً برادر او اهل این نیست که شما دارید به این راحتی درباره‌اش حرف می‌زنید. از سال ۷۲ تا ۹۹ که ۲۷ سال می‌شود، حالا بعد از ۲۷ سال یادت آمده که مثلاً تاج‌گردون او را سر به نیست کرده. مگر نگین تاجی خانواده و کس و کاری نداشت که شما مدعی‌العموم یکپو پیدای تان شده. می‌دانند که این موضوع کذب هست. بالآخره دادگاه داشته. کلاً دنبال یک فتنه جدید در منطقه ما بودند که بین این خانواده‌ها اختلاف بیندازند و همیشه این شیوه را عمل کرده‌اند و فتنه راه انداخته‌اند. خوشبختانه خانواده نگین تاجی هوشمند بودند و سریع واکنش نشان دادند. نماینده قبلی عجله کرد و مصاحبه

کرده بود که موضوع از این قرار است. مشخص است که ریشه فتنه‌ای دارد. چه اتفاقی افتاد، اصلاً خانواده‌اش بروند شکایت کنند و پرونده‌اش را در بیاورند و ببینند. بعد از ۲۸-۲۷ سال تازه آقایان پادشان آمده؛ درست مثل پدربزرگ من که می‌گویند سال ۱۲۹۰ یکی را کشته و حتماً ۵۰-۴۰ سال بعد در مورد پسر من بیایند این حرف‌ها را بزنند. چهل سال دیگر نوه من می‌خواهد نماینده مجلس بشود بیایند بگویند که پدربزرگت سال ۱۳۷۲ یکی را کشته و آن وقت پسر پسر من چطور ثابت کند که آقا داستان این نیست و من باید همه این‌ها را نگه دارم. مثلاً یکی از دلایلی که باید این‌ها مستند شود همین است. حالا مستندش این است که آقا یک روز حرف زده و رد شده، حداقل نوه من ۴۰-۳۰ سال دیگر تیرئه بشود لازم می‌شود. ما باید این‌ها را با خودمان تا قیامت بکشیم.

ا شما با آقای علی‌رضا حیدرآبادی‌پور شرکت مشترک داشته‌اید؟ معترضان ادعا کرده‌اند...
نه، حیدرآبادی عضو هیئت مدیره بانک سپه بود.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

آقای تاج گردون در موسسه کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی به شماره ۵۱۳ و شناسه ملی ۰۱۰۱۰۰۰۷۰۸۷۸ با آقای ولی اله سیف و چند نفر دیگر از اخلاص گران اقتصادی شریک هستند. آقای تاج گردون در شرکت پتروامیدآسیا با علیرضا حیدرآبادی‌پور رئیس بانک سرمایه فراری به اسپانیا و ... شریک هستند. آقای تاج گردون در شرکت پتروامیدآسیا با آقای پرویزیان مدیرعامل بانک پاسارگاد شریک هستند. ردپا و نقش ایشان در پرونده بانک سرمایه تا جائیکه در جلسه دادگاه آقای قهرمانی دادستان می‌گوید: «آن آقای فامیل و صاحب منصب شما توضیح دهد چرا حیدرآبادی را به بانک سرمایه تحمیل کرد» و همه کسانی که ایشان را می‌شناختند منتظر احضار و تفریم اتهام ایشان (آقای تاج گردون) بود ولی متأسفانه خبری نشد (مستند پیوست ۶) دقت نظر لازم است که مطابق آگهی بند ب قسمت ۱، ایشان با آقای حیدرآبادی شرکت مشترک داشته و هر دو از سالیان قبل عضو هیات مدیره پترو امید آسیا بوده اند که اوج تخلف آن شرکت بوده است (سند پیوست ۷). بررسی گزارش کار پرونده بانک سرمایه واقعیت عدیده از ایشان را افشاء می‌کند. مافیای قیر هم مسئله اصلی ایشان است که اسناد آن در دسترس نیست.

ا در اسنادی که علیه شماست نوشته شده بانک سرمایه.
نه! نوشته مدیرعامل بانک سرمایه. آن موقع که در پتروامید عضو هیئت مدیره بودم، ایشان به عنوان عضو هیئت مدیره بانک سپه مشغول بوده. ایشان در کشور مدیر بوده که آخرینش هم بانک سرمایه بوده است.

دورهٔ بانک سرمایه دیگر ارتباطی با هم ندارید و ارتباطتان قطع می‌شود؟
 نه؛ البته می‌شناختم ایشان را ولی ارتباط خاصی نداشتیم.

از لحاظ اقتصادی هم ارتباطی نبوده است؟

نه از لحاظ اقتصادی و نه کاری. ولی همدیگر را می‌دیدیم. بالأخره مدیرعامل بود. مثلاً الان مدیرعامل بانک ملی یا مدیرعامل بانک سپه با من رفیق هستند. اگر برای‌شان اتفاقی افتاد بگویند چون با هم رفیق هستید مقصر آقای تاج‌گردون هست! آقای حیدرآبادی ربطی به من ندارد. اصلاً معلوم است که لینک‌های حیدرآبادی چه کسانی هستند. در مملکت به آن‌ها چیزی نمی‌گویند. سر بسته بگویم حیدرآبادی بچهٔ کرمان هست و معلوم است لینک‌شان چه کسانی هستند.

شما را متهم کرده‌اند که بخشی از مافیای قیر هستید. با مرور شرکت‌هایی که حتی به شما نسبت داده‌اند هم من چیزی مرتبط با قیر ندیدم. شما چه رابطه‌ای با موضوع دارید؟

والا من هم نفهمیدم که داستان مافیای قیر چیست. یک دوره همشهری ما آقای دلاویز مدیرعامل قیر پاسارگاد بود که پرونده‌هایی قبل یا بعد از دلاویز دربارهٔ قیر تشکیل می‌شود. پروندهٔ فساد یا هر چیزی که تشکیل می‌شود تنها وجه اشتراکش آقای دلاویز است که آنجا بوده. یا مثلاً یکی از همشهری‌های من بعد از ۷-۶ سال که از آن جریان می‌گذرد آنجا دارد کار می‌کند. حالا مافیای قیر چه ربطی به من دارد نمی‌دانم. ثابت کنند من یک تن قیر گرفتم بردم. همه‌شان هم می‌دانند که اصلاً چنین چیزی به من نمی‌خورد، فقط می‌گویند این برده و آن داده. این حالا چه ربطی به من دارد. اگر شما این گزارش را بخوانید متوجه می‌شوید که تاج‌گردون این وسط چه کاره هست. حکم متهمان پروندهٔ مافیای قیر صادر شده اما از جان من چه می‌خواهند نمی‌دانم.

مافیای قیر از طریق روابط پنهان اطرافیان تاج‌گردون و نفت پاسارگاد

▲ وقتی محسن دلاویز به مدیرعاملی نفت پاسارگاد رسید و زمانیکه یاسر فرزین در سال ۹۷ به مدیریت فروش نفت پاسارگاد رسید، یکی از نهاد های بازرسی گزارش هشدارآمیزی از روابط پنهان اطرافیان تاج‌گردون و نفت پاسارگاد (بزرگترین تولیدکننده قیر خاورمیانه) در فروش قیر منتشر کرد.

▲ در سال ۹۲ محسن دلاویز به مدیریت نفت پاسارگاد رسید؛ وی برادر احسان دلاویز از مجرمان پرونده فساد بانک سرمایه است که مشاور امور جوانان رئیس دولت اصلاحات بود و به جرم معاونت در خلال در نظام اقتصادی کشور به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم شد.

پیشتر در دادگاه رسیدگی به اتهامات احسان دلاویز گفته شد شرکت قیر هرمز پاسارگاد زیر مجموعه نفت پاسارگاد بوده است و در آن ضمانت نامه‌هایی از بانک رفاه اخذ شده که در شرکت هرمز پاسارگاد تبدیل به قیر صادراتی و از کشور خارج شده است. بر اساس محتوای این گزارش به حضور زیر پوستی یاسر فرزین، پسر دختر دایی تاج‌گردون در منابع قیر فروش پاسارگاد اشاره

شده و نکته حائز اهمیت این است که فرزین از طرف شرکت فرآورده های قیری هرمز پاسارگاد در صنایع قیر فروش پاسارگاد عضویت دارد. یعنی یک مافیای چرخشی در صنعت نفت کشور که پسر دختردایی تاج‌گردون، هم مدیر فروش شرکت نفت پاسارگاد اس و هم عضو هیأت مدیره قیر فروش پاسارگاد و هم نماینده قیر هرمز پاسارگاد.

وقتی این سیطره مافیایی معنی پیدا می کند که ببینید یاسر فرزین به عنوان نماینده چه کسی و برای پر کردن جای خالی چه کسی این طور زیرپوستی به صنایع قیر کشور در شرکت مادر نفت پاسارگاد وا رد شده است؟

▲ متن نهایی قوه قضائیه : نقش تاج‌گردون و محسن دلاویز در خرید پورشه برای احسان: حق الزحمه رانت نفت پاسارگاد

▲ محسن دلاویز آذر سال ۹۲ بعنوان مدیرعامل نفت پاسارگاد انتخاب شد و طبق آنچه سازمان بازرسی طی سه گزارش به آن پرداخته، تخلفات عدیده ای را آغاز کرده است. اما این فساد در دادگاه احسان دلاویز عیان شد. وقتی نماینده دادستان بارها در متن کیفرخواست احسان دلاویز اعلام کرد نفت پاسارگاد و برادرت محسن دلاویز حیاط خلوت فساد بوده است.

▲ نماینده دادستان به خوبی نقش تاج‌گردون بعنوان پدرخوانده این مافیا را عیان می کند. جایی که در گردشکار حکم آمده است که فردی به نام مهدی محمدی از متهمان اعتراف می کند: « در مورد خرید پورشه که آقای امامی از من خریداری کردند اما کی شناسنامه آقای دلاویز را به بنده دادند»

چند خط بعدتر افشا می شود چرا امامی متهم بزرگ بانک سرمایه برای دلاویز پورشه خریده است: « آقای دلاویز از طریق آقای تاج‌گردون یک کاری را برای امامی انجام داده بودند»

▲ متن قوه قضائیه در مورد فساد تاج‌گردون- دلاویز در نفت پاسارگاد: در متن گردشکار حکم دادگاه آمده است دلاویز از طریق آقایی تاج‌گردون برای امامی کاری انجام داده بود.

در جای دیگر متن گردشکار حکم دادگاه آمده: « محسن دلاویز(مدیرعامل نفت پاسارگاد) در سال های ۹۳ و ۹۴ بعنوان مدیرعامل نفت پاسارگاد ضمانت نامه ها را به کالاهای قیر مادرانی تبدیل کرده است.

کار پاق کن تاج‌گردون طبق گزارش قوه قضائیه رانت بزرگ در فروش قیرمادرانی با ضمانت های صادره از شرکت سرمایه گذاری فرهنگیان و بانک سرمایه برای امامی در نفت پاسارگاد صادر می کرده است. در متن صادره از قوه قضائیه آمده است: افراد غیر خودی چنین رانتی نداشتند.

▲ به زبان ساده اموال عمومی کشور که در دستان محسن دلاویز بوده با مدیریت تاج‌گردون برای اشخاصی مانند امامی متهم بزرگ بانک سرمایه حراج شده است. تاج‌گردون در تمام این مدت به دادگاه فشار می آورد که نامش منتشر نشود تا جایی که نماینده دادستان عنوان می کند تاج‌گردون حتی حیدرآبادی را به بانک سرمایه تحمیل کرده و دلاویز به تنهایی ۲۰۰ میلیارد تومان از رضوی می گیرد.

▲ نفت پاسارگاد زیر مجموعه شرکت تاپیکو (شرکت نفت و گاز و پتروشیمی تأمین اجتماعی) می باشد که آقای سید پندار توفیقی از طرف غلامرضا تاج‌گردون در شرکت تاپیکو به عنوان عضو هیئت مدیره مشغول فعالیت شبکه مافیای قیر زیر مجموعه تاج‌گردون بوده است.

▲ نقش یاسر فرزین در فسادهای شرکت های زیر مجموعه نفت پاسارگاد را می توان در گزارشات سازمان حسابرسی در مورد شرکت نفت پاسارگاد و شرکت های تابعه آن شاهد بود که در این گزارشات آمده است.

گزارش سازمان حسابرسی تاریخ ۹۸/۰۲/۳۱

شرکت فرعی نفت پاسارگاد طی ۶ ماهه نخست سال مالی مورد گزارش معادل ۳۵۵,۷۹۲ تن محصول قیر به مبلغ ۵,۴۷۰ میلیارد ریال (معادل ارزی ۱۱۳/۸ میلیون دلار) از طریق رینگ صادراتی بورس کالا عمدتاً به شرکت فرعی فرآورده های قیری هرمز پاسارگاد تماماً به صورت ریالی فروخته است. متعاقباً شرکت هرمز پاسارگاد محصول خریداری شده را با کارت بازرگانی شرکت نفت پاسارگاد و صدور پروانه گمرکی به نام شرکت مذکور جمعاً به مبلغ ۴,۵۹۳ میلیارد ریال (۳۰ درصد ارزی و ۷۰ درصد ریالی) به عنوان صادرات به فروش رسانده است. با توجه به تغییرات نرخ ارز و متأثر بودن نرخ های فروش ناشی از آن و نامعلوم بودن دلیل دریافت بخشی از فروش های صادراتی به ریال، تعیین تعدیلات احتمالی ناشی از موارد فوق در حال حاضر برای این سازمان میسر نیست در بند دیگری آمده است:

فروش های شرکت نفت پاسارگاد و شرکت تابعه آن (فرآورده های قیری هرمز پاسارگاد) با توجه به سوابق مالیاتی موجود مشمول مالیات و عوارض ارزش افزوده است. همچنین بابت مالیات عملکرد سنوات قبل شرکت های فرعی بر اساس برگ های تشخیص صادره جمعاً مبلغ ۱,۰۰۰ میلیارد ریال مطالبه گردیده است. از بابت موارد فوق ذخیره ای در حساب ها منظور نشده است. احتساب ذخیره مالیاتی از بابت موارد فوق در حساب ها ضروری بوده، لیکن تعیین قطعی آن منوط به اعلام نظر اداره امور مالیاتی است

نکته قابل ذکر این که در ادبیات حسابداری، نگرفتن ذخیره مالیات به معنی شناسایی نکردن هزینه ها و در نتیجه نشان دادن سودهای موهوم است. (که این امر می تواند به توزیع سودهای موهوم منجر شود)

شرکت های فرعی یا حیات خلوت؟

شرکت نفت پاسارگاد از طریق یک شرکت فرعی به نام هرمز پاسارگاد اقدام به فروش و صادرات قیر می کند و به دلیل عدم کنترل های لازم بر شرکت های فرعی که به نوعی نقش حیات خلوت را برای مدیران شرکت های اصلی ایفا می کنند عموماً تخلفاتی مانند ابهامات در فروش و ایجاد مطالبات معوق، مشکوک الوصول و مطالبات سوخت شده در همین شرکت های فرعی رخ می دهد. در گزارش سازمان حسابرسی در مورد عملکرد تاپیکو در این خصوص آمده است: ها به مبلغ ۱۴,۹۷۰ میلیارد ریال، کسری ذخیره مالیات به های وابسته با سایر شرکت نامساعد ناشی از تطبیق حساب های شرکت مغایرت های « جمعاً معادل مبلغ ۳,۶۳۴ میلیارد ریال سهم شرکت اصلی) مبلغ ۵,۶۲۸ میلیارد ریال و مطالبات راکد و سنواتی به مبلغ ۱,۴۴۵ میلیارد ریال های مالی است. به دلیل عدم دسترسی به مستندات و شواهد لازم، تعیین آثار مالی احتمالی ناشی از موارد فوق بر صورت(های وابسته از شرکت. « مورد گزارش، در شرایط حاضر برای سازمان حسابرسی مقدور نیست.

آقای دلاویز هم به آن پرونده ربطی داشتند یا درگیری دیگری داشته؟

برادر دلاویز را می گویند ربط دارد، اما به من ربطی ندارد. البته صحت موضوع دلاویز را نمی دانم. می گویند برادر دلاویز، ولی این آقای دلاویز مدیرعامل نقشی نداشته. حداقل تا حالا جایی اسمش را نگفتند که احضارش کنند. من ندیدم احضارش کنند و محاکمه ای برایش بگیرند. برادرش را می گویند بوده ولی هنوز چیزی اثبات نشده.

پروندهٔ برادر همشهری تان شما را به شما مرتبط می‌کنند؟
نه پروندهٔ او را، بلکه پروندهٔ دوستش را.

یعنی باز برادر دلاویز نیست؟

نه، نام دلاویز هم در پروندهٔ قیر نیست. حداقل تا الان چیزی نگفته‌اند. یک نفر دیگر هست که دوست اوست و با هم در موضوعی مشترک بودند. آن پرونده اصلاً ارتباطی با من ندارد. مثلاً فرض کنید من و شما دو جلسه یا ده جلسه با هم باشیم، خدای نکرده می‌بینید مشکلی پیش می‌آید و تازه خودت هم نه یک دوست دیگر، بعد بگویند تو تاج‌گردون را می‌شناسی پس تو می‌رفتی آنجا به خاطر همین. کل قضیه همین هست. اگر غیر از این بود تا حالا پدر من را درآورده بودند.

در مورد رابطهٔ دلاویز و امامی در پروژهٔ بانک سرمایه این بحث مطرح می‌شود به واسطهٔ کاری که برای شما انجام داده آقای امامی یک پورشه داده به آقای دلاویز، این را توضیح دهید؟

این موضوع را در جلسه مطرح کردند که در کیفرخواست دلاویز این مطلب نوشته شده و حالا کیفرخواست دلاویز دست این‌ها چه کار می‌کند من نمی‌دانم. مثل اینکه باز پرس می‌گوید آقای دلاویز یک پورشه از آقای امامی گرفته چون تاج‌گردون کار را برای‌شان انجام داده. یک ادعا بوده که دادگاه حکم داد و آن‌ها محکوم شدند و رفتند زندان. اگر این حرف درست بوده و یک ادلهٔ منطقی داشته باید من را احضار می‌کردند که آقای تاج‌گردون این حرف را در مورد تو زدند. در پروندهٔ بانک سرمایه ۲۰ نفر را در دادگاه محکوم کردند که یکی از آن‌ها آقای دلاویز است. چرا من را صدا نکردند و از من سؤال نکردند ببینند که رابطه دارم یا نه؟ بعد به آیت‌الله جنتی می‌گویند که ما خودمان حکم قضایی داریم علیه آقای تاج‌گردون. هیچ اتفاقی نیفتاده، یک نفر یک ادعایی کرده که ثابت نشده. اصلاً فرض کنیم حرف او راست باشد و دلاویز از امامی هم گرفته، این وسط من چه کارام. برای این موضوع من تا حالا به عنوان یک شاهد و مطلع هم دعوت نشدم در یک جلسه.

یکی از بحث‌های مطرح شده این است که دعوت نشدن شما اعمال نفوذ است.

هر شب تلویزیون ردیف می‌گذارند و محاکمه می‌کنند. تاج‌گردون از کدام یک از این‌ها قوی‌تر هست؟ پولدارتر؟ قدرتش بیشتر؟ الان دو تا نماینده هم‌دورهٔ من را انداختند زندان، اگر چیزی بود که مرا هم زندان می‌انداختند. آقای دانیال‌زاده با چند میلیون دلار، آقای طبری هم این روزها بحثش داغ است و... بعد یک جوری وانمود می‌کنند که انگار طبری برادر من است. آن روز به آقای زاکانی تذکر دادم که طوری می‌گویید طبری که انگار مال ما هست، آقای طبری مال شماست، هم از لحاظ سیاسی همفکر شما بوده و هم خط و ربطی با همدیگر داشتید. با هم خوردید و بردید و زدید حالا این را می‌اندازید در بغل ما. از لحاظ سیاسی هم که نگاه کنید ما اصلاح‌طلب هستیم، حالا چه ربطی دارد که به من وصلش می‌کنید؟ اصلاً یک رگه هم نمی‌توانید از ما در این پرونده ببینید. مثلاً شما

می‌گویید آقای حیدرآبادی، خب مشخص است که او کیست. به من ربطی ندارد. آدم محترمی بوده که در زندگی کارش را انجام داده و حالا یک خطایی کرده یا نکرده، بگیردش و پدرش را در بیاورد. چرا هر کسی را که می‌خواهید از خودتان دور کنید که به شما ربط دارد، می‌اندازید در بغل ما. مشخص هست که این آدم با کی رشد کرده و کی ساپورتش کرده و به اینجاها رسانده. آقای طبری یا امامی چه ربطی به ما دارد؟ بعضی‌ها فکر می‌کنند به من ربط دارد، خب مرا احضار کنند. شما که دادگاه نیستید. قوه قضائیه با من تعارف دارد؟

شاید تعارف دارد.

که چی؟

که شما چون ۶ سال بودجه در اختیارتان بوده این قدر به اصطلاح ذی‌نفوذ هستید که بتوانید روی قوه قضائیه هم اثر بگذارید. شاید این تفاوت شما با بقیه نماینده‌ها باشد. من نماینده این همه قدرت دارم؟ اصلاً پول قوه قضائیه را کی می‌دهد. من اصلاً بودجه تقسیم می‌کنم؟ کی پول را می‌ریزد به حساب قوه قضائیه؟ مگر دولت نمی‌ریزد. مگر همین قوه قضائیه آقای حسین فریدون برادر رئیس‌جمهور را نگرفت؟ مگر همین قوه قضائیه آقای مهدی جهانگیری برادر آقای اسحاق جهانگیری را نگرفت؟ آن‌ها باید پول را بدهند به قوه قضائیه، می‌توانند بگویند اگر برادر من را بگیرد بهتان پول نمی‌دهیم. حالا من زورم بیشتر است یا رئیس‌جمهور یا معاون رئیس‌جمهور؟ کی زورش بیشتر است؟ با من تعارف دارند، من چه کاره هستم؟ تخصیص دست کس دیگری هست، آن‌ها را می‌گیرد و بعد با ما تعارف دارد؟ این که مسخره است. تاج‌گردون را بگیرند یکی دیگر می‌شود رئیس کمیسیون بودجه و همین کارها را می‌کند. اصلاً تاج‌گردون این وسط چه کاره هست؟ من که نه، مجلس تصویب‌کننده است.

یک بحث دیگری که در مورد شما مطرح می‌شود موضوع فساد بهزیستی

است. این چه موضوعی است؟

چی؟

باند فساد بهزیستی. باز هم در این اسناد و بحث‌ها آمده که در حقیقت

نیروهای شما در بهزیستی فساد داشتند.

این که سه ماه آمده است بنده خدا.

پس این باند فساد بهزیستی اصلاً چه هست؟

نمی‌دانم واقعاً. من در بهزیستی اصلاً آدم ندارم. اصلاً بهزیستی چه دارد که بخواهد فسادی

اتفاق بیفتد؟ باند فساد چه؟

شاید همین شوهر خواهر شما را می‌گویند.

ایشان تازگی‌ها آمده بهزیستی، حدود سه ماه.

چون بحث، همین بحث‌های اخیر بود.

بنده خدا نه مسئولیت مالی دارد و نه مسئولیت کاری. ما در بهزیستی کسی را نداریم که بخواهد فساد کند. بهزیستی چه دارد که بخواهد فساد کند. نهایتش بهزیستی پولی بگیرد و بدهد به یک فقیری. مثلاً تاج‌گردون اعمال نفوذ کند در بهزیستی تا به فقرای شهرش بیشتر توجه کنند و گرنه ما که بیشتر از این نمی‌توانیم کاری بکنیم. مثل این آقایان که بنیاد خیریه ندارم. این‌هایی که منتقد و معترض من بودند همه بنیاد خیریه دارند یعنی از بهزیستی مجوز و پول می‌گیرند و خرج می‌کنند. من که حتی مؤسسه خیریه هم ندارم که بخواهم این کار را بکنم.

علی اکبر کریمی در همان نشست خبری می‌گوید که فامیل‌های تاج‌گردون

در بهزیستی تهران نفوذ کردند و چندی پیش باند فساد که دستگیر شد عمدتاً از منطقه تاج‌گردون و مرتبط با او بوده.

واقعاً نمی‌دانم. اسم هم آورده؟

نه فقط جمله همین است که برخی از وابستگان تاج‌گردون در بهزیستی تهران نفوذ کردند و چندی پیش باند فساد که دستگیر شد عمدتاً از منطقه تاج‌گردون هستند.

فقط می‌دانم از همشهری‌های من کسی را در بهزیستی نگرفته‌اند. کسی به من نگفت و در مجلس هم این را نگفتند. در جلسه خبرگزاری مهر، شاکری می‌گفت که شرکت امید، شرکت سرمایه‌گذاری آقای تاج‌گردون هست. نمی‌دانم آقای شاکری از سال‌ها عمر کاری‌اش حداقل این یک ذره را یاد نگرفت که من نمی‌توانم صاحب یک شرکت دولتی باشم. کلیبی فرستادم برای مدیرعامل بانک سپه و گفتم این آقای شاکری استاد دانشگاه هست و این حرف‌ها را زده است. ببخشید که این‌طوری صحبت می‌کنم یا باید خیلی احمق باشی یا باید خیلی خودت را به جحالت بزنی و این حرف را بزنی. شرکت سرمایه‌گذاری امید مال دولت و بانک سپه هست یا مال من؟

همین پترو امید آسیاست؟

پترو امید وابسته به شرکت امید هست و امید هم متعلق به بانک سپه. شرکت‌های زبردست امید زیاد هستند مثل گل‌گهر، چادرملو و...

در جلسه‌ای که در خبرگزاری مهر گذاشته بودند شاکری، که به قول خودش استاد دانشگاه هست و یک دور هم اگر اشتباه نکنم عضو لیست شورای شهر تهران بود و این دور هم عضو لیست ۵ درصدی نمایندگان تهران، بلند می‌شود و می‌گوید همین الان اس‌ام‌اس

آمده که امید دارد واگذار می‌شود و آقای تاج‌گردون دارد امید را واگذار می‌کند؛ شرکت امیدی که متعلق به دولت است. چقدر آدم باید خودش را به حماقت بزند که این حرف را مطرح کند؟ الان ۱۰ سال هست که دولت می‌خواهد امید را واگذار کند و کسی این قدرت را ندارد که شرکت سرمایه‌گذاری امید را بخرد. اگر من بخواهم قیمتش را بگویم حداقل ۲۵۰ هزار میلیارد تومان است. دولت می‌خواهد یک سومش را بفروشد نمی‌تواند. این آدم‌ها یا خیلی احمق هستند یا واقعاً بقیه را احمق فرض کردند که این‌طوری صحبت می‌کنند. مگر می‌شود یک استاد دانشگاه که عضو شورای شهر تهران باشد این موضوع را نفهمد. به نظرم خودش را به احمقی می‌زند. دروغ گفتن برای این‌ها خیلی راحت شده. مثلاً یکی می‌گوید همشهری‌های تاج‌گردون و فامیل‌ها و بستگانش را در بهزیستی به خاطر فساد گرفتند، من می‌دانم کسی از همشهریانم را به خاطر فساد در بهزیستی دستگیر نکردند.

من اظهارات معترضان را می‌خواندم. اولین چیزی که به ذهنم رسید گفتم شاید همان شوهر خواهرتان که در بهزیستی هست.
نه آن بنده خدا فکر کنم دو سه ماه آمده و امور مجلس بهزیستی هست و کارهای نیست. آخر بهزیستی چیزی ندارد که بخواهند حیف و میل کنند. من چیزی نشنیده بودم.

در مباحثی که در لیست اعتراض‌ها مطرح شده، گفتند شما عضو هیئت امنای پژوهشکده محیط‌زیست هستید. موضوع چیست؟
بله، هیئت امنای ما هستیم. من عضو هیئت امنای ده جا هستم. مثلاً من عضو هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی شیراز هستم، عضو هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد، عضو هیئت امنای پژوهشکده محیط‌زیست، عضو هیئت امنای مؤسسه آموزش عالی در توسعه و جاهای دیگر.

البته به عنوان شخص حقیقی؟

ترکیب هیئت امنای پژوهشکده محیط‌زیست را رئیس‌جمهور یا معاون رئیس‌جمهور مشخص می‌کند. من هم بودم که فکر کنم فقط یکبار توانستم به جلسه آن‌ها بروم. واقعاً وقت نداشتم. حالا باشم، این که خیلی خوب است. بعد آقای توکلی نوشته رئیس پژوهشکده محیط‌زیست را تاج‌گردون تعیین کرده است. حالا این اسنادش را به شما می‌دهم که طرف جوابش را داده است. رئیس پژوهشکده نوشته به آقای توکلی گفتم که من هم خط تو و خط احمدی‌نژاد هستم و زمان آقای احمدی‌نژاد مدیرکل شدم. کلاً تاج‌گردون را دو بار دیدم. مدیرکل بودم، آمدم تهران عضو هیئت علمی، معاون و در نهایت مدیر پژوهشکده شدم. تمام مسیر را من درست طی کردم و تاج‌گردون هم این وسط نیست. من زمانی عضو هیئت امنای پژوهشکده شدم که این

بنده خدا نبوده اصلاً. شما الان ببینید امروز برای من پیامک آمده جلسه هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی و من وقت نمی‌کنم بروم... حالا آنجا رئیس دانشگاه علوم پزشکی چه کسی بشود اصلاً به من ربط دارد؟ چرا من باید خودم را درگیر موضوع ریاست پژوهشکده محیط‌زیست کنم؟

نامه توکلی در خصوص دکتر بادام فیروز

توزیع مناصب بین بستگان و دوستان، یعنی تبارگماری و ایلسالاری به جای شایسته‌سالاری در موارد زیادی در اطراف وی دیده می‌شود؛ مثلاً، در ازای تأمین اعتبار برای نخستین بودجه پژوهشکده سازمان محیط زیست و توسعه پایدار، آقای تاج‌گردون عضو هیئت امنای این پژوهشکده می‌شود. آقای جلیل بادام فیروز، دوست آقای تاج‌گردون که با پشتیبانی وی، مدیرکل محیط زیست استان کهگیلویه و بویر احمد بوده است و بعد با تلاش حراست از سمت مدیر کلی برکنار شده بود، به دلیل دوستی با وی به عنوان رئیس پژوهشکده در تهران منصوب می‌شود.

پس شما در مورد جلیل بادام فیروز، رئیس پژوهشکده اعمال نفوذ نکرده‌اید؟

نامه‌اش را به شما می‌دهم. ایشان که نامه به توکلی نوشت، بعد توکلی به او پیام می‌دهد که من اشتباه کردم و جبران می‌کنم. پیام‌هایش هست. واقعاً خودش رشد کرده، تازه همشهری من هم نیست، فقط لر هست بنده خدا. اگر یک مورد روز قیامت نخواهد از توکلی بگذرد همین یکی هست. هر کدام بشود از این یکی نمی‌شود بگذرند.

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد فرهیخته جناب آقای دکتر احمد توکلی
رئیس محترم دیده بان شقاقت و عداقت

موضوع: پاسخ به نامه منسوب به جنابالی و مطالب منتشره بر علیه انجمن جلیل بادام فیروز
با سلام و احترام
بیرو متاثره نشی، همانگونه که مستحضرید بنیسه تحت مدیریت حضرتعالی دیده بان شقاقت و عداقت تشکیل شده
است. در مقام دفاع از خود به استحضار می‌رساند ادعای مطرح شده بر علیه انجمن به معنای واقعی شقاقت و اذیت و
ظلمتی و بی‌معنایی را به می‌رساند. ترین شکل مسکن در حق بنده تعریف کرده است.
بنده جلیل بادام فیروز برادر یک شهید و سه جانی افتخار رایتج به نظام مقدس جمهوری اسلامی و از کان ارشد آن دانسته
و خواهم داشت و هیچ وقت خود را در قالب گروههای سیاسی ندیده ام و احترام بند، چون قبلی از سیاست ندادم
مزید استحضار!

۱- بیان فرموده اید دوست آقای غلامرضا تاجگردون بوده ام و مسئولتهای من متعارف ایشان بوده است؛ به استحضار می
رسانم هیچ نسبت سیاسی یا نسبی و هم فکری سیاسی و جناحی با آقای غلامرضا تاجگردون نداشته ام و تا پیش از
سال ۱۳۶۲ استحضار آشنایی با ایشان را نداشته بودم؛ از شهریور ماه سال ۱۳۶۳ بعنوان مشاور امور مجلس سازمان حفاظت
محیط زیست به اقتضای وظایف محوله با آقای دکتر تاجگردون بعنوان نماینده مجلس آشنا شدم. و همیشه به این نوسانی
و آشنایی اقتضای من کمتر زیرا بی و بین راه در جشن های زیست محیطی که فلات ایران را بازدید کرده و می‌کنند؛
چنگل چندین روزگردان اجزای فریادها نویسد، پروژه احیای تالابهای ایران و دو کایه زیست محیطی آقای غلامرضا
تاجگردون مدیریت همه جایی ای از محیط زیست ایران داشتند و این سد انتظاری نه تنها برای ایشان بلکه برای نظام
مقدس جمهوری اسلامی ایران است و سیاستهای اطلاق نظام معظم رهبری در حوزه محیط زیست نصیبت این سه
بخش را واضح بیان کرده است.

۲- در طول دو دهه بنده تمام مراحل اداری را در سازمان محیط زیست از پست کارشناسی، معاون مدیرکل، مدیر کل استان،
مشاور امور مجلس، مدیر گروه اقتصاد محیط زیست معاون پژوهشی و اکنون رئیس پژوهشکده محیط زیست بصورت
مستقیم، مرتب، اداری طی نموده ام و متعلق کامل و بارز شایسته سالاری در این سازمان بوده ام و حضورت در دهها
کمیته و شورای و تألیف دهها مقاله و گزارش، روزنامه کفلا، بخشهای در عرصه محیط زیست کشور برای انجمن عالی
گذاشته است که بدون انقراض اگر نه غیر متخصصین شخصی در محیط زیست کشور وجود داشته باشد من خودم را یکی از
آن ده نفر میدانم.

۳- در ابتدای دولت اجماع انجمن بعنوان مدیر کل محیط زیست استان کنگاور و بهرام احمد منصوب شدم. در این انتصاب
هیچ شخصیت سیاسی نقش نداشت بلکه تصدیق سازمان بود و خوب می‌دانید که مسئولین آن روز کشور و استان آقای
مدیرانخواه نماینده بسویج و آقای سید سعید حسینی استاندار از دوستان صمیمی جنابالی و هم فکرا شما بودند که



نامه بادام فیروز به توکلی

مورد حمایت آن بزرگواران بودم و اصولاً آقای غلامرضا تاجگردون در صحنه سیاسی استان در دولت نهم و دهم هیچ نقشی نداشتند.

۲- اشاره فرموده اید که بنده با نامه خراست از سایر کمال استان عزل شده ام؛ غیر از این اطلاعات جنابایی تقریباً است. بعد از ۴ سال مدیریت در استان و کارنامه درخشان از جمله انتخاب بنیوان مدیر نمونه استان و کنسروی که در آگوست ۱۳۷۶ از رئیس محترم جمهور جناب آقای دکتر احمدی نژاد لوح تقدیر دریافت کردم. در ابتدای سال ۱۳۸۱ طبق سیاست مدیریت وقت سازمان از استان جابجا شدم و در سمت های دیگر ستاد مرکزی تهران انجام وظیفه نمودم. بنده هیچ وقت هیچ کرسی ریاستی را ارت پندری خودم نداشتیم؛ ام یکنه خود را مدیون خون شهیدان گلگون کفن و ششم دانسته ام که این امدت را با بهترین عملکرد تحویل شخص دیگری دهم و در این راه ریسفیه بوده ام.

۳- انتصاب اینجناب بنیوان رئیس پژوهشکده محیط زیست بنیوان یک عضو هیات علمی طبق قانون و سیاست سازمانی انجام گرفت و ایشان قسوم آقای تاجگردون از این انتصاب اطلاعی نداشتند و اصولاً این انتصاب ترین سازمانی با هم بر اساس اصل شایسته سازی بوده است.

۴- حضور آقای غلامرضا تاجگردون در هیات انضامی این پژوهشکده به اصرار سازمان محیط زیست و در جهت استفاده از پتانسیل ایشان در کمک به حل چالشهای بخش منقووم و کم توجه محیط زیست ایران بوده است و مع الاسف آقای تاجگردون پشت مسئله کاری اجبوری کم رنگ دانستند و برای شخص دانشگاهی مثل پنجابی محرز است که این عضویت در هیات انضامی دانشگاهها فاقد هرگونه پاداش مادی بلکه دارای ابر معنوی است.

۵- در پایان بنده بنیوان شخصی که من و سالم حسن انقلاب اسلامی ایران است همیشه جنابایی را بنیوان انگویی از سیراندستانان اخلاق محرز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می دانسته ام؛ انتظار میروم هر سلسی را بدون تحقیق و مستندات مشرف نفرمایید و تکاورید با اطلاعات نامرست به باور بنده و هزاران جوان دیگر غلشه وارد شود که این به صلاح هر یککدام از ما نیست.

شاید باطن کن سرفجام کار تو خشنود باشی و ما راستگزار

جلیل بادام فیروز
۱۳۸۱

رویتوشه

انضامی محترم کمیته تحقیق اداری و ادب معیاری شورای اسلامی هیات انتصاب

■ همسر آقای فرزین، همشهری شما، در پژوهشکده کار می‌کند؟

فرزین آمد. گفتم فرزین خانمت آنجا کار می‌کند؟ گفت بله، مگر این موضوع را به شما ربط داده‌اند؟ من نمی‌دانستم که خانم فرزین آنجا کار می‌کند یعنی واقعاً ربطی به من ندارد. بعد گفتم داستانش چیست؟ گفت قبل از آقای بادام‌فیروز، یک خانمی رئیس پژوهشکده بود که ایشان را برده پیش خودش. داستان همین بود. این چه هست که بخواهیم عنوان نفوذ تاج‌گردون را رویش بگذاریم.

■ این قضیه از استثنائات عجیب هست که...

کلاً در داستانسرایی و تنظیم کردن و اتصال دادن‌های‌شان واقعاً استاد هستند. حالا من بگویم همسر آقای زاکانی الان چه کاره هست؟ همسر آقای کریمی چه کاره هست؟ اصلاً همسر پسر دایمی کی آنجاست؟ من رفتم بینم زن پسر دایمی آقای زاکانی کجا کار می‌کند؟ همسر پسر دایمی آقای کریمی کجا کار می‌کند؟ همسر پسر دختر دایمی آقای شاکری کجا کار می‌کند؟ اصلاً به من چه ربطی دارد؟ اگر در جایی کار می‌کنند کار آقای زاکانی یا کار آقای قالیباف هست. بچه‌های آن‌ها با خودشان کار می‌کنند و خوشبختانه بچه‌های‌مان با ما کار نمی‌کنند. وقتی از زاکانی سؤال کردند دختر شما فلان شرکت را دارد و این کار را می‌کند، گفت من اطلاعی از کار دخترم ندارم. یکی به ایشان گفت چطور خبر داری ۱۰۰ سال پیش پدر بزرگ تاج‌گردون چه کار کرد، ولی خبر نداری دخترت چه کرده است؟ یا خبر داری همسر پسر دختر دایمی تاج‌گردون کجا کار می‌کند!

■ چون زمین‌های شما در این طرح بوده.

نه این ربطی ندارد و قبلاً مفصل توضیح دادم.

■ فارغ از مباحث منطقه‌ای، چند تا سرفصل هست که به نظرم در همین دوره‌ها

باید نگاهی بهش کرد. برگردیم به بحث سقوط هواپیما و آقای ربیعی. این موضوع را می‌خواهم توضیح بدهید.

بینید داستان از اینجا شروع می‌شود و اتفاقاً کلید موضوع همین جا است. شاید بعضی مباحث طنز موضوع می‌شوند یا به عبارتی خرج موشک باشد. باید ببینیم چه شد که بعد از ۵۰-۴۰ سال این موضوعات مطرح می‌شود. واقعیتش تعبیر و برداشت من و البته خیلی‌ها همین است که موضوع از جریان استیضاح آقای ربیعی شروع شد. آقای ربیعی دوست من بود و با هم سلام‌علیک داشتیم. ایشان در دوره نهم به عنوان وزیر به مجلس معرفی شد و من در موافقتش سخنانی کردم تا رأی بیاورد. در دولت بعدی آقای روحانی از ایشان دفاع کردم. یک رابطه دوستانه داشتیم و هیچ مناسبت خاصی هم نبود و حتی شما یک توصیه من به آقای ربیعی نمی‌بینید و گرنه رو می‌کردند. اگر شما نطق‌های من را در خصوص استیضاح گوش بدهید آنجا به آقای ربیعی می‌گویم بیا باید پشت تریبون و هر چه در مورد من می‌دانید که من به شما توصیه کردم بدون تعارف بیان کنید. آن نطق من یک نطق

خاص هست و خدا کمک کرد آن لحظه من یک نطق احساسی در عین حال منطقی و تند نسبت به آقای ربیعی داشتم. من و آقای ربیعی با هم دوست بودیم و شاید سه چهار سفر کاری خارجی با هم رفتیم. یک هواپیما در استان ما سقوط کرد، درست است در حوزه من نبود ولی در استان من که بود. اتفاقاً همان روز رفتم هواپیمایی کشوری و اسناد مربوط به پرواز را گرفتیم. دیدم هواشناسی و همه گزارش داده بودند که این پرواز نباید انجام می‌شد. یک کارشناس هواشناسی هم این اسناد را در آن لحظه به من می‌دهد و می‌گوید شاید من دیگر نتوانم این اسناد را بدهم و خدا می‌داند چه بلایی سر من می‌آید، شما این مدارک را بگیرید. هر چه با این آقایان صحبت کردیم دیدیم که زیر بار نمی‌روند و حتی عذرخواهی هم نمی‌کنند که ما مقصریم. جسدها بالای کوه مانده بودند. چند ماه طول کشید تا برف‌ها آب بشوند و جسدها رو بشود و دریاورند. من به عنوان یک هموطن حرصم می‌گیرد حرفی نزنم. ۴-۵ نفر از کسانی که در آن هواپیما جان‌شان گرفته شد به واسطه من کشته شدند. رفته بودند که پروژه شهرستان من را ببینند. مهندس نیروگاه از شهرستان آمده بود چند تا مهندس را ببرد. دو تا مهندس برای پروژه انتقال آب کشاورزی به منطقه باباکلان رفته بودند. نیروهای قرارگاه خاتم بودند. نه فامیل من بودند و نه کسی آن‌ها را می‌شناخت، کهگیلویه و بویراحمدی هم نبودند. شاید اولین بار هست در این مورد حرف می‌زنم و اینکه چرا من این قدر ناراحت بودم و آن نطق را بیان کردم. احساس می‌کردم بدهکار این موضوع هستم و واقعاً نباید سکوت کنم. وزیر را استیضاح کردیم. استیضاح هم با یک بازی با نیم رأی، رأی نیاورد و حکم آقای ربیعی را تقریباً لقی کردیم، البته ربیعی را بعدتر استیضاح کردند و کنار رفت. در استیضاح ما مستندات را گرفتیم و مستند در مجلس صحبت کردیم. آقای ربیعی همان روز تلویحی به من گفت جبران می‌کنم آقای تاج‌گردون! «عباد» اسم سابق آقای ربیعی بود؛ عباد وزارت اطلاعات، آدم سیاست‌ورز، سیاستمدار، کارکنسته، تودار و با نفوذ در شبکه‌های اطلاعاتی کشور. بعد شروع کرد به خریدن یکی دو تا خبرنگار و تاج‌گردون را کم‌کم تخریب کرد و بعد این خبرنگارها و عوامل خرابکار را وصل کرد به آقای احمد توکلی. این‌ها شدند شبکه آقای توکلی که نوارش موجود هست. تا الان می‌گفتند ما با هم هیچ رابطه‌ای نداریم. در این نوار کاملاً مشخص هست. حتی بعضی‌ها مثلاً یکی از این کسانی که مخالف من هست (احمد خورشیدی) نوشته بود که آقای ربیعی گفت تاج‌گردون به این دلیل با من بود که ساسان برادرش را بگذارد مدیرعامل شستا و چون ربیعی نپذیرفت تاج‌گردون استیضاحش کرد. این دروغ خیلی بزرگی بود. حتی یک نامه نوشتیم به ربیعی و گفتیم آقا این حرف درست هست یا غلط و جواب نداد. چند ماه بعد به ربیعی گفتیم چرا جواب نمی‌دهی؟ گفت ول کن آقای تاج‌گردون. گفتیم چرا؟ گفت یک نفر ادعا کرده تو برو ردت کن، بعد فهمیدم که کار خودش بوده و این حرف را در محفل خصوصی زده بود. طرف دیگر قضیه را نگاه کنید. مدیرعامل آسمان کی بود؟ آقای

حسین علایی. ببینید چه چیزهایی کنار هم جمع شدند. یکی از این معترضان اعتبارنامه آقای کریمی نمایندهٔ اراک است. نمی‌دانستم مشکل کریمی چیست؟ ایشان نه سیاسی بود و نه با من رابطه‌ای داشت. ابهام بود برایم که آقای کریمی چطور با من صحبت می‌کند؟ هیچ‌وقت با من تناسب سیاسی نداشتم. حالا زاکانی مشکلتش سیاسی بوده، آن یکی آدم زاکانی هست؛ کریمی این وسط چه کاره هست؟ تا اینکه روز آخر فهمیدیم که حسین علایی برادرزن آقای کریمی هست. چون این قدر رقتیم دنبال این موضوع تا ثابت کردیم که شرکت هواپیمایی آسمان مقصر هست یعنی کی، علایی. خب آقای ربیعی شروع می‌کند کارهایش را ادامه دادن. راحت بگویم به نظر من در شبکهٔ اطلاعاتی کشور که قبلاً همه کاره بود، نفوذ می‌کند و من را تخریب می‌کند. اگرچه خودش این را رد می‌کند ولی تمام قرائن نشان می‌دهد از جمله روز استیضاح بعد از نطقم کاملاً مشخص بود که به من گفت جبران می‌کنم!

خلاصه جریان هواپیما این طوری شد و ما دین‌مان را در حد توان به مردم و خاک‌مان ادا کردیم. بعد از من هم آقای پارسایی نمایندهٔ شیراز این قدر موضوع را ادامه دادند که بالأخره اثبات شد که این اتفاق متوجه هواپیمایی آسمان هست. با این وجود حتی عذرخواهی هم نکردند. البته ما کار و وظیفهٔ خود را انجام دادیم اما کینهٔ سیاسی ایشان ادامه پیدا کرد تا رسید به اینجا و در این مجموعه عوامل ۱۱۰ ساله، از مخالفت‌های خانوادگی تا الان، آقای ربیعی و عواملش سردمدار هستند. به نظر من در این دولت عواملی بودند که کمک کردند به این پرونده. همه کسانی که روزی و در موضوعی با من به مشکل خوردند، وارد این موضوع شدند. دولت و غیردولت، سیاسی و محلی فرقی نمی‌کرد. یکی از عواملی که اتفاقاً با حلقهٔ ربیعی نقاط مشترک دارند آقای ترکان هست؛ آقای اکبر ترکان. در مجلس نهم آقای توکلی و آقای نادران که مخالفان مناطق آزاد یا به عبارتی مخالف آقای ترکان بودند، زمان درخواست دولت برای مجوز منطقهٔ آزاد جاسک بحث‌هایی را مطرح کردند و حرف‌شان هم این بود- درست یا غلطش را کاری ندارم- که پسر آقای ترکان می‌داند که جاسک را قرار است دولت تبدیل به منطقهٔ آزاد کند! پسرش قبل از این جریان با یک شبکه رفتند در جاسک و زمین‌هایی خریدند تا وقتی که منطقه آزاد می‌شود قیمت زمین‌ها برود بالا. من باور نکردم و الان هم زیاد باور نمی‌کنم و کاری هم ندارم. خب این شبکه خیلی درگیر بودند سر این موضوع. البته من کلاً دنبال این بودم که مناطق آزاد را به چهار چوب قانون بیاوریم و نمی‌شد. هیچ‌وقت هم مطالبه‌ای از این منطقهٔ آزاد نداشتیم چرا که اگر کل مناطق آزاد را بگردید یک رفیق یا یک همشهری یا فامیلی در آنجا نداریم. موضوع چالش داشت تا رسید به برنامهٔ ششم. من این را به عنوان وظیفهٔ نمایندگی‌ام احساس کردم که این سرکشی در مناطق آزاد را کم کنم. اصلاً نمی‌شد کنترل یا نظارت و مدیریتش کرد. همیشه هم بحث بود که حیاط خلوت شده برای گروه خاصی. هر دولتی منطقهٔ آزادش حیاط خلوت بود. یک روز زمان بررسی برنامهٔ ششم در کمیسیون تلفیق این را پیشنهاد دادم که مناطق آزاد نباید زیر نظر وزارت اقتصاد. یادم هست موقعی گفتم من یک پیشنهاد را در مورد منطقهٔ آزاد دارم- باید موافق و مخالف دکمهٔ خودشان را بزنند و صحبت

کنند - همین آقای امیرآبادی یا آقای دهقان که الان عضو شورای نگهبان هست و از اصولگرایان تند مجلس بودند، فکر کردند من می‌خواهم از منطقه آزاد حمایت کنم؛ همه دکمه مخالف زدند چون من هر چه پیشنهاد دادم آن‌ها مخالف صحبت من بودند. گفتم آقا شما اجازه بدهید من پیشنهادم را بدهم بعد مخالف را بزیند. گفتم پیشنهاد می‌دهم که منطقه آزاد زیر نظر رئیس‌جمهور خارج شود و برود زیر نظر وزارت اقتصاد. این پیشنهاد خوب یا بد کار من بود.

این خیلی مهم هست.

یکهو دیدیم همه این‌ها برگشتند و گفتند تاج‌گردون دارد این پیشنهاد را می‌دهد، تاج‌گردونی که همیشه موافق منطقه آزاد بود، چه شده؟ من آدم تندرویی در تصمیماتم نیستم و عجل هم نیستم. همه چیز را کنار هم می‌گذارم تا به یک نتیجه برسم. حدود پنج شش سال این موضوع را کارشناسی کردم تا به اینجا رسیدم. همه زدند موافق، بدون حتی یک نفر مخالف. بحث پیچید که مناطق آزاد رفت زیر نظر وزارت اقتصاد، آن هم با پیشنهاد تاج‌گردون. وزیر اقتصاد با من تماس گرفت چرا زیر نظر من، برود زیر نظر یک وزیر دیگر. خدمت‌شان گفتم بهترین جا زیر نظر وزیر اقتصاد هست. چرا وزیر اقتصاد؟ چون ما می‌خواستیم یک وزیر پاسخگو باشد به مجلس. آقای ترکان یا هر کس دیگری پاسخگو نبودند؛ وزیر هست که باید پاسخگو باشد. رئیس‌جمهور که نمی‌تواند برود پاسخگوی منطقه آزاد ارس یا اروند باشد، باید وزیر را بیاوریم که او هم می‌گوید من چه کاره هستم. دو سه روز بعد معاون آقای ترکان آمد و گفت آقای ترکان می‌گوید بیایید با هم ناهاری بخوریم. البته من برای آقای ترکان خیلی احترام قائل بودم و هستم؛ آدم ارزشمندی در تاریخ مدیریتی کشور بود و خیلی ارزش درس گرفتم در کار فنی و مدیریتی. گفتم ضمن احترام کامل برای ایشان من مجلس هستم، اگر فرمایشی دارند خدمت‌شان هستم. بعد یک بار دیگر گفت بیا با هم صحبت کنیم، گفتم من بعد از این موضوع در خدمت شما هستم اما در این موضوع نه. تا روزی که پیشنهاد آمد در صحن، من به سازمان برنامه که نماینده دولت بود گفتم آقای ترکان خودشان بیایند در صحن صحبت کنند بعد نگویند سازمان برنامه صحبت کند. آقای ترکان آمد در صحن و تند صحبت کرد و کلاً مجلس با ۹۰ درصد به پیشنهاد من رأی داد. آقای ترکان واقعاً ناراحت شد و من در این جریان اعتبارنامه، سال گذشته حرکت‌های مشکوکی را دیدم و با حساسیت بررسی کردم، دیدم این خبرنگارها که علیه من می‌نویسند حلقه نزدیک به ایشان هستند.

یعنی آذریک؟

نمی‌خواهم اسم کسی را بیاورم. من رفتم دنبال موضوع و اطلاعات گرفتم و دیدم رگه همین است و یک حلقه تعریف‌نشده‌ای دارند با هم کار می‌کنند. شما مصاحبه آخر آقای ترکان را بخوانید؛ ایشان هیچ موقع وارد این بحث‌ها نمی‌شود و اصلاً این مجلس و فرایند شورای نگهبان و رصلاحیت‌ها را قبول ندارد، به نماینده‌های مجلس یازدهم می‌گوید به نماینده‌ای که توانست به زور شورای نگهبان تأیید صلاحیت بگیرد فرصت ندهید و اعتبارنامه‌اش را رد کنید و نگذارید وارد مجلس شود!



https://iraniancivildemocracy.com/123822

۳۰ فروردین ۱۳۹۵

شماره ۱۳۸

مجله فصلنامه مطالعات ایرانی



درخواست ترکان برای رد اعطای نامه نمایندگان درگیم دلالی ابرخی با وجود دانشش پرورده تکلیف مالی رأی مجلس یازدهم شد

عضو حزب اعتدالی و نویسنده می گوید: اگر مجلس قانون گذاری و نظارت بر اجرای قوانین است، کار مجلس این نیست که با فشار وارد کردن بر قوم مجریه بیس افکن آماده را لغو کند و پاسنگاری خویش را برود کار آورد.

حاکم ترکان به ستاد ملی ریاست حسن روحانی و عضو حزب اعتدالی و نویسنده در بخش فر گفتگو بود. با **فصلنامه** با اشاره به تکلیف به نظر می خورد مجلس مجلس یازدهم ۲۰ وکیل به نام است. گفتا: یک وکیل به از این قانون می گوید که ۹۰ نفر از نمایندگان که در مجلس قرار دارند و یکی از اعضای از سازمان ملل است، لیست آنها به دفتر ملی و مذاکرات قضایی و مطابقت شده اند. حالا به مطابقت ملی نظریه معلوم است. که نتیجه سراسر شکسته است. اما شورای نگهبان اعلام کرد که همه این ترکانی خلاف دولت مقرر قانونی و مطابق در امور نظامی و ... که طبق صحبت های شورای نگهبان همه رد شده اند.

روز افزود: به نظر من مجلس خیلی در ابتدا باید برای این که این اولاد را بخواهد با دولت بسیار زیاده مواظبت کند. با نیرو و حمایت مجلس آنها بود. مجلس در کسانی که به صلاحیت شده بودند را فاشیونیست میخواند. رانه که در دوباره آرایشان را نیست کرده اند و دوباره وارد مجلس شده اند. من فکر می کنم مجلس خیلی برای اینکه همیشه خود را به خطه کند و بر این کسانی که در گذشته همیشه اقتصادی است و بر منطقه اقتصادی پایش بوده اند و دلالی و استقامت انجام میدادند باید اختیاراته تعیین کند.

ترکان ضمن اشاره اینکه برخی با وجود دانشش انتقاده مالی رأی مجلس یازدهم شده اند، گفتا: میگو اینکه هزینه فشار آورده اند و تکلیف مطابقت شدگان که اعضای آنها معلوم است. اختیاراته آنها باید بد شود و نباید اجازه تعیین آنها همچنان در مجلس بماند. وگرنه مجلس توجیه همان افولهاست افکن را میخواهد می شود. این مجلس بسیار محسوس است و تقاضای ما از مجلس همه این است که اختیار مجلس را از طریق این تقاضای ناکب کند.

این عضو حزب اعتدالی و نویسنده نامه ۲۰۰ از سوی دیگر در این مورد می که گذشت نمایندگان بدافعالشان در قوم مجریه خارج از حد و اندازه بود به ظهور که نماینده مجلس فشار می آورد که فلان نفر را حذر کن! همان کند یا فلان نفر را به عنوان رئیس اداره بگذاریم! کسانی که به عنوان پاسنگاری به نمایندگی در مجلس امور قرار گرفته اند، آنها را یکی از دولت فساد و آسیب را بپوشد باید گرفته مجلس بوده اند.

روز گفتا: من فکر می کنم که اگر مجلس قانون گذاری و نظارت بر اجرای قوانین است، کار مجلس این نیست که با فشار وارد کردن بر قوم مجریه بیس افکن آماده را لغو کند و پاسنگاری خویش را بپوشد کار آورد. این کار فلان افکن اختیاراته است و باید اصلاح شود. در خود اختیاراته، فلان افکن میخواند از رئیس افکن اختیاراته دارد که به نوع او وارد اختیاراته شود. اگر رئیس اداره آن به نوع نماینده وارد اختیاراته شده باشد، آن رئیس اداره محسوب آن میخواند می شود و اگر رئیس اداره اختیاراته است، اصل اداره باشد و زیر بار میخواند همان خود قانونی داشته باشد. آن میخواند مجلس با تو به من خود به نظر با تو به شد. او با فشار وارد کردن پارلمان می کند. اینجا باید یک حسادت افکن داشته است. اینجا در مجلس افکن اختیاراته است و من این میخوانم را بدون مطابقت نمی گویم. اگر اینجا اصلاح نمود، مجلس همیشه حقوق من خود از اختیاراته مجلس افکن خود را میسر کند. مجلس باید مطابق در امور قوم مجریه را خود کند و اجازه بدهد نمایندگان از این قدرت استفاده کنند.

ایشان در جریان است تنها کسی که می‌داند در شستا و باند مخوف آنجا چه خبر است من هستم. این حرف‌ها را حتی قبل از اعتراض به اعتبارنامه‌ام، به وزیر تعاون و اگر اشتباه نکنم به مدیرعامل شستا زدم. این‌ها هم زورشان به حلقه حاکم بر یک جریان شستا نمی‌رسد. در حقیقت یک جزیره مخوف پول‌خرج‌کن و معامله‌گر در شستا وجود دارد که از حیطة اختیار وزیر خارج هستند و ایشان حق دارند تمام تلاش‌شان را بکنند که من نباشم، ولو با دست دادن به دشمنان قبلی خودشان یعنی آقای توکلی. در حقیقت آدم‌های خودشان را فرستادند که آدم توکلی شوند. سؤال این است که آقای ترکان الان برایت مهم شده که مجلس صلاحیت دارد یا ندارد و یک نفر فاسد هست یا نیست؟ و برای این مجلس انقلابی خیلی زشت هست که ایشان باشند؟ هیچ‌کس این حرف‌ها را از شما قبول نمی‌کند. ببینید من با پدیده‌هایی روبه‌رو شدم که ناشی از اعمال رفتار قانونگذاری بوده. ربیعی را من از لحاظ انجام وظایفم مورد استیضاح قرار دادم و مناطق آزاد را براساس برداشت اعمال و اختیارات قانونی‌ام ورود کردم و به نظرم اگر آن‌ها کارشان را درست انجام می‌دادند من نباید این کار را می‌کردم. یعنی موضوع این‌قدر شور شود که آقای آشنا مشاور رئیس‌جمهور که چشم دیدن مجلس را ندارد هم‌راستا با معترضان به اعتبارنامه من، علیه من توئیت می‌زند.

توئیت آقای آشنا



در صحن علنی به آقای نادران گفتم یادت رفته که شما بودید و می‌خواستید این کار را بکنید، چون من این کار را کردم شما باید می‌شدید همدست آن‌ها. آقای توکلی! حالا نیروی ترکان و ربیعی که

خودتان مخالفشان بودید می‌شوند عامل خبرآوری شما. نوار جلسهٔ توکلی را پیاده می‌کنم و خدمت‌تان می‌دهم و شما بگذاریدش در این گزارش. گفتم شما شدید آدم فلائی و کسی که قطعاً جاسوس آمریکا هست باید بنشیند دور میز تو و در مورد سپاه و شورای نگهبان و تاج‌گردون حرف بزند و تو وارد پرونده کنی به خاطر رد اعتبارنامهٔ من و بدهی به شورای نگهبان. این‌ها را که نگاه می‌کنم و کنار هم می‌چینم متوجه می‌شوم پس بارانی (پدر بزرگ من) و نمی‌دانم پدر و مادر من ... همه بهانه و این عریضه‌نویسی است و این دعوا سر لحاف ملا هست. از یک جای دیگر می‌سوزند و حالا پدر بزرگ آقای تاج‌گردون را می‌آورند وسط. می‌گویند «وقتی که کم میارن ناموس وسط میارن» داستان همین است و زندگی من و

خانواده‌ام، و زن و بچه‌ام و عروس، خواهرم، پسر دختردایی عمه‌ام و ... این‌ها چه ربطی دارد؟ وقتی مجلس نهم تشکیل می‌شود و من می‌شوم رئیس کمیسیون، سال آخر می‌گویند که آقای تاج‌گردون ما شما را تمکین می‌کنیم و بیایید رئیس کمیسیون بشوید و تلفیق بودجه سال آخر را بدهید به آقای نادران. من هم به احترام جمعی که روبه‌رویم نشستند مثل آقای توکلی، آقای نادران، آقای مصباحی‌مقدم و آقای عبداللهی کاندید نمی‌شوم و یک سال تلفیق را به آقایان می‌دهیم. اینکه چه بلایی سر بودجه آوردند داستان‌ها دارد. من کاری ندارم ولی این‌ها بالأخره یک حسادت‌های سنگینی در دورهٔ نهم از من دارند و حق دارند کینهٔ آن دوره را جبران کنند. داستان کمیسیون ویژهٔ برجام را هم کامل توضیح دادم. آقای مصباحی‌مقدم، آقای توکلی، آقای نادران، آقای قادری و ... بنشینند و بعد تاج‌گردون بشود رئیس کمیسیون بودجه. این باید یک جایی زهرش را بریزد و سابقه نشان داده حتماً می‌ریزد. چون سابقه و شکل تصمیم‌گیری و پرونده‌سازی‌شان را می‌دانم به راحتی با موضوع کنار آمدم و تمام تلاشم را کردم فقط پاکدستی خودم را ثابت کنم و شریک‌شان نشوم. پس حالا واقعاً مسئلهٔ آقای تاج‌گردون مسئلهٔ پدر بزرگش هست؟ آقای توکلی تو که می‌دانی من مالم را حاضر م با تو نصف نصف رد کنم بروم. مسئله چیز دیگری است و همه هم می‌فهمند این را. یعنی همه عالم و آدم می‌فهمند که شما از جای دیگری ناراحتی دارید و این کارها را انجام می‌دهید. بعد این مجمع را از آدم ربیعی و آدم ترکان و آدم آن شرکت جمع می‌کنید دور یک میز تا علیه من پرونده تشکیل دهید.

حتی من رگه این را دارم که کی و کدام شرکت آن‌ها را در جنوب ساپورت کرده تا ده روز در گچساران بنشینند پرونده جمع کنند. جالب است در این نوار می‌گویند آقا چرا تا اینجا چهارباندنه هست و چرا تا اینجا دوباندنه؛ واقعاً ببینید آیا ارزش دارد برای اینکه تاج‌گردون را حذف کنید این همه بی‌اخلاقی و مناسبت‌های بد را تعریف کنید تا به هدف‌تان برسید؟

این‌هایی که گفتید هم جدید بود و هم تا حدودی باورش سخت است.

این‌ها را کامل نگفته بودم و قسمت‌هایی را در صحن روز رد اعتبارنامه گفتم. بودجه هم داستان‌های خاصی دارد. بعد می‌گویند سپاه رفوزه شد، اطلاعات تجدید شد و فلان شد. من این‌ها را می‌گویم که داستانش چیست و مردم باید بدانند. مردم می‌گویند که چرا سپاه و حاج‌قاسم و این بخش با تاج‌گردون خوب هستند؟ چرا حاج‌قاسم و این‌ها با تاج‌گردون راحت‌ترند تا با آن‌ها؟ من از باند

سیاسی‌شان نبودم اما با من راحت‌تر بودند. چرا به من بیشتر اعتماد دارند؟ چرا به آن‌ها اعتماد نداشتند؟ چرا واقعاً به امیرآبادی، نادران و توکلی اعتماد ندارند؟ چون آن‌ها مدارشان مدار شخصی هست و من مدارم مدار حکومتی هست و بدون سوءاستفاده، مدار آن‌ها شخصی هست و اثبات هم می‌کنم که کجا به مدار شخصی‌شان گیر می‌دهند و کار خودشان را انجام می‌دهند. این حرف‌های من شاید برای خودم هزینه درست کند ولی باید پشت‌پرده این اعتبارنامه گفته شود.

خیلی بحث سنگینی شد و خطرناک. یعنی من این‌ها را که نگاه می‌کنم احساسم این است که خیلی نمی‌شود جلوتر رفت و پیشنهادم این است که در همین حد ننگه داریم. به نظرم بد نیست کمی در مورد ثبت‌نام در انتخابات و ردصلاحیت صحبت کنیم و فکر می‌کنم موضوع شما از آنجا آغاز شد. از این بحث شروع کنیم که شما می‌خواهید برای این دوره ثبت‌نام کنید و خیلی طبیعی هست وقتی نماینده‌ای که خیلی موفق بوده برای دوره بعد ثبت‌نام کند. آیا موقع ثبت‌نام پالس منفی یا احساس منفی نسبت به قضیه یا نگرانی از بابت داستان داشتید یا پیش‌بینی از ردصلاحیت خودتان؟
برای دوره یازدهم؟

بله. همین دوره

ببینید شخصاً خیلی تمایلی نداشتم که وارد مجلس بشوم یعنی هم خسته بودم و هم اینکه بالأخره شرایط را خیلی سخت می‌دیدیم برای کار، ولی به خاطر یک‌سری کارهایی که در منطقه شروع شده بود و یک جایگاهی هم پیدا شده بود اگر رها می‌کردم می‌دانستم که آن پروژه‌ها هم دیگر بلند نمی‌شوند و روی زمین می‌مانند برای همیشه. اگر هم پیش‌بینی می‌کردم که کسانی می‌آیند و می‌توانند این کارها را انجام بدهند باز هم خودم نمی‌آمدم. حتی دوستان همسو که مدیرکل بودند یا مثلاً هم‌تراز بودند را دور هم جمع کردم و خواهش کردم که یکی از شما بپذیرد و من هم حمایت می‌کنم تا من آزاد بشوم و بروم جایی دیگر مشغول شوم. تقریباً هیچ‌کس از آن‌هایی که می‌دانستم می‌توانند همراهی کنند نپذیرفتند.

پیشنهادی هم داشتید؟ پیشنهاد مسئولیت؟

رها که نمی‌کردم. بالأخره پیدا می‌شد. من نگران این قسمتش نبودم، اگر نباشد هم زیاد مهم نبود. بالأخره می‌شد یک جایی کار کنی و زیاد این تکه‌اش برایم مهم نبود. بیشتر آزاد کردن خودم مهم بود. ولی دوستان هیچ‌کدام نپذیرفتند. برای این منظور دیدم کسانی که از آن طرف می‌خواهند کاندیدا شوند هدف‌شان فقط خراب کردن هست و نمی‌توانند کار کنند. شاید یک آدم معتدل منصف و کارآمدی می‌آوردند وسط من هم زیاد انگیزه ورود پیدا نمی‌کردم ولی یک جماعتی جمع شده بودند که کاربرد نبودند. تعداد ۷ تا ۱۰ نفر دور هم جمع شده بودند که ما باییم کاندید بشویم که تاج‌گردون نیاید. گفتم خب شما بگویید

می‌خواهید چه کار کنید شاید من نیامدم. هدف فقط این بود که به وحدت برسند که من نباشم در صحنه. مردم از این رفتارها خوش‌شان نمی‌آید و من هم احساس کردم شهرم ضرر می‌کند. البته می‌دانستم که آن‌ها هم خیلی تلاش می‌کنند و بنا را بر این گذاشته بودند که تاج‌گردون نیست و ردصلاحیت می‌شود. بالأخره خیلی کارها کرده و گزارش جمع می‌کردند. حتی دوره‌های قبل هم بودند و همین گزارشات را مطرح می‌کردند ولی پالس منفی از جانب هیئت نظارت مرکز و شورای نگهبان ندیدم که مثلاً رد بشوم. بعضی از نمایندگان می‌رفتند با شورا صحبت می‌کردند که اگر تأیید می‌شوند کاندیدا شوند، من حتی تا این حد هم نرفتم و پیش خودم گفتم چیزی منفی ندارم که بخواهند رد کنند. رفتیم ثبت‌نام کردیم.

اتفاق خاصی که نیفتاد؟

نه، اتفاقی نیفتاد یعنی چیزی هم نبود که اتفاق بیفتد و فرایند هم این را نشان داد. چون همه دستگاہ‌های نظارتی و شورای نگهبان تأیید کردند. برداشتم اشتباه نبود و من پالس منفی نداشتم. تقریباً در همین مسیر ثبت‌نام کردم و شروع کردم مثل بقیه کاندیداها، مخالفان هم بسیج شده بودند که چطور می‌توانند متحد شوند و با چه مدلی بیایند روبه‌روی من. مدل تک کاندیدایی یا چند کاندیدایی، به هر مدلی که خودشان به جمع‌بندی برسند که می‌توانند مرا شکست بدهند.

دوستانی که نمی‌آمدند به خاطر فضای اتفاقات فعلی بود؟

دوستان من؟

بله.

نه، می‌گفتند کارهایی که شما شروع کردی خیلی کارهای سنگینی هست و باید خودت جمعش کنی. درست است که شما حمایت می‌کنید ولی جواری نیست که با حمایت انجام شود، چون توقعات خیلی بالا رفته و مردم کار سنگین مطالبه می‌کنند و این پروژه‌ها که شما شروع کردید چند هزار میلیارد تومان پول می‌خواهد که تمام بشود. کار ساده‌ای نیست. درست هم فکر می‌کردند. آن‌ها با این دید نگاه می‌کردند و من هم بالأخره ثبت‌نام کردم و آمدم. روز آخر بررسی پرونده‌ها مثلاً امشب ساعت ۱۲ شب قرار بود تأیید صلاحیت‌ها را اعلام کنند به فرمانداری‌ها، ساعت ۱۱:۳۰ شب منزل نشسته بودم و موبایلم زنگ خورد. دیدم که شماره نیفتاد، فهمیدم که از جای خاصی هست. جواب دادم، گفت من فلانی هستم کارشناس شورای نگهبان و چند تا سؤال از شما داشتیم. گفتم بفرمایید. گفتم که شما باید ساعت ۱۲ شب اعلام کنید حالا ساعت ۱۱:۳۰ تماس گرفتید بعد چطور می‌خواهید اعلام کنید! چند دقیقه صحبت کرد، بعد گفت پرونده شما را گفتند که فردا اعلام نکنیم. فردا صبح زنگ زد فرمانداری که ببینیم لیست تأیید صلاحیت‌ها را اعلام کردند. گفتند بله، تأیید یا رد همه را اعلام کردند جز مال من را که یک خط تیره گذاشتند جلوی اسمم. سابقه نداشت خط تیره بگذارند جلوی اسم کسی.

آیا محور سؤالاتی که داشتند را می‌توانید بگویید؟

بله. حالا می‌گوییم خدمت‌تان. حالا این‌ها باید یا رد کنند یا تأیید کنند. زنگ زدم شورای نگهبان که قضیه چیست؟ گفتند گزارشی رسیده که این گزارش را رئیس شورای محترم نگهبان فرمودند با خودت جلسه بگذاریم که ببایید و سؤال کنیم. فردای آن روز زنگ زدند و گفتند که فردا فلان ساعت ببایید شورای نگهبان. سر موعد رفتیم شورای نگهبان. هیئت نظارت مرکزی معمولاً چهار پنج نفر هستند که آقای آیت‌الله جنتی هم یکی از آن‌هاست به علاوه آقای اژه‌ای (معاون اول قوه قضاییه)، آقای دکتر کدخدایی، آقای دکتر ره‌پیک و آقای دکتر صادقی‌مقدم. یک کارشناس هم آنجا بود. هر کدام جداگانه شروع کردند به سؤال پرسیدن در خصوص مواردی که بود. بعد گفتند متنی آمده از دیده‌بان شفافیت و آقای توکلی یک گزارشی نوشته و یک سری موارد هست که باید بررسی کنیم و گفتیم که این سؤالات را از خودتان بپرسیم. گفتیم من در خدمت‌تان هستم. همین سؤالاتی که شما از من می‌پرسید را پرسیدند. مثلاً در شرکت پترو امید آسیا شما سهام‌دار هستید و چقدر دارید؟ بعد گفتیم که پترو امید آسیا که مال من نیست، آقای کدخدایی گفت مال کی هست و آن کارشناس گفت آقای توکلی در گزارش نوشتند که ایشان سهام‌دار هست. توضیح دادم که شرکت متعلق به بانک سپه و دولت است. حتی به کارشناس گفتند چرا استعلام نکردید از ثبت؟ گفتیم نمی‌خواهد استعلام کنید از ثبت، همین الان بزنید اینترنت و ببینید که پترو امید آسیا مال کی هست؟ من اصلاً آنجا چه کاره هستیم؟ یک دروغ بزرگی هست. بعد همین نوع سؤالات را که شما عمدتاً مطرح کردید. سؤالات را از من پرسیدند و حتی یک نامه وزارت اطلاعات که بعدها در بررسی اعتبارنامه به آن اشاره می‌شود را بحث کردند. پرسیدم کی این حرف‌ها را گفته. جواب دادند وزارت اطلاعات گزارش‌هایی فرستاده که شما در تحصن مجلس ششم سال ۸۲ حضور داشتید.

همین گزارشی که دفعات قبل هم بوده است؟

بله، دوباره فرستاده بودند. بیشتر مسائل اقتصادی برای‌شان مهم بود و این مسئله سیاسی هم برای‌شان پذیرش نداشت که تاج‌گردون در چارچوب نظام نیست. اصلاً این‌ها را قبول نداشتند و می‌گفتند حرف‌های درستی نیست در مورد آقای تاج‌گردون. بعد گفتند آقای توکلی نوشته که شما ۱۶۰۰ نفر از بستگان و همشهری‌های‌تان را بردید سر کار در شستا. گفتیم چند نفر؟ گفتند ۱۶۰۰ نفر. گفتیم می‌توانید اسم ۱۶۰۰ نفر را به من بدهید؟ کارشناس گفت آن گزارش نیست. گفتیم خوب شما ۱۶۰۰ اسم بدهید به من. گفتند حالا هست یا نیست؟ گفتیم در شستا؟ گفت بله. گفتیم اگر یک نفر را پیدا کردید من ۱۶۰۰ نفر را می‌پذیرم. گفت در حد یک نفر؟ گفتیم آره در حد یک نفر. گفتیم اگر یک نفر پیدا شد در شستا که تاج‌گردون توصیه‌اش کرده باشد می‌پذیرم، چون من می‌دانم کجا نباید توصیه کنم آن هم در شستا. آقای ربیعی کل شستا را شخم زده بود و حتی یک نفر توصیه‌شده توسط من پیدا نکرده بود، چطور توکلی ۱۶۰۰ نفر پیدا کرده است؟

بعد چطور ممکن بود با این ذهنیت که شما دارید ساسان تاج‌گردون را توصیه

کنید برای مدیرعاملی شستا؟

آقای ربیعی همین را گفته بود و بیخودی گفته بود که ساسان تاج‌گردون را من معرفی کرده بودم برای مدیرعاملی شستا. اصلاً چنین چیزی نبوده و یک کسی داستان‌سرای کرده بود. گفتند شما رد می‌کنید؟ گفتم بله، صددرصد رد می‌کنم، اگر ثابت کردید دیگر حرفی ندارم. بعد در بحث شبکه ضدانقلاب و این چیزها از من سؤالاتی کردند. گفتند شما خانمی به اسم گل‌افروز می‌شناسید؟ گفتم گل‌افروز پیرزنی همشهری من است که فوت کرده. پرسیدند شما گفته‌اید که تندیسش را بسازید؟ گفتم آره، ما بهش می‌گوییم مادر گچسارانی‌ها که اخیراً فوت کرده است. تأکید می‌کردند ایشان مادر یک اعدامی هست و گفتید تندیسش را بسازند! آن لحظه اصلاً به ذهنم نرسید که مادر اعدامی نیست و نامادری‌اش هست. گفتم چه اشکالی داره؟ خلاصه وقتی در مورد شخصیت این بانو برای‌شان توضیح دادم قانع شدند.

این موضوع را کمی برای مخاطب‌تان بازگو کنید. البته همشهریان شما می‌دانند.

گفتم ببینید این مادر گچسارانی هست که صد سال زندگی کرده و فوت کرده. قابله و پزشک محلی گچساران بود. همه ماها را ایشان به دنیا آورده و همه هم دوستش داشتیم و او هم ما را دوست داشت. وقتی که فوت کرد همه مردم متأثر شدند.

یک قابله بوده؟

بله. پزشک محلی بود. بعد گفتم وقتی فوت کرد نامه نوشتیم به شهردار و فرماندار و رئیس شبکه بهداشت و درمان که جلوی «بیمارستان مادر و کودک گچساران» تندیس ایشان را نصب کنیم. ما پدر بوکس ایران را هم داشتیم که زمان حیاتش تندیسش را در پارک گذاشتیم که با پای خودش آمد و افتتاحش کرد. یعنی مردم خیلی خوشحال هستند که به پدر بوکس ایران در زمان حیاتش توجه شده. گفتم اگر زمان حیات ننه‌گل‌افروز به ذهنم می‌رسید این کار را می‌کردم. بعد گفتند این ضدانقلاب بوده، گفتم پسرش بعد از انقلاب اعدام شده. خب اینکه نوشتند ارتباط با شبکه ضدانقلاب این تنها شد داستان ننه‌گل‌افروز که ما مطرح کردیم. بعد خیلی از این نوع سؤال‌ها. مثلاً سؤال کردند که یک جا گزارشش آمده که در سخنرانی‌تان گفتید هر کی باید به اشتباهش اعتراف کند و آقای کروبی باید به اشتباهاتش اعتراف کند، من هم باید به اشتباهاتم اعتراف کنم، آقا هم باید به اشتباهش اعتراف کند. گفتم من منظورم رهبری نبوده. حتی آقای کدخدایی گفتند آقای تاج‌گردون حتی اگر منظورتان رهبری هم باشد ملاک رد کردن نیست. خود آقا وقتی می‌فرمایند که ما باید به اشتباهاتمان اعتراف کنیم و بارها می‌گوید من اشتباه کردم اینک ملاک رهبری برای ردصلاحیت نیست. گفتم می‌دانم ملاک نیست و اگر حضرت آقا هم بفهمند که به این واسطه ردصلاحیت می‌کنید حتماً برخورد می‌کنند، ولی این حرف را در مورد رهبری نزد من، روز آخر به معترضان همین را گفتم.

این از گزارش‌های وزارت اطلاعات بود؟

نه، نمی‌دانم حقیقتاً.

با گزارش‌های آقای توکلی؟

کلاً پایه موضوع، گزارش‌ها و صحبت‌های آقای توکلی بود. بعد طرح امامزاده جعفر را سؤال کردند. گفتند آقای تاج‌گردون پتروشیمی گچساران مال شما هست؟ گفتم پتروشیمی گچساران مال دولت هست، چه ربطی به من دارد. همین چرت‌وپرت‌هایی که الان می‌گویند همان موقع هم گزارش دادند به شورای نگهبان. علاوه بر این ۱۵-۱۰ روز قبلش اطلاعات سپاه آمد و با من جلسه گذاشت و همه این موارد را از من سؤال کرد. خیلی‌ها را خودشان بررسی کرده بودند و مابقی را از من سؤال کردند. وزارت اطلاعات هم همین سؤال‌ها را پرسیدند.

از ثبت‌نام تا اعلام تأیید صلاحیت دو سه بار با شما جلسه گذاشتند؟

بله، بعد همه سؤال‌ها را پرسیدند. کارشناسی که در جلسه بود گفت آقای تاج‌گردون همه این حرف‌ها مشترک است و ما باید بیشتر دقت کنیم. یک نفر گزارشی نوشته و داده وزارت اطلاعات، سپاه و... بعد شما می‌گویید چقدر گزارش! در صورتی که پایه همه یکی هست، کار یک نفر یا یک گروه خاص است که روش گزارش نوشتن و انتقال آن را بلد است.

یعنی آقای توکلی؟

نمی‌گویم توکلی، گزارش به توکلی دادند و او هم منتقل کرده به بقیه.

بله، یعنی توکلی این قدر باید ذی‌نفوذ باشد...

این‌ها خودشان جدا داده‌اند و توکلی هم جدا. با این تفاسیر شورای نگهبان هم جلسه گذاشت و بعد فردایش به من زنگ زدند و گفتند ما الان جواب تأییدیه را می‌فرستیم. از آن طرف آقای توکلی و خبرنگاران نفوذی‌اش در فضای رسانه‌ای شروع کردند که تاج‌گردون رد شد، بعد تأیید شد. حتی صدای آمریکا مدعی شد تاج‌گردون برای تأیید صلاحیتش به شورای نگهبان رشوه داده است. سایر رسانه‌ها و شبکه‌ها هم پیگیر بودند که این چرا رد شد و دوباره تأیید شد؟ در صورتی که رد نشده بودم، فقط حساس شده بودند که موضوعات من را دقیق‌تر بررسی کنند. بعد از تأیید صلاحیت وارد مسیر تبلیغات شهرستانی شدم، عوامل دیده‌بان شفافیت توثیت می‌زدند و هر روز شورای نگهبان بودند که جلوی من را بگیرند که همچین پرونده‌ای دارد. اگر هیئت نظارت رد می‌کرد باید پرونده می‌رفت شورای نگهبان. نظارت می‌گفت ما رد نکردیم که بخواید برود شورای نگهبان، اما مخالفان می‌گفتند ببرید شورای نگهبان تا علما و فقها بررسی کنند.

مجموعه‌ای داریم که دارد پرونده‌سازی می‌کند. عملاً شما با یک پرونده سنگین روبه‌رو هستید. عده‌ای این وسط وجود دارند که شاخص‌شان توکلی هست و در ادامه زاکانی. توکلی و بحث دیده‌بان شفافیت هم هست با پشت‌صحنه‌ای که برای شما شناس هستند یا همچنان ناشناس‌اند؟
 نه، می‌دانم که پشت سرشان یک‌سری افراد محلی و منطقه‌ای هستند که آتش تهیه و آماده می‌کنند.

یعنی به واسطه مسائل محلی با شما درگیری داشتند؟
 مخالفت محلی و سیاسی که ریشه‌ای هست و مربوط به الان هم نیست. این گزارشات نشان می‌دهد که اختلافات ریشه‌ای هست و تا ۱۰۰ سال پیش هم رفته‌اند. بالأخره برای‌شان سخت بود و دوست داشتند انتخابات را ببرند ولی می‌دانستند امکان رقابت با من را ندارند. می‌گفتند تاج‌گردون سه بار است که می‌آید و هر بار هم رأی‌ش افزایش پیدا می‌کند. مثلاً ۲۰ هزار تا شد ۳۴ هزار، ۳۴ هزار تا شد ۶۶ هزار رأی و با این وضعیت خیمه‌گاه‌شان کاملاً خراب شد. بنابراین به هر شیوه‌ای متوسل شدند که من وارد مجلس نشوم.

این محلی‌ها قومیتی هستند یا نه؟
 نه، مخالفت‌های قومیتی نبود.

سیاسی هم نیست؟
 چرا، سیاسی هست؛ هم اصولگرا و هم اصلاح‌طلب بین‌شان بود. بیشترشان مخالفت‌های خیلی جدی با من دارند و اگر رأی‌شان را جمع کنید شاید ۲۵ درصد آرای من باشد. این موضوع برای‌شان قابل هضم نبود و به هر روشی درصدد بودند که مانع پیروزی من شوند. این‌ها کارشان را انجام دادند و با همین نیت جلو آمدند. در مرکز یک کانون پیدا کردند که همین کانون دیده‌بان شفافیت هست، دیدند مرکز ثقلی است که می‌تواند خیلی از این مسائل را انجام دهد. بعد حتی جلسه‌ای در اتاق آقای توکلی تشکیل شد و تمام مخالفان من را جمع کردند، بعضی‌ها هم که رفته بودند منطقه دنبال گردآوری اطلاعات. همیشه منکر می‌شدند که ما با این‌ها رابطه داریم، ولی نواری به دست من رسید که مشخص می‌کرد با هم ارتباط دارند. چون زمانی از این واقعه گذشته بنابراین بعضی مطالب قابل طرح است. در جلسه مدعی می‌شوند که تاج‌گردون چطور سپاه و شورای نگهبان را خریده است. کسی که روزی ده تا پست در مورد فسادهای من می‌گذاشت اینجا به صراحت می‌گوید «اگر فکر می‌کنید تاج‌گردون مسئله مالی دارد و تاج‌گردون خورده و برده، اصلاً اصلاً اصلاً از لحاظ مالی نمی‌توانید چیزی از آقای تاج‌گردون پیدا کنید.»

ا ذی نفعان محلی که مشخص هستند منافعشان چیست. نفع توکلی و دیده بان شفافیت چیست؟ نفعی دارند یا فقط به عنوان واسطه عمل می کنند؟

ذی نفع که نه. بالأخره دیده بان شفافیت احساس مسئولیت می کند. عنادهایی هم دارند. منفعت که فقط منفعت اقتصادی نیست، برای خودشان منفعت سیاسی متصور هستند. ولی به نظر من دیگر بیش از حد شورش را درآوردند در موضوعات شفافیت. وقتی تأیید صلاحیت من اعلام شد، آقای کدخدایی گفت وقتی بگذارید و حرفهای توکلی را بشنوید ببینید چه می گوید. به آقای توکلی پیام دادم که می خواهم شما را ببینم. توکلی دو روز بعد از اینکه تأیید صلاحیت شدم پیام داد که فلان روز وقت دارید بیایید. رفتم دفتر ایشان، با چند تا از همکاران شان نشسته بودند. گفتم در خدمتم. باز همان موارد را پرسیدند. البته بیشتر سؤالهای شان در مورد پروژهها و اعمال نفوذ من بود که با رابطه این پروژهها را گرفتی و این نوع حرفهای غیرمستند. متوجه شدم که گزارشهایی دارند که حتی عدد و رقم آنها را هم نمی دانند. مثلاً فلان پیمانکار پروژه ای گرفته که ۱۰۰ میلیارد طلب دارد که تو دو هزار میلیارد هم بهش کمک کردی! گفتم چه پروژه ای؟ پروژه اگر ۲۰۰ هزار میلیارد ریال بود توکلی می گفت ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان. گفتم ۲۰۰۰ هزار میلیارد ریال می شود ۲۰۰ میلیارد تومان. طرح آبرسانی امامزاده جعفر را برایش توضیح دادم که تهاترین و مهم ترین افتخار من در دوره نمایندگی هست. حرفهای دیگری هم زدند که تکراری بود. البته آنجا متوجه شدم که آقای توکلی اصلاً هوش و حواس خوبی ندارد و هرچه بهش می گویند را می نویسد و امضا می کند. به آقای توکلی گفتم وقتی که شما وزیر شدید من دانش آموز بودم. شما کسی بودید که گفتید من این افتخار را دارم که با موتور گازی می روم وزارتخانه. ما هم دل مان خوش بود که وزیر حزب الهی مان با موتور گازی می رود سر کار. الان ادعای تان این است که پدر من زمین خوار بوده و زمین زیاد داریم و این سی سال هم من رانت خواری کردم. گفتم زمینهای پدرم که ارث رسیده و ۳۰ سال رانت خواری من و هر چه کسب کردم و هر چه دارم دو دستی تقدیم شما و نصف مال تان را به من بدهید. حساب بی حساب و داستان را تمام کنیم، بیشتر از این که نمی شود. تو نصف داراییات را به من بده، من هم کل اموال خودم و خانواده ام را یکجا می دهم به شما. گفتم آقای توکلی شاید در زندگی شما سهواً مال حرام رفته باشد، اما در زندگی من مال حرام سهواً هم نیامده است، می توانی ثابت کن که مال حرام دارم. من الان آمدم که تأیید صلاحیت شدم. بعد گفت آقای تاج گردون اجازه داریم که اگر موضوعی بود به خودتان زنگ بزنیم و از خودتان سؤال کنیم. گفتم اتفاقاً من آمدم برای همین. شما اگر موضوعی دارید اول از من سؤال کنید. حتی همکارشان یک چیزی گفت و من عصبانی شدم که توکلی گفت عصبانی نشو. گفتم من از این ناراحتم که تشخیص نمی دهید کی را در چه ترازوی ارزیابی کنید، مثلاً شما الان از پیمانکار ۵۰ میلیونی، ۱۰۰ میلیونی یا ۲۰۰ میلیونی در گچساران می گوید که فلانی با تو چه ارتباطی دارد. خب این طرفی که اسمش را می آورید و در آن لیست شرکتها هم هست، نهایت قراردادی که بسته باشد در خدمات شهرداری فکر کنم ۵۰ میلیون باشد یا ۱۰۰ میلیون. غلامرضا تاج گردون اگر بخواهد خلاف کند و اهل خلاف و رانت خواری باشد که با یک پیمانکار خرد گچسارانی یکی نمی شود؛ می رود با شرکت های بین المللی بزرگ نفت که ارز وارد

می‌کنند، ارز جابه‌جا می‌کنند و قراردادهای آی‌پی‌سی نفتی می‌بندند کوک می‌شود. گفتیم شما در این لیست نگاه کنید شرکت معرفی کردند که تعمیر فن کوئل هست یا تعمیر دوربین‌های مداربسته یا تخلیه چاه و فاضلاب، اگر می‌خواهید آدم را خراب کنید با یک چیز درست حسابی خرابش کنید نه این‌ها. آن طرف هم گفت چرا شما عصبانی می‌شوید، گفتیم باید عصبانی بشوم و آدم ناراحت می‌شود از این مزخرفات. خلاصه از دفتر آقای توکلی آمدم بیرون و با خودم گفتم شاید آدم‌های منصفی باشند و اگر چیز دیگری باشد به خودم می‌گویند. چند روز بعد، دکتر الیاس نادران که همکار من و توکلی بود، یک توثیق زد که آقای تاج‌گردون به زور تأیید صلاحیت گرفته. بهش پیام دادم که این کارت خیلی زشت هست، شما که با من همکار بودید چرا توثیق زدید؟ گفت من حاضرم یک دادگاه و حکم بگذارید و من موارد را بگویم و شما دفاع کنید، اگر من توانستم ثابت کنم شما انصراف بدهید و بروید. برای نادران نوشتم که حکم نیاز نیست، خودت حکم اما یک جلسه بگذار و هر چه توانستی ثابت کنی من انصراف می‌دهم. نادران دیگر جواب من را نداد. بعد یک مسئول نظارتی کشور به من گفت این را نادران داده و تو واقعاً جوابش را دادی؟ پیام‌ها را برایش فرستادم. این‌ها بالاخره از روز اول ذهنیت‌شان این بود که تاج‌گردون نباید بیاید مجلس و کمیسیون بوجه، می‌دانستند اگر من بیایم برای‌شان مشکل پیش می‌آید. خلاصه نسبت به آقای نادران ذهنم خیلی منفی نیست، ولی اثرگذاری آقای توکلی روی نادران را زیاد می‌دانم. وگرنه آقای نادران آدمی نیست که به چیزی که واقعاً اعتقاد ندارد بپردازد ولی در این موضوع بهش گفتم شما را نمی‌بخشم. اگر بخواهم واقعیتش را بگویم بعداً که شورای نگهبان تأیید کردند دیگر زیاد به موضوع نپرداخت ولی دیده‌بان شفافیت همچنان مشغول بود. اگر ترکیب دیده‌بان شفافیت را نگاه کنید همیشه جاهای مختلف حضور دارند؛ آقای دکتر دهقان عضو شورای نگهبان هست و عضو هیئت مؤسس دیده‌بان شفافیت، آقای امیرآبادی که هیئت رئیسه مجلس هست و عضو هیئت مدیره دیده‌بان شفافیت که آتش‌بیار معرکه اعتبارنامه من هم هست. بعدها امیرآبادی آمد به من گفت آقای تاج‌گردون جریان نوار چیست؟ بخشی از صدای نوار را برایش پخش کردم. گفت این چه کاری هست که آقای توکلی می‌کند، این بی‌اخلاقی و بی‌دینی است و ترسید که من این نوار را بدهم و گفت می‌خواهید این نوار را چه کار کنید؟ گفتم کاری نمی‌کنم، نوار پیش من می‌ماند. گفت آقای توکلی ما را هم دارد خراب می‌کند. خیلی ترسیده بود که من محتوای نوار را بدهم بیرون. به آقای دهقان و شورای نگهبان هم گفتم این نوار را گوش بدهید که چه کسانی از پیش شما اطلاعات می‌برند آنجا و به قول معروف سعی می‌کنند مدیریت سایه‌ای اعمال نظارت بر خیلی از رفتارها کنند.

ا پس فکر می‌کنید به هر حال این‌ها یک تجمیع منافی هست، یک بخش از منافع بخش محلی است و دیده‌بان شفافیت هم شاید این ذهنیت را داشته باشند که شما به دلالی در مجلس و در بوجه نباشید. این وسط یک‌سری شخصیت‌های دیگری هم هستند که قبلاً توضیح دادید و یک‌سری کینه‌توزی‌هایی دارند با هم تجمیع شده‌اند....

بله

▮ به جز آقای ترکان و آقای عباد، فکر می‌کنید شخص دیگری هم هست؟

نه، فرد دیگری به این شیوه نیست. ببینید کسی که جلو آمد و این‌ها را به هم وصل کرد خبرنگاری است که رفیق اصلاح‌طلبان است، پیش شهرداری برود جایزه می‌گیرد، پیش عباد برود جایزه می‌گیرد و... با وجه اشتراک فسادستیزی رفیق توکلی باشد و به جرم خلاف امنیت ملی هم بازداشت شود. به نظر من مجموعه این عوامل همین‌طور کنار هم جمع شدند از بارانی پدربزرگ من تا به امروز که به من حمله می‌شود. نمی‌گویم آقای توکلی با آقای ربیعی و ترکان و غیره ارتباط دارد، شاید با این‌ها هم بد باشد ولی یک نقطه اشتراک و یک آدم نفوذی می‌آید که آن‌ها را به هم وصل می‌کند. داخل فساد می‌گردند و یک آشنا پیدا می‌کنند و اسامی را نشر می‌دهند، مثلاً پسر دختردایی من فلان جا کار می‌کند؛ باید با ذره‌بین بگردند تا پیدایش کنند ولی آدم گنده خودشان گم می‌شود! این‌ها بالاخره یک جوری کنار هم جمع شده بودند. ولی شورای نگهبان که مرجع هست و فصل الخطاب، هم رهبری و هم حضرت امام فرمودند شورای نگهبان هست و باید بپذیریم این موضوع را. ادامه این بحث به نظر من درست نبود، یعنی نه منطقی بود و نه قانونی و نه شرعی. فقط فضا سازی بود و اینکه یک حرفی زدند و می‌خواستند یک جوری ثابتش کنند، حالا چه به شر و چه به خیر.

▮ نهادهای نظارتی امنیتی هم یعنی مخالف شما بودند؟

نه. البته نهادها رسماً علیه من نبودند و تأیید کردند.

▮ دیگر ورود نکردند؟

نه آن‌ها در همه مراحل تأیید کردند. حتی این اواخر در مجلس هم از آن‌ها خواستند و باز هم تأیید کردند که آقای زاکانی گفت رفوزه شدند. منظورش اطلاعات سپاه بود. می‌گفت چرا اطلاعات سپاه از تاج‌گردون حمایت می‌کند. معیار زاکانی این بود که هرکسی همراهش نباشد رفوزه است و کسی هم که با او باشد تأیید است.

▮ پس خط رابط این جریانات به نظر شما چه کسی بود؟

یک خبرنگار بود و البته عامل افراد دیگر بود.

▮ یک خبرنگار رابط بین بود؟

بله، رابط بین این‌ها یک خبرنگار بود. حالا به هر روشی تغذیه‌اش می‌کردند تا جایی که محور اصلی جلسه آقای توکلی و دوستان‌شان می‌شود. رسماً همه چیز را زیر سؤال می‌برند و می‌شود گزارش به شورای نگهبان و صدای آمریکا و بعد هم معترضان به اعتبارنامه. گروه‌هایی با هم بسیج و دور میز جمع می‌شوند که با شفافیت این کار را می‌کنند.

▮ الان بخواهم بحث آن جلسه را پیش بکشم چه افرادی حضور داشتند؟

افرادشان را که من نمی‌دانم، فقط من دو الی سه نفرشان را شناسایی کردم؛ آقای توکلی و آن خبرنگار و یک روحانی از هم‌استانی‌های ما و یک آقای دیگر که تا حدودی می‌شناسم. مابقی را نمی‌شناختم. البته حالا خیلی‌ها دنبال این هستند که این نوار را کی به من داده است. به آقای توکلی گفتم «آن‌هایی که شما خریدید، خریدنی هستند.» خریدید که بیایند به شما گزارش بدهند. هر خریدنی نرخ دارد. شک کرده بود که اطلاعات سپاه داده، وزارت اطلاعات داده و اینکه کی آنجا شنود گذاشته. شنود نبوده، یکی از همان افراد این نوار را ضبط کرده بود و به من داد، همان‌هایی که خریده بودندش. من این نوار را اخیراً به نهادهای امنیتی هم دادم.

این اتفاقات چقدر قبل از این جلسه بود؟

همان دوره تأیید صلاحیت بود، قبل از انتخابات، زمانی که داشتند پرونده می‌دادند شورای نگهبان و حتی زمانی که تأیید شده بودم و بعد از تأیید شدن.

که شما اصلاً اطلاعی از این جلسه نداشتید؟

نه، من اطلاعی نداشتیم.

یعنی این یک خیزش بود و پالسی از شما نداشتید.

نه، این اصلاً بعد از انتخابات به دست من رسید و زمان انتخابات هم نداشتیم. یعنی می‌خواهم بگویم این یک مدار سنگین بود که من عبور کردم. بعید می‌دانم در کشور روی کسی این‌طور سرمایه‌گذاری کرده باشند که این‌طوری بزنندش و از چند ماه قبل چندین تشکل کنار هم بگذارند که هنوز نفهمیدم که چرا این قدر برای این‌ها اهمیت داشت. فکر می‌کنم من این قدر مهم نبودم که این افراد بخواهند هزینه کنند، شاید با یک‌دهم این هزینه‌ای که برای من کردند می‌توانستند آدم‌های مهم‌تر دیگر را کله‌پا کنند. حالا شاید هم دنبال این بودند من را بزرگ کنند که این کار را کردند.

بعد از تأیید صلاحیت شما و شروع تبلیغات انتخاباتی، نشان داده شد دوره تبلیغات تان

دوره پرسروصدایی بوده است. فیلمی از ستاد شما بیرون آمد که اندکی واکنش برانگیز بود و بیش از همه آن تصاویر هوایی که با هلی‌شات گرفته شده بود، به چشم می‌خورد. چرا این همه تبلیغات هواداران تان پرسروصدا شد و آیا واقعاً تبلیغات سنگینی انجام شده بود یا فقط آن فیلم بزرگنمایی شد؟

ببینید تقریباً در همه ستادها همین حالت بود و خیلی هم از ستاد من وسیع‌تر بود، ساز و دهل و بزن و برقص در خیابان‌ها راه انداخته بودند و خیلی هم ستادهای شان مجلل‌تر بود. اما برای من دو موضوع جنبه‌ای متفاوت‌تر داشت یکی آنکه جمعیت ما انبوه‌تر بودند و سه برابر ستادهای دیگر بود و به چشم می‌آمد، دوم اینکه هنرمندهای دور و بر ما هنرمندتر بودند،

مثلاً یک فیلمبردار ما هلی شات می‌گرفت. هلی شات دومیلیون تومان شد و فشفشه‌هایی هم که در آن برنامه استفاده شد شاید سرجمع ۵۰ هزار تومان نشد، اما این کلیپ خیلی خودش را نشان داد. در زمان تبلیغات در همه انتخابات‌هایم اولین جلسه همیشه با جوانان هستم. در آن جلسه جوانان حوزه انتخابیه حضور داشتند که در حدود سه چهار هزار نفر بودند. زمان تبلیغات با طوایف و اقشار مختلف از جمله ورزشکاران، هنرمندان، بازاریان، بانوان، رأی‌اولی‌ها و... جلسه می‌گذارم. فیلمی که بیرون آمد برای جوانان ما نامفهوم نبود، اما آنان که خارج از حوزه انتخابیه من هستند و حتی شبکه خارجی اینترنشنال که فیلم را پخش کرد نتوانستند مفهوم ارتباط من با جوانان شهر را بفهمند.

من در شهرم همیشه می‌گویم پرسپولیسی هستم، شاید الان یک بازیکن پرسپولیس را هم نشناسم! ولی همین بین جوانان انگیزه ایجاد می‌کند و استقلال‌ی‌ها هم از من بدشان نمی‌آید و نمی‌گویند او پرسپولیسی است و اصل علاقه است که او به فوتبال علاقه دارد. مثلاً من در عکسم در آن فیلم دارم به جوانان علامت شش‌تایی‌ها را نشان می‌دهم و اگر لب‌خوانی کنید می‌گویم شش‌تایی‌ها، بعد آقای احمد توکلی می‌گوید که این رفتار زشت و سبک آقای تاج‌گردون در تبلیغات است و همان روز توثیت گذاشت، یعنی این قدر من برای توکلی و دیده‌بان شفافیت مهم بودم که علامت دستم را هم توثیت کرد. خُب به من چه مربوط که تو معنی شش‌تایی و چهارتایی را نمی‌فهمی، اگر جلسه‌ای بگذارید در آن توضیح می‌دهم که هنرمندی هنرمندان ما این است. یا مثلاً در کلیپ دیگری یک خانم با اسب جلوی ماشین من حرکت می‌کند؛ در منطقه من زن‌ها به راحتی اسب‌سواری می‌کنند و با اسب می‌روند که این کار بالذاته اشکالی ندارد. ولی این کلیپ یکدفعه منطقه و استان و کشور را درنوردید، حتی در شبکه‌های بین‌المللی بازخورد داشت. این کلیپ نه خرجی داشت و نه هزینه‌ای برداشت. اتفاقاً ستاد مرا نگاه کنید، فقط آن بچه‌ها یک هنرنمایی کردند؛ نمای مورد استفاده ساختمان ما چوب است که یک خانم طراح کارکشته آن را براساس نمای «پیاده‌راه خیابان بلادیان گچساران» با هزینه‌ای کم اجرا کرد و شد نمای اصلی ستاد من. همه فکر کردند نمای ستاد را عوض کرده‌ایم، در صورتی که آنجا کارگاه بود و نمی‌توانستیم کاری کنیم. آنچه اهمیت دارد این است که در حوزه من یکی جمعیت زیاد و دیگری هنرمندان مبتکر این فضای شگفت‌انگیز را خلق کردند.

البته من یک تعبیر دیگر هم از آن بکنم. حالا شما تعبیر هنرمند به کار می‌برید و من تعبیری دیگر و آن اینکه شما تیم رسانه‌ای یا تیم تبلیغاتی مناسب و قوی دارید. حالا یک اصطلاح هم در این مباحث به کار رفته، چماقدار رسانه‌ای را برای شبکه‌های اجتماعی شما می‌گویند. حالا این را کاری ندارم و می‌خواهم بگویم تیم تبلیغاتی متفاوت.

بله. تیم رسانه‌ای من، جوانان باعلاقه و بانگیزه‌ای هستند و من بیشتر اوقات از این همه وقتی که

آن‌ها می‌گذارند، خجالت می‌کشم. برای من خیلی جالب بود؛ بدون یک ریال اضافی که خرج این کارها کنیم، خودم ساعت دو نصفه شب می‌رفتم و می‌دیدم که این‌ها دارند کار می‌کنند. در دوره قبل هم همین بود و کلیپ ساختند. در دوره قبل می‌گفتند زیر پوستر من نوشته شده «دکتر تاج‌گردون»، اصلاً در پوستر من اسم غلام‌رضا تاج‌گردون هم نیست. روزی که جایی برای تبلیغات رفته بودم، بچه‌های کوچکی مرا در دست گرفته بودند و عکاس‌های هنرمند از این صحنه عکس گرفتند و همان شد پوستر من که حتی اسم هم ندارد.

بله.

اتفاقاً معترضان در جلسه اعتبارنامه من گفتند که شما از عنوان دکتر استفاده کرده‌اید که گفتم اصلاً پوستر من اسم ندارد. در یکی از کوچه‌ها، کنار دختر بچه‌ای عکس گرفتم و آن شد پوستر من. حالا این هنرمندان کار هنری کردند، گفته‌اید چماق‌دارهای رسانه‌ای و چماق‌دارهای توتیتی و... اینکه یک نماینده بتواند ۸۰ درصد جوانان شهرش را در این شرایط فقر و فلاکت به پای انتخابات بکشد، به نظرم به او باید دست‌میزاد گفت نه منکوبش کرد.

برای شما از جنبه‌های مختلف این بحث پشتیبانی مطرح می‌شود. چون اینستاگرام خواهرتان بسیار فعال است و بسیار هم حتی در این پروسه خبرساز شد.

در کل روی خواهر من و فضای مجازی‌اش حساسیت بیشتر است. خودش هم حساسیت ایجاد می‌کرد. خواهر من چون فردی خیر است، در فضای اینستاگرام هم روی من بیشتر حساس شد. نه فقط او بلکه الان ۷-۸ تا پیج تاج‌گردون هست که یکیش مال من است، یکی دیگر صد هزار فالوئر دارد و مال من هم نیست و فعالیت دارد.

خواهرتان در بحث اعتبارنامه جمله‌ای از رهبری آورده‌اند که خیلی سروصدا کرد.

این را قطعاً توطئه‌ای می‌دانم که یک نفر آن را ساخته و در گروه‌ها پخشش کرده بود که ایشان هم فکر کردند واقعی است و در صفحه‌اش گذاشت. مثلاً مخالفان در گروه‌های خودشان پخش کردند که امروز تاج‌گردون با رؤسای قوا در مورد اعتبارنامه‌اش صحبت کرد. خُب من فهمیدم که این یک توطئه است و دفتر بیانیه گذاشت، بعد دیدم که بچه‌های خود ما هم دارند پخش می‌کنند، گفتند که این حرف‌ها چرت است و بعد من خودم این را گذاشتم در پیجم. البته کسی نمی‌گوید که تاج‌گردون چه گفته، می‌گویند خواهرش چه گفته و من در پیجم گذاشتم که این کذب و جعلی است. او گذاشته بعد برداشتش. اما آن‌ها ۱۰ دقیقه هم باشد عکس می‌گیرند و بزرگش می‌کنند و فوری می‌فرستند برای آقایانی که ردصلاحیت می‌کنند. من به آن‌ها گفتم که این جمله کذب و جعلی است و

بعد هم معلوم شد که کار خودشان است. اگر من این کار را کرده بودم خب تا الان مرا پیدا کرده بودند. حرف جعلی بود و من در اسنادم به آن اشاره کرده بودم، فکر می‌کنم فهمیدند که دست‌شان رو شده و بیشتر به آن نپرداختند.

ا مطلبی که می‌خواهم بگویم ربطی به این موضوع مطرح‌شده ندارد، اما نمی‌خواهم زمانش بگذرد. بحث نامه‌ای است که شما می‌نویسید و از برخی مسئولان حمایت می‌کنید. آیا شما نامه‌ای در حمایت از آقای کروبی نوشته‌اید؟ به وزارت اطلاعات گفتم که کی من چنین نامه‌ای نوشته‌ام؟ اصلاً من عضو کمیته رفع حصر نبودم و چیزی هم ننوشتم، ولی با چند تن از نماینده‌ها به رئیس‌جمهور نامه نوشتیم که چرا برای آقای خاتمی محدودیت ایجاد کرده‌اید. همیشه به دوستان اصلاح‌طلب در مجلس می‌گفتم که هر وقت سیستم رفت به سمت اینکه جریان حصر را حل کند، دو نفر می‌آمد در بین اصلاح‌طلب‌ها و شروع می‌کرد به اینکه حصر باید چنین و چنان باشد. به نظرم بعضی‌ها در جایگاه اصلاح‌طلب‌ها موجب تداوم حصر بوده‌اند. من در موضوع حصر همیشه اعتقاد این بوده است که اگر چند نفر ریش‌سفید می‌رفتند و این موضوع را حل می‌کردند خیلی بهتر بود. ولی دو سه نفر سروصدا می‌کنند و نمی‌گذارند موضوع حصر به خوبی حل شود. در مورد آقای کروبی باید بگویم که آقای کروبی رئیس مجلس بود و احترام‌مان متقابل بود، دوستش داشتیم و دوست‌مان داشت. ولی بالأخره شرایطی برای نظام پیش آمد که مورد حصر قرار گرفتند، امیدواریم که این موضوع به هر شکلی حل شود و به این شیوه نماند و ادامه پیدا نکند. قطعاً هر تصمیمی نظام بگیرد خیر است ولی اینکه من در کمیته رفع حصر باشم دروغ است. البته فراکسیون کمیته رفع حصر تشکیل داد اما من نبودم، چند تا از دوستان دیگر در کمیته بودند. نمی‌دانم چرا وزارت اطلاعات این را نوشته است، اسم آن را شیطنت می‌گذارم و نمی‌گویم که وزارت اطلاعات مطلع نیست؛ حتماً شیطنت رده‌های اطلاعاتی است که این کار را کرده‌اند وگرنه من در کمیته رفع حصر نبودم و همه هم این را می‌دانند.

ا بالأخره باید نامه‌ای موجود باشد.

وزارت اطلاعات نوشته. بله باید نامه‌ای موجود باشد که من در کمیته رفع حصر هستم. اگر وزارت اطلاعات توانست آن را ثابت کند، من حرفی ندارم. وزارت اطلاعات در ردصلاحیت این را نوشته‌اند که کمیته رفع حصر، بالأخره جایی باید این کمیته باشد یا مصوبه‌ای باشد که رفع حصر هم معنا پیدا کند. این از آن حرف‌های شیطنت‌آمیز است.

ا ولی شما و دیگر نماینده‌ها در بحث کاهش محدودیت برای آقای خاتمی نامه نوشتید.

بله، تذکر به رئیس‌جمهور دادیم. البته این هم ملاک رد شورای نگهبان نبود. ما به عنوان نماینده به رئیس‌جمهور تذکر دادیم که چرا برای رئیس‌جمهور اسبق محدودیت ایجاد کرده‌اید، در پاسخ نامه هم توضیح دادند که مصوبه شورای امنیت کشور است و از این حرف‌ها.

دوباره برگردم به انتخابات؟ آیا شما واقعاً زیاد هزینه کردید؟
انتخابات.

بله، انتخابات.

نه، چون انتخابات ما اصلاً پُرخرج نیست، و انتخاباتی است که مردم بیشتر هزینه می‌کنند. هزینه‌های پوستر و بلندگو و ستاد جای خود را دارد و برای همه در یک سطح است چون همه پوستر می‌زنند و همه هم بلندگو دارند. ولی شما بگویید اینجا مهمانی دادم پنج‌هزار نفر، اصلاً برای آن خرج نمی‌شود. مردم با هم دعوا دارند که بیایند برای این مهمانی‌ها خرجت را بدهند، در منطقه ما طوایف با هم دعوا می‌کنند که کی این خرج را بدهد، کی این نماد را بسازد. معمولاً مرا ۳۰۰-۲۰۰ مهمانی دعوت می‌کنند که شاید ۲۰ تا آن را بتوانم بروم. آن‌ها خودشان خرج می‌کنند. در قدیم‌ها آن‌ها که رأی کمی داشتند، خرج می‌کردند و می‌گفتند ما هزینه‌ها را می‌دهیم و شما مهمانی‌ها را بدهید. آن‌هایی که رأی‌شان کم و پول‌شان زیاد است این مهمانی‌ها را می‌دهند، یعنی می‌گویند ما غذا و میوه و این‌ها را می‌دهیم که بگوییم فلان طایفه ما را مهمان کرد. طوایف نسبت به من برای این موضوع خیلی لطف دارند و این را توهین می‌دانند که ما بگوییم این کار خرج دارد. در ایلات و عشایر لرها این یک نوع رفتار توهین‌آمیز است، واقعاً بعضی در تهران این را نمی‌فهمند که چرا این شام و ناهار را می‌دهند!

بله، فهم این موضوع وجود نداشته است.

از اینکه فهم‌شان به این موضوع برسد خبری نیست. فهم شناخت این طوایف و این موضوع وجود ندارد.

در این دوره نیازی نبود که شما بخواهید بازی خاصی انجام بدهید؟

نه. مثلاً می‌گویند آقای تاج‌گردون پول زیادی خرج کرده است، آخر باید یک جایی باشد که آن را خرج کرده باشم یا باید یکی به من چیزی داده باشد، کی داده است؟ کسی که هواپیما را در هوا می‌زند، نمی‌داند چه کسی به من پول داده است یا مثلاً من پول خرج کرده‌ام، این پول را کجا و چطوری خرج کرده‌ام، به کی داده‌ام؟! مثلاً بگویند این ۹ ایل و طایفه فلان روز غذا داده‌اند، آن روز ۱۰ هزار تا غذا داده‌اند، تصور اینکه چه پولی بابت ۱۰ هزار تا غذا داده شده است، خیلی سنگین است. این ۹ طایفه با هم جمع شده‌اند و یک طایفه غذا داده است، گفتند چون در ده ماست پس

ما باید غذا بدهیم و بین خودشان به توافق می‌رسند. ۱۰ هزار تا غذا که شوخی نیست. با ماشین خودشان آمدند. برای یک نماینده باید ماشین گرفت و ۱۰ هزار زن و بچه می‌آیند در ده و روستا، فکر کنید چه ترافیک سنگینی می‌شود. حداقل سه هزار ماشین که می‌شود، این تعداد ماشین در یک جادهٔ روستایی، خورد و خوراک‌شان، بنزین‌شان، شش ساعت در گرما بایستند تا تاج‌گردون بیاید و سخنرانی کند. این‌ها خودشان می‌آیند؛ کسی که این‌ها را نمی‌تواند به زور بیاورد. امروز اگر آقای روحانی سخنرانی داشته باشد می‌تواند دوهزار نفر را بیاورد، یا آقای قالیباف یا هر نماینده‌ای از تهران بخواهد در این شهر سخنرانی کند می‌تواند ۲۰۰ نفر را جمع کنند؟ من در هر همایش زیر دوهزار نفر آدم نداشتم. سخنرانی آخر من حداقل ۲۰ هزار نفر جمع شدند؛ ۲۰ هزار نفر جمعیت با عشق برای سخنرانی بروند و خودشان هم خرج خودشان را بدهند. نه، خرج من زیاد نبوده است ولی مشکل ما این است که کسانی که امسال هوس کردند به موضوع من پردازند فهم این موارد را ندارند یا خودشان را به نفهمی می‌زنند.

می‌خواهید یک عدد بدهید.

عدد را می‌گویم. یک روز که بحث حقوق‌های نجومی در صداوسیما مطرح بود، طرف پرسید آقای تاج‌گردون به نظر شما حقوق مدیرعامل یک بانک چقدر باید باشد، حدوداً چقدر می‌شود؟ گفتم من رفتم بودم در روستای خودمان، یک پیرمردی آمد به من گفت «تو چته؟ در تهرون نشستی ماهی دو میلیون حقوق می‌گیری و کیف دنیا را هم می‌کنی». گفتم در روستای ما دو میلیون خیلی است ولی من خیلی خرج نکردم، اسنادش هم هست. چون من عمداً پول در حساب شخصی خودم بود و کارت را هم داده بودم به ستادم که هر جا هم خرید شد، با کارت غلامرضا تاج‌گردون خرید شود. یعنی اگر پیچی خریدید، بلندگویی اجاره کردید همه از این کارت بود تا بدانم چه کار کرده‌ایم. حدود ۲۲۰ - ۲۱۰ میلیون تومان هزینه شد. در دورهٔ دهم که فراكسیون زاگرس‌نشینان را تشکیل دادیم، اثر خاص خودش را برای طرح دستیابی به مطالبات اجتماعی بر جای گذاشت. جریان‌های سیاسی مجلس هردو مخالف بودند، چه اصولگرا و چه امید مخالف شکل‌گیری فراكسیون زاگرس بودند. اما تشکیل فراكسیون اثرش را به جا گذاشت و نبودش را هم ما الان در مجلس احساس می‌کنیم یعنی نبود فراكسیون زاگرس و بی‌توجهی به مطالبات اجتماعی این حوزه. درست است که یک عده می‌گویند تبارگرایی نکنید و حضرت آقا هم می‌فرمایند خیلی موضوع قومیت‌گرایی را گسترش ندهید و فرمایش‌شان هم کاملاً درست است، ولی وقتی به مطالبات اجتماعی نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این جور نیست که بقیه هم این‌طور فکر کنند. من یک مثال خیلی واضح برای‌تان می‌زنم. شما الان ببینید ساختار مجلس شکل گرفت، رئیس مجلس ما مشهودی است، نایب رئیس اولش مشهودی است، نایب رئیس دومش آذری (اردبیلی) است. ترکیب اعضای هیئت رئیسه هم به این شکل هستند؛ دو نفر تبریزی، دو نفر اصفهانی، یکی قمی، یکی مازندرانی، یکی از استان مرکزی و

دو نفر هم تهرانی هستند. ترکیب را نگاه کنید، ما از قم سه نماینده داریم و فکر نکنید خیلی شاخص هستند. نه، با همین لابی‌ها آمده‌اند که یکی عضو هیئت رئیسه، دیگری رئیس کمیسیون امنیت و یکی هم رئیس مرکز پژوهش‌هاست. در مشهد چهار نماینده داریم که یکی رئیس کمیسیون اصل ۹۰ است، یکی نایب رئیس مجلس و دیگری رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی است. یا در تبریز پنج نماینده داریم که دو تا هیئت رئیسه‌اند، یکی رئیس کمیسیون آموزش عالی و یکی هم نایب رئیس کمیسیون بودجه است یعنی چهار نفر شان چهار تا مسئولیت مهم را گرفته‌اند. شما فکر می‌کنید این چیزها بدون لابی شکل می‌گیرد؟ چطور می‌شود استان‌های حوزه زاگرس شامل: آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و هرمزگان حتی یک مسئول در مجلس ندارند. دو نفر فارس داریم که یکی خودش شخصاً زحمت کشید که رئیس کمیسیون مجلس شد و یکی هم اسمش در قرعه‌کشی بالا آمد. به هر حال هر جور فکر کنیم نمی‌شود به مطالبات اجتماعی و مناطق مختلف کشور توجه نکرد. اگر غیر از این بود که می‌گفتند ۲۹۰ نماینده از تهران بیاید نه از تمام نقاط کشور. مثلاً آقای نیکزاد در اتاقش جلسه بگذارد به عنوان نایب رئیس و در آن مشکل ساختمان شیخ صفی‌علیشاه را بررسی کند، یا در اتاقش جلسه بگذارد و راه‌آهن اردبیل را بررسی کند. یا آقای قاضی‌زاده در اتاقش جلسه بگذارد مسئله بافت پیرامون حرم امام‌رضاع) را بررسی کند، یا دکتر پورابراهیمی در اتاقش با بانک‌ها جلسه می‌گذارد و مشکل صنعت کرمان را حل می‌کند. آیا آقای پیرهادی نماینده تهران حاضر است در اتاقش جلسه بگذارد و محور اصلی جاده از ارومیه تا بندر امام را بررسی و مشکلاتش را حل کند، تا صد سال دیگر هم این کار را نخواهد کرد، تا صد سال دیگر این اتفاق نمی‌افتد. شاید چند نماینده تهران برای اجرای شو به خوزستان سفر کنند و کار تبلیغی کنند ولی به هر دلیلی پیگیری مطالبات مردم روش خاص خودش را می‌خواهد. این نماینده‌ها باید یک جا جمع شوند و مشکل را حل کنند. بالآخره یک نفر باید پیگیر این موضوع باشد. می‌گفتند تاج‌گردون یا امثال او فقط به مطالبات منطقه‌ای پرداختند. نمی‌توان گفت چون تاج‌گردون رئیس کمیسیون بودجه است و زاگرسی و اهل کهگیلویه و بویراحمد، فقط مسائل منطقه‌اش را پیگیری می‌کند. نمی‌توانید بگویید که تمام فکر و ذکر و مطالباتش شده کهگیلویه و بویراحمد. همین تاج‌گردون را در برجام می‌بینید، در کمیسیون ویژه تولید ملی، در مذاکرات بین‌المللی و در همه جا او را می‌بینید. مسئله زاگرسش را هم پیگیری می‌کند. وقتی آمدم در مجلس جدید، خیلی از دوستان به من گفتند این کار زاگرس را پیگیری نکن. آن‌هایی که عافیت طلب بودند به من گفتند این کار را نکن، ولی ما فراکسیون زاگرس را تشکیل دادیم و در حقیقت فراکسیون خوبی هم شد، استقبال خوبی هم شد و از اول هم ۷۰ نفر آمدند و شروع کردیم به اینکه جلسه تشکیل دهیم. چون ویروس کرونا بود

ماندیم که جلسه را کجا برگزار کنیم. گفتیم در هتل اسپیناس پایین شهر نه بالا شهر، یکپه دیدم که همه از جمله توکل، نادران و چند تن از نماینده‌های تهران علیه من توثیت زدند که زاگرس نشینان در هتل اسپیناس جلسه گذاشتند و از هتل اسپیناس بالا عکس می‌گذاشتند. این‌ها فضای سنگینی علیه زاگرس نشینان ایجاد می‌کردند و این افراد در رسانه‌ها نیز در مورد جلسه زاگرس نشینان در هتل اسپیناس مطالبی نوشتند. ما در اتاق بازرگانی جلسه را برگزار کردیم و از کترینگ هما غذا سفارش دادیم که قیمت هر غذا شد ۵۰ هزار تومان، ولی آن‌ها در بهترین هتل‌ها و اماکن حکومتی جلسه تشکیل دادند و از رستوران لوکس فارسی در خیابان دولت غذا گرفتند که قیمت آن صد هزار تومان بود. این‌ها را نمی‌دیدند ولی به زاگرس حمله می‌کردند. خوب سؤال این است چرا شما جلسه می‌گذارید کسی به شما حمله نمی‌کند، ولی به ما حمله می‌کنید. این مشخص بود که بزرگنمایی می‌کردند، موضوع این بود که می‌گفتند آقای تاج‌گردون با تشکیل فراکسیون زاگرس نشینان می‌خواهد دقیقاً سهم سیاسی‌اش را بالا ببرد. شما اگر در توثیت‌های توکل، نادران و رضاخواه و مالک شریعتی و خانم الهیان دقت کنید، یک رشته توثیت با هم شروع کردند و همه همین را مطرح می‌کردند و بیرونی‌ها هم به تبعیت از این‌ها این مسائل را طرح و به ما حمله می‌کردند. البته همزمان بحث رئیس مجلس هم مطرح بود که کی باشد. این حلقه‌ای که من اسم بردم همه‌شان می‌خواستند که دکتر قالیباف رئیس مجلس شود، ولی یک نفر تا روز آخر مقاومت کرده بود و ایستاده بود آن هم آقای حاجی‌بابایی بود. آقای حاجی‌بابایی کیست، با تاج‌گردون ارتباط دارد؟ حرف‌شان این بود ایشان در حلقه زاگرسیان قرار می‌گیرد، پس تاج‌گردون دارد تلاش می‌کند تا آقای حاجی‌بابایی را رئیس کند یا دکتر مصری نماینده کرمانشاه را نایب رئیس. فرض کنیم که من دنبال مصری یا حاجی‌بابایی باشم، چه اشکالی دارد. مصری و حاجی‌بابایی هر دو اصولگرا هستند و از شما هم خیلی اصولگراتر هستند.

ولی به نظر می‌رسید واقعاً شما دنبال این بودید، همان‌طور که در بحث کمیسیون بودجه پیگیر حاجی‌بابایی بودید.

هنوز به بودجه نرسیدیم، فعلاً بحث ریاست مجلس هستم. فرض کنید حالا من اگر دنبال مصری باشم برای نایب رئیسی مجلس یا یک زاگرسی برای کمیسیون چه اشکالی داشت، چطور آقای قالیباف که مشهودی هستند دنبال این هست که نایب رئیسی آقای قاضی‌زاده بشود که مشهودی است؟ این جرم نیست، ولی من گچسارانی بخوام آقای مصری از کرمانشاه نایب رئیس شود جرم است؟ ما حداقل یک پهنه ۱۲-۱۱ استانی هستیم. ما مخالف تفکر حزبی غالب در مجلس نیستیم، اما می‌گوییم مشارکت همه مناطق در مدیریت را داشته باشیم. من که نگفتم نایب رئیس شوم، نگفتم پزشک‌ها بشود؛ من گفتم از خودتان اگر این‌ها بشوند بد نیست. آقای حاجی‌بابایی

تجربه نداشت که داشت، پنج دور نماینده مجلس نبود که بود، وزیر هم بود و همه خصوصیات کامل را داشت. آیا آقای مصری شرایطش را نداشت؟ سه چهار دور نماینده مجلس، وزیر، مدیر و نایب رئیس مجلس بود، یعنی چون مصری را زاگرسی می‌دانید می‌گویید نه. در دوره قبل ایشان نایب رئیس بود، چرا این‌ها را کنار می‌گذارید و افراد خودتان و حلقه نزدیک خودتان را ساپورت می‌کنید. برای خودتان خوب است، اما به ما که می‌رسد می‌شود جرم. خیلی جروبحث کردند. شما به مجلس دهم نگاه کنید، من و حاجی‌بابایی مخالف هم بودیم و ایشان انتظار نداشت در آن دور از ایشان دفاع کنم ولی شک ندارم در این مجلس کارکردش از بقیه بهتر بود. مطمئنم به شما ثابت خواهد شد که آقای حاجی‌بابایی بهتر از قالیباف می‌توانند عمل کنند یا آقای قالیباف که اصلاً در مجلس نبوده و اولین بار است به مجلس آمده است و اصلاً نمی‌داند که چطور باید جلسات را اداره کند. خلاصه اینکه این فشارها به قدری زیاد شد که قصد داشتند جلسه دوم و سوم ما برگزار نشود و اوج حساسیت زمانی می‌شود که فراکسیون مستقلین تشکیل می‌شود. این دیگر در حد جنایت مطرح شد که چرا اصلاح‌طلبان بیایند در این مجلس و فراکسیون مستقلین تشکیل بدهند. برداشتم این بود که ما اگر می‌خواستیم فراکسیون تشکیل بدهیم ۸۰-۷۰ نفر به راحتی می‌توانستند در آن باشند، اما پایداری بخواهد تشکیل بدهد به ۵۰ نفر هم نمی‌رسد. صدای آن‌ها بلند است و می‌توانند فراکسیون تشکیل بدهند، اما ما صدای مان ضعیف است و نمی‌توانیم فراکسیون تشکیل بدهیم. بعد فکر کردند که اگر تاج‌گردون را بزنند همه چیز درست می‌شود. تاج‌گردون را زدند، موتورش را خواباندند، به قول معروف هم موتور زاگرسی‌ها را خواباندند و هم مستقلین را. هم‌زمان از این طرف و آن طرف به من فشار می‌آوردند که باید از آقای قالیباف حمایت کنید. من هم به آقای حاجی‌بابایی گفتم این‌طور که از جوانب مختلف برمی‌آید رأی شما از این طرف و آن طرف دارد کم می‌شود و نمی‌خواهند شما انتخاب شوید. در این فاصله آقای قالیباف یکبار به من زنگ زد و با من صحبت کرد درباره یک‌سری مطالب. ایشان خیلی صریح به من گفت که «شما اگر نیابید پایداری چی‌ها به اصطلاح سوار می‌شوند». این جمله‌ای است که آقای قالیباف مطرح کرده بود و قابل اثبات هم هست. جلسه‌ای دو نفره خدمت ایشان داشتم و این جلسه از ساعت ۱۰ شب تا ۱ نیمه‌شب طول کشید. ایشان در جلسه مطالب مختلفی را مطرح کردند. به آقای قالیباف گفتم من یک نکته را می‌توانم در آغاز کارتان خدمت شما عرض کنم، شما مدیر اجرایی بوده‌اید، خوب کار کردید در مملکت که شرایط خاص خودش را داشت، شهردار موفق بوده‌اید، فرمانده نیروی انتظامی موفق بوده‌اید، هر جا بوده‌اید بالآخره موفق بوده‌اید، نمی‌توانم بگویم ناموفق بوده‌اید یا اگر بگویم بد بوده‌اید دور از انصاف است و جاهایی که لازم بوده کمک‌تان کرده‌ایم و جاهایی هم که لازم بوده شما به ما کمک کرده‌اید. حتی یادآوری کردم که وقتی دولت آقای احمدی‌نژاد مستقر شد و من را از معاونت برداشتند، اولین کسی که به من پیشنهاد داد بروم معاونش

شوم همین آقای قالیباف بود! کی؟ یعنی سال ۸۴، در سال ۸۴ آقای قالیباف با وجود آنکه با من زیاد ارتباط نداشت و دورادور مرا می‌شناخت، به من پیشنهاد داد شهرداری در حوزه برنامه‌ریزی، من تشکر کردم و گفتم شهرداری بلد نیستم کار کنم. بعد هم یک نکته به او گفتم و اینکه «آقای قالیباف الان شما آمده‌اید مجلس، من می‌توانم چهارسال آینده‌تان را در مجلس پیش‌بینی کنم و به شما بگویم شما در انتهای چهارسال پیشیمانید که چرا به مجلس آمده‌اید؟ همچنان که اگر از دکتر عارف سؤال کنید، به نظرش یک دوره چهارساله‌اش را که به مجلس آمده به بطالت گذرانده است، شما هم حتماً در پایان چهارسال‌تان پیشیمان خواهید بود که چرا به مجلس آمده‌اید». آقای قالیباف گفت امیدوارم که این‌طور نباشد، گفتم نه همین‌طور خواهد بود. گفتم اگر شما در تهران کاندیدای مستقل می‌شدید با یک پوستر مستقل، رأی می‌آوردید؛ شما با یک ترکیب ناهمگونی طرف هستید. برای اینکه یک وحدتی ایجاد شود، یک لیست ۳۰ تایی جور کردی و به خودت آویزان کردی که این ۳۰ تا، ۲۹ تایشان اگر با هم یک لیست می‌دادند، دوم می‌شدند یعنی فقط خودشان هم بودند دوم می‌شدند. کی به آقای میرسلیم در تهران رأی می‌داد یا مالک شریعتی، پرهادی، دهنوی، خانم الهیان، شاکری. کی آن‌ها را می‌شناسد، آن‌ها خودشان هم همدیگر را نمی‌شناسند مثل خانم الهیان که آقای رضوانی را نمی‌شناخت. شما یک گروه به خودتان آویزان کرده‌اید که این‌ها وبال جان‌تان هستند. گفتم هنوز مجلس شروع نشده، به شما حمله کرده و می‌گویند آقای قالیباف دزد است، کیست؟ آقای میرسلیم، آقای میرسلیم می‌گوید که آقای قالیباف دزد است من که نگفتم، پس آمده‌اید و یک سهمیه به او داده‌اید به نام مؤتلفه، به آقای زاکانی شش هفت نفر سهمیه دادید که وردست خودش را به مجلس بی‌آورد و این‌ها هستند که در آینده‌ن چندان دور تیغ تیز را برای تو می‌کشند. این‌ها با یک ترکیب این‌طوری می‌آیند. من هم گفتم با آقای حاجی‌بابایی صحبت می‌کنم که بالأخره به یک سمت برویم. من می‌دانستم با وجود حاجی‌بابایی بهتر می‌توانم مطالبات کف جامعه و محرومین و مناطق محروم را مطرح کنم. البته مشخص بود که این‌ها طوری بسته‌اند که آقای حاجی‌بابایی نباشد و بعد هم در مورد آقای حاجی‌بابایی و نایب رئیسی صحبت کرد. درخواستش این بود از آقای قاضی‌زاده حمایت کنید و من هم گفتم مصری و در آخر هم در مورد ایده‌ها و برنامه‌هایش گفت که می‌خواهد چه کار کند و چه کار نکند. در آن زمان هنوز بحث اعتبارنامه من در مجلس مطرح نشده بود، البته به من گفت که «بعضی‌ها روز اول آمده‌اند پیش من و گفته‌اند که می‌خواهیم روی اعتبارنامه تاج‌گردون اعتراض بگذاریم، من هم آن‌ها را پیشیمان کردم و گفتم من بروم مجلس جای این کارها نیست و آقایان هم پیشیمان شدند که روی اعتبارنامه شما اعتراض بگذارند». این حرفی است که آقای قالیباف گفت. من از چند جای دیگر هم شنیده بودم که آقای قالیباف گفته‌اند که این کار درست نیست و این حرف‌ها چرت است. در آن جلسه یک‌سری مطالبی را که در زمان صلاحیت‌م بحث شده بود برای‌شان گفتم و حتی از نواری

گفتم که از یک جلسه در دفتر توکلی تهیه شده بود، گفتند این نوار خیلی مهم است که الان شما در اختیار دارید. سرجمع اینکه این‌ها احساس کردند فراکسیون زاگرس یک معضل است و این معضل توسط تاج‌گردون دارد شکل می‌گیرد و چند تن از نماینده‌های مختلف انقلابی به خیال خودشان در حوزه زاگرس را تحریک کردند که در مقابل این فراکسیون موضع بگیرند مثل آقای راستین نماینده شهر کرد، نماینده خرم‌آباد و یکی دو نفر هم در حوزه خوزستان که ما می‌خواهیم فراکسیون جنوب‌غرب بزنیم. بعد از فراکسیون زاگرس، فراکسیون‌های دیگر را شکل دادند مثلاً فراکسیون جنوب. فراکسیون جنوب چه شد، اصلاً چند جلسه هم گذاشتند، خوزستان با قسمتی از فارس و بخشی از کرمان. گفتیم کرمان که مرکز است، بعد چه جوری کهگیلویه و بویراحمد را ول کردی و رفتی خوزستان. در واقع می‌خواستند زاگرس را ذبح کنند که کردند و به نظر من موفق هم شدند. داستان فراکسیون زاگرس این بود. در دوره دهم زاگرس نشینان که در حدود صد نماینده بودند، تا حدودی توانستند مطالبات جامعه خودشان را مطرح کنند. شوخی است که بگوییم ما ملی هستیم و توجه به این حرف‌ها نداریم. در مدیریت مجلس باید همه مناطق حضور داشته باشند و گرنه به مشکل برمی‌خورند و آسیب می‌بینند. در دور قبل زاگرس نشینان در هیئت رئیسه چند نفر داشتند، چند رئیس کمیسیون داشتند که وقتی بحث می‌کردند می‌توانستند حواس‌شان به منطقه زاگرس باشد. همچنان که البرز نشینان داشتند، آذری‌ها داشتند. به نظر من آن‌ها که با زاگرس مخالف هستند، آسیب را خواهند دید و می‌بینند. بعد از چهار سال بلکه به یک‌سال نرسیده آسیب خواهند دید. این موضوع زاگرس بود.

البته شما بعدها بین زاگرس نشینان محبوبیت پیدا می‌کنید و بعد از رد اعتبارنامه گروهی از زاگرس نشینان دعوت تان می‌کنند برای ریاست جمهوری ۱۴۰۰.

حالا ریاست جمهوری که یک شوخی است. زاگرس‌ها به قدری از لحاظ مدیریتی در کشور افت کرده‌اند که نمادش می‌شود تاج‌گردون. در صورتی که مشابه تاج‌گردون در مجلس‌های مختلف زیاد است، این بیانگر آن است که نمی‌توانند تصمیم درستی بگیرند. خوزستان یک استان خیلی مهم است و ۱۸ نماینده دارد، چرا خوزستانی‌ها نمی‌توانند حتی یک کرسی را در مجلس بگیرند. زاگرس‌ها فهمیدند که آن‌ها جمع شده‌اند تا مرا بزنند، از همین مستندات متوجه شدند. دیدند که آقای توکلی به من امر می‌کند و نامه می‌نویسد و در نامه به صراحت می‌نویسد تبار‌گرایی نکنید یا در نامه‌ای که ضمیمه گزارش و مستندات آقایان است، ۴۰ صفحه آن شرکت‌ها و مؤسساتی است که مدیران‌شان لر یا زاگرسی هستند و هیچ نسبتی هم با من ندارند، حتی دوست من هم نیستند. اسم و عکس آن‌ها را گذاشتند، نام شرکت‌ها را هم منتشر کردند. حُب ۱۰ برابر این کرمانی وجود دارد، صد برابر این آذری وجود دارد، ۵۰ برابر این اصفهانی وجود دارد، چرا فقط همین‌ها را می‌گویید. گشته‌اند در کل ایران و یک لیست درآورده‌اند که این قدر زاگرسی مسئولیت دارند. زاگرس‌ها مسئله‌شان تاج‌گردون نیست. تاج‌گردون سدی بود در برابر مسائل این‌ها و می‌ایستاد در برابر مطالبات

حداکثری آقایان که چرا در برابر زاگرس‌ها مقاومت می‌کنند و چرا دارند می‌زنندش. من هرگز بیان نکردم که دارند مرا می‌زنند، مستنداتی که این‌ها برای زدن من ضمیمه کرده‌اند این را نشان می‌دهد. حالا شما می‌خواهید از این مستندات استفاده کنید، مثلاً فردی را معرفی کرده‌اند در این شرکت‌ها، بچه‌ای اهل بروجرد که بسیار با من کنتاکت دارد، اما می‌گویند این نیروی تاج‌گردون است. آدم داریم از خرم‌آباد، کرمانشاه، ایلام که اسمش را گذاشته‌اند نیروی تاج‌گردون. گشته‌اند هر چه پیدا کرده‌اند نوشته‌اند. بالأخره شاید احساس کرده‌اند که یک نفر را دارند بیخودی می‌زنندش و شروع کردند به مطالبه. نمی‌گویم محبوبیت ولی آن‌ها دوست دارند که من بیشتر مطرح شوم و از مطالبات‌شان بگویم. من سهم توجه به زاگرس را در زدن خودم خیلی بالا می‌دانم.

آیا مشخصاً حمله برای تشکیل فراکسیون زاگرس‌نشینان یا یک فراکسیون مستقل در مجلس بود، برای این ورودها موضوع خاصی را می‌دانید. مثلاً ما می‌دانیم دعوای آقای زاکانی سر چیست؟ یا می‌دانیم بحث آقای توکلی سر چیست، آیا مشخصاً در بحث فراکسیون هم فکر می‌کنید کسی ورود کرده یا مثلاً از طرف آقای قالیباف هدایت شده باشد؟

نه. برخی از افراد در کشور (این دیگر عمومی است) که می‌خواهند نگاه صرف سیاسی داشته باشند، دستیابی به مطالبات سیاسی خودشان را تعارض با فراکسیون‌های قومی می‌دانند. مثلاً یک نیروی سیاسی می‌گوید می‌خواهم این حرف را بزنم و نیروهای حزبم را بیآورم و مطرح بکنم. مثلاً می‌خواهند پنج نفر هیئت رئیسه را طوری ببندند که دو تا پایداری باشد، یک نفر مؤتلفه باشد، چهار تا فلان باشد، البته از دید منافع ملی حرف‌شان درست است ولی به شرطی که دنبال منافع ملی باشند. این‌ها دنبال منافع ملی نیستند، این‌ها مطالبات حزبی‌شان است. اگر یک حزبی بیاید و بگوید که من برنامه‌توسعه کشور را دارم، زاگرس تو خیالت راحت باشد، سیستم تو خیالت راحت باشد، آذربایجان خیالت راحت باشد؛ من هم می‌گویم نماینده گجساران و کهگیلویه و بویراحمد هستم و مطالبات منطقه‌ام را در برنامه حزب لحاظ کنید حرفی ندارم. اما این‌ها برنامه ندارند، برنامه حزبی دارند برای مطالبات خودشان نه مطالبات توسعه منطقه‌ای‌شان، پس مجبورند که ما را کنار بگذارند. فرض کنید من می‌خواستم با جمعی مطالبات منطقه‌ای‌ام را حداکثر کنم، می‌آمدیم زاگرس‌نشینان را با آذری‌ها هماهنگ می‌کردیم که ائتلاف کنند برای تعیین رئیس و نایب رئیس، آیا قالیباف می‌توانست رئیس شود؟ قطعاً نمی‌توانست. البته ما که به دنبال این نبودیم ولی آنان هم چنین ریسکی نمی‌کردند. دور قبل فراکسیون امید که تشکیل شد و بحث این بود که کی رئیس شود، از روز اول گفتم آقای عارف شما رئیس نمی‌شوید و هر چقدر تلاش کنی از ۱۰۴-۱۰۳ رأی بالاتر نمی‌روی. سال دوم که یک نماینده‌ای آذری پا شد و گفت شما می‌خواهید لاریجانی را پایین بیاورید و یک اصلاح‌طلب بالا برود یا آقای عارف رئیس شود، هدف‌تان چیست؟ گفت اگر هدف‌تان این است که لاریجانی را پایین بیاورید و یک اصلاح‌طلب برود بالا نسخه آن مشخص است؛ آقای پزشکیان و آقای تاج‌گردون با هم توافق بکنند یکی‌شان رئیس یکی هم نایب رئیس، زاگرس‌ها و آذری‌ها با هم توافق می‌کنند پزشکیان رئیس و تاج‌گردون نایب رئیس شود، دوتاشان هم اصلاح‌طلب‌اند شما چه‌تان است؟

خیلی هم بهشان برخورد، چون هدف این بود که عارف رئیس شود نه یک اصلاح طلب. هدف این نبود که پزشکیان رئیس شود. پس ما هرگز نمی توانیم رئیس شویم و گرنه نسخه رئیس شدن اصلاح طلبان در مجلس دهم کاملاً از روز اول تعریف شده بود. چون در مجلس هم می خواستند قالیباف رئیس بشود، مجبور بودند این ها را بگذارند. اگر هدف این بود که یک اصولگرا رئیس شود مثلاً می آمدند می گفتند با آذری ها توافق بکنید بعد رئیس حاجی بابایی و یک نایب رئیس نیکزاد و یک نایب رئیس هم مثلاً مصری. حتماً کارایی آن مجلس بیشتر و بهتر از کارایی الان بود، چون همزمان ۱۷۰-۱۶۰ رأی محکم داشتند و سه تا آدم کار کشته می شدند رئیس و نایب رئیس مجلس که هم اصولگرا بودند و هم از نیروهای خوب. البته قاعده مجلس جمهوری اسلامی همین است.

پس چه کسانی ذی نفعان حذف شما از مجلس بودند؟

متعدد بودند.

در اینجا یک گروه دیگر هم اضافه می شود و آن هم مخالفان تشکیل یک فراکسیون هستند. این عده به نظر شما مجهول اند یا قالیباف است یا دیگران یا همه آدم ها به نوعی نقش داشتند؟

اینجا دیگر شخص نیست و بحث نگرش حزبی است. حاکمیت حزبی است که بعضی ها اثرگذاری شان کمتر می شد یعنی حاکمیت حزبی خودشان کمتر می شد. مثلاً در فراکسیون اصولگرایان گام دوم در مجلس حالا رئیس زاکانی باشد، حاجی بابایی باشد، قاضی زاده باشد، مصری باشد، کی باید باشد. اگر چاشنی قومی داشته باشد، زاکانی نمی شود. چاشنی قومی داشته باشد مثلاً حاجی بابایی می تواند باشد یا مصری و نیکزاد. ولی چون آقای زاکانی یا آقای نادران اثرگذاری حزبی شان کم می شود، پس بهترین حالت این است که فتیله قومی را پایین بکشند. منطقی هم فکر می کنند البته از نظر خودشان نه از نظر من. این ها با همین شیوه و روش در حقیقت کارشان را جلو بردند و یک فاکتور به فاکتورهای دیگر اضافه شد که من را بزنند. در مجلس همه این را می فهمند و شاید ۱۰ آدم بیرونی از مجلس هم به من تذکر می دادند که این کار را ادامه نده.

من فکر می کنم یک شائبه وجود دارد که شما کاندیدای ریاست جمهوری هستید و می خواهند این موضوع را در نطفه خفه کنند. چون آقای امیرآبادی در همین ایام در برنامه تلویزیونی دستخط گفت یکی از کاندیداهای اصلاح طلب تاج گردون هستند.

دو سه سال پیش با یک عزیز محترمی جلسه ای داشتیم و بحثی کرد که چند نفر از طیف اصلاح طلبان و معتدلین هستند که اگر درست جلو بروند و خودشان را حفظ کنند، با توجه به رده سنی می توانند در آینده قابل سرمایه گذاری برای رده های بالاتر باشند و شما هم می توانید یکی از این ها باشید. دو سه نفر دیگر را اسم برد و این موضوع را چند بار مطرح کردند. دو سه سال پیش همین آقای امیرآبادی که عضو هیئت رئیسه است پیش من آمد و گفت دیشب من در جلسه ای بودم و این حرف ها را

شنیدم، خبری هست؟ دیدم حرف‌های همان عزیز است. گفتم نه اصلاح‌طلبان قبولم می‌کنند، نه عضو حزبی هستم و نه من در مسیری هستم که بخواهم. حتی یکی دیگر از آن‌هایی که اسمش با من آورده شده بود یک روز مرا دید و گفت آقای تاج‌گردون این حرف را شنیدی؟ گفتم آره. بعد گفتم اسم شما را هم گفته بودند؟ گفت بله. گفت فقط بهت می‌گم مواظب خودت باش. حرف دو سال پیش است. مدتی این را بدجوری در رسانه‌ها زدند و زرنگ‌تر از من بود چون در رفت. دقت کنید آقای رنجبران مجری برنامه دستخط، از امیرآبادی می‌پرسد کاندیدای اصلاح‌طلبان برای سال ۱۴۰۰ چه کسانی هستند؟ آقای امیرآبادی چند اسم را معرفی می‌کند و می‌گوید یکی هم آقای تاج‌گردون. مجری برنامه از او سؤال می‌کند همین تاج‌گردون؟! می‌گوید آره همین تاج‌گردون.

قسمتی از مصاحبه امیرآبادی در برنامه دستخط

مجری: از جمع اصلاح‌طلبان چه کسی برای ۱۴۰۰ می‌آید؟
امیرآبادی: چند نفری مطرح هستند. آقای سورنا ستاری مطرح هست. آقای اردکانیان محبتش هست. تاجگردون مطرحه. آقای جبرمی مطرحه.
مجری: خود آقای تاجگردون؟
امیرآبادی: بله.
مجری: آینده آقای لاریجانی را چطور می‌بینید؟ در عرصه ریاست جمهوری می‌آیند؟
امیرآبادی: یکبار به آقای جعفری (رئیس دفتر لاریجانی) گفتم آقای دکتر لاریجانی داخل مجلس مدیریت خیلی خوبی است. مدیریت خوبی دارد ولی اینها جایگاه مردمی ندارند. مردم خیلی استقبال نمی‌کنند.

فردایش آقای امیرآبادی را دیدم و گفتم این نقشه است، چرا همچین حرفی می‌زنید؟ گفت این که خیلی خوب است، تعریف دادم که کاندیدای ریاست جمهوری می‌شوی. گفتم آقای امیرآبادی من که بچه نیستم و دیگر روش‌های شما را می‌شناسم که چی هست، چه علامتی دارید می‌دهید. بعد هم یک کلمه گفت که تو تأیید کردی؛ او گفت همین تاج‌گردون و تو هم گفتی آره همین تاج‌گردون. کدوم تاج‌گردون. یعنی قبل از برنامه داشتید در مورد من صحبت می‌کردید. پس چرا نگفت همین فلانی و گفت همین تاج‌گردون، یعنی قبلش داشتید در مورد من صحبت می‌کردید. حداقل از این گاف‌ها ندهید، مشخص است که با یک هدفی دارید اسم مرا در این جلسه می‌آورید و قبلش در مورد من حرف می‌زنید. ببینید این‌ها به خاطر خودشان این‌طور تصور می‌کنند اما من برای خودم چنین تصویری ندارم و تعریفی نکرده بودم. این‌ها دشمن فرضی می‌سازند و با دشمن فرضی می‌جنگند و می‌کشندش و بعد می‌گویند ما پیروز شدیم. کل قضیه این است. این یک چیز فرضی است که حالا بعد با یکی رقابت یا حسادت و لجابت دارد، از یکی خوشش نمی‌آید، یکی آینده را می‌بیند، یکی گذشته را نگاه می‌کند و یک گروهی هم دنبال بقیه می‌دوند و با آن می‌زنندش. به نظر من همین بود.

آیا احتمالاً به این خاطر نیست که بخش‌هایی از بدنهٔ اصلاح‌طلبان شما را قبول نداشته باشند و بدشان نمی‌آید شما را بزنند؟
اصلاح‌طلبان هم می‌تواند باشد. نمی‌گوییم نیست.

چون شما اسم نیاوردید که دو سال پیش نگفتید این بحث کجا مطرح شده.
نه نمی‌دانم. اصلاً بحث اصلاح‌طلبان نیست. آن بحث دو سال پیش که می‌گوییم در جلسهٔ اصلاح‌طلبان نبود. یک گروه از اصلاح‌طلبان مخالف من بودند که هنوز هم هستند. من هیچ‌وقت در هیچ حزبی نبودم ولی اکثریت آن‌ها را دوست دارم.

به خاطر همین می‌خواهم بیرسم خب شما که جزء هیچ حزبی نیستید چطور خود را اصلاح‌طلب تعریف می‌کنید؟

بعضی‌ها فکر می‌کنند اصلاح‌طلب یعنی حزب اصلاح‌طلب. منظورم تفکر اصلاح‌طلبی است. متأسفانه این‌ها اصلاح‌طلبی را در مدار چه کسی بودن فرض می‌کنند. من آدم کسی نیستم؛ خودم را عرض می‌کنم. تفکرم اصلاح‌طلب است. حتی یک نفر از من سؤال کرد یعنی چه تفکر اصلاح‌طلبی، تو که اصول همه‌چیز را رعایت می‌کنی؟ اصول انقلاب و جنگ و امام و رهبری و همه را رعایت می‌کنی پس چرا می‌گویی اصلاح‌طلبیم؟ گفتم ما یک جایی با بعضی از این اصولگراها مشکل داریم و من اعتقاد دارم اصولگراها از بین خودشان اصلاح‌طلب خلق خواهند کرد چون این روند که جلو می‌آید بعضی‌ها اصلاح می‌شوند. این‌ها می‌شوند اصلاح‌طلبی که از درون اصولگرا هستند. گفتم مثل هاشمی‌رفسنجانی، روحانی و در آیندهٔ نزدیک مثل آقای لاریجانی. گفتم آقای لاریجانی تندترین فرد اصولگرا بوده وقتی که رئیس صداوسیما بود و برنامهٔ عاشورایی که در سال ۷۶ ساخت. امروز کسی اصولگرا هست که بتواند یک فحش به لاریجانی بدهد! اصولگرایان از بین خودشان اصلاح‌طلب خلق می‌کنند. در خصوص حقوق شهروندی به نظر من، نظر خاتمی و نظر لاریجانی تقریباً یکی است و تفاوتی بین آن‌ها نمی‌بینید. در بحث تعامل با دنیا چه تفاوتی بین خاتمی و روحانی و هاشمی‌رفسنجانی و لاریجانی و این قشر می‌بینید؟ مثل هم هستند، درسته؟ در این موضوعات می‌گوییم من یک اصلاح‌طلب هستم، در نگاه مدیریتی، نگاه اداری، نگاه بودجه‌ای، شاید تفاوت‌هایی پیدا شود. مثلاً اصولگرا می‌آید و می‌گوید در بودجه فقط به بسیج و حوزهٔ علمیه و نهادها ردیف اعتبار بدهید. می‌گوییم به این‌ها بدهید و به موسیقی و تئاتر هم بدهید. موسیقی را منکوب نکنید، تئاتر را سرکوب نکنید. شما اگر مثلاً به این مؤسسه کمک می‌کنید، برای تولید فیلم آن مؤسسهٔ زیرمجموعهٔ ارشاد هم توجه کنید. مثلاً می‌خواهید فیلم را توجیه کنید می‌گویید سریال‌های ماندگار را پول بده، این فیلم‌ها هم هست، توجه کنید نه اینکه حدود شرعی را بگذارید کنار. همهٔ این‌ها را باید در جامعه به موازات هم مورد توجه قرار داد. مثلاً در کمیسیون فرهنگی مجلس ده اصولگرا هستند که تا بهشان بگویید به حوزهٔ علمیه پول بدهید می‌گویند ما که مخالف نیستیم و تازه کمک‌تان هم می‌کنیم، اما به ارشاد و تربیت بدنی و... که می‌رسد زیاد خوش‌شان نمی‌آید. یعنی نگاه من این‌طوری است که اصلاح‌طلب هستم و کاری هم به حزب

ندارم. بعضی از اصلاح‌طلبان هم از من ناراحت هستند مثلاً در مجلس دهم من واقعاً بعضی چیزها را درک نمی‌کردم که باید کامل در اختیار باشم و می‌گفتم خودم باید حواسم باشد. مثلاً اوج ناراحتی اصلاح‌طلبان از من در کابینهٔ اول آقای روحانی بود که آقای مهندس بیطرف را مطرح کردند به عنوان وزیر و ما بر سر یک موضوعات مربوط به نوع نگاهش به مدیریت آب در کشور اختلاف‌نظر داشتیم. من اول موافقتش بودم. دوتا از نماینده‌های منتقدش هم نشستند بودند. دو الی سه ساعت با آقای بیطرف جلسه داشتیم. دیدیم واقعاً نمی‌شود با هم مَجّ بشویم و اگر ایشان وزیر بشود نمی‌توانیم در مدیریت آب کشور هماهنگ شویم. او یک دیدگاه داشت و ما دیدگاه دیگری. آقای بیطرف انسان بسیار شریف و متخصص و دوست خود من بود، ولی اصلاح‌طلبان گفتند آقای بیطرف خیالت راحت باشد بگو نه، رأی می‌آوری، اصلاً ما پشتت هستیم. آقای بیطرف گفت مثلاً خوزستانی‌ها چند نفر هستند؟ ۱۸ نفر، این‌ها رأی ندهند. گفتم یک نماینده می‌تواند وزیر را ببندازد، چرا خیال می‌کنید ۱۸ رأی مشکلی نیست؛ یک رأی کفایت می‌کند. خلاصه جمع تصمیم گرفتند و آقای بیطرف افتاد. یعنی این یک برخورد با اصلاح‌طلب تلقی می‌شد و فکر نمی‌کردند که یک نیم‌نگاه نماینده به برنامه‌های کشوری و منطقه‌ای‌اش است. لذا یک طیف از اصلاح‌طلبان با من مخالف بودند و هستند و هنوز هم دارند برای من می‌زنند. بعد در تمام تیتراهای‌شان می‌نوشتند حلقهٔ آرژانتین. آقای بیطرف انسان محترمی است اما نوع نگاه مدیریتی ما در یک قضیه متفاوت هست و مردم به ما رأی دادند که منافع عمومی‌شان را در نظر بگیریم. ما احساس کردیم که آقای بیطرف نوع برنامه‌هایش منافع عمومی که در جامعهٔ ما هدف من هست را نمی‌تواند تأمین کند. یا در طیف اصلاح‌طلبان دنبال این بودند که مثلاً آقای آذری جهرمی را بزنند. من واقعاً آذری جهرمی را نمی‌شناختم و ۴-۳ ساعت با ایشان جلسه گذاشتم و دیدم این آدمی هست که می‌شود رویش حساب کرد. آن‌هایی که مخالف او بودند با من جلسه گذاشتند و ضعف‌ها و ایرادات آذری جهرمی را گفتند. گفتم از نظر من این ایراداتی که شما می‌گویید نقطه قوت آقای آذری جهرمی است، جریان می‌گوید آذری جهرمی رأی نیاورد اما از نظر من شایستگی این کار را دارد. از آذری جهرمی حمایت کردم و رأی آورد، از بیطرف حمایت نکردم و افتاد. این معادله سنگینی شد برای حرف‌های من که آقای تاج‌گردون در حقیقت پیشرو در این موضوع بوده که آذری رأی بیاورد و بیطرف نه. همین امر موجب کینه‌ای در وجود برخی از دوستان شد. این تجربه نشان داد که آذری جهرمی وزیر بدی نبوده. الان چه کسی مخالف جدی آذری جهرمی هست؟ تندروهای اصولگرا، خیلی شدید هستند. آن موقع می‌گفتند آقای آذری جهرمی اصولگرای نفوذی هست. به نظر من ایشان آدم زرنگ و متخصص است که کارش را بلد است.

شما در آن دوره خیلی اسم‌تان با آقای حسنونند می‌رفت که اتفاقی بود یا وجه مشترکی داشتید با هم؟

حسونوند هم تقریباً همین حالت را داشت و وجه مشترک داشتیم. حالا اگر من بخواهم یک‌سری چیزهایی بگویم متهم می‌شوم به تبارگرایی و دوست هم ندارم این موضوع روی من متمرکز شود. ولی وجه اشتراک من و حسنوند لر بودن است. لرستیزی خیلی جدی در وجود آقای توکلی وجود دارد. شما

اگر نطق من را در استیضاح آقای ربیعی نگاه کنید آنجا یک حرف جدی می‌زنم که من لر هستم و به لر بودنم افتخار می‌کنم. این ریشه بر خورد با من و آقای حسنوند به خاطر توجه ویژه به لرها بود. من نمی‌توانم منکرش بشوم ولی نه اینکه بگویم بقیه نیستند. شما در جلسه اعتبارنامه من در مجلس نگاه کنید بیشتر از همه ترک‌ها به من رأی دادند یعنی پزشکیان از من حمایت می‌کند. تبریز از ۵ تا نماینده‌اش ۴ تا از آن‌ها به من رأی می‌دهند یا دیگر شهرهای آذربایجان و اردبیل و زنجان. ببینید چیزی هست که بالآخره درست یا غلط می‌گویند توجه تاج‌گردون به زاگرس‌نشینان هست. ما در مجلس نهم فراکسیون زاگرس‌نشینان را راه انداختیم اما خیلی قوی نبود. در مجلس دهم و فکر می‌کنم یکی از موضوعات اصلی که در مسیر مجلس یازدهم هم ادامه پیدا کرد همین موضوع زاگرس‌نشینان بود. من کار خیلی سنگینی کردم در مجلس دهم که هر دو جناح به ما حمله کردند. اول امید حمله کرد و گفتند تاج‌گردون این فراکسیون را راه انداخته که امید را ضعیف کند. در حقیقت یک فراکسیون قومیتی که تنه می‌زد به فراکسیون‌های سیاسی. این بحث عدم رأی به آقای مهندس بیطرف و رأی دادن به آذری جهرمی را در حقیقت حاکمیت فراکسیون قومیتی بر فراکسیون‌های سیاسی می‌دانستند. شاید بپراه هم نمی‌گفتند ولی بالآخره مجلس به منافع منطقه‌ای هم توجه می‌کند. به نظر من تنها قشری که خیلی زود زیر ذره‌بین می‌روند همین قوم زاگرس و این منطقه است. الان فرض می‌کنم ۵ نماینده مشهدی می‌شوند هیئت رئیسه و ۴ تا آذری و چند تا اصفهانی می‌شوند کل هیئت رئیسه و رئیس کل فراکسیون‌های مجلس. قم الان سه نماینده دارد که یکی عضو هیئت رئیسه، یکی رئیس کمیسیون امنیت و دیگری هم می‌شود رئیس مرکز پژوهش‌ها ولی هیچ‌کس صدایش در نمی‌آید. رئیس مجلس می‌شود مشهدی، نایب رئیس اول و رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی هم می‌شوند مشهدی. بعد دقت کنید مثلاً یک فراکسیون زاگرس‌نشینان هست از کجا تا کجا، از جنوب آذربایجان غربی بگیر تا هرمزگان، چندتا استان هست و چقدر جمعیت که ۹۰ الی ۱۰۰ نماینده دارند اما حتی یک نفر در این ترکیب جا داده نمی‌شود که حق منطقه‌ای‌شان را مطرح کنند.

در مجلس دهم واقعاً تا حدودی روی مطالبات منطقه‌ای کار کرده بودیم و حق‌مان هم بود و شاخص‌ها هم این را نشان می‌داد که به این مناطق باید توجه شود. در دوره یازدهم از اول زدند که فراکسیون نشود و ما تشکیل دادیم. حدود ۷۰ نماینده هم آمدند ولی گفتند نشود. من از زمان آقای خاتمی حرفی زدم که در یک مقطع نسبتاً طولانی یک خطه‌ای فراموش شد. آقای کروبی آمد و شعار ۵۰ هزار تومانی داد. در کدام استان‌ها آقای کروبی اول شد؟ یک مدار فراموش شده توسعه‌نیافتگی سیستان و بلوچستان بوده و همین خط را بگیرد تا کردستان. یک نقطه دیگر که باز همین مشکل و همین رأی را داشت گلستان بود و حوزه اترک. در بحث توازن منطقه‌ای این خطه دارای شاخص‌هایی معادل ۶۰ درصد کشور هستند چون نوع نگاه توسعه این‌ها فراموش شده بودند. من در جلسه دولت گفتم شما باور می‌کنید که ۱۱ استان سرمایه‌گذاری ارزی انجام شده‌اش معادل ۶۰ درصد یک استان است؟ آن استان حاکم بود خوب آیا من نباید به عنوان نماینده مردم توجه کنم؟ اصلاً رهبری چرا می‌فرماید انتخابات باید شهرستانی باشد، برای اینکه یکی بیاید حرف آن مردم را بزند. حرف من این است که چرا از کهگیلویه و بویراحمد

و خوزستان و سیستان و بلوچستان و کردستان انتظار داریم که مردم از مرز حمایت کنند اما این وضع را داشته باشند. به دنبال یک همگرایی منتخب برای مردم آنجا باشیم و من به نظرم می‌رسد که گروه‌هایی در کشور این را بر نمی‌تابند. یک موقع مثلاً یک نفر می‌آید این حرف را می‌زند و واگرایی در نظام مطرح می‌کند اما من که واگرایی در نظام را مطرح نکردم. ما که تعهدمان به نظام زبازند است، شما کی دیدید در این حوزه زاگرس و مرکزی یک اعتراض به نظام بلند بشود یا گلوله‌ای به سمت نظام شلیک شود. ما اصلاً چنین چیزی نداشتیم. ما که همگرایی مان به نظام بالاست، در جبهه ما بالاترین درصد ایثارگران و شهدا را داشتیم. برای توسعه کشور و این مناطق حرفی داشتیم و حرفی می‌زدیم و به نظرم به نفع کشور و مناطق توسعه نیافته می‌شود. ما یک هسته‌ای تشکیل دادیم که این را خیلی‌ها دوست نداشتند و زنده‌اش که خودشان حاکم بشوند. در مجلس یازدهم ما شروع کردیم فراکسیون زاگرس را تشکیل بدهیم. چه شد که همه بسیج شدند فراکسیون زاگرس را خاموش کنند؟ چون می‌خواستند رأی آقای قالیباف بالا باشد یا اینکه آن‌هایی که می‌خواهیم بیاوریم بالا از این مسیر نمی‌شود و باید مثلاً یک شعار انقلابی بدهیم. آقای قاضی‌زاده نایب رئیس اول انقلابی است و آقای مصری انقلابی نیست؟ آقای مصری و آقای قاضی‌زاده اصولگرا هستند، مصری وزیر و وکیل بوده ولی قاضی‌زاده پایداری و رفیق و همشهری قالیباف است. او می‌شود نایب رئیس اول و آقای مصری می‌رود پایین چون در یک مدار دیگری بود نه در مدار آن‌ها. حسنوند تو را به زور به مجلس راه دادیم پس برو آن گوشه بنشین و هوس ریاست کمیسیون انرژی به سرت نزن. تاج‌گردون تو آمدی مجلس سر و گوشت دارد می‌جنبد و می‌خواهی رئیس کمیسیون بودجه بشوی، برو بیرون؟ تو جوری هستی که اصلاً نمی‌توانیم کنترلت کنیم. برو بیرون و گرنه سال دیگر می‌آیی کمیسیون بودجه را دستت می‌گیری. بقیه هم همین‌طور. بعد ما راحت می‌گوییم این می‌شود رئیس مجلس یا رئیس کمیسیون بودجه یا اینکه این تفکر غالب است. با شعار انقلابی‌گری رفیق‌بازی کردند، در صورتی که خیلی از این افراد محال است بتوانند در یک فرایند آزاد دموکراسی و با مشارکت بالا نماینده شوند. خیلی از این‌ها در یک لیست قرار گرفتند، با مشارکت حداقلی وارد مجلس شدند و برای نمایندگانی با مشارکت حداکثری تعیین تکلیف می‌کنند. اگر آقای شاکری که کرمانشاهی است رفت کرمانشاه و رأی آورد، نادری از سیرجان رأی آورد، رضاخواه از کازرون رأی آورد، شریعتی از رفسنجان رأی آورد، رضوانی از دزفول رأی آورد، نادران از شاهرود رأی آورد؛ آن وقت ببیند این حرف‌ها را بزنند. اگر مشارکت، نمی‌گوییم ۷۰ درصد، فقط ۴۰ درصد بود رأی نمی‌آوردند. بعد می‌گویند ما نباید از مطالبات و خواسته مردم منطقه چیزی بگوییم و هر چه ایشان گفتند بپذیریم.

اساساً در سیستم‌های پارلمانی دنیا این نیز وجود دارد که کم و زیاد برای اقلیت و اکثریت سهمی وجود دارد. ولی با توجه به سابقه‌ای که شما در مجلس داشتید فکر می‌کنید این مجلس یک ذره متفاوت‌تر است یا نه همیشه همین داستان بوده؟
نه. این قضیه خیلی متفاوت‌تر است.

۱ و برای اولین بار کار را به جایی می‌رسانند که اعتبارنامه‌ای در یک فرایند غیرطبیعی رأی نمی‌آورد.

این خیلی متفاوت است. قبلاً هم در دیگر دوره‌ها این حرف‌ها بود ولی نه این‌جوری که حذف کنند. مثلاً مجلس ششم حداد عادل را اذیت می‌کنند ولی حذفش نمی‌کنند. حذف کردن کار زشتی است که نه با اصول اخلاقی می‌خواند نه با اصول قانونی، ولی بی‌پروا انجام می‌دهند. اول انقلاب یک بحث دیگری است. نباید ۴۰-۳۰ سال بعد از انقلاب حذف‌های سیاسی اتفاق بیفتد. شما فرض کنید دوره بعد اصلاح‌طلبان بیایند عکس مطلق بگیرند. مثلاً کسی که معترض من هست بیاید مجلس بهش بگویند حالا نوبت ماست و این هم پرونده‌ات، برو خانه. کار زشتی است این رفتار. پرونده‌سازی که کاری ندارد. شورای نگهبان تأیید کرد، می‌گویند شورای نگهبان اشتباه کرد، سپاه رفوزه شده، اطلاعات برای خودش گفته، کمیسیون هم نفهمیده و ما می‌فهمیم بعد ردش کنند.

۱ پس عملاً طوری می‌شود که اکثریت می‌تواند اقلیت را از مجلس حذف کند؟

من حرفم را زدم این یعنی حاکمیت اکثریت بر حق مکتسبه اقلیت. یعنی شما می‌گویید من رأیم این است و دوست دارم به این رأی بدهم و به اف‌ای، تی‌اف رأی بدهم، خوب بده. من رأی نمی‌دهم خوب نه. اکثریت در راهبرد خودش را نشان می‌دهد، ولی من می‌گویم که اکثریت هستم رأی می‌دهم که یعنی تو اقلیت نمی‌توانی رأی بدهی. من رأی می‌دهم که از حق مکتسبه خودت بهره‌برداری نکنی. الان این اتفاق برای من صورت گرفته، می‌گویند برو کنار و دیگر نباش. این است داستان ما.

۱ یکی از نکته‌هایی که حتی محل اعتراض هم هست این بود که شما خارج از این روال بودجه‌ها را دارید گسیل می‌کنید به سمت استان خودتان.

بعضی‌ها این مطالب را می‌فرمایند، این جور بگویم که نه اینکه اثر نداشتیم، نمی‌گویم نمی‌توانم ولی حق کسی را ضایع نکرده‌ام. من دارم می‌گویم که این ۱۱ استان شاخص‌هایشان ۶۰ درصد میانگین کشور هستند، حالا باید بهشان توجه بشود یا نه. حرف من این است که ۶۰ درصد میانگین کشور از شاخص‌های عمومی بهره‌مند هستند مثلاً جاده، بهداشت، ورزش، فرهنگ، آموزش، دانشگاه و... یک نفر که در لرستان هست ۶۰ درصد شاخص میانگین کشور را دارد، چرا باید داشته باشد. حتی فارس. فکر می‌کنید فارس خیلی وضعش خوب است. فقط شیراز را نبینید. بروید لارستان، لامرد، داراب، نی‌ریز و ممسنی را ببینید؟ فکر می‌کنید وضع‌شان خوب است؟ نه افتضاح هست. شما ممسنی را ببینید. وضعش بدتر از کهگیلویه و بویراحمد است. کازرون بروید بالاده ببینید چه وضع اسفناکی دارد و مابقی جاه‌ها. چرا باید این اتفاق بیفتد؟ بروید کرمانشاه را ببینید. همین سرپل ذهاب و قصر شیرین را نگاه کنید ۶۰-۵۰ درصد روستاها گازرسانی نشده. چرا یک نقطه دیگر از کشور که یک متر هم تولید گاز ندارد صد درصد روستاهایش گازرسانی شده؟ چرا باید این اتفاق صورت بگیرد؟ نمی‌گویم این‌ها نباشد، حرف من این است که باید به آن‌ها هم توجه شود. ما را مردم فرستادند که این کارها را بکنیم و به فکر مناطق محروم

باشیم. از طرف دیگر شما نمی‌توانید بگویید تاج‌گردون نماینده ملی نبوده، من در همه موضوعات ملی نقش ایفا کردم در مجلس. چه مجلس نهم و چه مجلس دهم. در استیضاح مهم بودم، طرح‌های مهم بودم، در مباحث مرتبط با برجام، حمایت ویژه از تولید، مذاکره، اجلاس‌های بانک جهانی و صندوق‌های بین‌المللی بودم. هیچ چیز ملی را نمی‌توانید پیدا کنید که من نقش نداشته باشم. در مجلس بودم و همه را نقش داشتم چه نهم و چه دهم. حالا مردم در استان کهگیلویه و بویراحمد من را انتخاب کردند که بیایم به این توجه داشته باشم و مردم را رها نکنم. این بحث زاگرس همین است دیگر.

آیا فکر می‌کنید در دولت هم به جز کینه‌ها منافع دیگری برای حذف شما وجود داشته؟
بله. در دولت.

خیلی عجیب است ولی من فکر می‌کنم که برای شما تضادی وجود داشته.
البته دولت به شکل عموم نه، ولی بعضی‌ها دنبال حذف بودند و یکی از افراد اصلی کمیسیون تحقیق که اسمش را نمی‌آورم، رسماً به من گفت که دو تا از وزرا به من گفتند این حرفی که در مورد تاج‌گردون زدند درست است یعنی گفتند او را بزینید. ولی بقیه چیزی نگفتند.

یعنی شما تقابلهایی در بحث بودجه‌ای یا در بحث‌های دیگری با دولت در مجلس نهم و دهم داشتید؟

ببینید تقابل نداشتم. من بیشترین کمک‌ها را به دولت کردم و البته بیشترین انتقادها را در این قضیه به دولت می‌کردم. یعنی چون کارشناسی بلد بودم و در مدیریت هم کمک می‌کردم ولی تقابل نه. سعی کردم در همه ارکان به دولت کمک کنم و چیزی که از دستم برمی‌آمد دریغ نکنم. ولی دلیلش را نمی‌دانم چرا بعضی‌ها این‌طور در ذهن‌شان این چیزها می‌آید، مثلاً مشاور رئیس‌جمهور آقای آشنا که توثیت علیه من زد. و آقای ربیعی که داستانش را توضیح دادم. این‌ها نزدیکان رئیس‌جمهور هستند. پای رئیس‌جمهور هم وسط هست، بالآخره اتفاقاتی درون مجموعه می‌افتد که توثیت می‌زنند. یعنی کسانی مثل اکبر ترکان. نمی‌شود گفت این‌ها الکی حرف زدند یا شب خوابیدند و صبح حرف زدند. حتماً چیزهایی در این میان بوده.

تیتیر مصاحبه ترکان

درخواست ترکان برای رد اعتبار نمایندگان درگیر دلالی/ برخی با وجود داشتن پرونده تخلف مالی راهی مجلس یازدهم شده‌اند.

من هم مدافع دولت بودم و هم نقد کردم. در انتخابات قبلی ریاست جمهوری به شکل قوی پشت سر آقای روحانی بودم. در جریان بررسی اعتبارنامه یک جمله بین این همه موضوعات متداول بود و مرتب مطرح کردند و می‌گفتند شما در انتخابات ریاست جمهوری در حمایت

از روحانی گفتید ما با روحانی به جهنم می‌رویم و با شما به بهشت نمی‌رویم. به خود آقای رئیسی هم این جمله را گفتیم. داستانش این بود که یکی از مخالفان آقای روحانی آمد در گچساران سخنرانی کرد که ما لشکر حسینیم و این‌ها هم یزیدی هستند، ما بهشتیان هستیم و این‌ها جهنمی هستند. من هم در سخنرانی‌ام گفتم اگر حسینی که ما می‌شناسیم انسان آزاده‌ای بوده است، انسانی پاک‌دست بوده و بهشتی که ما می‌شناسیم و خدا وعده داده است این است و جهنم و سپاه یزید هم این است، اگر بهشتی که شما می‌گویید این است ما حاضریم با روحانی به جهنم برویم. این حرف برای‌شان سنگین بود و در جلساتی که با معترضان داشتیم می‌گفتند تو که گفتی ما با آقای روحانی به جهنم می‌رویم، حالا هم باهش برو به جهنم. خب من کسی هستم که این جمله سنگین را در دفاع از آقای روحانی گفتم و شاید تنها انتقاد از من در جامعه امروز هم همین یک جمله باشد.

■ همه این‌ها از گذشته ناراضی‌اند یا از آینده می‌ترسند؟

هر دو، یعنی گذشته‌ای که ضربه خوردند یا حسادت دارند یا یک چیزی داشتند و می‌زنند که آینده را بدتر از گذشته نکنند برای خودشان. من یک کارشناسم و ضربه‌ای نمی‌توانستم به آن‌ها بزنم ولی یک جاهایی را پر می‌کردم که نمی‌توانستند بعضی از کارها را انجام بدهند. نه اینکه منافع آن‌ها مشترک باشد، منافع مشترک هم ندارند. منافع‌شان برای خودشان جداست و تنها نقطه اشتراک‌شان زدن من است. من نمی‌گویم که آشنا و زاکانی و توکلی منافع مشترک دارند، ولی در زدن من مشترک بودند.

■ شما دشمنانی را دارید که در یک اتاق علیه خودتان متحد کردید.

بله. اتفاقاً در جلسه‌ای که با آقای واعظی و آقای آشنا در مورد بودجه سال ۹۸ داشتم به آشنا گفتم شما نباید تمامی مخالفان را بگذارید در یک سبد و بزنید، این کار اشتباهی در بودجه هست و قرار نیست که مخالفان را در یک نقطه مشترک بیاوریم و بزنیم. ولی حالا این اتفاق برای من صورت گرفت؛ لری زدیم، لری آمدیم داخل و لری هم مرا زدند، چه کار کنم (خنده).

■ نهایت اینکه شما در بحث بودجه مجدداً ورود می‌کردید، چه خطری برای آن‌ها داشتید؟

سال گذشته کسی که با دوستان امنیتی در ارتباط بود، چند جلسه با من داشت و می‌گفت که نمی‌توانم این حرف را به تو بقبولانم و تو نمی‌خواهی قبول کنی. گفتم چیه؟ گفت کسانی که در یک سطح قرار می‌گیرند یکی باید «تیک» آن‌ها را بزند، تیک تو را کی می‌زند؟ اصلاح‌طلبان می‌زنند یا اصولگراها؟ سپاه، بسیج، روحانی، خاتمی؟ چون ما هر چه بررسی می‌کنیم متوجه نمی‌شویم. وزارت اطلاعات، حفاظت، شورای نگهبان، روحانی و... همه قبولت دارند ولی این تیک مال کیه؟ گفتم تیک من مال جمهوری اسلامی است. بعد یک خاطره تعریف کردم و گفتم وقتی از دولت احمدی‌نژاد بیرون آمدم انتخابات شورای شهر تهران بود. اصلاح‌طلب‌ها در تهران ثبت‌نام کردند.

دوستان به من گفتند ثبت‌نام کنید. فکر کنم آن موقع شورای شهر تهران ۱۵ نفر بودند. یادم هست آن سال در طیف اصلاح‌طلبان آقایان خاتمی، موسوی‌لاری، بهزاد نبوی، کروبی و حسین مرعشی گفتند برو ثبت‌نام کن. بالاخره رفتم و ثبت‌نام کردم. آن موقع ۱۱ حزب اصلاح‌طلب بودند که می‌نشستند به کاندیدایها رأی می‌دادند که مثلاً این ۱۵ نفر را انتخاب کنند. چند نفر ۱۱ از ۱۱ رأی می‌آوردند که یکی از آنها من بودم. شب آخر که فردایش قرار بود اصلاح‌طلب‌ها لیست را برای شورای شهر تهران نهایی کنند به من زنگ زدند و گفتند الان جلسه است و آقای تاج‌گردون شما کدام حزبی هستید؟ گفتم برای چی؟ گفتند هیچ کدام از احزاب شما را به عنوان سهمیه خودشان قبول نمی‌کند، شما عضو کدام حزبیید؟ شما هم ۱۱ از ۱۱ را آوردی، یکی از این‌ها را بپذیر. گفتم من حزبی نیستم. گفتند احتمال دارد اسمت را خط بزنند اگر سهمیه حزبی نگیری و من هم نتوانستم قبول کنم. یادم هست بعد هم خانمی را جای من آوردند. آن دوره اصلاح‌طلب‌ها هم قبولم داشتند ولی در حزب‌شان نبودم، الان هم به من می‌گویند تیکت را کی می‌زند؟ اگر تیکت من را یکی می‌زد اصلاً اعتبارنامه‌ام رد نمی‌شد ولو اصلاح‌طلب. بیرون مجلس اصلاح‌طلبان سکوت کردند یا فکر می‌کردند واقعاً چیزی هست و هیچ کدام حاضر نبودند پشت سر من باشند. در مجلس هم همین قالیباف و زاکانی و... رد کردند. خلاصه اینکه به آن‌ها گفتم تیکت من را جمهوری اسلامی زده و می‌زند. البته این رفتار متأسفانه در جمهوری اسلامی جایگاه ندارد و پذیرش نمی‌شود.

ا عجیب نیست که حالا خارج از آن تیکت، شمایی که روی تمام مسائل ملی ورود و اشراف دارید و نماینده و وزیر اصلاح‌طلب را می‌اندازید و برعکس وزیر اصولگرا را بالا می‌آورید و می‌دانید ذات پارلمان هم براساس لابی است، هیچ لابی آنجا انجام ندادید که اینجا بحث اعتبارنامه جمع شود؟ بدون لابی که نمی‌شود. من هم لابی کردم که می‌شوم رئیس کمیسیون، لابی می‌کنیم یکی را می‌اندازیم پایین و یکی را می‌بریم بالا.

ا حالا عرض من این است که شما می‌گویید اگر یکی تیکت من را زده بود این اتفاقات نمی‌افتاد. حتی جاهای مختلف دارید لابی می‌کنید. می‌خواهم بگویم که جای خالی آن تیکت را نمی‌توانستید با لابی پر کنید؟ این دفعه لابی من خیلی قوی نبود و لابی مخالفان قوی‌تر بود. همیشه یک لابی برنده می‌شود، لابی آن‌ها به دلیل اینکه لشکرشان زیادتر و قوی‌تر بود و من با این وجود به نظرم موفق شدم. یعنی شما در مجلسی که می‌گویید ۱۰ تا ۱۵ نفر اصلاح‌طلب هست الان آقایان ناراحتی‌شان از همین است که ۱۰۲ رأی مثبت و ۲۱ رأی هم ممتنع داشتیم. همین امروز کاندیدای دیوان محاسبات کی رأی می‌آورد. ببینید یک جناح سفت و محکم مثل همین آقای زاکانی و این تیپ‌ها دنبال یک کاندیدا بودند و گروهی معتدل‌تر دنبال کسی دیگر. خوب طرف توانست ۸۰ رأی بیاورد و دو ماه از مجلس نگذشته آقای زاکانی که فکر می‌کرد ۲۰۰ رأی دارد رسید به

۸۰ رأی و باید بدانید تا دو سال دیگر ۴۰ رأی بیشتر ندارد. ولی در آن مقطع من نمی‌توانستم بیشتر از ۱۲۰ لابی کنم یا قانع کنم. شما فکر می‌کنید ۱۰۲ رأی مثبت و ۲۱ ممتنع رأی خیلی کمی است؟ خیلی بالاست! یک خبرنگار تیتزر زده بود که تنها کاری که آقای تاج‌گردون کرد با رفتنش مجلس را کاملاً دو نیمه کرد آن‌ها ۱۲۸ رأی و من ۱۲۳ رأی. با این حجم و فشار و این لابی و این حجم گزارش‌های مختلف من این رأی را آوردم ولی لابی آن‌ها بیشتر بود. اگر من بدون لابی و تلاش بودم ۳۰ رأی داشتم نه ۱۲۳ رأی مثبت و ممتنع. بیشتر از این نمی‌شد. بعضی‌ها لابی را کلمه بدی می‌دانند ولی پارلمان همین است دیگر.

محور پارلمان بر مبنای لابی است؟

اصلاً. بعضی‌ها می‌گویند که رانت بد است. رانت یعنی چی؟ رانت یعنی منفعی که ناشی از یک تصمیمی حاصل شده و توزیع شود. مثلاً شما می‌گویید که ارز قیمتش این شود یک منفعی در قیمت این ارز نهفته است، وقتی می‌گویید ارز بشود ۴۲۰۰ تومان شاید این تصمیم برای آن موقع درست باشد بعد یک رانتی حاصل می‌شود. این رانت حاصل‌شده ناشی از یک تصمیم است که این تصمیم بد نیست و رانت هم فعلاً بد نیست ولی توزیع رانت خوب نیست. مثلاً من آنجا به آقای روحانی گفتم آقا این ارز را ۴۲۰۰ تومان کردید مابه‌التفاوتش تا این عدد را به شکل مساوی در کارت الکترونیک به همه بدهید که همه مردم این ارز ۴۲۰۰ تومان را در سفره‌شان احساس کنند، چون همه بهره‌مند می‌شوند. اگر رانت را یک گروه خاص ببرد همین می‌شود فساد. مثلاً شما فکر می‌کنید رانت کلمه بدی است، رانت بد نیست، این توزیع رانت بد است. اگر توزیع رانت عادلانه باشد که بد نیست. اگر لابی منجر به یک اتفاق خوب بشود، قابل قبول و پذیرفتنی است.

شاید یک بخش از این ترس همین است که شما فقط در یک کلمه می‌توانید مجلس را نصف

کنید و سال‌های بعد همین نکته‌ای که می‌گویید رأی را بشمارید یعنی یک باز یگر قدر تمندی که در مجلس می‌تواند یکدستی مجلس، که حتی یکدست هم نیست، و اکثریت را بشکنند. ببینید موقعی که مجلس تشکیل شد ما فزاکسیون زاگرس را راه انداختیم و جلسه اول، حدود ۷۳-۷۲ نفر آمدند. ناگفته نماند که نادران و همفکرانش به همه پیامک و توثیت زدند که در جلسه شرکت نکنید. خودشان جلسه می‌گذاشتند در هتل‌ها و می‌خورند، بعد به ما می‌گفتند که این‌ها دارند افطار فلان می‌کنند! با این تفاوت که شما از اموال دولت می‌دهید و ما هم از جیب خودمان هزینه می‌کنیم. شعب تشکیل شد و هر شعبه ۱۸ نماینده عضو داشت. آنجا گفتند که کی کاندیدای ریاست می‌شود؟ یکی از دوستان اصولگرا اعلام حضور کرد و من هم کاندیدای ریاست شدم. رأی هم مخفی بود، این‌ها به من رأی دادند و من شدم رئیس شعبه. جو خیلی سنگینی بود. ظهر یکی از نیروهای اصولگرا توی آسانسور به من گفت الان جلسه دوستان بود، این ریاست شما مثل موشک اس ۳۰۰ بود که دقیق زده بودند وسطش، یعنی چه که تاج‌گردون رأی بیاورد و بشود رئیس شعبه، مواظب باش که برخورد بدی باهات می‌کنند و نگفت که حالا این‌ها اعتراض دارند.

اخب آن موقع ذهنیتی نداشتید، فکر می‌کردید که شورای نهبان رد کرد دیگر تمام. آره، قانون این را می‌گوید. کمیسیون بودجه را تشکیل دادیم، اعضای کمیسیون بودجه را هم با یک مهندسی خیلی سنگین در هیئت رئیسهٔ مجلس مثل بقیهٔ کمیسیون‌ها مهندسی کردند. دقیق مهندسی کردند که چه کسی در چه کمیسویی باشد و کی بشود رئیس که این موضوع داد خیلی از نمایندگان را درآورد و سروصدا در مجلس بلند شد. نماینده داریم که ۵ دوره عضو کمیسیون اصل ۹۰ بوده و راهش ندادند در کمیسیون اصلی، یک نفر ۴ دوره عضو کمیسیون انرژی بوده و این بار راهش ندادند به کمیسیون، چون می‌رفت آنجا امکان داشت رئیس بشود و مشکل ایجاد می‌شد. کمیسیون بودجه را این قدر بالا و پایین کردند که این یکی برود و آن یکی بیاید. هر ترکیبی که ریختند نتوانستند کمیسیون را مدیریت کنند. این جمله‌ای بود که آقای قالیباف به من گفت «آقای تاج‌گردون ببین این‌هایی که الان مطرح هستند می‌خواهند کاندیدای ریاست کمیسیون بشوند (آقای حاجی‌بابایی، آقای شمس‌الدین حسینی، آقای نادران، آقای خدابخشی)، اگر تو الان کاندیدا بشوی رأی می‌آوری و مشخص است که ۱۲ رأی داری». گفتم من کاندید ریاست کمیسیون نیستم، چون رئیس کمیسیون بودجه حرفش باید نافذ باشد در صحن و من حرفم در صحن نافذ نیست، در نتیجه موضوعیت ندارد. حلقه سفتی که دنبال زدن من بودند حالا دنبال عزیز دیگری بودند که بشود رئیس کمیسیون.

ا آقای نادران؟

من آقای نادران را واقعاً دوست دارم و ازش بدم نمی‌آید هرچقدر هم مخالف من باشد. آقای زاکانی جلسه گذاشت و گفت آقای نادران بشود رئیس کمیسیون. شمس‌الدین حسینی را هم خیلی قبول دارم و دوست قدیمی ۴۰-۳۰ ساله‌ام هست، ولی تلاش شد و آقای حاجی‌بابایی شد رئیس. این هستهٔ سفت هم گفتند این تاج‌گردون را دیگر نمی‌شود باهاش کنار بیاییم.

ا این‌ها تلاش شما بود توی این دوره؟

بله همه هم فهمیدند و گفتند تاج‌گردون این کارها را می‌کند.

ا چرا؟ چه فرقی داشت؟ ویژگی‌اش چه بود و چرا حاجی‌بابایی؟

حاجی‌بابایی از نظر من آدم جاافتاده‌تر و پخته‌تر بود و بعدش هم دیدگاه خاص تندی در رفتارش نمی‌دیدم. بالأخره حاجی‌بابایی رئیس کمیسیون شد. یکی از مخالفان به من گفت که تو حاجی‌بابایی را گذاشتی اینجا که خودت ریاست کنی و بعد او را بگذاری کنار و خودت سال بعد بشوی رئیس! ببینید این‌ها کلاً ذهن‌شان در مورد من این است. گفتم که شما هر چه تصور می‌کنید. تصمیم گرفتند که تاج‌گردون را رد کنیم بهتر است تا ۴ سال گرفتارش باشیم. برای این تغییر آقای قالیباف را هم راضی کردند که من نباشم. آقای زاکانی در صحبت‌های آخرش در صحن گفت خدمت آقای قالیباف رسیدیم و آقای قالیباف هم به این مورد عنایت دارد.

زاکانی در اظهار دوستی نسبت به آقای قالیباف در محن علنی

خدمت آقای قالیباف رسیدیم آقای قالیباف فرمودند: اگر بگویید می گویم سو، استفاده از جایگاه برای تخلف و چیرگی بر دیگران حداقل جرم ایشان است.

دوره انتخابات تمام می شود و شما با یک رأی بسیار خوبی وارد مجلس می شوید و چند روز اول رئیس شعبه می شوید.

بله. مجلس که تشکیل شد رئیس شعبه ۱۰ می شوم. نمایندگان بعد از انتخابات، به طور رندوم وارد شعبه می شوند. در شعبه ۱۰ تعداد ۱۸ نماینده عضو می شوند که در آنجا باید رئیس و نایب رئیس و این طور چیزها را تعیین کنند و بعد اعتبارنامه تعدادی از نماینده ها را بررسی کنند. من اینجا برای ریاست کاندیدا شدم و عزیز دیگری هم کاندیدا شد و خوب یا بد رئیس شعبه شدم.

ترکیبی از این ۱۸ نماینده دارید، مثلاً ۱۰ نفر چه جبهه سیاسی بودند و دیگران هم.
همه آن ها اصولگرا بودند به جز یک نفر. اتفاقاً رقیب هم بسیار آدم محترمی بود، آقای میرتاج الدینی، که به آن هم می رسم.

رئیس کمیته ای که پیشینه تان را بررسی می کند.

رئیس کمیته ای که پرونده من را بررسی می کند؛ خوب و منصفانه بررسی می کند و گزارش خوب می دهد. من و آقای میرتاج الدینی رقیب شدیم و جمع به من رأی دادند. نباید رقیب آقای میرتاج الدینی می شدم، چون آدم محترمی است و به من کاری نداشت. اول آقای دکتر زاهدی دستش را بالا برد و بعد من گفتم کاندیدا هستیم. دکتر زاهدی گفت اگر شما کاندیدا هستید من کاندیدا نمی شوم. دکتر زاهدی که رئیس کمیسیون آموزش بود، ایشان اصولگرا بود و با من تعارف نداشت. وقتی گفت من کاندیدا نمی شوم، آقای میرتاج الدینی اعلام کاندیداتوری کرد. یعنی اول رقیب من آقای زاهدی بود و او گفت من کاندیدا نمی شوم و کنار رفت.

خارج از رقابت کمی عجیب نیست که شما در چنین مجلسی رئیس شعبه شوید؟

یک مقدار شاید عجیب به نظر برسد. ظهر آن روز من می خواستم سوار آسانسور شوم که یکی از نماینده ها گفت مثل این است که موشک اس ۳۰۰ در آن زده اند. دیدم که خیلی ناراحت و عصبانی هستند، حالا جالب است که بگویم در کل به اعتبارنامه سه نماینده اعتراض شد در این دوره. یکی خود من بودم که به اعتبارنامه اعتراض شد، دو نفر دیگر که یکی از آن دو نفر هم پرونده اش با من بود. یکی آقای دلخوش از صومعه سرا که آقای زاکانی اعتراض داشتند و دیگری آقای صالحی نماینده فریدن که خانم الهیان اعتراض داشتند.

بعد مطرح شد که شما خودتان اعتراض گذاشته‌اید.

نه من اعتراض روی پرونده کسی نگذاشتم. حالا داستان اعتراض خودم را هم می‌گویم، ولی من در شعبه این دو تا پرونده را داشتم. حالا می‌خواهم در مورد رویه‌ها حرف بزنم. مجلسی که قانون را رعایت نکند این است. وقتی پرونده اعتراضی این دو بزرگوار مطرح شد، گفتم که ما طبق قانون باید از شورای نگهبان استعلام کنیم که احراز شود این موضوعات بررسی شده یا نه. ضمن اینکه ما کتبی استعلام کردیم، خودم هم حضوری رفتم شورای نگهبان و درخواست کردم که آیا شما موضوع آقای دلخوش و صالحی را بررسی کرده‌اید یا نه؟ برای آقای دلخوش معترضان ۶-۷ مورد نوشته بودند که رشوه گرفته است. شورای نگهبان گفتند ما قبلاً این چند مورد را دیده‌ایم و این یک مورد آقای دلخوش را بررسی نکرده‌ایم و من فقط آن یک مورد را اجازه بحث دادم، چون این مورد را شورای نگهبان بررسی نکرده بود. آقای صالحی هم سه چهارم موضوع داشت که یک موضوعش را بررسی نکرده بودند. فقط مواردی را که شورای نگهبان بررسی نکرده بود ما بررسی کردیم و نماینده‌ها هم به آن رأی تأیید دادند، مثل پرونده خود من که در جای دیگری رأی تأیید اعتبارنامه آورد. موارد این دو نفر را با یک رویه بررسی کردیم و پرونده من هم با رویه دیگری بررسی شد. یعنی مجلس در این مورد روال غیرقانونی را طی کرد؛ سه نفر مشابه، سه نفر دارای رأی واحد که دو نفر را یک رویه و دیگری را هم یک رویه متفاوت! در این جلسه، موضوع نماینده فریدن مطرح می‌شود، جلسه تلخی شد و من هم خیلی ناراحت شدم. خانم زهره الهیان معترض بود به پرونده این آقا و خیلی هم علیه من توتیت می‌زد. آقای زاکانی به راحتی پذیرفت، اما خانم الهیان خیلی اعتراض کرد و حرف‌هایی خارج از شأن و اخلاق اسلامی زد. در شعبه ما نماینده دیگری از تهران بود به نام دکتر رضوانی و ایشان هم شروع کرد به صحبت و همسو شدن با خانم الهیان. خانم الهیان وقتی آمد صحبت کند، رو کرد به دکتر رضوانی و گفت شما نماینده کجا هستید؟ کی هستید؟ من یک لحظه شک کردم که نکند خانم الهیان هم نماینده تهران نباشد! گفتم مگر شما نماینده تهران نیستید، آقای رضوانی هم نماینده تهران هستند. گفتم درست است که مردم شما را نمی‌شناسند و آمده‌اید مجلس، ولی حداقل خود ۳۰ تای شما که باید هم را بشناسید، شما ۳۰ نفرید. مثلاً اسفندماه انتخابات برگزار شده و الان که خرداد است و یک ماه هم تبلیغات داشته‌اند و سه چهارم ماه گذشته؛ من همه نماینده‌ها را می‌شناسم چطور شما نماینده خود تهران را نمی‌شناسید! حالا مردم نمی‌شناسند، شما که باید تا حالا شناخته باشید. آقای رضایی نماینده دشتستان که با آن‌ها همفکر بود گفت آقای رضوانی نماینده پایداری بود و در دقیقه ۹۰ وارد لیست شد. گفتم پس بدتر. خانم الهیان گفت من موقع انتخابات مریض بودم. گفتم خُب مریض بودی، بعدش چه؟ حداقل با هم

جلسه می گذاشتید تا همدیگر را بشناسید، اصلاً فهرست نماینده‌ها را نگاه می کردی تا متوجه می شدی که نماینده‌های تهران چه کسانی هستند. می خواهم بگویم که ما با یک جماعت این چنینی روبه‌رو بوده و هستیم؛ مملکت را می دهیم دست جماعت ۳۰ نفری این چنینی که معلوم نیست زمانی که انتخابات برگزار شده است، این‌ها ایران بوده‌اند، تهران بوده‌اند یا خارج از کشور و شمال در حال تفریح! همین‌طور در خانه‌شان نشستند و با پنج درصد از ۲۰ درصد آمده‌اند و به آن‌ها رأی داده‌اند و شده‌اند نماینده مجلس و حالا می خواهند در مورد نماینده گچساران تصمیم بگیرند. این ظلم آشکار است و زمانی که می خواهند حقوق اساسی ما بررسی شود با این پشتوانه ضعیف باید در مورد امثال من نظر بدهند. این‌ها نماینده‌هایی هستند که در دقیقه ۹۰ آمده‌اند در لیست. من به آقای قالیباف گفتم که تو خودت آمدی، این ۳۰ نفر چی بود که با خودت آویزان کردی و به مجلس آوردی! گفت درست می گویی، پایداری آمد و فشار آورد و شد این. خود آقای قالیباف هم خیلی از این‌ها را نمی شناسد، حالا آمده‌اند در لیست و نماینده شده‌اند. همیشه نماینده تهران چه اصولگرا و چه اصلاح طلب مصیبتی بوده است برای این مملکت که در این میان خانم الهیان حتی آقای رضوانی را نمی شناسد. خودم آن روز خجالت کشیدم، زندگی مردم چه می شود. فرض کنید که ۱۸ درصد در تهران مشارکت کرده باشند، خانم الهیان که ۳۰ درصد ۱۸ درصد را آورده باشد می شود ۵-۴ درصد و باید برای نماینده ۶۰-۵۰ درصدی نه تنها تصمیم بگیرد بلکه تعیین تکلیف هم بکند! آیا این به حق و عدالت نزدیک است؟ کجای عدالت این را می گوید؟ به هر صورت آن دو نفر اعتبارنامه‌های شان تأیید شد و من ماندم.

محور بحث‌های آقای زاکانی در مورد فساد آقای دلخوش چه بود؟

خیلی جالب است که گفتند ما در مورد فساد و زمین و این‌ها اعتقادی نداشتیم. آقای خضریان نماینده تهران می گوید که موضوع آقای دلخوش با آقای تاج‌گردون فرق می کند، موضوع آقای دلخوش چون فساد شخصی بود ما از آن گذشتیم، موضوع آقای تاج‌گردون مسئله سیستمی بود یعنی نمی شد از آن گذشت. معتقد نیستم که موضوع آقای دلخوش فساد شخصی بوده باشد. بنابراین یک نفر اگر فساد شخصی داشت می توان از آن گذشت، بعد هم می گویند که ما فرمان امام را عمل می کنیم! امام می فرماید اگر کسی را دیدید که عبور کرد شما نباید از یک نفر بگذرید. خانم الهیان می گوید چون آقای صالحی قول داد با همسرش خوب باشد من از او گذشتم، آخر شما چه کاره هستید؟ یعنی اگر کسی با همسر و دخترش خوب باشد شما باید از او بگذرید. مثلاً آقای صالحی زنش را طلاق داده، همسرش با دخترش آمده‌اند پیش خانم الهیان که این ما را اذیت می کند و شما روی اعتبارنامه‌اش اعتراض بگذارید. باور می کنید،

موضوع اعتبارنامه آقای صالحی این است. بعد آن زن هی می آید پیش خانم الهیان و الهیان هم در مجلس راجع به آن صحبت می کند که ما در مجلس باید در مورد حقوق مردم سخن بگوییم. بعد می گوید نه فلان عکس هم داشت، خُب عکس خانوادگی در دست شما چه کار می کند خانم؟ آن آقا در خانه اش با زنش نشست، عکسش در دست شما چه می کند. چیزهایی که هیچ ربطی هم به پرونده ندارد. می خواهم بگویم خیلی وقیحانه تر از این ها حرف می زند، من خجالت می کشم که بخواهم در مورد پرونده آن نماینده حرف بزنم و شاید بی حرمتی به ایشان شود. من این ها را به شما بگویم، می خندید و می گویید مگر می شود. در این جلسه برخورد خیلی تندی با خانم الهیان داشتیم و گفتیم من اصلاً اجازه نمی دهم که دیگر شما صحبتی نکنید، شما شأن و شئون آدم ها را رعایت نمی کنید، مگر شما فقط دین دارید، مردم هم دین دارند. این هم داستان شعبه ما بود.

▮ در واقع علاوه بر این مسائل، شما درگیر شعبه خودتان هم بودید.

بله. درگیر موضوع این ۲ نفر بودم و می بایستی ضمن رعایت قانون به حقوق افراد هم توجه می کردم.

▮ موضوع پرونده خودتان در جلسه اول به نتیجه گیری و جمع بندی نمی رسد و پنج ساعت شما درگیر موضوع بودید.

داستانش این طور می شود که در دفترم در کمیسیون نشستیم بودم که به من می گویند سه نفر روی پرونده شما اعتراض گذاشته اند.

▮ آقای کریمی، زاکانی و نجابت.

بله. نزدیک ظهر به من گفتند. من هم این را که شنیدم، یک مجموعه اعتراضاتی نوشتم و خواستم روی پرونده بعضی ها اعتراض بگذارم. یک متن آماده کرده بودم که روی پرونده آقایان قالیباف، آقاهرانی، زاکانی، کریمی، میرسلیم و آقای امیرآبادی اعتراض بگذارم و دلیل هم داشتیم. در متن اعتراض به آقای قالیباف نوشتم که مسائلش حل نشده است و نمونه آن آقای شریفی که معاونش است، چون موضوع ابهام دارد و باید شفاف سازی شود و صلاحیت لازم را برای این کار ندارد. درباره آقای آقاهرانی و گرین کارتش گفتیم که آیا دارد یا ندارد؛ در مورد آقای میرسلیم هم این موضوع که با بی بی سی مصاحبه کرده بود؛ آقای زاکانی که مسائلش زیاد است و آقای کریمی هم که ارتباطاتشان با بانکها و توصیه های شان مشخص بود، آقای امیرآبادی را نوشتم، اما از ایشان موضوع داشتیم که می خواستم مطرح کنم. یک پیامک زدم به دو سه نفر از جمله آقای امیرآبادی که حالا که این کار را کرده اید من هم اعتراض می کنم. نامه اعتراض

به کریمی را هم فرستادم کمیسیون. ولوله‌ای افتاد در مجلس که تاج‌گردون برای آن‌ها اعتراض می‌گذارد. دو سه تا از دوستانم آمدند و گفتند که این کار تو خوب نیست و جدل می‌شود و این نوع بحث‌ها، البته اگر من این گزارش را می‌دادم ۲۴ ساعته این موضوع حل می‌شد. اتفاقاً آقای امیرآبادی به من زنگ زد و گفت روی من چرا می‌خواهی اعتراض بگذاری؟ خیلی خواهش و التماس کرد که تو را به قرآن این کار را نکن و برو روی آقای زاکانی اعتراض بگذار، چه کار من داری، این‌ها خودشان هزار تا مسئله دارند. خلاصه دوستان محترمی مثل آقای حسنونند و مشاور قالیباف آمدند و من را منصرف کردند، به من گفتند می‌خواهی با همه این‌ها درگیر شوی؟ گفتم خُب این‌ها شروع کرده‌اند، من هم مقابله می‌کنم. بالأخره فرستادم اعتراض آقای کریمی را پس گرفتند. البته مشاور آقای قالیباف نزدیک دو ساعت پیش من نشست که این اعتراض را نگذارم.

پس این نکته‌ای که کریمی می‌گوید درست است.

بله، اعتراض به اعتبارنامه کریمی را دادم ولی برش گرداندم. اگر هم گذاشته بودم، من تأیید می‌شدم و کریمی حتماً می‌افتاد چون آن‌قدر موضوع از او دارم که حد و حدود ندارد. بعد آن را پس گرفتم. یک ساعت بعد گفتند که شش نفر دیگر هم آمدند روی پرونده تو اعتراض گذاشته‌اند. آن سه نفر اول گفته بودند که مستندات پیوست را تأیید می‌کنند، شش نفر دیگر هم معتقد بودند که این موارد وجود دارد. یکی از افرادی که دائم توثیق می‌گذاشت و جوابش هم داده می‌شد (آقای نادری) گفت ما بیرون بودیم، گفتند که شما روی پرونده ما اعتراض گذاشتید به این خاطر آمدیم و این اعتراض را گذاشتیم، ما در جریان صحیح ماجرا نبودیم. بعد دیدید که آقای نادری هی توثیق می‌گذاشتند که ما را پس از تأیید اعتراض تهدید کردند. یک روز آقای نادری و آقای مالک شریعتی من را دیدند و گفتند همشهری‌های شما ما را تهدید می‌کنند! گفتم حالا یک نفر به شما پیام داده و تهدید کرده، خُب بدهید پلیس فتا و وزارت اطلاعات تا آن طرف را بگیرد. گفتم چرا فضای جامعه را ملتهب می‌کنید، این رفتارها درست نیست. به آقای نادری گفتم شما بچه کجایی؟ گفت سیرجان. گفتم یعنی استان کرمان، گفت بله. گفتم یک پیام برایم آمده که برای شما می‌خوانمش. گفتم شما را تهدید کردند، گفت آره. گفتم بین همزمان که داشتید پرونده مرا بررسی می‌کردید این پیام برای من آمد. برای شما می‌خوانمش: «سلام آقای تاج‌گردون. خوبی برادر. با من تماس بگیر. آب در دست است بگذار زمین تماس بگیر. این شماره تلفن من است، این شماره حساب من است، مبلغ ۳۰ میلیون تومان بریزید به این کارت تا فردا ظهر به این نام (که نام آن بیچاره را نمی‌برم) از این طرف هم ما جلوی پرونده را می‌گیریم. حالا هر طور خودتان صلاح می‌دانید. حالا هم ثواب می‌کنید و هم جلوگیری می‌کنید، متوجه که می‌شوید. - تاج‌گردون اعتبارنامه‌ات اگر می‌خواهی درست شود به این حساب پول بریز تا

ساعت ۹ صبح، ۹ صبح جلسه شورا است. - جناب تاج‌گردون عزیز مدارکی در دست من است که به جان مادرم اگر تا فردا پول را نریزید، تیترا اول خبرگزاری‌هاست. ۳۰ میلیون هم که مبلغی نیست می‌خواهم ماشین بخرم» بعد از ۱۰ دقیقه باز پیامی دیگر. من این پیام‌ها را توئیٹ نکردم و جایی ندادمش، زنگ زدم تا طرف را پیدا کردند؛ دیدم آدم جانناز و فقیر است و اتفاقاً همشهری تو و کرمانی است. تفاوت من با شما این است که بعد از موضوع اعتبارنامه من می‌روم و این فرد را پیدا می‌کنم و کمکش می‌کنم چون از فقرش به من زنگ زده است، ولی هیچ‌وقت این را رسانه‌ای نمی‌کنم و نمی‌نویسم که مرا تهدید کرده‌اند. گفت آره ما شنیده‌ایم که شما از این کارها می‌کنید. بعد من با چند نفری که صحبت کردم، آقای نادری و رضاخواه و سیدنظام موسوی گفتند که این حرف‌ها که در مورد شما زده شده است بیخود است و ما قبول نداریم و ما با آن‌ها هم نیستیم. دوتا از آن‌ها که به صراحت گفتند ما از آقای زاکانی می‌ترسیم و اگر بگوییم ما را خراب می‌کند. یکی‌شان گفت که خودت جمع‌وجورش کن. حُب مجلس ما این است. لیستی می‌آید که سهمیه زاکانی هفت نفر می‌شود که زاکانی هر چه بگوید آن هفت نفر گوش می‌دهند. اسم همه آن‌ها را دارم که بالأخره چاپ می‌شود.

این هفت نفر مثل همان مالک شریعتی و... جزء همان لیست آقای زاکانی هستند.

مالک شریعتی ورود به موضوع هم ندارد، جزء لیست آقای زاکانی و سهمیه ایشان است. آقای میرسلیم سهمیه مؤتلفه است و خودش تنه‌است، به همین خاطر است که پایداری و گام دوم از او دفاع نمی‌کند. حالا برگردیم به اعتبارنامه خودم در شعبه. مستندات که نوشته بودند ضمیمه نامه به شورای نگهبان داده شد. این نامه نمی‌رفت، یعنی سه‌شنبه باید می‌رفت. بعد با اصرار نامه را فرستادند بدون پیوست. تا به نامه پیوست زدند و ارسال کردند فکر کنم جمعه شد.

چرا نمی‌رفت؟

کارشکنی می‌کردند و بازی درمی‌آوردند. به نظر من یکی از نواب رئیس در هیئت رئیسه تماماً کارشکنی می‌کرد. خلاصه اینکه با اصرار زیاد نامه رفت شورای نگهبان، شورای نگهبان در ۹۹/۳/۱۸ جواب داد که ما تمام این موارد را قبلاً بررسی کرده‌ایم و موردجدیدی وجود ندارد. پس قانوناً باید موضوع را کنار بگذارند و رأی‌گیری موضوعیتی ندارد. وقتی شورای نگهبان بگوید باید بپذیرند. هفت صبح فردایش (روز نوزدهم) رفته هیئت رئیسه که ببینم کی جلسه می‌گذارند. دبیر هیئت رئیسه به من گفت نمی‌دانی دیشب چه شد، آقای زاکانی و آقای قاضی‌زاده نایب رئیس مجلس و آقای نجابت اینجا بودند و مجموعه دیگری را آماده کردند، آقای نجابت ساعت یازده و نیم نامه را برد و تحویل آقای دهقان عضو شورای نگهبان داد و رسید آن را هم گرفت! من همان روز قضیه را به آقای

قالبیاف گفتم که جواب داد که نامه شورای نگهبان آمده و موضوع شما منتفی است. گفتم یازدهونیم دیشب نامه جدید فرستاده‌اند. پرسید کی فرستاده، گفتم قاضی زاده. گفتم قانون می‌گوید ظرف این مدت مستندات باید به شورای نگهبان برود، پنج روز بعد این نامه می‌رود، یعنی خلاف قانونی است که نایب رئیس مجلس انجام می‌دهد. کاملاً مشخص است که با هم هستند و از یک حزب. من به آقای قاضی زاده گفتم تو خلاف قانون می‌کنی، حالا تو چه کاره‌ای که امضا می‌کنی، شعبه باید بفرستد. یعنی این‌ها باید مدارکشان را بدهند به شعبه و شعبه از هیئت رئیسه درخواست کند که آن را بفرستد شورای نگهبان. حتی مدارک را به شعبه هم تحویل ندادند. اگر آیین‌نامه را نگاه کنید، می‌گوید معترضان اعتراض خودشان را همراه با مستندات تا این تاریخ باید به شعبه بدهند، پس تا این تاریخ که نبوده است و به شعبه هم که نداده‌اند.

ماده ۲۸ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

.... چنانچه هر یک از نمایندگان به اعتبارنامه ای معترض باشد، ظرف مدت سه روز از تاریخ انتشار فهرست مذکور و حداکثر تا پایان وقت اداری روز سوم، موظف است اعتراض کتبی خود را امضا و به انضمام مدارک و اسناد مربوط به شعبه ذی ربط تقدیم کند.

آقای قاضی زاده که رأیش را به عنوان نایب رئیس از این جناح می‌خواهد، در ساعت ۱۱ نامه می‌نویسد و می‌فرستد. این نامه باید سیستمی برود به شورای نگهبان که توسط آقای نجابت به دست آقای دهقان می‌رسد و دهقان هم زیرش می‌نویسد که اصلش را تحویل گرفته است. آقای دهقان تو دبیرخانه هستی، دبیر شورای نگهبان هستی، رئیس شورای نگهبان هستی، چه کاره هستی که اصل نامه را تحویل گرفتی؟! ببینید کل یک مجموعه هماهنگ شدند که یک کاری بکنند.

به جز آن نامه اول شورای نگهبان؟

نامه اول جواب آمد و دیدند منتفی است.

یک نامه دیگر می‌دهند؟ اینجا باید قضیه تمام می‌شد و رأی‌گیری را هم بر

این اساس انجام می‌دادند.

قاعدتاً نباید رأی‌گیری انجام می‌شد. جلسه را تشکیل ندادند، گفتند منتظر بمانید تا نامه دوم بیاید. حالا نامه دوم به چه استنادی می‌رود خودش خلاف بین است. این اهمال کاری و تزییع حق الناس و خلاف قانون در تاریخ قانونگذاری کشور ثبت و ضبط می‌شود که نایب رئیس مجلس به سبب رفاقتش یا ترسش این کار را بکند و نامه را ببرند شورای نگهبان و شورای نگهبان هم در ظرف ۷۲ ساعت باید این نامه را به شعبه برساند. قبل از اینکه نامه برگردد شعبه تشکیل جلسه داد.

تاریخ: ۹۹/۳/۱۸
پشتا

پشتا

مجلس شورای اسلامی
نائب رئیس

مجلس شورای اسلامی

حضرت آیت الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً پیرو نامه شماره ۱۲/۱۰۷۱۸/د مورخ ۹۹/۰۳/۱۱ و در اجرای تبصره (۱) ماده (۲۸) آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، با توجه به وصول اعتراضات جدید نسبت به اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون از حوزه انتخابیه گچساران و باشت (به پیوست تصویر اسناد و مدارک ارائه شده)، خواهشمند است دستور فرمایید بررسی لازم صورت پذیرفته و مجلس شورای اسلامی از نتایج آن مطلع گردد.

دکتر سید امیر حسین قاضی زاده هاشمی
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

شورای نگهبان خودش مصدر این است که خلاف قانون را تشخیص بدهد، چه اتفاقی می افتد که این طور می شود؟
بله.

شورای نگهبان جواب نامه دوم را می دهد؟

بله. جواب می دهد. ترتیبات داخل مجلس با خودشان است و شورا به این کار ندارد. این نامه هنوز از شورای نگهبان نیامده که شعبه تشکیل جلسه داد. من می روم آنجا، معترضان می آیند و اعتراض شان را مطرح می کنند. رئیس جلسه می گوید که ملاک نامه شورای نگهبان است و ما دیگر حرفی نداریم. جروبحث شدیدی درمی گیرد که بشود یا نشود و آقایان می گویند ما نامه جدیدی داده ایم و باید بررسی شود. آن ها بالأخره زورشان می چربد چون یک باند هستند. من هم می گویم شما موضوعات تان را مطرح کنید. یک جلسه چهار ساعت و نیمه تشکیل می شود که در این جلسه یک به یک مسائل مطرح می شود.

جلسه دیگری به جز جلسه شعبه؟

نه. در جلسه شعبه که یک به یک مطالب خودشان را مطرح می کنند، من هم نزدیک یک ساعت و نیم صحبت کردم. جلسه چهار ساعت و نیم طول کشید. آن ها ده دوازده نفر بودند و صحبت می کردند، من هم باید تنهایی از خودم دفاع می کردم. جلسه تمام شد و به من گفتند تشریف ببرید بیرون تا رأی گیری کنیم. آمدم بیرون. حالا آن ها با سروصدای زیاد می گفتند رأی گیری نکنید تا نامه شورای نگهبان بیاید. این هم تخلف بعدی. می خواهم خلاف ها را یکی یکی بگویم. من که کارهای نبودم.

این دو مستندی که ارسال شده بود، وجه تمایزش چه بود. چه چیز جدیدی آن ها کشف کرده یا در آورده بودند؟

یک گروه از شهرستان برای شان درمی آوردند و می نوشتند. مجموعاً همین هایی که شما سؤال کردید. جلسه بعدی را می گذارند فردا ساعت یک بعد از ظهر. بعد از جلسه علنی که تا فلان ساعت هم شورای نگهبان جوابش را بدهد، جلسه تشکیل می شود و یک اکیپ هم دنبال این بودند که شورای نگهبان این جواب را برساند که حتماً در نامه دوم که ۱۵ بند جدید است، چیزی پیدا می شود که شورای نگهبان بگوید این یک کاغذ را ندیده ام یا این موضوع را بررسی نکرده ام. شورای نگهبان کل زندگی مرا دیده بود. جلسه تشکیل شد و دیدم که یک نفر از هیئت رئیسه بدو دارد می رود شعبه تا نامه شورای نگهبان را بدهد. گفتم حتماً چیزی پیدا شده است که دارد می دود! نامه را در جلسه می خوانند و می گویند شورای نگهبان گفته

که هیچ مسئله‌ای نیست و ما همه این‌ها را دیده‌ایم. مخالف و موافقی در آن جلسه صحبت نمی‌کنند، من هم که در جلسه نبودم. رأی‌گیری می‌شود و من رأی می‌آورم، ۹ به ۷. از ۱۸ نفر عضو، ۹ به ۷ رأی می‌آورم که دو نفر غایب بودند؛ یکی آقای قالیباف بود و یکی هم آقای آرامی نماینده بندرعباس.

آقای قالیباف در همین شعبه بود؟

بله، من روز قبلش از آقای قالیباف خواش کردم که شعبه در حضورش تشکیل شود و در جلسه باشد. ایشان گفت آقای تاج‌گردون شما می‌خواهید که من در جلسه شرکت کنم، اتفاقاً آن‌ها هم اصرار دارند که من در جلسه شرکت کنم.

هر دو طرف اصرار دارند که شرکت کنند.

بله. گفت آن‌ها اصرار دارند که من در جلسه شرکت کنم تا مرا بزنند! اگر در جلسه به تو رأی مثبت بدهند و رأی بیاورید می‌گویند که قالیباف طرفدار تاج‌گردون است و من به همین خاطر نمی‌خواهم در جلسه شرکت کنم. چون اگر من در جلسه نباشم، آن‌ها به تو رأی می‌دهند که اگر این‌طور نشود باید طور دیگری بشود. آقای آرامی بندرعباس هم به من گفت که تحت فشارم و به آن‌ها قول داده‌ام که رأی منفی بدهم و اگر بیایم رأی مثبت بدهم من را داغان می‌کنند. بالآخره نیامد و ۹ به ۷ اعتبارنامه من تأیید شد. به قالیباف گفتم که اعتبارنامه تأیید شده و موضوع منتفی است و فقط باید گزارش قرائت شود. البته زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید تا فردایش پنج‌شنبه که من خدمت دکتر قالیباف رسیدم و گفتم می‌خواهید چه کار کنید. آقای قالیباف گفت من از معاونت قوانین استعلام گرفتم و با حقوقدان‌ها مشورت کردم و مشروح مذاکرات را هم خواندم، کلهم این است که موضوع شما دیگر نباید به رأی گذاشته شود، فقط باید قرائت‌ش کرد.

۱۸۴۴
شماره
پست



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای ملی
معاونت قوانین

جناب آقای دکتر کجریانی
رئیس محترم مجلس شورای ملی

با سلام و تحیت

بروز مذاکره حضوری امروز صبح در مورد وضعیت اجتنازنامه سه نماینده مورد اعتراض به استحضار می‌رسد:

قانون آیین نامه داخلی مجلس در بحث رابع به بررسی اجتنازنامه نمایندگان در آنها موردی که از رای گیری و تصویب مجلس سخن می‌گوید، وقتی است که کمیسیون تحقیق نظر بر رد اجتنازنامه داشته باشد که در چنین حالتی، طبق مفاد ماده (۳۲)، نماینده‌ای که اجتنازنامه‌اش رد شده است به مدت سی دقیقه فرصت دفاع دارد و سپس گزارش کمیسیون تحقیق به رای گذاشته می‌شود و در صورت عدم تصویب رد اجتنازنامه از سوی مجلس، رئیس جلسه تصویب آن را اعلام می‌کند. حتی در این مورد نیز حتی برای نمایندگان معترض برای اظهار نظر در ضمن مجلس پیش‌بینی نشده است. در سایر موارد، یعنی:

- ۱- وقتی نظر شعبه از عمل ابتداء به ثبوت نبودن معترض، منی بر تأیید اجتنازنامه باشد (ماده ۲۹) یا
 - ۲- نظر شعبه پس از استماع اعتراض نمایندگان معترض بر تأیید اجتنازنامه قرار گیرد (ماده ۲۹) یا
 - ۳- نظر شعبه پس از استماع اعتراض نمایندگان معترض مثبتی بر رد اجتنازنامه لیکن نظر کمیسیون تحقیق تأیید اجتنازنامه باشد (ماده ۳۲)
- حکایت مشترک در آیین‌نامه به کار رفته که عبارت از آن «ستور کتاز قزو گرفتن گزارش برای تصمیم گیری مجلس می‌باشد که به نظر می‌رسد منظور از آن صرفاً اعلام تصویب اجتنازنامه در مجلس است» است. براساس تصویب در مشروح مذاکرات مجلس درج گردید.
- در هیچ یک از این سه حالت نیز حتی برای نمایندگان معترض جهت بیان مطالبشان در ضمن پیش‌بینی نشده است که قابل آن جلوگیری از هتک حرمت افراد می‌باشد.
- در حال حاضر، وضعیت اجتنازنامه سه نماینده‌ای که اجتنازنامه آنها مورد اعتراض قرار گرفته است به شرح زیر است:

نامه معاونت قوانین

۱۳۹۹/۳/۱۸
تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۱۸
پشت

مجلس شورای اسلامی
معاونت قوانین

۱- در مورد آقای سید کاظم داغوش، آقایان نجلیت و زلفی (معارضین) با دعوت قبلی در شعبه حضور به هم رسانده و نظرات خود را گفته اند. پس از اخذ نظرات آقای داغوش جلسه در روز آشنبه مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳ یا حضور ۱۶ نفر از ۱۸ عضو شعبه تشکیل شده و اعتراضنامه نماینده با ۱۰ رأی مثبت، ۴ رأی منفی و یک رأی مستحب تصویب شده است.

۲- در مورد آقای حسین محمد صالحی، غلام زهره (همان (معارض) با دعوت قبلی در همان شعبه پیش گفته حضور به هم رسانیده و نظر خود را مطرح کرده و آقای صالحی هم از خود دفاع کرده اند و نهایتاً با حضور ۱۶ نفر از ۱۸ عضو شعبه اعتراضنامه ایشان با ۱۰ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۴ رأی مستحب به تصویب رسانیده است.

بدین ترتیب، گزارش تأیید اعتراضنامه این دو نفر باید در جلسه روز یکشنبه ۱۳۹۹/۳/۱۸ بدون نیاز به رأی گیری ارائه شود.

۳- در مورد آقای غلامرضا تاجگردون در اجرای تبصره (۱) ماده (۶۸) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از سوی شعبه و هیات رئیسه با شورای نگهبان مکاتبه شده است تا مراتب عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا سلامت شدن آن بعد از اعلام صحت انتخابات استعلام گردد که هنوز پاسخی واصل نشده است، که به محض وصول پاسخ جلسه شعبه تشکیل و چون اعتراضنامه ایشان ۹ نفر معترض دارند در اجرای تبصره (۱) ماده (۳۶) سه نفر از آنها به صورت مکتوب معرفی و در شعبه جهت ارائه نظراتشان حاضر می شوند و پس از استماع نظرات نماینده مورد اعتراض، رأی گیری به عمل آید و سپس دفتر روال پیش گفته عمل می شود.

در صورت تأیید اعتراضنامه ایشان در شعبه، گزارش در جلسه صحن علنی در تاریخ سه شنبه ۱۳۹۹/۳/۲۰ قرائت ارائه خواهد بود.

با احترام
حسین پروکوداقلی

یعنی دیگر نیازی نیست.

از نظر روال و قانون دیگر نباید به رأی گذاشته شود.

یعنی زمزمه این بود که باید به رأی گذاشته شود.

آن‌ها فشار می‌آوردند که باید به رأی گذاشته شود.

بعد از این اتفاقات؟

بعد از این اتفاقات می‌گفتند که در صحن علنی باید به رأی گذاشته شود. آقای قالیباف می‌گفت: «آقای تاج‌گردون من آخرتم را به دنیا نمی‌فروشم، من رسماً زیر بار این کار نمی‌روم، من هزار استدلال دارم که اصلاً نباید به رأی بگذاریم و معاونت قوانین به من رسماً نامه نوشته و این هم نامه‌اش است.» پیش خودم گفتم آقای قالیباف آن قدر قدرت و استقلال دارد که جلوی این‌ها بایستد، نمی‌دانستم که آقای قالیباف هم در جاهایی نمی‌تواند مقاومت کند. در آن جلسه چون فکر می‌کرد رأی‌گیری لازم نیست، شروع کرد در مورد کمیسیون برنامه‌بودجه با من صحبت کردن که کی بشود و چی بشود و آینده بودجه و خیلی چیزهای دیگر. اشاراتی داشت تا روزی که قرار بود موضوع من در صحن مطرح شود. اول صبح زمزمه‌هایی بود که قالیباف می‌خواهد موضوع را به رأی بگذارد، شنیدم که شب قبل جلسه‌ای داشته‌اند و رفتند پیش آقای قالیباف و صبح زود هم فراکسیون گام دوم انقلاب را تشکیل داده و همه را جمع کرده بودند که در مجلس سروصدا کنیم تا آقای تاج‌گردون پرونده‌اش بیاید کمیسیون تحقیق! مجلس که تشکیل شد، رفتم پیش آقای قالیباف و گفتم جریان چیست، مگر می‌خواهید به رأی بگذارید؟ گفت بله، من اخطار قانون اساسی‌شان را می‌پذیرم! گفتم چه ربطی به قانون اساسی دارد، شما که دیروز به من چیز دیگری گفتید. مخالفان گفته بودند ما سعی می‌کنیم که رأی نیاورد. گفتم من چطور ۲۰ نماینده‌ای که مرا نمی‌شناسند توجیه کنم که به من رأی بدهند. گفت بعید می‌دانم مجلس به این اخطار رأی بدهد، نگران نباش؛ رأی می‌آوری. گفتم ۱۰۰ درصد رأی نمی‌آورم، این‌ها که الان جلسه داشتند و هماهنگ هستند و تحت فشار توافق کرده‌اند که این اخطار را بدهند. خلاصه در صحن مطرح شد و آقای زاکانی یک اخطار دادند و من هم دستم را بردم بالا. اخطار اصل ۸۵ قانون اساسی بود؛ این اصل می‌گوید مجلس نمی‌تواند اختیارات خودش را واگذار کند به کمیسیون دیگری و نمایندگی قائم به شخص است در امور تقنینی نه در امور مدیریتی.

اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این

قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذریبط واگذار کند و یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالفت قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آن‌ها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

آقای قالیباف گفت من اخطار را قبول دارم، به رأی می‌گذاریم. من دستم را بردم بالا، دو سه نماینده دیگر هم اعتراض کردند. به رأی گذاشتند که ۱۵۰ رأی مثبت دادند و ۷۵ رأی منفی. دوباره دستم را بردم بالا و صحبت‌م را مطرح کردم که واگذارشان کردم به خدا و روز قیامت که رأی دادند پرونده من به کمیسیون تحقیق برود. آقای قالیباف بعد از تذکر من گفت که اگر در کمیسیون تحقیق رأی هم نیاوردی اینجا می‌توانی صحبت کنی و دیگر احتیاج به رأی‌گیری مجدد در صحن ندارد! من ماندم و این تصمیم غیرقانونی آقای قالیباف. آیین‌نامه می‌گوید پرونده‌ای که در شعبه رد می‌شود از طریق هیئت رئیسه می‌رود به کمیسیون تحقیق، یعنی شعبه باید بفرستد کمیسیون تحقیق. هیچ جای قانون نمی‌گوید صحن بدهد کمیسیون تحقیق.

متن صحبت های تاج گردون در صحن علنی بعد از ارجاع به کمیسیون تحقیق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

توكلت الى الله

جناب آقای رئیس، البته من در انصاف و عدالت حضرتعالی و هیئت رئیسه با همه تذکرات شکی ندارم اما خواهش می‌کنم حضرتعالی و نمایندگان محترم توجه فرمایید انتظار داشتم قبل از رأی‌گیری عنایتی داشته باشید اما اراده حضرتعالی و جمع حاضر بر این بود که این اخطار وارد تشخیص داده شود و به رأی گذاشته شود، برخلاف آنچه سخنگوی هیئت رئیسه اعلام کرد در خصوص رویه اعمال رأی شعبه در صحن علنی تا به امروز چیزی نگفته و توکل بر خدا کردم. دوستان عزیز فرایندی را طی کردند و مجموعه‌ای از اطلاعات را به شورای نگهبان دادند و پاسخ‌هایی دریافت کردند. آقای رئیس برخلاف تمام قوانین، آیین‌نامه‌ها، شعبه و نایب رئیس محترم حضرتعالی پس از گذشت زمان اعتراضات به شورای محترم نگهبان نامه نوشتند، من وظیفه دارم از شورای نگهبان تشکر کنم چرا که بالاخره دوره اولم نیست که منتخب می‌شوم. بعد از همه مکاتبات و مجموعه این‌ها اطلاعات را دادند و اظهار کردند که ما این‌ها را دیدیم در شعبه علیرغم اینکه قانون و آیین‌نامه اجازه نمی‌داد موضوعات بررسی و اعمال شد. همچنین خدمت شما رسیدم و سخن گوی تان مصوبه‌تان را اعلام کردند.

من نمی‌دانم امروز بر اساس چه چیزی بر حضرتعالی این طور محرز شد که این کار را انجام دهید. آیا اگر اشخاص دیگری در شعبه به آن‌ها تذکر داده می‌شد یا به عبارت دیگری به آن‌ها اعتراض می‌شد و امروز یک نفر دیگر می‌گفت من بر اعتراضم باقی هستم و آن یکی غلامرضا تاج‌گردون نبود که مظلومانه می‌خواهید در این مجلس با او برخورد کنید، آقای قالیباف این رویه خوبی نیست.

من نه داعیه ماندن دارم و نه تمایل به ماندن و نه اصرار بر ماندن دارم. یک کیف است که دستم می‌گیرم و از مجلس بیرون می‌روم، این شما هستید که باید در درگاه خداوند متعال روز قیامت و شب آخرت پاسخگوی اعمالتان باشید. دنیا گوشه کوچکی از نشان آخرت است، من در هر مقام و منصبی که باشم باید پاسخگوی هر احدالناسی از جامعه باشم که اگر سوالی می‌کنند پاسخ بگویم، حتماً هم در شعبه تحقیق حضور پیدا خواهم کرد اما خواهش می‌کنم به این بسنده نکنید، شما وظیفه دارید که شرع و قانون و آیین نامه را رعایت کنید.

تازه اگر رد بشود.

اگر رد بشود، شعبه که من را رد نکرده است، از صحن که نمی‌رود کمیسیون تحقیق. این هم خلاف بعدی، همین هم خودش دو تا خلاف در آن مستتر است، رأی گیری و ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق.

برگردیم به روال بحث‌مان یعنی زمانی که در مجلس بودید. بعد از تذکر آقای زاکانی و ورود کمیته تحقیق، درباره اعتبارنامه شما بحث می‌شود و نامه‌های شورای نگهبان که به مجلس می‌آید. چه اتفاقی افتاد آقای خانی اعلام می‌کند که ما فقط در جلسه صحبت خواهیم کرد یعنی مواردی که شورای نگهبان گفته را بررسی نکردیم.

در مرحله‌ای که پرونده من برخلاف قانون رفت کمیسیون تحقیق؟

بله، رفت کمیسیون تحقیق.

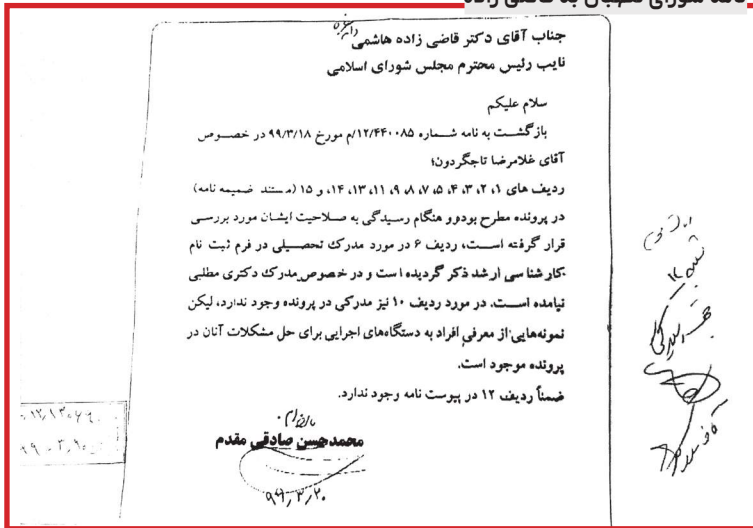
یکی از اهداف من از طرح این مباحث این است که تخلف‌های قانونی که در مسیر پرونده من صورت گرفت، یک به یک نشان داده شود که تخلف‌های قانونی کجاها صورت گرفته است. اولین تخلف اینکه وقتی شورای نگهبان موارد را بررسی می‌کند شعبه نباید ورود می‌کرد، بند قانونی آن هم مشخص است.

تبصره ۱ ماده ۲۸

شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا حادث شدن آن بعد از اعلام صحت انتخابات را احراز کند.

می‌گوید احراز بودن بررسی شورای نگهبان، پس اولین تخلف این است که شعبه نباید بررسی می‌کرد. نامه دوم هیئت رئیسه توسط آقای قاضی‌زاده به شورای نگهبان، نحوه بررسی و نحوه ارسال در ساعت ۱۱ و نیم شب و دریافت نامه از شورای نگهبان تخلف دوم است.

نامه شورای نگهبان به قاضی زاده



طبق قانون باید معترضان در زمان قانونی، اعتراض خودشان را به شعبه می‌دادند و شعبه به هیئت رئیسه تقدیم می‌کرد. اینکه معترضان به هیئت رئیسه بدهند این تخلف محرز است. پس دو تا تخلف در این مرحله صورت گرفته است. **تخلف سوم** اعمال این موضوع و نامه دوم شورای نگهبان در بررسی در شعبه که اصلاً نباید اعمال می‌کردند که کردند. **تخلف چهارم** در صحن اتفاق افتاد که آقای قالیباف اخطار را پذیرفت که پذیرش اصل ۸۵ یک امر تقنینی بود و به جای یک امر مدیریتی پذیرفت و بنده را به کمیسیون تحقیق ارجاع می‌دهد. طبق آیین‌نامه داخلی اگر رئیس اخطاری را بپذیرد باید موضوع را به همان کمیسیون بدهد، یعنی برخلاف قانون اگر اخطارم را هم بپذیرد باید به همان شعبه می‌دادند نه کمیسیون تحقیق و اگر شعبه رد می‌کرد، شعبه می‌توانست از طریق هیئت رئیسه و نه صحن به کمیسیون تحقیق بدهد. پس اینجا **تخلف پنجم** است که آقای قالیباف انجام داد. حال رفت در کمیسیون تحقیق و کمیسیون باید مستندات ارائه شده را بررسی کند.

بسمه تعالی

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

نظر به اینکه باستناد ماده ۲۳ قانون آیین نامه داخلی مجلس، رئیس مجلس و سایر اعضای هیأت رئیسه در انجام وظایف محوله در برابر مجلس پاسخگو هستند براین اساس مشروحه زیر جهت اقدام لازم و بایسته قانونی و دریافت پاسخ مناسب تقدیم میشود.

مستحضرید آیین نامه داخلی مجلس میثاق قانونی و اعتقادی نمایندگان برای انجام وظیفه در امور مختلف مجلس و یکی از موارد سوگند هیأت رئیسه مجلس اجراء آیین نامه داخلی مجلس برای صیانت از قانون اساسی و حفظ حرمت اشخاص است.

در موارد مختلف آیین نامه، نحوه رسیدگی به اعتبار نامه متخبین تعیین شده است و تنها بر اساس این مقررات است که میبایستی اعتبارنامه نمایندگان مورد بررسی قرار گیرد و هر رفتار بر خلاف الزامات آیین نامه داخلی مجلس در رسیدگی به اعتبار نامه، نقض مقررات مربوط و تضییع حق منتخب است و لذا چون در مورد اینجانب با توجه به دلایل زیر مقررات مربوط به رسیدگی به اعتبار نامه نقض شده است جهت احقاق حق خود مراتب را اعلام و تقاضای اتخاذ تصمیم و اعاده رسیدگی از کمیسیون تحقیق و اعلام تصویب اعتبارنامه خود را دارم.

۱- به موجب ماده ۲۸ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی پس از انتشار فهرست اعتبارنامه های ارجاعی به شعب چنانچه نماینده ای به اعتبارنامه ای معترض باشد ظرف سه روز از تاریخ انتشار فهرست که تا پایان وقت اداری روز سوم اعلام گردیده است موظف به ارائه اعتراض کتبی به انضمام مدارک و اسناد مربوطه به شعبه ذیربط است.

۲- شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به مورد اعتراض یا حادث شدن آن بعد از صحت اعلام انتخابات را احراز کند. بدین معنی که مراتب اعتراض و مستندات به شورای نگهبان ارسال شود تا شورای نگهبان بگوید ایراد سابق است و مسبوق به اظهار نظر می باشد و یا حادث است و بعد از اظهار نظر شورای نگهبان تحقق یافته و رسیدگی نشده است.

۳- در اجراء پاراگراف آخر ماده ۲۹ آیین نامه داخلی اعتبارنامه های مورد اعتراض حداکثر ظرف مدت ۵ روز کاری توسط شعبه باید رسیدگی شود و در صورتیکه نظر شعبه تایید اعتبار نامه باشد گزارش تایید آن برای تصمیم گیری به مجلس ارائه میشود. این امر نیز بدین معنی است که پاسخ شورای نگهبان واصل شده است و امر ارجاعی را مسبوق به سابقه دانسته که جای بحثی باقی نمی ماند و یا اینکه آن را امر حادث بیان کرده

نامه تاج گردون به هیأت رئیسه مجلس

و شعبه در این ۵ روز رسیدگی خود به موارد حادث را انجام و به عدم صحت آن رسیده است و رای به تایید اعتبار نامه داده است.

۴- در اجراء تبصره ذیل ماده ۲۹ شعبه از معترضین باید حداقل ۲۴ ساعت قبل از بررسی اعتبارنامه جهت توضیح اعتراض و اخذ نظر نماینده ای که اعتبارنامه اش مورد اعتراض واقع شده است، دعوت به عمل آورده و پس از استماع دلایل معترضین و دفاعیات نماینده مورد اعتراض اتخاذ تصمیم می کند و حکم مقرر در ماده ۲۹ که رسیدگی ظرف ۵ روز کاری توسط شعبه در حقیقت از طریق تبصره شیوه رسیدگی آن روشن شده است که منظور از رسیدگی ظرف ۵ روز در شعبه اعمال فوق مقرر در تبصره آن خواهد بود.

۵- در بخش آخر پاراگراف دوم تبصره که عدم حضور هریک از آنان مانع رسیدگی نیست نیز به معنای آن است که در صورت انجام وظیفه شعبه و دعوت از معترضین و نماینده برای دفاع و مواجه شدن با عدم حضور آنان رسیدگی نباید متوقف شود و لذا شعبه موظف است رسیدگی خود را ادامه دهد و النهایه اگر هر یک از معترضین در جلسه رسیدگی ۵ روزه در مجلس موجه تشخیص داده شود حق اعتراض برای او باقی والا اساسا در صورتیکه در جلسه حضور داشته باشد و یا عدم حضورش غیر موجه باشد حقی به عنوان اعتراض در مجلس پیش بینی نگردیده و قابل اعمال نیست. تشخیص ادعای عدم حضور موجه یا غیر موجه از طرف معترض که در جلسه رسیدگی شعبه حاضر نشده است به هیأت رئیسه واگذار شده است.

۶- در قسمت دیگری از تبصره پیش بینی شده است اگر نماینده معترض در جلسه مورد دعوت شعبه عدم حضورشان به وسیله هیأت رئیسه موجه تشخیص داده شد باید ۵ روز دیگر شعبه با حضور آنان رسیدگی را ادامه داده و اتخاذ تصمیم خود را در صورت تایید اعتبار نامه به مجلس اعلام نماید.

۷- در قسمت پایانی ماده ۲۹ تنها نظر شعبه به رد اعتبار نامه را موجب ارجاع رسیدگی به کمیسیون تحقیق اعلام کرده و طریقی دیگر تحت عنوان احطار قانون اساسی و قبول یا رد آن در مجلس به عنوان سببی از اسباب قابلیت ارجاع اعتبارنامه برای رسیدگی به کمیسیون تحقیق پیش بینی نکرده است.

جهت یادآوری مجدد ، در خصوص اعتبارنامه اینجانب ،فرایند بررسی اعتراض به شرح زیر انجام شد:

- معترضین در تاریخ مقرر اعتراض خود را نسبت به اعتبارنامه اینجانب به همراه مدارکی اعلام کردند.
- برای احراز نظر شورای محترم نکهبان طی نامه ای البته با تاخیر مراتب به شورای نکهبان اعلام گردید.
- بدلیل تاخیر در ارسال نامه و مستندات به شورای نکهبان پاسخ لازم در موعد مقرر دریافت نگردید و هیأت رئیسه حسب درخواست شعبه پنج روز دیگر بر زمان بررسی اعتبار نامه اضافه کرده و به شعبه ابلاغ فرمودند.

- شورای محترم نگهبان در تاریخ ۹۹/۳/۱۷ پاسخ لازم را مبنی بر اینکه موارد و مدارک و مستندات ارایه شده توسط معترضین قبلا در شورای نگهبان بررسی شده و لذا از این حیث مدارک قابل اتکا نبود، را ارسال نمود.
- طبق آئین نامه ، معترضین میبایست اعتراض و مستندات خود را در تاریخ مقرر به شعبه ارایه دهند و این اتفاق افتاد ، ولی بر خلاف صراحت این نامه در تاریخ ۹۹/۳/۱۸ پس از گذشت بیش از یک هفته از موعد مقرر ، نایب رئیس محترم مجلس بدون مبنای قانونی (چرا که طبق آئین نامه ، شعبه مسئول دریافت اعتراض در موعد مقرر است) و خارج از زمان قانونی، مدارک جدید را برای استعلام و دریافت نظر به شورای محترم نگهبان ارسال فرمودند و علیرغم این تخلف صریح ، شورای محترم نگهبان در تاریخ ۹۹/۳/۲۰ پاسخ لازم را ارایه داده و مجدداً مدارک پیوست را رد و اعلام نمود این مدارک قبلا بررسی شده است.
- علیرغم صراحت نظر شورای محترم نگهبان و رای شعبه مربوطه و اعلام آن در موعد مقرر، در یک رویه جدید و غیرقانونی اعتبارنامه دو همکار دیگر را صرفاً با سوال از معترضین که مشخص نیست به استناد کدام وجه قانونی این سوال انجام شد تایید و با سوال در مورد اینجانب و قبول اخطار قانون اساسی به کمیسیون تحقیق ارسال نمودند.

۸- با جمع جهات فوق معلوم شد که اولاً اعتراض به اعتبارنامه بر مبنای سباق و رویه و صراحت مواد ۲۸ و ۲۹ باید با اعلام کتبی مستدل و مستندات معترضین بدو با استعلام از سوی شورای نگهبان در مورد مسبوق به رسیدگی بودن و یا حادث بودن آن مورد رسیدگی قرار دهند. در صورت اعلام نظر شورا ی نگهبان به مسبوق بودن باید در شعبه رای گیری شود ولی با اینحال در مورد اعتراض معترضین در شعبه رسیدگی کننده به اعتبار نامه اینجانب از معترضین و اینجانب دعوت به عمل آمد و قریب به ۵ ساعت رسیدگی به جزء جزء جهات اعلامی معترضین توسط اعضاء شعبه معمول شد و با رای گیری مراتب به صحن اعلام گردید.

۹- ریاست محترم مجلس موظف بود یکنواخت عمل کند که متأسفانه بر خلاف صراحت قانونی بر اساس تذکر اصل ۸۵ (که مربوط به وظایف تقنینی و نه امور مربوط به رسیدگی به اعتبار نامه که امر غیر تقنینی و اداریست) اخطار قانون اساسی را وارد و پرونده را برای رسیدگی به کمیسیون تحقیق ارجاع داد.

در هیچ یک از مواد آیین نامه داخلی اخطار قانون اساسی پیش بینی نشده است که بر آن اساس اخطار قانون اساسی نسبت به اعمال آیین نامه داخلی مجلس مورد قبول رئیس واقع گردد. در نتیجه این اقدام، نقض آشکار مواد ۲۸ و ۲۹ در نحوه ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق در اعتبار نامه است.

ضمناً برای معترضین حقی غیر از ادعای حضور موجه یا غیر موجه برای اداء توضیح در جلسه شعبه، پیش بینی نشده است بنابراین خلق وضعی تحت عنوان اخطار قانون اساسی (یا سوال از معترض) برای ایجاد طریق دیگری در اعتراض به اعتبار نامه که راجع به وضع، مقرری جدید است با عنوان اخطار قانون اساسی

نامه تاج گردون به هیأت رئیسه مجلس

حادث کرد هم خلاف قانون اساسی و هم نقض قانون اساسی و هم نقض آیین نامه داخلی است چون افزودن حکمی به احکام آیین نامه داخلی با توسل به رفتار غیر قانونی تحت عنوان پذیرش اختصار قانون اساسی نمی تواند وجاهت قانونی داشته باشد.

۱۰- در آیین نامه داخلی مجلس قبول اعتبار نامه در شعبه منحصرأ منجر به گزارش میشود و قابلیت اعتراض برای معترضین پس از اعلام تأیید اعتبار نامه و ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق وجود ندارد چون صلاحیت کمیسیون تحقیق منحصرأ به رد اعتبار نامه برای رسیدگی مقید شده است. از این حیث چون اعتبار نامه اینجانب در شعبه تأیید شده است ارجاع آن به کمیسیون تحقیق فاقد وجاهت است.

۱۰- با جمع جهات مذکور روشن گردیده است اقدام هیأت رئیسه در پذیرش اختصار قانون اساسی اقدام خلاف قانون اساسی و عمل به اصلی که مربوط به وظیفه تقنینی نماینده است تسری به امر غیر تقنینی داده شده که این توسعه صلاحیت قانونی برای امور غیر تقنینی نیازمند تفسیر شورای نگهبان است و نه در حد تشخیص مبتنی بر اصالت و ظاهراً الفاظ صریح قانونی در اصول قانون اساسی است.

بنابراین از دو جهت اعلام شده هم اقدام به پذیرش اصل ۸۵ و هم نقض احکام صریح مواد ۲۸ و ۲۹ در عدم قابلیت ارجاع اعتبار نامه تأیید شده در شعبه به کمیسیون تحقیق، هیأت رئیسه مجلس و ریاست مجلس مرتکب تخلف عمدی از قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس شده است.

مستحضرید شعار اصلی مجلس شفافیت و اعتقاد به قانون اساسی است و یکی از وجوه اعتقاد رعایت فرایندهای پیش بینی شده و احترام به رای مراجع ذیربط از جمله شورای محترم نگهبان است که همیشه فصل الخطاب ولی فقیه میباشد. به همین سبب نیز مطابق ماده ۲۸ و ۲۹ نظر شورای محترم نگهبان قانون اساسی بر مسبقاً یا حادث بودن اعتراض باید استناد گردد. چطور ممکن است وفاداری به قانون اساسی پس از دوبار استعلام از شورای نگهبان و اعلام رسیدگی مسبقاً به ایرادات و دلایل اعتراض مجدد بر نظر خود اصرار و برای اعلام ادعای خود بر رای اکثریت خارج از فرایند قانونی استناد کرده اند.

آیا لازمه شفافیت نقض مقررات قانون اساسی است یا حفظ قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور که متأسفانه در خصوص اینجانب ادعای شفافیت وسیله ای برای اعمال قدرت شده و موجب تضییع حق شده است.

اینک مراتب جهت اقدام لازم تقدیم و برای تنویر افکار عمومی این متن منتشر تا جامعه حقوقدان مستقل آن را در بوته نقد قرار داده و اظهار نظر نمایند. بدیهیست آنچه که برای اینجانب و هر شهروند متعهد به قانون اهمیت دارد رعایت قانون است که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد.

غلام رضا تاج گردون

نماینده مردم شریف گچساران و یاسر در مجلس شورای اسلامی

۱۳۹۷/۲/۲۵

تا اینجا به نظر شما آقای قالیباف سوءمدیریت داشت یا واقعاً خودش می‌خواست در یک بازی سیاسی این اتفاق بیفتد؟

من نمی‌گویم که قالیباف از اول می‌خواست این اتفاق بیفتد. من در شب آخر قبل از صحن به آقای قالیباف گفتم که «اگر بدبینانه بخواهم نگاه کنم، طراحی این فرایند را خودتان انجام داده‌اید. خوش‌بینانه بخواهم نگاه کنم طرحی گذاشته‌اند جلوی شما و می‌گویند آقای قالیباف تو عمل کن، حالا این وسط گیر افتاده‌ای یا سوءمدیریت داری یا چیز دیگر است». خوش‌بینانه این است که بگویم که پلن جلوی او گذاشته‌اند که طبق آن و طبق نظر مجموعه عمل می‌کند، بدبینانه هم این است که خودش آن را طراحی کرده و بقیه را هم خودش در این مسیر انداخته است. حالا پرونده رفته، کمیسیون تحقیق باید چه چیزی را بررسی کند، مدارکی را که در شورای نگهبان بررسی نشده است. ما رفتیم کمیسیون تحقیق و تشکیل جلسه دادند. در آن جلسه، اول معترضان را خواستند که آن‌ها بحث کردند و وقتی بیرون آمدند من را خواستند. من رفتم و گفتند که صحبت کنید. گفتم در چه موردی صحبت کنم؟ اول قبل از اینکه تشکیل شود، با هم بحث کردند که آیا ما صلاحیت ورود به این بحث را داریم یا نداریم، چون منطقاً که این کمیسیون صلاحیت بحث را نداشت. در بحث به این جمع‌بندی رسیدند که صلاحیت داریم که این هم تخلف بعدی (تخلف ششم) بود که کمیسیونی که صلاحیت نداشت وارد موضوع شد. صلاحیت این کمیسیون وقتی محرز بود که پرونده از شعبه بیاید، نه از صحن.

ماده ۲۹ آیین نامه داخلی

... چنانچه نظر شعبه رد اعتبارنامه باشد، از طریق هیأت رئیسه مجلس به کمیسیون تحقیق ارجاع خواهد شد تا پس از رسیدگی و ارائه گزارش برای تصمیم‌گیری مجلس در دستور کار قرار گیرد.

ماده ۳۱ آیین نامه داخلی

کمیسیون تحقیق حداکثر ظرف مدت پانزده روز به دلایل و توضیحات کتبی شعب و معترض یا معترضان رسیدگی می‌کند.

خودشان رأی گرفتند که ما صلاحیت داریم موضوع را بررسی کنیم. این اصلاً منطقی نبود، ولی این هم تخلف ششم بود که صورت گرفت. آقایان (کمیسیون تحقیق) گفتند

بفرمایید آقای تاج‌گردون، گفتم در مورد چی صحبت کنم. گفتند معترضان آمدند اینجا صحبت کردند، گفتم موارد چیست. گفتند ۱،۲،۳،۴ تا مثلاً ۱۰ مورد. گفتند این ۱۰ مورد را معترضان گفتند. من هم یک‌ساعت و اندی صحبت کردم و آقایان هم گوش می‌دادند. نایب رئیس جلسه که قاضی هم بود گفت آقای تاج‌گردون شما برای این موارد چقدر محکوم شده‌اید. گفتم برای چه محکوم شده‌ام. گفت این مواردی که معترضان مطرح کرده‌اند، چون این‌ها جرم قضایی دارد. گفتم اولین بار است که من این‌ها را می‌شنوم. گفت یعنی شما تاکنون برای این‌ها دادگاه نرفتید؟ گفتم من در طول عمرم، در طول ۳۰ سال خدمتم حتی به عنوان مطلع هم به دادگاه نرفتم، نه فقط در دادگاه بلکه سازمان بازرسی هم نرفتم. گفت آقا مگر می‌شود، یعنی اگر ما شما را از سیستم قضایی استعلام کنیم، چیزی ندارید؟ گفتم از سراسر کشور استعلام کنید. گفت مگر می‌شود؟ حتی در آنجا بحث شد که مدرک تحصیلی و این‌گونه موارد که آقای نیک‌بین نماینده کاشمر گفت: «من رفتم گچساران و این‌طور چیزها را بررسی کردم. من مخالف تاج‌گردونم اما در آنجا بروید ده و روستا، هر جا بروید می‌گویید حاج‌غلام. همه هم در مورد خانواده‌شان مثبت صحبت می‌کنند. من خواهش می‌کنم که از این بحث‌ها در مورد شخصیت‌شان نداشته باشید حتی در مورد مدرک تحصیلی.»

اعتراض به اعتبارنامه تاج گردون

باسمه تعالی

جناب حجة الاسلام والسیدین موسی لاریجانی

ریاست محترم شعبه ۱۲

پسداد و جنایت

دستوراً به استناد ماده ۶۸ آیین دادرسی مجلس شورای اسلامی
اعتراض خود را نسبت به اعتبارنامه آقای علامه موسی تاج گردون
مستقیماً به مردم شریف تهران و با استناد به دلیل راست هزار
و سبب منافع اعتماد و اعمال نقوذ سببگذار از طریق مختلف
در دستگاه های دولتی و دولت های تابعه و بخش خصوصی
اعلام می داریم. استدعا می کنیم که به پیوسته ارائه شده است
سعدتاً به اینجانبان می باشد.

علیرضا زاکانی
مستقیماً به مردم شریف
تهرانی
۹۹/۳/۱۰

معتمد اعتبارنامه
مجاوزه و تقنینی
۹۹/۳/۱۰

علی ابوالریحی
مستقیمتاً به مردم شریف
تهرانی
محمد

اعتراض به اعتبارنامه تاج گردون

بیتنام

جناب حجت الاسلام والسلمین آقای مرموزی لاریان

ریاست محترم شعبه ۱۱

باسلام و احترام؛

نظر به ماده ۷۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مبنی بر اعتراض به اعتبارنامه نمایندگان،
 اعتراض خود را نسبت به اعتبارنامه آقای غلامرضا تاجگردون، نماینده مردم عزیز کجاساران، با استقامت،
 به دلیل سوابق غیرمتعدد نظیر احتمال معالی بودن مدرک دولتی، ایجاد سببه خانوادگی و ناعالی در کتک‌ها، و
 شرکت در مختلف دورتق و غیردورق، کسب منافع اقتصاد ویژه از طریق رانت، سرودجوی از طریق سر و استاده
 از جایگاه نمایندگی، صرف هزینه سنگینت ناسلم در دوره تبلیغات و دیگر مشابه امر مشابه به استحضار عیادت شب
 شعبه ۱۱ می‌رسانیم. مستندات پیش‌تر به شعبه ارائه شده است.

امید است تا با رسیدن عادلانه به اعتبارنامه جناب تاجگردون، چنانچه تملقات ایشان معززتر،
 اعتبارنامه ایشان باطل شده، سیاه جایگاه نمایندگی مردم آسین وارد نشود.

با احترام
 امضاء
 اعتبارنامه
 امین رسول
 علی خضریان
 شرفیک
 مجتهد صالح

نیک‌بین همین‌طوری رفته بود؟

بله، احساس تکلیف کرده بود و خودش رفته بود تا بیاید در صحن علنی دروغ بگوید، چون هیچ‌کدام از نکات مثبت را نگفت. من می‌دانم با کی صحبت کرده بود. به مطالب آقای نیک‌بین هم می‌پردازیم. بعد آقای نیک‌بین آمد و من دو ساعت به او توضیح دادم و قانع شد و رفت. چون حزبش به او اجازه نمی‌داد که این موارد را بگوید حتی دیگر با من روبه‌رو نمی‌شد و من را که می‌دید از آن طرف می‌رفت. من در آن جلسه حرف‌هایم را گفتم. مقرر شد تا روز شنبه گزارش و مستندات در خصوص موارد طرح‌شده از سوی معترضان و پاسخ‌های من به کمیسیون تحویل داده شود.

کمیته هنوز تشکیل نشده بود؟

من که رفتم بیرون، آقایان نشستند و یک کمیته تعیین کردند که این کمیته بنشیند و موارد را بررسی کند. کمیته شامل آقایان میرتاج‌الدینی، فیروزی نماینده فسا و کاظمی نماینده پلدختر بود، ترکیب را هم این‌طور بسته بودند که یک حقوقی، یک روحانی و فرض کنید یک نیروی امنیتی باشد که این سه نفر بتوانند به طور دقیق بررسی کنند. من هم شنبه صبح یک مجموعه‌ای با ۱۰ محور مطرح‌شده در قالب یک کتابچه با همه مستندات و اطلاعات به صورت جلدگرفته تقدیم کمیسیون تحقیق کردم. آقایان هم که باید شنبه می‌آوردند. من شنیدم که این‌ها فرستادند منطقه و دنبال مدارک هستند، حتی یک روز یعنی همان شنبه به دفتر من در گچساران زنگ زدند و یکی از بچه‌های ما را خریده و تهدید کرده و بعد تطمیع کردند که شما یک چیزهایی در مورد آقای تاج‌گردون دارید که باید به ما بدهید. این‌ها گفته بودند که ما داریم. در دفتر خود من، حتی با آن فرد قرار گذاشتند و رفتند بیرون و در حد اینکه کی باشد و این مدرک را چقدر بخرد و صد میلیون قیمت آن است. در این حد هم بچه‌های ما را تطمیع کردند که مدارکی به دست بیاورند. یکی از آدم‌های نزدیکی که در دفتر من کار می‌کرد با او قرار گذاشتند و من هنوز رویم نشده به او بگویم که می‌دانم شما بودید. در این حد هم نفوذ کردند و پول خرج کردند و پولی هم به بچه‌های ما دادند که بالأخره مدارکی را جمع‌وجور کنند که بیاورند. این حرف‌ها قابل اثبات است و اگر یک روز یک نفر بخواد که اثباتش کنیم، در این قضیه می‌توانم این موضوع را اثبات کنم. باز دیدیم که در آنجا هنوز دارند بررسی می‌کنند. شنبه مدارک را نیاوردند و فکر کنم دوشنبه آن‌ها یک مجموعه ۳۰۰-۴۰۰ صفحه‌ای ارائه دادند. کمیسیون تصمیم گرفت که هم مستندات دوطرف را ببیند و هم با شورای نگهبان، اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات جلسه بگذارند و دوباره ببینند از من درباره چیزهایی که آن‌ها می‌گویند سؤال کنند. ما هم که مدارک و مستندات را تقدیم آن‌ها کردیم. این‌طور که من فهمیدم از شورای نگهبان وقت خواسته بودند که شورای نگهبان هم به آن‌ها وقت نداد. یعنی آیت‌الله جنتی گفته بودند هر مدرکی هست بدهید به همان آقای صادقی‌مقدم حقوقدان شورای نگهبان که نامه قبلی و پرونده در اختیارش است. تا

مصاحبه نیک بین و جلسه معترضین با آیت الله جنتی

کد خبر ۱۰۸۶۹۳۱

تاریخ انتشار: ۳ تیر ۱۳۹۹ - ۱۱:۵۸

جزئیات نشست شورای نگهبان و نمایندگان مجلس برای اعتبارنامه «تاجگردون»



به گفته عضو کمیسیون تحقیق اعتبارنامه منتخبان مجلس، در نشست مشترک نمایندگان و شورای نگهبان، آیت‌الله جنتی عنوان کرده است که این شورا از هر تصمیم مجلس درباره اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون حمایت می‌کند.

به گزارش مشرق، حجت‌الاسلام جواد نیک‌بین عضو کمیسیون تحقیق اعتبارنامه منتخبان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، از نشست مشترک شورای نگهبان با نماینده کمیسیون تحقیق و برخی معترضان به اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون برای بررسی اعتبارنامه این منتخب خبر داد.

وی در خصوص جزئیات نشست مزبور افزود: بنده روز گذشته به عنوان نماینده کمیسیون تحقیق اعتبارنامه منتخبان به همراه آقایان علی‌اکبر کریمی و علیرضا زاکنی به عنوان نماینده معترضان با حضور آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و آقای عباسعلی کدخدایی سخنگوی این شورا جلسه‌ای داشتیم.

عضو کمیسیون تحقیق اعتبارنامه منتخبان مجلس یازدهم در ادامه عنوان کرد: این جلسه با محوریت بررسی پرونده آقای غلامرضا تاجگردون منتخب مردم گچساران در مجلس یازدهم برگزار شد که طی آن آیت‌الله جنتی عنوان کرد که من خیلی خوشحالم از اینکه عدالتخواهانی محکم و استوار در مجلس شورای اسلامی پیدا شده‌اند.

نیک‌بین عنوان کرد: دبیر شورای نگهبان در ادامه از بنده به عنوان نماینده کمیسیون تحقیق تشکر کرد و گفت که با اینکه شما در دوره اول نمایندگی هستید اما این مصمم بودن و رفتار انقلابی قابل تحسین است. وی در ادامه جزئیات نشست مذکور خاطرنشان کرد: آیت‌الله جنتی در نهایت عنوان کرد که شورای نگهبان به موضوع اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون ورود نمی‌کند اما مجلس شورای اسلامی هر تصمیمی در این خصوص اتخاذ کند ما از آن حمایت می‌کنیم.

عضو کمیسیون تحقیق اعتبارنامه منتخبان مجلس یازدهم در ادامه یادآور شد: ما سه نفر که روز گذشته در جلسه شورای نگهبان حضور یافتیم براین‌دمان از شورای نگهبان این است که این شورا از مبارزه با فساد حمایت می‌کند.

نیک‌بین بر همین اساس یادآور شد: آقای کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان هم در ادامه جلسه تاکید کرد که ما برخی اسناد را در زمان تایید صلاحیت ایشان بررسی نکردیم و برخی مستندات مربوط به بعد از زمان بررسی صلاحیت منتخب مردم گچساران بوده است.

وقتی از پیش آیت‌الله جنتی آمدند، مصاحبه می‌کنند که آیت‌الله جنتی این را گفته است؛ مثلاً ما تأیید می‌کنیم و این‌طور چیزها. در این مصاحبه آن قدر دروغ و حرف کذب بود که شورای نگهبان ناگزیر می‌شود تکذیب کرده و بیانیه بدهد که این مصاحبه، مصاحبه بیخودی است. ببینید چه اتفاقی می‌افتد که این‌ها حتی به آیت‌الله جنتی هم رحم نمی‌کنند و دروغ به او می‌بندند و آیت‌الله جنتی بیانیه می‌دهد که این حرف، حرف درستی نیست.

پست اینستاگرام تاجگردون و اظهارات کدخدایی

دروغ بزرگ سعیدان دینداری و انقلابی - اینقدر این حرف بچرخه تا tajgardoan یکی حرف بزنه. این حرفهای جناب دکتر کدخدایی است. آقایان خیلی صریح بپوش آیت الله جنتی میفرمایند آقای تاج گردون در سال جاری حکم قضایی دارد اگر همین یک حرف را ثابت کنند من همه ابعابها را میپذیرم و اگر نتوانند ثابت کنند حتماً صلاحیت عالمان در خانه ملت را ندارند. من و مردم ایران منتظر دینن این حکم هستیم



شماره ۹ - شهریور ۱۳۹۹ - ۱۳۹۹

شماره ۸۳۳

اطلاعیه روابط عمومی شورای نگهبان پیرامون خبر دیدار برخی نمایندگان با دین شورای نگهبان
پیرامون اختیاراته منتخبان حق قانونی نمایندگان است. شورای نگهبان تعاباً با اکتفاً نظری لغایه
روابط عمومی شورای نگهبان پیرامون خبر دیدار برخی نمایندگان با دین شورای نگهبان اطلاعیه ای صادر کرد.



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان، پیرامون خبر دیدار برخی نمایندگان با آیت‌الله
جنتی روابط عمومی شورای نگهبان اطلاعیه‌ای صادر کرد که متن این اطلاعیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در پی انتشار مفادیه یکی از نمایندگان محترم مجلس پانزهم در خصوص دیدار سه نفر از
نمایندگان با حضرت آیت‌الله جنتی پیرامون اختیاراته یکی از منتخبان به استحضار می‌رساند:

روایت منتشر شده از این دیدار ناصحی است و صرفاً اخباری در رابطه با شورای نگهبان اعتبار دارد
که از سوی سخنگو و روابط عمومی شورا اعلام و تأیید شود و رساله‌ها به طور جدی از نشر و
انتشار به مطالب دیگران و منابع غیر معتبر در این زمینه پرهیز نمایند.

روز گذشته (دوشنبه ۱۳۹۹/۰۴/۰۳) به درخواست جناب آقای زکائی نماینده محترم قم دیناری با

بیانیه شورای نگهبان

آیت‌الله جنتی صورت گرفت که در این دیدار آیت‌الله جنتی بر حفظ وحدت نمایندگان در جهت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و توجه به اولویت‌های کشور تأکید کردند.

در این جلسه که نو تن دیگر از نمایندگان مجلس نیز حضور داشتند، توضیحاتی نیز پیرامون تحقیقات صورت گرفته در خصوص اعتبارنامه یکی از منتخبان ارائه گردید که به سمع و نظر دیر محترم و قائم مقام دیر شورا رسید و اعلام شد، بررسی اعتبارنامه حق قانونی نمایندگان است و شورای نگهبان در خصوص رد یا نپذیرفتن اعتبارنامه هر یک از نمایندگان نظماً یا تماماً نظری ندارد و تصمیم‌گیری در این خصوص با مجلس محترم است. هر تصمیمی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این زمینه اتخاذ نمایند از جهت حقوقی معتبر است و برای شورای نگهبان نیز معتبر است.

پس از استماع گزارش نمایندگان، ضمن حمایت از رویکرد فسادستیزی، توصیه گنبد به پرهیز از مناسبات نگر و همچنان زندگی در موضوع بررسی اعتبارنامه‌ها شد و برخی مدارک و مستندات پراخوشی شد. در این جلسه یکی از نمایندگان اشاره به صدور حکمی قضایی در اردیبهشت ماه سال جاری نمود که در صورت صحت، طبعاً پس از دوره بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی بوده است و تلافی بررسی صلاحیت منتخب کجسازان در شورای نگهبان نبوده است. در خصوص سایر موارد نیز پیش‌تر، پاسخ شورای نگهبان به استعلامات کمیته تحقیق مجلس شورای اسلامی اعلام شده است.

روابط عمومی شورای نگهبان

1399/04/03

پس موضوع از منظر شورای نگهبان همین است و شورای نگهبان می‌گوید اگر چیز دیگری دارید بیاوید و بگویید. چند شب پیش آقای کدخدایی هم در تلویزیون می‌گفت در آنجا جلوی آیت‌الله جنتی می‌گویند که ما یک حکم قضایی از آقای تاج‌گردون داریم که اردیبهشت‌ماه امسال گرفته و محکوم شده است. چون بعد از انتخابات می‌توانند بررسی کنند، شورای نگهبان هم می‌گوید اگر حکم قضایی در این‌ور سال از شما دارید بروید ردش کنید. فقط اعلام کردند که آیت‌الله جنتی گفته است که رد کنیم و البته نگفتند که چه گفته‌اند و چه نگفته‌اند که موجب شد رد کنند. آقای کدخدایی هم در تلویزیون گفت ما همه چیز را تأیید کردیم و گفتند حکم قضایی، که اعلام کردیم حکم قضایی را هم بیاورید تا بررسی کنیم. من صحبت کدخدایی را در اینستاگرام گذاشتم که اگر آقای زاکانی توانست حکم قضایی من را ثابت کند همه اتهاماتم را می‌پذیرم که بعد گفتند حکم قضایی نداشتیم و در یک پرونده اسم تاج‌گردون بود و حکم قضایی هم احراز شد.

مصاحبه کدخدایی در تاریخ ۹۹/۰۴/۲۳

حالا همین نمونش رو عرض بکنم که برخی از دوستان مجلس که او مدن یک جلسه ای با دبیر محترم (شورای نگهبان) و بنده هم خدمتشون بودم تشکیل شد. در اونجا مدعی بودند که ما مدارک جدیدی داریم گفتیم خیلی خب بر اساس مدارک جدید تصمیم بگیرید.
مجری : اونا مدرکشون رو از کجا آورده بودند.
کدخدایی: می گفتند یک رای قضایی داریم- ما ندیدیم- اما اونها مدعی بودند ما رای قضایی داریم که مال سال ۹۹ هستش، گفتیم خیلی خوب اگر دارید که بر اساس همین عمل بکنید. لازم نیستش که شما برگردید و بخواهید عملکرد شورای نگهبان را نقد کنید یا مطالبی را مطرح بکنید.
مجری: یعنی ممکن است که بخواهد برای ریاست جمهوری از شورای نگهبان عبور بکند و شما رای را نپنید و متوجه نشید و او رد بشه و دیگر
کدخدایی: البته حالا مجلس بود دیگر ریاست جمهوری می فرماید.
مجری: چون اونجا دیگر فیلتری وجود ندارد
کدخدایی: بله عرضم اینه که شاید شورای نگهبان هم گاهی اشتباه بکند.

کمیته با اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات جلسه مفصل می‌گذارند. معاونان وزارت اطلاعات جدا می‌آیند و در این جلسه یکی یکی موارد را بررسی می‌کنند و این دو دستگاه موارد را رد و من را تأیید می‌کنند و می‌گویند که تمام این موارد کذب است و ما همه این موارد را بررسی کردیم. واقعاً همه این موارد را در زمان بررسی صلاحیت‌ها چک کرده بودند. بعد از

آن برای آقایان محرز می‌شود که این موارد کذب است، دوباره درخواست می‌دهند و کمیته یک جلسه دیگر با من برگزار می‌کند. جلسه ساعت هفت صبح روز بعد برگزار و مواردی را که باز هم برای‌شان شبهه بود یکی‌یکی از من سؤال کردند، یعنی آخرین روز که صبح چهارشنبه بود از من سؤال کردند. آقای میرتاج‌الدینی که روحانی متشروع درست و حسابی هم هست آخرش بهم گفت من که به یقین رسیدم اما قسم هم می‌خوری. گفتم می‌خورم. گفت پس در صحن مجلس باش که اگر مورد دیگری هم بود بیایم و از تو سؤال کنم. آن روز هم که من در صحن بودم، آقای میرتاج‌الدینی می‌آمد و یکی‌یکی از من سؤال می‌کرد و بحث می‌کرد. خوب آن‌ها هم تلاش می‌کردند که همزمان موارد جدیدی را مطرح کنند، ولی مواردی را که مطرح می‌کردند دیگر خیلی پیش‌پا افتاده بود. بعضی از آن‌ها را در آن روز متوجه نشدم اما بعدها که گزارش را خواندم آن‌ها را دیدم که «نوار جلسه شعبه من را داده بودند شهرستان و نیروهای‌شان در شهرستان برای صحبت‌های من جواب تهیه کرده و این‌ها هم گزارش کرده بودند.» مثلاً من گفتم که پدرم پیاده رفته کربلا و در آن زمان جزء تنها کربلارفته آن منطقه بود که نوشته بودند این دروغ می‌گوید و در آن زمان در گچساران ماشین بوده است.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

اینکه آقای غلامرضا تاج‌گردون گفته است؛ پدرم پیاده رفت کربلا و تنها کربلا رفته ایل من هست، دروغ است. اولاً قبل از او افرادی مثل کربلایی میر احمد (معروف به کل میر احمد) به کربلا رفته بودند. ثانیاً در تاریخی که ایشان می‌گویند (۱۳۳۳) بین گچساران و اهواز و آبادان به دلیل تاسیس شرکت نفت در گچساران، ماشین‌ها هر روز تردد می‌کردند و افراد با ماشین تا آبادان می‌رفتند و از آنجا با قایق وارد بصره می‌شدند. اما فلسفه رفتن پدرشان به کربلا، آنچه معروف است، چون ظفر تاج‌گردون بیشتر وقت خود را در قلعه منصور خان حضور داشت به دلیل موضوعات ناخوشایندی که مطرح بود به کربلا فرار کرد و نزدیک به ۲ سال آنجا ماند و این رفتن از ترس برخورد ملک منصورخان با او بود. زیارت کربلا حداکثر یک ماه بود نه ۲ سال. ظفر تاج‌گردون در کربلا خود را به بیت مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم نزدیک نمود و نامه از مرحوم آقای حکیم مبنی برعدم تعرض به وی دریافت کرد و به منطقه برگشت و مجدداً در کنار خان از مردم مظلوم مالیات سنگین می‌گرفت و از سهم خود منتفع می‌شد. در ضمن آقای بهمن تاج‌گردون برادر ظفر و پدر بهرام، انباردار ملک منصورخان بود.

یا گفته بودم که پدرم تنها باسواد آن منطقه بوده است که اذعان کرده بودند دروغ گفته و فلانی و فلانی هم باسواد بوده است و خیلی چرندیات دیگر.

قسمتی از متن اعتراض به اعتبارنامه

تاج‌گردون گفته است: پدر من تنها باسوادى بود که ملايى مکتب درس خواند. اين موضوع کذب محض است. در باشت آن زمان که یک روستا بود، چند نفر با سواد بودند:

- ۱- ظفر پدر غلامرضا ۲- سیاوش حبيبي دايى بهرام تاج‌گردون و دايى خانم غلامرضا (ناھيد) ۳- شيروان (ملا شيرو) گوهرگانی (پدربزرگ محمدنبى گوهرگانی پیمانکار) و فاميل سبب غلامرضا تاج‌گردون. سن ملا شيرو حداقل ۱۵ سال از ظفر تاج‌گردون بيشتر بود و در حوزه باشت افراد باسواد هم سن و سال ظفر تاج‌گردون (بغير از روحانيون) عبارتند از : ۱- ملا ابوالفتح رضوانى فرزند مير احمد ۲- ملا حسين احمدى فرزند عباس قلى ۳- ملا حسن قلى احمدى فرزند عباس قلى ۴- ظفر دلاويز فرزند مجيد (پدربزرگ محسن و احسان دلاويز) ۵- ملا ايمور خليل فرزند على ۶- ملا آقا شرافتى که فرزندانش هم سن و سال ظفر تاج‌گردون بودن و از خانم ها بي بي مادر ملک منصور خان باشتى باسواد بود.

بعد از ظهر کمیسیون تشکیل می‌شود و در کمیسیون تحقیق از ۱۵ نفر (البته فشار زیادی روی عده‌ای بود که رأی ندهند یا نروند) سه نفر در جلسه حضور پیدا نکردند که یکی دو نفر به خودم گفتند که ما تحت فشاریم و در جلسه شرکت نمی‌کنیم. از ۱۵ نفر آن‌ها، ۱۲ نفر در جلسه شرکت می‌کنند و آقای میرتاج‌الدینی رئیس کمیته تحقیق یک گزارش سه صفحه‌ای تهیه کرده بود. این گزارش سه صفحه‌ای را آقای فیروزی در جلسه مطرح می‌کند و مفصل بحث می‌کنند.

گزارش سه صفحه‌ای رئیس کمیته تحقیق

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیته تحقیق پرونده اعتبارنامه آقای تاجگردون
۹۹/۴/۳

«اللهم انطقنی با الهدای و الهمنی التقوی»

کمیته تحقیق از طرف کمیسیون تحقیق، مأموریت یافت که مدارک مربوط به اعتبارنامه آقای غلامرضا ناجگردون نماینده منتخب گچساران و باشت را بررسی و به کمیسیون گزارش نماید. اعضای کمیته که در جلسه کمیسیون انتخاب شد آقایان میرتاج الدینی (تبریز، آذرشهر و اسکو)، سید حمیدرضا کاظمی (پلدختر) و حجت الله فیروزی (فسا)، موسی احمدی بهمراه یکی از اعضای هیئت رئیسه بعنوان کمیته تحقیق انتخاب گردیدند.

در همان جلسه آقای احمدی اعلام کردند که به جلسات نمیرسند و جلسه های کمیته با حضور ۳ نفر یعنی میرتاج الدینی به عنوان رئیس کمیته و آقای فیروزی به عنوان سخنگو و آقای کاظمی تشکیل گردید.

جلسات کمیته:

کمیته برای تعیین فرآیند بررسی اعتبارنامه جلسه ای با رئیس محترم مجلس برگزار کرد که گزارش آن توسط آقای فیروزی در جلسه کمیسیون اعلام و ارائه گردید.

جلسه دوم با نمایندگان سازمان اطلاعات سپاه که مسئولیت بررسی صلاحیت ها را داشتند.

جلسه سوم با معاون وزیر اطلاعات و مدیران و اعضای کمیسیون بررسی صلاحیت نمایندگان داشتند در این جلسات موارد و مستندات معترضین مورد سوال و بررسی قرار گرفت که گزارش این جلسات توسط آقای فیروزی در جلسه کمیسیون تحقیق ارائه گردید.

جلسه چهارم قرار بود با شورای نگهبان داشته باشیم که علیرغم درخواست رسمی که نامه از هیئت رئیس مجلس به شورای نگهبان ارسال گردید و پیگیری های متعددی این جلسه برگزار نگردید که به ریاست مجلس گزارش شد لکن نظرات کتبی شورای نگهبان در پاسخ استعلام هیات رئیسه مورد دقت قرار گرفت.

علاوه بر جلسات مذکور، کمیته چندین جلسه داخلی برگزار کرد و مدارک ارائه شده از سوی معترضین و همچنین نماینده مورد اعتراض که به صورت کتبی ارائه شده است مورد بررسی قرار گرفت به شرح زیر تقدیم می گردد:

۱- سوابق سیاسی، خانوادگی و شخصی

بررسی تبصره یک ماده ۲۸، شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا حادث شدن آن بعد از اعلام صحت انتخابات را احراز کند.

گزارش سه صفحه‌ای رئیس کمیته تحقیق

بررسی کمیته تحقیق حاکی از این است مطالبی که معترضین درخصوص سوابق سیاسی و خانوادگی آقای تاجگردون ارائه کرده اند مورد رسیدگی شورای نگهبان بوده است و بعد از انتخابات حادث نشده است و شورای محترم نگهبان طی دو فقره نامه^۱ آن را اعلام کرده است غیر از دو مورد که ذیلا اعلام می شود.

۲- اتهام بستن دروغ به مقام معظم رهبری توسط خواهر ایشان که در صفحه اینستاگرام جمله ای در حمایت از آقای تاجگردون منتشر شده بود که یکی از موارد اعتراض معترضین است.

در پاسخ آقای تاجگردون اظهار کرد به محض اینکه مطلع شد، به خواهرش تذکر داده و آن را از پست صفحه خودشان برداشته اند خواهرش بدون اطلاع از صحت و سقم آن، از فضای مجازی که عده ای منتشر کرده بودند برداشته بود.

۳- مدرک دکتری:

معترضین می گویند ایشان از عنوان مدرک دکتری سواستفاده کرده است در حالیکه مدرک دکتری ندارند و در برنامه های تبلیغاتی از آن استفاده کرده است.

آقای تاجگردون ثبت نام برای انتخابات با مدرک فوق لیسانس انجام داده است و مدرک دکتری هم از موسسه گلوبال بلژیک به شکل ترددی گرفته است. لکن این مدرک مورد تایید وزارت علوم نبوده و فاقد ارزیابی شناخته شده است ایشان به شخصه در تبلیغات خود از عنوان دکتری استفاده نکرده است لکن طرفدارانش از این عنوان بارها استفاده کرده اند. شورای نگهبان هم در این خصوص در نامه دوم نوشته است: در مورد مدرک تحصیلی در فرم ثبت نام کارشناسی ارشد ذکر گردیده است و درخصوص مدرک دکتری مطلبی نیامده است. (این مورد یکی از دو موردی است که شورای نگهبان بررسی نکرده بود).

۴- شرکت های مرتبط با شخص ایشان و بستگان درجه یک و شرکاء و دوستان
معترضین اعلام کرده اند در ۸۴^۲ شرکت ایشان خودش یا افرادش هیئت مدیره یا عضو هستند. ۲۰ شرکت که اسم تاجگردون آمده است، هیچ نسبتی با ایشان ندارد و تشابه اسمی است.

در ۲۰ شرکت اسم آقای دلاویز آمده است که آقای تاجگردون هرگونه انتخاب فامیلی یا خطی با خود را رد می کند.

در ۱۴ شرکت که ایشان عضو هیئت مدیره اعلام شده است یا شرکت های دولتی است که عضو حقوقی بوده اند و دو مورد پژوهشی و فرهنگی است که کار مالی نداشته اند. (موسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی شهید صدر- موسسه غیرتجاری مشگ و ملار)

آقای تاجگردون تفصیل شرکت ها را در پاسخی که ارائه کرده اند مفصل پاسخ داده اند.

ثانیا شورای نگهبان اعلام کرده است این مورد را مورد بررسی قرار داده است.

۵- اتهام فساد بزرگ شرکت پتروامید آسیا

۱- نامه شماره ورودی هیئت رئیسه ۶۹/۳۲۰/۲۲/۱۳۰۶ مورخ ۹۹/۳/۲۰ (نامه دوم) و شماره ۹۹/۲۰/۱۷۷۱۹ و تاریخ ۹۹/۳/۱۷ (نامه اول)
۲- در اعتراض اول ۷۲ شرکت ذکر کرده اند

گزارش سه صفحه‌ای رئیس کمیته تحقیق

شرکت پتروامید آسیا متعلق به بانک سپه است. قرارداد پتروامید با شرکت ملی نفت در سال ۸۹ است و آقای تاجگردون در اواخر سال ۱۳۹۰ به عنوان عضو هیئت مدیره بوده است و با آغاز نمایندگی در سال ۹۱ از شرکت خارج شده است. گزارش دیوان محاسبات مربوط به سال های ۹۷ و ۹۸ است که ایشان رئیس کمیسیون برنامه و بودجه بود. طبعاً اگر گزارش مذکور علیه ایشان بود دیوان محاسبات از ایشان توضیح می خواست. بنابراین ایشان در فساد مورد اتهام شرکت مذکور نقشی نداشته است.

۶- اتهام رانت و فساد در پتروشیمی گچساران

ایشان در سال ۸۶ در دوره ای که نماینده نبودند عضو موظف هیات مدیره پتروشیمی در حال ساخت بوده و برای تأمین مالی شرکت تلاش کرده است و بعد از یک سال خارج شده است. این شرکت متعلق به هولدینگ خلیج فارس می باشد و یک نفر وابسته فامیلی (محسن تاجگردون از سال ۸۴) در این طرح کار می کند.

۷- اتهام رانت و سوء استفاده در آب منطقه و جابجایی ردیف های بودجه در جهت آبرسانی به زمین های خودش در قالب موسوم به طرح آبرسانی به دشت امامزاده جعفر

طرح آبرسانی به دشت امامزاده در سال ۸۲ - ۸۳ آغاز شده و از سال ۸۴ تا سال ۹۱ متوقف مانده است. پس از نمایندگی آقای تاجگردون دوباره فعال شده است. این طرح حدود ۷ هزار هکتار می باشد که در منطقه دشت امامزاده جعفر و برای مردم محروم منطقه است و آقای تاجگردون برای تأمین بودجه این طرح در کمیسیون تلاش کرده و لکن اعلام کرده است که زمین ایشان از آب زیرزمینی و چاه هایی که دارد استفاده می کند و نیاز به آب این طرح ندارد.

۸- اتهام رانت و فساد معروف باغ بنوشکه که در یکی از بندهای معترضین آمده است
بررسی شد این باغ مربوط به یکی از اقوام آقای تاجگردون است و قبل از نمایندگی ایشان در دست آنها بوده و رستوران زده اند و چیزی بیشتر از آن برای اعضای کمیته تحقیق احراز نشد.

۹- واگذاری سینمای قدیمی شهر دوگنبدان گچساران

ایشان پیگیری و تسویه کرده برای آقای کوروش کمالی سرستانی برای ساخت مجتمع ۵ طبقه در محل سینما پارس گچساران نموده است.

معترضین می گویند کمالی سرستانی پدرخانم احسان امینی خواهرزاده غلامرضا تاجگردون است در حالیکه این حرف صحیح نیست و ایشان نسبتی با تاجگردون ندارند.

۱۰- اتهام مشارکت در پرونده فساد بزرگ اقتصادی در بانک سرمایه

بررسی کمیته حاکی از این است که در پرونده مذکور که احکام قضایی هم صادر شده است دادگاه پرونده سرمایه چیزی متوجه آقای تاجگردون ننموده است حتی ایشان را به عنوان مطلع هم به دادگاه احضار نکرده اند.

آقایان معترض گفتند که زمان بیشتری بدهید تا مدارک جدیدتری بیاوریم. آیین‌نامه اجازه نمی‌داد که زمان دیگری داده شود، خلاصه منجر به یک رأی‌گیری می‌شود که از ۱۲ نفر، ۹ نفر رأی مثبت می‌دهد و دو نفر منفی و یک نفر هم ممتنع. به نظر می‌رسید که آقایان قول داده بودند که رأی منفی به من بدهند، یعنی روی تک‌تک افراد کار کرده بودند که به من رأی منفی بدهند. وقتی رأی می‌آید بیرون می‌بینند که رأی مثبت خیلی فاحش است و فقط دو نفر منفی است. حُب مشخص بود که آن دو نفر منفی کیست؟ آقای نیک‌بین بود که در جلسه بحث می‌کرد و مثلاً آقای ایکس که لازم نیست اسمش برده شود، چون درست نیست. آقایان می‌گویند حالا که تعیین شد، تعداد رأی را نگوئیم. یعنی چه که تعداد رأی را نگوئیم، من که خودم انتظار نداشتم که ۹ به ۲ شود، ۴ یا ۵ نفر هم رأی منفی می‌دهند، پیش‌بینی من این بود ولی دیگر آن‌قدر گزارش آن‌ها ضعیف بود و مستندات من قوی و گزارش کمیته تحقیق دقیق بود که این رأی‌گیری ۹ به ۲ شد. رأی قاطع این‌طوری را که ما نداشتم. اولش تردید داشتند که چه کار کنیم، رأی را اعلام نکنیم یا نکنیم، من هم که بیرون بودم. ولی پنج دقیقه بعد در مجلس همه چیز لو می‌رود و من ناگهان دیدم که خبرگزاری فارس تیت‌ز رأی قاطع کمیسیون تحقیق در مورد اعتبارنامه تاج‌گردون! گفته بودند نگوید تا شنبه، ولی گفتند و این رأی قاطع را کمیسیون تحقیق به اعتبارنامه من داد. آقای قالبیاف هم که در جلسه صحن علنی اعلام کرده بود اگر رأی بیاورید کار تمام است، آیین‌نامه هم همین است، نظر معاونت قوانین هم که همین است و دیگر موضوع تمام است و باید در صحن قرائت شود. از همان زمان هی توئیت زدند که رأی‌گیری باید در صحن باشد. چی را باید در صحن مطرح کنید. موضوع باید یک‌شنبه در دستور کار مجلس می‌آمد. شنبه آمدم مجلس و هی این‌ور و آن‌ور رفتم و دیدم این‌ها نمی‌خواهند که یک‌شنبه در دستور باشد. فشار بسیار سنگینی روی آقای میرتاج‌الدینی و اعضای کمیته و آقای خانی رئیس بود که شما نباید این را تأیید می‌کردید و فلان... جو خیلی سنگین بود حتی در فضای رسانه‌ای.

اینجا دو بحث داریم، شورای نگهبان اعلام می‌کند که فقط دو مورد بوده است که ما بررسی نکردیم، یک بحث دیگری و یکی هم بحث سینما؟
سینما را که رسماً نگفته بودند و این را تازه مطرح کردند. در مورد مدرک دکتری شورای نگهبان نوشته بود که آقای تاج‌گردون موقع انتخابات در بررسی صلاحیتش مدرک فوق‌لیسانس ارائه داده و کتبی هم موجود است.

نامه‌ای که به کمیته تحقیق می‌آید یا به شورا؟
نامه‌ای که به شورا می‌آید و جواب مجلس را داده بودند. اتفاقاً به شورای نگهبان هیچ مدرک جدیدی نفرستاده بودند. در جلسه حضوری هم مطرح کردند حکم قضایی دارد. در مورد سینما اصلاً بحثی مطرح نشد.

نشست خبرگزاری مهر

نامه‌اش موجود است؟

بله نامه‌اش هست. معمولاً سینما را جزء پرونده‌های جدید مطرح می‌کنند، نه اینکه به شورای نگهبان داده باشند. در کمیسیون تحقیق مطرح می‌کنند و این نامه را ارائه می‌دهند و می‌رسند به اینکه آقای تاج‌گردون داده است به فلانی یا برای فلانی تلاش کرده است و خواهرزاده آقای تاج‌گردون، به اسم احسان امینی داماد آقای کمالی سرمایه‌گذار سینما است که من همه را مفصل توضیح دادم. این قسمت را آقای میرتاج‌الدینی در گزارشش



نوشته است که برای من در مورد سینما بسیار جالب بود. بعدها هم متوجه شدند که چه حرف چرتی زده‌اند و من در آن جلسه به آقای نجابت گفتم که این‌ها نمی‌فهمند، تو که بچه شیرازی چرا این حرف را می‌زنی، تو که کمالی را می‌شناسی که دامادش کیست؟ آیا خواهرزاده من است؟ اصلاً شورای نگهبان بدون مدرک هم جواب داده بود. این‌ها یک نامه‌ای از وزارت اطلاعات مورد بحث‌شان بود که چرا نامه وزارت اطلاعات یا شورا را اعمال نکرده است.

در مورد تحسن در صحن مجلس؟

در کل این نامه پنج بند است، ولی اینکه نامه را از کجا آورده‌اند حرف اصلی است. درست است که مصونیت دارند ولی اگر من می‌دادم بیرون اعدام می‌کردند. خلاصه اینکه هیئت رئیسه موضوع را یک‌شنبه در دستور گذاشت و فشارها زیاد شد و فراکسیون انقلابیون تشکیل شد که چه کار کنیم و چطور برخورد کنیم و گروهی هم وسط آمدند که بنشینید دوباره با هم حرف بزنید. مثلاً آقای میرتاج‌الدینی به آقای زاکانی می‌گوید می‌خواهید جلسه بگذارید تاج‌گردون را هم صدا بزنید. یک جلسه دیگر در روز دوشنبه می‌گذارند که با هم بحث می‌کنند. مدیریت آقای قالیباف را به این دلیل می‌گویم طراحی شده بود که روز یک‌شنبه مطرح نکردند. اگر در آن روز مطرح می‌کردند، رأی می‌آورد و دوشنبه و سه‌شنبه هم در صحن علنی گذاشتند و موکول کردند به چهارشنبه. در این فاصله دو سه بار جلسه فراکسیون گذاشتند و افراد مختلف را دعوت کردند که چطور برای این موضوع هماهنگ کنیم. بعداً ظهر روز دوشنبه فراکسیون را جمع کردند و آقای زاکانی چند ساعت توجیه کردند که کمیسیون تحقیق اشتباه کرده است. در این فاصله هم آقای زاکانی کلیپی پخش

کرد که در این کلیپ می‌گوید یکی از نهادهای امنیتی رفوزه شد که منظورش سپاه است، یکی هم تجدید شد و کمیسیون تحقیق هم که این است و شعبه هم که این طوری است و... در آن همه نهادهای حاکمیتی را زیر سؤال برد و بعد هم یک کنفرانس در خبرگزاری مهر می‌گذارد و یک بازی رسانه‌ای را شروع کردند که فضا را برای من خیلی سنگین کنند.

متن کلیپ زاکانی

اعتبارنامه و رأی اعتبارنامه به خاطر این است که هر کسی به طریقی از مسیر های قانونی اومد و عبور کرد و نهایتا به منزل مجلس رسید، در منزل مجلس یکبار دیگر بررسی بشه ببینن که این راه درست طی شد یا اعمال نظر صورت گرفته. به اعتقاد ما در مسیر طی شده آقای تاج‌گردون اعمال نظر صورت گرفته و این را باید دستگاه های نظارتی پاسخگو باشند. شاید برخورد با فساد ظاهرش خیلی ساده باشد. اما وقتی شما فرمایش رهبر عزیزتر از جانمان را می شنوید که می فرمایند با فساد برخورد بشه (درسال هشتاد فرمودند) زمزمه ها، فریادها و نعره ها به هوا برخواهد خواست.

شما طی این ۱۹ سال نه زمزمه ای شنیدید نه نعره ای به گوش ما خورد یعنی با فساد برخورد درستی نشد و یکی از عوامل عدم برخورد درست با فساد دستگاه های امنیتی کشور یکیشون رفوزه شد یکیشون تجدید شد.

اونی که رفوزه شد علت این بودکه مسیر درست ارائه گزارش را طی نکرد و گزارش درست نداد، دیگری که تجدید شد علتش این بود که ابتدا گزارش درست داد وقتی این گزارش به دست ما رسید و ما بر اساس او بررسی کردیم بعدا اومد در کمیسیون تحقیق به صورت کلی برخورد کرد و فرافکنی کرد. اگر میرسید به چیزی که گزارش میدید چرا جواب ندارید از گزارش خودتون دفاع کنید.

لذا می گید شفافیت خوبه!!! بله شفافیت خوبه.

بعضی ها می گفتند مرگ خوبه، برای همسایه.

من هم کلیپ‌های خودم را کم‌کم بیرون دادم و چند تا حرف من برای‌شان خیلی سنگین بود. یکی بحث «دستمال کثیف» را مطرح می‌کنم که این حرف من منجر به جلسه‌ای شد که در کمیتهٔ اصل ۹۰ برگزار می‌کنند. من هشت صبح به آنجا می‌روم که معترضان هم بودند به علاوه آقای میرتاج‌الدینی و آقای خانی و یکی دو نفر دیگر. آقای زاکانی به چند نفر دیگر هم گفته بود که بیایند تا توجیه شوند که دو سه نفر از آنان روحانیون جلسه بودند و چند نفر هم از هیئت رئیسه. یک جلسه چهار ساعته هم دوباره در اینجا تشکیل شد که باز همین بحث‌ها مطرح شد. میرتاج‌الدینی و گروهش و من تنها بودیم که جلسه پُرتنش بود؛ به آقای میرتاج‌الدینی و آقای موسوی‌لارگانی حمله

کردند و آن‌ها از خودشان دفاع کردند. من گفتم موارد را یکی‌یکی مطرح کنید، چرا دعوا می‌کنید. حساب کنید هفت هشت نفر از روبه‌رو به من حمله می‌کنند و من هم باید دفاع کنم و در آن جمع توضیح بدهم. چهار ساعت تمام شد و در جلسه که رأی‌گیری نبود، جلسهٔ روشنگری بود. بعد از پایان آن جلسه، نامه‌ای برای هیئت رئیسهٔ مجلس آماده کرده بودم و به آقای قالیباف نوشتم که به این دلایل من در صحن علنی مجلس شرکت نمی‌کنم، چون این حق مکتسبه است و شما هم هر تصمیمی که می‌خواهید بگیرید. من کارم و وظیفه‌ام را انجام داده‌ام و بیشتر از این نمی‌توانم از خودم دفاع کنم. نهادها از من حمایت می‌کنند و می‌گویند که همهٔ مواردش منتفی است و شعبه به من رأی می‌دهد و کمیسیون تحقیق به من رأی می‌دهد و چرا من باید به صحنی بیایم که نمی‌دانم داستانش چیست.

نامه تاج گردون به قالیباف

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب آقای دکتر قالیباف
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام؛

پیرو ۲ نامه قبلی بی پاسخ درخصوص فرآیند غیرقانونی بررسی اعتبارنامه اینجانب در صحن جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مجدداً باسختضار می‌رسم:

به استناد ماده (۳۲) آئین نامه داخلی و توضیحاتی که در نامه های قبلی گفته شد بدلیل اینکه اعتبارنامه اینجانب در کمیسیون تحقیق به تصویب رسیده است نیاز به رای گیری ندارد و میبایستی گزارش کمیسیون قرائت شود و اگر غیر از این، روشی را خارج از قانون و رویه بپذیریم یعنی اعتبارنامه کلیه نمایندگان محترم فاقد اعتبار است و در این صورت اصولاً ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق کاری عبث بود.

در جلسه حضوری فرمودید به استناد نامه معاونت محترم قوانین مجلس (که در اختیار اینجانب نیز می باشد)، مطالعه مشروح مذاکرات و برداشت شخصی تان، در صورت تائید اعتبارنامه در کمیسیون نیاز به رای گیری در صحن نیست، ضمن اینکه اعتقاد داشتید در مرحله بعد از شعبه هم نیاز به رای گیری نبود و فقط اخطار را بدلیل فضای سنگین سیاسی پذیرفتم.

اکنون شنیده ام مقرر فرمودید که بعد از گزارش کمیسیون، اعتبارنامه اینجانب بر خلاف قانون به رای گذاشته میشود و فقط در مورد شیوه آن به نتیجه قطعی نرسیده اید. به عبارتی به هر دلیلی "قریانی را به مسلخ می برید و فقط بر سر شیوه سرپریدن آن مجادله است."

من وظیفه ام را تا اینجا انجام داده ام و پیش خدای خود و مولکینم سرینلندم که در هر محکمه ای رفتم نه یکبار بلکه چندین بار سرینلند بیرون آمدم (شورای نگهبان، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، شعبه و کمیسیون تحقیق) و همگی رای بر رد اتهامات و تائید صلاحیت من دادند.

اینک شما می مانید و خدای خودتان. فراموش نکنید تصمیم شما در تاریخ قانونگذاری کشور ثبت و ضبط خواهد شد و جامعه فهیم ایرانی متوجه اصل موضوع خواهند شد و شما به عنوان فرد قسم خورده ای که تمایل دارد در تاریخ سیاسی ایران نامش به نیکی برده شود وظیفه دارید قانون و "حق الناس" را رعایت کنید.

نامه تاج گردون به قالیباف

اینجانب تا این مرحله از کار، علیرغم هر اتفاقی که صورت گرفت (و بعضاً غیرقانونی بود) هر نوع اعتراض و بررسی را حق نمایندگان و شما دانسته و از این به بعد که همه مراجع ذیربط رای بر تائید اعتبارنامه اینجانب دادند این را حق مسلم خود و موکلینم میدانم تا در رای گیری که بخواهند حق مسلم من و موکلینم را به رای بگذارند مشارکت نکنم. شما می مانند و خدای خودتان، نمایندگان می دانند و خدای خودشان و من میمانم و موکلینم که در این شرایط فقط امیدمان به خدا است و بس

از آنجا که با این ترتیبات که در روند طرح اعتبارنامه اینجانب در صحن پیش بینی فرموده اید فرصتی برای بیان حق نیست، لزومی به مشارکت در این کار غیرمنصفانه نمی بینم و پیشاپیش از حضور جنابعالی و نمایندگان محترم عذرخواهی کرده و امیدوارم به نتیجه و حواشی این تصمیم بیشتر بیندیشید.

شما هم این همه انکار با یقین نکنید

به رای خویش خلاق چو می کند اصرار

آقای غلامرضا تاجگردون
۲۹/۶/۱۶

یعنی به این جمع‌بندی رسیده بودید که مشی و اراده سیاسی بر این است که شما را تأیید نکنند؟



قطعاً به این نتیجه رسیده بودم. چون فراکسیون در بعدازظهر همان روز تشکیل جلسه می‌دهد و به این نتیجه می‌رسند که هر کسی مأمور می‌شود که یک یا دو برگه از دیگری بگیرد، یعنی رأی جمع کنند که رأی من مثبت نشود. من اتفاقاً آمدم دفترم و کلیبی پُر کردم و پیامی دادم و از نماینده‌ها هم تشکر کردم که من در جلسه شرکت نمی‌کنم و خودتان می‌دانید و حق‌الناس و هر تصمیمی که

گرفتید مختارید و از همه شما عذرخواهی می‌کنم.

این بحث شرکت نکردن من موجب شد تا هیئت رئیسه مجلس جلسه‌ای تشکیل دهد که آقای تاج‌گردون گفته که در صحن علنی شرکت نمی‌کند و حالا چه کار کنیم. این‌ها شیطنت می‌کنند و طراحی‌شان هم مشخص بوده و اینجاست که من می‌گویم آقای قالیباف کاملاً در همین مسیر حرکت می‌کند، چون می‌دانسته که اگر فردا جلسه تشکیل شود و آقای تاج‌گردون نباشد در چه موردی می‌خواهند بحث کنند؟ افکار عمومی چه خواهند گفت که چرا تاج‌گردون نیامده و بالأخره مردم علیه این‌ها چیزهایی خواهند گفت. آقای تاج‌گردون حرفش این است که اگر من را رد می‌کردید که نمی‌توانستم حرفی بزنم، حالا که رد نکردید در مورد چه حرف بزنم؟ ساعت پنج شش داشتم می‌رفتم منزل که دیدم آقای قالیباف به من زنگ زد و گفت کجا هستید تا شما را ببینم. گفتیم منزل می‌روم. گفت که حالا بیا. رفتم منزل و ساعت هفت‌ونیم دوباره برگشتم پیش آقای دکتر قالیباف. در این فاصله که من می‌رفتم دیدم که سخنگوی هیئت رئیسه مجلس (آقای فرهنگی) مصاحبه‌ای کرده که اگر آقای تاج‌گردون خواست صحبت کند، هیئت رئیسه مصوب کرده که وقت در اختیار آقای تاج‌گردون قرار دهیم. یعنی عملاً طوری طراحی کردند تا افکار عمومی را به این سمت هدایت کنند که آقای تاج‌گردون نتواند احساس حق کند یا مظلوم‌نمایی کند و بگویند که ما وقت به آقای تاج‌گردون دادیم اما او خودش نیامد که صحبت کند و این موضوع را هم قبل از اینکه با من صحبت کنند مطرح کرده بودند. من رفتم آنجا و دیدم که

آقای قالیباف منتظر نشسته. اول به من گفت که برنامه‌ات چیست، جوابش دادم برداشت من این است که شما دارید این برنامه را طراحی می‌کنید. گفت، نه ما یک پیشنهاد داریم و فردا جلسه را غیرعلنی می‌کنیم! اصلاً سابقه ندارد این موضوع و در دستور نبوده است. بهش گفتم جلسه خیلی خوب طراحی شده، قبل از اینکه بیایم اینجا دیدم که آقای زاکانی و امیرآبادی و قاضی زاده و... در اتاق نشسته‌اند و دارند برنامه فردا طراحی را می‌کنند و در آنجا همه را هماهنگ کرده‌اند تا تاج‌گردون فردا رأی نیاورد. گفتم آقای قالیباف الان که شما دارید این حرف را به من می‌گویید آیا به آن‌ها گفته‌اید؟ می‌خواستم حُسن نیتش را بدانم. گفت نه هنوز نگفته‌ایم و می‌خواستم اول به شما بگویم. گفتم آن‌ها نشسته‌اند و تصمیم‌شان را گرفته‌اند که چطور فراکسیون را تشکیل بدهند و کی کارت کی را بگیرد و کی چطور صحت بکند و حتی برگه‌های‌شان را چه طوری تکثیر کنند. دو روز قبلش من درخواست کرده بودم که این سه برگه آقای میرتاج‌الدینی توزیع شود در کازیه (جاکاغذی) نماینده‌ها بگذارند. حتی آقای نیکزاد نوشت که با آقای میرتاج‌الدینی هماهنگ کنید، اما حاضر نشدند این سه برگه گزارش کمیته را در کازیه نماینده‌ها بگذارند. ولی آن‌ها همین‌طور می‌فرستادند و هیئت رئیسه می‌گفت تکثیر شود، توزیع شود و طبق آیین‌نامه اگر قرار باشد چیزی در کازیه قرار داده شود باید از طرف هیئت رئیسه باشد. گزارش چرت آقای نیک‌بین ارجاع شد و تکثیر شد و در اختیار نماینده‌ها قرار گرفت، گزارش آقای زاکانی تکثیر شد و در اختیار نماینده‌ها قرار گرفت؛ اما گزارش رسمی کمیته تکثیر نشد و اصلاً قرائت هم نشد!

بعضی هم گفتند که مصاحبه آقای خانی مصاحبه شخص خودش است نه کمیسیون؟
 آن که هیچ، حتی به او حمله هم کردند که آقای خانی گفت من کاری نکرده‌ام.

گزارش رئیس کمیسیون تحقیق

بسمه تعالی

به دنبال مصاحبه و اظهارنظر برخی از نمایندگان معترض به اعتبارنامه آقای غلامرضا تاجگردون نماینده منتخب گچساران و یاشت مینی بر اینکه کمیسیون تحقیق مدارک ارائه شده از سوی معترضان را بررسی ننموده است موارد زیر را به اطلاع مردم عزیز و نمایندگان محترم مجلس می‌رساند.

کمیسیون تحقیق در جلسه سه ساعته پس از استماع اظهارات معترضین و پاسخ نماینده مورد اعتراض و پس از تبادل نظر، نسبت به موارد اعتراضی، کمیته‌ای جهت بررسی و تحقیق تعیین کرد. کمیته تحقیق پس از دریافت گزارش مکتوب و مستندات نمایندگان معترض و پاسخ مکتوب نماینده منتخب مورد اعتراض وارد روند تحقیق و بررسی شد.

کمیته همه مراحل تحقیق را با حکم عدالت و انصاف و با رعایت بی‌طرفی انجام داد و تلاش نمود در حد وسیع خود به همه عناوین اصلی اعتراض رسیدگی نماید. هرچند بر اساس آیین نامه مجلس شورای اسلامی (تبصره یک ماده ۲۸) حوزه تحقیق شعبه و کمیسیون تحقیق نسبت به مواردی که شورای نگهبان رسیدگی نکرده و یا بعد از اعلام صحن انتخابات حادث شده است، می‌باشد. کمیته تحقیق جهت ارائه گزارش و بررسی فرآیند قانون پرورنده با ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جلسه تشکیل داد.

همچنین طی دو جلسه جداگانه با نمایندگان دستگاه‌های امنیتی، صحت و سقم مدارک و مستندات را مورد سوال و بررسی قرار داد.

اعضای کمیته تحقیق در چند جلسه داخلی عناوین اعتراضی و مدارک ارائه شده و پاسخ نماینده منتخب را تطبیق و مورد بررسی قرار دادند. برای احراز مواردی که در شورای محترم نگهبان بررسی شده بود، استعلامات صورت گرفته از سوی هیأت رئیسه مجلس مبنای کار کمیسیون تحقیق قرار گرفت. شورای محترم نگهبان در نامه دوم بازگشت به نامه شماره ۱۶۴۴۰۸۵/م مورخ ۹۹/۳/۱۸ در خصوص آقای غلامرضا تاجگردون اعلام می‌نماید به غیر از دو مورد سایر موارد مستند ضمیمه نامه در پرونده مطرح بوده و هنگام رسیدگی به صلاحیت

گزارش رئیس کمیسیون تحقیق

ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. کمیته علاوه بر دو مورد مذکور برای پاسخگویی به سؤالات اعضای کمیسیون تحقیق، سایر موارد را هم مورد بحث و بررسی قرار داد که گزارش شفاهی آن را در جلسه دوم کمیسیون تحقیق که بیش از سه ساعت و نیم طول کشید ارائه دادند.

در ارتباط با دو موردی که در شورای نگهبان مطرح نشده بود، مورد اول به بحث مدرک دکتری و دومی معرفی فردی برای خرید و ساخت سینمای دوگنبدان باز می‌گشت.

در مورد مدرک دکتری، بررسی‌های کمیته به اینجا رسید که مدرک ایشان که از کشور بلژیک گرفته، فاقد ارزشیابی است و خود ایشان نیز آن را قبول دارند، ولی آقای تاجگردون با مدرک فوق لیسانس در انتخابات ثبت نام کرده و در تبلیغات انتخاباتی شخصا از عنوان دکتری استفاده نکرده اند هرچند طرفداران شان از آن استفاده کرده‌اند.

در مورد سینمای دوگنبدان نیز بررسی‌ها حاکی از این است که ایشان سرمایه‌گذاری را برای خرید و ساخت سینمای قدیمی دوگنبدان معرفی کرده لکن رانتهی در واگذاری نبوده و نسبت فامیلی هم با نامبرده ندارد.

کمیته تحقیق، گزارش مکتوب خود را جهت استحضار رئیس محترم مجلس و اعضای کمیسیون تحقیق ارسال کرده است که در صورت صلاحدید هیأت رئیسه مجلس در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌دهند.

علی اصغر خانی

رئیس کمیسیون تحقیق»

به آقای قالیباف گفتم که من در صحن رأی نمی‌آورم، گفت آقای تاج‌گردون شما هر جا رفته‌اید توانستید رأی بیاورید، اینجا هم رأی می‌آورید. گفتم آنجا مجادله است، مستندات بررسی می‌شود، چند ساعت، یک هفته بحث می‌شود، در آن نیم ساعت نمی‌توان رأی سیاسی گرفت. گفت که تو نفوذ کلامت خیلی خوب است، نمونه‌اش امروز صبح مگر در اتاق اصل ۹۰ جلسه نداشتید. گفتم چرا، گفت آن‌هایی که آنجا بودند- به جز معترضان- همه آمدند پیش من و از آن‌ها سؤال کردم که بلااستثنا گفتند حرف‌های آقای تاج‌گردون درست است. گفتم کی آمد به شما گفت. اسامی را گفت که حالا شاید درست نباشد اسم‌شان را بیاورم. گفت فلانی و فلانی و فلانی آمدند و گفتند که این‌ها دارند به تاج‌گردون ظلم می‌کنند، تو آن‌ها را توانستی توجیه کنی، آدم‌های تند آن جلسه بودند که تو توجیه‌شان کردی. حتی وقتی آدم بیرون به یکی از آن‌ها که از روحانیون محترم مجلس و از منتقدان من هم بود زنگ زد که حرف‌های آقای قالیباف را تأیید می‌کند؟ گفت بله من در جلسه صبح بودم، نامردی و بی‌دینی است. اما گفت آقای تاج‌گردون خداوکیلی هر چه گفتمی درست بود، حق با تو بود و این‌ها دارند بی‌تقوایی و بی‌دینی می‌کنند. به آقای قالیباف گفتم که من رأی نمی‌آورم و این‌ها برنامه‌شان را ریخته‌اند. گفتم آقای قالیباف تو بیا و یک کاری کن، گفت چه کاری؟ گفتم با ورقه رأی نگیر، گفت که نمی‌شود ما در جلسه تصویب کرده‌ایم با ورقه. گفتم درست است که رأی اعتبارنامه با ورقه است اما قرار نیست که فردا شما اعتبارنامه من را رأی‌گیری کنید، قرار است گزارش کمیسیون را به رأی بگذارید و الکترونیکی رأی بگیرید. گفت چرا. گفتم چون طرف رأی می‌گیرد معلوم نیست که مثبت است یا منفی، ولی آن‌طور برگه‌اش را می‌گیرند یا به آن‌ها گفته‌اند که از برگه‌تان عکس بگیرید و به ما بدهید. گفت ولی من نمی‌گذارم، گفتم دست تو نیست. آقای قالیباف خیلی اصرار کرد که فردا در جلسه حضور پیدا کنم. گفتم اجازه بدهید که من شب بروم یک استخاره کنم و به شما جواب بدهم. بعد گفت شما در صحن چه می‌خواهید بگویید، گفتم من در صحن همه حرف‌هایم را نمی‌توانم بگویم چون من ناگزیرم یک‌سری قواعد حکومت را رعایت کنم. گفت به هر صورت چون همه حرف‌ها بیرون می‌رود لطفاً رعایت برخی از موضوعات را بکنید. گفتم اگر در صحن بخواهم صحبت بکنم باید یک چیزهایی را بگویم، گفت مثلاً چه چیزهایی. گفتم مثلاً فلان موضوع و پخش نوار جلسات خصوصی و از این قبیل موضوعات. حُب این‌ها چیزهایی هستند که به قاعده کل حکومت و مسائل امنیتی کشور برمی‌گردد و من که نمی‌توانم این‌ها را بگویم، درست است که جلسه غیرعلنی است و از بلندگو و رادیو پخش نمی‌شود اما آنجا همه ضبط می‌شوند و می‌گویند دیگر. گفت فکر کنم شما رعایت کنید، از شما خواهش می‌کنم در جلسه شرکت کنید. گفتم پس بگذار بروم استخاره کنم. آدم بیرون و مسئول دفترش که دوستم بود آمد و گفت چه شد، گفتم باید استخاره کنم. گفت حُب بگذار من برایت استخاره کنم، اتفاقاً جلوی خودم زنگ زد به قم، به یک آیت‌اللهی که طرف گفت الان نمی‌شود و دو ساعت دیگر زنگ بزنی و استخاره کنی، الان وقت استخاره نیست. حالا وقت اذان بود یا چیز دیگری، راه افتادم و آمدم و در راه تفأل زدم به حافظ و این آمد که «محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست»

داستان جالبی است و تفسیرش را هم خواندم، تعبیرش این است که خلاصه تو به خدا دل بند و... من هر وقت به حافظ تفأل می‌زنم نیتم را می‌گویم و جواب می‌گیرم.

تفأل به حافظ

| | |
|--|------------------------------------|
| چون کوی دوست هست به معرا چه حاجت است | خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است |
| کآخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است | جانا به حاجتی که تو را هست با خدا |
| آخر سوال کن که گدا را چه حاجت است | ای پادشاه حسن خدا را بسوختیم |
| در حضرت کریم تمنا چه حاجت است | ارباب حاجتیم و زبان سوال نیست |
| چون رخت از آن توست به یغما چه حاجت است | محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست |
| اظهار احتیاج خود آن جا چه حاجت است | جام جهان نماست ضمیر منیر دوست |
| گوهر چو دست داد به دریا چه حاجت است | آن شد که بار منت ملاح بردمی |
| احباب حاضرند به اعدا چه حاجت است | ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست |

آدم خانه و دیدم که آقای قالیباف مرتب زنگ می‌زند، از دفترشان هم زنگ زدند و گفتند آقای قالیباف منتظران است. به آن دوستم گفتم استخاره کردی؟ گفت که ساعت ۱۰ جواب می‌دهد. ساعت ۱۰ طرف زنگ زده و گفت که نتیجه استخاره حاج آقا این است که گفته من نمی‌دانم نیت شما چیست اما گفت و گو کنید که به نفع خانواده است. بعد مصاحبه آقای فرهنگی را هم دیدم که در رسانه‌ها دست به دست می‌شد که به تاج‌گردون وقت داده‌ایم بپاید صحبت کند. در واقع مرا برده‌اند گوشه رینگ و از من می‌خواهند که صحبت کنم. آقای قالیباف ساعت ۱۱-۱۰ شب به من زنگ زد یا من زنگ زدم نمی‌دانم، گفتم حالا من می‌آیم صحبت می‌کنم، ولی نتیجه مشخص است و به خاطر اینکه نگویند من نیامده‌ام می‌آیم و صحبت می‌کنم. فردا صبح وارد صحنه‌ای شدم که احساس می‌کردم ۵۰-۴۰ نفر گارد گرفته‌اند که حمله کنند و من هم تنهایم. قالیباف گفت آقای پزشک‌ها هم صحبت می‌کنند. من به پزشک‌ها زنگ زدم (در جریان موضوع نبود) گفت باشد من هم فردا چند دقیقه صحبت می‌کنم. به چند تن از نماینده‌ها زنگ زدند که فردا جلسه غیرعلنی و غیررسمی است و می‌خواهند در مورد اعتبارنامه تاج‌گردون صحبت کنند.

این نوع جلسه تخلف نبود؟

بله، جلسه غیرعلنی تخلف است و این می‌شود تخلف آخر آقای قالیباف و هیچ قانون و آیین‌نامه‌ای این اجازه را نمی‌دهد.

ماده ۳۲ قانون آیین نامه داخلی

چنانچه کمیسیون تحقیق، اعتبارنامه رد شده از سوی شعبه را رسیدگی کند و نظر به تأیید اعتبارنامه داشته باشد، گزارش آن برای تصمیم‌گیری مجلس در دستور کار قرار می‌گیرد و در صورتی‌که نظر

کمیسیون مبنی بر رد اعتبارنامه باشد گزارش آن حداکثر به مدت پانزده دقیقه در مجلس مطرح و ادله رد اعتبارنامه ارائه می شود. نماینده ای که اعتبارنامه اش توسط کمیسیون رد شده است، حداکثر به مدت سی دقیقه فرصت دارد تا از خود دفاع کند، ضمن اینکه می تواند بخشی از وقت خود را حداکثر به دو نفر از نمایندگان واگذار کند سپس گزارش کمیسیون تحقیق به رأی گذاشته می شود.

نکته این است که کمیسیون تحقیق اعتبارنامه من را رد نکرده بود که صحبتی در صحن شود و از همه مهم تر اینکه اصلاً شرایطی برای صحبت معترضین در صحن نگذاشته بودند ولی آقای قالیباف با رفاقت بازی و با ترس از جریان زاکائی اجازه صحبت داد.

ادامه بحث علنی چه شد؟

تخلف بعدی که رئیس یا هیئت رئیسه انجام داد، نفس این جلسه غیرعلنی و غیررسمی بود. دقیقاً به این صورت بود که گویا آقایان لطف کرده اند که من صحبت بکنم. در آیین نامه پیش بینی شده بود که اگر رد کردند من صحبت بکنم، اما پیش بینی نشده بود که معترضان من صحبت بکنند. نهایت باید سخنگوی کمیسیون صحبت می کرد، چون تأیید شده بودم دیگر موضوعیت نداشت. آقایان اجازه دادند که زاکائی یک ربع صحبت کند، صحبت ایشان بیشتر از یک ربع ساعت شد و بیشتر هم در مورد نامه وزارت اطلاعات حرف زد و اینکه مثلاً ما رفتیم با بسیج و سپاه و رئیس ستادکل نیروهای مسلح صحبت کردیم، همه گفتند شما هر تصمیمی که گرفتید عملی کنید. در جریان موضوع اعتبارنامه من یکی از فرماندهان ستادکل، یک پیامک زده بود به نماینده ها در دفاع از من که شما اشتباه می کنید این حرف را در مورد تاج گردون می زنید و بی انصافی است. خُب این بیانیه خیلی تأثیر داشت. رفته بودند به آقای سرلشکر باقری گفته بودند که این پیامک به ما زده شده است. نماینده ای که پیش ایشان ایستاده بود به من گفت سرلشکر باقری به او گوشزد کرد که نباید پیامک می زد و ما نباید در این موضوعات دخالت کنیم، اما نباید خدمات آقای تاج گردون را هم نادیده بگیریم. آقای زاکائی در صحبت هایش گفت که آقای سرلشکر باقری گفته اند که نباید پیامک بزنند و این را نگفت که نباید خدماتش را نادیده گرفت. در آن برنامه لایوی که آقای امیرآبادی با آقای رائفی پور گذاشته بود، رائفی پور در مورد من می پرسد که او هم می گوید بله من با آقای تاج گردون هشت سال همکار بودم. او به همه حال می داد. می پرسد یعنی چه که به همه حال می داد؟ می گوید که به بسیج هم حال می داد و گفت که یک بار ۳۰۰ میلیارد اعتبار می خواستند و تاج گردون برای شان در نظر گرفت، به قاسم سلیمانی هم کمک می کرد، بعد با حالت تمسخر، آقای رائفی پور شروع می کند به خنده و خندیدند. من به آقای امیرآبادی گفتم حالا مرا مسخره می کردید یا شهید سلیمانی را؟ این ها روش هایی را به کار می برند که یک وقت بسیج و سپاه از تاج گردون دفاع نکنند که بگویند که چون به شما حال داده حالا از او دفاع می کنید. اتفاقاً یکی از همین معترضان (که کاملاً با هم هماهنگ بودند) توثیت زده بود که حالا معلوم شد چرا بیرونی ها این قدر از تاج گردون دفاع می کنند، چون تاج گردون به آن ها حال داده بود! این ها نشان می دهد

که برای ضربه‌زدن به هیچ چیز قائل نیستند و از همه روش‌ها استفاده می‌کنند برای خراب کردن تاج‌گردون. چون می‌خواهند تاج‌گردون را بزنند، همه سپاه و بسیج را خراب می‌کنند. آقای زاکانی حرف‌هایش را زد تا نوبت به من رسید. می‌دانستم که نمی‌شد همه حرف‌ها را زد، البته در موضع التماس و عجز با نماینده‌ها صحبت نکردم. دو سه نکته را در دفاع از مسائل مالی و فتنه و این جور چیزها گفتم، روی دو موضوع تأکید داشتند. یکی اینکه آقای تاج‌گردون گفته شاید من شیشه کثیف باشم اما شما هم دستمال تمیز نیستید و این به ساحت مجلس توهین شده. گفتم «فرمایش مقام معظم رهبری است که فرموده‌اند با دستمال کثیف نمی‌توان شیشه را تمیز کرد، منظورم شماها نیستید. ولی در جمع معترضان من کسی هست که خودش دستمال کثیف است اما من کسی نیستم که بخواهم روی این مسائل تأکید کنم، شما علما و روحانیون به خودتان نگیرید، طرف خودش می‌داند منظورم کیست». نکته دیگر این بود که به من گفتند برای حفظ آبرویت استعفا بده. گفتم «آبروی ما را خدا داده و این طور نیست که شماها بدهید. شما چرا فکر می‌کنید من می‌خورم زمین، تازه وقتی بخوریم زمین اول بلند شدن است. آدم وقتی در اوج است فکر می‌کند که همیشه در اوج خواهد بود و نمی‌داند که اول زمین خوردن است. رأی دادید که دادید و رأی هم ندادید تشکر می‌کنم که باری از دوش من برداشته خواهد شد و هر جوری رأی دهید ممنون شما هستیم».

قسمتی از صحبت‌های تاج‌گردون در سخن

در انتها نماینده محترمی فرمودند آقای تاج‌گردون ما به شما توصیه می‌کنیم به خاطر حفظ آبروی خودتان استعفا داده و برو، دوست نداریم با رد اعتبارنامه به آبروی شما لطمه بخورد. خدمت این همکار عزیز و شما عزیزان عرض می‌کنم: آبروی انسان را خداوند می‌دهد و من برای آبرویم با خداوند معامله می‌کنم و لاغیر.

شاید وقتی به زمین می‌خوری نمی‌دانی و فکر می‌کنی به زمین خورده‌ای، در صورتی که این زمین خوردن آغاز بلند شدن و اوجت باشد، یا وقتی بالا هستی و فکر می‌کنی در اوج هستی نمی‌دانی که اول به زمین خوردنت باشد.

خداوند است که مشیت انسان را تعیین می‌کند و به انسان آبرو می‌دهد و آبرو می‌گیرد. شما هم هیچ نگران نباشید به من رأی بدهید یا ندهید. اگر به من رأی بدهید ممنون شما هستم که ۵ سال فرصت خدمتگزاری را به من داده‌اید و اگر به من رأی ندهید چون مولایم سجده شکر به جای خواهم آورد و از شما تشکر می‌کنم که این بار سنگین را از دوش من برداشته‌اید.

من از خداوند متعال عزت ایران و این مجلس را می‌خواهم و امید دارم عزت این مجلس حفظ شود و نگران من نباشید، و در آخر بیتی از اشعار حافظ را که تفال زده‌ام و با آن تفال به این جلسه آمده‌ام می‌خوانم و از بین شما می‌روم.

محتاج قمه نیست گرت قمد خون ماست چون رخت از آن توست به یغما چه حاجت است

آقای زاکانی در حرف‌هایش یک جمله گفت که مشخص شد آقای قالیباف بدبینانه یا خوش‌بینانه چه نقشی دارد. آنجا زاکانی گفت که ما خدمت آقای دکتر قالیباف رسیدیم و آقای دکتر قالیباف گفتند که یک دلیل می‌توان به آقای تاج‌گردون نسبت داد و آن هم این است که آقای تاج‌گردون از اختیاراتش سوءاستفاده کرده برای اعمال نظرات خودش و با همین یک دلیل هم می‌توان تاج‌گردون را رد کرد.

محبت زاکانی در خصوص آقای قالیباف

خدمت آقای قالیباف رسیدیم آقای قالیباف فرمودند: « اگر بگویید می‌گویم سوء استفاده از جایگاه برای تخلف و چیرگی بر دیگران حداقل جرم ایشان است »

این نشان می‌دهد که این‌ها با هم توافق کرده و با هم بسته بودند که تاج‌گردون نباشد، حالا یا آقای قالیباف برای دلخوشی این را گفته یا نه، چون قالیباف این را تأیید یا تکذیب نکرد، من این را بر صحت موضوع می‌گذارم. به محض اینکه صحبت‌ها تمام شد و آقای پزشکیان هم صحبت کردند، آقای رئیس زنگ رسمی جلسه را زد و گفت حالا دیگر جلسه رسمی است و شروع کردند به بحث کردن. یک‌سری نامه هم پخش شده بود. مثلاً آقای نیک‌بین نامه یک صفحه‌ای نوشته بود که پخش شده بود، آقای زاکانی نوشته بود و توزیع شده بود. بعد دیدم گزارش کمیسیون و کمیته که من درخواست کتبی توزیع آن‌ها را داده بودم، توزیع نشده بود. آقای امیرآبادی آمد پیش من و گفت آقای تاج‌گردون شما نامه‌ای ندارید که پخش کنیم! من گفتم شما دیشب نشسته‌اید و کلیپ‌های تان و نامه‌های تان را تکثیر کرده‌اید، وسط جلسه به من می‌گویید چیزی ندارم، شما حتی حاضر نیستید که نامه خودتان هم قرائت شود. خلاصه جلسه را شروع کردند و گفتند که کمیسیون بیاید گزارش بدهد. مخبر کمیسیون که می‌رفت صحبت کند امیرآبادی به او گفت شما لازم نیست گزارش سه صفحه‌ای را بخوانید، فقط بگویید که گزارش کمیسیون تأیید شد، همین یک خط! این استدلال چیست نمی‌دانم. تخلف بعدی کجاست؟ همین جاست که اجازه ندادند گزارش کمیسیون درباره من توسط مخبر کمیسیون خوانده شود.

شما آیین‌نامه‌ای در تأیید صحبت‌تان دارید؟

طبیعتاً گزارش را باید کمیسیون قرائت کند، حتی آن را هم نخواندند. آقایان به این هم توجه نکردند و حتی تکثیر هم نکردند. حدود ۱۰ مورد کمیته به کمیسیون گزارش داده بود که شما می‌توانید از این‌ها به عنوان مستند استفاده کنید و رسمی هم هست، دستور را هم گرفتم که با نایب رئیس هماهنگ شود. به محض اینکه گفتند رأی‌گیری می‌کنیم، گلدان‌ها را آوردند برای جمع کردن رأی. ده پانزده نفر از دوروبری‌های آقای زاکانی شروع کردند به این‌ور و آن‌ور رفتن، چون این فرمان در شب قبل به آن‌ها داده شده بود که حالا فردا بگردید و رأی‌ها را جمع کنید. خیلی از نماینده‌ها به من گفتند که آقا ما رأی

منفی دادیم و عکس گرفتیم، بعد رأی مثبت دادیم. خلاصه یک فضای بدی حاکم بود و علی‌رغم اینکه عده‌ای آمدند پیش من که رأی منفی داده‌اند، اما برایم یقین شده بود که رأی نمی‌آورم. چون فضای مدیریت‌شده را می‌دانستم که چگونه است.

نمونه ای از پیامک نمایندگان به تاج گردون بعد از رأی گیری



از شب گذشته‌اش؟

آره. البته از چند روز قبل هم می‌دانستم این فشار گذاشته شده که این اتفاق بیفتد. اما از شب قبلش که آقای دکتر قالیباف این‌طور مدیریت کرد، می‌دانستم که به قول معروف کارشان را طوری تنظیم کرده‌اند که این اتفاق بیفتد. من اتفاقاً نماندم تا نتیجه آرا مشخص شود، چون نتیجه را می‌دانستم. در این بحبوحه، خبرنگاری لحظه به لحظه عکس‌هایی از من گرفته بود که چه کار می‌کنم از رأی‌گیری تا زمان عبور از گیت خروجی. مستقیم رفتم منزل. فارغ از اینکه من رأی نیابوردم این رأی‌گیری یک نتیجه خیلی مثبتی داشت و آن هم برخلاف انتظارشان درست نیمی از نمایندگان در مجلس به نظر آنان رأی ندادند و کاملاً بر عکس عمل کردند. باید رد گزارش من را به رأی می‌گذاشتند نه اعتبارنامه را. البته آرای ممتنع هم به نفع من گذاشته نشد و مخالف من گذاشته شد.

اگر رد گزارش می‌شد به لحاظ شکلی فرق می‌کرد یا راه دیگری هم بود.

شکلی است دیگر، رد این گزارش باید به رأی گذاشته می‌شد.

رد گزارش قاعدتاً می‌شود رد اعتبارنامه.

بله، این‌طور است. البته اگر ممتنع و مثبت‌های اعتبارنامه را روی هم جمع کنیم من با ۴-۵ رأی افتادم، یعنی ۱۲۳ رأی می‌شد در مقابل ۱۲۸ رأی. آقایان انتظار نداشتند من بیشتر از ۴۰-۳۰ تا

رأی بیاورم. بعد از آنکه با رئیس کمیسیون صحبت کردم، گفتند آقایان کوتاه نمی‌آیند و می‌گویند چرا از ۲۵۱ تا فقط ۱۲۸ رأی بیاورند و نباید آقای تاج‌گردون اصلاح‌طلب با این همه فشار مجازی و توییتری این‌قدر رأی بیاورد و ما این‌قدر. این رأی‌گیری در واقع مجلس را دو شقه کرد و این موضوع از نگرانی‌های آن‌ها بود. چون من می‌دانستم که باید این مسیر را طی کنم، هم قواعد نظام را رعایت کردم و هم چارچوب‌ها را. یقین داشتم که آن‌ها تصمیم‌شان را گرفته‌اند و یک پروژه‌ای را آغاز کرده بودند که مثل یک مسابقه دو بود. این‌ها روی دوی صدمتر حساب کردند و من روی دوی استقامت حساب می‌کنم. این‌ها در دوی صد متر بردند و دوی استقامت حتماً شکست خواهند خورد. حالا آثار آن را خواهید دید، از اجرای انتخاب رئیس دیوان محاسبات می‌بینید که چه اتفاقاتی افتاده است. بالأخره این چیزی نیست که همین‌طوری بماند. حالا نتیجه این‌های وهویی که ساخته شد، بیرون می‌آید و مشخص می‌شود که این کجای قضیه بوده و چه اتفاقاتی افتاده است. حالا باید نتیجه آن دوی استقامت را ببینیم. یقین و اطمینان دارم که به دلایل متعدد، پیروز دوی استقامت آن‌ها نیستند. نه اینکه بگویم من هستم ولی آن‌ها حتماً شکست خواهند خورد و نتیجه مطلوب را به دست نخواهند آورد. اینکه آقای زاکانی دو روز رئیس مرکز پژوهش‌ها شود چیزی نیست. در اینجا چیزی که به نظر من مهم است رفتارهای همزمانی است، یعنی در همزمانی مدیریت مجلس. یعنی آقای دکتر قالیباف ضمن موضوعاتی که با من تنظیم می‌کرد با من در مورد کمیسیون بودجه حرف زد، می‌گفت دکتر نادران را می‌فرستم مرکز پژوهش‌ها و تلاش کنید تا حاجی‌بابایی بشود رئیس کمیسیون بودجه. این‌ها چیزهایی بود که الان صدایش درآمده است یعنی الان آقای نادران متوجه شده است که سر کارش گذاشته‌اند یا دکتر شمس‌الدین حسینی فهمیده که دورش زده‌اند. در این قضا یا همه را بردند پشت سر قالیباف و قالیباف همه را بیچاند! حالا زاکانی شود رئیس مرکز پژوهش‌ها، خُب شما فردی را که وجهت علمی ندارد می‌گذارید جایی که دویست نفر محقق برجسته کشور هستند، جز اینکه یک هدف سیاسی را طی کند چیز دیگری عاید کشور نمی‌شود. این داستان تا اینجا قضیه است که رأی بیاوردم و در تاریخ قانونگذاری ثبت خواهد شد. همان‌طور که می‌گویند در دور اول فلانی اعتبارنامه‌اش تأیید نشد حتماً در ۱۰ دور دیگر خواهند گفت که در دور یازدهم اعتبارنامه فلانی رد شد و قطعاً هم خواهند گفت که دلایل غیرقانونی رد شده است و این در مستندات و سوابق تاریخی برای همیشه می‌ماند.

ا در این داستان دوی استقامت مجموعه آدم‌هایی بودند که ذی‌نفع بودند در بحث شما و حالا این قضیه به این شکل انجام شد. می‌خواهم یک بررسی کنم و ببینیم که این چند نفر چقدر به اهداف‌شان رسیده‌اند. مثلاً اینکه آقای زاکانی از اول پیگیر بود که چنین اتفاقی بیفتد، یک بحثش این بود که یک سری اتفاقات و کینه‌های شخصی که در مورد مثلاً بحث برجام داشت، فکر می‌کنید اگر شما الان در مجلس بودید ریاستش در مرکز پژوهش‌های مجلس

اتفاق می افتاد یا نه؟

بله این انتخاب برای مرکز پژوهش‌ها را بسته بودند. وقتی قالبیاف کاندیدای ریاست بود و می‌خواست رئیس شود، بسته بودند. همه می‌دانستند که با هم توافق کرده‌اند زاکانی را بگذارند رئیس مرکز پژوهش‌ها، یک حاشیه امنی است که بتواند رفیق‌هایش را جمع‌وجور کند و به مجلس نیاید. این‌ها که اهل آمدن به مجلس و کار کردن در صحن و کمیسیون نیستند. مرکز پژوهش‌ها بهترین جایی است که این‌ها می‌توانستند بنشینند و کار خودشان را انجام بدهند. درست است که قالبیاف داشت جوری بازی می‌کرد که نرود، ولی نباید می‌رفتند که رفتند.

این شکست بود.

شکست!

قالبیاف چه اتفاقی برایش افتاد. به نظر من یکی از نقاط منفی در کارنامه قالبیاف این است که در دوره‌شان این اتفاق افتاد و قانون‌شکنی شد.

قالبیاف آدمی پارلمانی نبود و رفتارش حقوقی و قانونی هم نیست. یک آدم اجرایی بوده است که در کار اجرا هم هزار تخلف می‌کرد تا بتواند کار پروژه‌اش را به انجام برساند. اینجا هم به موضوع بررسی اعتبارنامه به صورت طرح عمرانی نگاه می‌کرد که هر طور هست باید به انجام می‌رسید! روش‌های مختلفی را هم در پروژه به کار می‌برد تا به نتیجه برسد. مثلاً فرض کنید در اجرای یک طرح عمرانی که بولدورز دارد کار می‌کند و نمی‌تواند مانع را بردارد می‌گویند بروید بولدورز قوی‌تری پیدا کنید و می‌بیند به مانع می‌خورد می‌گوید که حتماً باید با انفجار مانع را برداریم و با هر روشی این باید درست شود. این‌ها به عنوان پروژه به آن نگاه می‌کنند که ما باید آن را باز کنیم. شروع کردند. ابتدا نامه فرستادند به شورای نگهبان شاید جواب بگیرند و مثلاً با بیل بازش کنیم. دیدند که بیل کارساز نشد، گفتند لودر بیاورید. لودر نشد، با بمب منفجرش کنید و دینامیت بگذارید و آن را تخریب کنید. یعنی از هر روش غیرقانونی و غیرحقوقی برای کارشان استفاده می‌کنند، بعد همه فاکتورهای بیرونی فضای مجازی و رسانه‌ای را هم به کار گرفتند. بعد از اینکه آقای قالبیاف پرونده را فرستاد شعبه، من خدمتش رسیدم که رسماً به من گفت آقای تاج‌گردون ناگزیر شدم این کار را بکنم، چون اگر نمی‌کردم این‌ها هم من را می‌زدند و هم مجلس را و هم تو را، پس ما باید فاصله بیندازیم و ملاحظه آقایان را بکنیم!!! رئیس مجلس که نباید این‌طوری حرف بزند و این حق ماست یا حق مردم است که تضييع می‌شود. ولی این روش‌ها را به کار بردند. این چیزها مذاکره‌ای نیست و چهارچوب حقوقی دارد و باید چهارچوب حقوقی را رعایت کنید. باید جلوی همه ایستاد. اما کاملاً قوانین حقوقی را می‌گذارند کنار و هدف دیگران را اعمال می‌کنند.

آقای نجابت در این داستان خیلی ایفای نقش کرد. به نظر شما عایدی‌شان از

این فرایند چه بود؟

آقای نجابت اصلاً روبه‌روی من حرف نمی‌زد. مثلاً در یک جلسه که با من روبه‌رو شد یا رویش نمی‌شد یا کم حرف می‌زد، ولی دغدغه‌اش رأی ندادن بود. مسائل شیراز را خیلی سبک مطرح می‌کرد. طرف نماینده اراک بود ولی همیشه راجع به شیراز صحبت می‌کرد. آقای نجابت تنها عایدی‌اش این بود که وردستی آقای زاکانی را خیلی خوب اجرا کرد، یعنی نمره قبولی‌شان در آنجا خیلی خوب بوده است! آقای زاکانی رفت در شیراز و برایش سخنرانی گذاشت و صحبت کرد، به هر روش بود دوپینگ کرد و آوردش در لیست، او هم این را آوردست خودش کرد که نامه ببرد و بیاورد و کپی بگیرد و این گزارش‌ها را چاپ کردند که کار یک نفر نیست و کار تشکیلات است. همان دفاتری که دارند، نهادهایی که در تهران برای اصولگرایان کار می‌کنند شروع کردند گزارش‌ها را به این گستردگی به هم بچسبانند. عایدی به نظر من ندارد، بهره‌برداری ندارد و از نظر منزلت اجتماعی در شیراز آسیب می‌بیند. در شیراز آقای قادری هم همین‌طور است، آقای قادری درست است که جزء معترضان نبود اما رسماً در مصاحبه‌اش گفته بود آقای تاج‌گردون دور قبل از رقیب من حمایت کرد و مخالفش هستم یا در کمیسیون می‌خواست نایب رئیس شود، من به او رأی ندادم. آیا نایب رئیس شدن در کمیسیون ترضیع حق ۴۰ هزار نفر از موکلین هم‌تراز بود، این‌ها آدم‌های شایسته‌ای برای این کار نبودند، هم در آخرت آسیب می‌بینند و هم در دنیا. در صحنه بی‌رقیب نماینده می‌شوند، اگر مرد هستند بیایند در صحنه با رقیب نماینده شوند.

❶ قضیه کریمی چه بود؟

آقای کریمی اصلاً در این وادی‌ها نبود، آقای کریمی خودش مسئله زیاد دارد. وسط‌های کار یک کلیپی دیدم که ایشان داماد آقای سردار علایی مدیرعامل وقت هواپیمایی آسمان است، یعنی کسی که در استیضاح آقای ربیعی رویش زوم کردیم و گزارش دادیم و مجلس شرکت هواپیمایی آسمان را محکوم کرد. ایشان مشخصاً دست به کار شدند که برای برادر خانم‌شان تلافی بکنند. بعد یک‌سری چیزهای چرت‌وپرت می‌گفت در جلسات و به نظر من یکی از کسانی که می‌گویم دستمال کثیف است آقای کریمی است. الان شاید نیم‌متر گزارش در مورد آقای کریمی روی میز من است و من هنوز هم بیان‌شان نکردم، ده‌ها شرکتش در مسکن و ساخت‌وساز دارد کار می‌کند و الحمدلله همه جا هم دارد کار می‌کند. به هر حال در شرکت‌های مختلف اسم‌شان هست و حداقل این است که اسم من نیست. اتفاقاً در دوره نمایندگی‌شان هم این کارها را کردند، من هیئت علمی هستم و می‌توانم کارهای دیگری انجام دهم و خلاف قانون نیست، ولی شما که هیئت عملی هم نبوده‌ای چطور می‌توانی دو جا کار کنی، نماینده بودی و در بنگاه‌های دیگری هم انجام وظیفه می‌کردی. البته مسائل ایشان بعداً بیشتر بیرون می‌آید که کریمی چه چیزهایی دارد. آقای کریمی واقعاً از نظر اخلاقی اصولگرا نبود و کاملاً مشخص بود که حسادت دارد. مثلاً در جلسه گفت چرا من مدرک دکترا دارم، مسئولیت نداشته باشم

و تو داری، چرا من نمی توانم فلان پروژه را بگیرم اما تو می توانی. قرآن کریم هم می گوید: «... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» آیا آن‌ها که نمی دانند با آن‌ها که می دانند برابرند (سوره زمر/ آیه ۳۹). تو از نظر فنی با من برابر نیستی، تو می خواهی ضعف خودت را با تخریب نقاط قوت من حل کنی و متأسفانه این چیزی است که در این فرایند شکل گرفت.

و به نظر شما آقای توکلی بعد از این داستان پیروز است یا نه؟

آقای توکلی، نمی دانم که این کار تراوشات فکری خودش بود، من از نظر جسمی شرایط سالمی برای ایشان نمی بینم که بخواهم بگویم تغییری در او ایجاد شده است. این‌ها یک مأموریتی دارند، افرادی دور هم جمع شده‌اند که آدم هم دارند. شما اگر هیئت مؤسس آن‌ها را نگاه کنید، آقای دهقان عضو شورای نگهبان هست، خودش هست، این‌ها با هم سازماندهی می کنند و کارشان را جلو می برند که بعضی وقت‌ها موفق بوده‌اند و بعضی وقت‌ها ناموفق. در جریان آقای بذریاش موفق نشدند. در جریان من فکر می کند موفق است، اما این کتاب بیرون می آید و مشخص می شود که عملکرد آقای توکلی چه بوده است. این توکلی هم یکی از کسانی است که خیلی دستمالش تمیز نیست، سراسر زندگی‌اش از تحصیل تا الان رانت بوده. هر دو دانشگاه شهید بهشتی بودیم؛ من در آن گزارش نوشته‌ام که چطور مدارج تحصیلی را با رانت وزارتخانه طی می کند و یکهو با خانواده‌اش می رود لندن، اما من با کنکور وارد دانشگاه شدم و پله پله در این مسیر حرکت کردم و با تلاش و فکر خودم به این جایگاه رسیدم. این‌ها چیزهایی است که آقای توکلی هم این دنیا و هم آن دنیا باید به آن پاسخ دهد. حالا در اتاقش می نشیند و با چهار نفر مسئله دار گزارش تهیه می کند علیه من که این گزارش‌ها برود در صدای آمریکا پخش شود. اگر من این کارها را کرده بودم الان پدرم را در آورده بودند. چون او در جایی کار می کند که هیئت مؤسس آن حریم امن دارد و کارش را انجام می دهد.

نقش آن خبرنگار در افکار عمومی مغفول مانده است.

کجا؟

آذریک.

نقش خانم آذریک. بله.

یک ذره مغفول مانده، آیا یک بازیچه و بازیگر بود؟

زیاد دوست ندارم در مورد ایشان صحبت کنم، چون هر بار مأمور یکی می شود. مثلاً یک بار مأمور ربیعی می شود که برود یکی را بزند یا بار دیگر مأمور توکلی که دیگری را بزند. نواری که مربوط به جلسه دفتر توکلی است و ایشان حضور دارد را برای خود توکلی فرستادم و گفتم آن کسی که

از طرف شما خریدنی است، توسط من هم خریدنی است! خیلی دنبال نمی‌کنم و اصلاً به موضوع آذریک توجه نمی‌کنم. چون کار خودش نیست، می‌نشیند یک‌سری چرت‌وپرت می‌نویسد و این را به آن وصل می‌کند، شخصیتی نیست که آدم بخواهد به او بپردازد. مشخص و واضح است که این نوع افراد تاریخ مصرف دارند. معمولاً تجربه نشان داده است که تاریخ مصرف این‌ها که تمام شود، صاحبان‌شان بد تماش می‌کنند، حالا صاحبش کی باشد مشخص است. آن‌ها باید حواس‌شان به صبا آذریک باشد نه من. می‌توانستم دوسال پیش شکایت کنم و قضیه را یک‌جور جمع کنم، گفتم بگذار کارش را انجام دهد و دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. او که دنبال زدن من نبوده است، وادارش کرده‌اند.

وقتی کتاب چاپ شود، در این قضیه نقش یکی دو نفر مغفول مانده بود که الان برجسته می‌شود و ذره‌ای نگاه‌ها را متفاوت‌تر می‌کند. نقش آقای ربیعی و آقای ترکان. حالا بخش‌های مغفول مانده دولت، دولت آقای روحانی آیا هدفمند عمل می‌کنند یا فقط بخش‌هایی از آن دنبال زدن شما بودند؟

هدفمند که دنبال زدن من نبود، ولی مخالفان روحانی اتفاقاً مرا هدفمند زدند چون طرفدار دولت روحانی در انتخابات بودم و در تبلیغات ریاست جمهوری برای ایشان کار کردم. مخالفان در جلسات مربوط به اعتبارنامه مرتب می‌گفتند تو که می‌خواستی با روحانی به جهنم بروی حالا برو به جهنم. در این میان آقای آشنا مشاور رئیس‌جمهور هم بود و دو سه توثیت علیه من زد. آقای ربیعی و آقای آشنا به دلایل مختلف در یک گروه بودند و با هم نزدیک هستند.

یعنی به لحاظ امنیتی به هم وصل‌اند؟

آره، ترکان امنیتی نیست ولی خیلی به این دو نفر نزدیک بوده و هست.

امنیتی نیست؟

ترکان در این ایام خیلی با ربیعی اُخت بود، موضوعش هم شخص خودش بود و دولت نبود. آقای ترکان از این موضوع ناراحت بود و دنبال زدن من بود و آقای ربیعی هم همکاری می‌کردند. آقای آشنا و آقای ربیعی با هم رفیق و همکار بودند، لایه‌ها را خوب می‌شناسند و بهتر عمل می‌کنند. توثیت‌های آشنا کاملاً هماهنگ بود با آقایان، اما ربیعی زنگ‌تر از این بود که خودش را جلو بیندازد. قبلاً جریان نامه من به ربیعی درباره بحث شستا و شایعه تحمیل برادرم را شرح دادم. در چند ماه گذشته، ربیعی با وجود اینکه در جلسه سران پیش هم می‌نشستیم، به محض رودررو شدن سعی می‌کرد که خودش را نشان ندهد، اما روی موضوع کار می‌کرد. ربیعی یک کارهایی داشت می‌کرد و می‌دانست من متوجه شده‌ام. به هر صورت برخی در دولت دنبال زدن من بودند. رئیس کمیسیون و یکی دو نفر از اعضای تحقیق به من گفتند که یکی دو نفر از وزرا تماس گرفتند که ما این حرف‌های علیه تاج‌گردون را تأیید می‌کنیم.

آیا آقای قالیباف ذهنیتی از انتخابات و صحبت‌هایی داشت که در آنجا شده بود؟

البته بد نیست که در اینجا صحبت‌هایی در مورد انتخابات شود. آقای قالیباف روز آخر رفت کنار. کاندیدا بود و من خیلی علیه ایشان صحبت کردم، قطعاً صحبت‌های من به ایشان منتقل شده. در جلسه‌ای که با هم داشتیم ایشان یک اشاراتی کرد. او آدمی سیاسی است و رُک نمی‌گوید اما تلویحاً اشاره کرد که چه چیزهایی گفته است. حتی زمانی که هنوز مجلس تشکیل نشده بود، یکی از این آقایان مخالف در توئیتر پستی گذاشت که آقای حدادعادل با آقای قالیباف صحبت کرده که شنیده‌ایم آقای قالیباف بسته با تاج‌گردون برای کمیسیون بودجه و گفته من با قالیباف صحبت کرده‌ام، چنین چیزی صحت ندارد و من هم از آقای قالیباف معذرت‌خواهی می‌کنم که چنین حرفی زد.

توئیت آقای احمد خورشیدی آزاد (برگرفته از سایت khabaravaran.ir)

آقای دکتر حداد عادل در دیداری با دکتر قالیباف از ایشان گله می‌کنند که چرا درخواست ملاقات با تاج‌گردون را پذیرفتید که آقای قالیباف می‌گویند ایشان ۲۵ بار تماس گرفتند و چندین بار پیام دادند که « اقلیت را در مجلس دریا بید» اما من نه تلفنی با ایشان صحبت کردم و نه به ایشان وقت ملاقات دادم و نه ملاقات کردم و حتی تلفن‌ها و پیام‌های تاج‌گردون را که در موبایل‌شان ثبت بوده به دکتر حداد عادل نشان می‌دهند.

بنابراین خبر موثق، خبر اول واقعیت نداشته و اخلاق رزمندگی حکم می‌کند که از آقای دکتر قالیباف عذرخواهی داشته باشم و این عذرخواهی نیز هیچ ارتباطی به اتفاقات فعلی در رابطه با مجلس یازدهم ندارد.

نکته دیگر قابل ذکر اینکه غلامرضا تاج‌گردون قصد نزدیک شدن به یکی دیگر از کاندیداهای احتمالی ریاست مجلس هم داشته که ایشان نیز مجلس نگذاشته است و خبرهای تکمیلی حاکی از این است که اعتبارنامه تاج‌گردون در سرازیری قرار گرفته و پرونده ایشان یک‌آزمون بزرگی برای مجلس یازدهم است که چشمان بیدار ملت ایران منتظر هستند ببینند مجلسی که کاملاً در دست بچه‌های انقلاب است چه رفتاری با پرونده غلامرضا تاج‌گردون و فریدون حسنوند می‌کنند، ان‌شاءالله که دوستان مان در مجلس با اقدام انقلابی از ورود چنین افرادی به مجلس ممانعت نمایند .

در این مورد منتظر خبرهای جدید باشید
با احترام احمد خورشیدی آزاد

این را که دیدم یک پیام دادم به آقای قالیباف و به او گفتم این حرف درست است، حدادعادل به شما زنگ زده و شما این حرف را زدید؟ منزل بودم که آقای قالیباف به من زنگ زد و گفت این حرف درست نیست و بی‌تربیتی است که من بخواهم به کار برم (اصطلاحات بدی در مورد این نوع رفتارها به کار برد که نمی‌خواهم در اینجا بگویم) و ادامه داد «این دروغ

است. شما مرا می‌شناسید و من هم شما را می‌شناسم. حتی به آن‌ها گفته‌ام که من هنوز آقای تاج‌گردون را ندیده‌ام و اگر ببینم می‌نشینم در این مورد با هم صحبت می‌کنیم». در آنجا احساس کردم که آقای قالیباف دوست دارد به هر طریقی بشود رئیس مجلس، حتی با دوستی با آقای تاج‌گردون و رفاقت با آقای حدادعادل و... حتی به من گفت که آقای حداد به من زنگ نزده است و مرتضی نبوی زنگ زده است و من به آن‌ها این حرف را زدم که حرف آقایان دروغ است. پس این نشان می‌داد که حرفی بوده و حداد نبوده و مرتضی نبوی بوده و این اتفاق افتاده است. حالا آقای قالیباف به خاطر سادگی‌اش بود یا برای اینکه مرا آرام کند یا از صداقتش نبود این حرف‌ها را زد که این آقایان می‌خواهند من را تخریب کنند. در آن زمان هنوز خیلی با پایداری‌ها توافق نکرده بود و به اصطلاح خودش می‌گفت این «پایداری‌چی‌ها» می‌خواهند بین ما اختلاف بیندازند. بعد چون با پایداری‌ها توافق کرد، خُب دید که پایداری‌چی‌ها ۷۰ نفرند و این اصلاح‌طلب‌ها ۱۰ نفر. سبک سنگین کرد اگر بروم طرف ۷۰ تایی‌ها که بهتر است از تاج‌گردون ۱۰ تایی. حساب دودوتا چهار تایش درست بود اما در بلندمدت به ضررش است. من همیشه می‌گویم رفاقت را طوری انتخاب کن که بعد از پیروزی بتوانی کارت را جلو ببری. آقای قالیباف چون بارانش را خوب انتخاب نکرده، به نظرم بعد از پیروزی‌اش خیلی نمی‌تواند موفق شود. حالا شاید یک‌سال کارش را خوب جلو ببرد ولی رئیس مجلس خوبی نخواهد شد. حتی اگر بتواند تا چهار سال خودش را نگه دارد رئیس مجلس خوبی در تاریخ قانونگذاری نخواهد شد.

ا در مورد آقای قالیباف به عنوان یک پیش‌زمینه کیفی و ذهنی از آینده، با توجه به این برخوردهایی که داشتید، چه پیش‌بینی دارید که در یک دوره چهار ساله، دوره خوبی خواهد داشت یا خیر. فکر می‌کنید امثال زاکانی در انتها با ایشان چگونه خواهند بود؟

در مورد مسائل سیاسی این‌طور نیست. زاکانی یک‌سری آدم پارتیزانی می‌خواهد. روشش این است و اصلاً آدم استراتژیکی نیست. با یک روش پارتیزانی نقطه‌زن عمل می‌کند، همیشه هم همین‌طور بوده است و کار خودش را می‌کند. او به موضوع استراتژیک فکر نمی‌کند و می‌خواهد در این مجلس به اصطلاح انقلابی نشان داده شود. چون می‌خواهند تاج‌گردون را بزنند لاجرم سپاه و اطلاعات را هم می‌زنند، بعد که تاج‌گردون را زدند می‌روند دست‌بوسی آقایان را هم می‌کنند. با یک روش پارتیزانی می‌زند و اخلاق و دین را هم می‌گذارد زیر پا. من با پنج شش نفری که نامه اعتراض به اعتبارنامه‌ام را امضا کرده‌اند صحبت می‌کردم، می‌گفتند اگر مسئله‌ای دارید با آقای زاکانی حل کنید. من به آقای زاکانی گفتم آماده هستم دوتایی بنشینیم و هر موضوعی هست شما را توجیه کنم. خیلی رُک گفتم با شما صحبتی ندارم، من یک‌سری مدارک در مورد شما دارم. گفتم یعنی دوست ندارید من با شما در مورد این اتهامات مان صحبت کنم. حداقل می‌توانست در ظاهر بگوید بله و بنشیند و

بگوید نپذیرفتم. گفت صحبت نمی‌کنم. شاید باور نکنید ولی عین واقعیت است، من در جلسه هم گفتم که آقا تو اگر حرف داری بیا بنشین. بعضی از افراد دیگر هم همین بودند مثل آقانه‌رانی که تصور من از او یک روحانی محترم و بااخلاق بود. یک روز دیدم که مصاحبه‌ای کرده و حرفی در مورد من گفت. روز بعد یک یادداشت نوشتم و در جلسه دادم دستش و گفتم که این یادداشت یادتان نرود، شما یک چیز در مورد گفتید و من آماده هستم که هر ابهامی در مورد من دارید سؤال کنید. فردایش رفتم گفت وقت می‌گذاریم، پس فردا رفتم گفت وقت می‌گذاریم، باز روز بعد و... پنج روز عمداً من هر روز می‌رفتم پیش‌شان و می‌گفتم وقت بگذارید تا با هم صحبت کنیم. یک آقای روحانی و وارسته و بااخلاق نباید این کار را می‌کرد. درحالی‌که وقتی من به آقای نویان نماینده تهران یادداشت دادم، گفت که من فردا آماده هستم تا با هم صحبت کنیم و نشستیم یک ساعت با هم صحبت کردیم. حالا من ازش سؤال نکردم که قانع شد یا نه. یا آقای پژمانفر آمد و ۱۰ دقیقه با من صحبت کرد و حداقلش این است که آمدند و صحبت کردند. همین‌طور آقای سیدنظام موسوی که جزء معترضان بود و آقای نادری. بعدش نمی‌دانم که چه اتفاقی افتاد، ولی بعضی‌ها می‌گفتند که اصلاً با تو صحبت نمی‌کنیم. چرا صحبت نمی‌کنی! خُب تنهایی می‌روی مصاحبه می‌کنی، پس بیا حرف‌های من را هم تنهایی بشنو. آقانه‌رانی و سیدرضا تقوی این‌طور بودند، این‌ها کسانی هستند که یا تصمیم‌شان را گرفته‌اند یا در مدار دیگری هستند. به نظرم می‌رسد که آن مدار، مدار دین و اخلاق نیست، نگاه‌شان هم نگاه اخلاقی نیست.

وقتی این داستان‌ها تمام شد، همچنان یک‌سری شایعاتی ادامه پیدا کرد، مثل جلسه شما با سران که مختوم به آن بیانیه شد. منتها الان که داستان تمام شده، موضوع چیست؟ موضوع منتفی است. جلسه سران و این‌ها که من نداشتم. من وظیفه داشتم که برخی از موضوعات را پیگیری کنم. مثلاً آقای زاکانی گفته بود ۹ نفر شورای نگهبان گفتند ما مخالف آقای تاج‌گردونیم یا شورای نگهبان اعلام کرده که در دوره هفتم آقای تاج‌گردون رد شده، نیک‌بین این را گفته است. من این‌ها را مکتوب و مستند برای اعضای محترم شورای نگهبان ارسال کردم و درخواست کردم اگر از من سؤال دارید آماده‌ام تا پاسخ بدهم. یا به وزارت اطلاعات، وزیر اطلاعات و معاونان نوشته‌ام که از طرف شما این مطلب گفته شده، اگر حرفی در مورد من هست بفرمایید تا پاسخگو باشم. یا آقای نیک‌بین و آقای زاکانی گفته‌اند که از ۱۴ امام‌جمعه استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۱ تای آن‌ها نوشته‌اند که آقای تاج‌گردون صلاحیت این امور را ندارد. من نامه نوشتم به نماینده ولی‌فقیه در استان که جواب نداد. باز به ائمه جمعه زنگ زدم، شش هفت تا که زنگ زدم و گفتند دروغ است. گفتم پس ۱۱ تا نگفته‌اند و شاید یکی گفته. این‌ها چیزهایی هستند که من باید پیگیری کنم. مواردی است که آقایان تهمت زده‌اند، این تهمت‌ها را مراجع قضایی باید پاسخگو باشند. آقایان احمد توکلی، کریمی، نجابت و سایر همفکران‌شان تهمت زده‌اند، باید بیایند و پاسخگو باشند، این‌ها فرق می‌کنند و مواردشان باید در محاکم قضایی بررسی شود.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و احترام

ابتدا لازم است شاکر خداوند متعال باشم که یکبار دیگر اینجانب را در شرایطی قرار داد که بتوانم با تحمل سختیهای دنیوی و سیاسی امروزه پایداری خود را به نظام، انقلاب و خط امام و رهبری به اثبات رسانده و علیرغم همه بداخلاقیها تلاش کنم خدشه ای در اعتقادات و آرمانهایم صورت نگرفته و همواره خود را سرباز ولی امر مسلمین بدانم.

هدف از نگارش این نامه نه تظلم خواهی و نه بررسی موارد اتهامی به اینجانب در بررسی فرآیند اعتبار نامه خود در مجلس شورای اسلامی است بلکه صادقانه عرض کنم از اینهمه هزینه سنگین که بواسطه دفاع از حق اینجانب متوجه حضرتعالی و دیگر اعضاء محترم خاصه جناب دکتر کدخدایی شد شرمنده هستم و صمیمانه پوزش طلبیده و اگر چه میدانم اعضاء محترم شورا و هیات نظارت مرکزی در حد اطلاعات واصله و برای رضای خدا و اداء تکلیف تصمیم میگیرند ولی این هدف، چیزی از طلب عفو من نمیکاهد.

تهمت و افتراء به شورای نگهبان و بخصوص حضرتعالی و سخنگوی محترم شورای نگهبان در زمینه تطمیع، پرداخت رشوه توسط اینجانب در رسانه ها و فضای درون مجلس و حتی رسانه های بیگانه که همه ریشه داخلی دارد (مستندات آن به حضور سخنگوی محترم شورای نگهبان نیز نشان داده شده است) بار حقوقی دارد و اگر چه رد این ادعا به ساحت پاک شورای محترم نگهبان چیزی نمی افزاید ولی شاید از باب جلوگیری از تکرار آن و شناخت دوستانی که برای اثبات حرف خود هر ادعایی میکنند لازم است.

تصدیع وقت حضرتعالی نکرده و هدف، بیان پوزش حقیر در باب زحمات حاصله بود که امیدوارم پذیرا باشید. ضمنا چند نکته توسط معترض به پرونده اینجانب در صحن علنی در خصوص شورای نگهبان مطرح شده که صرفا جهت استحضار بیان میشود و اگر صلاح میدانید مورد بررسی قرار گیرد و یا لازم است حقیر پاسخگوی هر یک از اعضاء محترم شورای نگهبان باشم اعلام، تا اقدام نمایم.

نامه تاج گردون به شورای نگهبان

- از قول یکی از اعضاء شورا فرمودند حداقل ۹ نفر از شورای نگهبان الان حکم به رد صلاحیت آقای تاج گردون دارند. (خوشحال خواهم شد هر یک از اعضاء محترم که چنین شبهه ای نسبت به اینجانب دارند اعلام تا خدمتشان رسیده و روشنگری نمایم)
 - فرمودند حضرت آیت الله جنتی و جناب دکتر کدخدایی اعلام کردند اگر مستنداتی که شما در اختیار دارید ما در اختیار داشته بودیم حتما او را رد صلاحیت میکردیم. یادآوری میگردد همه ادعاهای مطرح شده در زمان بررسی صلاحیت اینجانب با حضور جمعی از حقوقدانان محترم عضو هیات نظارت مرکزی بررسی و طی مکاتبه رسمی شورا با مجلس اعلام فرمودید قبلا این موارد بررسی شده است
 - مکرر اعلام فرمودند اینجانب در دوره هفتم رد صلاحیت شده ام در صورتیکه تا آنجا که به یاد دارم حقیر در دوره هفتم در انتخابات شرکت نکرده بودم
 - کتبا اعلام فرمودند اینجانب در دوره های دهم و یازدهم و البته هفتم قطعا در هیات نظارت استان رد صلاحیت شده ام که به دلیلی تایید شدم .
- از خداوند متعال طلب عفو و قلم بخشش بر قصورات و گناهان خود دارم و امیدوارم بتوانم همچنان در هر گوشه از ایران زمین باشم خادم ملت ، انقلاب و سرباز ولایت باشم

ارشد غلام رضا تاج گردون
۸۹/۴/۱۱

نامه تاج گردون به نماینده ولی فقیه استان و امام جمعه یاسوج

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب حجت‌الاسلام و المسلمین سید نصیر حسینی

نماینده محترم ولی فقیه در استان کهگیلویه و بویراحمد و امام جمعه یاسوج

با سلام و احترام

مستحضرد اعتبارنامه اینجانب به تأیید اکثریت نمایندگان محترم مجلس نرسید. یکی از موارد مورد توجه نمایندگان محترم اعلام رسمی نماینده معترض، جناب زاکانی مینی بر اینکه از ۱۴ امام جمعه استان ۱۱ امام جمعه کتبا امضاء کرده و تقدیم آقای نیک بین نماینده مردم شریف کاشمر (که شخصا و نه مقام رسمی) با این عزیزان دیدار داشته، شده است که بر اساس این مکتوب ائمه محترم جمعه فوق‌الذکر اعلام کرده اند آقای تاج گردون در مسیر انقلاب و نظام نبوده و حضور ایشان در مجلس به صلاح کشور و استان نمیباشد.

اگر چه هر شخصی میتواند نظر خاصی داشته باشد و بیان آن هم اشکالی ندارد ولی از آنجا که این عزیزان بزرگان استان و به نوعی امانتدار دین و اخلاق مردم میباشند و اینجانب هم تاکنون توفیق زیارت همه ائمه محترم جمعه استان و معاشرت نزدیک با آنان را نداشته‌ام، قاعدتا این اظهار نظر رسمی و کتبی اگر صحت داشته باشد دور از شئون دینی و عرفی منطقه می باشد و میتواند موجب نگرانی موکلین حقیر که حفاشان تزییع شده است شود.

خواهشمند است دستور فرمایید صحت موضوع مورد بررسی قرار گرفته و مراتب به اینجانب جهت روشنگری برای موکلین عزیزم اعلام گردد

پیشاپیش از توجه جنابعالی و عنایت همیشگی که داشته اید تشکر میکنم.

ارادتمند غلام رضا تاج گردون

رونوشت

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین می اکبری رئیس محترم ستاد ائمه جمعه کشور جهت استحضار و دستور پیگیری و اعلام نظر

نامه تاج گردون به هیأت نظارت استان

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین خرم روز

رئیس محترم هیأت نظارت بر انتخابات استان کهگیلویه و بویراحمد

با سلام و احترام

مستحضرد اعتبارنامه اینجانب به تایید اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نرسید. از موارد مهم و مورد توجه نمایندگان که توسط معترضین کتبا اعلام گردید و نماینده معترضین جناب آقای نیک بین نماینده محترم کاشمر به استناد مذاکره با هیأت نظارت استان اعلام نمودند و مکتوب منتشر نمودند این بود که صلاحیت اینجانب در هیأت نظارت استان کهگیلویه و بویراحمد در دوره های هفتم، دهم و یازدهم قطعاً رد شده است.

با توجه به مستند فوق الذکر خواهشمند است در جهت رعایت حقوق شهروندی و نیز جایگاه اینجانب به عنوان منتخب مردم که با اعلام صلاحیت توسط شورای محترم نگهبان مردم رای خود را به صندوق رای ریختند اعلام فرمایند:

- آیا چنین اظهاری توسط ایشان پس از مذاکره با هیأت نظارت استان صورت گرفته است؟
- اصولاً وقتی اینجانب کلاً در دوره هفتم شرکت نکرده ام چگونه رد صلاحیت شده ام؟
- اگر حتی هیأت نظارت استان نظری بر عدم تایید صلاحیت اینجانب داشته است مبنای اعلام آن توسط هیأت نظارت استان بدون کسب نظر هیأت نظارت مرکزی بر اساس چه قانون یا دستور العملی است؟

یقیناً تصدیق می فرمایید با توجه به فرآیند قانونی گذشته اگر چنین استنادی توسط ایشان صحت داشته باشد قاعدتاً حق اینجانب و مردم بعد از طی این فرآیند تضییع شده است و اگر اصولاً این اعلام صحت نداشته باشد قاعدتاً می بایستی رد ادعا و پیگیری حقوقی توسط هیأت نظارت استان صورت پذیرد.

منتظر عنایت و اقدامات جنابعالی هستم.

ارادت غلام رضا تاج گردون
تاج

یعنی بر اساس شکایت‌های شما، یک‌سری پرونده قضایی باز شده است.

بله. مستندات این شکایت‌ها وجود دارد. در مورد سؤال و موضوعات و مکاتبات هم همین است و اصلاً سران که چیزی ندارد. سران مرجع حقوقی ندارد و به نظرم یکی از ضعف‌های عمده و قانون جمهوری اسلامی همین است. الان من چند مورد تخلف نوشتم، درست یا غلط ادعا بر این است. تضييع حق شده، یک حق الناسی شده است، موضوعاتی مطرح شده که قابل اثبات نیست، بعد رأی اکثریت بر حق اقلیت نافذ شده، حالا شما باید بروید کجا شکایت کنید. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که «اگر کسی خلخالی از پای زن یهودی به ناحق درآورد، من حقش را می‌گیرم»، من زن یهودی که نیستم، مسلمان تأییدشده و انتخاب‌شده‌ای هستم که توسط مردم آمدم در مجلس و حقم ضایع شده، حالا کجا باید شکایت کنم؟

هیچ جایی نیست، مگر اینکه خدمت مقام معظم رهبری برسم و آقا حکم حکومتی بدهد. نه من چنین چیزی را مطالبه می‌کنم و نه حضرت آقا چنین کاری را باید بکنند. ولایت فقیه کارش این است برای موضوع من ورود می‌کند، ولی یک اتفاق است، یک حق الناس است، آیا حق الناس را باید روز قیامت بگیري یا در همین دنیا می‌شود گرفتش. این عیب نظام حقوقی جمهوری اسلامی است؛ عدم شفافیت در پرونده، عیب نظام جمهوری اسلامی است. شاید من هم در این عیب نقش داشته باشم، باید اصلاح شود. از من که گذشت، من شکایت آقای قالیباف را به کجا ببرم؟ رئیس کمیسیون اصل ۹۰. کیست. آقای زاکانی یا مثلاً آقای دکتر قاضی‌زاده هاشمی تخلف کرده که ساعت ۱۱ شب نامه نوشته به شورای نگهبان، من باید شکایت آقای قاضی‌زاده را به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان بدهم. الان رئیس هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان خود قاضی‌زاده است و باید شکایت قاضی‌زاده را به خودش بکنم! یا شکایت قالیباف را به قاضی‌زاده بکنم. معلوم است که نتیجه نمی‌گیرم. این‌ها چیزهایی است که اصلاً منتفی است و حتی در مرجع اختلاف سران سه قوه هم قابل طرح نیست. شورای نگهبان می‌آید و می‌گوید که من کارم را کرده‌ام، تأییدیه هم داده‌ام و استدلالم را هم کردم، اقدام دیگری توسط من متصور نیست.

بسمه تعالی

غلامرضا تاج گردون

ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ - جنت الاسلام و المسلمین پشاور

باسلام و احترام

مستفید در تاریخ ۱۸/۰۶/۹۹ گزارش کمیون تحقیق در خصوص بررسی اعتبارنامه اینجانب در جلد غیر طبعی و پس جلد علنی به بحث گذاشته و رای گیری شد.

در صحن بررسی اعتبارنامه برگه ای با اصدای آقای نیک بین نینده مردم شریف کاشمر و با دستور یکی از اعضا صیحات زیند در صحن مجلس تویج گردید.

احترام اینجانب نسبت به موارد زیر میباشند. خواهشمند مضامین و طایق قانون بررسی و با تلفظ بر خود قانونی و لازم صورت پذیرد.

۱. آیا دستور تویج مدرکی که صحت و مقم آن به اثبات نرسیده باشد مطابق قانون بوده و تصحیح حق نشده است؟ لازم است با دستور دهنده برگه مطابق قانون برخورد لازم صورت پذیرد.
۲. آقای نیک بین در مورد تویج شده بر برخی موارد خلاف قانون که منجر به تشویق اذیان، تحریب ضنا شده اشاره کرده است که لازم است اثبات کرده و یا اینکه با ایشان برخورد قانونی صورت پذیرد.

الف: در بند ۶ اشاره فرموده اند حیات نظارت استان در دوره هفتم، دهم، یازدهم اینجانب وارد صلاحیت کرده اند. ضمن اینکه اینجانب اصلا در دوره هفتم ثبت نام نکرده بودم که نتوانم در صلاحیت کلمه با توجه به مذکوره با حیات نظارت شورای گهلبان چنین موردی نمیدانم و اگر آقای نیک بین مستند رسمی و کتبی دارد به آن کمیون ارائه داده و اینجانب نیز در دست نیامم و کمیون مستتر کنند.

ب: در بند ۵ جزء ۸ محدود به رد شدن اینجانب در حیات نظارت استان نگاشته شده است.

ج: در بند ۷ جزء ۸ حیات از زمین خواری و کوه خواری مطرح شده است لازم است مستندات رسمی ارائه گردد.

غلامرضا تاج گردون

د: در بند ۱۰ جزء ۸ اشاره به فساد قضی و پوشینی دریاچه مصنوعی پیکاران شده است تاکنون مستداتی در این زمینه حتی قبل از این نامه ارائه نشده بود.

ه: با فساد و رانت دهه شصتی پیکاران و اینکه اگر چنین موضوعی وجود داشته باشد که ندارد) چه ارتباطی به اینجانب دارد.

اگر چه موارد دیگری موهومی اشاره و توزیع شده است ولی صرفاً این چند مورد ارائه شده است منظر بررسی دقیق آن کیسون و دریافت پاسخ لازم را دارم.

امیدوارم جنبانی که طس بر لباس روحانیت و قضا رعایت اصول اخلاقی و دینی را بدون حرنوع نگاه سیاسی و منقده ای سرلوحه کار خود قرار میدید با دقت و مستند موارد را بررسی و اعلام نظر میفرمایید.

ارادتمند

غلامرضا تاج گردون
۱۳۹۰

اولی بالأخره یک باگی در سیستم قانونگذاری هست.

عرض کردم که باگی هست. خیلی هم جدی هست و در تاریخ قانونگذاری خواهد ماند. به مجامع بین‌المللی که نمی‌توانیم شکایت کنیم، باید در کشورمان شکایت کنیم که مرجعی نیست.

باید یک حقوقی برای چنین اتفاقی پیش‌بینی بشود.

حالا خدا کند که دیگر این اتفاق نیفتد. من اگر روزی در مرجع تصمیم‌گیری باشم برای اصلاح قانون، قطعاً دو مورد در مجلس باید شفاف شود. اینکه چرا می‌گویند موارد باید از شورای نگهبان احراز شود یعنی چیزی که شورای نگهبان گفت من بررسی کردم دیگر نباید بررسی شود. در دوره هشتم این اتفاق افتاد و رئیس مجلس گفت که ما دیگر بررسی نمی‌کنیم. حدادعادل بررسی نکرد، ولی قالیباف بررسی می‌کند. روال قانونگذاری می‌گوید یا قانون یا حکم یا رویه. درست است. قانون که نداشتیم، حکم و رویه هم نداشتیم؛ خلاف همه این‌ها عمل شد و خطرناک این است که دور بعد کسی بیاید و بگویند ما رویه را اجرا کردیم. به نظر من باید با این‌ها برخورد شود و این‌ها باگ‌های قانونی و حقوقی است که اتفاق افتاده است و حتماً باید حل شود.

و حالا پیش‌بینی شما از آینده کلی این مجلس.

این مجلس!

مجلسی که در واقع این برخورد را دارد.

ببینید نه اینکه چون رد شدم این حرف را می‌زنم، من این مجلس‌ها را خوب می‌شناسم، نمی‌دانم گارد این مجلس چیست. شعار انقلابی یک شعار موقتی چندماهه است، اصلاً گاردی بلد نیست. یعنی ۱۶۰-۱۵۰ نماینده جدید آمدند با مشارکت بسیار پایین و پشتیبانی مردمی آن‌ها ضعیف است، نوع نگاه توسعه‌ای ندارند. روز اول شروع کردند به اینکه این را بزن و آن را بزن و رئیس‌جمهور را استیضاح کن که حالا حضرت آقا ورود کردند و نشستند. حالا شما رئیس‌جمهور را نزنید می‌خواهید چه کار کنید، کارتان چیست؟ رئیس مجلس برنامه اقتصادی می‌دهد و نمی‌داند که رئیس مجلس، رئیس دولت نیست و رونمایی می‌کند از برنامه خودش! او حتی وظیفه خودش به عنوان رئیس مجلس را هم نمی‌داند، برنامه اقتصادی می‌دهد. یکی سؤال نمی‌کند این برنامه اقتصادی را چه جور می‌خواهی اجرا کنی، تو چه کاره‌ای که برنامه اقتصادی اجرا کنی، اصلاً این برنامه را چه کسی تدوین کرده است. این برنامه خودت است، برنامه مجلس نیست. از فرایندهای مجلس هم اطلاع ندارد. مجلس هر مصوبه‌اش باید در قالب طرح یا لایحه باشد. ما برنامه نداریم. برنامه را دولت باید بدهد به مجلس، در قانون هم حتی پیش‌بینی نشده که مجلس برنامه بدهد. حتماً دولت باید لایحه بدهد. خب کسی که فرایندها را نمی‌داند عملاً چه انتظاری

باید از او داشت که خوب کار کند. مجلس باید تمام رویکردها را شناسایی و رصد کند، کمک کند. مجلس می‌تواند چرخ دولت باشد برای بهتر کار کردن یا می‌تواند مانع شود از انحرافات دولت‌ها. شاید این مجلس بتواند از انحرافات جلوگیری کند، اما در پیش‌بینی اهداف و برنامه‌ها و روان کردن کار دولت و نظام به نظرم مجلس موفق‌تر نخواهد بود. فهم من این است، چون آن‌هایی که فعلاً پیشتازی می‌کنند فقط اهداف سیاسی دارند و هدف کاری ندارند. اگر می‌دیدم شمس‌الدین حسینی، نادران، مصری، تقی‌زاده مخابرات و این تیپ‌ها جلو بودند و جلو می‌افتادند، می‌گفتم پس این‌ها دنبال کار هستند و می‌دانم چه کار می‌خواهند بکنند، ولی وقتی افراد بی تجربه و نامرتب جلو هستند هیچ اتفاق مهمی نخواهد افتاد.

در این فرایند ۴۰-۳۰ روز، آیا خودتان هم لابی در دوتا کمیسیون یا در نهایت مجلس انجام دادید؟ برخی می‌گویند که لابی شده است، آیا اصلاً امکان لابی وجود داشت؟ شما را در جاهایی متهم می‌کنند که لابی کرده‌اید.

اکثریت که مخالف بودند، نه، اما تلاشم را برای اقناع آن‌ها کردم که این قدر رأی آوردم، لابی آن‌ها بیشتر از من بود. آدم باید با همجنس خودش لابی کند. آنان که همجنس من نبودند، اما تلاشم را کردم تا در مسیر اقلیتی با آن‌ها کار کنم و قانع شدند و الاً اصلاً امکان لابی کردن برای من وجود نداشت.

یعنی امکان خرید رأی وجود نداشت؟

نه. این‌ها حرف‌های چرتی است که می‌زنند. شاید بعضی‌ها می‌گفتند که آقا بیا این کار را کن ما می‌خریم! این بحث را می‌کردند. مراجعه می‌کردند که «آقا شما بیا دم ما را ببین!» ولی من می‌دانستم که دو طرف دروغ است دیگر.

پس پیشنهادهایی بود.

بله پیشنهاد بود. سراغ من آمدند، اما من می‌دانستم که دو طرف این کاره نیستند. ببینید مثلاً به من می‌گفتند که ما رئیس کمیسیون را می‌خریم. فرض کنید همین آقای میرتاج‌الدینی را اصلاً می‌شد با او لابی کرد یا آقای خانی را نه. من هم این کاره نبودم که بخواهم سوءاستفاده کنم. رفتم و رأی گرفتم. مثلاً آقای موسوی لارگانی اصلاً قابل خریدن است؟ من با آقای موسوی لارگانی تناسبی نداشته و ندارم، اما به من گفت که خدا و کیلی حق با توست. من در دو مجلس با او همکاری بودم، ولی موضوع را که دید گفت این‌ها دروغ می‌گویند. یا خود میرتاج‌الدینی یک هفته قبلش در شعبه رقیب بود و شکستش داده بودم، ولی این آدم به نفع من رأی داد و از من حمایت کرد. پس این آدم، آدم معامله‌گر نیست؛ آدمی است که خدا را در نظر دارد و بالآخره به من رأی داد.

در اتاق کمیسیون یک اختلاف رأیی دارند که وزنش به نفع شما بیشتر است، اتفاق خاصی افتاد یا نه ترکیب نماینده‌ها این شد.
 مستندات را بیشتر بررسی کردند. با اطلاعات سپاه، شورای نگهبان و معترضان جلسه داشتند و همه را بررسی کردند. یعنی شاید اگر در شعبه هم چنین کاری می‌کردند، باز همین اتفاق می‌افتاد.

و اگر به صحن، اجازه چنین چیزی داده می‌شد...
 به صحن که نمی‌توان اجازه چنین چیزی را داد.

هر کاری که بالأخره از صفر شروع می‌شود.
 بله. در صحن هم اگر من تلاش می‌کردم برای آوردن رأی، می‌توانستم رأی را بگیرم. یعنی این لابی که شما می‌گویید من ۲۰ نفر را بسیج می‌کردم که با نماینده‌ها کار می‌کردند، در استان‌ها کار می‌کردند. اصلاً نه تلاش کردم و نه خواستم. چون واقعیتش این است که خودم هم خیلی دوست نداشتم. بیشتر دوست داشتم که خودم را ثابت کنم و خوب هم ثابت کردم، وگرنه دیگر با این وضع کار کردن خیلی برای من راحت نبود.

در مورد کارت بعد از جلسه‌ای که عکس گذاشتید، داستان چه بود.
 پنج شش نفر از نماینده‌ها به من پیام دادند که آقا در فضای رسانه‌ای گفته‌اند که ما رأی منفی دادیم، ما مثبت دادیم. حُب این دیگر بد است. آن نماینده محترم هم زیاد با من آخت نبود، اما به من پیام داد و از کارتش هم عکس گرفت. شاید می‌خواست خودش را راضی کند. والا شاید دیگر من را نبینند و من هم او را نبینم، ولی می‌خواست ته قلبش را راضی کند.

شما یک جریانی را ایجاد کرده‌اید. مخصوصاً وقتی عکسش را در اینستا گذاشتید یک جریان رسانه‌ای را ایجاد کرد که شاید نظرهای منفی را در مورد کل موضوع راه انداخت.

حتماً منفی شده علیه جریانی که بوده، اما او خودش را راضی کرده که این را برای من بفرستد. شاید هم راضی نبوده که من این را بزنم یا فکر نمی‌کرده که من این را بزنم. چون من هم اسمش را نزدم برآیم راحت بود که این کار را بکنم. واقعیتش را بخواهید می‌توانم پنج شش نفر را در ذهنم مرور کنم که در رسانه برای من زده بودند که ما منفی رأی دادیم ولی وانمود می‌کردند مثبت رأی داده‌اند. آدم‌های درست و حسابی در مجلس. حتی یکی از آن‌ها رئیس کمیسیون هم است، رئیس کمیسیونی که بیرون گفته

منفی دادم، ولی به من پیام داده که مثبت داده‌ام. حالا این چطور می‌خواهد کمیسیون را اداره کند؟ شما اصلاً توقع دارید که این مجلس موفق باشد؟ هرگز موفق نمی‌شود، کسی که اراده ندارد نظرش را بگوید چطوری می‌تواند اثرگذار باشد و به نتیجه درست برسد.

آیا این امکان از لحاظ ساختاری وجود دارد (چیزی که شما را به آن متهم می‌کردند) که رئیس کمیسیون بودجه، امکان قبض و بسط بودجه را داشته باشد.

بله. رئیس کمیسیون اگر تبحر داشته باشد، می‌تواند. البته من این را عرض کنم در بحث بودجه که اختیارم بالا و تسلطم زیاد بود، توانایی‌ام هم بالا رفته بود. من سعی می‌کردم که مجموع عوامل و دستگاه‌ها از مجلس ناراضی نباشند. بعضی‌ها اسمش را می‌گذارند معامله. می‌خواستم کسی از مجلس ناراضی نباشد و مجلس حاکمیت داشته باشد و تلاشم را می‌کردم تا از تخصصم در این زمینه استفاده کنم. حالا یک نفر از تخصص خود در زمینه منفی استفاده می‌کند یا در جهت منافع شخصی خودش. هر چه می‌گردند در آن منافع شخصی من را پیدا نکرده‌اند یا قبض و بسط شخصی، نتوانستند پیدا کنند. من چیزی نگفتم. بله من شاید بسط و قبض برای راه‌گشایی اهداف حکومت و نظام داده‌ام، اما نه برای خودم و نه برای منطقی‌ام.

آیا از نظر کارشناسی امکانش هست و برای اینکه رئیس کمیسیون بعداً متهم نشود، راهکارهایی در نظر گرفته شده است.

اگر این کارها را بکنید مجلس زود متوجه می‌شود. با دولت آن کار را بکنید، دولت زود آن رئیس کمیسیون را خراب می‌کند و بعد رئیس کمیسیون را می‌زنند. اما منی که پشت سر هم و بدون رقیب رئیس کمیسیون می‌شوم، این کاره نبودم. چون اگر بودم، سال دوم یا سال سوم مرا می‌زدند.

در سیستم قانونگذاری باقی کشورها هم این امکان وجود دارد، می‌خواهم بدانم آیا راهکاری وجود دارد؟
نه، دنیا که قانونگذاری درستی دارد.

آن قدر موضوع مهمی است که نباید به خلاف‌های این‌طوری کشیده شود.

در دنیا فرایندهای کمیسیون این‌طور بین نیست. مجلس در کارشان خیلی دخالت نمی‌کند، اما ما دخالت می‌کنیم. قانون ما متأسفانه این‌طور تدوین شده است، ولی باید اصلاح شود. می‌ترسند که قانون اصلاح شود و گرنه چه معنی دارد مجلس بیاید در مورد

ریز به ریز طرح‌ها نظر بدهد؛ این کار دولت است. من می‌توانم کلان و کلیت بودجه را بررسی کنم. شرایطی پیش آمده که این‌طور شده و منطق ندارد که مجلس بیاید و نظر بدهد و آن قدر ریز موارد را تصویب کند. به نظرم قطعاً کشورهای پیشرفته مثل ما عمل نمی‌کنند، ما سعی کردیم این قانون را اصلاح کنیم و جرئت اصلاحش را متأسفانه نداشتیم، هنوز کسی را پیدا نکردیم.

حرف آخر؟

من با این موضوع راحت کنار آمدم، چون تجربه جمهوری اسلامی خیلی چیزها را به آدم منتقل می‌کند. اتفاقاً من اصلاً این‌طور نمی‌بینم، نه اینکه برمی‌گردم مجلس، ولی چیزهای دیگری برای من پیش خواهد آمد. مرحوم دادمان اعتبارنامه‌اش رد شد، الان یکی از خیابان‌های تهران اسمش دادمان است، با شهید آیت آن برخورد می‌شود الان یکی از بهترین خیابان‌های تهران به نامش می‌شود. دولت شاید یک روز یک خیابان را گذاشت شهید تاج‌گردون. من با این موضوع خیلی راحت کنار آمدم و فکر می‌کنم خواص و عوام هم متوجه شدند که این یک ضدیت سیاسی و یک لجبازی سیاسی است که اتفاق افتاد و عوامل متعددی روی آن سوار شدند. اما من خیالم راحت است و بخش‌هایی را توانستم در این مصاحبه با شما طرح کنم که خیلی در جاهای دیگر به آن نمی‌پردازم.

آیا شما باز هم برای مجلس کاندیدا می‌شوید.

هنوز به آن فکر نکرده‌ام، ولی مغایرتی ندارد.

بعد از این ماجراها، پیام دادید و خواستید که مردم آرام باشند. وضع منطقه چطور بود بعد از این ماجرا؟

خوشبختانه مردم ما هم عاقل هستند و هم فهیم، ظلم و غیرظلم را می‌دانند. من خیلی تلاش کردم که مشکلی پیش نیاید و فتنه‌ای شکل نگیرد. دوستان من هوشیار بودند و هم من حواسم جمع بود که در تله آن‌ها گیر نکنم، در سال ۷۸ این اتفاق یک‌بار در شهر من افتاد و مشکلات جدی درست کرد. مخالفان من از این فرصت استفاده کردند تا این را یک‌بار دیگر تکرار کنند که هم من حواسم جمع بود و هم مردم.

اگر همین امروز انتخابات برگزار شود شما چقدر رأی می‌آورید؟

بالای ۸۰-۷۰ درصد. دلیل هم دارم که به آن نمی‌پردازم.



روز پانزدهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۱
 طرح گزارش شعبه در محن مجلس و
 ارجاع به کمیسیون تحقیق
 (در متن)

روز شانزدهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۲
 دیدار با دکتر قالیباف و صحبت در خصوص
 اعتبارنامه،
 چرایی و دلیل ارجاع اعتبارنامه به کمیسیون
 تحقیق

روز هجدهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۳
 نامه آقای چقارزادی مدیرعامل بانک سپه در
 خصوص نیروهای همشهری غلامرضا تاج گردون
 در شرکت سرمایه گذاری امید (پیوست ۱۵)
 نامه آقای حسین زاده مدیرعامل بانک ملی در
 خصوص نیروهای همشهری در شرکت سرمایه گذاری
 بانک ملی

پخش برنامه دستخط از تلویزیون و صحبت های امیرآبادی
 در خصوص کاندیداتوری تاج گردون در انتخابات ۱۴۰۰
 (در متن)
 جلسه مشترک رؤسای شعب و هیات رئیسه
 در خصوص ادامه جایگیری نمایندگان در
 کمیسیون ها

روز بیستم ۱۳۹۹/۰۳/۲۶
 برگزاری جلسه کمیسیون تحقیق و طرح
 محورهای ارائه شده معترضین در کمیسیون
 تحقیق و برگزاری جلسه کمیسیون تحقیق
 (پیوست ۱۷)

روز بیست و دوم ۱۳۹۹/۰۳/۲۸

روز بیست و چهارم ۱۳۹۹/۰۳/۳۰
 جعه

روز چهاردهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۰
 گزارش شعبه ۱۲ به هیات رئیسه در خصوص
 تایید اعتبارنامه غلامرضا تاج گردون (پیوست ۱۱)
 نامه دیده بان شفافیت به دادستان تهران
 در خصوص غلامرضا تاج گردون (پیوست ۱۲)
 گزارش شعبه ۱۰ به هیات رئیسه مبنی بر
 تایید اعتبارنامه صالحی (پیوست ۱۳)
 گزارش شعبه ۱۰ به هیات رئیسه
 مبنی بر تایید اعتبارنامه دلخوش
 (پیوست ۱۴)
 جلسه شعبه ۱۲ در خصوص رای گیری برای
 اعتبارنامه غلامرضا تاج گردون و تایید اعتبارنامه
 ارجاع اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق

روز هفدهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۳
 جلسه مشترک رؤسای شعبه و هیات رئیسه
 در خصوص اعتراضات نمایندگان در مورد
 جایگیری در کمیسیون های تخصصی

روز نوزدهم ۱۳۹۹/۰۳/۲۵
 نامه به هیات رئیسه مجلس در خصوص
 نقض قوانین (در متن)
 نامه به آیت الله جنتی در خصوص موارد پیش
 آمده در خصوص اعتبارنامه (پیوست ۱۶)

روز بیست و یکم ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

روز بیست و سوم ۱۳۹۹/۰۳/۲۹

روز بیست و پنجم ۱۳۹۹/۰۳/۳۱
 نامه آقای توکی به نمایندگان مجلس در خصوص اعتبارنامه
 تاج گردون (پیوست ۱۸)
 ارائه گزارش مستند غلامرضا تاج گردون به کمیسیون
 تحقیق در خصوص محورهای اعتراض نمایندگان
 (پیوست ۱۹)
 جلسه اعضای کمیسیون تحقیق با آقای دکتر قالیباف
 در خصوص اعتبارنامه تاج گردون (پیوست ۲۰)

روز بیست و هفتم ۱۳۹۹/۰۴/۰۲
جلسه با نیک بین نماینده کاشمر درخصوص موارد اعتراض دیدار معترضین به اعتبارنامه با آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان دیدار کمیته تحقیق با اطلاعات سپاه (در متن)
دیدار کمیته تحقیق با وزارت اطلاعات (در متن)

روز بیست و ششم ۱۳۹۹/۰۴/۰۱
نامه دکتر بادام فیروز رئیس پژوهشکده محیط زیست به آقای احمد توکلی (در متن)
تشکیل هیات رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه (پیوست ۲۱)
جلسه با مدیران مسئول چندین روزنامه ملی در خصوص محورهای اعتراض به اعتبارنامه

روز بیست و نهم ۱۳۹۹/۰۴/۰۴
نامه آقای خانی رئیس کمیسیون تحقیق به هیات رئیسه مبنی بر تایید اعتبارنامه (پیوست ۲۳)

روز بیست و هشتم ۱۳۹۹/۰۴/۰۳
گزارش کمیته تحقیق در خصوص موارد اعتراضی به اعتبارنامه (در متن)
نامه تاج گردون به توکلی در خصوص پاسخ به نامه ایشان (پیوست ۲۲)
مصاحبه نیک بین و جلسه معترضین با آیت الله جنتی (در متن)
بیانیه شورای نگهبان در مورد مصاحبه نیک بین (در متن)
جلسه غلامرضا تاج گردون با کمیته تحقیق در خصوص سوالات و موارد معترضین
جلسه با کمیسیون تحقیق و تایید اعتبارنامه غلامرضا تاج گردون در کمیسیون تحقیق درخواست کمیسیون تحقیق از دکتر قالیباف برای تمدید زمان کمیسیون برای بررسی اعتبارنامه

روز سی و یکم ۱۳۹۹/۰۴/۰۶
جمعه

روز سی ام ۱۳۹۹/۰۴/۰۵
واکنش احمد توکلی به پرونده تاج گردون و تایید آن در کمیسیون تحقیق (پیوست ۲۴)

روز سی و سوم ۱۳۹۹/۰۴/۰۸
نامه غلامرضا تاج گردون به آقای قالیباف و هیئت رئیسه مبنی بر موارد مرتبط با اعتبارنامه (پیوست ۲۵)

روز سی و دوم ۱۳۹۹/۰۴/۰۷
حضور در مجلس و مذاکره با هیات رئیسه مجلس مبنی بر اصرار بر طرح تایید اعتبارنامه در اولین جلسه صحن علنی در یگشنبه

روز سی و پنجم ۱۳۹۹/۰۴/۱۰
جلسه لایو غلامرضا تاج گردون در سایت تابناک (پیوست ۲۸)
جلسه معترضین به اعتبارنامه در خبرگزاری مهر (در متن)

روز سی و چهارم ۱۳۹۹/۰۴/۰۹
نامه غلامرضا تاج گردون به نمایندگان در خصوص فرآیند بررسی اعتبارنامه (پیوست ۲۶)
پیامک غلامرضا تاج گردون به نمایندگان در خصوص اعتبارنامه (پیوست ۲۷)

روز سی و هفتم ۱۳۹۹/۰۴/۱۲
نامه دیوان محاسبات در خصوص پتروامیدآسیا (در متن)
جلسه لایو غلامرضا تاج گردون با انصاف نیوز (پیوست ۲۹)
گزارش رئیس کمیسیون تحقیق آقای خانی در دفاع از مصوبه کمیسیون تحقیق (در متن)

روز سی و ششم ۱۳۹۹/۰۴/۱۱
جلسه جمعی از نمایندگان همسو با غلامرضا تاج گردون با آقای دکتر قالیباف در خصوص جلوگیری از رای گیری در صحن

روز سی و هشتم ۱۳۹۹/۰۴/۱۳

جمعه

روز سی و نهم ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

نامه هلدینگ خلیج فارس در خصوص
پتروشیمی گچساران (پیوست ۳۰)
برنامه زنده امیرآبادی و رانفی پور در
خصوص اعتبارنامه (در متن)

روز چهارم ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

جلسه با آقای سلیمی نماینده محلات و عضو
هیات رئیسه در خصوص تصمیم گیری هیئت
رئیسه برای عدم رای گیری اعتبارنامه در صحن

روز چهل و یکم ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

نامه غلامرضا تاج گردون به آقای قالیباف
مبنی بر عدم شرکت در جلسه صحن علنی
(در متن)

پیامک غلامرضا تاج گردون به نمایندگان مبنی
بر عدم شرکت در جلسه علنی (در متن)

روز چهارم و دوم ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

پیامک غلامرضا تاج گردون به نمایندگان جلسه جمعی از
معترضین و نمایندگان همسو با معترضین با برخی از
اعضای کمیسیون تحقیق وشعبه و غلامرضا تاج گردون
جلسه با آقای دکتر قالیباف در خصوص جلسه
غیرعلنی برای بررسی گزارش کمیسیون تحقیق

روز چهل و سوم ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

صحبت های زاگانی در صحن (پیوست ۳۱)
صحبت های تاج گردون در صحن (پیوست ۳۲)
نامه توزیع شده معترضین در صحن (پیوست ۳۳)
نامه نیک بین نماینده کاشمر توزیع شده در صحن
(پیوست ۳۴)
پیامک غلامرضا تاج گردون به نمایندگان بعد از رای گیری
(پیوست ۳۵)

مستندات بعد از اعتبارنامه

نامه تاج گردون به شورای نگهبان در خصوص
اظهارات معترضین در صحن (در متن)

پاسخ کدخدایی به ادعای همکاری دخترش
با پسر تاج گردون (پیوست ۳۶)

نامه تاج گردون به نماینده ولی فقیه استان در
خصوص نامه نیک بین (در متن)

نامه تاج گردون به وزارت اطلاعات در خصوص
نامه وزارت اطلاعات (پیوست ۳۷)

نامه تاج گردون به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس
(پیوست ۳۸)

نامه تاج گردون به هیات نظارت استان در
خصوص نامه نیک بین (در متن)

نامه تاج گردون به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان
(پیوست ۳۹)

استاد پیوست

خاندان
خبرگزاری

پیرانشهر ۹ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۱۳۳۳

تاجگردون رئیس شعبه دهم مجلس شد / میرتاج الدینی و سلیمی اعضای کمیسیون‌های تحقیق و آئین نامه

انتخابات هرات ریزه شعبه دهم مجلس برگزار شد که بر اساس آن نامزدها تاجگردون به ریاست این شعبه برگزیده شد.
نامزدها: تاجگردون

به گزارش خبرنگار خبرگزاری خاندان، انتخابات هرات ریزه شعبه دهم مجلس پارلیمان (چهارشنبه ۷ خرداد) در محل جلسه این شعبه برگزار شد که بر اساس آرای مأیوسه و نامزدها تاجگردون به عنوان رئیس و «محمد وحیدی» و «آفریقا طهماسب» به عنوان نواب اول و دوم هرات ریزه شعبه دهم انتخاب شدند.

گفتنی است «محمد انصاری» و «محمد قنبر» نیز به عنوان دیربان اول و دوم و «کمال غیور» به عنوان سخنگوی شعبه دهم انتخاب شدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری خاندان، «سیدمحمدرفقا میرتاج الدینی» به عنوان عضو کمیسیون تحقیق و «آفریقا سلیمی» به عنوان عضو کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس از سوی شعبه دهم تعیین شدند.

پایان پیام

بسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیت

بیت قح شعبه ۱ - خیابان حبیب الله اسماعیلوف باغی

بسم الله الرحمن الرحیم

نظم بر روی اعتبارنامه خانم محبت الله اسماعیلوفی آقا نور

نایبیه و مع حردا شریف نور در تبریکه استه او ان بعد نسبت

به اعتبارنامه است به این اثر اثر فراموش

خوانم مودبره مراد

- هیجان تقدیر حبیب الله اسماعیلوفی منور باغی کور نیاید است

تسیم با دیک امصاد شده است. حبیب سندرم در امر است دایره قریه کارت

آدمی بود است. در رد این وضع صفا است به چه شام به لغو قریه کارت

سند است. محیطه است اجرات لغو است این اراده کرده است در

ای انصاف است گرفته شده است شرط طغی بر نایبیه قریه است

لا شکر

عذرتما تاج حبیب
۱۳۹۵

افتاب‌نبویز: افتاب: محمدرضا تقوی‌فرد در سایت "گولت ما" نوشت: علیرضا زاکانی نماینده مردم تهران در مجلس هشتم، هنگام تحصیل در دانشگاه یا دوزن‌های فراوان قانون، از نمرات سفر ناشی از غیبت و مشروطی‌های پدید می‌گیریزه و علوغم مخالفت‌های قانونی از دستبازی کودکان به پزشکی هسته‌ای تغییررشته پراپهای دارد.

در ادامه این یادداشت آمده است: جالب اینکه همین آقای دکتر زاکانی ... در زمان تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی تهران با سه ترم مشروطی مجبور به تعهد کتبی برای مشروط نشدن تا پایان تحصیلات می‌شود تا اجازه ادامه تحصیل بگیرد و نمرات ناپلئونی در کارنامه تحصیلی او نه تنها در دانشگاه، بلکه در دوره آموزش متوسطه نیز چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. نمراتی مثل 2 / 25 برای درس ریاضی و 5 / 3 برای درس شیمی در شهرویر سال تحصیلی 1362-63 و اخذ مدرک دیپلم در اسفند ماه 1363 با معدل کتبی 11 / 05 و معدل کل 10 / 13 ...

اما ظاهراً این دوست زاکانی ما ... فراموشی‌ها در جلسه امتحان کار دست او داده و او را به موزه‌های جلوگیری از ادامه تحصیل به دلیل افتادن‌های درسی کشانده است. اما بارها لطف و عنایت رئیس دانشگاه به واسطه مکاتبات و ملاحظات شامل حال وی گردیده و بالاخره او را از مرز فارغ‌التحصیلی گذرانده است. مکاتبات و ملاحظاتی که انصافاً راکشیا بوده ... و تغییر رشته دستبازی کودکان به پزشکی هسته‌ای را بلازمان! وقفه تحصیلی از سال 77 تا 80 را توجیه! و اعمال نمرات تغییریافته سفر ناشی از غیبت به 12 را چهار ترم بعد امکان‌پذیر نموده

در ادامه این یادداشت آمده است: جالب اینکه همین آقای دکتر زاکانی ... در زمان تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی تهران با سه ترم مشروطی مجبور به تعهد کتبی برای مشروط نشدن تا پایان تحصیلات می‌شود تا اجازه ادامه تحصیل بگیرد و نمرات ناپلئونی در کارنامه تحصیلی او نه تنها در دانشگاه، بلکه در دوره آموزش متوسطه نیز چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. نمراتی مثل 2 / 25 برای درس ریاضی و 5 / 3 برای درس شیمی در شهرویر سال تحصیلی 1362-63 و اخذ مدرک دیپلم در اسفند ماه 1363 با معدل کتبی 11 / 05 و معدل کل 10 / 13 ...

اما ظاهراً این دوست زاکانی ما ... فراموشی‌ها در جلسه امتحان کار دست او داده و او را به موزه‌های جلوگیری از ادامه تحصیل به دلیل افتادن‌های درسی کشانده است. اما بارها لطف و عنایت رئیس دانشگاه به واسطه مکاتبات و ملاحظات شامل حال وی گردیده و بالاخره او را از مرز فارغ‌التحصیلی گذرانده است. مکاتبات و ملاحظاتی که انصافاً راکشیا بوده ... و تغییر رشته دستبازی کودکان به پزشکی هسته‌ای را بلازمان! وقفه تحصیلی از سال 77 تا 80 را توجیه! و اعمال نمرات تغییریافته سفر ناشی از غیبت به 12 را چهار ترم بعد امکان‌پذیر نموده است...

تیک

بیوست ۴-۲

بیوست ۴-۲

نظر بر سبب استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
شده است اینها نسبت به استیفاء است اینها
آوردند و در این موارد استیفاء آورده

حب بر سبب استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است

خراب است اینها نسبت به استیفاء است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است
استیفاء در کتب صحیح و غیر صحیح است

عنه صحیح است
۱۳۹۱

بسم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

فطر به لبه لبه را به تخمین در شنبه آید تا روز یکشنبه
رضوانت اقدس، اقباله نامه محمد باقر در بیست و پنج روز که شریف بود
را دارم. خواستیم که سوگند بردارم که

۱- در شرفیت در اخراج رسا مربوط به نرزش امداد شهر را در تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

۲- بر وقت با وجود درگاه به نرسد خبر به اگر که به صورت این عنوان

این نرسد هستند

۳- در این شهر ارتباط خوب و بد نیست و در صورتی تمام تمام است

نه در این مسأله و اقتصاد از نظر این مسأله

در نامه
عبدالله محمد
کاتب بهر که شریف است
در وقت
۱۳۵۱

شماره ۲۷/۱۲/۱۲۴۴۹

تاریخ: ۱۹/۱۳/۱۳۹۹

بیت

بیت



مجلس شورای اسلامی
رئیس

جناب آقای دکتر تاجگردون
رئاست محترم شعبه ۱۰

سلام علیکم

احتراماً، به پیوست تصویر نامه شماره ۹۹/۲۰۰/۱۷۷۱۸ مورخ ۹۹/۱۳/۱۷ معاون محترم اجرایی و امور انتخابات شورای محترم نگهبان در خصوص بررسی استاد و مدارک مربوط به اعتبارنامه جناب آقای حسین محمدصالحی دارالتی از حوزه انتخابیه فریدن، چادگان، فریدونشهر، بوئین و میاندشت حضورتان ارسال میگردد، خواهشمند است ضمن بررسی، نتیجه را در اسرع وقت جهت گزارش در مسحن به هیأت رئیسه ارائه فرمائید.

دکتر سید امیرحسین فاضلی زاده هاشمی

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی



شماره ۹۹/۳۰۰/۱۷۷۳۰

تاریخ ۹۹/۳/۱۹

بیت

بخش

سازمان
مجلس شورای اسلامی
نائب رئیس

جناب آقای دکتر ناجردون
ریاست محترم شعبه ۱۰

سلام علیکم

احتراماً، به پیوست تصویر نامه شماره ۹۹/۳۰۰/۱۷۷۳۰ مورخ ۹۹/۳/۱۷ معاون محترم اجرایی و امور انتخابات شورای محترم نگهبان در خصوص بررسی استاد و مدارک مربوط به اعتبارنامه جناب آقای سید کاظم دلخوش اباتری از حوزه انتخابیه صومعه سرا حضورتان ارسال میگردد، خواهشمند است ضمن بررسی، نتیجه را در اسرع وقت جهت گزارش در صحن به هیأت رئیسه ارائه فرمائید.

دکتر سعید امیرحسین قاضی زاده هاشمی

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی



شماره: ۱۰۲۴۲/۱۵۵۸
تاریخ: ۱۳۹۹
پیوست: ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و با توجه به وصول اعتراض به اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون از حوزه انتخابیه گچساران و باشت که به این شعبه ارجاع شده است، خواهشمند است استعلام لازم از شورای محترم نگهبان در این زمینه به عمل آید و نتیجه به این شعبه اعلام گردد.

به پیوست تصویر اسناد و مدارک ارائه شده تقدیم می گردد.

با تشکر

سیدناصر موسوی لاریجانی
رئیس شعبه ۱۲

شماره: ۹۹/۳/۱۰
تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۱۷
پوشش: -----



هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام عطف به نامه شماره ۵/۵۲/۱۰۶۴۲-۹۹/۳/۱۰ در خصوص استعلام اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون از حوزه انتخابیه گچساران و یاسه، خواهشمند است از شورای نگهبان درخواست شود پاسخ استعلام مربوطه حداکثر تا تاریخ شنبه ۹۹/۳/۱۷ به این شعبه ارسال نمایند. لازم به ذکر است وفق ماده ۳۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی حداکثر زمان بررسی پرونده‌ها در شعب ۵ روز کاری و تمدید ۵ روز دیگر از زمان ارجاع پرونده است.

منصور آرامی
نایب رئیس شعبه ۱۲

رونوشت:

جناب آقای دکتر تسبیور مشیرکل محترم کمیسیون‌ها، سخن و مشاورین

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

شماره:

۱۲/۳۱/۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

فوراً

جناب آقای منصور آراسی
نایب رئیس محترم شعبه ۱۲

با سلام

احتراماً عطف به نامه شماره ۵۲/۱۱۰۹۶/س مورخ ۹۹/۲/۱۲ خواهشمند است وفق ماده ۳۰ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، بطور واضح حکم ضرورت منجر به تأخیر پیش آمده را جهت رسیدگی عاجل اعلام نمایید.

علی کریمی فیروزجایی
عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵۲/۱۱۴۰۲
تاریخ: ۱۳۳۰/۰۳/۰۳
پورسنت

پنج



هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام بزرگداشت به نامه شماره ۱۲/۱۱۳۲۰/د مورخ ۹۹/۳/۱۲، در اجرای تبصره ۶ ماده ۲۸ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض را احراز نماید و با توجه به عدم پاسخ شورای محترم نگهبان به استعلام اعتبارنامه جناب آقای تاجگردون، مدت زمان ۵ روز کاری وفق ماده ۳۰ آئین نامه به اطلاع هیأت رئیسه رسیده است.

سیدناصر موسوی لاریجانی
رئیس شعبه ۱۲



کدخبر: ۲۶۷۰۴۹

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴

بررسی ماجراهای اعتبارنامه جنجالی به روایت تاجگردون:

من هم اطلاعاتی از آقایان دارم اما نمی گویم

شرق: شاید کمتر کسی تصور می کرد جدی ترین مسئله مجلس یازدهم در ماههای نخست بررسی یک اعتبارنامه باشد. حتی غلامرضا تاجگردون، نماینده‌ای که به اعتبارنامه اش اعتراض شده نیز می گوید پیش‌بینی این اتفاق را «تا این حد» نداشته است. آن هم درحالی که نماینده گجساران خبر دارد از یک سال قبل جمع‌آوری مدارک علیه او آغاز شده است. به گفته تاجگردون حتی دستیار رئیس‌جمهوری نیز در این راه فعال بوده است. او که این روزها بیش از هر کسی نامش در کنار اخبار مجلس یازدهم شنیده می‌شود، مسیر بررسی اعتبارنامه در شعبه و کمیسیون تحقیق را پشت سر گذاشته است و در هر دو بررسی اعتبارنامه اش تأیید شده است. معترضان اما معتقد هستند که تاجگردون دچار فساد اقتصادی است و شبکه فساد را مدیریت می‌کند. به گفته آنها که جمعی از جوانان اصولگرا و قدیمی‌ترها هستند، همه دستگاه‌های نظارتی و حتی دو دستگاه اطلاعاتی کشور تا اینجا در بررسی پرونده تاجگردون «فروزه» شده‌اند. در مقابل اما تاجگردون که سال‌ها در کمیسیون برنامہ‌بودجه حضور داشته و رئیس این کمیسیون بوده، تأکید می‌کند که به تمام مستندات معترضان پاسخ داده و نادرستی آنها را اثبات کرده است. این وضعیت بیش از یک ماه است که تداوم داشته و برای روشن‌شدن این دودگانه باید حرف‌های هر دو سمت ماجرا را شنید. در ادامه همه ابهام‌ها در پرونده غلامرضا تاجگردون را با او مطرح کردیم و او به هر یک پاسخ خود را داده است.

بیش از یک ماه از شروع مجلس یازدهم گذشته و در این مدت جدی‌ترین موضوع مطرح‌شده در آن بررسی اعتبارنامه شماس. از این نقطه وارد بحث شویم که اصلاً خودتان بی‌شروع ورود پیش‌بینی چنین شرایطی را کرده بودید؟

آدم سیاسی که همه چیز را پیش‌بینی می‌کند. اما چون از زمان بررسی صلاحیت‌م و حتی قبل از ثبت‌نام این موضوع را شروع کرده بودند و ریشه‌اش به یک سال قبل برمی‌گردد، پیش‌بینی می‌کردم. البته نه در این حد.

پیش‌تر هم گفته که این اتفاقات ریشه محلی دارد؟ مقصودتان چیست؟

جمع‌آوری اطلاعات ریشه محلی دارد و موضوعات مختلف در هم آمیخته و کنار هم گذاشته شده است.

یعنی شما در جریان بودید که از حدود یک سال پیش عده‌ای در حال جمع‌آوری مدرک علیه شما هستند؟

البته ریشه گزارش‌های محلی بیشتر از یک سال و شاید به اندازه عمر من باشد. اگر نگاه کنید در این گزارش‌ها از پدربزرگ من شروع کردند تا امروز. چند روز پیش پاسخ منخدا را که خواندم، دیدم در گزارش دوم از پدربزرگ پدرم نیز نام برده شده است.

پدربزرگ پدرتان؟

من تعجب می‌کنم از نمایندگان معترضی که اصلاً چرا چنین مطالبی را امضا می‌کنند و ارائه می‌دهند. مطالبی که بسیار عجیب است. پدربزرگ من ۱۲۹۰ فوت کرده است و پدرم متولد حدود ۱۲۸۰ است. وقتی در جلسه درباره پدربزرگ صحبت کردند، گفتم ایشان بیش از صد سال پیش فوت کرده است. یک داستانی تعریف کردند و من به آنها پاسخ دادم. بار دیگر رفتند بررسی کردند و کسی که به آنها اطلاعات می‌دهد و ریشه محلی نیز دارد، درباره پدربزرگ پدرم داستانی را گفته است. گفته پدربزرگ پدرش احتمالاً در حدود سال ۱۲۴۰ کسی را می‌کشد و پس از آن اتفاقاتی رخ می‌دهد. خلاصه داستان به حدود ۱۵۰ سال پیش بازگشته و من تعجب می‌کنم از افراد تیزهوش سیاسی که چنین مطالبی را مطرح می‌کنند و در گزارش رسمی که علیه من به کمیسیون تحقیق دادند، پای این مطالب را امضا می‌کنند.

گویا درباره پدرتان هم مسائلی را مطرح کردند.

در کلیه آقای زاکانی نوشته شده بود ارتباط با ساواک. هرکس این را می‌دیده، فکر می‌کرد مقصود من هستم. درحالی‌که درباره پدرم این حرف را زدن که البته صحت ندارد. من ۱۲ سال بودم که انقلاب شد. ۱۵ سالم بود که جبهه رفتم. ۱۶ سالم نبود که جانیاب شدم. تا امروز به فعالیت ادامه دادم.

خودتان اشاره کردید که در زمان احزاب صلاحیت و حتی مدتها قبل از آن فعالیت‌ها آغاز شده بود. درباره تأیید صلاحیت شما هم حرف‌وحیدت‌هایی وجود داشت. یکی از معترضان گفته بود که شما در آن مقطع نظام را تهدید کردید که اگر تأیید صلاحیت نشود، درگیری مسلحانه اتفاق می‌افتد.

فکر من را خواهند یا من چنین حرفی زدم؟

گفتند شما این موضوع را مطرح کردید.

یعنی شما فکر می‌کنید جمهوری اسلامی ایران که در مقابل تمام اهریمنان ایستادگی کرده و در مقابل همه دنیا ایستاده، از غلام‌رضا تاجگردون و تهدیدهایش می‌ترسد؟ من که چنین حرفی زدم و حتی به ذهنم نیز خطور نمی‌کند. آدمی که تا این حد وابسته و محرم جمهوری اسلامی است، چنین حرفی می‌زند؟ فکر می‌کنم این بخش از حرف‌های معترضان بی‌اخلاقی است. من نه عددی هستم که بخواهم تهدید کنم و نه تهدید کردن موضوعیتی دارد. جمهوری اسلامی این قدر بزرگ‌تر از من دیده است که آمدن و رفتن من، چیزی به آن اضافه یا از آن کم نمی‌کند.

نکته اینجاست که در این مدت به تعبیر معترضان حتی دو دستگاه اطلاعاتی کشور نیز «فروزه» شده‌اند. جدی‌ترین استدلال‌ها هم چله‌جایی ردیف‌ها بوده و اختیاص بوده‌های خاص برای نهادهاست. به‌رحال شما سال‌ها در کمیسیون برنامه‌ریزی حضور داشتید و رئیس این کمیسیون بودید.

ببینید اولین خبرگزاری که شروع به تولید محتوا علیه من کرد، فارس بود. هیچ‌کس در مجلس نمی‌دانست من به خبرگزاری فارس پول می‌دهم؛ اما خبرگزاری فارس که این را می‌دانند. اگر این استدلال درست بود که خبرگزاری فارس یا مهر نباید علیه من کار می‌کردند؛ چراکه اینها از ردیف‌هایی که فقط من می‌دانم پول می‌گیرند. این حرف‌ها چیست؟ من این حرف‌ها را توهین می‌دانم؛ البته نه توهین به خودم، بلکه به جمهوری اسلامی. فرض کنیم من نهادهای مثل شورای نگهبان را با پول بخرم؛ چطور چنین اتفاقی ممکن است؟ طبق قانون، نهادهای مانند شورای نگهبان هر چند بودجه خواست باید به او داد. چرا قانون چنین چیزی را می‌گوید؟ به این دلیل که این نهاد و امدار افراد یا نهادهای دیگر مثل مجلس و دولت نشود و بتواند به صورت مستقل تصمیم بگیرد. یا اطلاعات سپاه چرا باید به من وابستگی داشته باشد و من چطور می‌توانم این نهاد را مدیریت کنم؟ آنهم چنین نهادهای که امنیت کشور را بر عهده دارد. نمی‌خواهم مظلوم‌نمایی کنم یا به دفاع از این نهاد پردازم. نکته دیگر اینجاست که دوران مسئولیت من در کمیسیون برنامه‌ریزی بوده و پایان رسیده است. حالا دیگر چه دلیلی دارد که آقایان بخواهند از من دفاع کنند؟ حتماً بررسی کردند و اعتماد کردند. چرا این احتمال را نمی‌دهید که آنها بررسی کردند و سپس نظر خود را اعلام کردند. من خیلی راحت و صریح می‌گویم آقایان اگر کمی نسبت به امتانداری من در جمهوری اسلامی بی‌اعتماد بودند، حتماً این دفاع را از من نمی‌کردند. آقایانی که این حرف‌ها را می‌زنند، نشان می‌دهند نباید برای داشتن اطلاعات به آنها اعتماد کرد. یک برگه از نامه دوخطی سری و محرمانه وزارت اطلاعات را در دست دارند و در همه شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند. این اعتماد است؟ اگر اطلاعات من را داشتند، چه می‌کردند؟ آیا من در این هشت‌ساله که در بسیاری از امور محرم سیستم بودم، باید این حجم از اطلاعات را بروز می‌دادم؟ در این یک ماه بقدر فشار روی من آمده، شما دیدید که من حرفی خارج از اصول و چارچوب بزنم؟ این نشان می‌دهد آنها نمی‌توانند محرم نظام باشند. یک نامه به دست آورده‌اند و دنیا را خبر کرده‌اند. من اطلاعات فراوانی از آقایان دارم که می‌توانم منتشر کنم و بگویم، اما شما حرف بی‌ربط و خارج از عرف، اصول و اخلاق از من نشنیده‌اید. از کسی جز خدا نمی‌ترسم. اما اصل در قامت بی‌اخلاقی نیستیم. ریشه تمام مباحث را می‌دانم چه کسی شروع کرده و هنوز هم به خودم اجازه نداده‌ام که بگویم چطور این مجموعه اضعاف درباره این مسئله کنار هم جمع شده‌اند. شاید هم روزی بگویم که این مجموعه اضعاف چه کسانی هستند و به چه دلیلی کنار یکدیگر جمع شده‌اند.

منظورتان همین موضوع اعتبارنامه است؟
بله و این فرایند یک سال است که اتفاق افتاده، اما هنوز فکر می‌کنم گفتن این مطالب بی‌اخلاقی است. شاید شما هم به‌عنوان فردی رسانه‌ای، ذهن‌تان مشوش شود که واقعاً چطور چنین اتفاقاتی کنار هم تعریف می‌شود.
در حد شایعه شنیده شده بود که شما ممکن است به اعتبارنامه برخی از نمایندگان از جمله آقای قالیباف اعتراض کنید. به‌رحال این مضمون در صحبت‌های شما وجود دارد که دست‌تان پر است و ممکن است به افشاکاری بزنید.

علیه آقای قالیباف؟

آقای قالیباف و معترضان به اعتبارنامه سؤال این است که شما از ابتدا قصدی برای اعتراض به اعتبارنامه برخی نمایندگان داشتید؟
نه، موضوعیتی ندارد که علیه آقای قالیباف اعتراض کنم. یک راهکار لوجوانه وجود داشت که من همزمان با اعتراض آنها به اعتبارنامه‌شان، اعتراض کنم و مجلس و مملکت قفل شود. این رفتاری لوجوانه بود که ممکن بود هر کسی آن را انجام دهد، اما من این رفتار لوجوانه را برای ادامه کار خود به مصلحت ندیدم؛ یا اینکه این امکان وجود داشت و اعتبارنامه هم سریع تأیید می‌شد و خود را در این فرایند از حیز انفعال خارج می‌کردم. یک فرد در یک مجلس با ۲۰ نماینده دیگر درگیر می‌شود، اما این رفتار را به مصلحت سیستم نمی‌دانستم. من یک بار پیام دادم که آیا درست است من هم روی برخی افراد اعتراض کنم؟ البته می‌خواستم روی یکی از معترضان که هم خیلی مسئله‌دار و هم پروا است، اعتراض بزنم، اما باز هم آن را برداشتم. او خود را وسط انداخته و شاید یک روز گفتم که دلیل آن چیست.

از نمایندگان جوان است یا نمایندگان امدار مجلس؟

از نمایندگان قدیمی است.

شما تا مدت زیادی هر دو سطح رسانه‌ای سکوت کرده بودید. فکر می‌کردید عزم معترضان جدی نیست؟

این طور نیست. من نمی‌خواستم که شایعه و کمیسیون تحقیق در مقام رسانه‌ای اعتبارنامه من را بررسی کند. اگر توجه کنید، تا بعد از رأی شایعه هیچ اظهارنظری از من بیرون نیامد و مصاحبه‌های نکردم؛ چون می‌خواستم کمیسیون و شایعه کاملاً در فضای بی‌طرف موضوع را بررسی کنند.

اگر چه آنها با هجمه رسانه‌ای و توثیقی سعی کردند نمایندگان را سمتی ببرند که به آن اخطار رأی دهند، اما من باز هم احساس کردم که باید اجازه داد شمع و کمیسیون درست تصمیم بگیرند.

یکی دیگر از بحث‌ها این است که به معترضان وقت کالی برای ارائه مستندات در کمیسیون تحقیق داده نشده است.

اینجا توجه کنید که قانون می‌گوید باید از شورای نگهبان استعلام شود و اگر این شورا مستندات را بررسی کرده بود، دیگر نیاید بررسی شود. معترضان یک مرحله گزارش نوشتند و شورای نگهبان پاسخ داد که پیش‌تر، مستندات را بررسی کرده است. یک بار دیگر ساعت یازده و نیم شب نامه‌ای با مستندات ارسال کردند. باز هم شورای نگهبان نوشت که مستندات را دیده است و آن را رد کرد. با وجود این جلسه گذاشتند و گفتند که باید بررسی شود. من گفتم که براساس قانون نباید جلسه برگزار شود؛ اما گفتند که چرا می‌ترسی. یک جلسه حدود پنج‌ساعته گذاشتند و مطالب را کامل بیان کردند. در نهایت شعبه اعتبارنامه من را تأیید کرد. موضوع به کمیسیون تحقیق رسید. در کمیسیون جلسه گذاشتند و آقایان حدود یک‌ساعت و نیم توضیح دادند و من نیز همین حدود مطالب را بیان کردم. به من گفتند که تا شنبه مستندات را درباره محورهایی که آقایان صحبت کردند، ارائه دم. همه محورهایی را که آقایان صحبت کرده بودند، با استدلال‌هایشان به من منتقل کردند. من هم تا شنبه مجموعه گزارش کامل را که اتفاقاً معترضان منتشر کردند، ارائه دادم. جالب است که فقط بخشی از مطالب را هم منتشر کردند؛ اما آنها شنبه مدارک را ارائه ندادند. من هم در جریان بودم که با شهرستان برای مدارک جدید در ارتباط هستند. بالاخره در شهرستان می‌توان از موضوعات باخبر شد. گزارش می‌خریدند، پول می‌دادند و اگر روزی خواستند می‌گویم که چه کسی به چه کسی پول داده است. روز دوشنبه مجموعه مستنداتی ارائه دادند و کمیسیون وظیفه داشت مستندات را بررسی کند و اختلاف‌نظرها را پیدا کند. سپس بعد از جلسه با آنها کمیسیون تحقیق مستندات را در جلسه‌های سمعانه از من سؤال کرد. ۹۹ درصد موضوعات تکراری بود و در شعبه مطرح شده بود. موضوعی که درباره پدربزرگ من گفتند، نیز در همین جلسه مطرح شد. گفتند که آقای تاجگردون در جلسه شعبه درباره پدربزرگ خود دروغ گفته. پدر پدربزرگش چنین کراهی کرده یا درباره مادرم مطالبی گفته بودند. به طور مثال گفته بودند که برادر شهید من هنگامی که شهید شد، با خانواده قهر بوده است. این چه حرف‌هایی است؟ البته قبل از این گفته بودند که تاجگردون با برادر شهیدش ناآشنا هستند و مادرشان یکی نیست. نماینده‌ها این موضوع را از من سؤال کردند. باور می‌کنید یکی از سؤالات عضوی از کمیسیون تحقیق این بود که مادر من با مادر شهید یکی است؟ آدم دلس نمی‌آید این حرف‌ها را بزند. روزی که درباره مادرم توضیح دادم، شهر ما به هم ریخت. آخر چقدر دروغ؟ من واقعاً صبوری می‌کنم و چنین مسائلی را مطرح نمی‌کنم. به یکی از اعضا گفتم فرض کنیم این حرف درست باشد، الان پرسدایی شما چه می‌کنند؟ دارد نان می‌خورد و جایی کار می‌کند. به من چه از ارتباطی دارد؟

آقای تاجگردون واقعاً صلح استدلال معترضان به اعتبارنامه در همین حدود است یا موارد دیگری هم مطرح شده؟

می‌خواهید همه نامه‌ها را نشان‌تان دم؟ همه آنها اینجاست.

بله، چنانچه. اما گفته می‌شود که شما شبکه فساد را مدیریت می‌کنید که در دستگاه‌های مختلف فعالیت دارد.

شبکه یعنی چند نفر. آقایان نامی از اشخاص دوم و سوم نمی‌آورند؛ بگویند به چه کسی و کجا وصل هستم. هیچ چیزی نیست.

به طور مثال می‌گویند شما با برخی از وزرا منافع مشترک دارید.

تنها اظهارنظر له یا علیه من از سوی دولتی‌ها توثیق آقای آشنا بوده که علیه من نوشته شده است. در همه این مدت یک وزیر با من تماس گرفت و گفت که آقای تاجگردون اگر کمکی از دست ما برمی‌آید، انجام دهید. از آن وزیر هم کسی توقع ندارد که در این موضوع ورود کند.

یعنی مرتبط نبوده است؟

واقعاً مرتبط نبوده؛ اما انسان بسیار جوانمرد و شریفی است. خیلی از وزرا از من خوش‌شان نمی‌آید. دست‌آوردی رئیس‌جمهور یکی از عوامل زدن من است که یک سال است [در این راه] تلاش می‌کند.

چرا وزرا نباید از شما خوش‌شان بیاید؟

چون من در کارم با کسی تعارف ندارم. همیشه حامی دولت بودم و به قواعد حمایت از دولت در جهت نظام کمک کردم. هر دولتی هم باشد، کمک می‌کنم اما اصلاً ارتباط نزدیک وزرا با من درست نیست.

در ادامه بحث شکیبازی موضوع معرفی افراد به نهادهای دستگاه‌های مختلف پیش می‌آید. آیا نزدیکان شما در نهادهای مختلف حضور دارند؟

۳۱ سال است که کار می‌کنم و دوستان زیادی در دولت و خارج از دولت دارم. نمی‌توانم این را انکار کنم. به‌رحال در این ۳۱ سال چوب خشک نبودم. اما اینکه افراد را در نهادهای مختلف چیده و شبکه‌گذاری کرده باشم، درست نیست. این روش خودشان است. فرض کنید آقای ایکس در همه خبرگزاری‌ها آدم چیده است. سه، چهار خبرگزاری را راه انداختند و دست اینهاست و بیکاره حمله می‌کنند. این شبکه نیست؟ این سیستم رسانه‌شان است. یا دیگری که در سیستم اقتصادی است. خوب بگویند شبکه من کیست؟ می‌گویند نسبتاً من در همه عموماً مدیرعامل جدید شستا را یک بار در آسانسور و بار دیگر حدود ۲۰ دقیقه جای دیگری دیدم. شما در کل شستا یک مدیرعامل یا هیئت‌مدیره پیدا نمی‌کنید که با من رفیق یا همشهری باشد. می‌گفتند سرمایه‌گذاری بانک ملی. حتی یک گه‌جسارانی آنجا نیست. سپس گفتند اهل کیه‌گیلوپه‌وبوراحمد هستند. گفتم پس بگویند اهل زاگرس یا بگویند ایرانی هستند؛ از اقوام من کسی را پیدا نکردند. گفتند همشهری، همشهری پیدا نکردند؛ گفتند

هم‌استانی و سپس می‌گویند هر چه لر وجود دارد، رک روی صفحه بگذارد. ۷۰ شرکت را نام بردند. در هیچ‌یک از آنها بگ نفر وابسته به من هم در نمی‌آید. وقتی متوجه این موضوع شدند، رفتند دنبال پدر بزرگ من.

یعنی کسانی که به نام تاجگردون در این شرکت‌ها هستند، تشابه اسمی با شما دارند؟

۲۰ شرکت که فقط تشابه اسمی است. حتی گجسارانی هم نیستند. اهل اصفهان، کرمان و استان‌های دیگر هستند. در حوزه‌های مختلف مثل صادرات کبوی، تعمیرات دوربین‌های مدار بسته فعال هستند. حتی دنبال نکردند که این شرکت‌ها چیست و برای چه کسی است. در این اسم‌ها یکسری تشابه اسمی را که هیچ ارتباطی با من ندارند، پیدا می‌کنند و داستان‌سرایی می‌کنند.

فکر می‌کنید چرا این فعالیت‌ها علیه شما آغاز شد؟

یادم هست وقتی استیضاح آقای علی ربیعی انجام شد، چنین فضایی علیه من شکل گرفت. من آنجا پشت تریبون از آقای ربیعی خواستم که هر چه علیه من وجود دارد و می‌داند اعلام کند. گفتم من هر چه علیه شما دارم را می‌گویم و شما هم هر چه علیه من دارید اعلام کنید. ایشان علیه دیگران چیزهایی گفت اما علیه من هیچ حرفی نزد. بعد شروع شد و عده‌ای ورود کردند و جای دیگری به من وصل شدند. حالا نمی‌خواهم شبکه را توضیح دهم. بعد در رسانه‌ها من را تخریب کردند. مثلاً یک سال پیش شبکه صدای آمریکا همین حرف‌ها را علیه من زد و من می‌دانم ریشم‌اش کجاست. دیده‌ام شفافیت و عدالت هم گزارش‌هایی منتشر کرد. من در جلسه‌ای به آقای توکلی گفتم هر چه علیه من وجود دارد، بگویید. همه را به ایشان توضیح دادم و باز گفتم هر چه علیه من دارید، بگویید تا پاسخ دهم.

این برای چه زمانی است؟

قبل از انتخابات مجلس. پس از آن گزارشی در حدود ۱۵۰ صفحه به شورای نگهبان دادند. من جلسه‌ای سماعه‌ست با سه حقوق‌دان شورای نگهبان داشتم. کسی باور نمی‌کند شورای نگهبان چنین وقتی اختصاص دهد. در حالی که بررسی‌ها را انجام داده بودند و سه ساعت جلسه برگزار کردند. بدون هیچ تعارف و شرمی همه موارد را یک‌به‌یک بررسی کردند و من توضیح دادم. بار دیگر من را خواستند و چند سؤال دیگر پرسیدند. اطلاعات سپاه شش یا هفت ساعت با من جلسه گذاشت. چرا باید این نهاد چنین زمانی را برای تاجگردون اختصاص دهد؟ چون برای آنها مهم بود فردی که رئیس کمیسیون بوده و اطلاعات زیادی دارد، مشکلی نداشته باشد. برای آنها اهمیت داشت که این موضوع را بررسی کنند تا فردی که در مراکز مهم حضور داشته، اگر مشکلی دارد، وارد مجلس نشود. آنها که نمی‌دانستند در مجلس چه اتفاقی رخ می‌دهد. همانجا از ورود من جلوگیری می‌کردند. اما شورای نگهبان یک‌به‌یک همه موارد را بررسی کرد. دیدید که این شورا حتی بعد از نقل قول یکی از معترضان از آیت‌الله جنتی پس از جلسه با ایشان بیانیه داد. من در آن جلسه نبودم اما فحوائی بیانیه این است که ما مستندات را بررسی کردیم. حالا هم که پایین‌دست این شورا را در مسائل اقتصادی به من وصل کردند. یعنی حرفی را که صدای آمریکا قبل از انتخاب زد، اینها می‌زنند.

آقای تاجگردون شما در مجلس نهم با آقای زاکانی هم دوره بودید. آیا اتفاقی شخصی بین شما رخ نداده است؟

آقای دکتر زاکانی انسانی اصولی و دارای چارچوب است. بسیار هم در چارچوب خود سفت است و قابل مذاکره و بحث نیست. من هم اصولی برای خود دارم اما قابل مذاکره هستم. تفاوت من با ایشان همین است که آقای زاکانی چارچوب خود را می‌بندد اما من در چارچوب خود موضوعات را به بحث می‌گذارم. گاهی قانع می‌شوم و گاهی هم نه. مجلس نهم مجلسی پرتنش بود. ما گروه اقلیت حدود ۱۵ نفره بودیم. از ابتدای مجلس در موضوعاتی با گروه دیگر که دوستان فعلی آقای زاکانی بودند نیز هم‌نظر بودیم. مثل استیضاح وزیر کار آقای احمدی‌نژاد که از آقای مطهری و من تا آقای توکلی پای آن را امضا کرده بودند. آقای زاکانی در آن مقطع در این مبارز بود. بعد موضوعات دیگری مثل برجام پیش آمد. با این حال حدود اخلاق را رعایت می‌کردیم. من حدس می‌زنم نباید این مسائل در ذهن آقای زاکانی باشد. البته چیزهای دیگری هم هست. اما چون ایشان مطرح نکردند، من هم اشاره نمی‌کنم.

آقای تاجگردون شما اشاره کردید که اطلاعات زیادی دارید که به واسطه مسئولیتی که داشته‌اید، کاملاً منطقی است؛ اما اگر این اطلاعات به فرس از وجود فساد می‌کاپیت دارد، بیان نکردن آن نوعی مصلحت‌سنجی نیست؟

من دربار فساد نگفتم. منظور من این است که شما اطلاعاتی دارید و می‌خواهید به رخ کسی بکشید، به این دلیل آن را مطرح می‌کنید. بالأخره در حکومت تریبانی اجرایی دارید. فرض کنید آقای روحانی که امروز رئیس‌جمهور است، سال‌های متمایز دبیر مطهری امنیت ملی بوده است. به همین دلیل اطلاعاتی دارد؛ اما آیا باید هر لحظه این اطلاعات را خرج کند؟ حضرت آقا خیلی اطلاعات دارند و آیا هر زمان که از کسی ناراحت شدند، آن را بیان می‌کنند؟ این‌طور نیست و او را نصیحت می‌کنند. ما که عدد بسیار کوچکی در این سیستم هستیم و اینکه ظرفیت داشتن اطلاعات را داشته باشیم، بسیار مهم است. یکی از نمایندگان هسو در مجلس دهم اصرار می‌کرد که چرا اطلاعاتی را مطرح نمی‌کنی؟ به او گفتم که ظرفیت داشتن اطلاعات را نداری و ممکن است جایی اطلاعات را مطرح کنی که کل قضیه خراب شود. ذهن مردم را موش می‌کنی و نمی‌توانند تصمیم بگیرند. در این قضیه هم همین است. نمی‌خواهم بگویم شبکه فساد وجود دارد که من از آن خبر دارم. بحث کشف شبکه فساد نیست؛ اما در برخی موارد آدم باید این‌قدر برای خود، کوشش و اختیاراتی که او داده شده، امین باشد و نسبت به امتداری حساس باشد. برخی موضوعات به امنیت ملی مرتبط است که قابل مطرح کردن نیست، اما اگر شما از کسانی اطلاعاتی دارید که در حوزه‌های مختلف دچار فساد هستند و آن را مطرح نکنید، چطور؟ اگر چنین باشد، کوتاه نمی‌آیم.

خیلی پرونده‌ها هستند که به آنها ورود کرده‌ام و جلوی چنین اتفاقاتی را گرفته‌ام؛ هرچند آنها را رسانه‌های نکرده‌ام. حتی آن مدیر یا وزیر را مطلع کردم و گفتم که پایین دست تو این اتفاق افتاده است. بارها این اتفاق افتاده است و جلوی آن را گرفته‌ام. برای مثال دیوان محاسبات را مأمور کردم که به سرعت جلوی موضوعی را بگیرد؛ اما نیاز به طرح رسانه‌ای آن ندیدم. اخیراً می‌گویند که پتروامید آسیا برای تاجگردون است و به گزارش دیوان محاسبات اشاره می‌کنند؛ در حالی که گزارش دیوان محاسبات برای زمانی است که من رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه بودم و حتماً در جریان موضوع قرار گرفتم که گفتم جلوی قرارداد و ضرر به دولت را بگیرید. قراردادهای بین‌المللی و نفتی بسیاری از این دست بوده است. برای مثال در قرارداد با توتال که در نهایت لغو شد، بنده و آقای حسونود در جلسات شاید ۱۰ ساعت با ۴۰ کامنت روی قرارداد تأثیر می‌گذاشتیم و جلوی خطاهای آن را می‌گرفتیم. از نظرات نمایندگان درباره قرارداد می‌پرسیدم و آنها را یادداشت می‌کردم و در جلسه سعی می‌کردم جلوی خطاها را بگیرم؛ اما شما یک مصاحبه پیدا نمی‌کنید که من درباره قرارداد توتال صحبت کرده باشم؛ اما از آقای رنگته یا دادستان و نماینده دادستان پرسید که آقای حسونود و تاجگردون در آن جلسه چقدر اصلاح انجام دادند. همه اصلاحات هم برآیند نظرات مجلس بود. از این دست مسائل درباره ارز هم وجود دارد. گزارش ارزهای گمشده را مگر دیوان محاسبات نداد، مگر دیوان محاسبات زیر نظر کمیسیون برنامه‌بودجه نیست؟ ارتباط این دو بسیار تنگناست. مگر می‌شود رئیس دیوان محاسبات گزارشی منتشر کند بدون اینکه رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه آن را نخوانده باشد؟ چرا گزارش من در همین مجلس یازدهم خوانده نمی‌شود؟ آقای ربهی اخیراً گفت که ما اسامی را داریم. من همه اسامی را دارم و می‌دانم چه کسی پول را برگردانده و چه کسانی برگردانده‌اند؛ اما دیده‌اید که جایی اسم بدهم؟ اما ترتیب را از طریق دیوان محاسبات و دادستان دنبال کردم. در جلسه سران قوا به رئیس‌جمهوری هم گفتم و ایشان آقای نوبخت را به عنوان نماینده در این زمینه معرفی کردند. به آقای نوبخت و وزرای مرتبط هم گفتم که گزارش دیوان محاسبات در این زمینه کاملاً درست است. این مبارزه با فساد است یا چیزی که درباره من می‌گویند؟ الان سه ماه است که گزارش ما درباره ارز روی میز هیئت رئیسه است، اما آن را قرائت نمی‌کنند. گزارش اصلی حقوق‌های نجومی را دیوان محاسبات داده است که زیرنظر کمیسیون برنامه‌بودجه است. آن وقت می‌گویند من حامی حقوق‌های نجومی هستم. اعتقاد دارم باید کاری را که لازم است، انجام داد و تشویق ذهنی برای جامعه ایجاد نکرد. نمونه آخر آن همان‌طور که گفتم موضوع ارز است. می‌توانم اسم همه فاسدان ارزی را منتشر کنم، اما به جای آن از دیوان محاسبات می‌خواهم که برای همه آنها برنده تشکیل دهد و به قوه قضائیه بفرستد. شما گفته‌اید که از نفوذ خود در رسانی بیشتر توسعه حوزه انتخابیه خود استفاده می‌کنید، حتی تأکید کردید که این کار را بنده هم استفاده از نفوذ برای شما چیست؟ این مرز برای من حق است. اگر بدانم حق مردم، حوزه انتخابیه و استانم نیست ورود نمی‌کنم. کار نافرعی برای مردمم نکرده‌ام. کارم را انجام می‌دهم. مناسب با آن وظایف حوزه انتخابیه را انجام می‌دهم. لوح فساد می‌گوید که آقای توکل به آن اشاره کرده و در گزارش آقایان هم ۳۰ صفحه را به خود اختصاص داده، آپرسانی به دشتی است به نام امامزاده جعفر. ببینید رودخانه از سرچشمه‌هایی می‌آید و انتهای گچساران به گنبدهای نمکی می‌خورد، شور می‌شود و به خلیج فارس می‌ریزد. شهر ما با خلیج فارس حدود ۷۰ کیلومتر فاصله دارد. آب به خلیج می‌ریزد و قبل از آن هفت هزار هکتار زمین‌هایی است که برای مردمان فقیر این سرزمین است که کشاورزی می‌کنند. ما بر اساس طرحی که مصوب است، به این زمین‌ها آب می‌رسانیم. کجای این اتفاق رانت یا فساد است و حق کسی پایمال شده است؟ گفتمند که گفتمند که زمین‌های تاجگردون نیز همین جاست. دشت امامزاده جعفر دو بخش است؛ یک بخش را سه سال پیش آپرسانی کردیم و امسال و سال آینده بخش دیگر را آپرسانی می‌کنیم. زمین‌های ما در انتهای دشت قرار دارد. زمین‌های ما چاه دارد و آب نیاز ندارد و همین الان باغ است. بنابراین هیچ نیازی به آب نداریم. آیا رساندن آب به زمین‌های مردم این سرزمین فساد است؟ مردمی که در سرزمینی زندگی می‌کنند که دود نفت را تنفس می‌کنند و روزی ۶۰۰ هزار بشکه در آنجا نفت تولید می‌شود. آنها می‌گویند فساد و مستنداتشان این است، اما من تا چه زمان می‌توانم جامعه را درباره این مسائل توجیه کنم؟

حاضر به آقای راکتی منظره کنید؟

به آقای راکتی پیشنهاد دادم که در این باره صحبت کنیم، اما ایشان قبول نکرد.

اگر مقابل دوربین باشد، چطور؟ باز هم حاضر نیستند؟

نمی‌دانم. شاید از دوربین خوش‌شان بیاید. من با خیلی از آنها صحبت کردم. نماینده‌های حاضر در شعبه و کمیسیون تحقیق مجموعاً ۳۳ نفر بودند. من همین مطالب را بیان کردم و به من رأی دادند. وقتی درباره توهین به مادر مصاحبه کردم، یکی از نمایندگان توهین کرد که چنین چیزی نگفته است. وقتی به او گفتم که زیر آن مطالب را امضا کرده‌ای، گفت که من نخوانده بودم و امضا کردم.

عیباً همین حرف را ده؟

بله، به خود من گفت که مدارک را نخواندم.

بحث دیگر درباره دفعه‌های نمایندگی است. بسیاری از کارشناسان معتقدند نمایندگان مجلس دفعه‌های ملی ندارند و درگیر مسائل کوچک در حوزه‌های انتخابیه خود هستند. اما گویا شما مدافع این هستید که هر نماینده مسائل حوزه انتخابیه خود را در مجلس دنبال کند. فکر نمی‌کنید که یک نماینده باید در چنین شرایطی مسائل ملی را بگیرد کند تا از طریق آنها وضعیت کل کشور تغییر کند؟

من همواره یکی از موافقان اصلاح قانون انتخابات بوده‌ام. یک بحث شرایط کشور است و بحث دیگر ایده‌های مطلوب. بارها گفته‌ام که راهکار نجات مملکت ما که مقام معظم رهبری ۱۰ سال پیش گفتند و ما آن را دنبال نکردیم، اصلاح نظام پارلمانی کشور است. آقای قالیباف به تازگی گفته‌اند که مجلس در رأس امور نیست و باید آن را به رأس امور بیاوریم. نمی‌توان این کار را کرد. با این نظام مجلس در رأس امور نیست و مراجع مختلفی وجود دارند که قدرت آنها از مجلس بیشتر است. نظر من این است که نظام پارلمانی باید در کشور جا بیفتد. البته لازمه این نظام احزاب است و ما احزاب انتخاباتی و نه حکومتی داریم. باید اجازه دهیم احزاب شکل بگیرند و نقش خود را در اداره کشور ایفا کنند و نظام پارلمانی شکل بگیرد. در چنین شرایطی مجلس در رأس امور خواهد بود. در این مجلس و ساختار و تعیضی که وجود دارد، این اتفاق رخ خواهد داد. تاجگردون باشد یا نه. مردم دلخواه هستند که نماینده آنها یک نطق بکنند و یک سسال از آن لذت ببرند. من نماینده یک شهر کوچک هستم. حالا یکی حرف می‌زند و درل مردم را خوش می‌کند و یکی باید تلاش کند تا دل آنها خوش شود. اما شما بگویید که آقای تاجگردون در فلان موضوع نتوانستی نقش ملی خود را ایفا کنی یا اثرگذار نبودی. چه موضوع مهم ملی‌ای وجود دارد که تاجگردون در آن حضور نداشته باشد. من دو دوره در مجلس هستم. مهم‌ترین استیضاح‌ها در هشت سال گذشته را ببینید. استیضاح‌هایی مثل وزیر کار آقای احمدی‌نژاد یا آقای ریعی و آخوندی، در همه آنها حضور داشتم. کسانی که رأی اعتماد گرفتند یا افتادند. در مراجع مهم تصمیم‌گیری و کمیسیون‌های کمیسیون ویژه برجام بودم و هشت سال است که عضو هیئت عالی مذاکرات ایران و اروپا هستم. در اجلاس‌های صندوق بین‌المللی پول حضور داشتم. بودجه و تلفیق هم که تخصص من است. مگر مهم‌تر از بحث بودجه کاری وجود دارد؟ مگر سال ۹۸ کشور در بحران نبود؟ مجلس به جایی رسید که اذن آقا را بگیرند. کمیسیون تلفیق چندپاره و همه کشور درگیر و پروسه کرونا بود. اولین است می‌گویم. اسامی من هم کرونا گرفتم و ۲۰ روز در خانه ماندم. هیچ‌کس نفهمید که من و بچه‌هایم کرونا گرفتیم؟ حتی اقوام من هم نفهمیدند.

چه زمانی این اتفاق افتاد؟

بعد از تلفیق بودجه، اما هیچ‌کس متوجه نشد. سال ۹۷ خونریزی مغزی کردم و وسط فشار کاری دو ماه بیمارستان بستری بودم. همه به دلیل فشار کاری بود. تا این حد درگیر مسائل ملی بودم. حالا اگر این تاجگردون توانایی دارد که به درد مردمش هم برسد، چه منافاتی دارد؟ به جز رئیس مجلس، یک نفر را در مجلس نهم و دهم پیدا کردید که بیش از من و متنوع‌تر از من نقش ملی ایفا کرده‌اند. حرف خود را پس می‌گیرم. حتی در سیاست خارجی و مسائل امنیتی هم تنه به تنه بارزترین نماینده‌های نهم و دهم می‌زنم. بعد می‌گویند چون به آبرسانی یک دشت در حوزه انتخابیه کمک کردم، حواشی به مسائل ملی نیست.

آقای تاجگردون بعد از سه دهه فعالیت فکر می‌کنید در کدام نقطه از مرصه سیاسی ایستاده‌اید؟ برخی می‌گویند وقتی وابستگی حزبی ندارم، چرا می‌گویید که اصلاح‌طلب هستم.

من یک اصولی را قبول دارم. فرض کنید کسی که می‌خواهد نماینده شود، فرمی را پر می‌کند و در آن تأکید می‌کند که اصولی مثل قانون اساسی، التزام عملی به قانون اساسی و ولایت فقیه را قبول دارد. شورای نگهبان یک گروه را رد می‌کند و گروه دیگری را تأیید می‌کند. پس من ولایت فقیه را پذیرفتم و فعالیت می‌کنم؛ بنابراین متعهد به یکسری از موازین جمهوری اسلامی هستم. مثال در اداره حکومت می‌گویم اگر ولی‌فقیه نظری داشته باشد، بر نظر من و جمیع مسئولان ارجح است، اما برخی می‌گویند که تو باید بصیرت داشته باشی و حتی اگر ولی‌فقیه هم نگفت، آن را تشخیص بدهی. اینجا اختلاف پیدا می‌کنیم. می‌گویم حرف تو درست است، اما شاید بصیرت من به اندازه تو نباشد و بصیرت‌سنجی مالک شخصیت‌سنجی من نیست. اما همواره در زمینه مسائل اداره حکومت و پیشرفت رویه جلو، نگاهی اصلاح‌طلبانه دارم. این نگاه چند جا خود را بروز می‌دهد. در موضوعاتی مانند اعتقاد به ولایت فقیه و التزام عملی به قانون اساسی اختلافی با اصولگرایان ندارم. هر جا هم می‌روم، می‌گویم از شما مقیدتر و تندتر هستم. حتی در جریان اعتیازنامه نیز این را ثابت کردم.

شما شاخص‌های اصلاح‌طلبی را چه می‌دانید؟

توجه به حقوق شهروندی اولین حرکت اصلاح‌طلبانه‌ای است که هر کس باید در وجود خود داشته باشد. حقوق شهروندی در چارچوب قانون اساسی حق مسلم هر فردی است. برای من یک خانم، پاسدار، روحانی و شما به عنوان خبرنگار در زمینه حقوق شهروندی یکی هستید. اینجا اختلاف نظر پیدا می‌کنیم و شاید یک فرد اصولگرا و محافظه‌کار بین فردی روحانی یا حزب‌اللهی و خانی که برخی قواعد را رعایت نمی‌کند، تفاوت قائل شود. اگر من اینجا را بپذیرم باید در چارچوب یک حزب باشم؟ کدام حزب؟ مشارکت؟ اتحاد؟ اعتماد ملی؟ دلیلی ندارد که در قاعده یک حزب این مسائل را بپذیرم. زمانی در دوره ششم چه‌های تند اصلاح‌طلب شدند. قاعده این بود که چه تند باید اصولگرا می‌شد. یک دوستی می‌گفت بدبختی ما از آنجا شروع شد که فلائی اصلاح‌طلب شد. وقتی چنین آتش شعله‌گرم‌کاری درست شد در جهت حقوق مردم تلاش کنیم. از دیگر شاخص‌های اصلاح‌طلبی آزادی بیان است. در مجلس نماینده جرئت ندار حرف خود را بزنم و نباید این‌طور باشم. امروز شعار شفافیت نیز در جهت شفافیت نیست بلکه در جهت تیغ کشیدن است. چرا در دوره‌های قبل شفافیت رای نیامد؟ البته امیدواریم که در این مجلس رای بیاورد. این بحث از زمان بررسی FATF در مجلس مطرح شد. یکی از موارد اختلافی روی من نیز

از همین موضوع آغاز شد. من متوجه شدم کشور دچار دوگانگی شدیدی شده است. آمریکا نیز دو مساه دیگر قرار بود تصمیم بگیرد. همه نهادها در گیر بودند و من ناگهان در مجلس پیشنهاد دادم که بررسی لایحه دو مساه به تعویق بيفتد. پیشنهاد رأی آورد و پس از آن همه مراجع از من پرسیدند که چه کسی این پیشنهاد را به تو داده بود. در حالی که کاملاً ناگهانی به ذهن من رسید. به نظر من آب بسیار خنکی روی آن آتش بود. من این طور به مسائل نگاه می‌کنم. اما یک باره می‌گویند تاجرگدون یکی از همشهری‌هایش را در پتروشیمی شازند سر کار گذاشته و قومیت‌گراست. ترازاها را کنار هم بگذارید. حتی زمان برجام نیز از این دست اتفاقات رخ می‌داد. اینها تصمیماتی است که باید روی آن فکر کنید و مجموعه فاکتورهایی را کنار هم بگذارید. نه اینکه بگویم حضور من در مجلس مهم نیست. اما این مهم است که تجربه ۳۰ ساله من چقدر ارزش دارد؟ بعد آقای زاکانی و دوستان دیگر بابت چه مسائلی یک کشور را متلاطم می‌کنند و دو ماه وقت کشور و مجلس را می‌گیرند و سرمایه خود و مملکت را هدر می‌دهند.

اکنون دو حالت وجود دارد. تصویب اعتبارنامه یا رد آن. اگر اعتبارنامه رد شود چه می‌کنید؟

من سال‌ها است که هیئت علمی‌ام. چند سالی نیز در همین زمینه فعالیت کردم. در آن مقطع چند کتاب نوشتم، آسایش و حتی درآمد بهتر و کار بهتر وجود دارد. اگر بمانم هم به عنوان یک کارشناس می‌توانم کمک زیادی به قوه مقننه کشور کنم و مجلس هم نیاز به متخصص دارد.

فکر می‌کنید اختلاف نظری که درباره رأی‌گیری در صحن وجود دارد به کجا ختم می‌شود؟

نظر حقوقدان‌ها، معاونت قوانین مجلس و آیین‌نامه این است که نباید رأی‌گیری انجام شود. این را صراحتاً به آقای قالیباف نوشتند. آقای قالیباف هم نظرش همین بوده است و ایشان در مرحله قبل هم اخطار آقای زاکانی را به رأی گذاشت. برداشت من بر این بود آقای قالیباف برای آرام کردن فضای مجلس اخطار را پذیرفت و تحویل کمیسیون تحقیق داد. کمیسیون تحقیق هم موضوع را بررسی کرد. اکنون جامعه حقوقی و کسانی که حقوق پارلمانی می‌دانند و آیین‌نامه را نوشتند می‌گویند که نباید رأی‌گیری شود. یک ماده وجود دارد که می‌گوید اگر کمیسیون تحقیق حکم بر رد اعتبارنامه دهد گزارش را به صحن ارائه می‌دهد. سپس سختر کمیسیون ۱۵ دقیقه گزارش می‌دهد و نماینده مورد اعتراض واقع‌شده نیم‌ساعت صحبت می‌کند و بعد به رأی گذاشته می‌شود. در همین ساده می‌گوید اگر اعتبارنامه تأییدشده برای تصمیم‌گیری به هیئت رئیسه ارائه شود، اینجا واضح است که درباره رأی‌گیری صحبت نمی‌کند. تصمیم‌گیری رأی‌گیری نیست. می‌تواند به مخبر بگوید که دلایل تأیید کمیسیون تحقیق را که سه صفحه است بخواند یا تأیید اعتبارنامه را در صحن قرائت کند. من هر شخص حقوقی که می‌شناسم همین نظر را داده است. ضمن اینکه باید به نظر معاونت قوانین مجلس اعتماد کنند. معاونت قوانین وقتی می‌خواهد نظری دهد، مشروح مذاکرات و سیاق کار را می‌بیند. در گذشته وقتی در بسیاری از امور اختلاف نظر جدی داشتیم، پس از استعلام، نظر معاونت قوانین را اجرا می‌کردیم. واقعیت این است که اگر آقای قالیباف و هیئت رئیسه بخواهند مضافه قضاوت کنند باید چنین باشند. حق ملت، من و حق الناس است. نمی‌توان حق کسی را به رأی گذاشت. حق را باید داد و گرفت. مطالبه من از هیئت رئیسه و رئیس مجلس نیز همین است. این حق من و مردم است. اینکه شورای نگهبان، شعیه و سپس کمیسیون تحقیق و نهادهایی مثل اطلاعات سپاه موضوع را بررسی کنند حق شما بود. من می‌پذیرم. اما از اینجا به بعد حق مردم و حق الناس است و مجلس را اینجا با رأی نمی‌دهد.

ممکن نیست دوباره اخطار قانون اساسی داده شود؟

اگر قرار باشد اخطار قانون اساسی بدهند باید من را به جایی مثل کمیسیون تحقیق بفرستند. چنین جایی دیگر وجود ندارد. نکته اینجاست که اگر کمیسیون اعتبارنامه را رد می‌کرد سن فرصت دفاع داشتیم. اما حالا که فرصت دفاع هم وجود ندارد. گفتند که اجازه می‌دهیم صحبت کنی. پاسخ دادم که به چه مجوزی می‌خواهید این کار را انجام دهید؟ قانونگذار همه چیز را تعیین کرده است. من نامه‌ای را هم تقدیم هیئت رئیسه کردم و استدلال‌های حقوقی و روند ملی‌شده را در آن توضیح دادم. امیدوارم کشور ما و مجلس به زودی از موضوع و حاشیه خارج شود.

بسم تعالی

همکار گرامی و عضو محترم شعبه ۱۲

با سلام و احترام

در پی اعتراض چند تن از همکاران محترم به اعتبار نامه اینجانب و دریافت مستندات ارائه شده وظیفه خود میدانم پاسخی ولی موجز درخصوص هر یک از سر فصل های مستندات معترضین تقدیم نمایم. اگر چه این روزها موارد متعدد رسانه ای در فضای مجازی داخلی و خارجی طرح گردیده و فقیر بدلیل رعایت شرایط شئونات نمایندگی و حفظ قداست مجلس پاسخ متقابل نداده ام ولی از آنجا که قائل به رعایت اخلاق و ترتیبات قانون هستم صلاح را بر تنظیم این متن و تقدیم به شما عزیزان دانسته و خواهشمندم در جهت رعایت حقوق موکلینم و قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد.

اگر چه بارها و بارها و در هر مقطعی این موارد و دیگر موارد در بررسی صلاحیت اینجانب در شورای نگهبان، مورد بررسی قرار گرفته و رد شده است.

بخش اول: وضعیت خانوادگی و گذشته اینجانب

خلاصه زندگیم:

متولد ۱۳۴۵ ه.س.م. ۱۲ساله بودم که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و از همان سال اول در مقطع راهنمایی و دبیرستان نسبت به تشکیل انجمن اسلامی اقدام کرده و جزء نیروهای اصلی انجمن اسلامی بودم.

۱۵ ساله بودم که به عنوان بسیجی عازم جبهه های جنگ شدم و در عملیات آزادسازی خرمشهر و در شرایطی که کمتر از ۱۶ سال سن داشتم به افتخار جانبازی نائل شده و در عملیات های بعد از آن هم شرکت داشته و یادگار دهها شهید و همرزم دلاور جنگ هستم و افتخارم بسیجی بودن سرداران بزرگی همچون حاج علی فضلی و شهید کلهر و دهها فرمانده عزیز سپاه و دیگر شهدای عزیز شهرم هستم و شاید بزرگترین افتخارم همسنگری حداقل نیمی از شهدایی است که مزارشان زیارتگاه مردمان دیارم می باشد.

سال ۶۳ در رشته اقتصاد و بدون هیچ سهمیه ای و در شرایط کنکور سخت آن دوران وارد دانشگاه شدم. در طول دوران مقاطع لیسانس و فوق لیسانس عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشکده و دانشگاه بودم و چند سال نیز عضو شورای جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد شهید بهشتی بوده و همواره به عنوان دانشجوی حزب الهی معروف بودم.

در آخرین سال های مقطع فوق لیسانس بودم که مرحوم دکتر نوربخش و جناب دکتر پرویز دادوی (معاون اول دکتر احمدی نژاد) به عنوان وزیر اقتصاد و معاون وزیر اقتصاد منصوب شدند و در شرایطی که حدود ۲۴ سال سن

داشتم و از آنجا که جزء دانشجویان خوب دانشکده بودم من را به وزارت اقتصاد به عنوان کارشناس دعوت کردند و بعد از کمتر از گذشت شش ماه به سمت مدیر کل دفتر تحقیقات و سیاست های مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی منصوب شدم.

اینکه نوشته اند بر اثر رانت وارد مسیر مدیریتی شده ام یک شوخی است و بدون هیچ نوع وابستگی خاص و صرفاً بر اساس رابطه استاد و دانشجو آن هم از سوی دو استاد برجسته اقتصاد کشور وارد مسیر مدیریتی، آن هم در سن پایین شدم.

بعد از خاتمه مقطع فوق لیسانس از آنجا که بورسیه سازمان برنامه بودم و متعهد به خدمت به آن سازمان و علی رغم اینکه وزارت اقتصاد اصرار بر ماندن داشت بدلیل تکلیف مدیریت سازمان و علاقه خودم به خدمت در استان محروم کهگیلویه و بویراحمد از مدیریت کل در تهران به مدیریت در یاسوج منتقل شدم (رانتا!) و رییس سازمان برنامه و بودجه استان شدم.

اینکه نوشته اند با رانت پسر عمویم (نماینده اسبق شهرستان) به سمت مدیر کلی در استان و فارس منصوب شدم کذب است و در دوران خدمتم در استان، نه تنها ایشان نماینده نبودند و بلکه جریان حاکم در استان جریان مخالف ایشان بودند.

بعد از قریب گذشت سه سال انجام وظیفه در یاسوج بنا به تشخیص رییس سازمان و بر حسب شایستگی و تشخیص سازمان، در فارس به عنوان رییس سازمان برنامه استان منصوب شده و قریب به هفت سال در استان فارس خدمت کردم. در طول قریب به ده سال خدمتم در این دو استان ۹ سال مدیر نمونه ملی و استانی بودم و یکسال هم به عنوان کارمند و مدیر نمونه ملی کشور انتخاب شده و مفتخر به دریافت لوح از رئیس جمهور شدم.

اشاره کرده اند که با رانت و فساد سیستم را اداره کردم. ذکر این نکته را لازم میدانم که در طول دوران خدمتم حتی یک برگ تخلف، اظهار تخلف، تشکیل پرونده در هیچ مرجع نظارتی و بازرسی نداشتم و رابطه بسیار نزدیک با مرحوم حضرت آیت الله حائری شیرازی، مرحوم حضرت آیت الله ملک حسینی، حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و دیگر علمای داشتم.

در سال ۸۰ به سمت معاون امور مجلس و استان های سازمان مدیریت کشور و سپس معاون امور اقتصادی سازمان منصوب شدم و عملکردم برای همگانی که من را می شناسند و با من کار کردند مشهود است و علیرغم داشتن اختیارات بسیار بالا در امور اقتصادی کشور، حتی یک مورد حداقلی تخلف از اینجانب در هیچ مرجعی ثبت و ضبط نشده است. با روی کار آمدن دولت دکتر احمدی نژاد و تغییرات مدیریتی وسیع از سیستم مدیریتی کشور خارج شدم و با توجه به اینکه عضو هیات علمی بودم در این مقطع و تا ورودم به مجلس شورای اسلامی در سال ۹۱، امور وظیفه هیات علمی، دبیر کلی سندیکای بیمه گران ایران، هیات رئیسه اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران،

عضو اتاق ایرانیان اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران ، نماینده دولت در شرکت پترو امید آسیا (ساخت مخازن نفت و به عنوان عضو غیر موظف) ، هیات مدیره مرکز تحقیقات بانکداری اسلامی شهید صدر و دیگر امور تحقیقاتی و مطالعاتی را بعهدہ داشته و حتی در این دوران نیز یک ریل فعالیت شخصی، بنگاهی و اقتصادی نداشتم و توانم در خدمت ارکان حکومتی متناسب با توان و حدود اجازه ورود بود.

دقت شود در مستندات ارائه شده تمامی موارد اقتصادی مرتبط با اینجانب مربوط به همین دوره بود که همگی غیر شخصی ، عمدتاً غیر موظف و حکومتی بود و هیچ فعالیت اقتصادی حتی در آن مقطع هم که مسئولیت نداشتم وجود ندارد و اگر چه وجود هم داشت تخلفی نبود

در دوره نهم مجلس شورای اسلامی و در شرایطی که اصلاح طلبان انتخابات مجلس را تحریم کرده بودند اینجانب وظیفه خود میدانستم در انتخابات شرکت کرده و با رای بالای مردم که تا آن موقع کسی چنین رای نیاورده بود به افتخار وکالت مردم از حوزه گچساران و پشت رسیدم. علی رغم اینکه به عنوان یک شخص با نگاه اصلاح طلبانه و البته بدون هیچ نوع وابستگی به هر حزبی وارد مجلس شده بودم توانستم اعتماد همکاران محترم که عمدتاً از طیف اصولگرایان مجلس بودند را جلب کرده و در آن دوره نایب رئیس کمیسیون بودجه ، رئیس کمیسیون بودجه ، عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی ، عضو کمیسیون ویژه برجام ، عضو هیات مذاکرات پارلمانی با پارلمان اروپا ، نایب رئیس و رئیس کمیسیون تلفیق بودجه شدم.

در کنار این وظایف بسیاری از موضوعات مهم محرمانه و سری نظام که در این یادداشت قابل طرح نیست به اینجانب محول شد.

بعد از دوره نهم و در دوره دهم مجدد از حوزه گچساران و پشت و در یک انتخابات خاص و دو سویه با کسب ۷۵ درصد آراء قاطبه مردم از هر طیف سیاسی و قومی توانستم ضمن کسب بالاترین درصد رای کشور ، رای تاریخی و غیر قابل تکرار در آن حوزه را کسب کرده و وارد مجلس شوم.

در این دوره نیز با جلب اعتماد همکارانم در مجلس و کمیسیون در طول چهار سال دوره خدمتم بدون رقابت و صرفاً بر اثر جلب اعتماد و در کنار بزرگان طیف های مختلف سیاسی و ضمن توسعه روحیه خدمت و تلاش و صداقت و بالا بردن کارایی در مجلس هر چهارسال بدون رقابت رئیس کمیسیون بودجه و تلفیق شده و علاوه بر این در مأموریت های مهم ملی و سری کشور از جمله عضویت در شورای هماهنگی امور اقتصادی کشور (سران) مشارکت جدی داشتم که ریز موضوعات در این یادداشت قابل طرح نیست.

در اعلام به اعتراض اینجانب بیان شده است در این مقطع جلوی تخصیص اعتبارات به نهادهای انقلابی و حوزه ها و نیروهای مسلح ، شورای نگهبان و مراکز دینی و حوزه ها را گرفته ام و یا اینکه با ضبط و بسط اعتبارات ، این مراکز را در اختیار خود قرار گرفته ام. ضمن اینکه این اظهار نظر را توهین به این نوع نهادهای مهم ملی میدانم و امیدوارم خودشان در جهت دفاع از حیثیت خودشان ورود کنند و ای کاش اجازه داشتم اطلاعات محرمانه و نحوه تنظیم بودجه نیروهای مسلح و مراکز دینی را بیان میکردم تا پاسخ این عزیزان را داده باشم. هر حرفی خلاف ادعای اینجانب توسط مدیریت محترم حوزه علمیه قم ، مرکز خدمات حوزه علمیه قم ، ستاد امر به معروف و نهی از منکر ، ارکان مختلف نیروهای مسلح (سپاه ، بسیج ، اطلاعات سپاه ، نیروی انتظامی ، ارتش) اعلام شود می پذیرم.

مجددا در دوره یازدهم کاندیدا شدم و علیرغم تخریبهای وسیع در داخل و شبکه های وسیع معاند از قبیل صدای آمریکا، بی بی سی، اینترنشنال و همچنین تحریم های سیاسی جریانات همسوی فکری و پس از کنکاش های وسیع شورای نگهبان و نهادهای امنیتی صلاحیت اینجانب مورد تایید قرار گرفت و علیرغم وجود کاندیداهای متعدد سیاسی و قومی مجددا با رای قاطع و با فاصله بسیار زیاد نسبت به دیگر کاندیداها توسط قاطبه مردم انتخاب شده و علی رغم بسوزاری های شبکه های وسیع مجازی داخلی و خارجی در همان ابتدای بررسی ها، انتخابات به تایید شورای محترم نگهبان رسید و لذا طرح موضوعات مطروحه در اعتراض همکاران محترم از قبیل هزینه های غیر متعارف و تبلیغات خاص و از این قبیل موارد موضوعیت ندارد.

بخش دوم: دیدگاه سیاسی

اینجانب معتقد به اصل ولایت مطلقه فقیه و احکام قانون اساسی بوده و خود را در همه احوال متعهد به این چهارچوب دانسته و تخلفی نداشتیم و قطعاً اگر تخلفی در طول سی سال گذشته داشته بودم در چهار دوره حضور در انتخابات مثل همه آنانی که رد صلاحیت شدند رد صلاحیت می شدم. برای اداره امور کشور و در چهارچوب قانون اساسی و سیاست های کلان نظام نگاهی اصلاح طلبانه داشته و معتقدم نظام برای اداره خود نیازمند تفکرات مختلف معتقد به قانون اساسی، شرع و ولایت مطلقه فقیه می باشد و این موضوع موکدا مورد تایید مقام معظم رهبری نیز بوده است. خود را انقلابی و غیر شعاری میدانم و هیچگاه و در هیچ مقطعی عضو رسمی هیچ حزبی نبودم و بارها به شکل رسمی و غیر رسمی اعلام کرده ام در امور تصمیم گیری بنا به تشخیص سیاست های کشور تصمیم مستقلانه، کارشناسی، فنی، توسعه گرا و خیرخواهانه برای مردم می گیرم. همچنان که اشاره کردم معتقد به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه بوده و این اعتقاد را از نوجوانی و در اولین وصیت نامه ام در دوران جنگ تحمیلی و تاکنون به اثبات رسانده و نمی توانم شاهی مبنی بر عدول از فرمایشات و رهنمودهای حکیمانه ایشان ارایه دهند مگر اینکه مخالفتی دیدگاهی در برخی از امور یا جریانات یا افراد تند روی اصولگرا داشته ام که این اظهار نظر و مخالفت نمی تواند به معنی تعارض یا خط رهبری و ولایت تلقی شود. همچنان که در برخی اظهار نظرات اینجانب، همفکران تند روی اصلاح طلب رفتار اینجانب را قبول نداشته و برنمی تابند.

معرضین به اعتبار نامه اینجانب اشاره به عضویت در جریان سران فتنه ۸۸ اغتشاشات و این نوع موضوعات کرده اند که فکر کنم بعد از چند دوره تایید شورای نگهبان و حتی عدم ارائه یک اظهار نظر رسمی در این مورد توسط مراجع امنیتی بهترین پاسخ در این زمینه است.

اشاره شده است اینجانب مخالف موضوعات مربوط به حزب الله لبنان، سوریه، مبارزه با داعش بودم و ای کاش شهید سرافراز حاج قاسم سلیمانی زنده بودند تا آن شهید بزرگوار پاسخ می دادند امین، حامی و مجرم ایشان و کل نیروهای مسلح در طول هشت سال گذشته حضورم در مجلس چه کسی بود. انتظار دارم حال که بدلیل محرماتنه بودن اسرار نظام امکان بیان اقداماتم در این یادداشت نیست به قرائن توجه شود.

بخش سوم: وضعیت خانوادگی

ادعای وقیحانه، زشت، توهین آمیز، غیر اخلاقی، کذب، قابل پیگرد حقوقی در خصوص پدر، مادر و برادران و خواهرانم صورت گرفته است که نمیدانم چگونه پاسخ دهم! ولی برای تنویر ذهن شما عزیزان اشاره ای به شرح زیر می شود.

- پدر: پدرم بزرگ یک طایفه سنتی بود که از گذشته های دور دارای جایگاه خاص اجتماعی بود. مسلمان و معتقد بود. در مطالب معترضین نکاتی گفته شده که آنقدر زشت و غیر اخلاقی است که شرم از تکرار آن دارم.

او مسلمان و معتقد به رعایت مبانی دینی و تشیع بود. در شرایطی که اشاره شده بعد از کودتای مرداد ۳۲ در کمپ انگلیسی ها زندگی می کرد فقط این را میدانم در آن سال ها که حتی ازدواج او با مادرم انجام نشده بود در قریه پشت زندگی می کرد و با پای پیاده و در سال ۳۳ به کربلای معلی سفر کرده و سال ها تنها زیارت کرده کربلا در منطقه بود و تا زنده بود و بعد از فوتش هیچگاه زیارت امام حسین در خانه او قطع نشد. او مالک و معتقد به مبانی دین بود و مقلد حضرت امام خمینی قبل از انقلاب بود و وجوهات خود را از طریق مرحوم پسندیده به امام راحل پرداخت می کرد. او در سال ۶۰ بر اثر تصادف فوت کرد و حتی یک اظهار نظر رسمی مبنی بر وابستگی به ساواک و این نوع موضوعات در سابقه زندگی او وجود نداشت و در اوایل انقلاب بدون حتی یک شاکه، مورد توجه حکومت بدلیل مالک بودن قرار گرفت و بعد از آن هم به زندگی و امور خود تا هنگام فوتش ادامه داد. مشخص نیست این اطلاعات جدید و کهنه بعد از چهل سال، از پستی کدام انسان خدا شناس بیرون آمده است.

- مادر:

متأسفانه در متن معترضین مطلبی در مورد مرحوم مادرم گفته شده است که اگر خدای ناکرده مردم شریف منطقه این متن را ببینند یا بشنوند قطعاً بر نمی تابند.

مادرم مرحومه حاجیه کبری کرمی مادر شهید احمدرضا تاج گردون در سال ۹۰ و یک روز قبل از انتخابات دوره نهم فوت کردند. مردم شهرم او را به عنوان یک زن مومنه، قرآن دوست، حامی محرومین و مستضعفین، کسی که منزلت قدمگاه رزمندگان و پاسداران بود و امروز مزارش زیارتگاه دوستدارانش و بچه های جنگ بود می شناسند. مردم شهرم او را به عنوان مادر من نمی شناسند، او را مومنه و وفادار به دین و انقلاب و جنگ و ارزش ها و یاور فقراء می شناسند. ذکر وابستگی او به طاغوت، منافقین (کسی که فرزند شهیدش و دیگر فرزندانش بارها توسط این فرقه آسیب جدی دیدند و حتی یکبار شهید احمد رضا را با چنگ و دندان توانست از زیر دست آنان نجات دهد و اکنون آنانی که روزی احمدها را کتک میزدند نویسنده این یادداشت های توهین آمیز شدند) یک توهین غیر قابل بخشش است.

نمیدانم هدفشان از طرح این موضوع چیست ولی هر چه باشد روح ایشان، من و فرزندان و دوستدارانش در روز قیامت از نویسندگان این متن و کسانی که نوشته اند این مطالب را تایید میکنیم نمیگذرد و اعتقاد دارم بدلیل این توهین سنگین به این مادر مومنه در همین دنیا مکافات خود را خواهند دید.

بخش چهارم: ادعای داشتن شرکت های تو در تو و رانتخواری

درخواست کردم لیست این شرکت ها ارائه شود تا مستند و مستدل پاسخ دهم. لیست ۷۲ شرکت ارائه شد. مجموعه این شرکت ها را در قالب جدول و نمایش پیوست آورده ام. قضاوت با شما ولی اگر کسی بتواند ثابت کند خود و خانواده تحت تکلفم کوچکترین فعالیت اقتصادی داشته بودیم یا داشته باشیم تمام اتهامات را می پذیرم. اگر چه داشتن فعالیت برای زندگی فرزندانم نه تنها خلاف نیست بلکه لازم است. ضمن درخواست دقت در جدول پیوست صرفا اتهام شرکت ها و موسساتی که اشاره شده ، متعلق به من می باشد یا سهم داشته ام به شرح زیر میآورم.

- عضو هیات مدیره مرکز بهره وری ایران : این مرکز یکی از مراکز وابسته به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است و معاون اقتصادی سازمان مدیریت خودبخود رییس هیات مدیره این سازمان می شد. من در سال ۱۳۸۳ به دلیل اینکه معاون سازمان برنامه بودم رییس هیات مدیره این سازمان نیز بودم
- عضو هیات رئیسه اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران: در سال ۱۳۸۴ که اینجانب مسئولیتی نداشتم در انتخابات اتاق تعاون کشور شرکت کردم و حدود دو سال عضو هیات ریسه اتاق که یک نهاد حکومتی بود شدم.
- عضو مرکز ICC اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران: در سال ۱۳۸۶ وقتی که دبیر کل سندیکای بیمه گران ایران بودم در انتخابات این مرکز که یک مرکز حکومتی است شرکت کرده و در کنار آقایان مرحوم عسکر اولادی ، میرمحمد صادقی ، خاموشی ، نهایندیان ، سیف انتخاب شدم و به مدت دو سال همکاری کردم.
- موسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی شهید صدر: این موسسه با مشارکت چند بانک برای تحقیق در باب بانکداری اسلامی و با هیات امنایی آیت الله تسخیری . حجت الاسلام موسوی ، دکتر کاظم صدر در سال ۸۹ تشکیل شد و من هم مدیر این موسسه تحقیقاتی شدم. موسسه تنها کار علمی در زمینه بانک داری اسلامی انجام میداد و بدون یک ریال پرداخت وجه انجام وظیفه کرده و بعد از ورود اینجانب به مجلس تقریبا متوقف شد.
- شرکت پترو امید آسیا: مدعی شده اند اینجانب سهامدار این شرکت هستم. شرکت متعلق به بانک سپه بوده و سهام آن متعلق به دولت است. در سال ۹۰ و قبل از حضورم در مجلس عضو غیر موظف هیات مدیره این شرکت بودم و کار شرکت ساختن مخازن استراتژیک نفت بوده و هست. و به محض انتخابم در مجلس و در سال ۹۱ از شرکت خارج شدم .

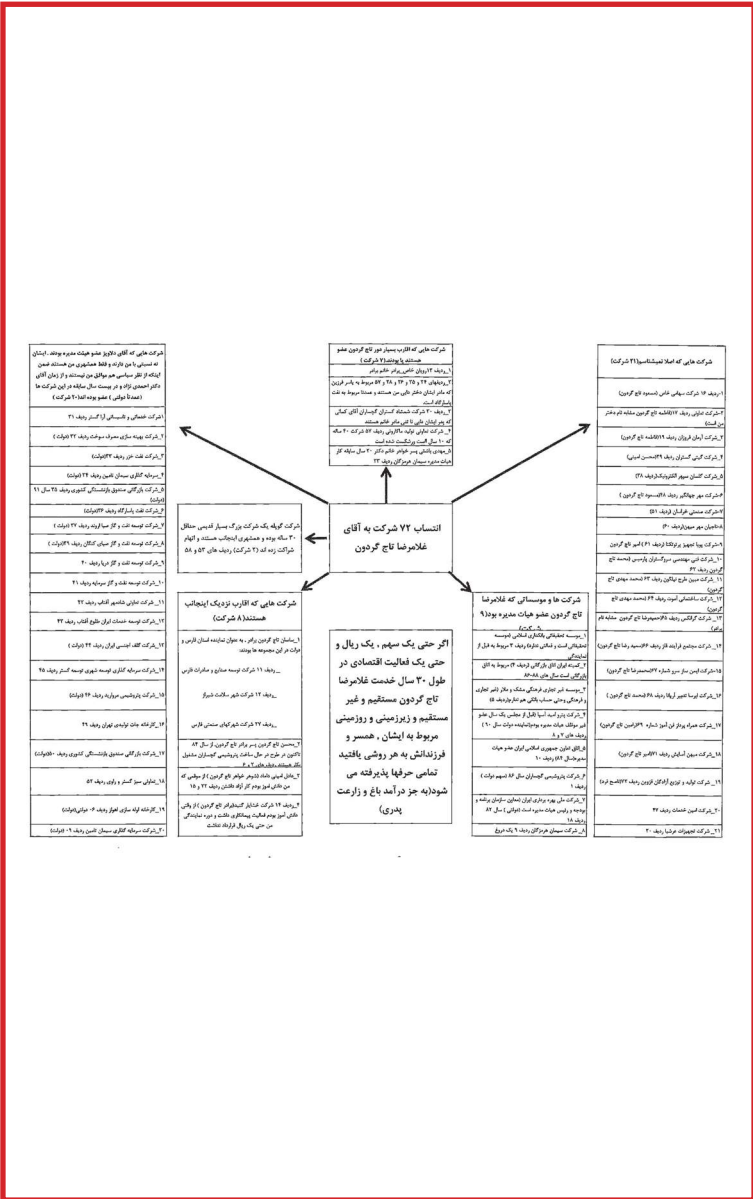
• عضو غیر موظف پتروشیمی در حال ساخت گچساران: در سال ۸۶ و در دوره ای که مسئولیتی نداشتم عضو غیر موظف این پتروشیمی بودم و تلاش برای تامین مالی طرح میکردم و بعد از یکسال خروج پیدا کردم.

• موسسه فرهنگی غیر تجاری مشک و ملار: این موسسه یک موسسه فرهنگی غیر تجاری است و من عضو اعضای موسس آن میباشم. مشابه این را بسیاری از نمایندگان از جمله یکی از معترضین به اینجانب دارند و وجود آن خلاف مقررات نیست و البته ذکر این نکته ضروری است که این موسسه حتی یک ریال گردش مالی نداشته است.

همانطوریکه ملاحظه میشود هیچ فعالیت اقتصادی نداشته و ندارم و اگر در موسسه ای فعالیت میکردم همگی دولتی و حکومتی و غیر اقتصادی بوده و مربوط به دوران قبل از مجلس و در فاصله ای بود که مسئولیتی نداشتم. در پایان امیدوارم اعضاء محترم شعبه با دقت لازم و با رضایت خداوند متعال آنچه که شایسته حق است اعمال نمایند.

غلامرضا تاج گردون
منتخب مردم شریف شهرستان های گچساران و باشت

۸۹/۳



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرات آیات فقههای محترم شورای نگهبان و حقوقدانان محترم شورا

با سلام و تحیات

به استحضار میرساند پس از چهاربار تأیید صلاحیت مستقیم و بدون خدشه توسط آن شورا و حضور سه باره در مجلس شورای اسلامی، این بار بنا به سلائق سیاسی و اغراض محلی از طرف گروه دیگری از منتخبین عزیز که حضور اینجانب در مجلس را در جهت منافع خود نمی دانند و یا مانی در تأمین منافع خویش می دانند و یا اینکه احساس تکلیف در بیان اعتراض میکنند، هر آنچه متصور بود ادعا و اخبار ناثواب، نادرست و ناروا به اینجانب نسبت داده اند و به اعتبار نامه اینجانب معترض شده اند. همه این موارد و حتی بیش از این بارها و در مراحل مختلف مطرح گردیده بود و هر بار شورای محترم نگهبان با عدالت و رعایت انصاف و الزامات و شرایط قانونی آنچه که من غیر حق و بدون استدلال و غیر مستدل و غیر مستقیم به اینجانب نسبت دادند رد نموده و موجبات خدمت اینجانب به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و وفاداری به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه را فراهم ساخته اند.

✓ در صدر موضوعات منتسب به اینجانب و خانواده ام عدم اعتقاد و التزام به ولایت فقیه را مطرح فرموده اند و مستحضربید اینجانب به علت اعتقادم به نظام در ۱۵ سالگی وارد جبهه های جنگ شدم و به عنوان رزمنده بسیجی انجام وظیفه کردم و در سن کمتر از ۱۶ سالگی به افتخار جانبازی نائل شدم و اگر به نظام و انقلاب اعتقاد و التزام عملی نداشتم چگونه ممکن بود برای آن جنگیده و جانبازی کنم.

برادرم شهید احمدرضا تاج گردون پاسدار شهید جنگ است و علاوه بر آن سه برادر دیگرم افتخار رزمندگی دوران جنگ را دارند.

آیا برای خانواده ای که یک شهید، یک جانباز و سه رزمنده دیگر دارد چیزی بجز اعتقاد ولایتی به نظام، قانون اساسی و دیگر ارزش های انقلاب متصور است. لذا از نظر سوابق شخصی و خانوادگی جزء خانواده های وفادار به انقلاب و نظام بوده و افتخارمان تداوم راهی است که با امام روح الله آغاز کردیم و اکنون نیز با همان کیفیت و با همان تبعیت ادامه میدهیم.

✓ در طول دوران خدمتم در مجلس شورای اسلامی و در کسوت مسئولیت در کمیسیون برنامه و بودجه به شهادت احکام و ردیفهای بودجه و نیز اظهارات مسئولین محترم سپاه، بسیج، نهادهای دینی و فرهنگی عالمانه و معتقدانه و علی رغم تمامی بداخلاقی ها به تقویت این نوع مراجع پرداخته و کوتاهی نکرده ام.

بنابراین دادن وجه بی توجهی اینجانب به این نوع نهادها امری ناروا و نادرست است و در طول هشت سال گذشته سعی کردم محرم اسرار نظام در این مقولات باشم و خطایی اتفاق نیفتاد.

✓ در رابطه با ادعای داشتن شرکتهای متعدد اقتصادی که خوشبختانه قبلاً توسط آن شورا بررسی شده است صرف نظر از اینکه باز هم مدرک مستدلی ارائه نشده است و باز هم صرفاً اشاره به ادعاهای خلاف شده است، بنا به اعتقادی که به اصل ۴۱ قانون اساسی دارم خلاقی در این زمینه انجام نشده است و ادعای تخلف اینجانب مربوط به موارد زیر است که شرح ماقع تقدیم میگردد.

ضمن درخواست دقت در موارد زیر ادعا شده است بدلیل عضویت اینجانب در موسسات و نهادهای زیر فعالیت اقتصادی داشته و این بار نیز همانند گذشته سوگند یاد می کنم در طول سی سال خدمت مستقیم در دولت حتی یکبار و یک ریال فعالیت اقتصادی شخصی نداشته و ندارم، شرکت ها و موسساتی که اشاره شده است متعلق به من می باشد یا سهم داشته ام به شرح زیر آورده شده است.

- عضو هیات مدیره مرکز بهره وری ایران: این مرکز یکی از مراکز وابسته به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است و معاون اقتصادی سازمان مدیریت خودبخود رییس هیات مدیره این سازمان می شد. من در سال ۱۳۸۳ به دلیل اینکه معاون سازمان برنامه بودم رییس هیات مدیره این سازمان نیز بودم
- عضو هیات رئیسه اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران: در سال ۱۳۸۴ که اینجانب مسئولیتی نداشتم در انتخابات اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران شرکت کردم و حدود دو سال عضو هیات رئیسه اتاق که یک نهاد حکومتی بود شدم.
- عضو مرکز ICC اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران: در سال ۱۳۸۶ وقتی که دبیر کل سندیکای بیمه گران ایران بودم در انتخابات این مرکز که یک مرکز حکومتی است شرکت کرده و در کنار آقایان مرحوم عسکر اولادی ، میرمحمد صادقی ، خاموشی ، نهاوندیان ، سیف انتخاب و به مدت ۲سال انجام وظیفه کردم.
- موسسه تحقیقاتی بانکداری اسلامی شهید صدر: این موسسه با مشارکت چند بانک برای تحقیق در باب بانکداری اسلامی و با هیات امنایی آیت الله تسخیری ، حجت الاسلام موسوی ، دکتر کاظم صدر در سال ۸۹ تشکیل شد و من هم مدیر این موسسه تحقیقاتی شدم. موسسه صرفاً کار علمی درخصوص بانکداری اسلامی انجام میداده و بدون یک ریال پرداخت وجه انجام وظیفه علمی کرده ام و بعد از ورود اینجانب به مجلس تقریباً متوقف شد.

- شرکت پترو امید آسیا: مدعی شده اند اینجانب سهامدار این شرکت هستم. شرکت متعلق به بانک سپه و سهام آن متعلق به دولت است. در سال ۹۰ و قبل از حضورم در مجلس عضو غیر موظف هیات مدیره این شرکت بودم و کار شرکت ساخت مخازن استراتژیک نفت کشور بوده و هست. به محض انتخابم در مجلس در سال ۹۱ از این شرکت خارج شدم.

- عضو غیر موظف پتروشیمی در حال ساخت گچساران: در سال ۸۶ و در دوره ای که مسئولیتی نداشتم عضو غیر موظف این پتروشیمی بودم و تلاش برای تامین مالی طرح میکردم و بعد از یکسال خروج پیدا کردم.

- موسسه فرهنگی غیر تجاری مشک و ملار: این موسسه یک موسسه فرهنگی غیر تجاری است و من عضو هیات موسس این موسسه بودم. مشابه این را بسیاری از نمایندگان از جمله یکی از معترضین به اینجانب دارند و خلاف نیست و البته ذکر این نکته ضروریست که این موسسه حتی یک ریال گردش مالی نداشته و کاملا فرهنگی و غیر تجاری است.

همانطورکه ملاحظه می شود هیچ فعالیت اقتصادی نداشته و ندارم و اگر در موسسه ای فعالیت میکردم ، همگی دولتی و حکومتی و غیر اقتصادی بوده و مربوط به دوران قبل از مجلس و در فاصله ای بود که مسئولیتی نداشتم.

همچنانکه مستحضرد مواردی که اعلام کرده اند نه تنها یکبار بلکه بطور متعدد و در سنوات مختلف توسط آن شورا و دیگر نهادهای امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می رسد این موارد در هر بار توسط گروه خاص و به شیوه خاص و متناسب با شرایط خاص که همگی ریشه افراض محلی دارد متناسب با مشتری و مرحله بررسی فراهم شده و طرح می گردد و این بار توسط همکاران محترم مجلس و با همان سابقه و ریشه تحت عنوان شفافیت و مبارزه با فساد طرح شده و ضمن اعتراض به اعتبارنامه اینجانب مستنداتی تهیه و فراهم شده است.

مطابق قانون و در جهت کسب احراز نظر شورای نگهبان از این جهت که آیا قبلا در شورا موارد بررسی شده است یا خیر از آن شورای محترم استعلام شده است.

این تمهید و تجهیز و جمع آوری مجموعه ای از اطلاعات سوخته قدیمی چون رضای خداوند متعال بر آن استوار نیست قاعدتا نباید بر سابق بررسی توسط آن شورا تاثیر گزار باشد و مستحضرد برای سومین بار و پس از تایید شورای محترم نگهبان ، مردم که مهمترین ناظر اعمال امثال من در دنیا می باشند ، با رای قاطع حکم بر رد این موارد و تایید حسن شهرت زدند و مجدد اینجانب را انتخاب و شورا صحت انتخابات را نیز تایید فرمودند.

یقین دارم این اتفاقات که بیاتر عدم توجه و التزام به اخلاق و نیز غوغا سالاری توسط معترضین و بعضا رسانه ها و فضای مجازی می باشد ادعایی بیش نیست و حتما شورای محترم ضمن توجه به حکم الهی و رعایت حقوق مکتسبه در قانون اساسی که اکنون در دستان شماسست توجه کرده و از حقوق اینجانب و حق موکلینم که با عشق در انتخابات شرکت کردند دفاع خواهند کرد.

امیدوارم با توجه به دینداری و خداترسی اعضاء محترم آن شورا و بررسی حسن رفتار و سلوک اینجانب در دو دور گذشته در مسئولیت های خاص و مهم که میتوانست لغزش های بسیار سیاسی ، اقتصادی بوجود آورد (و یقینا این نوع رفتار دور از چشم نظارت استصوابی شورا نبود) توجه لازم را به عمل آورده و خواهشمند است در جهت صیانت از قانون ، شرافت انسانی ، حفظ اعتبار و آبروی مسلمان ، حفظ حقوق و رای قاطبه مردم عمل فرموده و مردم شریف ، صادق ، ولایتمدار حوزه انتخابیه و دیگر آنانی که حقیر را با بیش از سی سال خدمت صادقانه در نظام می شناسند را از نگرانی خارج ساخته و تصمیم قاطع بر عدم لزوم به رسیدگی مطابق قانون آیین نامه داخلی مجلس(بدلیل بررسی قبلی در شورای نگهبان) صادر فرمایید. اگرچه غیر از این باشد به شرطی که موجبات تشویش اذهان مردم شریف ایران نگردد باز هم آمادگی پاسخگویی به نمایندگان محترم شریف مردم در مجلس شورای اسلامی را دارم.

غلامرضا تاج گردون

منتخب مردم شریف شهرستان های گچساران و یاشت

۱۳۹۴
۲۹

شماره: ۱۵۳۱۳۱۸

تاریخ: ۲۰۳۰.۰۳.۶۹

بیوست: _____



شعبه دوازدهم

پیش

گزارش از شعبه ۱۲ به مجلس شورای اسلامی

در اجرای ماده (۲۹) آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون از حوزه انتخابیه گچساران و باشت که پس از انجام مراسم تحلیف در جلسه روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۳/۷ به این شعبه ارجاع گردیده و مورد اعتراض جناب آقایان علیرضا زاکانی، علی‌اکبر کریمی، روح اله نجابت، علی خضریان، سیدنظام‌الدین موسوی، مجتبی رضاخواه، اقبال شاکری، احمد نادری و مالک شریعتی نیاسر قرار گرفته بود، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۰ مورد رسیدگی قرار گرفت و با اکثریت آراء تایید گردید.

سید ناصر موسوی لاریجانی

رئیس شعبه ۱۲



دریافت صفحه با کد QR



اعلام جرم دیده بان شفافیت علیه تاجگردون

۲۰ خرداد ۱۳۹۹ ساعت ۲۰:۰۰

احمد توکل رییس هیات مدیره دیده بان شفافیت و عدالت در نامه ای به دادستان تهران علیه تاجگردون رئیس سابق کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی اعلام جرم کرد.

به گزارش جهان نیوز، احمد توکل رییس هیات مدیره دیده بان شفافیت و عدالت در نامه ای به دادستان تهران علیه تاجگردون رئیس سابق کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی اعلام جرم کرد.

در بخشی از این نامه آمده است: با کمال تأسف برخی از نمایندگان با سوءاستفاده از موقعیت و قدرت خویش با نقض احکام قانونی در تعیین اعتبار و تخصیص منابع به حوزه های انتخابیه خود، وضع آشفته طرح ها و پروژه نیمه تمام را آشفته تر می سازند و از این طریق، به تورم دامن میزنند، بازدهی سرمایه گذاری را کاهش میدهند، منابع حیثیتی را معطل میکنند و بار مالی سنگینی بر بودجه دولت می افزایند.

متن این نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
برادر ارجمند جناب آقای اقصای مهر
دادستان محترم تهران
سلام علیکم

به استناد مواد (۵۲۷)، (۵۳۲)، (۵۴۰)، (۵۷۶)، (۵۹۸) و (۶۷۴) قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، همچنین مواد متعدد قانون اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب سال ۱۳۱۵ و ماده (۲) قانون اصلاح و تألیف موادی از لایحه تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، بدین وسیله اعلام جرم و شکایت دیده بان شفافیت و عدالت را علیه آقای غلامرضا تاجگردون، نماینده گجساران در مجلس شورای اسلامی، در ارتباط با فعالیتهای غیرقانونی و خسارت‌باری که در مقام مدیرکل و یا معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و در کسوت نمایندگی مرتکب شده‌اند، تقدیم می‌داریم. فعلها یا ترک فعلهایی از آقای، به دلایلی که در پی می‌آید مضائق عنایتی است که در مواد فوق‌الذکر، جرم انگاری شده است. متعاقباً موارد دیگری از تخلفات و جرائم احتمالی دیگری نیز این‌شاه‌الله تقدیم خواهد شد و بنا بر آنچه تقدیم شده، رسیدگی قضایی عاجل به این موضوع را درخواست می‌کنیم^[۱]. در ادامه پس از یک مقدمه توضیحی ضروری، رفتارهای مجرمانه و مستندات ذریعاً تقدیم می‌شود.

مقدمه

مدیجیم فساد وقتی سیاسی شمرده می‌شود که از قدرت سیاسی برای کسب و انباشت ثروت یا حفظ و تحکیم قدرت سوءاستفاده شود. نوعی از آنکه معطوف به انباشت ثروت است، در اشکال تاراج منابع ملی، خیانت در قراردادهای خارجی، اختلاس، ویژه خواری (Rent Seeking) دوشیدن مردم تا می‌رسد به کیپتوکراسی (حاکمیت زندان). نوع دوم که معطوف به قدرت است، در اشکال ترجیح رفقا در سپرن پیمان‌ها و قراردادهای (Cronyism) تبارگرایی و خویش و قوم پرستی (Nepotism)، پارتی‌بازی و حمایت ویژه (Patronage) و تجارت نفوذ (Trading Influence) عمل می‌کند. فحراً ثروت هم حاصل می‌شود ولی نخستین محل و مقصود از صرف اموال، حفظ و تحکیم قدرت است.

شماره: ۱۲۱۶۱

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۳/۲۰

پیوست: ۱

پست



شعبه دهم

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام بازگشت به نامه شماره ۱۴۲/۱۴۴۹۹ د مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۹ منضم به جوابیه مکتوب شورای محترم نگاهبان در خصوص اعتبارنامه آقای حسین محمد صالحی دارائی از حوزه انتخابیه فریدن، فریدونشهر، چادگان و بویین و میاندشت که مورد اعتراض سرکار خاتم زهره الهیان قرار گرفته بود، در جلسات متعدد با استناد سداکرات قبلی شفاهی یا شورای محترم نگاهبان و همچنین بررسی یک مورد از موارد اعتراضی که طی مکتوبه واصله از شورای محترم نگاهبان مورد رسیدگی آن شورا قرار نگرفته بود، موضوع در شعبه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اعتبارنامه آقای حسین محمد صالحی دارائی با اکثریت آراء تأیید گردید.

رئیس شعبه
غلامرضا تاج گردون

شماره: ۱۳۱۴۴
 تاریخ: ۱۳۹۹ / ۳ / ۲۰
 پیوست:

پیوست



هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام بازگشت به نامه شماره ۱۲/۱۲۴۵۰ د مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۹ منضم به جوابیه مکتوب شورای محترم نخبگان در خصوص اعتبار نامه جناب آقای سید کاظم دلخوش ابانری از حوزه انتخابیه صومعه سرا که مورد اعتراض آقایان روح اله نجابت و علیرضا زاکانی قرار گرفته بود، در جلسات متعدد با استناد مذاکرات قبلی شفاهی با شورای محترم نخبگان که برای این شعبه نیز احراز شده بود، تصمیمات متخذه با علم به این مراتب اخذ گردید است.

لذا به استناد نامه صدرالذکر و جوابیه واصله و مذاکرات شفاهی با شورای محترم نخبگان تصمیمات متخذه جلسه مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳ طی نامه شماره ۱۱۳۷۳ شعبه دهم تقدیم و مجدداً اعتبارنامه جناب آقای دلخوش با اکثریت آراء تایید شد.

رئیس شعبه
 غلامرضا تاج گردون

تاریخ: ۹۹/۳/۲۴
شماره: ۱۹۹/۳۰.۴۵۸۸
پست:



بانک سپه
رئیس حیات ریبه و مدیر عامل

دبیره عالی

سال ۱۳۹۹؛ سال جشن تولید
تمام منظم رزبری

جناب آقای دکتر غلامرضا تاج گردون
نماینده محترم مردم شریف گچساران و یاست در مجلس شورای اسلامی

موضوع:

سلام علیکم

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۹۹۰۳۲۱۴۸ مورخ ۹۹/۳/۲۱ به استحضار می‌رساند: مراتب عیناً با پی‌نوشت اینجانب به‌عنوان مدیرعامل محترم شرکت سرمایه‌گذاری امید به‌شرکت مذکور منعکس شد که پاسخ مدیریت شرکت سرمایه‌گذاری امید به‌شرح پیوست ایفاد می‌شود.

محمد کاظم چقازردی

| ردیف | نام و نام خانوادگی | شماره شناسنامه | تاریخ تولد | محل تولد | نام پدر | کد ملی | محل فعالیت | تاریخ صدور حکم |
|------|--------------------|----------------|------------|----------|----------|------------|-------------------|----------------|
| ۱ | آرژن حبیبی | ۱۳۳۸ | ۱۳۵۷/۰۱/۰۳ | گچساران | امام بخش | ۲۴۶۸۹۱۴۴۰۴ | سنگ آهن کهر زمین | ۹۹/۱۰/۲۳ |
| ۲ | مهدی باشتی | ۱۷۳۸ | ۱۳۵۹/۰۵/۲۶ | گچساران | محمدحسین | ۲۴۶۸۹۱۸۳۸۰ | سیمان هرمزگان | ۹۴/۰۴/۱۰ |
| ۳ | سید جعفر هاشمی | ۲۶۵ | ۱۳۵۵/۰۷/۰۱ | گچساران | محمدحسین | ۲۴۶۹۵۰۶۷۶۶ | توسعه کوهران امید | ۹۷/۰۱/۱۴ |
| ۴ | محمد مهدی امینی | ۳۱۰۱ | ۱۳۶۵/۰۵/۲۱ | گچساران | عادل | ۲۴۶۹۸۲۶۷۳ | کهر انرژی سمرجان | ۹۶/۱۲/۱۸ |

اولین جلسه کمیسیون تحقیق و تعیین هیات رئیسه کمیسیون و اینکه چکار میکند.
جلسه ۹۹/۰۳/۲۶

اولین جلسه کمیسیون تحقیق در بررسی اعتراض به اعتبار نامه:
بعد از استماع نقطه نظرات معترضین و خروجشان از جلسه ، قرار شد موارد به من ارائه شده و نقطه نظرات و توضیحات را بشنوند. محورهایی که توسط رئیس کمیسیون مطرح شد که بیانگر محور های اعتراض معترضین بود.

- عدم صداقت آقای تاج گردون در بیان مسائل _ معترضین گفتند آقای تاج گردون مطالبی را در شعبه مطرح کردند که صحت نداشت و موجب شد شعبه نتواند تصمیم درست بگیرد. مسائلی مانند تحسن در مجلس ، مدرک تحصیلی و...
- موضوع کلیپ سخنرانی در خصوص تعرض به مقام معظم رهبری در خصوص نامه گروهی به رهبری.
- استناد به ۲ نامه وزارت اطلاعات بر علیه تاج گردون
- سوء استفاده از موقعیت شغلی و ایجاد مشکل برای نهادهای دولتی
- بسط و قبض بودجه و مخالفت دولت با تغییرات بودجه در تلفیق و اینکه ۳۹ هزار میلیارد تومان بودجه بدون نظر دولت افزایش یافته است.
- اقدامات غیر قانونی در بحث زمین خواری زمان پدر آقای تاج گردون و عدم برگشت زمین های مربوط به مردم
- اخذ رشوه همکار سازمان برنامه استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۷۱
- تخلفات انتخاباتی در فضای تبلیغات و اینکه در میتینگ ها گروه های مسلح او را همراهی میکردند و این یک بدعت شد که هیچگاه نبود.
- ارتباط با ضد انقلاب و شبکه های مرتبط
- ارباب و تهدید هایی که از سوی طرفداران آقای تاج گردون نسبت به معترضین به اعتبار نامه شد
- قتل یک نفر در شب انتخابات توسط نیروهای شما
- موضوع دخالت در پرونده بانک سرمایه
- اینکه از مجموع ۱۲ عضو شورای نگهبان ۹ نفر به ضرس قاطع حکم به رد صلاحیت شما دادند
- موضوع سفر آقای تاج گردون به آمریکا و ارائه کلیپ جلوی کاخ سفید



https://khabaronline.ir/news/1401380
 ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ - ۱۳:۱۶
 کد خبر 1401380
 اخبار سیاسی ایران / احزاب و شخصیت‌ها



ناگفته‌هایی درباره تاجگردون در نامه توکلی به اعضای کمیسیون تحقیق / از پشت پرده تغییر ارقام جداول بودجه تا انتصاب برادر و داماد در سمت معاون وزیر

مهر نوشت: رئیس هیئت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت در نامه‌ای به اعضای کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی درخواست کرد که به اعتبارنامه «غلامرضا تاجگردون» منتخب مردم گچساران در مجلس رای ندهند.

احمد توکلی رئیس هیئت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت در نامه‌ای به اعضای کمیسیون تحقیق دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی از آنان خواست تا به اعتبارنامه غلامحسین تاجگردون منتخب مردم گچساران در مجلس رای ندهند.

وی دلایل مخالفت خود را در ۹ بند توضیح داده است.

متن این نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعضای محترم کمیسیون تحقیق دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

در مورد پرونده آقای غلامرضا تاجگردون نماینده سابق گچساران و باش و منتخب دوره یازدهم؛ اعتراضات، به‌طور بی‌سابقه‌ای بالاگرفته است. بخشی از اعتراضات به تغلیرها و تخلفاتی مربوط است که در مرحله بررسی صلاحیت نامبرده رخ داده است. اگرچه این امور اهمیت بسیار دارند ولی چون فعلاً در مرحله بعد از آن هستیم، به آن نمی‌پردازیم.

در روزهای اخیر به دنبال اعتراض ۹ نماینده به اعتبارنامه آقای تاجگردون، نایب رئیس مجلس طی نامه‌ای با انعکاس اعتراضیه نمایندگان مزبور، از شورای نگهبان می‌پرسد: «آیا آن شورا اسناد و مدارک ضمیمه اعتراضیه را پیشتر در اختیار داشته و همه آنها را بررسی کرده است؟» این کار در انجام وظیفه قانونی مذکور در تبصره ۲۸ ماده ۱۳۹۵ قانون اصلاح برخی از مواد قانون انتخابات مصوب ۱۳۹۵، صورت گرفته است.

طبق این تبصره شعبه موظف است اسنادی را از معترض یا معترضین بپذیرد که شورای نگهبان آنها را رسیدگی نکرده یا اساساً مربوط به اموری باشد که پیش از اعلام محنت انتخابات اتفاق افتاده باشد. این موضوع باید برای شعبه محرز شود. در مورد آقای تاجگردون، این الزامات رعایت نشده است. چرا که شورای نگهبان اساساً جلسه‌ای در اجرای ماده ۲۸ آیین‌نامه داخلی مجلس نداشته است.

تنها یکی از حقوقدانان که مسکولیت اجرایی نیز در شورا دارد، طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ به طور اجمالی گفته است که همه اسناد موجود نزد معترضان، بررسی شده است به جز اسناد مربوط به سوءاستفاده از عنوان دکتری و اعمال نفوذ برای پارگاماری. در حالی که شما آقایان، اعضای محترم کمیسیون تحقیق به درستی اطلاع دارید که شورای نگهبان هیچ جلسه‌ای برگزار نکرده تا اسناد را بررسی کند. بدین ترتیب، برای کمیسیون تحقیق محرز است که اسناد موجود را مرجع قانونی موظف به رسیدگی، بررسی نکرده است. به ویژه آنکه برخی از اسناد قطعاً بعد از تأیید صحت انتخابات، به دست معترضان رسیده است، به همین دلایل، کمیسیون تحقیق می‌تواند تمام اسناد در اختیار خود را مستند تصمیم‌گیری خویش قرار دهد.

اما اسناد چه می‌گویند؟

۱. آقای تاجگردون به عنوان کارمند عالی‌رتبه سازمان برنامه و بعد نماینده و رئیس کمیسیون بودجه و رئیس کمیسیون تلفیق بودجه و رئیس کمیسیون تلفیق برنامه از قدرت زیادی در تأمین نظرات مقاضیان اعتبارات برخوردار بود. متأسفانه وی از این قدرت برای تأمین منافع شخصی خویش بهره می‌برد. آقای تاجگردون از یکسو، برای جلب پشتیبانی مراکز قدرت، همه ترفندهای بودجه‌ریزی، تصویب، تخصیص و پرداخت را به کار می‌گرفت و از سوی دیگر با کاهش اعتبارات طرح‌هایی که قانوناً اولویت داشتند، اعتبارات مدنظر خودش را افزایش می‌داد.

برای نمونه آقای تاجگردون طرح آپرسانی آمراژه جعفر را از سال ۱۳۹۲ به پیوست بودجه اضافه می‌کند. این طرح در هیئت دولت مصوب نشده بود و تفتیق وی به بودجه اضافه شده بود. اعتبارات آن هم با کاهش اعتبارات سه طرح آپرسانی دیگر از شهرهای محروم‌تر استان (تنگ سرخ یاسوج، دهدشت غربی، لیک، بهمئی) که اولویت قانونی داشتند، انجام می‌شد. آقای تاجگردون کاش تنها به هم استانی مستضعف‌تر خویش ظلم و جور روا داشته بود، مسئله تنها این نبود؛ بلکه هدف اصلی وی کاملاً شخصی و برای آپرسانی به ۴۰۰ هکتار زمین‌های کشاورزی خود و خانواده‌اش بود.

وی در این مسیر، مواد ۳۲ برنامه چهارم و ۲۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه زیرپا گذاشت تا متقلبانه طرح امامزاده جعفر را بدون تصویب هیئت وزیران، در بیوست بودجه بگنجانند. بعد نوبت گنجانند دو طرح آبپرسی خان احمد و دشت مور که دو طرح مجزا هستند و ارتباطی با امامزاده جعفر ندارند به طرح امامزاده جعفر و تغییر اسامی ریفیهای سند بودجه بدون مجوزهای قانونی بود. افزایش غیرقانونی و در نتیجه بی‌حساب‌و‌کتاب تعداد و مبلغ طرح‌ها، میلیاردها تومان زیان در پی دارد که به دلالت ذیل ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی، ارتکاب آن برای آقای تاجگردون جرم و وی شخصاً ضامن آن است. ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، دست بردن در اسناد و اوراق رسمی و الحاق کلمه‌ای بدان‌ها یا تغییر اسامی موجود در آن‌ها را جرم شناخته است که مرتکب، به مجازات‌های اداری، جبران خسارت، حبس و جزای نقدی محکوم می‌گردد. این جرائم را نیز آقای تاجگردون بارها مرتکب شده است.

اگر مسئولی چنین تعیض و خیانتی به حوزه انتخابیه شما آقایان بکند، شما تحمل می‌کنید؟

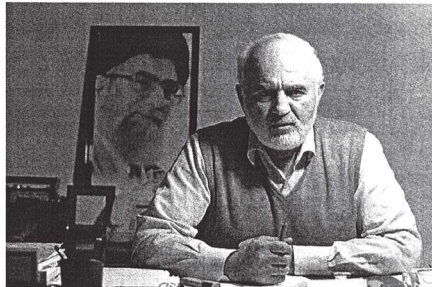
اگر کمیسیون محترم تحقیق، به رد اعتبارنامه رأی ندهد چه توضیحی برای این رفتار قانون‌شکنانه و زیان بار دارد؟

۲. متأسفانه، برای هیچکدام از جدول‌ها در قانون بودجه رأی‌گیری نمی‌شود، بلکه تنها در کمیسیون تلفیق روی ارقام بزرگ بحث و رأی گرفته می‌شود. در شب‌های آخر برپوش بودجه که نمایندگان سرشان به تبصره‌ها و تغییر عبارات آنها گرم بوده، همه ارقام جدول‌ها با نظر شخص آقای تاجگردون، پس از تغییرات دلخواه، تالیف می‌شد و پای تک‌تک جدول‌ها را امضا می‌کرد. اگر فرد دیگری، نه سلمان و ابودر، بلکه حتی یک انسان وطن‌دوست قانون‌گرا، مسئول این کار بود آیا به این روش اموی دست می‌زد؟

۳. مجاری اِعمال‌نمود برای انعقاد قرارداد شرکت پترامید آسیا در سال ۱۳۸۹ با شرکت ملی نفت ایران جهت احداث و اجاره مخازن نفت خام با ظرفیت حدود ۱۰ میلیون بشکه در گاموه به برآورد دیوان محاسبات که نزدیک به ۱،۵۰۰ میلیارد تومان خسارت به وزارت نفت وارد کرده است، این داستان غم‌انگیز درخور توجه جدی شما است. احراز صلاحیت به معنای کسب اطمینان از سلامت فرد است.

وقتی فردی با چنین اتهاماتی در دادرسی دیوان محاسبات پرونده مفتوح دارد، چگونه می‌تواند امین مردم باشد؟

۴. زمین‌خواری نیز داستان غم‌انگیزی دارد. اسناد متقن نشان می‌دهد که نطفه تاجگردون پدر نماینده گجساران، ۴۰۰ هکتار زمین در تصرف داشت که ۳۵۰ هکتار آن را دادگاه انقلاب مصادره کرده بود ولی عجیب این است که خانواده تاجگردون هنوز نزدیک به ۵۰۰ هکتار زمین دارد. نکته بسیار مهم در اینجا پیشنهاد است که در کمیسیون تلفیق که آقای تاجگردون آن را کنترل و مدیریت می‌کند و به لایحه بودجه ۹۷ دولت اضافه می‌گردد. در این لایحه به تبصره (۱۱) اضافه می‌شود که زمین‌هایی که قبلاً تصرف شده‌اند و یا به هر شکل واگذار شده‌اند و کاری روی آنها انجام نشده، در صورتی که دارای مستندات باشند با قیمت کارشناسی به متصرفان واگذار شود.



این حکم به متصرفانی امثال آقای تاجگردون فرصت می‌دهد تا به متصرفات غاصبانه، لایس قانون بپوشانند. در واقع این دقیقاً همان فساد قانونی است که رهبر فرزانه انقلاب چند سال پیش نسبت بدان هشدار داد. این ماده، با وجود مخالفت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، کارشناسان مستقل و برخی نمایندگان مجلس، متأسفانه با ۱۳۱ رأی تصویب می‌شود. شورای نگهبان آن را تأیید نمی‌کند و پس از اصرار مجلس به مجمع تشخیص رفته است. البته امید است در آنجا رد شود.

۵. وی پیش از این مدعی بوده است که مدرک دکترای مدیریت اقتصادی خود را طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به شکل درددی از مؤسسه گلوبال بیزنس آکادمی بروکسل بلژیک اخذ کرده است. مؤسسه‌ای که به این عنوان دکترای بدهد اصلاً وجود ندارد. وزارت علوم مدرک وی را بی‌اعتبار شناخته است. وی در این باره از هر دروغی که لازم دیده، فرو نگذاشته است. تاجگردون یکجا مدعی است دکترای مدیریت اقتصادی دارد. در جای دیگر، دکترای برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی و در جای سوم دکترای اقتصاد گرفته است. آقای تاجگردون در سایت مجلس، دکترای تخصصی دارد (۱۳۹۴)، در فرم دیوان محاسبات، دکترای اقتصاد (۱۳۹۵)، در فرم مرکز پژوهش‌های مجلس، دکترای اقتصاد (۱۳۹۸)، در فرم مؤسسه عالی پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی درای دکترای برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی از دانشگاه تهران! که سال فارغ‌التحصیلی ۱۳۹۲ ذکر شده است!

پس از این، در خرداد ۱۳۹۸ آقای دکتر ناهاندیان، رئیس مؤسسه عالی پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی، از وزیر علوم، آقای دکتر غلامی درخواست می‌کند که آقای تاجگردون به عنوان دانشجوی پژوهشی، در آن مؤسسه مشغول تحصیل شود که وزارت علوم به دلایل قانونی با آن مخالفت می‌کند. شگفت‌آور اینکه آقای تاجگردون در فرم همین مؤسسه که در سال ۱۳۸۶ پر شده است، خود را دانشجوی دکتری معرفی می‌کند!

قریب ۱۵ سال است که این فرد با دروغ‌گویی از مواهب مالی، منصبی و سیاسی این عنوان سوءاستفاده کرده است. از جمله در تدریس دانشگاه و در تبلیغات انتخاباتی. شما کمیسون تحقیقی‌ها از تأثیر این ترفندها باخبرید.

این افعال در ماده (۵۵۶) قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده و مجازات آن بین ۳ ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی است. کمیسون تحقیق نمی‌تواند از این جرائم چشم‌پوشد.

۶. نام آقای تاجگردون در کف‌برخواست و دادنامه پرونده فساد بانک سرمایه به عنوان فردی که از موقعیت خود برای متهمان ردیف اول سوءاستفاده کرده است آمده است. شورای محترم نگهبان که بسیاری از چهره‌های محترم، اساتید دانشگاه و حوزه را به دلیل عدم شناخت، با عنوان عدم احراز، رصلاحت کرده است، اگر کمیسون تحقیق مجلسی که عنوان انقلابی را برای خویش برگزیده است، اعتبارنامه چنین فردی با جرائم و اتهامات گوناگون در پرونده‌های مختلف را تأیید کند، چه پاسخی برای مردم دارد؟

۷. یکی از مراجع چهارگانه قابل استناد، در گزارش به امور انتخابات شورای نگهبان، سوابق منفی پربری برای آقای تاجگردون می‌شمارد. ارتباط آقای تاجگردون و منصوبین وی با منافقین، ضدانقلاب و خانواده‌های معذومین به خصوص در ایام انتخاباتی؛ استعفا از معاونت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای همراهی با متحصنین مجلس ششم از آن جمله آن‌ها است. تاکنون چند نفر به خاطر حمایت از متحصنین مجلس ششم و شرکت در تظاهرات غیرقانونی فتنه ۸۸ رصلاحت شده‌اند! اکنون که به آقای تاجگردون رسیده‌اید اگر اعتبارنامه وی تأیید شود، شما که اکثراً خود را اصولگرا می‌خوانید به این نتیجه رسیده‌اید که شخصی با این سابقه که مرجع مزبور تصویر می‌کند برای نمایندگی مردم ایران صلاحیت دارد؟

۸. توزیع مناصب بین بستگان و دوستان، یعنی تبارگماری و ایسالاری به جای شایسته‌سالاری در موارد زیادی در اطراف وی دیده می‌شود؛ مثلاً، در ازای تأمین اعتباری برای متحصنین مجلس ششم پژوهشگاه سازمان محیط‌زیست و توسعه پایدار، آقای تاجگردون عضو هیئت امنای این پژوهشگاه می‌شود. آقای جلیل بادام فیروز، دوست آقای تاجگردون که با پشتیبانی وی، مدیرکل محیط‌زیست استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است و بعد با تلاش حراست از سمت مدیرکل برکنار شده بود، به دلیل دوستی با وی به عنوان رئیس پژوهشگاه در تهران منصوب می‌شود.

آیا در استان کهگیلویه و بویراحمد شایسته‌تر از برادرش ساسان تاجگردون و دامادش محمدنبی محمدی وجود ندارد که فقط این دو نفر در حد معاون وزیر سمت می‌گیرند؟ ایشان شرکت بزرگ نفت و گاز گچساران را به یک شرکت خانوادگی تبدیل نموده است و اکثر مدیران و رؤسا را از بستگان خویش گمارده‌اند. آقای تاجگردون مسئول دفتر خویش آقای پاسر فرزین را نیز بی‌نصیب نمی‌گذارد. وی بدون هیچ سابقه کاری و تحصیلات مرتبط به عنوان مدیر فروش شرکت نفت پاسارگاد نصب می‌شود، همسر آقای فرزین نیز در حالی که چنین‌شناسی خوانده، در پژوهشگاه محیط‌زیست استخدام می‌شود. این مشی اموی به صراحت در نامه به مالک اشتر، ظلم به مردم و جنگ با خدا و سریع‌ترین عامل سرنگونی حکومت اعلام می‌شود و در اقتصاد سیاسی جدید، از عوامل اصلی پیدایش و گسترش فساد شناخته می‌شود، فردی گرفتار این ویژگی‌ها، صلاحیتش تأیید می‌گردد و زمانی که در مجلس عده‌ای با غیرت برمی‌خیزند تا به حکم عقل و دین و وصیت‌نامه امام رحمت خدا بر او باد- مانع شوند، برخی از صاحب‌منصبان، با دلقوری، از مقصدان دفاع می‌کنند.

۹. در اوضاع و احوالی که برخی نمایندگان مجلس دهم (براساس اعلان کتبی به آنها)، به خاطر برخی موضع‌گیری‌ها، مانند اظهارنظر، درباره هواپیمای اوکراینی، یا اظهارنظر درباره مرحوم ابراهیم یزدی، غیر ملنزم به نظام جمهوری اسلامی خوانده می‌شوند و صلاحیت‌شان رد می‌گردد، حالا اگر اعتبارنامه کسی تأیید شود که از متحصنین ساختارشکن در مجلس ششم، با استعفا و شرکت در تحصن در صف اول، اقدام عملی می‌کند، در ارتباط با بیت‌المال ستم روا می‌دارد، اغراض مالی شخصی را تعقیب می‌کند و از دروغ‌گویی پروا ندارد. در این وضعیت، پاسخ این تناقضات کیج‌کننده جوانان را چه کسی می‌دهد؟ اگر این اتفاق خدای نکرده بیفتد، الفاظ انقلابی، ولایی و اصولگرا چقدر توهالی خواهد شد؟ سهم شما در این ارزش سوزی چقدر خواهد بود؟ بیش از ۲۲۰ نماینده مجلس جدید خود را اصولگرا معرفی کرده‌اند. اصولگرایان همواره و به حق از نظارت استصوابی دفاع کرده‌اند.

اگر ثمره اصولگرایی و نظارت استصوابی این باشد، مجلس جدید می‌تواند به راحتی از مرام خود دفاع کند؟

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

با تشکر

احمد توکلی

رئیس هیئت‌مدیره سازمان مردم‌نهاد دیدمان شفافیت و عدالت

گزارش
غلامرضا تاج گردون
منتخب مردم شریف گچساران و باشت
به
کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی
در خصوص اعتبارنامه

خرداد ۱۳۹۹

بسم الله

اعضاء محترم کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی

وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ سَخْلَ مِدْقِيْ وَاُخْرِجْنِيْ سَخْرَجِ مِدْقِيْ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا لَّيْسًا

و بگو پروردگارا مرا آذر هر تازی آ به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی باری بخش قرار ده

به سلام و احترام

سخنم را با یاد و نام خدا آغاز کرده و یاد میکنم از روح بلند امام روح الله و جانشین برحقش حضرت آیت الله سید علی خامنه ای رهبر و مقتدای مسلمین جهان

وظیفه خود میدانم در آغاز نوشتارم خود را در برابر خون شهادت عزیز ایران اسلامی قرار دادم و تقوید سوگند یاد کنم که همچون گذشته که سعی داشتم خیرات و عبوری از آرزوهای آنان نداننده باشم در این پنداشت آنان را به شهادت گرفته و باری کنند تا بتوانم در آینده نیز رهرو راهشان باشم.

در آغاز بکار مجلس دوره یازدهم اعتبارنامه اینجانب میرسد اعتراض جمعی از همکاران عزیز قرار گرفته و شاید اینان دانشورانه و بر اساس اعتقادات خود بدون جعل دست زده اند ولی خود بخود تبدیل شد به ادامه فرایند تحریک اینجانب که از یکسال پیش و توسط افراد خاصی شروع شده بود.

در حیطه یکسال گذشته کوچکترین پاسخی به تحریک کنندگان نداده و سعی کردم در این خصوص موجب تحریک فضا نشوم و یا سکوت در مقابل انواع تهدیدها و تحریکها که از حدود شرعی و دینی و اخلاقی خارج شده بودم با پیش از این گویده نکریم.

در دو نوبه گذشته مجلس شماره تلاش کردم به فرموده رهبر معظم انقلاب تنها و اما سازم سوگندی باشم که در آغاز راه خودم و امیدوارم شما بماند مثال اگر خدمت کرده باشم نوشته آخرنو قرار دهد و اگر خطایی کرده باشم به دیند رحمان و رحیم خود ببخشاید.

البته لگران و پشورنده نهادهای مقدس نظام جمهوری اسلامی بخصوص شورای محترم نگهبان هستم که تاگزیر شدند فر بیان حیثیت زندگی من. هزینه داده و از این حیث عیبها و قلبا منازم و امیدوارم طبر را ببخشایند و اینگونه اعلام کنی. نتیجه هر چه باشد باز هم اینتخابات سرباز بی ادعای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبری معظم هستم.

به عنوان فرزند خانه ملت در خصوص مبارزه با فساد و بی عدالتی و توجه به بحریمن همیشه صایم رستار از همه بود و اکنون حسرت آن را میخورم که چرا بر خلاف آنچه که بوده ام بدلیل نوع طرح اعتراضی به اعتبارنامه ام که ریشه فر عدالت محلی و قومی همرا با چالش لیخ خودرگان رفتارم در مجلس که بواسطه مبارزه با رفتار غیر قانونیشان آسیب دیده اند باید پاسخگوی مطالبی باشم که در طول سی سال خدمت در منارج مختلف از آنان دوری گزیدم.

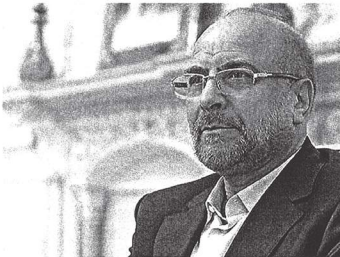
ضمن تشکر از زحمات اعضاء محترم کمیسیون تحقیق که همگی از دانش - تخصص - تجربه و دینداری بالا برخوردار هستند انتظار دارم با مر نظر گرفتن حق الناس ، قانع از نگاه سیاسی ، جنایی و حتی شخصی شما را شامد و ناظر قرار نامه و فر مورد اینتخابات که اکنون نماینده مردمی مستضعف و عزیز میباشم قضاوت عادلانه کرده و با قبول مسأولیت فر روز قیامت شهادت شرمی دهند.

اینتخابات خود را متعهد میباشم با توکل به خداوند متعال و توجه به آنچه که سرنوشت خود است صادقانه پاسخگو باشم و خود را اکنون در برابر حضرت حق برای آزمایشی دیگر آماده میکنم.
امیدوارم مجموعه مستندات پیوست مورد توجه قرار گیرد.

غلامرضا تاج گردون

منتخب مردم شریف شهرستان های گچساران و باشت

توصیه‌های قالیباف به اعضای کمیسیون تحقیق



سخنگوی کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی از تاکید رییس مجلس بر رعایت قانون در بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون و جلوگیری از تضییع حق وی خبر داد.

حجت‌الله فیروزی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به جلسه برخی اعضای کمیسیون تحقیق با محمدباقر قالیباف اظهار کرد: پیش از این قرار بود اعضای کمیته بررسی اعتبارنامه آقای تاجگردون دیداری با رییس مجلس شورای اسلامی داشته باشیم در همین راستا من و آقایان میرتاج‌الدینی و کاظمی امروز در دیدار با آقای قالیباف گزارشی از روند فعالیت‌های کمیسیون تحقیق و کمیته را برایشان تشریح کردیم، همچنین مسرفصل‌های مطالبی که توسط معترضین مطرح شده بود و دفاعیات آقای تاجگردون برای ایشان توضیح داده شد ایشان هم روی چند نکته تاکید ویژه داشتند از جمله رعایت کامل چارچوب‌های شرعی و قانونی و تاکید کردند که مر قانون در بررسی این پرونده رعایت شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی ادامه داد: آقای قالیباف در این دیدار گفت که نباید اجازه داده شود فضاهای رسانه‌ای و سیاسی در بررسی‌ها اثرگذار باشد بلکه کمیسیون تحقیق باید بی‌طرفانه، منصفانه و در چارچوب قانون کارش را انجام دهد و نباید تضاد عنوان شده توسط معترضان در فضای عمومی مطرح شود زیرا اینها در حد اعتراض به معترضین است و ما مرجع تشخیص و اثبات آنها نیستیم، لذا باید تا زمانی که آن مراجع تعیین تکلیف نکرده‌اند از بیان این موضوعات در فضای عمومی پرهیز شود و نسبت به حفظ آبروی اشخاص حساسیت وجود داشته باشد.

فیروزی ادامه داد: رییس مجلس شورای اسلامی همچنین تاکید کرد که در بررسی این پرونده از اعمال سلیقه شخصی پرهیز شود اگر هم نمایندگان دیدگاه‌های شخصی دارند نباید آن را بیان کنند بلکه آنچه قانون است و مستندات می‌گوید رعایت شود مثلا اگر موردی قبلا توسط شورای نگهبان رسیدگی شده کمیسیون تحقیق نباید به آن ورودی داشته باشد بلکه تنها اسنادی که توسط شورای نگهبان رسیدگی شده یا اسناد و مدارک و اتفاقاتی که بعد از تایید صلاحیت تا فاصله تشکیل مجلس شورای اسلامی به وجود آمده مورد بررسی قرار گیرد.

سخنگوی کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی با اشاره به تاکید قالیباف بر نگاه منصفانه و بی‌طرفانه اعضای کمیسیون تحقیق اظهار کرد: رییس مجلس شورای اسلامی همچنین گفت که ضمن رعایت دغدغه معترضان توضیحات آقای تاج گردون استدلال و مستندات ایشان هم مورد توجه قرار گیرد تا حقی ضایع نشود و با توجه به این‌که گزارش کمیسیون تحقیق حجت شرعی و دلیل قابل اتکاء برای نمایندگان محسوب می‌شود، گزارش قوی، مستدل و قانونی تهیه شود.

فیروزی همچنین گفت: رییس مجلس شورای اسلامی خطاب به اعضای کمیسیون تحقیق گفت که شما وظیفه رعایت مصلحت‌ها را ندارید بلکه وظیفه شما رعایت قانون است کار قانونی خود را انجام دهید و نگذارید فضاهای سیاسی بر رای شما اثر داشته باشد سعی کنید اتفاق نظر و اجماعی نسبت به گزارش کمیسیون تحقیق داشته باشید تا این گزارش برای صحن هم قابل اتکاء باشد.

سخنگوی کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی در پایان خاطر نشان کرد: کمیته کمیسیون تحقیق همچنین قرار است روز دوشنبه با مسئولان مرتبط در وزارت اطلاعات و همچنین شورای نگهبان دو جلسه جداگانه داشته باشد.

تعیین اعضای هیأت رئیسه کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات/ حاجی بابایی رئیس کمیسیون شد

انتخابات هیأت رئیسه کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس برگزار شد.
کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات



به گزارش خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، در جلسه عصر امروز (یکشنبه، یکم تیر ماه) کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات، انتخابات هیأت رئیسه کمیسیون برگزار و حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس شد. در این انتخابات محمد خدابخشی و سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی به عنوان نواب اول و دوم و محمدمهدی مفتاح به عنوان سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات انتخاب شدند. همچنین غلامحسین گرمی و آرش زره‌تن لهنوی به عنوان دبیران کمیسیون برنامه و بودجه انتخاب شدند.

پایان پیام



https://khabaronline.ir/news/1402624

۳ تیر ۱۳۹۹ - ۱۶:۰۰

کد خبر 1402624

اخبار سیاسی ایران / مجلس



نامه تند تاجگردون به احمد توکلی: «لر ستمیزی» شما سر به فلک کشیده/یک ریال مال حرام در زندگیم پیدا کردید گردنم را بزیند/من را از قانون نترسانید

فارس نوشت: منتخب مردم گجساران در مجلس طی نامه‌ای توضیحاتی درباره **نایب‌الاحمد توکلی** رئیس هیأت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت به اعضای کمیسیون تحقیق اعتبارنامه مجلس پانزدهم ارائه کرد.

غلامرضا تاجگردون منتخب مردم گجساران در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای توضیحاتی درباره **نایب‌الاحمد توکلی** رئیس هیأت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت به اعضای کمیسیون تحقیق اعتبارنامه مجلس پانزدهم ارائه کرد.

متن نامه تاجگردون که خطاب به رئیس هیأت مدیره دیده بان شفافیت و عدالت نوشته شده است به شرح زیر است:

جناب آقای احمد توکلی

رئیس محترم هیأت مدیره دیده بان شفافیت

مرقومه جنابعالی خطاب به کمبود تحقیق مجلس شورای اسلامی در خصوص اعتبارنامه اینجانب که آن را از طریق رسانه‌های مختلف منتشر کرده اید، موجب شد که علیرغم اینکه تا پایان روند بررسی اعتبارنامه قصد پاسخگویی به تهمت‌ها و افتراها که موجب تشویش آذهن عمومی می‌شود را نداشتم، اما به دلیل حسن نظری که در شما سراغ دارم، تصمیم گرفتم که پاسخ اجمالی به سخنان شما که براساس اطلاعات نادرست ارائه شده به جنابعالی مطرح شده است، بدهم و امیدوارم که با اشراف بر اطلاعات دقیق و درست و با حسن نظر و درایت خویش به قضاوت عادلانه در این خصوص بپردازید.

در این چند ماه پیش، حین و پس از انتخابات، آماج تخریب فضای رسانه ای و غیر رسانه ای داخلی و خارجی قرار گرفته ام و اگر چه به دلایل مختلف بر آتم که ریشه همه این حملات، در یکجا نهفته است و در موعد و مکان مقرر به طور ویژه به آن خواهیم پرداخت.

اما با تاسی به فرامین دینی هیچگاه به آنان به صورت رسانه ای پاسخ نداده ام اگر چه همیشه سعی کرده ام که صادقانه در مراجع رسمی پاسخگو بوده و خود را ملزم به رعایت این امر بدانم. همانگونه که مولا علی علیه السلام فرمایند: «من ضن بعرضه فلیدع المرء» هرکسی که می‌خواهد آبروی خود را حفظ کند باید از جدال بپرهیزد و من نیز بر این باور و برای پیشگیری از آشفتگی جامعه تاکنون در مقام پاسخگویی برنیامدم اما در این برهه، صرفا برای تصویر افکار عمومی به سخنان شما پاسخ داده و در صورت ضرورت، در آینده آنچه را که بایسته است به تفصیل خواهم گفتم.

اکنون پاسخ به یادداشت رسانه ای شما:

ابتدا خوشحالم که بعد از یکسال طرح موضوعات فساد مالی، اختلاس، ارتباط با اجانب و از این قبیل ترهات و اتهامات نسبت به اینجانب نزد جنابعالی، به این چند بند، محدود شد.

جهت استحضار جنابعالی و مردم شریف، فقیر پیش از این پاسخگوی شورای محترم نگهبان، شعبه بررسی اعتبارنامه و اکنون کمیسیون تحقیق بوده و هستم. پیش از این مکتوب و مستند به مراجع ذیربط پاسخ تقدیم کرده ام و اگر بیش از این هم ضرورتی باشد، حتما پاسخگو خواهم بود و خود را در برابر قانون مطیع می‌دانم.

در مرقومه تان تعرضی به شورای نگهبان و اعضای محترم آن کرده و آنچه که خود تشخیص دادید، بیان فرمودید. در این مقام خود را واجد صلاحیت برای پاسخ بدین امر نمی‌دانم و اصولا نه اطلاع و نه قصد دخالت و یا اظهار نظر در خصوص فرآیندهای داخلی شورای محترم نگهبان دارم. در این چند ماهه عذرخواه و قدردان آنان بوده و هستم از حضور این عزیزان بزرگوار پوزش طلبیده که به هر دلیل قانونی و شرعی، وظیفه خود دیده اند که در خصوص صلاحیت اینجانب برای انتخابات، اعلام نظر مثبت کرده و متأسفانه آماج رسانه‌های بیگانه و منتقدین داخلی قرار گرفتند.

اینجانب در هر شرایطی، خود را سرباز نظام و ولایت می‌دانم و ساحت شورای محترم نگهبان را پاک‌تر از کلامی که در نگاه شما و صدای آمریکا گفته شد، می‌دانم.



جناب توکلی «این تذهیون» فکر می‌کنید نتیجه این حرف‌ها چیست؟ آیا فکر نمی‌کنید نتیجه این نوع حرف‌ها، سست کردن ریشه اعتقادات مردم است؟ من هم مثل شما معتقدم آنان معصوم نیستند، ولی آیا فکر نمی‌کنید اگر اعضای شورای محترم نگاهان معصوم نباشند، جنابعالی و حقیر هم به طریق اولی معصوم نیستیم؟

پاسخ به «اسناد چه می‌گویند»:

۱. طرح آبرسانی به دشت امامزاده جعفر

خوشحالم که قرار است پاسخنوی عقوبتی باشم که چرمش خدمت به مردم محروم منطقه ام است. خیلی دوست داشتم در ادوار حضورتان در مجلس، این فراگیری را داشته باشید که جداول پیوست قانون بودجه را ببینید و شناخت پیدا کنید. اگر چه ضرورتی به پاسخنوی نمی بینم و دولت و سازمان برنامه باید پاسخنو باشند (اگر نگویید دولت در اختیار شماسات ولی صرفا جهت استحضار شما این طرح در سال ۸۳- ۸۲ آغاز شد و از سال ۸۴ به بعد تا زمانی که اینجاب منتخب مردم شدم (سال ۱۳۹۱) متوقف ماند.

رودخانه پرآب زهره از کنار زمین‌های نیازمند این خطه می‌گذرد و به خلیج فارس می‌ریزد. در کنار این دشت‌ها، چاه‌های نفتی وجود دارد که از خروجی این سرزمین نیازمند با مردمانی مستضعف، چراغ‌های پارک‌ها و ویلاهای شماها روشن می‌شود و آنان شکم گرسنه می‌خوایند.

اگر نمی‌دانید، بد نیست سری به جداول پیوست شماره یک قوانین بودجه برزیند تا فرایند و نحوه تنظیم و طرح‌های مشابه را ببینید. اگر طرحی بدون مجوز آغاز شده است و مجوزات لازم را نگرفته است، یقیناً دستگاه‌های ناظر وظیفه داشته و دارند که بررسی کنند. جهت استحضار شما این طرح دارای مجوز تخصصی است، ماده ۲۳ (از سال ۸۳) و موافقتنامه و غیره می‌باشد و هیچ مشکلی ندارد.

اگر ادعا می‌کنید بعدها به این طرح‌ها قسمت‌های دیگری اضافه شده است (که درست است) شما بروید انبوه طرح‌هایی را ببینید که شرق و غرب را به هم وصل کرده است و کسی ایراد نمی‌گیرد و خلاف قانون هم نیست و حداقل این که همه اهداف این طرح در محدوده یک شهرستان است.

شما چه مشکلی با این موضوع دارید که بعد از سال‌ها کسی به داد آن مردم فقیر مردم رسیده و با تکنیک‌های بودجه‌نویسی آشناست و می‌تواند حق و حقوق آن مردم ضعیف را با توجیه دولت محترم ادا کند.

مزید استحضارتان هدف این طرح حدود ۷ هزار هکتار می‌باشد و زمین اینجاب مشروب است و از آب ریززمینی استفاده می‌کند و نیازمند آب این طرح نیست (لشنامه به عرضتان رسانده‌اند بد نبود قبل از هر اظهارنظری تحقیق می‌فرمودید.)

من را از مواد قانون مجازات اسلامی نترسانید، این قوانین بر اساس شرع مقدس تنظیم شده است و هر گاه قاضی منصفی از من سؤال کند، پاسخ لازم را تقدیم خواهم کرد و فقط به یک کلام بسنده می‌کنم که مردم مستضعف آن خطه که حداقل بیست درصد از نفت کشور را تولید می‌کنند، حداکثر درآمد آنان ۶۰ درصد درآمد متوسط کشور است و این حداقل بیست درصد از نفت کشور را تولید می‌کنند، حداکثر درآمد آنان ۶۰ درصد درآمد متوسط کشور است و این حقشان نیست. به عنوان برادر کوچک‌تر یادآور می‌شوم که خرسند شویید از خدمت به مردمان مستضعف و بداندی دعای خیر و آه جاسوز آنان نزد خداوند متعال، بی‌پاسخ نمی‌ماند.

۲. فرایند نحوه بررسی بودجه در مجلس را به روش امویان تشبیه کرده‌اید و همه ایرادات این فرایند را متوجه من کرده‌اید.

حداقل این که چند سال در دولت بودید و مجلس هفتم و هشتم هم بدون این که من همکاران باشم، به همین سباق بودجه را تصویب و اجرائی کردید. با این وصف، چگونه ریاست من بر کمیسیون بودجه (برخلاف میل شما) حکومت اموی می‌شود و احتمالاً دوران شما حکومت علوی...! «این تذهیون»؟

۳. موضوع شرکت پترو امید آسیا و تخلف آن شرکت قبلا هم حضوری خدمتتان توضیح داده و به گزارش‌ها که به شورای محترم نگاهان هم دادید، پاسخنو بودم.

جناب توکلی شرکت پترو امید آسیا متعلق به بانک متعلق به بانک سپه است. همچنان که فرمودید قرارداد پتروامید با شرکت ملی نفت ایران مربوط به سال ۱۳۸۹ است. حضور من به عنوان عضو هیأت مدیره پترو امید آسیا، در اواخر سال ۱۳۹۰ است و در سال ۱۳۹۱ هم با آغاز به کارم در مجلس شورای اسلامی از شرکت خارج شدم. با این اوصاف، این موضوع چه ارتباطی به من دارد؟

مزید استحضار حضرتعالی گزارش دیوان محاسبات مربوط به سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ است که خودتان بهتر از هر کسی میدانید رابطه دیوان محاسبات و کمیسیون بودجه چگونه است و اگر قرار است ارتباطی نامأنوس بین من و این شرکت وجود داشته باشد که نباید این گزارش توایم می‌شد و سرانجام این که در چند سال گذشته نشان داده شده است که نه دیوان محاسبات و نه قوه قضائیه در این امور با کسی تعارفی ندارد و این گزارش تخلف هم با علم و اطلاع اینجناب صادر و در حال پیگیری است.

۴. در خصوص زمین‌خواری شصت ساله خانواده ما، اگر مستندی قانونی دارید، لطفاً طرح دعوی در دادگاه صالحه کنید. این‌شاء‌الله پاسخ لازم را دریافت خواهید کرد.

تعجبم بر آن است که مصوبه فسادستیز مجلس در سال ۹۷ که اتفاقاً در صحن مجمع فقط مورد حمایت جنابعالی، حضرت آیت‌الله رئیسی و جناب دکتر احمدی نژاد قرار گرفت و من مدافع آن بودم و مجمع تصویب نکرد را به این موضوع ربط می‌دهید. خودتان می‌دانید که منظور آن قانون کی بود و ای کاش به حافظه‌تان فشار می‌آوردید تا بدانید در پایان آن جلسه به من چه گفتید و افسوس خوردید از عدم تصویب آن بند.



خواهشمندم این نوع روش‌های غیر اخلاقی را در توجیه کارتان کنار بگذارید.

۵. سوابق مربوط به تحصیلات را تقدیم به کمیسیون تحقیق و پیش از این به شورای محترم نگهبان ارائه کرده‌ام که مورد بررسی قرار گرفته است.

علاوه بر شورای محترم نگهبان، شعبه و کمیسیون مسؤوول بررسی پرونده مدارک تحصیلی اینجناب می‌باشد اعلام تا تقدیم نمایم.

۶. در خصوص کفرخواست بانک سرمایه، مستحضری پرونده آنان بررسی و متهمین، محکوم و در حال طی محکومیت خودشان هستند.

در این رابطه از طرف نهادهای قانونی تاکنون نکته‌ای به من، اعلام و ابلاغ نشده است. بدیهی است همانند هر فرد ایرانی، وظیفه دارم در خصوص هر سوالی از مراجع ذی صلاح قضایی و حقوقی، پاسخگو باشم. لطفاً به قوانین و مقررات حقوقی جامعه احترام بگذارید.

۷. نمی‌دانم تسلط جنابعالی بر امور طبقه‌بندی محرمانه کشور چقدر است که محتوای نامه محرمانه مراکز چهارگانه را بیان، تشریح و حکم صادر می‌کنید و اصولاً چگونه جنابعالی به محتوای نامه‌های محرمانه دسترسی پیدا کرده‌اید؟

من و خانواده‌ام آسیب دیده درگیری بر منافقین بوده، در تحصن شرکت نکرده، استعفا ندادهام و این نوع اتهامات هنگام بررسی شورای محترم نگهبان حداقل در ۴ روز گذشته که تأیید صلاحیت شدم، مورد بررسی قرار گرفته است. جنابعالی با طرح مکرر این مسائل، قصد دارید که فضای بررسی اعتبارنامه و سیاسی و جناحی کنید و نمایندگان محترم مجلس را تحریک به واکنش سیاسی نمایند. بگذارید حداقل ریشه‌های اعتماد مردم بیش از این سست نشود.

۸. به موضوع تبارگماری و ایل سلالی اشاره فرمودید.

شما شایسته بودید و یا آنان؟ و یا دیگر بستگان خودتان و اطرافینتان که رشد کرده‌اند.

چرا بر شما گران آمده است که یک فرد تحصیل کرده از استان کهگیلویه و بویراحمد که کوچک‌ترین ارتباط قومی و فامیلی با من ندارد رئیس پژوهشکده محیط زیست شود؟

ایشان چه نسبت فامیلی با من دارد؟

بالادست ایشان، چند نفر از خطه یک استان دیگر هستند؟

آیا آنان به واسطه ارتباط با شما مسؤلیت گرفته‌اند؟

آیا مثلاً آقای دکتر دزیسند که وزیر اقتصاد هستند و همشهری شما، به واسطه شما رشد کرده‌اند؟

یا اگر سید شمس‌الدین حسینی در دوران نفوذ شما، در دولت دکتر احمدی‌نژاد وزیر شد، به واسطه نفوذ شما وزیر شد؟

پ‌آقای توکلی! همگان می‌دانند داد «لر وتری» شما سر به فلک کشیده است و بیزارید از این قوم، ولی فراموش نکنید اینان انسان‌های ساده و خداجویی هستند که دل بزرگشان به مهر خدا وصل است و بس.

۹ و اما در خصوص بند آخر:

اگر حتی یک ریال مال حرام پیدا کردید که زندگی من به آن آغشته است، گردنم از مو پارکت، بزیندا! اما خوشحالم که بعد از یک سال رواداری تهمت و افترا به من، نتیجه‌اش مرقومه شما باشد.

کلام آخر

جناب آقای توکلی!

من نه انسان بزرگی هستم و نه به کسی وصل هستم. از دیار دور ایران زمین! یعنی کهگیلویه و بویراحمد، بدون رانت وارد دانشگاه شدم. درس خواندم و بدون هیچ پشتوانه سیاسی، قومی، قبیله‌ای، رانتی، مسیر مشخص را طی کردم تا به امروز. سه دوره مردم عزیز دیارم، با رأی قاطع، حقیر را به نمایندگی خود انتخاب کردند و در چهار دوره، شورای محترم نگهبان من را تأیید کرده است.

در این یک ماه گذشته، مجدداً دو بار مورد استعلام قرار گرفت. شعبه مربوطه رأی بر تأیید اعتبارنامه داد. من منتخب مردم فقیر لر و ترک قشقایی و دیگر اقوام آن خطه هستم. تا اینجا خدمتگزار بوده‌ام و هر گاه نظام تشخیص به عدم ادامه خدمتگزاری من داشت، منتهی بر نظام ندارم و همواره خودم را مدیون نظام می‌دانم.

رزمنده، بسیجی، جانباز و خانواده شهید هستم و همه اینها را در برابر عظمت این انقلاب و خون شهدا ناچیز می‌دانم.

شما را به خداوند بزرگ، و خود را به رأفت او می‌سپارم و جز به توکل به خداوند متعال، به هیچ چیز دل نمی‌بندم.

شماره ۱۷۳۴۸
تاریخ: ۹۹/۴/۴
پرست

پست

شماره ۱۷۳۴۸
تاریخ: ۹۹/۴/۴
پرست

هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و تحیت؛

در اجرای ماده (۳۱) آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون که از صحن جلسه علنی جهت رسیدگی به کمیسیون تحقیق ارجاع گردیده بود، در دستور کار رسیدگی این کمیسیون قرار گرفت و طی جلسات متعدد با دستگاههای مختلف ذیربط موارد ارائه شده از سوی معترضین مورد بررسی قرار گرفت و با لحاظ مفاد نامه های شماره ۹۹/۲۰۰/۱۷۷۱۹ مورخ ۹۹/۳/۱۷ و ۹۹/۲۰۰/۱۸۲۵۲ مورخ ۹۹/۳/۲۰ شورای محترم نگهبان مبنی بر رسیدگی به موارد مطروحه در این شورا، نهایتاً اعتبارنامه ایشان در جلسه مورخ ۹۹/۴/۳ کمیسیون با اکثریت آراء به تصویب رسید.

علی اصغر خانی

رئیس کمیسیون تحقیق

بسمه تعالی

گزارش پرونده اعتبارنامه جناب آقای غلامرضا تاجگردون

- بدنبال ارجاع پرونده اعتبارنامه آقای غلامرضا تاجگردون به کمیسیون تحقیق، این کمیسیون رسیدگی به پرونده را به شرح زیر بررسی و به سرانجام رساند:
- ۱- پرونده اعتبارنامه ایشان در تاریخ ۹۹/۳/۲۱ با تصمیم نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، به کمیسیون تحقیق ارجاع گردید.
 - ۲- کمیسیون تحقیق نخست موضوع صلاحیت یا عدم صلاحیت خود جهت رسیدگی به موضوع را بررسی و براساس رای اکثریت اعضای کمیسیون، خود را برای رسیدگی به موضوع اعتبارنامه مذکور صالح تشخیص داد.
 - ۳- در ادامه جلسات متعددی برای بررسی موضوع و استماع اظهارات معترضین و توضیحات منتخب مذکور و تبادل نظر درخصوص موارد اعتراض تشکیل و با تعیین کمیته ای، روند بررسی های خود را دنبال نمود.
 - ۴- اعضای کمیته منتخب جلساتی با برخی مجموعه های نظارتی مربوط از قبیل وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه منعقد نمود و بررسی هایی نیز درخصوص اسناد معترضین و منتخبی که اعتبارنامه وی مورد اعتراض قرار گرفته انجام داد و گزارش خود را به کمیسیون تحقیق ارائه نمود.
 - ۵- همانگونه که نمایندگان محترم استحضار دارند ماده (۳۱) آئین نامه داخلی مجلس مدت ۱۵ روز برای رسیدگی کمیسیون تحقیق زمان تعیین نموده و این مدت نیز قابل تمدید نبود. لذا لازم بود کمیسیون تحقیق بررسی های خود را در فرصت مذکور به پایان برساند.
 - ۶- موارد اعتراض در ۷ سرفصل و هر سرفصل در چند بند بصورت مکتوب توسط معترضان محترم مطرح و به همراه مستندات و مدارک به کمیسیون تحویل گردید. کمیسیون گزارش شعبه مربوط را نیز اخذ و توضیحات و مستندات مکتوب آقای تاجگردون را نیز دریافت نمود.
 - ۷- کمیسیون تحقیق در رسیدگی های خود بی طرفی، ضوابط قانونی و آئین نامه داخلی را بطور کامل رعایت نموده و در این مسیر از نظرات تخصصی کارشناسان ذیربط و حقوقدانان نیز استفاده و تلاش کرد که چارچوب های اخلاقی را مراعات و انصاف و عدالت را مد نظر داشته باشد.
 - ۸- در بررسی پرونده، علاوه بر نشست با معترضین و معترض عنه، کمیسیون توضیحات لازم را از مجموعه های نظارتی در خصوص موارد اعتراضی اخذ و اسناد و مدارک ارائه شده از سوی طرفین را نیز مورد بررسی مجدد قرار داد و نهایتاً نظر خود مبنی بر تأیید اعتبارنامه را ارائه نمود.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

واکنش تند احمد توکلی به تأیید اعتبارنامه تاجگردون

فردا نیوز: احمد توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس هیأت مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت در واکنش به تأیید اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون نماینده مردم گیسران در کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی گفت: این تصمیمی غلط و غیرقانونی است.

مناقشه بر سر اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون همچنان ادامه دارد. ماجرا از آنجا شروع شد که در جلسه علنی ۱۱ خرداد مجلس یازدهم اعتبار سمنمانیده تأیید نشد که یکی از آنها غلامرضا تاجگردون بود. این نخستین بار نیست که غلامرضا تاجگردون با اتهامات مالی روبرو می‌شود؛ پیش از این و در دوره بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس یازدهم، او به خاطر همین اتهامات احراز صلاحیت نشد ولی با اعتراض به عرصه رقابت بازگشت و توانست راهی مجلس یازدهم شود.

اما شایعه‌ها گریبان تاجگردون را رها نکرد، جمعی از نمایندگان روی اعتبارنامه او شکایت گذاشتند و مانع تأیید اعتبارنامه او در صحن علنی مجلس شدند. پس از تأیید شدن اعتبارنامه تاجگردون پرونده او در شعب ۱۲ بررسی اعتبارنامه‌ها مورد بحث قرار گرفت که در نهایت پس از رأی‌گیری بین اعضا اعتبارنامه او با رأی منفی و ۹ رأی مثبت به تأیید این شعبه رسید و گزارش آن برای بررسی نهایی به صحن علنی مجلس ارسال شد.

صبح چهارشنبه ۲۱ خرداد ۹۹ بعد از قرارت گزارش شنبه ۱۲ در صحن علنی، از نمایندگان خواسته شد اگر نسبت به این موضوع اعتراضی دارند صحبت کنند. علیرضا زاکانی درباره اعتبارنامه تاجگردون بلافاصله اخطار قانون اساسی داد. محمدباقر قلیباف، رئیس‌مجلس از اختیار خود استفاده کرد و این اخطار را به رأی گذاشت و اکثریت نمایندگان این اخطار را وارد دانستند. در نهایت اعتبارنامه تاجگردون برای تعیین تکلیف شدن به کمیسیون تحقیق ارجاع شد.

حالا کمیسیون تحقیق نیز همچون شعبه ۱۲ اعتبارنامه تاجگردون را تأیید کرد. موضوعی که با واکنش نمایندگان معترضی همچون علیرضا زاکانی، زهره لیلیان و مالک شریعتی مواجه شد و آنها خواستار رأی‌گیری درباره اعتبارنامه تاجگردون در صحن علنی شدند.

اما واکنش‌ها به تأیید اعتبارنامه تاجگردون در کمیسیون تحقیق به درون پارلمان ختم نشد و احمد توکلی رئیس هیأت مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت که پیش از این درباره تأیید صلاحیت تاجگردون برای انتخابات مجلس یازدهم به شورای نگهبان نامه اعتراضی نوشته بود، تصمیم کمیسیون تحقیق مجلس را غیرقانونی و غلط خواند.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با فردنیوز در واکنش به تأیید اعتبارنامه «غلامرضا تاجگردون نماینده مردم گیسران» در کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی گفت: این تصمیمی غلط و غیرقانونی است و دلاله‌م را نیز قبلاً خیلی روشن بیان کردم. حالا باید دلایل آنها درباره چنین تصمیمی روشن شود.

گفتنی است پیش از این احمد توکلی در نامه‌ای به کمیسیون تحقیق در مورد تاج گردون نوشته بود: «در مورد پرونده آقای غلامرضا تاجگردون نماینده سابق گیسران و باشت و منتخب دوره یازدهم، اعتراضات، به‌طور بی‌سابقه‌ای بالاگرفته است. بخشی از اعتراضات به تعلل‌ها و تخلفاتی مربوط است که در مرحله بررسی صلاحیت نامبرده رخ داده است. اگرچه این امور اهمیت بسیار دارند ولی چون فعلاً در مرحله بعد از آن هستیم، به آن نمی‌پردازیم. در روزهای اخیر به دنبال اعتراضی ۹ نماینده به اعتبارنامه آقای تاجگردون، نائب رئیس مجلس طی نامه‌ای با انعکاس اعتراضیه نمایندگان مزبور، از شورای نگهبان می‌برسد: «آیا آن شورا اسناد و مدارک ضمیمه اعتراضیه را بیشتر در اختیار داشته و همه آنها را بررسی کرده است؟» این کار در انجام وظیفه قانونی مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون اصلاح برخی از مواد قانون انتخابات مصوب ۱۳۹۵، صورت گرفته است.»

وی افزوده بود: «طبق این تبصره شعبه مشرف است اسنادی را از معترض یا معترضین بپذیرد که شورای نگهبان آنها را رسیدگی نکرده یا اساساً مربوط به اموری باشد که پس از اعلام صحت انتخابات افتاده باشد. این موضوع باید برای شعبه محرز شود. در مورد آقای تاجگردون، این الزامات رعایت نشده است. چرا که شورای نگهبان اساساً جلسه‌ای در اجرای ماده ۲۸ آئین‌نامه داخلی مجلس نداشته است. تنها یکی از حقوقدانان که مسئولیت اجرایی نیز در شورا دارد، طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ به طور اجمالی گفته است که همه اسناد موجود نزد معترضان، بررسی شده است به جز اسناد

مربوط به سوءاستفاده از عنوان دکتری و اعمال نفوذ برای پارک‌سازی. در حالی که شما آقایان، اعضای محترم کمیسیون تحقیق به درستی اطلاع دارید که شورای نگهبان هیچ جلسه‌ای برگزار نکرده تا اسناد را بررسی کند. بدین ترتیب، برای کمیسیون تحقیق محرز است که اسناد موجود را مرجع قانونی موظف به رسیدگی، بررسی نکرده است. به ویژه آنکه برخی از اسناد قطعاً بعد از تأیید صحت انتخابات، به دست معترضان رسیده است. به همین دلایل،

کمیسیون تحقیق می‌تواند تمام اسناد در اختیار خود را مستند تصمیم‌گیری خویش قرار دهد.» در این نامه البته نکات دیگری هم ذکر شده بود.

کمیسیون تحقیق رفوزه شد

در ادامه واکنش‌ها در این مورد علیرضا زاکانی در توییتی به تأیید صلاحیت تاج گردون واکنش نشان داده و نوشته بود: «در تأیید تاج گردون، کمیسیون تحقیق مجلس در آزمون بزرگ رفوزه شد که ان‌شاءالله‌ای نمایندگان در صحن، زشتی آن را بزدایید. در توسعه فساد شبکه‌ای با سوءاستفاده از ویژگی‌های کمیسیون برنامه و بودجه، اقدامات تاجگردون را می‌توان نمونه‌ای از نقش آفرینی طبری با کارکردهای قوه قضائیه دانست.»

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف

گچساران و باشت



پیوست:

تاریخ: ۹۹،۴،۸

۹۹۰۴۰۸۲۰

شماره:

برادر گرامی جناب آقای دکتر قالیباف

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

اعضاء محترم هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

در آغاز یادآور میگردم حقیر فرزند انقلاب و نظام بوده و همواره تلاش داشتم آنچه که ضرورت انقلاب و نظام است اولی بر تمایلات و نظر اشخاص دانسته و هیچگاه تلاش نداشتم نظر خود را ارجح بر خواست نظام بدانم و احساس می کنم در شرایط کنونی اصرار اینجانب بر احقاق حق خود و موکلینم اصرار بر فرایندهای حقوقی نظام است که لازم است در این شرایط بر آن اصرار بورزم و معتقدم هیات رئیسه محترم هم در شرایطی قرار دارد تا در آغاز بکار مجلس که رعایت قانون بعهدہ شما قرار گرفته است انتخابی داشته باشید بین اجراء قانون یا توجه به غوغا سالاری و عبور از فرایندهای قانونی.

هیچگاه بیم از پاسخگویی و در معرض افکار عمومی و پاسخ به سوالات منتقدینم در چهارچوب قانون نداشتم و حضور و پاسخ به مراجع نظارتی ، امنیتی ، شعبه و نهایت کمیسیون تحقیق بیانگر همین روحیه است و آرایه این یادداشت فرار از پاسخگویی به صحن علنی نیست وگرنه اگر در فرایند قانونی اکنون میبایستی پاسخگوی صحن باشم یقینا با فراغ بال و بدون لکنت در خدمت نمایندگان عزیز بوده و خود را پاسخگوی هر مرجع دیگری خواهم دانست.

مستحضرد حفظ احترام حقوق منتخبین و نهایتا نمایندگان ، با اجراء صحیح و منطبق با موازین اصولی حقوقی و آیین نامه داخلی مجلس با بیطرفی و بر اساس سوگندی که یاد کرده اید حاصل خواهد شد و واقفید که این روزها از مجاری مختلف قدرت ، در داخل و خارج از مجلس ، ناروا و من غیر حق ، تمام

تهران، میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام، مجلس شورای اسلامی تلفن: ۳۹۹۳۱-۲۱

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف
گچساران و باشت



پوست:

تایخ:

شماره:

و هماهنگ تلاش می کنند مجلس را به سمت و سویی هدایت کنند که امکان اجراء آیین نامه داخلی و اصول قانون اساسی فراهم نگرددیده و ادعاهای واهی و غیر مستدل ، جایگزین حاکمیت قانون و حق الناس شود.

مردم و انسانهای روشن ضمیر بدرستی واقفند که گروهی اندک در صددند تا با اعمال بدعت سیئه و با جزمیت حزبی در برابر همه تشکیلات نظارتی ، اطلاعاتی و امنیتی از شورای محترم نگهبان گرفته تا کمیسیون تحقیق قد برافراشتند تا منتخب واقعی ملت را با نقض آشکار قوانین و مقررات موضوعه در خانه ملت حذف نمایند. لذا پیرو مذاکرات قبلی که به دفعات در خصوص حفظ استقلال هیات رئیسه ، در عدم تاثیر پذیری از جریان بازبهای خارج از مجلس یادآور شدم، وظیفه دارم مجدداً بر اساس اصول و موازین حقوقی و رویه متعارف و معقول مورد عمل در ادوار مختلف مجلس و بر اساس حاکمیت صریح قانون ، سیر و نهایتاً ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق را در مورد اعتبارنامه خود بیان کرده و تقاضا کنم جز اعمال قانون اقدامی نشود ، چون ناچاراً مجبور خواهیم شد اینک بعد از عبور از تمام فیلترهای پیش بینی شده در قانون و رد اتهامات واهی و اثبات حقانیت خود ، این بار نه بخاطر خود ، بلکه برای حفظ شان قانون و حیثیت موکلینم تصمیم دیگری اتخاذ نمایم تا تاریخ قانونگذاری در مورد این رویه غیر قانونی اظهار نظر کرده و در دیار باقی مسببین این رفتار ، پاسخگوی حق الناسی باشند که در این فرایند تضييع شده است.

جنابعالی و جامعه حقوقی کشور بعد از طی مراحل زیر و تایید صلاحیتهای مکرر توسط مراجع ذیربط و رد تمام ادعاهای واهی که چند ماهی توسط تعداد محدودی در رسانه های داخلی و خارجی مطرح کرده اند ، چه راه حلی را برای اینجانب در دفاع از حق خود و موکلینم پیشنهاد می دهید تا بتوانم حقوق موکلینم را ارئه نمایم. مستحضرد که پاکدستی و عمل به مر قانون توسط اینجانب موجب گشت تا صلاحیت بنده در کلیه مراحل ذیل الذکر - به رغم همه شایعات ، تخریبها ، شکایتها، ادعاهای غیر مستدل و نشر اکاذیب- مورد تایید واقع کرده از جمله :

- شرکت در انتخابات و تایید صلاحیت توسط هیات اجرایی و مراکز چهارگانه
- تایید صلاحیت توسط هیات نظارت استان و مرکزی
- پیروزی قاطع در انتخابات همراه با مشارکت حداکثری مردم
- تایید سلامت انتخابات توسط شورای نگهبان

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف
گچساران و باشت



شماره:

تاریخ:

پیوست:

- رد اتهامات معترضین به اعتبار نامه اینجانب توسط شعبه و تأیید اعتبار نامه
- اتهامات اعلامی و مستندات تهیه شده توسط معترضین و رد آن از سوی شورای نگهبان (در دو مرحله)
- ارجاع پرونده به کمیسیون تحقیق بر خلاف قانون
- بررسی موارد ارجاعی به کمیسیون و برگزاری جلسات مکرر با نهادهای نظارتی، امنیتی
- اطلاعاتی و رد اتهامات توسط این مراجع
- تأیید قاطع اعتبارنامه توسط کمیسیون تحقیق (تنها ۲ نفر از ۱۲ نفر رای منفی دادند).

همچنانکه مستحضرد دلایل و موازین قانونی مورد نظر آیین نامه داخلی برای تأیید اعتبار نامه اینجانب بدین اتفاق افتاد:

الف: پس از انتشار فهرست اعتبار نامه های واصله حداکثر ظرف مدت سه روز باید اعتراضات کتبی و مبتنی بر دلایل به شعبه تسلیم می شد.

ب: شعبه موظف بود با ارسال اعتراضات و مستندات مربوط به شورای نگهبان از مرجع مذکور مسبوق به سابق بودن یا لاحق بودن ایرادات را در مورد بررسی شدن قبل و بعد از اظهار نظر شورای نگهبان استعلام نماید

پ: پس از وصول نظر شورای نگهبان در مورد سابق بودن ادعاها و مدارک ارسالی و انجام رسیدگی نسبت به آن در جریان انتخابات و تأیید صلاحیت در صورتیکه شعب موجهی برای رسیدگی داشته باشند انجام و نظر خود را اعلام میدارند که در این خصوص شعبه طی فرایند قانونی و با بررسیهای لازم رسماً اعتبار نامه اینجانب را تأیید و مهر ابطل بر ادعاهای معترضین زده است. همچنانکه مستحضرد در این مرحله شعبه و هیات رئیسه در دو مرحله کلیه مستندات معترضین به اعتبارنامه اینجانب را از شورای نگهبان استعلام کرده که در هر دو مرحله، شورای نگهبان رسماً و کتبا اعلام فرمودند کلیه موارد اعلام و ارسال شده قبلاً و در مرحله بررسی صلاحیت رویت، بررسی و رد شده است و مطابق آیین نامه قاعدتاً میبایستی از دستور بررسی خارج شود ولی به هر دلیلی مورد بررسی قرار گرفته و اینجانب نیز بدون اتکا به فضای رسانه ای پاسخگوی معترضین و شعبه بودم.

ت: پس از اعلام به هیات رئیسه و قرار گرفتن در دستور کار مجلس، باید صحت اعتبارنامه اینجانب قرائت و تصویب آن اعلام می شد که متأسفانه با اخطار قانون اساسی، آنهم بر اساس اصل ۸۵ و بر

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف

گچساران و باشت



شماره:

تاریخ:

پیوست:

خلاف مصراحت قانونی موضوع رسیدگی به کمیسیون تحقیق ارجاع و کمیسیون با تمهیداتی و با مذاکرات مختلف با شورای نگهبان، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه و دیگر مراجع مقدور و ممکن و ذیصلاح به اثناء مختلف رسیدگی را معمول، استماع اظهارات اینجانب را انجام و نهایتاً با اکثریت قاطع (تنها دو نفر از دوازده نفر مخالف تأیید اعتبار نامه اینجانب بودند) اعتبار نامه اینجانب را تصویب نمودند.

ث: مطابق ماده ۳۲ آیین نامه داخلی پس از قرار گرفتن نظر کمیسیون تحقیق در دستور چنانچه نظر کمیسیون به رد اعتبار نامه باشد گزارش کمیسیون قرائت و مطابق دیگر الزامات آن پس از استماع مدافعات نماینده مورد اعتراض دو برابر وقت گزارش کمیسیون رای گیری انجام خواهد شد.

ج: در خصوص اعتبارنامه در کمیسیون (آنچه که در مورد اینجانب اتفاق افتاد) اشاره به قرائت و رای گیری نشده است و آن بدین معنی است که پذیرش کمیسیون به معنی اعلام تصویب در صحن خواهد بود. چون قانونگذار در مقام بیان، آنچه لازم است بیان کرده است و بیان قانونگذار در صدر ماده ۳۲ دلالتی و یا توجهی به قرائت به استماع اظهارات نماینده مورد اعتراض و دیگر امور مذکور در ذیل آن ندارد.

چ: از مقایسه حکمی در موضوع سیاق عبارتی و انشایی ماده ۳۲ در مورد گزارش تأیید اعتبار نامه و رد آن که به دو حالت و وضعیت مختلف و جداگانه بحث کرده و مقرراتی را وضع نموده است به وضوح کاملاً روشن و آشکار است که هریک باید از مقررات مربوط به خود تبعیت کند و این جدایی و تفکیک می بایستی مورد توجه هیات رئیسه محترم قرار گیرد و از منظر حقوقی باید رعایت شود.

ح: با توجه به شرایط فوق الذکر و بر اساس موازین و اصول و الزامات حقوقی حاکم بر الفاظ و عبارت آیین نامه داخلی که حکمی امری و غیر قابل تغییر و تفسیر است گزارش تأیید اعتبارنامه از کمیسیون تحقیق فقط در صحن علنی قرائت می شود و تصویب اعتبارنامه توسط رئیس اعلام می گردد.

رای گیری نمایندگان مورد حکم قرار نگرفته است و انجام آن نقض مقررات آیین نامه خواهد بود

کما اینکه در مورد هیچ یک از اعتبار نامه های تأیید شده چه بر اساس گزارش شعب و چه بر

اساس گزارش کمیسیون تحقیق رای گیری نمایندگان تجویز نشده و دارای

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف
گچساران و باشت

پیوست:

تاریخ:

شماره:

وحدت ملاک است که در ادوار مختلف هم با این استنباط واحد مورد اقدام و عمل بوده است.

اگر غیر از این باشد و اصل بر اقتناع شدن معترض و معترضین باشد و نه دفاع منتخب مورد اعتراض و نظر اعضاء شعبه و کمیسیون تحقیق ، پس چه دلیلی داشت که قانونگذار چنین فرایند نسبتا دقیق و طولانی را پیش بینی کرده و در این شرایط جایگاه اینهمه مراجع نظارتی و امنیتی در نظام اجرایی قانونگذاری و کنترلی کجاست؟

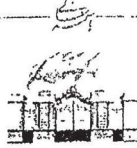
هیچ عقل سلیمی نمیپذیرد اعتبارنامه اینجانب در شرایطی به رای گذاشته شود که اینجانب حتی حق صحبت و دفاع از خود را نداشته باشم دور از منطق عقلی و حقوقی است که بعد از این فرایند طولانی و دقیق که در هر مرحله در جمع انتخابی کاملا تصادفی از جمع نمایندگان متشرع مجلس (که حتی یک نفر از آنان هفسویبی سیاسی با من نداشته) اعتبار نامه اینجانب تأیید شده بخواهید مجددا به اما و اگر و اخطار بکشانید. مستحضرید در این دو مرحله علاوه بر تأیید مکرر نهادهای نظارتی و امنیتی اعتبارنامه اینجانب در جمع ۳۳ نفری از نمایندگان(شعبه و کمیسیون تحقیق) مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شد.

اگر چه طبق مذاکرات و فرموده قبلی ، اظهار نظر صریح معاونت قوانین ، حقوقدانان و همچنین نظر شخص جنابعالی و حتی مصوبه هیات رئیسه محترم (حسب اعلام سخنگو و عضو هیات رئیسه) مبتنی بر این اصل است که در صورت تأیید شعبه و کمیسیون تحقیق اعتبارنامه اینجانب نیاز به رای گیری در صحن ندارد و صرفا باید قرائت شود و این موضوع را در مرحله قبل رعایت کرده ، و نه اعتبارنامه اینجانب ، بلکه اخطار قانون اساسی را به رای گذاشتید انتظار دارم بنا به شرف کسوت نمایندگی ملت و سوگند یاد شده در برابر کلام الله مجید رعایت قانون کرده وبه حقوق ملت و نه نظر افراد خاص و فضای رسانه ای توجه کرده تا ساختارهای حقوقی ، نظارتی و قانونی بیش از این تخریب نشوند.

غلامرضا تاج گردون

منتخب مردم شریف گچساران و باشت

غلامرضا تاج گردون
 شریف مردم شریف
 گچساران و باشت



روزنامه گچساران
 شماره ۱۰۰۰
 روزنامه گچساران

پایست:

تاریخ: ۹۹، ۴، ۹

شماره: ۹۹۰۴۰۹۱۱

همکار گرامی - نماینده فرهیخته دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی
 دکتر سعید سگند
 دهنه

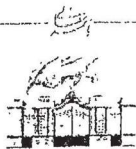
با سلام و احترام

مستحضرد اعتبار نامه اینجانب مورد اعتراض برخی از همکاران محترم قرار گرفت. ضمن معرفی اجمالی خود در چند سطر، فرایند انجام شده را درخصوص بررسی صلاحیت و اعتبارنامه ام به شرح زیر به استحضار می رسانم:

- ✓ بسیجی، رزمنده، جانباز جنگ تحمیلی (در سن ۱۵ سالگی) و برادر شهید می باشم.
- ✓ قریب به ۳۱ سال در نظام جمهوری اسلامی ایران مشغول به خدمت هستم و در این مدت حتی کوچک ترین پرونده، احضاریه، محاکمه در هیچ مرجعی نداشتم و کوچک ترین اتهام رسمی متوجه اینجانب نشده است.
- ✓ چهار دوره متمادی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کردم که هر چهار دوره صلاحیت اینجانب مورد تایید مراجع ذیصلاح قرار گرفت و با رای قاطع و بالای مردم انتخاب شدم. (بعضا تا ۷۵ درصد مردم)
- ✓ در هر دو دوره نهم و دهم که دو مجلس متفاوت بود (اصولگرا و اعتدال) اعتماد نمایندگان محترم متوجه اینجانب بود و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شدم.
- ✓ در این دوره اعتبار نامه اینجانب مورد اعتراض چند تن از همکاران محترم قرار گرفت و پرونده اینجانب در شعبه با حضور ۱۸ نماینده مورد بررسی قرار گرفت. مستندات معترضین طی دو فقره نامه جداگانه جهت شورای محترم نگهبان ارسال گردید و هر دو نامه توسط شورای محترم نگهبان مبنی بر اینکه این موارد قبلا بررسی شده است و رد می شود پاسخ داده شد. علیرغم این پاسخ شعبه با استماع نظرات معترضین و اینجانب در یک جلسه قریب به ۵ ساعته موضوع اعتبارنامه به رای گذاشته شد و تایید شد.
- ✓ به هر دلیلی با اخطار داده شده بررسی اعتراض به کمیسیون تحقیق ارسال گردید و این کمیسیون با حضور ۱۵ نفر از همکاران پرونده اینجانب را مورد بررسی قرار دادند.

غلامرضا تاج گردون

نماینده مردم شریف
گچساران و باشت



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
دوره ۱۳۸۳

پیوست:

تاریخ:

شماره:

طبق اظهار رئیس محترم کمیسیون در این مرحله:

- مستندات ارائه شده و معترضین و اینجانب دریافت گردید.
- موارد با حضور اینجانب و معترضین به بحث گذاشته شد.
- کمیته تحقیق برای این موضوع انتخاب و موارد را با دقت بررسی کردند.
- جلساتی با نمایندگان وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه برگزار و موارد اعتراض توسط این دو نهاد رد شد.
- نقطه نظرات قبلی شورای نگهبان مبنی بر تایید مکرر اینجانب مورد توجه قرار گرفت.

والتهایه در جلسه نهایی کمیسیون که با حضور ۱۲ نفر تشکیل شد (۹ نفر مثبت، ۲ نفر منفی و یک نفر ممتنع) رای قاطع بر تایید اعتبارنامه اینجانب صادر گردید.

اینک مطابق آیین نامه، هیئت رئیسه وظیفه دارد تایید اعتبارنامه اینجانب را در صحن قرائت و اعلام نماید.

وظیفه خود دیدم در جهت روشنگری موارد فوق را به استحضار رسانده و اینگونه بیان کنم. من هم نماینده ای همچون شما از خطه ی محرومی چون استان کهگیلویه و بویراحمد شهرستانهای گچساران و باشت می باشم و به فرموده مقام معظم رهبری "رای مردم حق الناس است".

هیچکدام از نمایندگان چنین فرایند طولانی و اینهمه تایید مراجع مختلف نظارتی و امنیتی را نداشتند.

مفتخرم به این امر و امیدوارم این موضوع توشه آخرتم شود و لذا از شما برادر و خواهر گرامی درخواست دارم در ادامه راه آنچنان که صلاح نظام، انقلاب، مردم و مجلس است عمل نمایید تا حقیر بتوانم تجربه ۳۰ ساله خود در امر برنامه و بودجه را در باقیمانده عمرم تقدیم مجلس یازدهم کرده و وکیل مردم دیارم باشم.

یقینا خداوند متعال ناظر بر اعمال همه ما می باشد.

غلامرضا تاج گردون
منتخب مردم شریف گچساران و باشت

همکار گرامی

با سلام و احترام

نامه ای را در کازیه تقدیم کردم لطفا مطالعه فرمایید

مستحضرید بعد از اعتراض به اعتبارنامه اینجانب شورای نگهبان (دو بار)
اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، شعبه ۱۲، کمیسیون تحقیق رای قاطع مجدد بر
تأیید اعتبارنامه اینجانب دادند. روا نیست بیش از این مجلس که امید ملت
است درگیر موضوع حاشیه ای این اعتبار نامه گردد و دقت شود رای مردم به
فرموده مقام معظم رهبری حق الناس است و باید حفظ امانت شود
خواهشمندم اکنون که حجت تمام و مشخص است مورد توجه قرار گرفته و
مراتب به دیگر همکاران عزیز و هیات رییس محترم یادآوری گردد.

ارادتمند. غلام رضا تاج گردون

منتخب مردم شریف گچساران و باشت

خوشحال میشوم مدرک یا مستندی

خواستید اعلام فرموده تا تقدیم نمایم شماره واتساب من

غلامرضا تاجگردون مهمان گفتگو زنده تابناک

LIVE

غلامرضا تاجگردون

سه‌شنبه ۹۹/۰۴/۱۰ ساعت ۲۱

مشاهده لایو در @tabnak_

The graphic features a blue background with a faint image of a large hall. A red-bordered box contains the text 'غلامرضا تاجگردون مهمان گفتگو زنده تابناک'. Below this is a circular portrait of Gholamreza Tajگردون, with a red 'LIVE' button underneath. A white pill-shaped box contains the name 'غلامرضا تاجگردون'. At the bottom, white text provides the date and time: 'سه‌شنبه ۹۹/۰۴/۱۰ ساعت ۲۱' and the social media handle '@tabnak_ مشاهده لایو در'.

بی‌پرده با تا جگره و ن

آیا حذف تا جگردون از مجلسی قانونی است؟

کشف و گوی زنده انصاف نیوز با غلامرضا تا جگردون
درباره حواشی اخیر و اعتبار نامه

پنجمه ساعت ۶:۰۰ اینستاگرام انصاف نیوز

 @ensafnews

شما هم می‌توانید سوالات خود را برای ما بفرستید.

تاریخ: ۱۳۹۹.۰۴.۱۴
شماره: ۵۵۹۲ رام - ا.س.پ
پیوست: -



جناب آقای دکتر تاجگردون

نماینده محترم مردم شریف گچساران و باشت

پاسلام

احتراما بازگشت به نامه شماره ۹۹۰۴۱۱۸۳ مورخ ۱۱/۴/۹۹ به اطلاع می‌رساند شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و شرکت‌های تابعه که در مناطق عملیاتی ماهشهر، عسلویه و سایر نقاط کشور پهناور ایران از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق واقع شده‌اند کلیه فعالیت‌های مرتبط را براساس قوانین و مقررات جاری که توسط مراجع ذیصلاح ابلاغ شده یا توسط هیات مدیره محترم به تصویب رسیده است، اجرا می‌نمایند و اجرای فعالیت‌ها نیز در فواصل مختلف توسط ارکان شرکت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

برای نمونه اجرای فرآیند خرید، تامین تجهیزات و انتخاب تامین‌کنندگان و پیمانکاران براساس آیین‌نامه معاملات و فهرست تامین‌کنندگان و سازندگان (AVL) که به تصویب هیات مدیره هلدینگ خلیج فارس رسیده است میبانی اصلی کلیه فعالیت‌ها می‌باشد و شرکت‌ها بر اساس دو مدرک مذکور نسبت به برگزاری مناقصه و تامین تجهیزات و یا انتخاب پیمانکاران و سازندگان اقدام می‌نمایند. همچنین فرآیند انتصابات مطابق دستورالعمل حاکمیت شرکتی که توسط سازمان بورس اوراق بهادار ابلاغ شده است، اجرا می‌گردد و انتصاب ارکان اصلی شرکت‌ها از جمله اعضای هیات مدیره و مدیران عامل شرکت‌های تابعه توسط کمیته انتصابات انجام می‌شود و در نهایت به تصویب هیات مدیره محترم شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس می‌رسد و فعالیت‌های مرتبط با فروش و عرضه سهام نیز تماما براساس قوانین و مقررات جاری سازمان بورس اوراق بهادار انجام می‌پذیرد.

با اطمینان نظر به مراتب فوق و اینکه کلیه فعالیت‌های شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و شرکت‌های تابعه بر اساس قوانین و مقررات مصوب انجام می‌پذیرد، اعلام می‌دارد هیچ‌کدام از شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی هیچ‌گونه رابطه مدیریتی و سهامداری با این هلدینگ و شرکت‌های تابعه نداشته و اگر جلساتی توسط ارکان شرکت با مدیران عامل شرکت‌ها با نمایندگان محترم مجلس برگزار می‌گردد، صرفا به خاطر دغدغه آنان در اجرای طرح‌های توسعه‌ای در حوزه‌های انتخابیه متبوعه و آرایه گزارش‌هایی از میزان پیشرفت طرح‌ها در جهت حل مشکلات موجود می‌باشد که رویه‌ای معمول است.

جعفر ربیعی
نایب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل

چکیده‌ای از صحبت‌های زاکانی در جلسه صحن:

- بحث ما با آقای تاج‌گردون خصومت شخصی نیست و یک بحث سیاسی نیست.
- ما حسب توصیه امام راحل که فرمودند نگذارید عنصر ناسالم در مجلس حضور پیدا کند به اعتبارنامه آقای تاج‌گردون اعتراض کردیم.
- ما در جلسهای که خدمت آیت‌الله جنتی و کدخدایی داشتیم، کدخدایی گفتند اگر ما این اسناد را نسبت به آقای تاج‌گردون داشتیم حتماً او را رد می‌کردیم.
- ما مستند می‌گوییم ۹ عضو از ۱۲ عضو شورای نگهبان رأی بر رد تاج‌گردون را دادند و دارند.
- دهقان عضو شورای نگهبان در جلسه‌ای که در کمیسیون شوراها داشتیم گفتند که شورای نگهبان به این اسناد رسیدگی نکردند.
- اعضای کمیسیون تحقیق اعلام کردند که ما فرصت کافی برای صحبت نداشتیم و فرصت نکردیم این ۴۰۰ صفحه اسناد ارائه‌شده به کمیسیون را بررسی کنیم.
- اینکه می‌گویند نیروهای مسلح و سپاه و بسیج پشت سر تاج‌گردون هستند حرف دروغی است.
- آقای سرلشگر باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح اینجا آمدند و گفتند اینکه همکار ما پیامک داده در حمایت از تاج‌گردون اشتباه بوده و به شدت با او برخورد کردیم.
- آقای صالح معاون ایشان زنگ زدند و گفتند سرلشگر باقری گفتند ما تمکین به رأی مجلس می‌کنیم و کار آن شخص غلط بوده که آن پیامک را زد.
- پربروز جمعی از دوستان با سردار نقدی در سپاه جلسه داشتند و ایشان صریحاً اعلام کردند سپاه هیچ جانبداری از ایشان ندارد.
- جمعی از دوستان با مسئولان بسیج جلسه داشتند و ایشان هم تأکید بر همین موضوع داشت. لذا شائبه اینکه کسی از ایشان حمایت کند غلط است، بله شهید سلیمانی به مراتب در زمان حیاتش مظلومیت داشت و در زمان شهادتش مظلومیت داشت و الان هم از ایشان سوءاستفاده می‌کند.
- در تاریخ ۹۷/۱/۱۲۹ رهبری عزیز به همکاران وزارت اطلاعات فرمودند: فردی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد امتیاز مردم باشد باید صلاحیت داشته باشد. لذا کوچک‌ترین تردید در مورد صلاحیت افراد باید منعکس شود و دستگاه‌ها نیز مکلف به رعایت موضوع براساس نظر وزارت اطلاعات می‌باشند:
- ما دو سند رسمی از وزارت اطلاعات یکی در سال ۸۶ و دیگری ۹۸/۰۹/۲۴ داریم که در مورد ایشان (تاج‌گردون) نظر داده است.
- ۱. سال ۱۳۸۶ وزارت اطلاعات رسماً نوشته است: «در اعتراض به اقدامات شورای نگهبان از مسئولیت خود استعفا، نموده است»
- آقای تاج‌گردون یک عیبی که دارد هیچ چیز را قبول ندارد و همه را رد می‌کند و می‌گوید حتی اگر یک کلمه را قبول کنم شما به اسناد همان یک حرف من را رد می‌کنید.
- ۲. سند دوم در تاریخ ۹۸/۰۲/۲۴ از وزارت اطلاعات:
- استعفا از بست معاونت سازمان برنامه و بودجه در جریان مجلس ششم و شرکت در تحصن
- حمایت از جریان سران فتنه و خانواده آنان و عضو کمیته رفع حصر
- تذکر کتبی به رئیس‌جمهور در مورد اعمال محدودیت‌های جدید برای خانمی
- با استفاده از موقعیت خود به طور گسترده در انتصابات، اشتغال، مرتب‌تین خود را بر ادارات کل استان مسلط کرده و برای نهادهای مربوطه مشکل ایجاد کرده است.
- مرتب‌تین آقای تاج‌گردون با حمایت از ایشان اقدام به سوءاستفاده از موقعیت نماینده کرده‌اند البته این مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد نیست، در فارس، بوشهر، لرستان و جاهای مختلف این کار را کرده است.
- ارتباط آقای تاج‌گردون و منصوبین با خانواده‌های ضدانقلاب و معدومین و منافقین بخصوص در زمان انتخابات قابل توجه است.
- ما یک لیست درآوریم که ۲۲ نفر از خانواده‌های ایشان جزء منصوبین این دوران هستند که البته ایشان می‌گویند این‌ها خودشان رحمت کشیدند. مگر خانواده ما زحمت نکشیدند و چرا خانواده ما مسئولیت نگرفته‌اند.
- ما با مطلعین صحبت کردیم، آقای نیک‌بین می‌گوید از ۱۴ امام‌جمعه ۱۱ امام‌جمعه استان کهگیلویه و بویراحمد کتباً نامه نوشتند که ایشان رفتار و اقداماتی می‌کند که خلاف مصالح نظام و مملکت هستند.
- آقای تاج‌گردون صلاحیت امنیتی ندارد و طرفداران ایشان نمایندگان معترض را تهدید کرده‌اند.
- خود ایشان به توکلی گفته است که شما لریستیز هستید و این یک تهدید است.

- آقای ویسی کرمی نماینده خرم‌آباد می‌گوید مگر از ما گرت‌تر هم هست، ما مخالف تاج‌گردون هستیم. لرستان کلاً مخالف ایشان هستند چون حق لرستان را تضییع کرده است.
- صلاحیت سیاسی ندارد و تمکین از قانون ندارد (اشاره به نامه وزارت اطلاعات).
- صلاحیت مدیریتی ندارد (از موقعیت خود سوءاستفاده کرده است).
- خدمت آقای قالیباف رسیدیم، آقای قالیباف فرمودند: اگر بگویید می‌گویم سوءاستفاده از جایگاه برای تخلف و چیرگی بر دیگران حداقل جرم ایشان است.
- ایشان دروغ می‌گویند. ما کی گفتیم مادر ایشان با منافقین در ارتباط است. مادر ایشان مادر شهید است و برای ما عزیز است. برادر ایشان شهید هستند و عزیز ما هستند.
- مهم‌تر از همه اینکه ایشان همه ما را متهم کرده است به دستمال کثیف.
- در انتها خدا را شاهد می‌گیرم همیشه به ایشان علاقمند بوده و خصومت شخصی با ایشان ندارم.

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه‌ای از نطق تاج‌گردون در صحن

خدایا باری‌ام ده تا امروز در برابر نمایندگان مردم شریف ایران آنچه شایسته است بیان و زیانم را آن‌گونه بپرخان که جز حقیقت کلامی نگوید. نمایندگان عزیز ما را شناسید و در حد دو دقیقه خلاصه‌ای از زندگی‌ام را بیان می‌کنم.

من غلامرضا تاج‌گردون مسلمان شیعه، شیعه‌زاده که از کودکی به آنچه شریعت اسلام حکم کرده تلاش کردم پایبند باشم. در برابر کلام‌الله مجید سوگند یاد کرده به شعار دینی از قبل از سن تکلیف پایبند بوده و به اصول دین، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی وفادار بودم.

- ۱۲ ساله بودم افتخار حیات در جمهوری اسلامی را داشتم.
- ۱۵ ساله بودم مادرم مرا به جبهه جنگ فرستاد، وقتی کمتر از ۱۶ سال داشتم به افتخار جانبازی نائل شدم.
- رزمنده جبهه جنگ بودم و بزرگ‌ترین افتخارم خوردن خاک جبهه‌ها بود.
- بدون هیچ رانت و وابستگی و سهمیه به دانشگاه وارد شدم و از سن ۲۴ سالگی تا کنون که ۵۴ سال سن دارم در امور اقتصادی، بودجه‌ای، مالی و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری انجام وظیفه کردم.
- افتخارم این است بعد از قریب ۳۱ سال خدمت حتی یک پرونده کوچک مالی، اقتصادی در هیچ مرجعی نداشته و ندارم و حتی به عنوان مطلع هم به محکمه‌های احضار نشدم.
- امروز در برابر شما عرض می‌کنم نتیجه این بررسی هر چه باشد غلامرضا تاج‌گردون سرباز بی‌ادعای نظام و رهبری خواهد ماند.
- در ابتدای عرایض از ساحت مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران، نهادهای نظارتی و امنیتی، بخصوص شورای محترم نگهبان بپوش می‌طلبم که نمی‌دانم چرا شرایطی پیش آمد که برای بررسی اعتبارنامه‌ام این همه هزینه متوجه نظام شد.
- جلسه امروز نشان می‌دهد فرایند انتخابی برای بررسی اعتبارنامه اینجانب اشتباه بود. ارجاع آن روز پرونده اینجانب به کمیسیون تحقیق از صحن علنی بدون طی فرایند قانونی خلاف قانون بود و آن روز نگذاشتند من اعتراض کنم، ولی بماند و ان‌شاءالله امیدوارم این فرایند غیرقانونی اصلاح شود تا این‌گونه نباشد بعد از این حق و حقوق برخی تضییع شود.

داستان از کجا شروع شد؟

آنجا که از مظلومیت یک اتفاق صحبت کردم؛ یک سقوط هواپیما و یک اتفاق ناگوار در کشورم و هر چه جلوتر رفته لایه‌های آن بیشتر نمایان شد.

خیلی راحت بگویم از یک استیضاح شروع شد و یاران وفادار استیضاح‌شده شروع کردند به پرونده‌سازی و گزارش کذب نوشتن و این‌ها همراه شدند و پرونده‌سازی مخالفین قدیمی من و خانواده‌ام با هم همراه شدند تا بتوانند پرونده‌ای کامل برای رد اعتبارنامه من بسازند. در حقیقت من به یک دیوار ۱۱۰ ساله خوردم یعنی از پدر بزرگم تا کنون. اینجا دیگر بحث خط سیاسی مطرح نیست و هر کسی از هر جایی گله‌ای داشت بسپیچ شد.

موضوع از درون هم شکل گرفت و همراه شد. از آن استیضاح تا کسانی که با تصمیم مجلس به تلاش من در خصوص جمع‌کردن مناطق آزاد شروع شد آسیب دیدند همراه شد. حتماً آقای دکتر نادران متوجه موضوع می‌شود که آن زمانی که نسبت به دبیر مناطق آزاد مترض بودند و نتوانستند کاری کنند به پیشنهاد من مناطق آزاد به عنوان نهاد مستقل خارج و ذیل وزارت اقتصاد رفت و دست برخی از افراد برای سوءاستفاده از مناطق آزاد قطع شد و حق دارند چپ و راست بسپیچ شوند تا با تاج‌گردون برخورد کنند.

همه گرد هم جمع شدند تا هر آنچه که در چپته دارند برای تاج‌گردون رو کنند. عناوینی به کار بردند که جذاب باشد و قابل باور:

- طرح شبکه فساد
- طرح تبارگرایی
- طرح اعمال نفوذ در بودجه
- طرح رانت فامیلی
- موضوعات خانوادگی

نواری در اختیار دارم که باز هم علی‌رغم این‌همه فشار به خود اجازه نمی‌دهم در اینجا ارائه دهم و به نهادهای امنیتی تقدیم کردم و امیدوارم توجه کنند و برخورد کنند؛ جلسه‌ای در دفتر یکی از منتقدین جدی من تشکیل شد تا همه آتانی که مخالف من هستند تمامی مدارک خود را جمع‌بندی و ارائه دهند.

در آنجا یک لید یک موضوع زده شده رشوه تاج‌گردون به شورای نگهبان و آیت‌الله جنتی و درست دو روز بعد از آن جلسه از صدای آمریکا این خبر پخش شد که آقای تاج‌گردون با دادن رشوه به شورای نگهبان تأیید صلاحیت شد. گفتند آقای تاج‌گردون با تطمیع سپاه شد عزیز درآمده عزیز جعفری فرمانده سپاه و به این طریق سپاه را هم خرید.

جالب‌تر از این همه این است که در همین نوار می‌گویند که ما مطمئنیم تاج‌گردون خودش مسئله مالی ندارد و حداقل در این پرونده‌ها هیچ چیز نیست ولی باز می‌گویم کنترل‌ش سخت است و لذا از همین الان او را باید زد.

چرا صادقی نماینده سابق تهران به دلیل اینکه می‌گوید شورای نگهبان رشوه می‌گیرد محکوم می‌شود ولی کسی که این موضوع را طراحی می‌کند حتی از او سؤال هم نمی‌کنند. آیا اگر این حرف از زبان کسی که از یک طیف سیاسی دیگر می‌گوید اجازه دارد این حرف را بزند و مصونیت داشته باشد.

همه این مدارک که الان طرح می‌کنید در آن زمان تعیین صلاحیت مطرح شد و برای بررسی این مدارک حتی بحثی از این به دلیل حساسیتی که شورای نگهبان و نهادهای امنیتی نسبت به من داشتند بررسی شد.

- اطلاعات سپاه حداقل ۴-۵ ساعت با من جلسه داشتند و بند بند را بررسی می‌کرد.
- وزارت اطلاعات حداقل ۳-۲ ساعت با من جلسه داشت و مدارک را بررسی کرد.
- هیأت نظارت شورای نگهبان با حضور حداقل ۳ حقوقدان طی دو جلسه ۴-۳ ساعته بیش از آنچه تصور کنید موارد را بررسی کردند و بعد از کلی بررسی و دقت صلاحیت این جاب را علی‌رغم فضای بسیار سنگین رسانه‌های داخل و خارج که یقین دارم فضای رسانه خارجی توسط نهاد شفافیت تحریک می‌شد تأیید شد.

در طرح شبکه فساد آمدند و گفتند ۷۲ شرکت وابسته به تاج‌گردون و ایشان یک شبکه فساد مالی دارد. وقتی گزارش کامل این ۷۲ شرکت را ارائه دادم که ربطی به من ندارد رفتند و گفتند ۸۴ شرکت است و بعد هم فردا احتمالاً می‌گویند ۱۰۰ شرکت. هرکس در ایران به نام تاج‌گردون بود ردیف کردید و به نام من نوشتید. تا آنجا پیش رفتید که یک شرکت را به نام محمدمهدی تاج‌گردون دیدید و خانمی به نام فاطمه کدخدایی و بعد گفتید پسر تاج‌گردون یا دختر کدخدایی شورای نگهبان شریک هستند. شرکت‌های دولتی را به نام من نوشتند و اقارب من که حتی ۲۰ سال از من بزرگ‌تر هستند و حتی امروز در بین ما نیستند زندگی‌شان را به من متصل کردید. من اینجا اعلام می‌کنم از امروز تا روز آخر مجلس حتی یک فعالیت اقتصادی در طول این سی‌سال گذشته پیدا کردید گردنم را بزنید.

• تبارگرایی: گفتید که من تبارگرایی می‌کنم و توجه به لرها و زاگرس‌نشین‌ها می‌کنم. من که نمی‌توانم بگویم تبار ندارم. شما هم نمی‌توانید بگویید تبار ندارید. شما ترک هستید، عرب هستید یا هر جای دیگر و من هم یک آرتبار هستم و همه ما به تبارمان افتخار می‌کنیم. اگر قرار بود ما به تبار و منطقه‌مان توجه نکنیم می‌آمدند و ۲۹ نماینده مجلس را از تهران انتخاب می‌کردند. لیست‌هایی آماده کردند و گفتند این‌ها فامیل تاج‌گردون هستند، بعد آمدند و گفتند این‌ها همشهری تاج‌گردون هستند، بعد آمدند و گفتند هم‌استانی و بعد از ایلام تا جنوب فارس را به من ربط دادند. اشکال ندارد که من برای منطقه و تبارم کار کنم و شما هم کار می‌کنید. هر چه لر و زاگرسی در کشور و دستگاه‌ها مسئولیت داشت به من ربط دادید تا بگویید تاج‌گردون تبارگرایی کرده است.

آمدند و گفتند تاج‌گردون اعمال نفوذ در بودجه کرده است. گفتند اعمال نفوذ در بودجه کرده برای منطقه‌اش. من از یک منطقه‌ای آدمم که در عین ثروتمند بودن، مردمانی فقیر و مستضعف دارد. اگر کمک به مردم منطقه و توجه به مردم آن منطقه می‌شود اعمال نفوذ در بودجه، آیا حق منطقه تضییع شده است.

معتز می‌گوید چرا من نتوانستم برای منطقه‌ام یک مصوبه بگیرم و شما گرفته‌اید. قرآن هم می‌گوید «هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون». آیا اینکه من من بدم برای منطقه محروم کار کنم خیانت است و می‌شود اعمال نفوذ در بودجه و آیا حق تضییع شده است. گفتید تاج‌گردون کارهایی در بودجه کرده است و افزایش‌هایی داده است که دولت هم مخالف است. من را تحت فشار قرار داده‌اید تا اسرار محرمانه نظام را بگویم و فقط یک مورد را که در جلسه کمیسیون گفتید در اینجا طرح می‌کنم و سینما هم را مخزن اسرار نظام نگه می‌دارم. من شک ندارم این‌هایی که این اطلاعات را به شما گفته‌اند تا در مجلس طرح کنید و من مجبور شوم نکات گفته‌ها را بگویم وابسته هستند.

من هشت‌سال است محرم موضوعات محرمانه کشور هستم و کوچک‌ترین خطایی نکرده‌ام و حتی اگر اعتبارنامه من را هم رد کنید باز هم به خودم اجازه نمی‌دهم در این نوع مطالب که به صلاح مملکت و نظام نیست حرف بزنم. برخی از حرف‌هایی که زده‌اید را فقط ۵-۴ نفر در کشور می‌دانند و نمی‌دانم چرا این نوع موضوعات را طرح می‌کنید که من ناگزیر به حرف زدن بشوم و بعد بگویید تاج‌گردون اسرار نظام را لو داد و یک موضوع دیگر برای من و مجلس و کشور درست کنید و این حرف‌ها مثل حرف‌های دیگر بشود یک سوزنه رسانه خارج از کشور مثل حرف‌هایی که در آن جلسات زده شد و در رسانه‌ها طرح شد.

مگر قرار است همه اقداماتی که ما در مجلس انجام دادیم دولت قبول داشته باشد. اگر بنا بر این بود که الان نیروهای مسلح و حوزه‌های دینی و قوه قضاییه و این نوع نهادهای خارج از دولت که باید تعطیل می‌شدند. کار مجلس این است و رئیس کمیسیون تلفیق هم باید به این موضوعات توجه کند.

شما در کمیسیون تحقیق ۲ عدد را مطرح کردید که محرمانه‌ترین اطلاعات کشور است و درست است دولت هم قبول نداشت ولی ما باید انجام می‌دادیم و به آن اقدام هم افتخار می‌کنیم.

آقای قالیباف گفتند جلسه را غیرعلنی می‌کنیم و شما این حرف‌ها را بزنید، ولی من به خود اجازه نمی‌دهم بیش از این در این خصوص حرف بزنم و این کار را به مصلحت کشور و خودم و نظام نمی‌دانم.

آیا این حرکت من بسط و قبض بودجه است یا حریمت و امانتداری در بودجه؟

می‌گویند من از نام قاسم سلیمانی سواستفاده کرده‌ام و نامه شهید قاسم سلیمانی را بخش کردم. اول اینکه نامه شهید قاسم سلیمانی به من را شما بخش کردید و نه من. دوم اینکه شما بزرگ‌ترین توهین قابل پیگیری را در خصوص من مطرح کردید و آن اینکه نوشتید آقای تاج‌گردون اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و مبارزه با داعش را قبول ندارد.

من در جلسه گفتیم نماد مبارزه با داعش و اسرائیل در دنیا قاسم سلیمانی است و سال‌ها من وظیفه داشتم محرم بودجه مقاومت و شهید سلیمانی در مجلس باشم و این حریمت را حتی در این جلسه حفظ کردم. آیا شهید سلیمانی می‌آمد به کسی که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و مبارزه با داعش را قبول ندارد لوح دهد و آن یادداشت را بدهد. من بهترین و مهم‌ترین سند را در این خصوص ارائه دادم. من اگر می‌خواستم از این مدرک و قاسم سلیمانی سواستفاده کنم باید این نامه را در زمان انتخابات بخش می‌کردم و در انتخابات از آن استفاده می‌کردم. خیلی موضوعات دیگر در این زمینه وجود دارد که سینمام را مخزن اسرار نظام می‌دانم و حرف نمی‌زنم.

موضوعات خانوادگی را مطرح کردید. شما می‌فرمایید در مورد مادر من چیزی نگفتید. نمی‌دانم چند نفر از شما خانواده شهید هستید. نمی‌دانم چند نفر از شما مادر شهید داشته است. نمی‌دانم چند نفر از شما سال‌ها سوز مادر بر مزار فرزند شهیدش را دیده و شنیده است. نمی‌دانم چند نفر از شما کمر خمیده مادر یک شهید را دیده‌اید. بعد می‌آیند و اینجا می‌گویند در خصوص مادر شهید شما چیزی نگفتم و این دروغ بزرگ تاج‌گردون است. شما وقیحانه و فارسی نوشته‌اید که کبری کرمی مادر تاج‌گردون از یک خانواده طاقوتی است و فامیل او از مناقضین است و خارج از کشور رفته‌اند و با آنان در ارتباط هستند.

این جملات شما فارسی است و مستقیم اسم او را می‌برید و اینجا وقیحانه می‌گویند او مادر شهید است و عزیز ماست. شما حتی گفته بودید مادر غلامرضا تاج‌گردون مادر شهید احمدرضا نیست و این‌ها برادران ناتنی هستند. تا کجا قرار است این‌همه بی‌اخلاقی داشته باشید. از هر حرکت شما و حرف‌های شما بگذرم این یکی را نمی‌شود گذشت.

آیا خواهد من با ۲۵-۲۴ سال سابقه کار معاون یک اداره که در یک استان است جرم است، ولی همسر شما رئیس یک دانشگاه است جرم نیست. شما وابسته به من را نگاه کنید ببینید چه ارتباطی با من دارند. شما از پدر بزرگ من تا به پدر و عمو و خواهر و برادر و فرزندان از خود من رسیدید. این داستان را می‌خواهید تا کجا ادامه دهید. من باید داستان پدر بزرگم را هم جویگو باشم. در شأن مجلس نمی‌دانم حرف‌های بی‌ربط این گزارش داده‌شده را بخوانم و ساخت مجلس دور از این حرف‌های بی‌ربط است.

اما بحث بعدی که مکرر فرمودید موضوع اموال و دارایی من بود. من کسی بودم که اموال خود را کم یا زیاد مستقیم و در رسانه قبل از انتخابات مطرح کردم و قصد نداشتم دروغ بگویم. مال من هرچه باشد همین است که گفتم. حرف اساسی زده و می‌زنم و می‌گویم از آن بترسید که ساعتش رولکن باشد و کفشش را به تعمیرگاه می‌برد و نیم‌تخت می‌زند. این فرد شک نکنید دزد است. گفتم از آن بترسید که می‌تواند لکسوس سوار شود ولی برای کتمان حقیقت سوار براید می‌شود. از این فرد بترسید. من آدمی نیستم که کتمان کنم. متمول نیستم ولی هرچه دارم همین است.

به شخصی که مدعی شفافیت است عرض کردم. گفتم مگر نه اینکه می‌گویند من بچه خان هستم و ۳۰ سال هم رانت‌خواری کردم. شما افتخارتان این بود که در اول انقلاب با موتور گازی به وزارتخانه می‌رفتید. من بچه خان و رانت‌خوار به قول شما. حاضرم کل اموال را دو دستی تقدیم شما کنم و نصف اموال‌تان را به من بدهید تا این موضوع جمع شود. عیب من این است که دروغ نگفته و کتمان نمی‌کنم. شاید در مال شما سهواً اموال حرام رفته باشد در مال من سهواً هم مال حرام نیامده است.

اگر من فساد مالی داشته یا دارم مثل همه آنان که قوه قضاییه با آنان برخورد کرده است برخورد کند. مگر قوه قضاییه با مثال من تعارف داشته است؟ مگر نماینده مصونیت تخلف و فساد دارد؟ اگر من کیس امنیتی هستم یا من برخورد کنند، اگر کیس سیاسی هستم یا من برخورد کنند، اگر کیس فساد مالی هستم برخورد شود. چرا فضای جامعه را این‌گونه ملتهب می‌کنید. همه این موارد را در جلسات مطرح کردید و جمع نمایندگان شعبه و کمیسیون نپذیرفتند و رأی به اعتبارنامه من دادند.

اما در خصوص نامه وزارت اطلاعات که اشاره کردید که در وزارت اطلاعات در خصوص من نوشته است یکبار دیگر پاسخ می‌گویم. آیا هر نامه‌ای که وزارت اطلاعات نوشته است درست است. خیلی از این نامه‌ها را در مورد شما نوشته‌اند و خودتان می‌دانید منظور من چیست؟ قبلاً هم عرض کردم در سال ۸۲ من استعفا دادم و این‌بار را شورای نگهبان رد کرده است و حداقل ۴ بار بعد از آن سال شورای نگهبان من را تأیید کرده است.

در خصوص کمیته رفع حصر قبلاً هم عرض کرده‌ام من جزو این کمیته نبوده و در خصوص رفع حصر هم نظر دیگری دارم که همه چیز آن برمی‌گردد به نظر کلی نظام و در خصوص دیگر موضوعات مثل تذکر به رئیس‌جمهور در خصوص ایجاد محدودیت برای رئیس‌جمهور است. آیا یک نماینده نمی‌تواند در این خصوص تذکر دهد. آیا اگر تذکر داد موجب رده‌صاحت می‌شود؟ شورای نگهبان با علم به این موضوع من و نه تنها من را بلکه خیلی از کسانی که زیر آن تذکر را امضا کرده‌اند تأیید کرده است.

ارتباط با شبکه ضدانقلاب هم یک اظهارنظر بسیار زشت و وقیحانه است که هر کس ولو وزارت اطلاعات هم داده باشد من آن را رد می‌کنم و به شما رسماً اعلام می‌کنم این نامه و این یادداشت که توسط شورای نگهبان رسماً رد شد و خود وزارت اطلاعات هم در جلسه کمیسیون رد کرد و شما باز هم اصرار دارید بر ارتباط با این شبکه.

۳۰ سال مسئولیت مهم در این کشور داشتم، حتی یک بار من را به محکمه حتی به عنوان مطلع نبردند. امروز دوستان معترض در برخورد با من خودشان کيفرخواست می‌نویسند، خودشان دادگاه برگزار می‌کنند، خودشان حکم صادر می‌کنند و خودشان هم می‌خواهند اجرا بکنند. ولی همین افراد وقتی کيفرخواست را جایی می‌برند همه رد می‌شود. به شعبة دادید رد شد، به کمیسیون تحقیق دادید با رأی قاطع رد شد. نمی‌شود که حرف هیچ محکمه و قاضی و نشنوب و نپذیرید. بالأخره یک قاعده را بپذیرید: شورای نگهبان، اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، شعبة، کمیسیون تحقیق... مگر تاج‌گردون کیست که می‌تواند همه این‌ها را تطمیع کند و شما می‌گویید یا تطمیع شدند، یا روزه شدند، یا تجزید شدند، یا بلد نبودند بررسی کنند و همه محاکم رد هستند و موضوع من امروز به شکل غیرقانونی دو کلمه‌ای مطرح می‌شود که شرایط فرصت بررسی نداد و یک تصمیم سیاسی گرفته شود.

آمنند و حرف ناروایی را از طرف شورای نگهبان گفتند و شورای نگهبان در رد حرف‌های شما بی‌ایمانه داد. من بیشتر از این بلد نیستم در این حجم از محافل و مراجع پاکدستی و سلامت و ثروت را به اثبات برسانم و ادعای شما را رد کنم.

اما بحثی که در مورد جمله من که در خصوص دستمال کثیف مطرح کردم و سعی کردید مجلس و بخصوص علمای مجلس را در این خصوص تحریک کنید. اول عرض کنم این حرف توهمین به ساحت مقدس مجلس نبود. حرفی که من زدم فرمایش مقام معظم رهبری در سال ۹۴ است؛ ایشان فرمودند با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد. این حرف یک حرف منطقی است و مبنا هم دارد.

آقای زاکانی چرا فکر می‌کنید من منظورم با شمامست. در مرحله قبلی هم عرض کردم آن کسی که این حرف را در مورد ایشان زده‌ام خودش می‌داند منظورم کیست. در بین شما کسی است که خودش دستمال کثیف است و خودش می‌داند اگر من مثل او بودم و رعایت اخلاق نمی‌کردم نمی‌توانست اینجا بماند و مصداق دستمال کثیف اوست و حتماً هم بعداً به او پرداخته خواهد شد و نیاز نیست کل مجلس و نمایندگان محترم را در این زمینه تحریک و تهییج کنید.

در انتها نماینده محترمی فرمودند آقای تاج‌گردون ما به شما توصیه می‌کنیم به خاطر حفظ آبروی خودتان استعفا داده و برو، دوست نداریم با رد اعتبارنامه به آبروی شما لطمه بخورد. خدمت این همکار عزیز و شما عزیزان عرض می‌کنم: آبروی انسان را خداوند می‌دهد و من برای آبرویم با خداوند معامله می‌کنم و لاغیر.

شاید وقتی به زمین می‌خوری نمی‌دانی و فکر می‌کنی به زمین خورده‌ای، در صورتی که این زمین‌خوردن آغاز بلند شدن و لوحت باشد، ای وقتی بالا هستی و فکر می‌کنی در اوج هستی نمی‌دانی که اول به زمین خوردنت باشد.

خداوند است که مشیت انسان را تعیین می‌کند و به انسان آبرو می‌دهد و آبرو می‌گیرد. شما هم هیچ نگران نباشید به من رأی بدهید یا ندهید. اگر به من رأی بدهید ممنون شما هستم که ۴ سال فرصت خدمتگزاری را به من داده‌اید و اگر به من رأی ندهید چون مولایم سجده شکر به جای خواهم آورد و از شما تشکر می‌کنم که این بار سنگین را از دوش من برداشته‌اید.

من از خداوند متعال عزت ایران و این مجلس را می‌خواهم و امید دارم عزت این مجلس حفظ شود و نگران من نباشید، و در آخر بیتی از اشعار حافظ را که تفال زده‌ام و با آن تفال به این جلسه آمده‌ام می‌خوانم و از بین شما می‌روم.

«محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست
چون رخت از آن توست به یقما چه حاجت است»
والسلام

قابل توزیع



باسمه تعالی

همکاران عزیز! نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

باسلام و احترام؛

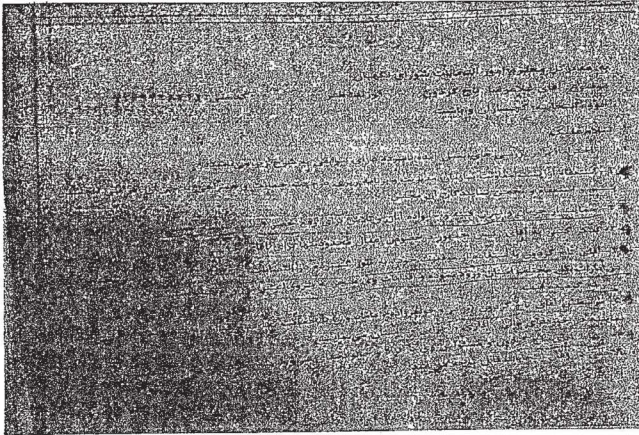
نظر به دستور جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۹ در خصوص بررسی اعتبارنامه آقای غلامرضا تاجگردون منتخب مردم شریف گچساران و باشت، از آنجاکه کمیسیون تحقیق در مدت ۱۵ روز فرصت قانونی تنها یکساعت به معترضین فرصت بیان ادله داد و به اذعان برخی اعضای کمیسیون، گزارش ۴۰۰ صفحه ای حتی به طور کامل خوانده نشد و تحقیق کافی هم صورت نگرفت، خلاصه دلایل معترضین به اعتبارنامه آقای تاجگردون ذیلا تقدیم میشود. گفتنی است مشروح و جزئیات دلایل و مستندات نزد معترضین موجود است که در صورت مراجعه جهت مطالعه تقدیم میشود.

الف) مقدمه

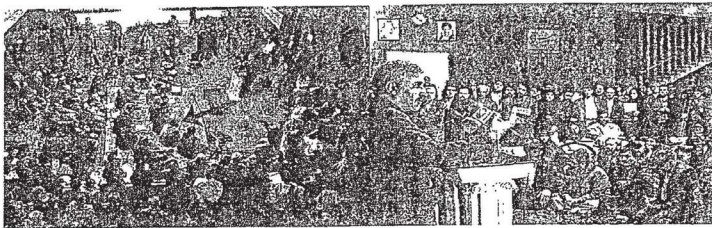
۱. اصل ۹۳ قانون اساسی می گوید: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد "مگر" در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان» لذا تصمیم مجلس مستقل از نظر شورای نگهبان اعتبار دارد و باید به اعتبارنامه ها ورود کند. حضرت آیت الله جنئی دبیر محترم شورای نگهبان نیز در دیدار سه تن از نمایندگان با ایشان (زاکانی، کریمی و نیک بین) ضمن تشویق و تقدیر از مواضع انقلابی این نمایندگان، تاکید کردند شورا دخالتی در رسیدگی به اعتبارنامه ها نمی کند و از تصمیم مجلس حمایت قاطع خواهد کرد.
۲. با توجه به وصیت حضرت امام خمینی (ره): «از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می خواهم اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند مجلس اعتبارنامه آنان را رد کند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد.» مشخص میشود، بررسی (رد یا تایید) اعتبارنامه منتخبین، نفی شورای نگهبان نیست چراکه امام با علم به وجود و جایگاه رفیع شورای نگهبان چنین وصیت مهمی فرموده است. لذا حتی مفاد تبصره ۱ ماده ۲۸ آیین نامه داخلی (وظیفه شعبه برای احراز عدم رسیدگی شورای نگهبان به موارد یا حادث شدن آنها بعد از اعلام صحت انتخابات) سلب حق قانونی و نفی وظیفه انقلابی نمایندگان مجلس نیست؛ گرچه موارد بررسی نشده در شورای نگهبان نیز موجود است که در ادامه بیان خواهد شد.
۳. در مراحل قبلی رسیدگی در شعبه ۱۲ و کمیسیون تحقیق، صراحتا عرض کردیم با آقای تاجگردون مشکل شخصی و سیاسی (جناحی) نداریم که اگر چنین بود اصلاح طلب تر از او در جمع ما حضور دارد. همچنین گفتیم ای کاش ایشان بتواند اثبات کند اسناد ما نادرست است یا تکذیب رسمی و مکتوب آنها را از مراجع ذیصلاح بگیرد؛ اما وی هیچ سندی بر رد اسناد ما ارائه نکرد و همه آنها از جمله نظر مکتوب مراجع رسمی و حتی صوت و فیلم و امضای خود را هم با قسم های جلاله متعدد حاشا و انکار نمود.

ب) دلایل اعتراض (خط قرمز مجلس انقلابی: فساد و فتنه)

۱. نامه رسمی مرکز تعیین صلاحیت به شورای نگهبان مورخ ۲۴ آذر ۹۸ که در ۶ بند آقای تاجگردون را فاقد صلاحیت نمایندگی مردم در مجلس دانسته است:

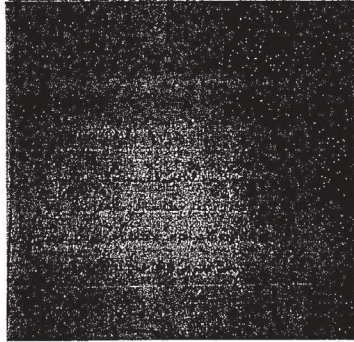


۱.۱. نسبت مجلس انقلابی یازدهم با مجلس ششم و فرد حامی نویسندگان نامه جام زهر به رهبری (با استعفاء از معاونت سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شرکت در صفا اول متحصنین) چیست؟ این اتفاق تاریخی غیرقابل انکار، در نامه دیگر این نهاد امنیتی به وزارت کشور (۲۳ دیماه ۸۶) نیز تصریح شده است.



۱.۲. فتنه خط قرمز قطعی رهبری و مردم انقلابی است و چشم پوشی از حامیان فتنه زینده مجلس انقلابی نیست. حمایت آقای تاجگردون از جریان و سران فتنه و تلاش برای رفع حصر اسناد انکارناپذیر

دارد. ضمن آنکه ایشان در دو سخنرانی جداگانه می گوید [حضرت] آقا باید به اشتباه خود [در فتنه] اعتراف کند و ما از حق خود [در ماجرای ۸۸] گذشتیم. اسناد جهت مطالعه موجود



۱.۳. توجه به هشدار اخیر رهبرانقلاب درباره شبکه درهم تنیده مفسدان و مجریان: سوءاستفاده گسترده آقای تاجگردون از مسوولیت‌های خود (ریاست کمیسیون بودجه و تلفیق) برای دخالت در انتصابات، اشتغال و ارتقاء مرتبطین خود که موجب بروز اعتراض و مشکل در منطقه شده است و نیز سوءاستفاده بستگان و مرتبطین تحت حمایت ایشان (برادر، خواهر، خواهرزاده، داماد و ...) با دخالت در حوزه های مالی، اداری، اجرایی استان برای دستگاه امنیتی محرز شده است.

۱.۴. توجه به هشدارهای رهبرانقلاب درباره نفوذ و لزوم مراقبت: ارتباط آقای تاجگردون و مسوولین وی با افراد و خانواده های معدومین، ضدانقلاب و منافقین خصوصا در زمان انتخابات جدی است.

توجه: رهبرانقلاب ۲۹ فروردین ۹۷: «فردی که می خواهد در نظام جمهوری اسلامی، امانت‌دار کشور و مردم باشد باید صلاحیت داشته باشد لذا کوچک‌ترین تردید درباره صلاحیت افراد باید منعکس شود و دستگاهها نیز موظف به عمل براساس نظر وزارت اطلاعات هستند.»

۲. اسناد بررسی نشده در شورای نگهبان:

در پاسخ دوم شورای نگهبان به نامه ۱۵ بندی معترضین مورخ ۲۰ خرداد ۹۹، تصریح شده است که درباره دو بند از اسناد مورد نظر ما مدرکی در پرونده ایشان در شورای نگهبان موجود نیست و لذا بررسی نشده است:

۲.۱. مدرک جعلی دکتری: در نامه شورای نگهبان آمده است: «در مورد مدرک تحصیلی، در فرم ثبت نام کارشناسی ارشد ذکر گردیده است و در خصوص مدرک دکتری مطلبی نیامده است.» مفهوم این بند نامه آن است که چون ارائه مدرک کارشناسی ارشد برای ثبت نام در انتخابات کافی بوده است، اساسا شورای نگهبان به بحث مدرک جعلی دکتری ایشان ورود نکرده است. اما بیان ما آن

است که مدرک دکتری مورد ادعای ایشان در اقلام رسمی تبلیغات انتخاباتی و درگاه های رسمی حوزه مسوولیت ایشان، تقلبی و فاقد تاییدیه وزارت علوم است.

آقای تاجگردون پیش از این مدعی بوده است که مدرک دکترای مدیریت اقتصادی خود را طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به شکل ترددی از مؤسسه گلوبال بیزینس آکادمی بروکسل بلژیک اخذ کرده است؛ مؤسسه‌ای که وزارت علوم مدارک آن را بی اعتبار و غیرقابل ارزشیابی شناخته است.

۲.۲. در نامه شورای نگهبان همچنین آمده است: «مورد بلیه ۱۰ نیز میبزرگی در پرونده وجود ندارد لیکن نمونه هایی از معرفی افراد به دستگاههای اجرایی برای حل مشکلات آنان در پرونده موجود است.» طبعاً سوال معترضین ناظر به حل مشکلات افراد بی بضاعت نبوده است و بند ۱۰ نامه ما توصیه جهت یکی از بستگان ایشان در زمینه صدور مجوز ویژه با تسهیلات خاص و معافیت های ویژه برای ساخت مجتمع پنج طبقه در محل سینما پارس گچساران در زمینی بالغ بر ۷ هزار متر بوده است. جالب آنکه نماینده مامور کمیسیون تحقیق در این باره اظهار داشت که از رانت دهنده سوال و تحقیق کرده و او هم طبعاً انکار کرده است! (سند جهت مطالعه موجود)

۱. سایر اسناد

توضیح مهم: موارد ذیل، تفصیل دو بند از موارد مندرج در نامه ۲۴ آذر ۹۸ نهاد امنیتی کشور و مرجع اساسی رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و حاصل تحقیقات یک ماهه معترضین است و البته ضرورتی برای دست یافتن به آنها به منظور صحنه گذاری بر نظر رسمی مکتوب آن نهاد رسمی نیست، چرا که ما نمایندگان کارشناسان قضایی و امنیتی نیستیم تا بتوانیم انکار تمام این موارد را از سوی آقای تاجگردون تکذیب و همه آنها را با جزئیات اثبات نماییم و لذا موظفیم طبق نظر صریح رهبر انقلاب به سند مکتوب آن نهاد رسمی اعتماد کنیم و مبنای تصمیم خود قرار دهیم. اما سرفصل نتایج بررسی خود را برای اطلاع شما همکاران گرامی بیان می کنیم و در صورت درخواست، جزئیات آن جهت مطالعه در دسترس شما قرار دارد.

۳.۱. نفوذ و حمایت از بستگان در مناصب مختلف دولتی و نهادهای عمومی

در این بخش فهرستی بالغ بر ۲۰ نفر از نزدیکان خانوادگی ایشان احصا شده که از ۲۰ سال قبل تاکنون با حمایت ایشان مشغول به کار شده، ابقا شده یا ارتقاء یافته اند.

۳.۲. شبکه سازی شرکتی و دخالت در اعطای قراردادهای و پروژه های بزرگ و نجومی

در این بخش فهرستی شامل حدود ۱۰۰ شرکت و موسسه کوچک و بزرگ وجود دارد که آقای تاجگردون و بستگان و دوستان ایشان به صورت شبکه ای با یکدیگر در ارتباط هستند و در بسیاری موارد با حمایت ایشان صاحب پروژه های کلان در کشور شده اند.

۳.۳. زمین خواری:

پدر آقای تاجگردون مباشر خان ظالم منطقه باشت و مرتبط ساواک بوده که طبق سند رسمی ساواک چندصد هکتار زمین را سال ۴۴ از منصورخان باشتی (معدوم دادگاه انقلاب) گرفته است ولی همان ابتدای انقلاب جز ۴ هکتار بقیه اش به میزان ۳۵۰ هکتار مصادره شده است.

بعدها میزان تعرض به منابع ملی و زمین های مرتبط خانواده وی برابر اسناد رسمی اعلامی به پیش از ۷۷۰ هکتار می رسد که نامه های مراجع رسمی از جمله سازمان بازرسی درباره تخلفات ایشان موجود است.

۴. رفتار و گفتار آقای تاجگردون

۴.۱. تکبیر: ایشان زمان تبلیغات انتخاباتی صراحتاً می گوید نفر اول هر مجلسی چه اصولگرا چه اصلاح طلب است که این مساله علاوه بر خوی تکبیر نشانگر فساد مدیریتی او در تلاش برای برقراری نسبت های ناسالم با افراد است.

۴.۲. تهدید و ارعاب و توهین: آقای تاجگردون و جریان وی علاوه بر ایجاد فضای رعب در منطقه علیه مخالفین خود - که حتی در تهدید لفظی و برخورد فیزیکی با نمایندگان مخالف اعتبارنامه نیز خود را نشان داد - در فیلمی که اخیراً منتشر کرده اولاً با تهدید و منت گذاری ضمنی گفته است که از نمایندگان مجلس پرونده دارد ولی منتشر نمی کند! ثانیاً همه نمایندگان را دستمال کثیف خطاب کرده است؛ گویی که چون همه شما فاسدید پس مجبورید به من مفسد رای مثبت دهید!!

۵. پاسخ به چند ادعای آقای تاجگردون

- ۵.۱. حمایت نیروهای مسلح و سپاه از ایشان و مخالفت با جمع معترضین:
 - ✓ در دو جلسه مجزای اخیر، عده ای از نمایندگان با مسوولین ارشد ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه صحبت کردند که در هر دو نوبت، این ادعا تکذیب و رسیدگی به اعتبارنامه اختیار مجلس بیان شده است.
 - ✓ تقدیرنامه و هدایای فرماندهان شهید یا حاضر نیروهای مسلح از انجام وظیفه ایشان، امری مرسوم و از سر کرامت آنها بوده است نه تایید و چشم پوشی از دیگر خطاهای تقدیر شوندگان. جالب است که این روزها امثال برخی افراد شهید حاج قاسم سلیمانی را بسان قرآنی بالای نیزه می برند تا کسری اعتبار خویش نزد نمایندگان انقلابی مجلس را به نحوی جبران کنند.
- ۵.۲. تایید در تمام مراحل انتخابات و همه مراجع چهارگانه تا اینجا:
 - ✓ مرکز تعیین صلاحیت وزارت اطلاعات، ناجا و سپاه استان ایشان را رد کرده اند.
 - ✓ صلاحیت ایشان چند نوبت از جمله همین انتخابات در هیات نظارت استان تایید نشده است. سپس در هیات مرکزی نظارت نیز تایید نشده اند که در ادامه بجای طی مسیر اعتراض به شورای نگهبان، مجدداً هیات نظارت با تاخیر رای به تایید ایشان داده است.

جمع بندی:

رسیدگی به اعتبارنامه آقای تاجگردون گرچه مسائل همه وظایف نمایندگان مجلس انقلابی نیست اما قطعاً یک وظیفه اصلی است که نژاد خداوند متعال، امام راحل(ره) و شهدا و در پیشگاه مردم انقلابی ایران اسلامی امتحان اول مجلس یازدهم و زمینه ساز سالم سازی درونی مجلس یازدهم برای رسیدگی به اولویتهای اقتصادی، معیشتی و فرهنگی مردم خواهد بود.

والسلام علی من اتبع الهدی

معتبرین به اعتبارنامه

۱۳۹۹/۰۴/۱۸



پست

شماره:

تاریخ:

پست:

محضر مبارک نمایندگان محترم مجلس یازدهم

سلام علیکم

الهم صل علی محمد و آل محمد

نکاتی به اختصار در مورد کمیسیون تحقیق و پرونده مطرح شده برادر گرامی جناب آقای غلامرضا تاج گردون خدمتتان تقدیم می کنم.

۱. بیانیه رئیس کمیسیون تحقیق که در تاریخ ۹۹/۴/۱۷ که از طریق خبرگزاری خانه ملت منتشر شده هیچ ارتباطی به کمیسیون تحقیق ندارد و نظر شخصی آقای خانی است؛ چرا آخرین جلسه کمیسیون در مورخه سه شنبه ۹۹/۴/۳ برگزار شده و بعد از آن هیچ جلسه برگزار نشده است؟
۲. رأی کمیسیون در مورخه ۹۹/۴/۳ صرفاً براساس صرف گزارش ۳ نفر از اعضای کمیسیون تحقیق بود و طبق آن چه که خود اعضای کمیسیون اقرار داشتند هیچ کدام تحقیقی - نه کلی و نه جزئی - در مورد اشکالات مطرح شده نسبت به آقای تاج گردون انجام نداده بودند و رأی آن ها به صرف گزارش ناقص سه نفر از اعضا بود.
۳. در آخرین جلسه کمیسیون تحقیق حقیر بارها به رئیس کمیته تحقیق تذکر دادم که شما در حقیقت فقط فرمایشات جناب تاج گردون را بیان می کنید و حال اینکه در ارائه گزارش خود باید حاصل تحقیق و جستجوی کمیته را بفرمایید که متأسفانه به عرایض حقیر اعتنای لازم نشده و آن شد که مشاهده می فرمایید.
۴. والله قسم هیچ کدام از اعضا کمیسیون تحقیق به اندازه حقیر با این وجود که جزء معترضان اولیه اعتبارنامه جناب تاج گردون نبودم، تحقیق میدانی و ... نکرده است و حقیر با نظر به تحقیق میدانی عرض می کنم گزارش کمیته تحقیق و کمیسیون تحقیق مخدوش است و علت اصلی آن کمبود وقت اعضای محترم این کمیسیون بوده است.
۵. بنابه اقرار آقای میرتاج‌الدینی و تأیید دیگر اعضای کمیسیون در همان جلسه سه شنبه مورخ ۹۹/۴/۳ برخی از اشکالات وارده همچون عضویت در شرکت‌ها راست‌آزمایی نشده است و هیچ کدام از اعضای کمیسیون تحقیق و حتی کمیته سه نفره از اداره ثبت شرکت‌ها هیچ‌گونه استعلامی نگرفتند. پس چطور می‌توان بدون تحقق و استعلام لازم ادعاهای آقای تاج‌گردون را تأیید نمود؟
۶. آنچه پیش روی ما است نظرات مکتوب وزارت اطلاعات و دیگر تخلفات جناب آقای تاج‌گردون که ثابت شده است و همچنین رد قطعی ایشان در هیئت نظارت استان کهگیلویه و بویراحمد در دوره هفتم، دهم و یازدهم است. و بنابه فرمایش حضرت امام و اصل ۹۳ قانون اساسی نمایندگان در مقام تأیید اعتبارنامه ها مستقل از شورای نگهبان باید تصمیم بگیرند و نظر بدهند.
۷. دوستان و عزیزان! کلاً سه یا چهار جلسه دوساعته در کمیسیون تحقیق برای این موضوع برگزار شد که قرار بود جلسه ای با حضور معترضین و جناب تاج‌گردون هم برگزار شود که اصلاً برگزار نشد و لازم به ذکر است از روزی که این پرونده به

شماره:
تاریخ:
پیوست:

پست



کمیسیون تحقیق ارجاع شد منتهی به هفته تعطیلی شد و تقریباً فرصتی برای کار نبود که در همان جلسه اخیر سخنگوی محترم فرمود دقت کم بوده و ما نرسیدیم به همه موارد رسیدگی کنیم.

۸- حقیر سه سفر به منطقه یاسوج، باشت، گچساران و فارس داشته‌ام که حاصل این سه سفر تحقیقی به شرح زیر می باشد.

۱. اینجانب هیچ گونه نظری در مورد سابقه خانوادگی و یا شخصی جناب آقای تاج‌گردون ندارم و به نظر لازم نیست به این گونه مسائل پرداخته شود.
۲. حمایت ایشان از سران فتنه قطعی و یقین است.
۳. حمایت از شرکت‌هایی همچون کوبله برادران گوهرکانی و زیدون کوش برادران حاتمی قطعی است.
۴. در ستاد مرکزی و دیگر ستادهای ایشان به کرات و به طور رسمی از عنوان دکتر برای ایشان استفاده شده است
۵. رد شدن ایشان در هیئت نظارت استان قطعی است.
۶. دخل و تصرف غیرقانونی در لوابح بودجه و سوء استفاده از مقام ریاست کمیسیون برنامه و بودجه و تلفیق بودجه.
۷. حمایت از زمین‌خواری و کوه‌خواری به طور گسترده در گچساران
۸. هیچ سند مکتوبی از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در تأیید وجود ندارد و در مقابل سند رسمی وزارت اطلاعات در رد ایشان وجود دارد.
۹. فساد و رانت در پتروشیمی گچساران به طور گسترده وجود دارد از جمله استخدام افراد معلوم‌الحال بدون برگزاری آزمون و...
۱۰. فساد قطعی و پول‌شویی در موضوع دریاچه مصنوعی گچساران
۱۱. دخالت در عزل و نصب و دستور همکاری با شرکت‌های خاص به شهردار گچساران و عدم قبول ایشان که در نتیجه باعث بایکوت شدن ایشان از ۳ سال پیش تا به امروز شده است.

جواد نیک بین برکن / روح
 نماینده مردم شریف کاشمر، برداسکن و خلیل آباد



توسیع کرد

به نام خدا

نمایندگان محترم مجلس

با رای اکثریت شما نمایندگان محترم توفیق ادامه خدمت در دوره یازدهم را دارم و از حضورتان مرخص میشوم و انشالله در ادامه خدماتم سعی میکنم خدمتگزار نظام مقدس جمهوری اسلامی و ولی امر مسلمین باشم.

از آنانی که به من رای اعتماد دادند ممنون و سپاسگزارم و از آنانی که با علم و یقین به من رای نداده اند هم ممنونم که این بار را از دوش من برداشتند و آنانی که به هر دلیلی و با تشویش و فضا سازی مانع از اتخاذ تصمیم صحیح شدند و حق الناس را تضییع کردند به روز قیامت و جزای اخروی واگذار میکنم

فرزند ایران

غلام رضا تاج گردون



https://khabaronline.ir/news/1412138

۳۰ تیر ۱۳۹۹ - ۱۰:۰۸

کد خبر 1412138

اخبار سیاسی ایران / احزاب و شخصیت‌ها



پاسخ‌های کدخدایی به ادعای همکاری دخترش با پسر تاجگردون در یک شرکت/شاید برخی نامزدهای ریاست جمهوری در خیابان یا نماز جمعه صحبتی با اعضا کرده باشند

سخنگوی شورای نگهبان در گفتگو با ایرنا گفت: دیداری به‌شکل سازمان یافته با نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری نداشتیم. ممکن است در نماز جمعه، در خیابان یا مجلس یک کسی، فردی را ببیند و صحبتی شود که ما بیایم یا نباییم اما این گونه صحبت‌ها به عنوان مذاکره با شورا تلقی نمی‌شود.

عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در گفتگویی به بیان نکاتی پیرامون نقاط ضعف و قوت شورای نگهبان، حملات به این شورا بعد از رد اعتبارنامه تاجگردون، برخورد مجلس یازدهم با وزیر امور خارجه و ... پرداخته است. بخشی از این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

<<< بیشتر بخوانید:

کدخدایی از شورای نگهبان می‌رود؟

شورا نگهبان می‌تواند از نامزدهای ریاست جمهوری برنامه اقتصادی بخواهد؟ و آیا این نگاه وجود دارد که از نامزدها برنامه اقتصادی بخواهد؟

به نظر من می‌تواند. این نگاه تقریباً هست، ولی این که الزامی شود بحث دیگری است. چون بخشی به قانون انتخابات برمی‌گردد که بتوانیم در قالب قانون انتخابات چنین الزامی را ایجاد کنیم، البته در دور قبل این کار به‌شکل جزئی انجام شد و ما اعلام کردیم.

بعد از رد اعتبارنامه تاجگردون حملاتی به شورای نگهبان شد و گفته شد که شورا هم می‌تواند اشتباه کند در این خصوص توضیح دهید؟

بارها گفته‌ایم که شورای نگهبان هم انسان است و می‌تواند اشتباه کند.



گفته شده که شورا به خاطر این که تاجگردون حمایت بودجه‌ای از شورا کرده او را نباید کرده است؟

آقای تاجگردون دو دوره رییس کمیسیون بودجه در مجلس بوده است؛ دوره‌های قبل که او نبود چه کسی از شورا حمایت بودجه‌ای می‌کرد.

آیا رد اعتبارنامه تاجگردون به این معناست که شورا کارش را درست انجام نداده یا کار مجلس درست نیست؟

از جهت قانونی هر دو کار درست است یعنی هم شورای نگهبان و هم مجلس. علت آن هم این است که قانون‌گذار دو مرحله پیش بینی کرده است؛ مرحله اول بررسی صلاحیت توسط شورای نگهبان و مرحله دوم تصویب اعتبارنامه توسط مجلس شورای اسلامی است. در طول ۴۰ سال گذشته فکر کنم مجلس اعتبارنامه حدود ۱۹ تا ۳۰ نفر را تصویب نکرده است. آیا به مفهوم این است که نقضی در شورای نگهبان بوده است؟ نه! چرا که مرحله بررسی شورای نگهبان مستقل از بررسی مجلس است یعنی اگر هر کدام به دلایل و مدارک پرسند، می‌توانند براساس آن اظهارنظر کنند. بنابراین تصویب یا رد اعتبارنامه به مفهوم این نیست که کار شورای نگهبان الزاماً غلط و اشتباه و کار مجلس درست بوده است. بنده در شورا نسبت به برخی نمایندگان رای مثبت ندادم آیا به مفهوم این است که الان او نماینده نیست یا اشتباه شده است؟ نظر من این بوده که او صلاحیت ندارد ولی زمانی که شورای نگهبان یا

هیات مرکزی رای داده است، رای اکثریت ملاک است. رای اکثریت به صلاحیت فرد اعتبار می‌بخشد و تمام است. این که کسی مخالف یا موافق است دیگر فرقی نمی‌کند. با در مجلس اعتبارنامه فردی تایید شده و اعتبارنامه فرد دیگری تایید نشد؟ این که حدود ۱۲۰ نفر تایید کردند و ۱۲۰ نفر تایید نکردند و ۵۰ - ۵۰ شد؛ آیا آنهایی که رای به تایید دادند آدم‌های خلافکارند یا اشتباه کردند؟ بالاخره آنها نظرشان این بود که با همان مدارک ایشان تایید شود، عدماً دیگر منتقد بودند که تایید نشود. درباره آقای تاجگردون هم مجلس مدعی است که مدارک جدیدی دارد. معمولاً همه بررسی اعتبارنامه برای این است که مدارکی باشد که شورای نگهبان رسیدگی نکرده یا مدارک جدید دیگری باشد. ولی ما وظیفه راستی آزمایی نداریم.

مجلس از شورای نگهبان در مورد آقای تاجگردون مدارک خواست؟

طی نامه ای از ما نامه خواستند و ما نوشتم که چه مواردی بررسی شده و چه مواردی بررسی نشده است.

شایعاتی در مورد دختر شما مطرح شده که با پسر آقای تاجگردون شرکت مشترک دارند.

شکبه خبری «سی ان ان» مدتی بود که گزارشی از شخصیت‌های نظام می‌داد و ما را هم عضو کرده بود و مطالبی را در حساب‌های سوییس برای من اعلام می‌کرد و هر وقت هم که می‌گفتم اینها را به ما بدهید یا اجازه بدهید کسی نباید این مطالب را بگیرد نمی‌شد! بنابراین شکایتی کردیم که دادگاه «سی ان ان» را محکوم کرد البته این رای چند سال طول کشید چرا که برای بررسی قضایی کار سختی بود اما چند ماه قبل این رای صادر شد. از این دست شایعات زیاد است، اما نمی‌دانم چرا این یکی منتشر شد. پیامک بعضی از این شایعات برای من هم می‌آید. پیامک این قضیه هم ۳ هفته قبل از اینکه منتشر شود آمد که چنین خبری هست که گفتم مبارک است!

در انتخابات مجلس شاهد کاهش میزان مشارکت مردم بودیم، با توجه به اینکه به هر حال همواره میزان مشارکت در انتخابات بالا بوده است برای افزایش مشارکت در انتخابات بعدی چه برنامه‌ای دارید؟

همه نهادها چه در افزایش و چه در کاهش مشارکت سهم دارند. در طول ۴۰ ساله که انتخابات برگزار شده است، این مولفه‌ها همیشه وجود داشته است که زمانی ما کاهش و زمانی افزایش مشارکت داشته‌ایم، که این بار کاهش بیشتر بوده است. اگر همه انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را رصد کنید معمولاً شرایط اقتصادی بیشترین سهم را در افزایش یا کاهش مشارکت دارند. سوال این است که شرایط اقتصادی کشور دست چه کسی است؟ جواب آن هم این است که همیشه دست قوه مجریه است. در مجلس پنجم مشارکت نزدیک به ۷۵ درصد افزایش داشت، در مجلس ششم این مشارکت به‌رغم این که فضای سیاسی خیلی پارتی بود اما کمتر از دوره پنجم است. می‌خواهم بگویم که همه نهادها از جمله شورای نگهبان در میزان این کاهش و افزایش سهم داشتند.

سهم شورای نگهبان در این مسئله چقدر هست؟

در نظرسنجی‌هایی که دوستان دولت برای ما فرستادند نقش بررسی صلاحیت‌ها در میزان مشارکت بسیار اندک بود و مولفه معیشت و مسائل اقتصادی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده بود. بنابراین اگر معیشت مردم درست شود امید مردم به آینده بهتر می‌شود به تبع مشارکت هم افزایش پیدا می‌کند. شورای نگهبان در این دوره ۷۵ نفر از نمایندگان مجلس را رد صلاحیت کرد. نمی‌دانم چرا همه جا و حتی خود نمایندگان ۹۰ نفر گفتند و این ظلم به شورای نگهبان است. اما از آن طرف مردم هم به ۱۱۷ نفر رای ندادند.

بنابراین شورای نگهبان نقش زیادی در کاهش میزان مشارکت نداشته است و نقش مردم خیلی بیشتر بود که این هم برای اولین بار اتفاق افتاد. یعنی جایی که مردم از شورای نگهبان جلو افتادند و با وجود سلیقه‌های مختلف به ۱۱۷ نفر از نمایندگان مجلس رای ندادند. بنابراین در همان نظرسنجی که گفتم، نقش شورای نگهبان و تایید صلاحیت خیلی کم دیده شده بود که در عمل هم این اتفاق افتاد. واقعاً اگر شرایط اقتصادی ما بهتر بود به طور قطع میزان مشارکت افزایش پیدا می‌کرد.

در چند هفته اخیر مواضع تندتری از سوی نمایندگان به دولت و به‌ویژه حضور آقای ظریف در مجلس داشتیم ارزیابی شما در این مورد چیست؟

من به دوستان مجلس گفتم مواجهه مجلس در برخورد با آقای ظریف رویکرد مناسبی نبود. چرا که شما می‌توانید سوال، استیضاح و تذکر که از جمله حقوق نمایندگان است را داشته باشید و از آن به نحو احسن استفاده کنید. معتمد وظیفه عمده مجلس بیشتر نظارتی است تا قانونگذاری، بنابراین از این ابزار سوال و استیضاح و تذکر خیلی خوب استفاده کنند اما به جای خودش، نباید به گونه ای باشد که تلقی نوسویه حساب یا برخورد شخصی ایجاد شود.

کارنامه وزیر امور خارجه را هم زیر دیگری را می‌توانید مکتوب کنید و بگویید شما در این گونه موارد رعایت مصالح را نکردید یا این تخلف را داشته‌اید و محترمانه بخواهید که با حضور در مجلس پاسخ ابهامات را بدهد، یا قانع می‌شوید یا قانع نمی‌شوید اما این که قانع نشدید، این گونه برخورد درست نبود.

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر علوی

وزیر محترم اطلاعات

با سلام و احترام

مستحضرد اعتبارنامه اینجانب بدلیل اعتراض جمعی از نمایندگان مجلس در صحن علنی به تصویب نرسید.

بعد از جلسات متعدد و ارائه مستندات تنها مستمسک معترضین که به نظر میرسید به عنوان بهانه مورد توجه قرار گرفت نامه آذرماه سال گذشته رئیس محترم مرکز تعیین صلاحیت آن وزارتخانه به مدیر کل محترم امور انتخابات شورای نگهبان بود که اگر چه در زمان بررسی صلاحیت اینجانب توسط شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت و آن را دلیل بر رد صلاحیت من ندیدند ولی بدلیل موارد مطروحه در نامه قاعدتا مورد توجه معترضین قرار گرفته است.

اگر چه جای سوال است که این نامه محرمانه چگونه به دست معترضین قرار گرفته و بعد در رسانه ها منتشر گردید ولی نوع موارد مطروحه از آنجا که برخی کلی و موارد انتهایی را شامل میشود برای خود نیز مایه تعجب است.

میدانم معاونین محترم آن وزارتخانه در جلسه کمیته زیر مجموعه کمیسیون تحقیق حضور پیدا کرده و موارد را شفاهی رد یا توضیح دادند ولی از آنجا که مغایر این نامه مدرکی توسط آن وزارتخانه صادر نگردید لذا همچنان جای ابهام وجود دارد. اینک به عنوان یک شهروند که سی سال در مناصب مهم انجام وظیفه نموده درخواست دارم برای روشنگری حقیر و دیگر دستگاههای نظارتی (بالاخص شورای محترم نگهبان) و نیز مجلس شورای اسلامی دستور فرمایید مصادیق و مستندات دقیق اعلام گردد تا اگر حقی تضحیح شده حداقل در فضای عمومی اصلاح گردد. اگر چه بدلیل رد اعتبارنامه حق مسلم مردم و رای آنان که حق الناس است ضایع شده و این تضحیح حق به گردن مسببین خواهد ماند.

- اعلام شده است اینجانب در جریان استعفاء وزراء و معاونین وزراء در دوره ششم مجلس به عنوان اعتراض و همراهی با جریان افراطی مجلس استعفا داده ام. از آنجا که یقین دارم چنین اتفاقی توسط اینجانب صورت نگرفته و این موضوع در چهار دور گذشته مجلس بررسی شده و رفع ابهام شده بود دلیل تکرار مجدد آن جای سوال و ابهام است. خوشحال میشوم مستند لازم که بیانگر امضاء اینجانب باشد ارائه گردد
- به صراحت اعلام شده است اینجانب عضو کمیته حصر بودم. از آنجا که یقین دارم اینجانب عضو چنین کمیته ای نبوده ام خواهشمندم مستند لازم در این خصوص ارائه گردد.
- مورد سوم تذکر به رئیس جمهور در خصوص اعمال محدودیت برای آقای خاتمی بود که این موضوع هیچگاه مبنای رد صلاحیت نبوده و در دور دهم نیز مورد بررسی قرار گرفته و تعداد زیادی از دیگر امضاء کنندگان نیز مورد تایید صلاحیت قرار گرفتند.

- مورد اعتراض قرار گرفتن توسط نهادهای استانی در خصوص استفاده از موقعیت خود برای اطرافیانم، خوشحال خواهم شد مستندات این بخش اعلام و با حداقل اینکه موارد میبایستی اگر تخلف بوده در فرایند انتصاب تذکر یا اصلاح میشد.
- سوء استفاده برادر، خواهرزاده، داماد و .. اینجانب از موقعیت اینجانب در حوزه های مالی، اداری و اجرایی، این ادعا هم مورد مجرمانه دارد و هم اینکه میبایستی با سوء استفاده کنندگان برخورد لازم صورت میگرفت. چرا حتی کوچکترین اتفاقی در این خصوص انجام نشده است و در این چند سال با مسببین و متخلفین برخورد نشده است و موردی حتی شفاهی به من اعلام نشده است.
- نکته بسیار مهم که برای اینجانب بسیار قابل تامل است اعلام ارتباط اینجانب با افراد و خانواده های معدومین، ضد انقلاب و منافقین میباشد. تنها موردی که به استناد این نامه توسط شورای نگهبان به اینجانب اعلام گردید درخواست من از مسئولین شهر برای ساختن تندیس پیرزنی به نام گل افروز در بیمارستان مادر و کودک شهر میباشد (این بانو بدلیل اینکه ماما و پزشک محلی و قدیمی شهر بود به نام مادر گچسارانیها معروف است). این مرحومه مادر مورد علاقه همه مردم بوده و فرزند شوهرش (از همسر دیگر) در ابتدای انقلاب اعدام شده بود. اگر چه بسیار افراد منتقد و بزرگی در کشور وجود دارند که فرزندشان اعدام شده است ولی علیرغم این در مناصب عالی حضور داشته و یا دارند. از آنجا که این مورد به صورت کلی اعلام گردیده است حکایت از وجود یک ارتباط تشکیلاتی قوی در این زمینه میکند.
- اگر چه موضوع اعتبارنامه اینجانب قابل برگشت نیست ولی سوال اساسی در ذهن باقی میماند آیا شایسته است با کسی که سالها در بالاترین مسئولیتهای مهم ملی و محرمانه قرار دارد و در انظار عموم مردم یک مدیر و کارشناس سالم مطرح بوده و مورد اعتماد مردم قرار گرفته است با اینگونه موارد که معمولاً کاربرد محلی دارد برخورد کرده و حق خود و موکلینش ضایع گردد. امیدوارم اینگونه موارد برای دیگر افرادی که میتوانند خدمتگاری صادق برای کشورشان باشند تکرار نشود.

مستدعیست دستور فرمایید برای اداء حقوق اینجانب و موکلینم این نامه مورد توجه و اقدام قرار گیرد.

ارجمت غلام رضا تاج گردون پور
رئیس هیئت مدیره

ردنورث

کامران محترم وزیر اطلاعات جهت استحضار و دستور اقدام

کامران آیت الله عینی مدیر هیئت مدیره شورای نگهبان جهت استحضار

کامران دکتر کدخدایی عضو و قائم مقام شورای نگهبان جهت استحضار و بذل فرجه

بِسْمِ تَعَالَى

ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ - جبهت الاسلام و المسلمین پشاور

باسلام و احترام

غلامرضا تاج گردون

تصرفیه طبق ماده ۲۸ قانون آئین نامه داخلی:

چنانچه حریک از نمایندگان به اعتبارنامه ای معترضین باشند ظرف مدت ۳ روز از تاریخ انتشار فرست مذکور حد اکثر تا پایان اداری روز سوم موظف است اعتراض کتبی خود را به انضمام مدارک و اسناد مربوط به شعبه ذی ربط تقدیم می کند.

تجربه اذ شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا عادت شده آن بعد از اعلام جبهت انتخابات را احراز کند.

در جریان بررسی اعتبارنامه اینجانب معترضین نسبت به اعتبارنامه اینجانب اعتراض خود را در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۰ (پنجم روز سوم) به شعبه ارازم و شعبه مادر خواست از حیث ریزه به شماره ۱۰۶۴۲ مورخ ۹۹/۰۳/۱۰ خوانسار استعلام از شورای محترم نگهبان گردید و حیث ریزه شورای نگهبان پاسخ لازم را به مجلس شورای اسلامی اعلام فرموده اند. برخلاف آئین نامه و بعد از دریافت پاسخ شورای نگهبان با استعلام ریزه محترم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۸ (۸ روز پس تاریخ اتمام دریافت مستندات معترضین) بدون طی فرآیند شعبه (شعبه مرحله قبل ماده ۲۸) رسماً بدون وجود مجوز قانونی (از شورای نگهبان استعلام نموده است.

باتوجه به ۲ تخلف آشکار نامب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی خواشنمزم با دقت و رعایت قانون و انصاف و حق موضوع بررسی و با تخلف برخورد لازم صورت پذیرد.

ارادتمند

غلامرضا تاج گردون
۱۳۹۹

بِسْمِ تَعَالَى

غلامرضا تاجگردون

حیات نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

مستفید طبق ماده ۲۸ قانون آیین نامه داخلی:

چنانچه حیک از نمایندگان به اعتبارنامه ای مترسین باشد ظرف مدت ۳ روز از تاریخ انتشار فرست مذکور حد اکثر نمایان اداری روز سوم مؤلف است اعتراض کبی خود را به انضمام مدارک و اسناد مربوط به مشید می ربط تقدیم کی کند. تبصره ۱: مشید مؤلف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا حادث شده آن بعد از اعلام جهت انجابت را ارازا کند.

در جریان بررسی اعتبارنامه اینانب مترسین نسبت به اعتبارنامه اینانب اعتراض خود را در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۰ (پلمان روز سوم) به مشید ارازا و مشید با درخواست از حیات ریزه به شماره ۱۰۶۴۲ مورخ ۹۹/۰۳/۱۰ خواستار استعلام از شورای محترم نگهبان گردید و حیات ریزه شورای نگهبان پاسخ لازم را به مجلس شورای اسلامی اعلام فرموده اند. برخلاف آیین نامه و بعد از دریافت پاسخ شورای نگهبان با استاه نائب ریزه محترم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۹/۰۳/۱۸ (۸ روز پس تاریخ اتمام دریافت سندات مترسین) بدون طی فرآیند مشید (مشید مرحله قبل ماده ۲۸) رسماً بدون وجود مجوز قانونی از شورای نگهبان استعلام نموده است.

باتوجه به ۲ تلف استخبار نائب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی خواشندم با دقت و رعایت قانون و انصاف و حق موضوع بررسی و با تلف برنخورد لازم صورت پذیرد.

ارادشند
غلامرضا تاجگردون

سال گذشته کسی که بادوستان امنیتی درازنباط بود، چند جلسه با من داشت و می گفت که نمی توانم این حرف را به تو بقبولانم و تو نمی خواهی قبول کنی. گفتم چه؟ گفت کسانی که در یک سطح قرار می گیرند بگی باید تیک آنها را بزند، تیک تو را کسی می زند؟ اصلاح طلبان می زند یا اصولگراها؟ سیاه بسج، روحانی، خامنی؟ چون ما هر چه بررسی می کنیم متوجه نمی شویم.

وزارت اطلاعات، حفاظت، شورای نگهبان، روحانی و ... همه لیولت دارند ولی این تیک مال کیه؟
گفتم تیک من مال جمهوری اسلامی است.

